جلد اول تفسیر المواهب علیه

که مجموعه احادیث صحیحه است نهایت مفید برای هر عالم و واعظ [illegible]

تصنیف العالم الکاشف السر المکتوم جامع الفضائل والکمالات [illegible]

[illegible] جناب مولانا حاجی مولوی محمد [illegible]

[illegible]

[illegible] آگاه [illegible]

[illegible] مولانا [illegible]

[illegible]

[illegible] تمام

در مطبع اسلامیه واقع حیدرآباد دکن مطبوع گردید

...ين خير المواعظ

صفحہ	مضمون
١٢٥	بَابُ مَاجَاءَ فِيْ اِثْمِ تَارِكِ الصَّلٰوةِ
١٣٠	بَابُ تَعْجِيْلِ الصَّلٰوةِ
١٣٢	بَابُ فَضْلِ الْاَذَانِ وَاِجَابَةِ الْمُؤَذِّنِ
١٣٤	بَابُ فَضْلِ الصَّلٰوةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
١٥١	بَابُ الذِّكْرِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ
١٥٥	بَابُ تَعْمِيْرِ الْمَسَاجِدِ
١٦٥	بَابُ فَضِيْلَةِ الْجَمَاعَةِ
١٧٠	بَابُ التَّرْكِ الْجَمَاعَةِ
١٧٤	بَابُ تَسْوِيَةِ الصُّفُوْفِ
١٧٨	بَابُ السُّتْرَةِ وَاِثْمِ الْمُرُوْرِ بَيْنَ يَدَيِ الْمُصَلِّيْ
١٨٠	بَابُ السُّنَنِ
١٩٢	بَابُ صَلٰوةِ التَّهَجُّدِ وَالتَّحْرِيْضِ عَلٰى قِيَامِ اللَّيْلِ
١٨٦	بَابُ صَلٰوةِ الضُّحٰى
١٩٢	بَابُ التَّطَوُّعِ
١٩٥	بَابُ الْجُمُعَةِ

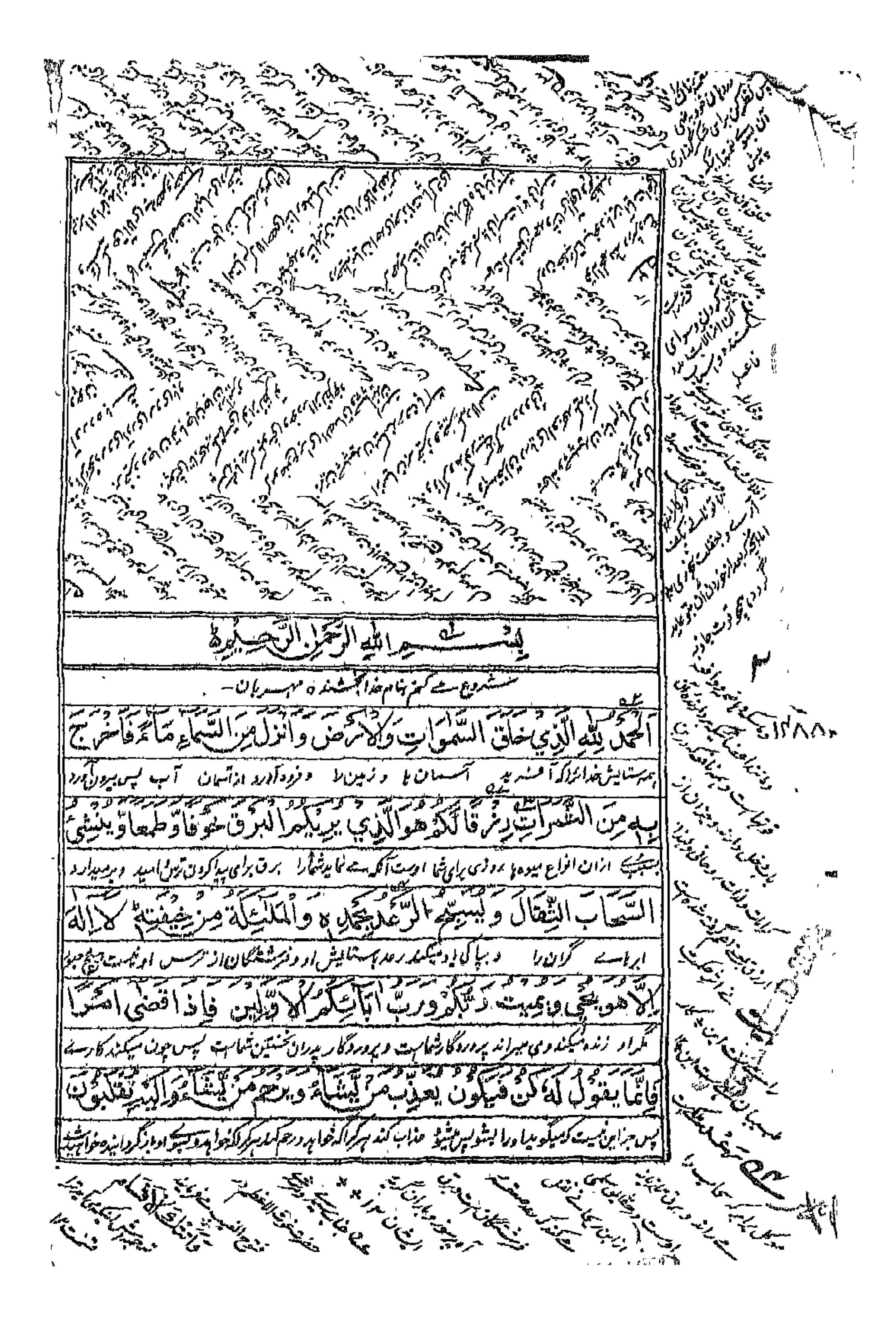
باب بيان إثم ترك الجمعة	٢٠٥
باب العيدين	٢٠٩
كتاب الجنائز	٢١٢
باب عيادة المريض	٢١٣
باب ما جاء في أجر المصائب إذا صبر عليها	٢١٩
باب تمني الموت وذكره	٢٣٤
باب ما يقال عند من حضره الموت	٢٤
باب سكرات الموت وما يلحق الميت بعد موته	٢٤٤
باب غسل الميت وتكفينه	٢٦٧
باب المشي بالجنازة والصلاة عليها	٢٦٩
باب دفن الميت	٢٧٦
باب البكاء على الميت وبيان أجر من صبر على موت أولاده	٢٧٨
باب زيارة القبور	٢٩١
كتاب الزكاة	٢٩٣
باب من لا تحل له المسألة ومن تحل له	٢٩٨
باب الإنفاق وكراهية الإمساك	٣٢٣
باب فضل الصدقة في سبيل الله تعالى	٣١٢
باب أفضل الصدقة	٣٢٧
كتاب صيام رمضان وقيام لياليه	٣٣٣
باب التسحر والإفطار	٣٤١
باب صيام التطوع	٣٤٤
باب فضيلة ليلة القدر	٣٥١
باب قيام شهر رمضان وليلة النصف من شعبان	٣٥٥
باب الاعتكاف	٣٦٠
كتاب فضائل القرآن	٣٧١
باب تفضيل فضائل سور القرآن وآياته	٣٧٤
كتاب الدعوات	٣٨٥
باب ذكر الله عز وجل والتقرب إليه	٣٩٣
باب أسماء الله الحسنى	٤٠١
باب ثواب التسبيح والتحميد والتكبير والتهليل	٤٠٧

كتاب الحج	٤١١
باب فضائل مكة زادها الله تعالى شرفا	٤١٩
باب فضائل المدينة زادها الله تعالى كرامة	٤٢٢
باب مناقب القريش والعرب	٤٢٩
في فضائل اليمن	٤٣٢
في فضل العجم	٤٣٣
في فضل الشام	٤٣٥
باب الكسب في طلب الحلال	٤٣٦
باب المساهلة في المعاملة	٤٤٥
باب الربوا	٤٤٨
باب الاحتكار	٤٥٣
باب الافلاس والانظار والتشديد في الدين	٤٥٤
باب الغصب	٤٦١
باب الاستبراء	٤٦٥
باب في الهبة والهدايا	٤٦٦
باب الوصية	٤٦٩
باب الاجارة	٤٧١
كتاب النكاح	٤٧٢
باب النظر الى المخطوبة وبيان العورات	٤٧٦
باب المباشرة	٤٨١
باب الوليمة وبيان اجابة الدعوة	٤٨٤
باب القسم	٤٨٦
باب عشرة النساء وما لكل واحدة من الحقوق	٤٨٧
باب الطلاق	٤٩٣
باب حق المملوك على السيد وحقه على المملوك	٤٩٨
كتاب العتق	٥٠٢
باب الايمان	٥٠٤
باب في النذور	٥٠٨
كتاب القصاص	٥١١
باب ما لا يضمن من الجنايات	٥١٩
باب الميسر والنرد والشطرنج والتعازير	٥٢٣
باب اقامة الحدود	٥٢٥

باب اثم الزنا	۵۲۷	باب ذكر الكلب	۶۱۱
باب اثم اللواطة	۵۳۲	باب قتل المؤذيات	۶۱۳
باب السرقة	۵۳۴	باب الاطعمة	۶۱۷
باب المسكرات ووعيد شاربها	۵۳۶	باب الاشربة وبيان اواني الذهب والفضة	۶۲۴
باب الشفاعة في الحدود	۵۴۳	باب الضيافة	۶۲۷
كتاب الامارة والقضاء	۵۴۴	باب في ذكر لباس النبي صلى الله عليه وسلم والنهي عن الاسبال والاحمر والحرير وحكم السباع وثوب الشهرة	۶۳
بيان ثواب العادلين	۵۴۵		
بيان وعيد الولاة الظالمين	۵۵۱		
بيان ما على القضاة	۵۶۰		
باب الامر بالمعروف	۵۶۲	باب الخاتم والحلي والاجراس	۶۳۷
باب الظلم	۵۶۷	باب اللحى والشوارب والنهي عن نتف الشيب وذكر الخضاب والقزع والاكتحال والمختنثين والترجل والوصل والوشم	۶۴۲
باب الغضب والكبر	۵۷۲		
كتاب الجهاد	۵۷۹		
باب ثواب الاعانة على الجهاد	۵۹۲		
باب اثم تارك الجهاد	۵۹۵	باب التصاوير	۶۵۰
باب مناقب الشهادة والشهداء	۵۹۷	باب الفال والطيرة	۶۵۳
باب اصناف الشهداء	۶۰۲	باب الكهانة	۶۵۵
كتاب الصيد والذبائح	۶۰۹	باب الرؤيا	۶۵۶



المبسوط نافع كل المتعلم



بسم الله الرحمن الرحیم

شروع میکنم بنام خدای بخشنده و مهربان

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وانزل من السماء ماء فاخرج

همه ستایش خدا راست که آفرینند آسمانها و زمین را و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد

به من الثمرات رزقا لكم هو الذي يريكم البرق خوفا وطمعا وينشئ

بسبب آن از انواع میوه ها روزی برای شما اوست آنکه مینماید شما را برق برای ترسانیدن و امید و بر میدارد

السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته لا اله

ابرهای گران را و بپاکی یاد میکند رعد با ستایش او و فرشتگان از ترس او نیست هیچ معبود

الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين فاذا قضى امرا

مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شماست و پروردگار پدران نخستین شماست پس چون میکند کاری

فانما يقول له كن فيكون يعذب من يشاء ويرحم من يشاء واليه تقلبون

پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود عذاب کند هر کرا خواهد و رحم کند هر کرا خواهد و بسوی او بازگردانیده خواهید شد

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا

او آنست که ساخت آفتاب را درخشنده و ماه را روشن و مقرر ساخت برای او منزل ها تا بدانید

عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ

شمار سالها و حساب را اگر خواهد دور کند شما را ای مردمان و بوجود آرد دیگران را

وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ

و هست خدا بر این کار توانا بسیار با برکت است آنکه فرود آورد فرقان را بر بندهٔ خویش

لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي

تا باشد ترساننده عالمیان را هر آئینه آمد شما را از جانب خدا نوری و کتابی روشن . بسبب آن هدایت

بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

می نماید خدا کسی را که طلب رضا کرد بسوی راه نجات و بیرون می آرد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنی

بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ

بحکم خود و راه می نماید ایشان را بسوی راه راست هر آئینه نعمت فراوان داد خدا بر مؤمنان آنگاه که فرستاد

فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

درمیان ایشان پیغمبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان آیتهای خود و پاک میسازد ایشان را و می آموزاند ایشان را

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ فَآمِنُوا

کتاب و علم و هر آئینه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر پس ایمان آرید

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ

بخدا و به پیغمبر او که نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدا را و سخنان او را و پیروی کنید او را تا بود که شما

تَهْتَدُونَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ

راه یاب شوید محمد پیغمبر خدا است و آنانکه همراه وی اند سخت اند بر کافران مهربان اند

بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ

درمیان خود می بینی ایشان را رکوع کنندگان و سجده نمایندگان می طلبند فضل را از خدا و خوشنودی را نشان صلاح ایشان

فی وجوههم من اثر السجود ان الله وملٰئکته یصلون علی النبی

در روی ایشان است از اثر سجود هر آئینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر

یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما والسابقون الاولون

ای مسلمانان درود فرستید بروی و سلام سلام گفتنی و سبقت کنندگان نخستیان

من المهاجرین والانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم

از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان کردند بنیکوکاری خوشنود شد خدا از ایشان

ورضوا عنه واعد لهم جنٰت تجری تحتها الانهار خالدین فیها

و خوشنود شدند ایشان ازوی و آماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود زیر آن جویها جاوید باشند در آنجا

ابدا ذلک الفوز العظیم ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا

همیشه اینست فیروزی بزرگ ای پروردگار بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کردند با

بالایمان ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا انک علی کل شیء قدیر

بایمان آوردن ای پروردگار ما تمام کن مارا نور ما و بیامرز مارا هر آئینه تو بر هر چیز توانا است

فی ثناء الله جل ذکره وعز اسمه

الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی الاخرة

همه ستایش خدا راست که مر اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر او راست ستایش در آخرت

وهو الحکیم الخبیر یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل

و اوست با حکمت آگاه میداند آنچه درمی آید بزمین و آنچه برمی آید ازوی و آنچه فرود می آید

من السماء وما یعرج فیها وهو الرحیم الغفور بدیع السموات

از آسمان و آنچه بالا میرود در وی و اوست مهربان آمرزنده آفریننده آسمانها

والارض واذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون وهو

و زمین است و چون میکند کاری پس جز این نیست که میگوید او را بشو پس میشود و اوست

القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير وهو الذي ينزل الغيث

قاهر است بر بندگان خود و اوست با حکمت دانا و اوست آنکه فرو می آرد باران

من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد ومن آياته خلق

پس از آنکه نا امید شدند و پراکنده می سازد رحمت خود را و اوست سازنده کار ستوده و از نشانهای او

السموات والأرض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم إذا يشاء

آفریدن آسمانها و زمین و آنچه پراکنده کرده است در میان آنها از جانوران و او بر جمع کردن ایشان

فلله رب السموات والأرض وما بينهما الكريم من فيهن يسأله

تواناست پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه در میان آنهاست آنکه ایمان آرند او را سوال

من في السموات والأرض كل يوم هو في شأن وسخر لكم

می کنند از خدا هر که در آسمانها و زمین است هر روز خدا در حالتی است و رام ساخت برای شما

الفلك لتجري في البحر بأمره وسخر لكم الأنهار وسخر لكم

کشتی را تا برود در دریا بحکم او و رام ساخت برای شما جوی ها را و رام گردانید برای شما

الشمس والقمر دائبين وسخر لكم الليل والنهار وآتاكم من كل

آفتاب و ماه را همیشه روندگان و رام ساخت برای شما شب و روز و داد شما را از هر چه

ما سألتموه تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها سراجا

خواستید از او پاک است آنکه ساخت در آسمان برجها را و ساخت در او چراغ

وقمرا منيرا إن الله لا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في

و ماه روشن هر آینه خدا پوشیده نمی شود بر وی چیزی در زمین و نه در

السماء هو الذي يصوركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو

آسمان او آنست که صورت می بندد شما را در رحم ها چنانکه می خواهد نیست معبودی

العزيز الحكيم والله أخرجكم من بطون

سوای او غالب با حکمت است و خدا بیرون آورد شما را از شکم

أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

مادران شما نمیدانستید چیزی را و ساخت برای شما شنوائی و چشمها و دلها

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنْ تَكْفُرُوا

شاید شما شکر کنید و اگر بشمارید نعمت خدا را احاطه نتوانید کرد اگر کفران نعمت

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ

کنید شما و هر که در زمین است همه پس هر آینه خدا توانگر ستوده شده اگر خواهد ببرد

وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ وَلَوْ شَاءَ

شما را و بیارد آفرینش نو و نیست این کار بر خدا دشوار * و اگر خواستی

رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

پروردگار تو هر آینه ایمان آوردندی آنانکه در زمین اند همه ایشان هر آینه خدا میکند آنچه میخواهد

وَهُوَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ وَإِنْ

و او دانا است بآنچه میکنند * و هر که را خوار کند خدا پس نیست او را هیچ گرامی دارنده و اگر

يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ

برساند بتو خدا رنج پس هیچ دفع کننده نیست او را مگر او و اگر نعمت رساند بتو

بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ

پس او بر همه چیز توانا است * بگو بار خدایا ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی

مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ

هر کرا خواهی و باز میگیری پادشاهی از هر که میخواهی و عزت میدهی هر کرا خواهی و خوار میسازی

تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي

خواهی بدست تست نیکی * هر آینه تو بر همه چیز توانا هستی * در می آری شب را در

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ

روز و در می آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هر

بِغَيْرِ حِسَابٍ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ

بی شمار و می فرستد صاعقها پس میرساند آنرا به که خواهد و کافران مجادله می

فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ

در باب خدا و او سخت کننده عقوبت است دانا ست به نهان و آشکارا بزرگست بلند قدر

مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ

یکسانست از شما آنکه پوشیده سخن را و آنکه بلند گوید آنرا و آنکه وی پنهان است در شب و ظاهر

بِالنَّهَارِ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ

در روز برای او فرشتگانند از پی یکدیگر میان پیش و پس او نگاه میدارند او را

أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَهُوَ

بحکم خدا هر آینه خدا بدل نمی کند حال قومی را تا وقتیکه ایشان بدل کنند

الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ

... و او ست غالب بر بندگان خود و میفرستد بر شما نگاهبانان تا وقتیکه بیاید یکی

الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ

از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان تقصیر نمی کنند پس باز گردانیده شوند

الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ

ایشان که حق است بدانید مر او راست حکم و او شتابنده حساب کنندگانست و روزیکه

يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ

گویا درنگ نکرده بودند مگر ساعتی از روز ... و نشناختند خدا را

حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ

حق شناختن او و حال آنکه زمین همه یکجا در مشت او باشد روز قیامت و آسمانها پیچیده

بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ

در دست راست او پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک او مقرر می کنند و دمیده شود در صور پس بیهوش گردد

مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ

هر که در آسمانها و هر که در زمین هست مگر آنکه خدا خواسته باشد پس دمیده شود در وی

أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ

بار دیگر پس ناگهان ایشان ایستادگان نگاه می کنند و روشن شود زمین بنور پروردگار خود و نهاده شود

الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

نامه اعمال و آورده شود پیغامبران و گواهان و حکم کرده شود میان ایشان براستی و ایشان ستم کرده نشوند

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ

و تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و خدا داناتر است بآنچه می کنند بدرستی که خدا ستم نمی کند

النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ

بمردمان هیچ ولیکن مردمان بر خویشتن ستم می کنند بلکه کیست کسی که گردانید زمین را قرارگاه

جَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا

و پیدا کرد درمیان آن جویها و پیدا کرد برای زمین کوهها و پیدا کرد میان دو دریا حجابی

أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ

آیا معبودی دیگر هست با خدا بلکه بیشترین ایشان نمی دانند بلکه کیست که قبول می کند دعای بیچاره را چون بخواند او را

وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا

و دور می کند سختی و میگرداند شما را جانشینان در زمین آیا معبودی هست دیگر با خدا اندکی

تَذَكَّرُونَ أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ

پند می گیرید بلکه کیست که راه می نماید شما را در تاریکی های بیابان و دریا و کیست که می فرستد بادها

بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَٰهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

مژده دهنده پیش از رحمت او آیا معبودی هست با خدا برتر است خدا از آنکه شریک می کنند

أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

بلکه کیست که پیدا کرد خلق را ابتدا باز گرداند او را و کیست که روزی می دهد شما را از آسمان و زمین

عَ اِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ وَلَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَّالْبَحْرُ يَمُدُّهٗ

آیا معبودی هست با خدا اگر آنچه در زمین هست از درختان قلمها شوند و دریا سیاهی آن شده

مِنْ بَعْدِهٖ سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ

از پس او هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنان خدا هر آینه خدا غالب با حکمت است

فَسُبْحٰنَ الَّذِيْ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ○

پس پاکست آنکه بدست اوست بادشاهی هر چیز و بسوی او باز گردانیده شوید

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ مِائَةَ رَحْمَةٍ اَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَّاحِدَةً بَيْنَ الْجِنِّ

وسلم مر خدای تعالی راست صد رحمت فرود آورده است از آن صد رحمت یک رحمت را میان

وَالْاِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا يَتَعَاطَفُوْنَ وَبِهَا يَتَرَاحَمُوْنَ

پریان و میان و آدمیان چار پایان و جنبندهای روی زمین بآن رحمت آنها مهربانی میکنند بر یکدیگر

وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلٰى وَلَدِهَا وَاَخَّرَ اللّٰهُ تِسْعًا وَّتِسْعِيْنَ رَحْمَةً

و با رحمت می بخشایند بر یکدیگر و بآن رحمت مهربانی میکنند جانوران دشتی بر فرزندان خود و واپس گذاشته است خدای تعالی نود و نه رحمت

يَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِّمُسْلِمٍ عَنْ

که رحم میکند بآن رحمتها بندگان خود را روز قیامت متفق علیه و در روایتی مر مسلم را از سلمان فارسی

سَلْمَانَ نَحْوَهٗ وَفِيْ اٰخِرِهٖ قَالَ فَاِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ اَكْمَلَهَا بِهٰذِهِ الرَّحْمَةِ

مانند این آمده است و در آخرش این عبارت است که گفت پس چون باشد روز قیامت تمام میکرداند آنرا باین یک رحمت

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از وی رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغامبر خدا رحمت خدا باد بر وے

وَسَلَّمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مِنَ الْعُقُوْبَةِ مَا طَمِعَ بِجَنَّتِهٖ

و سلام اگر بداند مومن چیزی را که نزد خداست از عذاب طمع نکند به بهشت خدا

أَحَدٌ وَلَوْ يَعْلَمُ الْكَافِرُ مَا عِنْدَ اللّٰهِ مَا قَنَطَ مِنْ جَنَّتِهِ أَحَدٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

کسی از مؤمنان و اگر بداند کافر چیزی را که نزد خداست از رحمت ناامید نگردد از بهشت او هیچ یکی از کافران

وَعَنْهُ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يَدُ اللّٰهِ مَلْأَى لَا تَغِيضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ

دست عنایت خدا پر است کم نمیسازد او را هیچ نفقه عطای ریزنده و سیل کننده در شب و روز

مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَدِهِ وَكَانَ عَرْشُهُ

آیا دیدید چه خدا انفاق کرد و عطا کرده است وی تعالی از آن باز که پیدا کرده است آسمان و زمین را پس بدرستی که عطا او کم نساخت چیزی را

عَلَى الْمَاءِ وَبِيَدِهِ الْمِيزَانُ يَخْفِضُ وَيَرْفَعُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و بود عرش او پیش از پیدا کردن آسمان و زمین بر آب و بدست او است ترازو پست میکند و بلند میکند

وَعَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ قَالَ قَامَ فِينَا رَسُولُ اللّٰهِ

روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله تعالی عنه گفت ایستاد میان ما پیغمبر خدا صلی الله علیه

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِخَمْسِ كَلِمَاتٍ فَقَالَ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَنَامُ وَ

وسلم برای وعظ و تذکیر به پنج سخن پس گفت آنحضرت بدرستی که خدا نمی‌خوابد

لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنَامَ يَخْفِضُ الْقِسْطَ وَيَرْفَعُهُ يُرْفَعُ إِلَيْهِ عَمَلُ

و سزاوار نیست او را که خواب کند پست میکند ترازو را و بالا میبرد او را برداشته میشود بسوی درگاه وی عمل

اللَّيْلِ قَبْلَ عَمَلِ النَّهَارِ وَعَمَلُ النَّهَارِ قَبْلَ عَمَلِ اللَّيْلِ حِجَابُهُ النُّورُ

شب پیش از عملهای روز و برداشته میشود عمل روز پیش از عمل شب پرده حق تعالی نور است

لَوْ كَشَفَهُ لَأَحْرَقَتْ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ مَا انْتَهَى إِلَيْهِ بَصَرُهُ

اگر برداشتی این پرده را هرآینه بسوختی انوار روی وی هر چیز را که رسیده بسوی آن چشم بصر خدا

مِنْ خَلْقِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

که مخلوق خدا باشد رواه مسلم و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول الله تعالى يا عبادي كلكم ضال

صلى الله عليه وسلم میگوید خدای تعالی ای بندگان من همه شما گمراهید

إلا من هديت فاسئلوني الهدى أهدكم وكلكم فقراء إلا

مگر کسی که راه نموده من او را پس سوال کنید از من راه راست بنمایم شمارا راه را و همه شما محتاج اید

من أغنيت فسئلوني أرزقكم وكلكم مذنب إلا من عافيت

مگر کسی که غنی گردانم من او را پس سوال کنید از من که روزی دهم شمارا و همه شما گناهگار اید مگر کسی که عفو کرده من

فمن علم أني ذو قدرة على المغفرة فاستغفرني غفرت له

او را پس کسیکه بداند که من خداوند قدرتم برآمرزیدن گناهان پس طلب آمرزش کند از من می آمرزم

ولا أبالي ولو أن أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم

او را و باک ندارم و اگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما

ويابسكم اجتمعوا على أتقى قلب عبد من عبادي ما زاد

و خشک شما جمع شوند به ترسنده تر دل بنده از بندگان من زیاده نگرداند

ذلك في ملكي جناح بعوضة ولو أن أولكم وآخركم وحيكم

آن در ملک من مقدار بازوی پشه و اگر بدرستی که اول شما و آخر شما و زنده شما

وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا على أشقى قلب عبد

و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند بر بدبخت ترین دل بنده

من عبادي ما نقص ذلك من ملكي جناح بعوضة ولو أن

از بندگان من کم نگرداند آن از ملک من مقدار بازوی پشه و اگر بدرستی

أولكم وآخركم وحيكم وميتكم ورطبكم ويابسكم اجتمعوا

که اول شما و آخر شما و زنده شما و مرده شما و تر شما و خشک شما جمع شوند

في صعيد واحد فسأل كل إنسان منكم ما بلغت أمنيته

در یک روی زمین پس سوال کند هر آدمی از شما چیزی که نهایت آرزوی اوست -

فَأَعْطَيْتُ كُلَّ سَائِلٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي إِلَّا كَمَا

پس بدهم هر سائل را هرچه خواهد کم نکند آن از ملک من مگر چنانکه اگر کم شود

لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ مَرَّ بِالْبَحْرِ فَغَمَسَ فِيهِ إِبْرَةً ثُمَّ رَفَعَهَا ذَلِكَ

یکی از شما در دریا پس فرو برد در آن سوزنی را پس بر دارد آن سوزن را

بِأَنِّي جَوَادٌ مَاجِدٌ أَفْعَلُ مَا أُرِيدُ عَطَائِي كَلَامٌ وَعَذَابِي كَلَامٌ

این بجهت آنست که من بخشنده ام کریم بزرگم میکنم هرچه بخواهم و دادن من سخن است و عذاب من سخن است

إِنَّمَا أَمْرِي لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ رَوَاهُ أَحْمَدُ

نیست کار من بچیزی وقتیکه خواهم مگر اینکه بگویم مر آنچیز را شو پس میشود آنچیز روایت کرد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا

این حدیث را احمد و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبد الله ابن عمر رضی الله تعالی

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَطْوِي اللهُ السَّمٰوَاتِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بپیچد خدای تعالی آسمانها را

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْيُمْنٰى ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ

روز قیامت پس بگیرد آسمانها را بدست راست خود باز میگوید منم بادشاه

أَيْنَ الْجَبَّارُونَ أَيْنَ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ يَطْوِي الْأَرَضِينَ بِشِمَالِهِ

کجا اند جبر کنندگان و کجا اند تکبر کنندگان پس بپیچد زمینها را بدست چپ خود

وَفِي رِوَايَةٍ يَأْخُذُهُنَّ بِيَدِهِ الْأُخْرٰى ثُمَّ يَقُولُ أَنَا الْمَلِكُ أَيْنَ

و در روایتی دیگر است که بگیرد آنها را بدست دیگر خود پس میگوید منم بادشاه کجا اند

الْمُتَكَبِّرُونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ قَالَ أَتَيْتُ

تکبر کنندگان روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت است از فرزند دیلمی گفت آمدم

أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ فِي نَفْسِي شَيْءٌ مِنَ الْقَدَرِ

نزد ابی ابن کعب پس گفتم مر او را بتحقیق در افتاده در دل من چیزی از شک از قضا و قدر

فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللّٰهَ اَنْ يُّذْهِبَهُ مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ اَنَّ اللّٰهَ

پس حدیثی بخوان مرا شاید که خدا تعالیٰ ببرد آن شک را از دل من پس گفت اگر هر آینه خدا تعالیٰ

عَذَّبَ اَهْلَ سَمٰوَاتِهِ وَاَهْلَ اَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ

عذاب بکرد تمامه آسمانها را و زمینها را عذاب کند ایشان را و حال آنکه وی غیر ظالم

لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْ اَعْمَالِهِمْ

کننده است مر ایشان را و اگر رحمت بکرد بر آنها بود رحمت او بهتر مر ایشان را از عملهای ایشان

اَلْحَدِيْثَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَاَبُوْ دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِي ذَرٍّ

تا آخر حدیث رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه روایت است از ابی ذر

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيْمَا يَرْوِي عَنِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در آنچه روایت می کند از

اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اَنَّهُ قَالَ يَا عِبَادِي اِنِّي حَرَّمْتُ الظُّلْمَ

خدا تعالیٰ که تحقیق وی گفت ای بندگان من تحقیق که من حرام گردانیده ام ظلم را

عَلٰى نَفْسِي وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالَمُوْا يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ

بر نفس خود و گردانیده ام ظلم را در میان شما حرام پس ظلم نکنید بر یکدیگر ای بندگان من همه

ضَالٌّ اِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُوْنِي اَهْدِكُمْ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ جَائِعٌ

گمراهید مگر کسیکه راه نمودم او را پس طلب هدایت کنید از من که هدایت کنم شما را ای بندگان من همه شما گرسنه

اِلَّا مَنْ اَطْعَمْتُهُ فَاسْتَطْعِمُوْنِي اُطْعِمْكُمْ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ عَارٍ

مگر کسیکه طعام بخورانم او را پس طلب طعام کنید از من که طعام کنم شما را ای بندگان من همه شما برهنه اید

اِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ فَاسْتَكْسُوْنِي اَكْسُكُمْ يَا عِبَادِي اِنَّكُمْ

مگر کسی که جامه پوشانم او را پس طلب کسوت کنید از من که کسوت دهم شما را ای بندگان من تحقیق شما

تُخْطِئُوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاَنَا اَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا

گناه میکنید شب و روز و من می آمرزم همه گناهان را

فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا

پس طلب آمرزش کنید از من که بیامرزم مر شما را ای بندگان من تحقیق که شما هرگز نمی رسید

ضَرِّي فَتَضُرُّونِي وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي يَا عِبَادِي

زیان مرا تا که گزند رسانید مرا و هرگز نمی رسید سود مرا تا سود رسانید مرا ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَتْقَى

اگر باشند اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر پرهیزگارترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذٰلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یک مرد از شما زیاده نمی کند آن در ملک من چیزی را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما باشند بر گناه کننده ترین

قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا يَا عِبَادِي

دل یکمرد از شما کم نه کند آن از ملک من چیزے را ای بندگان من

لَوْ أَنَّ أَوَّلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ

اگر باشند اینکه اول شما و آخر شما و آدمیان شما و جنیان شما بایستند در یکروی زمین

وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَا نَقَصَ ذٰلِكَ مِمَّا

پس سوال کنند مرا پس بدهم هر آدمی را کم نکند آن از آنچه

عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمِخْيَطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ

نزد من است مگر چنانچه کم میکند سوزن چون در آورده شود در دریا ای بندگان من نیست آن

أَعْمَالُكُمْ أُحْصِيهَا عَلَيْكُمْ ثُمَّ أُوَفِّيكُمْ إِيَّاهَا فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا

عملهای نیک و بد مگر عملهاے که می شمارم بر شما پس تمام میدهم شما را جزای آن اعمال پس کسیکه بیابد نیکی را

فَلْيَحْمَدِ اللّٰهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذٰلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس باید که شکر کند خدا را و کسیکه بیابد غیر نیکی را پس باید که نکوهش نکند مگر نفس خود را رواه مسلم

فی مدح النبی القریشی الهاشمی المکی صلوة الله وسلامه علیه وعلی آله وصحبه

لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص
البته تحقیق آمده است شما را پیغمبری از قبیله شما دشوار است بروی رنج شما حریص است

علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم وما ینطق عن الهوی ان
بر هدایت شما بمسلمانان شفقت کننده مهربان است و سخن نمیگوید از خواهش نفس نیست

هو الا وحی یوحی قال الله تعالی انا ارسلناک بالحق بشیرا
آن سخن مگر وحی که بسوی او فرستاده میشود فرمود خدای تعالی هر آئینه ما فرستادیم ترا بحق مژده دهنده

ونذیرا ولا تسئل عن اصحب الجحیم وانزل الله علیک الکتب
و ترساننده و پرسیده نخواهی شد از اهل دوزخ و فرود آورده است خدا بر تو کتاب

والحکمة وعلمک ما لم تکن تعلم وکان فضل الله علیک
و دانش و آموخته است ترا آنچه نمیدانستی و هست فضل خدا بر تو

عظیما وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی وما کان الله
بزرگ و نه افگندی تو وقتیکه افگندی ولیکن خدا افگند و نیست خدا که عذاب کند

لیعذبهم وانت فیهم وما ارسلناک الا رحمة للعالمین
ایشان را و تو در میان ایشان باشی و نه فرستادیم ترا مگر رحمت برای عالمیان -

یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا ومبشرا ونذیرا وداعیا
ای پیغامبر هر آئینه فرستادیم ترا گواهی دهنده و مژده دهنده و ترساننده و خواننده

الی الله باذنه وسراجا منیرا وبشر المؤمنین بان لهم
بسوی خدا بحکم او و چراغ روشن و بشارت ده مومنان را بآنکه ایشان را

مِّنَ اللهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللهِ إِلَيْكُمْ
از جانب خدا بخشایش بزرگ بگو که ای مردمان هر آینه من فرستاده خدا ام بسوی
جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
همه شما آن خدا آنکه او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست معبود مگر او زنده میکند
يُحْيِي وَيُمِيتُ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ
و می میراند اوست آنکه برانگیخت در ناخواندگان پیغامبر را از قوم ایشان
يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
که میخواند بر ایشان آیات او را و پاک میکند ایشانرا و می آموزد ایشانرا کتاب و دانش
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ
و اگرچه ایشان بودند پیش ازین در گمراهی ظاهر هر آینه خدا و فرشتگان او درود
يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
میخوانند بر پیغامبر ای مسلمانان درود بخوانید بروی و سلام گوئید سلام گفتنی
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از ابی هریره رض که گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم
أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ
من سردار فرزندان آدمم روز قیامت و نخست کسی ام که شگافته خواهد شد از وی قبر
وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ
و من نخستین شفاعت کننده ام و نخستین کسیکه قبول کرده شود شفاعت وی رواه مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت
قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم من بهتر فرزندان آدمم روز قیامت
وَلَا فَخْرَ وَبِيَدِي لِوَاءُ الْحَمْدِ وَلَا فَخْرَ وَمَا مِنْ نَبِيٍّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ
و نمیگویم این را بطریق فخر و بدست من است رایت حمد و نیست فخر و نیست هیچ پیغمبری در روز قیامت چه آدم

وَمَنْ سِوَاهُ اِلَّا تَحْتَ لِوَائِي وَاَنَا اَوَّلُ مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْاَرْضُ

وجز سوای اوست مگر آنکه در زیر لوای من در آید و من آنم که نخستین شگافته شود از وی زمین

وَلَا فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

ونیست فخر روایه ترمذی و روایت است از جابر که آنحضرت صلی الله علیه

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَنَا قَائِدُ الْمُرْسَلِيْنَ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا خَاتَمُ

وسلم فرمود من پیشوا سے مرسلینم ونیست فخر و من خاتم

النَّبِيِّيْنَ وَلَا فَخْرَ وَاَنَا اَوَّلُ شَافِعٍ وَّمُشَفَّعٍ وَلَا فَخْرَ

الانبیا ام ونیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده شده ام و نیست فخر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

رواه ترمذی و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ النَّاسِ خُرُوْجًا اِذَا بُعِثُوْا وَاَنَا

علیه وسلم من نخستین مردمم از روی بیرون آمدن از قبر وقتیکه برانگیخته شوند از قبر و من

قَائِدُهُمْ اِذَا وَفَدُوْا وَاَنَا خَطِيْبُهُمْ اِذَا اَنْصَتُوْا وَاَنَا مُسْتَشْفِعُهُمْ

پیشوای مردمم وقتیکه بیایند بدرگاه خدا و من خطبه خواننده ایشانم وقتیکه تکلم نتوانند کرد و من طلب کننده

اِذَا حُبِسُوْا وَاَنَا مُبَشِّرُهُمْ اِذَا اَيِسُوْا اَلْكَرَامَةُ وَالْمَفَاتِيْحُ

شفاعت ایشان بسوی خدا وقتیکه حبس کرده شوند مردم و من بشارت دهنده ام مردم را وقتیکه نومید شوند بزرگی و کلیدها

يَوْمَئِذٍ بِيَدِيْ وَلِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِيْ وَاَنَا اَكْرَمُ وُلْدِ

آن روز بدست من باشد ولوای حمد در آن روز بدست من باشد و من بزرگترین فرزندان

اٰدَمَ عَلٰى رَبِّيْ يَطُوْفُ عَلَيَّ اَلْفُ خَادِمٍ كَاَنَّهُمْ بَيْضٌ مَّكْنُوْنٌ

آدمم نزد پروردگار خود گرد من میگردند هزار خادم گویا این خادمان بیضهای پوشیده اند

اَوْ لُؤْلُؤٌ مَّنْثُوْرٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْهُ

یا مروارید های پراگنده شده روایت کرد این را ترمذی و دارمی و روایت است ازوی

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا اَوَّلُ شَفِيْعٍ فِي

گفت فرمود پیغامبر صلی الله علیه وسلم من نخستین کسی ام که شفاعت کنده در

الْجَنَّةِ لَمْ يُصَدَّقْ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ مَا صُدِّقْتُ وَاِنَّ مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

بهشت تصدیق کرده نشد هیچ پیغامبر از پیغامبران آنقدر که تصدیق کرده شدم و تحقیق از جمله پیغامبران

نَبِيًّا مَا صَدَّقَهٗ مِنْ اُمَّتِهٖ اِلَّا رَجُلٌ وَّاحِدٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پیغمبری است که تصدیق نکرد او را از امت وی مگر یک مرد رواه مسلم و روایت است

جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ رض قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

از جبیر ابن مطعم رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میفرمود

اِنَّ لِيْ اَسْمَاءً اَنَا مُحَمَّدٌ وَاَنَا اَحْمَدُ وَاَنَا الْمَاحِي الَّذِيْ يَمْحُو اللّٰهُ

تحقیق که مرا نامهاست من محمدم و من احمدم و من ماحی ام آنکه محو میکند خدا

بِيَ الْكُفْرَ وَاَنَا الْحَاشِرُ الَّذِيْ يُحْشَرُ النَّاسُ عَلٰى قَدَمِيْ وَاَنَا

بوجود من کفر را و نام من حاشر است که برانگیخته شوند مردم بر قدم من و نام من

الْعَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِيْ لَيْسَ بَعْدَهٗ نَبِيٌّ متفق عليه وَعَنْ

عاقب است و عاقب آنکه نیست پس از وی پیغمبری متفق علیه است و روایت است

اَبِيْ هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهٗ قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَحْمَةٌ

از ابی هریره رض از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق آنحضرت فرمود جز این نیست که من رحمت

مُهْدَاةٌ رواه الدارمي والبيهقي في شعب الايمان وَعَنْ عَمْرِو

در راه یافته شده رواه دارمی و البیهقی در شعب الایمان و روایت است از عمر

بْنِ قَيْسٍ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ نَحْنُ

بن قیس تحقیق که پیغمبر خدا صلی علیه وسلم فرمود ما در ظهور

الْاٰخِرُوْنَ وَنَحْنُ السَّابِقُوْنَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاِنِّيْ قَائِلٌ قَوْلًا غَيْرَ فَخْرٍ

پستر آمدیم و در مرتبه سابق آییم روز قیامت و تحقیق من گوینده ام گفتاری بی تفاخر

إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللهِ وَمُوسَى صَفِيُّ اللهِ وَأَنَا حَبِيبُ اللهِ وَمَعِي

که ابراهیم خلیل الله است و موسی برگزیده خداست و من محبوب خدا ام و با من باشد

لِوَاءُ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَإِنَّ اللهَ وَعَدَنِي فِي أُمَّتِي وَأَجَارَهُمْ

لوای حمد روز قیامت و بتحقیق خدای تعالی وعده کرد مرا در باب امتان و امان داد ایشان را

مِنْ ثَلٰثٍ لَا يَعُمُّهُمْ بِسَنَةٍ وَلَا يَسْتَأْصِلُهُمْ عَدُوٌّ وَلَا يَجْمَعُهُمْ

از سه چیز و نگیرد ایشان را بقحط سال و هلاک نگرداند ایشان را دشمنان و جمع نمی کند

عَلٰى ضَلَالَةٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ إِنَّ اللهَ تَعَالٰى

ایشان را بر گمراهی روایت کرده دارمی روایت است از ابن عباس رض گفت تحقیق که خدای تعالی

فَضَّلَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَعَلٰى أَهْلِ السَّمَاءِ

فضیلت داد آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بر پیغمبران و بر اهل آسمان

فَقَالُوا يَا أَبَا عَبَّاسٍ بِمَ فَضَّلَهُ عَلٰى أَهْلِ السَّمَاءِ قَالَ إِنَّ اللهَ تَعَالٰى

گفتند ای ابا عباس بچه چیز فضل داد خدا آنحضرت را بر اهل آسمان گفت تحقیق که خدای تعالی

قَالَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ

فرمود فرشتگان را این کلام و کسی که گوید از فرشتگان که من خدا ام جز خدا پس آنکس را باتش

نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِينَ وَقَالَ اللهُ تَعَالٰى لِمُحَمَّدٍ

میدهیم او را دوزخ همچنین باتش میدهیم ظالمان را و فرمود خدای تعالی مر آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِّيَغْفِرَ لَكَ اللهُ

صلی الله علیه وسلم را تحقیق که فتح دادیم ترا فتح ظاهر تا بیامرزد مر خدای تعالی

مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ قَالُوا وَمَا فَضْلُهُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ

هرچه پیش رفته از گناه تو و هر چیز که پس آید گفتند و چیست فضل محمد بر انبیا

قَالَ قَالَ اللهُ تَعَالٰى وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ

گفت فرمود خدای تعالی و نفرستادیم ما هیچ پیغامبر را مگر بزبان قوم او

لیبین لهم فیضل الله من یشاء الآیة وقال الله تعالی لمحمد صلی الله

تا بیان کند برای قوم خود پس گمراه میکند خدا هر کرا میخواهد تا تمام آیت و گفت خدا تعالی مر محمد صلی الله

علیه وسلم وما ارسلناک الا کافة للناس فارسله الی الجن

علیه و سلم را و نفرستادیم ترا مگر برای کافه آدمیان پس ارشاد خدا ایشان را سوی پری

والانس رواه الدارمی وعن العباس انه جاء الی النبی صلی الله

و آدمیان رواه دارمی و روایت است از عباس رض که وی آمد سوی آنحضرت صلی الله

علیه وسلم فکانه سمع شیئا فقام النبی صلی الله علیه وسلم علی المنبر

علیه وسلم پس گویا که عباس شنیده بود چیزی را پس ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر منبر

فقال من انا فقالوا انت رسول الله صلی الله علیه وسلم قال انا

پس فرمود کیستم من پس گفتند صحابه تو پیغمبر خدائی صلی الله علیه وسلم فرمود من

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ان الله خلق الخلق فجعلنی فی

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ام تحقیق که خدای تعالی پیدا کرد خلق را پس گردانید مرا

خیرهم ثم جعلهم فرقتین فجعلنی فی خیرهم فرقة ثم جعلهم

مرا در بهترین ایشان پس گردانید آدمیان را دو گروه پس گردانید مرا در بهترین فرقه ایشان پس گردانید ایشانرا

قبائل فجعلنی فی خیرهم قبیلة ثم جعلهم بیوتا فجعلنی

قبیله پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی قبیله پس گردانید ایشانرا خانه ها پس گردانید مرا

فی خیرهم بیتا فانا خیرهم نفسا وخیرهم بیتا رواه الترمذی

در بهترین خانه های ایشان پس من بهترین ایشانم از روی نفس و بهترین ایشانم از روی خانه رواه ترمذی

وعن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم مثلی

و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مثال من

ومثل الانبیاء کمثل قصر احسن بنیانه ترک منه موضع

و مثل پیغمبران سابق همچو مثل کوشکی است که نیکو کرده شد بنای او گذاشته شد از ان جایی

لَبِنَةٍ فَطَافَ بِهِ النُّظَّارُ يَتَعَجَّبُونَ مِنْ حُسْنِ بُنْيَانِهِ إِلَّا مَوْضِعَ

خشتی پس گرد اگرد آن گشتند نظر کنندگان در حالیکه تعجب میکردند از خوبی بناے آن مگر جاے

تِلْكَ اللَّبِنَةِ فَكُنْتُ أَنَا سَدَدْتُ مَوْضِعَ اللَّبِنَةِ خُتِمَ بِيَ

آن خشت که خالی مانده پس بودم من که بستم جاے آن خشت را ختم کرده شد بمن

الْبُنْيَانُ وَخُتِمَ بِيَ الرُّسُلُ وَفِي رِوَايَةٍ فَأَنَا اللَّبِنَةُ وَأَنَا خَاتَمُ

بنا و ختم کرده شد بمن پیغمبران و در روایت دیگر پس منم مثل آن خشت و من ختم کننده

النَّبِيِّينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

پیغمبران ام متفق علیه است و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آتِي بَابَ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَأَسْتَفْتِحُ

صلے الله علیه وسلم می آیم در بهشت را روز قیامت پس طلب کنم کشادن در را

فَيَقُولُ الْخَازِنُ مَنْ أَنْتَ فَأَقُولُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُ

پس میگوید داروغه بهشت که تو کیستی پس میگویم من محمدام صلے الله علیه وسلم پس میگوید آن داروغه

بِكَ أُمِرْتُ أَنْ لَا أَفْتَحَ لِأَحَدٍ قَبْلَكَ رواه مسلم وَعَنِ الْعِرْبَاضِ

بسبب تو امر کرده شدم که نه کشایم براے کسے پیش از تو رواه مسلم و روایت است از عرباض

بْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ

ابن ساریه رض از پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم بتحقیق آنحضرت فرموده

إِنِّي عِنْدَ اللهِ مَكْتُوبٌ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِنَّ آدَمَ لَمُنْجَدِلٌ

که بتحقیق من نزد خدا نوشته شده ام خاتم پیغمبران حال آنکه آدم هرآینه افتاده بود

فِي طِينَتِهِ وَسَأُخْبِرُكُمْ بِأَوَّلِ أَمْرِي دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ وَبِشَارَةُ

در گل خود و قریب است که خبر دهم شما را به نخست کار خود دعاے ابراهیم است و خوشخبری

عِيسَى وَرُؤْيَا أُمِّي الَّتِي رَأَتْ حِينَ وَضَعَتْنِي وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُورٌ

عیسی است و خواب مادر من است که دید وقتیکه زائید مرا و بتحقیق برآمد مر آنرا روشنی

أضاءت لها منه قصور الشام رواه في شرح السنة ورواه
که ظاهر شد برای آمنه از آن نور کوشکهای شام روایت کرد آنرا در شرح سنه و روایت کرد آنرا
أحمد عن أبي أمامة من قوله سأخبركم الخ وعن أبي هريرة
احمد از ابی امامه از قول او که ساخبرکم است تا آخر و در روایتست از ابی هریره
عن النبي صلى الله عليه وسلم قال فأكسى حلة من حلل
از پیغمبر صلی الله علیه وسلم گفت پس پوشانیده میشوم من حله از حله‌های
الجنة ثم أقوم عن يمين العرش ليس أحد من الخلائق
بهشت پس میایستم من از جانب راست عرش نیست کسی از خلق
يقوم ذلك المقام غيري رواه الترمذي وفي رواية
که بایستد دران مقام جز من روایت کرد ترمذی و در روایت
جامع الأصول عنه أنا أول من تنشق عنه الأرض فأكسى
جامع اصول ازوست که من اول آنکسی ام که شگافته میگردد از وی زمین پس پوشانیده میشوم
وعن أبي بن كعب عن النبي صلى الله عليه وسلم قال إذا
و در روایتست از ابی بن کعب از پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود که چون
كان يوم القيامة كنت إمام النبيين وخطيبهم وصاحب
باشد روز قیامت باشم پیشوای پیغمبران و باشم خطیب ایشان و خداوند
شفاعتهم غير فخر رواه الترمذي وعنه عن النبي صلى
شفاعت میان ایشان بی آنکه فخر کنم روایت کرد ترمذی و در روایتست از نبی صلی
الله عليه وسلم قال سلوا الله لي الوسيلة قالوا يا رسول الله
الله علیه وسلم فرمود بخواهید از خدا برای من وسیله گفتند ای پیغمبر خدا
وما الوسيلة قال أعلى درجة في الجنة لا ينالها إلا رجل
وچیست وسیله فرمود وسیله بلندترین پایه ایست در بهشت نمی یابد آنرا مگر یک مرد

وَاحِدٌ اَرْجُوْ اَنْ اَكُوْنَ اَنَا هُوَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

امید میدارم که باشم من آن مرد رواه ترمذی و روایت است از

وَاثِلَةَ بْنِ الْاَسْقَعِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

واثله بن اسقع رض گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

يَقُوْلُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى كِنَانَةَ مِنْ وُلْدِ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى

که میگفت که بتحقیق که خدا برگزید کنانه را از اولاد اسمعیل و برگزید

قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفٰى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِيْ هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِيْ

قریش را از کنانه و برگزید از قریش بنی هاشم را و برگزید مرا

مِنْ بَنِيْ هَاشِمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِلتِّرْمِذِيِّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى

از بنی هاشم رواه مسلم و در روایت ترمذی اینقدر زیاده کرد بتحقیق خدا برگزید

مِنْ وُلْدِ اِبْرَاهِيْمَ اِسْمٰعِيْلَ وَاصْطَفٰى مِنْ وُلْدِ اِسْمٰعِيْلَ بَنِيْ كِنَانَةَ

از فرزند ابراهیم اسمعیل را و برگزید از اولاد اسمعیل بنی کنانه را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنَ الْاَنْبِيَاءِ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست از پیغمبران

مِنْ نَبِيٍّ اِلَّا قَدْ اُعْطِيَ مِنَ الْاٰيَاتِ مَا مِثْلُهٗ اٰمَنَ عَلَيْهِ الْبَشَرُ

هیچ پیغمبرے مگر به تحقیق داده شد از معجزات معجزه که مثل وی مرا عجاز ایمان آورده اند بر آن آدمیان

وَاِنَّمَا كَانَ الَّذِيْ اُوْتِيْتُ وَحْيًا اَوْحَى اللّٰهُ اِلَيَّ فَاَرْجُوْ اَنْ

وجز این نیست معجزه که داده شده ام من وحی است که فرستاده است خدا بسوے من پس امید میدارم که

اَكُوْنَ اَكْثَرَهُمْ تَابِعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

باشم من اکثر پیغمبران از روی تابعان روز قیامت متفق علیه و روایت است از وی

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فُضِّلْتُ عَلَى الْاَنْبِيَاءِ

بتحقیق پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود فضیلت داده شدم من بر پیغمبران

بِسِتٍّ أُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَنُصِرْتُ بِالرُّعْبِ وَأُحِلَّتْ

بشش چیز داده شدم کلمات جامع را و نصرت داده شدم بر عب و حلال کرده شد

لِيَ الْغَنَائِمُ وَجُعِلَتْ لِيَ الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَّطَهُورًا وَأُرْسِلْتُ

برای من غنیمت ها و گردانیده شد برای من همه زمین مسجد و پاک و فرستاده شده ام

إِلَى الْخَلْقِ كَافَّةً وَخُتِمَ بِيَ النَّبِيُّونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بسوی تمام خلق و ختم کرده شدند بمن پیغمبران رواه مسلم و روایت است از

ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ

ثوبان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق خدا

زَوَى لِيَ الْأَرْضَ فَرَأَيْتُ مَشَارِقَهَا وَمَغَارِبَهَا وَأَنَّ أُمَّتِي

جمع آورد برای من زمین را پس دیدم من بلاد مشرق و مغرب را و هر آئینه امت

سَيَبْلُغُ مُلْكُهَا مَا زُوِيَ لِي مِنْهَا وَأُعْطِيتُ الْكَنْزَيْنِ

نزدیک است که رسد بادشاهی ایشان آنقدر که فراهم آورده شد برای من از زمین و داده شدم مراد و گنج

الْأَحْمَرَ وَالْأَبْيَضَ الْحَدِيثَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالُوا يَا

سرخ و سفید تا آخر حدیث و روایت است از ابی هریره رض گفت گفتند صحابه ای

رَسُولَ اللّٰهِ مَتَى وَجَبَتْ لَكَ النُّبُوَّةُ قَالَ وَآدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ

پیغمبر خدا کی لازم شد ترا نبوت فرمود درانحال که آدم میان روح

وَالْجَسَدِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ لَقِيتُ

و جسد بود رواه ترمذی و روایت است از عطاء بن یسار گفت ملاقات کردم

عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ

عبد الله ابن عمرو بن عاص را گفتم خبر ده مرا از بعض صفات

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي التَّوْرَاةِ قَالَ أَجَلْ وَاللّٰهِ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که در توریت است گفت آری سوگند بخدا

إِنَّهُ لَمَوْصُوفٌ فِي التَّوْرَاةِ بِبَعْضِ صِفَتِهِ فِي الْقُرْآنِ

تحقیق که آنحضرت وصف کرده شده است در توریت ببعض صفات وے که در قرآن است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَّمُبَشِّرًا وَّنَذِيرًا وَّحِرْزًا

ای پیغمبر ما فرستادیم ترا گواهی دهنده و بشارت دهنده و بیم کننده و پناه

لِلْأُمِّيِّينَ أَنْتَ عَبْدِي وَرَسُولِي سَمَّيْتُكَ الْمُتَوَكِّلَ لَيْسَ بِفَظٍّ

مر عرب را تو بنده خاص من و پیغمبر من هستی نام نهاده ام ترا متوکل نیست درشت خو

وَّلَا غَلِيظٍ وَّلَا صَخَّابٍ فِي الْأَسْوَاقِ وَلَا يَدْفَعُ بِالسَّيِّئَةِ

و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار و نه دور کند به بدی

السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ وَلَنْ يَقْبِضَهُ اللّٰهُ حَتّٰى يُقِيمَ

بدی را و لیکن درگذر میکند و می پوشد و هرگز قبض نمیکند خدا تعالی او را تا آنکه راست سیکرد

بِهِ الْمِلَّةَ الْعَوْجَاءَ بِأَنْ يَقُولُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَيَفْتَحُ بِهَا أَعْيُنًا

بوجود وی قوم کج را که بگویند لا اله الا الله و تا آنکه میگشاید خدا باین کلمه چشمها

وَّآذَانًا صُمًّا وَّقُلُوبًا غُلْفًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَكَذَا الدَّارِمِيُّ

کور را و گوشهاے کر را و دلهای را که در غلاف اند روایت کرده بخارے و همچنین روایت کرده دارمی

عَنْ عَطَاءٍ ابْنِ سَلَامٍ نَحْوَهُ وَعَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

از عطا بن سلام مانند آن و روایت است از جابر رض تحقیق که پیغمبر صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ بَعَثَنِي لِتَمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

علیه وسلم فرمود هر آیینه خدا فرستاده است مرا برای اتمام خوبیهاے نیک

وَكَمَالِ مَحَاسِنِ الْأَفْعَالِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

و برای کامل گردانیدن نیک اعمال رواه فی شرح السنه و روایت است از

كَعْبٍ يَحْكِي عَنِ التَّوْرَاةِ قَالَ نَجِدُ مَكْتُوبًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ

کعب رض حکایت میکند از توریت گفت که یافتیم نوشته که محمد رسول الله

عَبْدِي الْمُخْتَارُ لَا فَظٌّ وَلَا غَلِيظٌ وَلَا صَخَّابٌ فِي الْأَسْوَاقِ

بندهٔ برگزیدهٔ من است نه سخت خوی است و نه درشت سخن و نه آواز بلند کننده در بازار

وَلَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ وَلٰكِنْ يَعْفُو وَيَغْفِرُ مَوْلِدُهٗ

و پاداش نمیدهد بدی را به بدی را و لیکن محو میکند و می بخشد ولادت او

بِمَكَّةَ وَهِجْرَتُهٗ بِطَيْبَةَ وَمُلْكُهٗ بِالشَّامِ وَأُمَّتُهُ الْحَمَّادُوْنَ

در مکه است و هجرت او بمدینه و بادشاهی او در شام و امت وی بسیار حمد گویان اند

يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ يَحْمَدُوْنَ اللّٰهَ فِي كُلِّ

که حمد میگویند مر خدا را در شادی و غمی حمد میگویند مر خدا را در هر

مَنْزِلَةٍ وَيُكَبِّرُوْنَهٗ عَلٰى كُلِّ شَرَفٍ رُعَاةٌ لِّلشَّمْسِ يُصَلُّوْنَ

منزل و تکبیر میگویند خدا را در هر جای بلند رعایت کنندگان آفتاب اند

الصَّلٰوةَ إِذَا جَاءَ وَقْتُهَا يَتَأَزَّرُوْنَ عَلٰى أَنْصَا

نماز چون آید وقت نماز ازار می بندند بر نیمها

وَيَتَوَضَّئُوْنَ عَلٰى أَطْرَافِهِمْ مُنَادِيْهِمْ يُنَادِي فِي جَوِّ

و وضو میکنند بر اطراف خود آواز کنندهٔ ایشان آواز میکند در

السَّمَاءِ صَفُّهُمْ فِي الْقِتَالِ وَصَفُّهُمْ فِي الصَّلٰوةِ سَوَاءٌ لَهُمْ

آسمان و صف بستن ایشان در کارزار و صف بستن ایشان در نماز برابر است مر ایشان را

بِاللَّيْلِ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ هٰذِهٖ لَفْظُ الْمَصَابِيْحِ

در شب آوازیست مانند آواز مگس شهد این لفظ مصابیح است

وَرَوَى الدَّارِمِيُّ مَعَ تَغْيِيْرٍ يَسِيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ سَلَامٍ

و روایت کرد دارمی باندکی تغییر از عبد الله بن سلام

قَالَ مَكْتُوْبٌ فِي التَّوْرٰىةِ صِفَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت نوشته است در توریت صفت محمد صلی الله علیه وسلم

وَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يُدْفَنُ مَعَهُ قَالَ أَبُو مَوْدُودٍ وَقَدْ بَقِيَ

واینکه عیسی بن مریم دفن خواهد شد با آنحضرت گفت ابو مودود بتحقیق باقیمانده است

فِي الْبَيْتِ مَوْضِعُ قَبْرٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

در خانهٔ آنحضرت جای یک قبر روایت کرد ترمذی و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ جَلَسَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت نشسته بودند مردمان از یاران رسول خدا صلی الله علیه وسلم

فَخَرَجَ حَتَّى إِذَا دَنَا مِنْهُمْ سَمِعَهُمْ يَتَذَاكَرُونَ قَالَ بَعْضُهُمْ

پس بیرون آمد آنحضرت تا آنکه چون نزدیک شد آنحضرت ایشان را شنید اصحاب را که تذکره میکردند گفت بعض ایشان

إِنَّ اللّٰهَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَقَالَ آخَرُ مُوسَى

بتحقیق که خدا تعالی گرفت ابراهیم را دوست و گفت دیگر که موسی

كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَقَالَ آخَرُ عِيسَى كَلِمَةُ اللّٰهِ وَرُوحُهُ

سخن کرد خدا او را سخن کردنی و گفت دیگر که عیسی کلمهٔ خدا و روح خدا است

وَقَالَ آخَرُ آدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ

و گفت دیگر که آدم برگزیده ویرا خدا پس ناگاه بیرون آمد بر ایشان پیغمبر

اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ قَدْ سَمِعْتُ كَلَامَكُمْ

خدا صلی الله علیه وسلم و فرمود بتحقیق شنیدم من سخن شما را

وَعَجَبَكُمْ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَمُوسَى

و تعجب آوردن شما را که ابراهیم دوست خدا است و وی همچنین است و موسی

نَجِيُّ اللّٰهِ وَهُوَ كَذٰلِكَ وَعِيسَى رُوحُهُ وَكَلِمَتُهُ وَهُوَ

همراز خدا است و وی همچنین است و عیسی روح خدا و کلمهٔ خدا است و وی

كَذٰلِكَ وَآدَمُ اصْطَفَاهُ اللّٰهُ وَهُوَ كَذٰلِكَ أَلَا وَأَنَا حَبِيبُ اللّٰهِ

همچنین است و آدم برگزیده خدا است و وی همچنین است آگاه باشید من دوست خدا ام

وَلَا فَخْرَ وَأَنَا حَامِلُ لِوَاءِ الْحَمْدِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

ونیست فخر ومن بردارندهٔ لواے حمد روز قیامت ام

تَحْتَهُ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا أَوَّلُ

زیر آں لواے حمد آدم است وهرکه جز اوست ونیست فخر ومن اول

شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشَفَّعٍ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا

شفاعت کننده واول شفاعت مقبول کرده شده ... ست ونیست فخر ومن

أَوَّلُ مَنْ يُحَرِّكُ حَلَقَ الْجَنَّةِ فَيَفْتَحُ اللهُ لِي

اول آنم که جنبانند حلقهاے بهشت را پس بکشاید خدا براے من

فَيُدْخِلُنِيهَا وَمَعِي فُقَرَاءُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا فَخْرَ

پس آورد مرا در بهشت حال آنکه با من باشند درویشان مسلمانان ونیست فخر

وَأَنَا أَكْرَمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى اللهِ وَلَا

ومن بزرگترین اولین وآخرین ایشانم بر خدا ونیست

فَخْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ كِتَابُ الْإِيمَانِ

فخر روایت کرده ترمذی ودارمی

هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة

اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا

هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا

اوست بخشاینده مهربان اوست خدا آنکه نیست هیچ معبود مگر

هو الملك القدوس السلام المؤمن

او بادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیبها امن دهنده

المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان

نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاک

الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ

خدا را جهت از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا آفریدگار نو پیدا آرنده

المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما

صورت سازنده او راست نامهاے نیک بپاکی یاد میکنند او را هرچه

في السموات والارض وهو العزيز الحكيم

در آسمانها و زمین ہست و اوست غالب با حکمت

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا

اوست آنکه آفرید شمارا از گل باز مقرر کرد وقت مرگ

وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ۝ وَهُوَ

و مدتی معین است نزدیک او باز شما شک میکنید واوست

الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ

آنکه بیافرید برای شما شنوائی و دیدها و دلها

قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

اندکی شکر گزاری میکنید واوست آنکه پیدا کرد شمارا

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي

در زمین و بسوی او برانگیخته خواهید شد واوست آنکه

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

زنده میکند و می میراند و او راست آمد و شد شب و روز

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ قَالَ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

آیا نمی فهمید فرمود حق تعالی ای مردمان

إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

اگر در شک آیید از رستخیز پس ہر آئینہ ما

خَلَقْنَاكُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ

آفریدیم شما را از خاک باز از نطفہ باز

مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ

از خون بستہ باز از گوشت پارہ صورت دادہ

وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

و غیر صورت دادہ تا واضح سازیم برای شما و قرار میدہیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ

در رحمہا چیزے را کہ خواہیم تا میعادے

مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

معین باز بیرون مے آریم شما را کودک باز

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ

تربیت میکنیم تا برسید بنہایت جوانی خود و از شما کسے بود کہ قبض روح

پس باید کہ سالک در پیدائش خود نظر کند کہ چہ طور آفریدہ خدائے تعالیٰ از خاک باز از نطفہ باز از خون بستہ باز از گوشت پارہ و از بچگی رسانید و در نفس حقیقت سالک را بران دارد کہ باصلاح و تزکیہ اعمال مشغول شود

در نقد النصوص انسان را آیات

وَمِنكُم مَّن يُرَدُّ اِلٰٓى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا

و از شما کسی بود که باز گردانیده شود طرف بدترین عمر تا نه

يَعْلَمَ مِنْۢ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْـًٔا قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ

داند چیزی را بعد از دانستن بگو که ایمان آوردیم بخدا

وَمَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَآ اُنْزِلَ عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ

و آنچه فرود آورده شده است بر ما و آنچه فرود آورده شده است بر ابراهیم

وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ

و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و نبیره گان و

وَمَآ اُوْتِيَ مُوْسٰى وَعِيْسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ

و آنچه داده شد موسی و عیسی و پیغمبران را

مِنْ رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ

از پروردگار ایشان فرق نمی کنیم میان هیچ یکی از ایشان

وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و ما خدا را منقادیم سوال میکنند ترا از قیامت

أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي

کی باشد استقرار آن بگو جز این نیست که علم قیامت نزدیک پروردگار منست

لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ

پدید نیارد او را در وقت او مگر او گران شده است در آسمانها

وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً

و زمین نیاید بشما مگر ناگهان جز این نیست

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ

مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا

وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

بترسد دلهای ایشان و چون خوانده شود بر ایشان

آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

آیات خدا زیاده سازد آن آیات ایمان ایشان و بر پروردگار خویش

يَتَوَكَّلُونَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا

توکل می‌کنند آنانکه بر پا میدارند نماز را و از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا

روزی داده ایم ایشانرا خرج می‌کنند این جماعت ایشانند مومنان بتحقیق

لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

ایشانراست درجه ها نزدیک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیکو

وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ

روایت ست از عمر بن خطاب رضی گفت در اثنای آنکه ما نزد

عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بودیم

يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيْدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ

روزی ناگاه پیدا گشت بر ما مردی سخت سفید جامها سخت

شَدِيْدُ سَوَادِ الشَّعْرِ لَا يُرٰى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ وَلَا يَعْرِفُهٗ

سیاه موی دیده نمی شد بروی نشان سفر و کسی از ما نمی شناخت اورا

مِنَّا أَحَدٌ حَتّٰى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ما هیچ یکی تا آنکه نشست پیش آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلٰى رُكْبَتَيْهِ وَوَضَعَ كَفَّيْهِ

وسلم پس تکیه داد هر دو زانوی خود را بهر دو زانوی آنحضرت و نهاد آن مرد هر دو کف دست خود را

عَلٰى فَخِذَيْهِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِيْ عَنِ الْإِسْلَامِ

بر هر دو ران آنحضرت و گفت ای محمد خبر ده مرا از حقیقت اسلام

قَالَ الْاِسْلَامُ اَنْ تَشْهَدَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ

فرمود آنحضرت اسلام آنست که گواهی دهی آنکه نیست هیچ معبود بحق مگر خدا و به تحقیق

مُحَمَّدًا رَّسُوْلُ اللّٰهِ وَتُقِيْمَ الصَّلٰوةَ وَتُؤْتِيَ

محمد فرستادهٔ خداست و برپا داری نماز را و بدهید

الزَّكٰوةَ وَتَصُوْمَ رَمَضَانَ وَتَحُجَّ الْبَيْتَ اِنِ

زکوة را و روزه داری بماه رمضان و بگذاری مناسک حج را اگر

اسْتَطَعْتَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا قَالَ صَدَقْتَ فَعَجِبْنَا

بتوانی بسوی وی راه گفت آنمرد راست گفتی پس شگفت داشتیم ما

لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ قَالَ فَاَخْبِرْنِيْ عَنِ الْاِيْمَانِ

حال آنمرد را که می پرسد آنحضرت را و تصدیق میکند او را گفت آنمرد پس خبر ده ما را از ایمان



قَالَ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ

فرمود که بگروی بخدا و بفرشتگان وی و بکتابهای وی و به پیغمبران وی

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ

و بروز پسین و ایمان آری بخدا که همه چیز از نیک و بد از اوست

قَالَ صَدَقْتَ قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ قَالَ

گفت راست گفتی گفت پس خبر ده مرا از احسان فرمود احسان

أَنْ تَعْبُدَ اللّٰهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ

آنست که عبادت کنی خدا را گویا که می بینی او را پس اگر نیستی تو که ببینی او را پس بدرستیکه وی

يَرَاكَ قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ قَالَ مَا الْمَسْؤُولُ

می بیند ترا گفت پس خبر ده مرا از وقت قیامت فرمود نیست آن کس که پرسیده شده

عنها باعلم من السائل قال فاخبرني

از قیامت داناتر از کسی که پرسنده است گفت پس خبر ده مرا

عن اماراتها قال ان تلد الامة ربتها

از علامتهای قیامت گفت آنست که بزاید کنیزک مولی خود را

وان ترى الحفاة العراة العالة رعاء

و ببینی برهنه پایان برهنه تنان فقیران چرانندگان

الشاء يتطاولون في البنيان قال ثم

گوسفند را که بر یکدیگر در بناها گفت عمر پس

انطلق فلبثت مليا ثم قال لي يا عمر

روان شد پس درنگ کردم زمانی دراز باز آنحضرت ﷺ مرا ای عمر

اتدري من السائل قلت الله ورسوله

آیا دانی که بود سائل گفتم خدا و رسول خدا

اعلم قال فانه جبريل اتاكم يعلمكم

داناتر است فرمود پس این سائل جبریل بود آمد شما را تعلیم میکند

دينكم رواه مسلم ورواه ابو هريرة

دین شما را روایت کرد آنرا مسلم و روایت کرد این حدیث را ابوهریره

اختلاف وفيه اذا رأيت الحفاة العراة

با اختلافی که با حدیث عمر وارد و در حدیث ابوهریره است که چون ببینی تو برهنه


الصمّ البكم ملوك الارض في خمس

کران و گنگان اند صاحب ملکت جهان علم قیامت در آن پنج چیز است

لا يعلمهنّ الا الله ثم قرء ان الله عنده

که نمیداند آنها را بجز خدا پس برخواند آنحضرت بدرستیکه نزد خداست

علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في

علم قیامت و علم باران و علم آنچیز در

الارحام الاية متفق عليه وعن ابن عمر

شکم زنان حامله است تا آخر آیت متفق علیه است و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بني الاسلام على خمس شهادة ان لا اله الا الله

بنا کرده شده است خانه مسلمانی بر پنج چیز اول گواهی دادن است

وان محمدا عبده ورسوله واقام الصلوة

و پیغامبری محمد صلی الله علیه وسلم دوم بر پا کردن نماز

۳۶

۳۹

وَإِيتَاءِ الزَّكٰوةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ

وسوم دادن زکوٰة چهارم حج وپنجم روزۀ ماه رمضان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

متفق علیه است وروایت است از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا

ایمان هفتاد وچند شاخ است پس فاضلترین شعبها ایمان

قَوْلُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى

گفتن لا اله الا الله کلمه طیبه وفروترین شعبها دور کردن آنچه ایذا کند مردم را

عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ

از راه وشرم داشتن شعبه عظیم است از ایمان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ

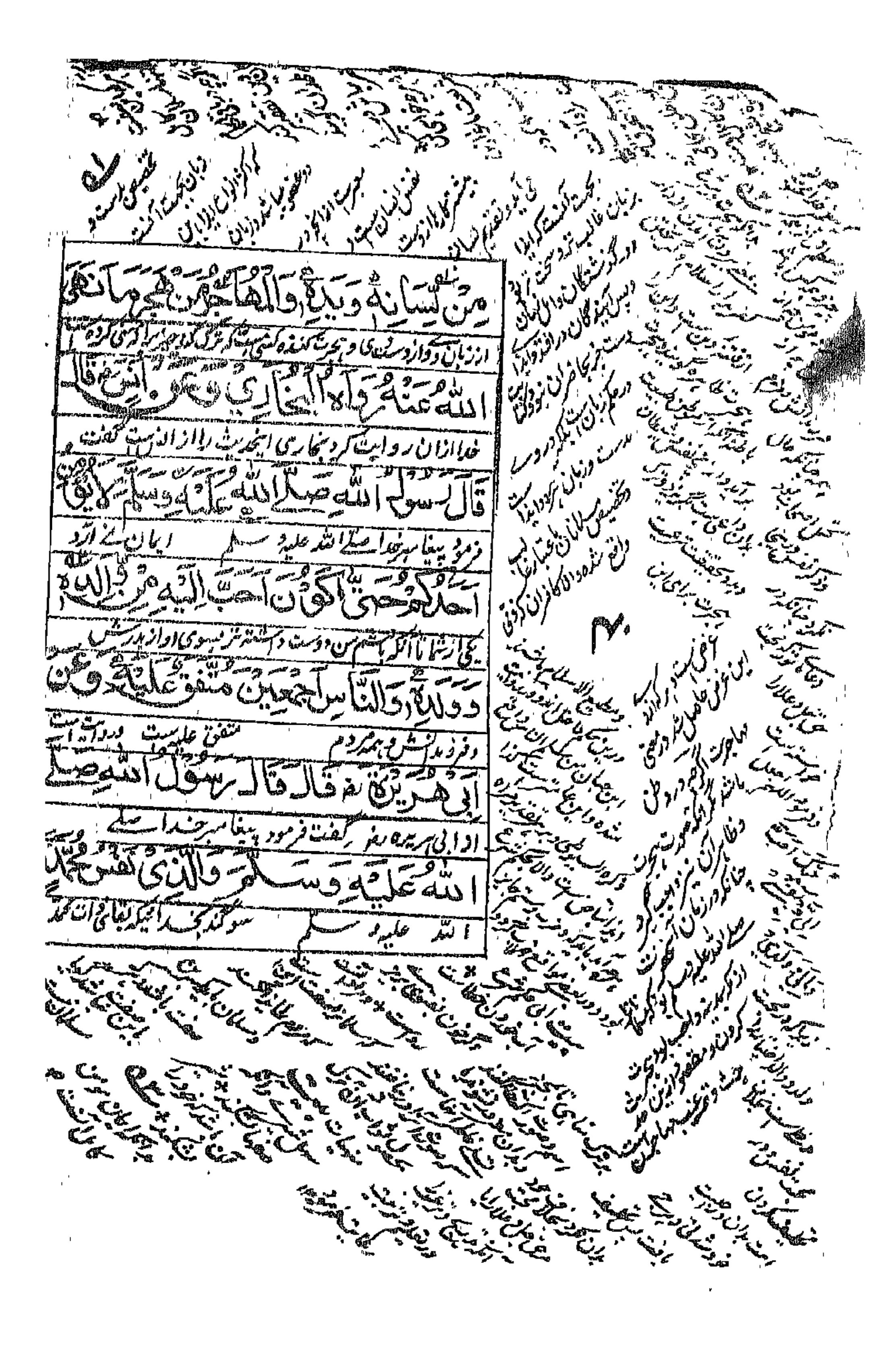
متفق علیه است وروایت است از عبد الله بن

عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

عمرو رض که گفت فرمود رسول الله صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ

علیه وسلم مسلمان کامل کسی است که سلامت مانند مسلمانان



مِن لِسانِهِ وَيَدِهِ وَالمُهاجِرُ مَن هَجَرَ ما نَهى

از زبان وی و از دست وی و هجرت کننده کسی است که ترک کرد چیزی را که نهی کرده

اللهُ عَنهُ رَواهُ البُخاري وَعَن اَنَسٍ قالَ

خدا از آن روایت کرد بخاری این حدیث را و از انس است گفت

قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ لا يُؤمِنُ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

اَحَدُكُم حَتّى اَكونَ اَحَبَّ اِلَيهِ مِن والِدِهِ

یکی از شما تا آنکه باشم من دوست تر نزدیک وی از پدر وی

وَوَلَدِهِ وَالنّاسِ اَجمَعينَ مُتَّفَقٌ عَلَيهِ وَعَن

و فرزند وی و همه مردم متفق علیه است و از وی است

اَبي هُرَيرَةَ رض قالَ قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ وَالَّذي نَفسُ مُحَمَّدٍ

الله علیه وسلم سوگند بخدا آنچه زندگانی ذات محمد

۷۰

بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هٰذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ

در دست اوست نشنود مرا هیچ کسی ازین امت یهودی و نه نصرانی

ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ

پس بمیرد و حال آنکه ایمان نیاورده بدین و شریعتیکه فرستاده شده ام من بآن مگر آنکه باشد

أَصْحَابِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ

از اهل دوزخیان روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى يُؤْذِينِي

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم گفت خدا تعالی میرنجاند مرا

ابْنُ آدَمَ يَسُبُّ الدَّهْرَ وَأَنَا الدَّهْرُ بِيَدِيَ الْأَمْرُ أُقَلِّبُ

فرزند آدم دشنام میدهد روزگار را و حال آنکه منم روزگار بدست منست کار میگردانم

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ

شب و روز را متفق علیه است روایت است از ابی موسی اشعری رضی الله عنه

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَحَدٌ أَصْبَرُ عَلَى

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نیست هیچ کس صابرتر از خدا بر

أَذًى يَسْمَعُهُ مِنَ اللّٰهِ يَدْعُونَ لَهُ الْوَلَدَ ثُمَّ يُعَافِيهِمْ وَيَرْزُقُهُمْ

ایذائی که میشنود آنرا میخوانند برای وی فرزند پس تندرستی میدهد و روزی میرساند ایشانرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

متفق علیه روایت است از ابی ذر رض گفت آمدم پیغمبر را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ ثَوْبٌ أَبْيَضُ وَهُوَ نَائِمٌ ثُمَّ أَتَيْتُهُ وَقَدِ

و سلم و حال آنکه بود بر آنحضرت جامه سفید و آنحضرت در خواب بود پس آمدم و حال آنکه بتحقیق

اسْتَيْقَظَ فَقَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ ثُمَّ مَاتَ

بیدار شده بود پس گفت نیست هیچ بنده که گفت لا اله الا الله پس مرد

علی ذلك إلا دخل الجنة قلت وإن زنى

بر اینکه مگر آنکه در می آید آن بنده بهشت را گفتم اگرچه زنا کرده باشد

وإن سرق قال وإن زنى وإن سرق

و دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد

قلت وإن زنى وإن سرق قال وإن زنى

گفتم اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد گفت اگرچه زنا کرده باشد

وإن سرق قلت وإن زنى وإن سرق

و اگرچه دزدی کرده باشد گفتم من اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده

قال وإن زنى وإن سرق على رغم أنف

گفت اگرچه زنا کرده باشد و اگرچه دزدی کرده باشد داخل شود بر خاک آلوده شدن بینی

أبي ذر وكان أبو ذر إذا حدث بهذا

ابی ذر و بود ابو ذر در وقتی که بیان میکرد این حدیث را

قال وإن رغم أنف أبي ذر متفق عليه

میگفت اگرچه خاک آلوده شود بینی ابو ذر متفق علیه است

٤٣

وعن ابي امامة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من احب لله وابغض لله واعطى

علیه وسلم کسیکه دوست دارد کسی را برای خدا و کسیکه دشمن دارد برای خدا و بدهد

لله ومنع لله فقد استكمل الايمان رواه

برای خدا و نده برای خدا پس تحقیق کامل گردانید ایمان خود را روایت

ابو داود وعن ابي ذر رض قال قال

ابوداود و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فاضل ترین

الاعمال الحب في الله والبغض في الله رواه

عملها دوست داشتن است کسی را از جهت خدا و دشمن داشتن از جهت خدا روایت کرد او را

ابو داود وعن جابر رض قال قال

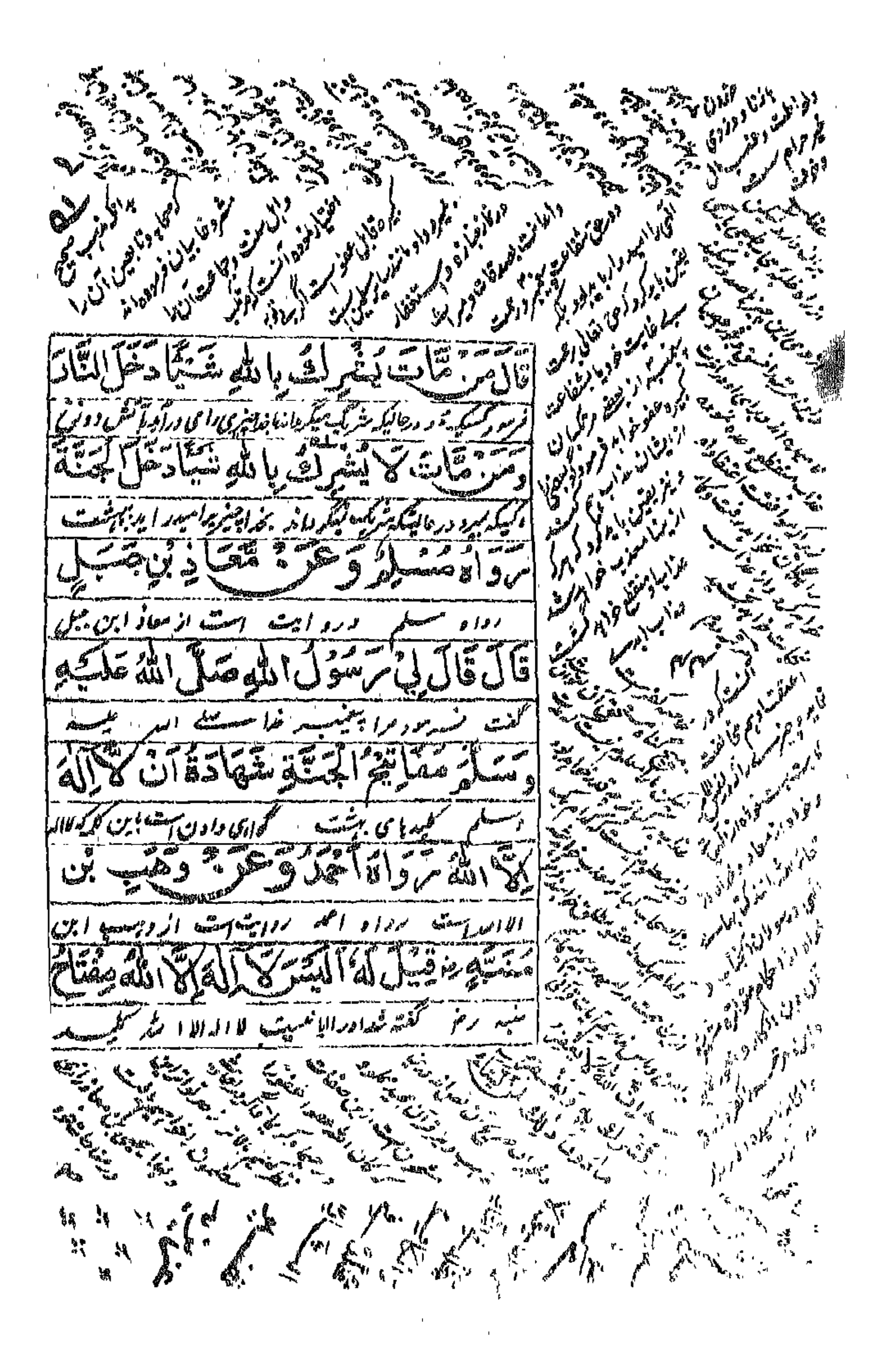
ابوداود و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ثنتان

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

موجبتان قال رجل يا رسول الله ما الموجبتان

واجب کرده شده اند گفت مردی ای پیغمبر خدا چیست معنی موجبتان



قال من مات يشرك بالله شيئا دخل النار

فرمود هر کسیکه بمیرد در حالیکه شریک میگرداند با خدا چیزی را می درآید آتش دوزخ

ومن مات لا يشرك بالله شيئا دخل الجنة

و کسیکه بمیرد در حالیکه شریک نگرداند بخدا چیزی را میدرآید به بهشت

رواه مسلم وعن معاذ بن جبل

رواه مسلم در روایت است از معاذ ابن جبل

قال قال لي رسول الله صلى الله عليه

گفت فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم مفاتيح الجنة شهادة أن لا إله

وسلم کلیدهای بهشت گواهی دادن است باین که لا اله

إلا الله رواه أحمد وعن وهب بن

الا الله است رواه احمد روایت است از وهب ابن

منبه رض قيل له أليس لا إله إلا الله مفتاح

منبه رض گفته شد او را الیس لا اله الا الله کلید

الجنة قال بلى و لكن ليس مفتاح إلا و له اسنان

بهشت گفت آری و لیکن نیست کلیدی مگر آنکه مر او را دندانها است

فإن جئت بمفتاح له اسنان فتح لك و إلا لم يفتح لك

پس اگر آری تو کلیدی که مر او را دندانها است گشاده میشود برای تو و اگرنه گشاده نمیشود برای تو

رواه البخاري في ترجمة باب وعن ابي هريرة رض

روایت کرد بخاری در ترجمه باب روایت است از ابو هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا احسن

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون نیک گرداند

احدكم إسلامه فكل حسنة يعملها تكتب

یکی از شما اسلام خود را پس هر کار نیک که میکند او را نوشته میشود

بعشر امثالها إلى سبع مائة ضعف وكل سيئة

برابر ده چندش تا هفت صد زیادتی و هر بدی

يعملها تكتب بمثلها حتى يلقى الله متفق عليه

که میکند نوشته میشود یکی بیکی تا دم مرگ و لقای خدا متفق علیه

وعن ابي امامة رض ان رجلا سأل رسول الله

و روایت است از ابی امامه رض بدرستیکه مردی پرسید پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم ما الإيمان قال إذا

صلی الله علیه وسلم چیست نشان ایمان فرمود چون

سرتك حسنتك وساءتك سيئتك فانت

شاد گرداند ترا عمل نیک تو و اندوهگین گرداند ترا بدی تو پس تو

مؤمن قال يا رسول الله فما الإثم قال

مومن هستی گفت ای پیغامبر خدا پس چیست گناه فرمود

ایشان دوم توکل کردن و استوار داشتن مهمات بحق تعالی را در رسانیدن رزق و فائده آن اجمال در طلب و عدم تردد و اضطراب نزد فقدان اسباب سوم یقین کردن در جزای اعمال ثواب و عقاب و فائده آن اقدام نمودن بجد بر طاعت و دور بودن از معصیت



اذا حاك فى صدرك شئ فدعه رواه احمد

چون بخلد در سینه تو چیزی پس بگذار آن کار را روایت کرد او را احمد

وعن عباس بن عبد المطلب رض قال قال

روایت است از عباس ابن عبد المطلب رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ذاق طعم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چشید ذائقه

الايمان من رضي بالله ربا وبالاسلام دينا

ایمان آنکس که راضی باشد بخدا از روی پروردگار و باسلام از روی دین

وبمحمد صلى الله عليه وسلم رسولا رواه

و بمحمد صلی الله علیه وسلم از روی پیغمبر روایت کرد او را

مسلم باب الكبائر وعلامات النفاق

مسلم این باب در بیان گناهان کبیره و نشانهای نفاق است

يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات يبايعنك

ای پیغامبر چون بیاید نزدیک تو زنان با ایمان

عَلٰۤى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْـًٔا وَّلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِيْنَ

باین شرط که نکنند شریک با خدا چیزیرا و نکنند دزدی و نکنند زنا

وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ

و نکشند اولاد خود را و پیش نیارند سخن دروغ

يَّفْتَرِيْنَهٗ بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ

که برخیسته باشند آنرا درمیان دستها و پاهای خویش و نا فرمانی نکنند

فِيْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ

ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان از خدا

اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۞ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ

هر آئینه خدا آمرزگار و مهربان است هر آئینه خدا نمی آمرزد آنرا

يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ

که شریک آرند بخدای و می آمرزد غیر شرک را هر که را خواهد

وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًاۢ بَعِيْدًا ۞

و هر که شریک مقرر کند با خدا هر آئینه گمراه شد از حق گمراهی در غایت ضلال

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت است از ابو هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوْبِقَاتِ

صلی الله علیه وسلم پرهیز کنید از هفت که هلاک کنندگان اند

قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ وَمَا هُنَّ قَالَ الشِّرْكُ

گفتند صحابه ای پیغمبر خدا چه چیز اند آن هفت فرمود شرک آوردن

بِاللّٰهِ وَالسِّحْرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ

با خدا و جادو کردن و کشتن تنی که حرام گردانیده است

اللّٰهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبٰوا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ

خدا مگر بحق و خوردن ربا و خوردن مال یتیم را

وَالتَّوَلِّي يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ

و پشت دادن روز جنگ و دشنام دادن بزنان پارسا

الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

غافل از بدکرداری مسلمانان متفق علیه است و مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ

زنا نمیکند زنا کننده در هنگامی که زنا میکند در حال آنکه وی مومن است

[illegible]

ولا يسرق السارق حين يسرق وهو مؤمن ولا يشرب الخمر

دزدی نمیکند دزدی کننده هنگامی که دزدی میکند وحال آنکه مومن است و نمی نوشد شراب آنکسی

حين يشربها وهو مؤمن ولا ينتهب نهبة يرفع الناس

هنگامی که می نوشد وحال آنکه وی مومن است و غارت نمیکند کسی غارت کردنی که بر میدارند مردم

اليه فيها ابصارهم حين ينتهبها وهو مؤمن ولا يغل

بسوی آن غارت کننده در آن غارت کردن چشمهای خود را [illegible]

احدكم حين يغل وهو مؤمن فاياكم اياكم متفق عليه

یکی از شما [illegible] وحال آنکه وی مومن است [illegible]

وفي رواية ابن عباس ولا يقتل حين يقتل وهو مؤمن

و در روایت ابن عباس است و نمیکشد کسی هنگامی که میکشد وحال آنکه وی مومن است

قال عكرمة قلت لابن عباس كيف ينزع الايمان منه

گفت عکرمه گفتم من مر ابن عباس را چگونه کشیده میشود ایمان از وی شخص

قال هكذا وشبك بين اصابعه ثم اخرجها فان تاب

گفت اینچنین و تشبیک کرد میان انگشتان خود پس از هم بیرون آورد انگشتان را پس

عاد اليه هكذا وشبك بين اصابعه وقال

اگر توبه کرد [illegible] بازگردد ایمان بسوی وی و تشبیک کرد میان انگشتان خود و گفت

ابو عبد الله لا يكون هذا مؤمنا تاما ولا يكون

ابو عبدالله بخاری نمیباشد این شخص مومن کامل و نمیباشد

له نور الايمان هذا لفظ البخاري وعن ابي هريرة

مر او را نور ایمان این عبارت بخاری است و روایت است از ابو هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا زنى العبد

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون زنا میکند بنده

[illegible]

خرج منه الايمان فكان فوق رأسه كالظلة فاذا

بیرون می آید ازوی ایمان پس باشد بالای سر وی مانند سایبان پس چون

خرج من ذلك العمل رجع اليه الايمان رواه

بیرون بیاید بنده ازان عمل باز گردد بسوی ایمان روایت

الترمذي وابو داود رح وعن ابي هريرة رض

ترمذی و ابو داود رح و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم

اية المنافق ثلث زاد مسلم وان صام و

نشان منافق سه خصلت است زیاده کرده مسلم اگرچه روزه دارد

صلى وزعم انه مسلم ثم اتفقا اذا

نماز بگذارد و گمان می برد که من مسلمانم پس اتفاق کردند بخاری و مسلم چون

حدث كذب واذا وعد اخلف واذا اؤتمن

دروغ گوید و چون وعده کند خلاف کند و چون امانت نهاده شود

خان متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

خیانت کند متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اربع

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت است

مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ

هر کس که باشند این چهار در وی باشد آنکس منافق خالص و هر که باشد در و

خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ

یک خصلت از این چهار باشد در وی یک خصلت از نفاق

حَتَّى يَدَعَهَا إِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ

تا آنکه بگذارد آنرا چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون سخن گوید دروغ

وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و چون عهد بندد بشکند و چون پیکار کند سرکشی ورزد متفق علیه

بَابٌ فِي الْوَسْوَسَةِ وَلَقَدْ خَلَقْنَا

این باب در بیان وسوسه است و هر آینه آفریدیم

الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ

آدمی را و میدانیم چیزی که وسوسه میکند با او نفس او

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ بِسْمِ اللَّهِ

و ما نزدیکتریم با آدمی از رگ جان بنام خدای بزرگ

الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ

بخشاینده مهربان بگو پناه میگیرم به پروردگار پادشاه

النَّاسِ إِلَٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

مردمان معبود مردمان از شر وسوسه اندازنده پس رونده

الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ

آنکه وسوسه می افکند در سینه های مردمان از جنس جن باشد یا از جنس

وَالنَّاسِ ﴿٦﴾ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مردمان روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ تَجَاوَزَ عَنْ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی درگذرانیده است

أُمَّتِي مَا وَسْوَسَتْ بِهِ صُدُورُهَا مَا لَمْ تَعْمَلْ

از امت من چیزیکه وسوسه کرد بدان چیز سینهای ایشان تا هرگاه عمل نکردند

بِهِ أَوْ تَتَكَلَّمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

بدان چیز یا نگفتند متفق علیه است روایت است از وی گفت

جَاءَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

آمدند جماعتی از یاران پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلُوهُ

وسلم بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسیدند آنحضرت را

إِنَّا نَجِدُ فِي أَنْفُسِنَا مَا يَتَعَاظَمُ أَحَدُنَا أَنْ يَتَكَلَّمَ

بتحقیق ما می یابیم در ذاتهای خود از وسواس چیزی که سخت بزرگ میدارد یکی از ما که تکلم کند

بِهِ قَالَ أَوَقَدْ وَجَدْتُمُوهُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ ذَاكَ

بآن گفت آیا بتحقیق یافتید شما آنرا گفتند آری گفت این

صَرِيحُ الْإِيمَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ

محض ایمان است روایت کرده مسلم و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَ بِهِ قَرِينُهُ

نیست از شما کسی یکی مگر آنکه بتحقیق گماشته شده است بسوی وی قرین وی

مِنَ الْجِنِّ وَقَرِينُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالُوا وَإِيَّاكَ

از جنیان و قرین وی از فرشتگان گفتند صحابه و ترا نیز ای

يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ وَإِيَّايَ وَلَكِنَّ اللهَ أَعَانَنِي

ای پیغمبر خدا فرمود و مرا نیز و لیکن خدا یاری داد مرا

عليه فأسلم فلا يأمرني إلا بخير رواه مسلم

بر دست من پس اسلام آورد پس امر نمیکند مرا بهیچ چیز مگر به نیکی روایت کرده مسلم

وعن أنس قال قال رسول الله صلى

و روایت است از انس که گفت فرمود پیغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم إن الشيطان يجري

الله علیه وسلم بدرستیکه شیطان میرود

من الإنسان مجرى الدم متفق عليه

در آدمی مانند روان شدن خون در بدن متفق علیه است

وعن جابر قال قال رسول الله صلى

و روایت است از جابر که گفت فرمود پیغمبر خدا صلى

الله عليه وسلم إن إبليس يضع عرشه

الله علیه وسلم بدرستیکه ابلیس مینهد تخت خود را

على الماء ثم يبعث سراياه يفتنون الناس

بر آب پس میفرستد لشکرهای خود را که در فتنه می اندازند مردم را

فأدناهم منه منزلة أعظمهم فتنة يجيء

پس نزدیکتر ایشان از روی مرتبه بزرگتر ایشان است از روی فتنه می آید

أحدهم فيقول فعلت كذا وكذا فيقول

یکی از شیاطین پس میگوید کردم چنین و چنین پس میگوید ابلیس

ما صنعت شيئا قال ثم يجيء أحدهم فيقول

نکردی چیزی را گفت پس می آید یکی از ایشان و پس میگوید

ما تركته حتى فرقت بينه وبين امرأته قال

نگذاشتم او را تا آنکه جدائی افکندم میان وی و میان زن وی

فيدنيه منه ويقول نعم أنت قال الأعمش

پس نزدیک میگرداند او را بخود و میگوید نیکو یاری تو گفت اعمش

أراه قال فيلتزمه رواه مسلم وعن

گمان میبرم من چنین که گفت پس در آغوش میگیرد او را روایت کرد این حدیث را مسلم و روایت است

عثمان بن أبي العاص رضي الله عنه قال قلت يا

از عثمان ابن ابی العاص رضی الله عنه گفت گفتم ای

رسول الله صلى الله عليه وسلم إن

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بدرستیکه

الشيطان قد حال بيني وبين صلاتي و

شیطان حائل میگردد میان من و میان نماز من و

بين قراءتي يلبسها علي فقال رسول الله صلى

میان قراءة من و مشتبه میکند قراءة را بر من پس گفت پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم ذاك شيطان يقال له

الله علیه و سلم آنکه یکی از شیطانست که گفته میشود مر او را

خنزب فإذا أحسسته فتعوذ بالله منه واتفل

خنزب پس چون دریابی این وسوسه را پس پناه جو بخدا از این شیطان و تف کن

على يسارك ثلاثا ففعلت ذلك فأذهبه الله

بر جانب چپ خود سه بار پس کردم این را پس دور گردانید او را خدا

... و من یتق الله یجعل له مخرجا

باب الایمان بالقدر

عن ... رواه مسلم

این باب ایمان بتقدیر است

وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو

و نزد وی است کلیدهای غیب نمیدانند آنرا مگر او

ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من

ومیداند آنچه در بر و بحر است و نمی افتد هیچ

ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض

برگی مگر میداند آنرا و نه هیچ دانه در تاریکیهای زمین

ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین

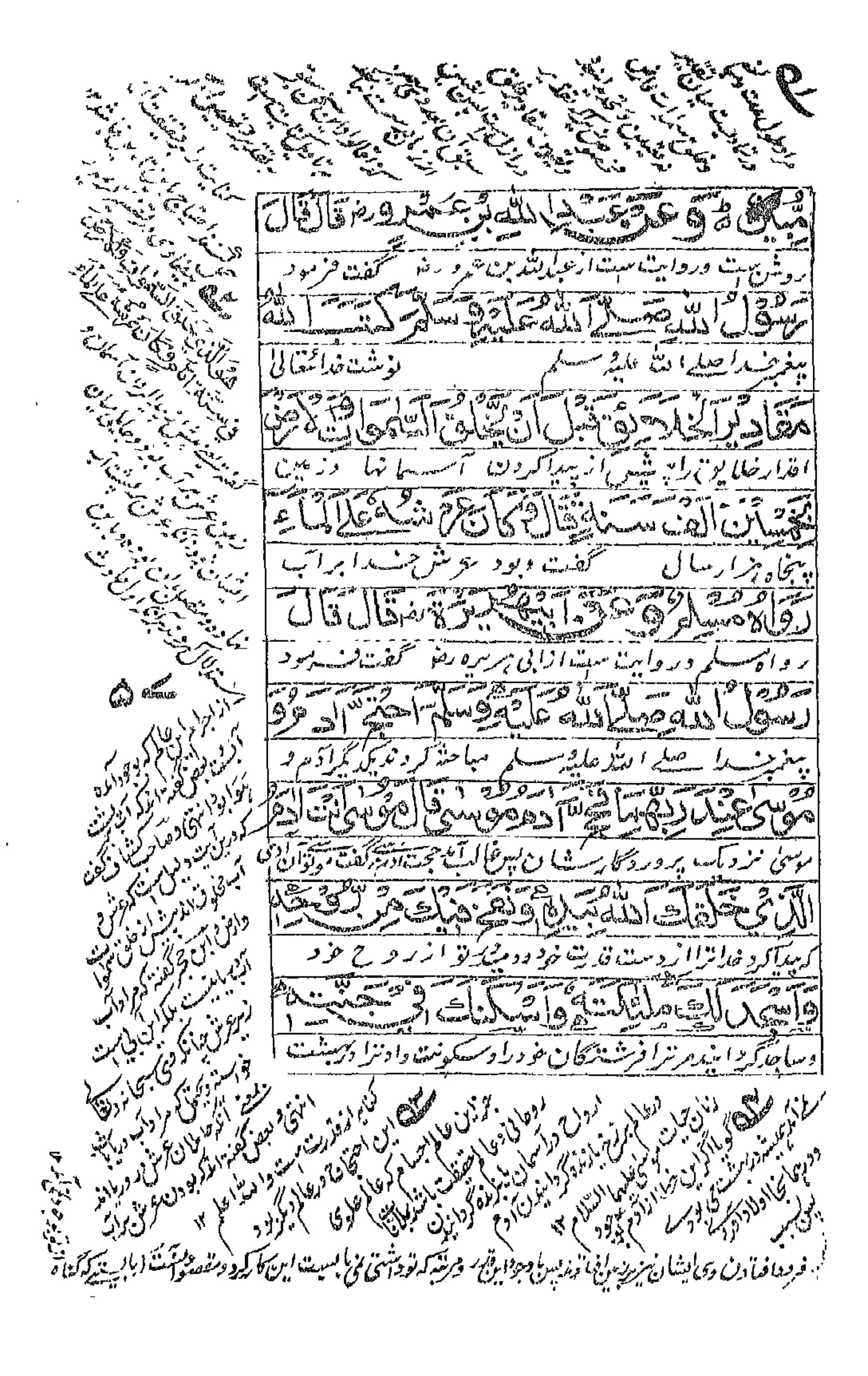
و نه هیچ تر و نه هیچ خشکی مگر ثبت است در کتاب روشن

وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خدا است روزی وی

ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب

و میداند جای آرامیدن او و جای نگاه داشتن او همه در کتاب



وعن عبد الله بن عمرو رض قال

روشن است و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم كتب الله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نوشت خدای تعالی

مقادير الخلائق قبل أن يخلق السموات والأرض

اندازهای خلایق را پیش از پیدا کردن آسمانها و زمین

بخمسين ألف سنة قال وكان عرشه على الماء

پنجاه هزار سال گفت و بود عرش خدا بر آب

رواه مسلم وعن أبي هريرة رض قال قال

روایت کرده مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم احتج آدم و

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مباحثه کردند یکدیگر آدم و

موسى عند ربهما فحج آدم موسى قال موسى أنت آدم

موسی نزدیک پروردگار ایشان پس غالب آمد بحجت آدم بر موسی گفت موسی توان آدمی

الذي خلقك الله بيده ونفخ فيك من روحه

که پیدا کرد خدا ترا از دست قدرت خود و دمید در تو از روح خود

وأسجد لك ملائكته وأسكنك في جنته

و سجده کنانید مر ترا فرشتگان خود را و ساکن ساخت ترا در بهشت

[illegible]

ثم اهبطت الناس بخطيئتك الى الارض قال

خود بستر فرود افگندی تو مردم را بسبب گناهی که کردی بر زمین گفت

ادم انت موسى الذي اصطفاك الله برسالته

آدم تو آن موسی هستی که برگزید ترا خدا تعالی به پیغمبری خود

وبكلامه واعطاك الالواح فيها تبيان كل شيء

و بکلام و داد ترا الواح که در آنها بیان هر چیز است

وقربك نجيا فكم وجدت الله كتب التورية

و نزدیک گردانید ترا راز گوینده پس بگو چند مدت یافتی خدا را که نوشت

قبل ان اخلق قال موسى باربعين عاما قال

پیش از آنکه پیدا کرده شدم گفت موسی بچهل سال گفت

ادم فهل وجدت فيها وعصى ادم ربه

آدم پس آیا یافتی تو در توریت و گناه کرده آدم پروردگار خود را

فغوى قال نعم قال افتلومني على ان عملت عملا

پس گم کرد راه را گفت موسی آری یافتم گفت آدم آیا پس ملامت میکنی مرا بر اینکه کردم

[illegible]

كتبه الله علي ان اعمله قبل ان يخلقني باربعين

نوشته خدا بر من که بکنم آنرا پیش از آنکه پیدا کند مرا بچهل

سنة قال رسول الله صلى الله عليه

سال فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم فحج آدم موسى رواه مسلم وعن

وسلم پس غالب آمد آدم بر موسی روایت کرده مسلم و روایت است

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله عليه

وسلم ما من مولود الا يولد على الفطرة فابواه

وسلم نیست هیچ زائیده شده مگر آنکه زائیده میشود بر فطرت پس مادر و پدر او

يهودانه او ينصرانه او يمجسانه كما تنتج

یهودی میگردانند او را یا نصرانی یا مجوسی سازند او را چنانکه زاییده میشود

البهيمة بهيمة جمعاء هل تحسون فيها من

چهارپایه چهارپای تمام کامل در اعضا آیا می بینید شما در آن نقص هیچ بهیمه

جدعاء ثم يقول فطرة الله التي فطر الناس

بریده گوش پس گفت بخوانید این آیه را لازم گیرید خلقت خدا که پیدا کرده است

عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم

آدمیان را بر آن نیست تغییر مر آفرینش خدا را این است دین راست

٥٩

متفق عليه وعن عبادة بن الصامت قال قال
متفق علیه است وروایت است از عباده بن صامت رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أول ما
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که نخستین چیزی که پیدا کرد
خلق الله القلم فقال له اكتب قال ما اكتب قال اكتب القدر
خدا قلم است پس گفت مر او را بنویس گفت چه نویسم گفت بنویس تقدیر را
فكتب ما كان وما هو كائن إلى الأبد رواه
که تقدیر کرده شده است پس نوشت آنچه بود و آنچه خواهد بود تا ابد روایت کرد
الترمذي وعن أبي خزامة عن أبيه قال قلت
ترمذی وروایت است از ابی خزامه واو از پدر خود گفت گفتم
يا رسول الله أرأيت رقى نسترقيها ودواء
ای پیغمبر خدا خبر ده ما را از حال افسونها که افسون گری میکنیم با آنها و دوائی
نتداوى به وتقاة نتقيها هل ترد من قدر
تداوی میکنیم بآن و چیزها که پناه میگیریم بدان آیا باز می گرداند آنها
الله شيئا قال هي من قدر الله رواه أحمد
از قضا و قدر خدا تعالی چیزی را گفت این چیزها از قضا و قدر خدا است روایت کرد احمد
والترمذي وابن ماجة وعن أبي هريرة قال
و ترمذی و ابن ماجه وروایت است از ابی هریره رض گفت

خرج علینا رسول الله صلی الله علیه وسلم

برآمد از خانه بر ما پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ونحن نتنازع فی القدر فغضب حتی احمر

و ما بحث و نزاع میکردیم در مسئله قضا و قدر پس خشم کرد آنحضرت تا آنکه سرخ شد

وجهه حتی کانما فقئ فی وجنتیه حب

روی مبارک وی گویا شکسته شده در هر دو رخسار وی دانهای

الرمان فقال ابهذا امرتم ام بهذا

انار پس گفت آیا باین امر کرده شده است شما را یا باین

ارسلت الیکم انما هلک من کان قبلکم

فرستاده شده ام بسوی شما هلاک شدند کسانیکه بودند پیش از شما

حین تنازعوا فی هذا الامر عزمت علیکم

هرگاهیکه بحث کردند در قضا و قدر واجب میگردانم بر شما

عزمت علیکم الا تتنازعوا فیه رواه

واجب میگردانم بر شما که نزاع نکنید در این امر روایت کرد

الترمذی وعن عبد الله بن عمرو قال

ترمذی و روایت است از عبدالله ابن عمرو گفت

سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم

يقول إن الله خلق خلقه في ظلمة

که میگفت بدرستی که خدا تعالی پیدا کرد خلق خود را در تاریکی

فألقى عليهم من نوره فمن أصابه

پس افکند است بر خلق از نور خود پس کسیکه رسید او را

من ذلك النور اهتدى ومن أخطأه

ازان نور راه راست یافت و کسیکه نرسید

ضل فلذلك أقول جف القلم

گمراه شد پس ازین جهت میگویم خشک شد قلم

على علم الله رواه الترمذي

بر آنچه دانست خدا روایه ترمذی

وعن عائشة رض قالت قال رسول الله

و روایت است از عائشه رض گفت گفت پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ستة لعنتهم لعنهم الله

صلی الله علیه وسلم شش کس اند که لعنت کرده ام ایشانرا لعنت کند ایشانرا خدا

٦٢

وَكُلُّ نَبِيٍّ مُجَابٌ اَلزَّائِدُ فِي كِتَابِ

و هر پیغمبری قبول کرده شده دعاء او یکی از آن زیاده کننده در کتاب

اللهِ وَالْمُكَذِّبُ بِقَدَرِ اللهِ وَالْمُتَسَلِّطُ

خدا دوم تکذیب کننده بتقدیر الهی سوم غلبه نماینده بر مردم

بِالْجَبَرُوتِ لِيُعِزَّ مَنْ أَذَلَّهُ اللهُ وَ

بتکبر تا گرامی دارد چنانکه گرداند کسی را که خوار گردانیده است خدا او را

يُذِلَّ مَنْ أَعَزَّهُ اللهُ وَالْمُسْتَحِلُّ لِحُرَمِ

و خوار گرداند کسی را که عزیز گردانیده است او را خدا چهارم استحلال کننده مر حرم

اللهِ وَالْمُسْتَحِلُّ مِنْ عِتْرَتِي مَا حَرَّمَ اللهُ

خدا را پنجم حلال داننده از اهل قرابت من چیزی را که حرام گردانیده است خدا

ایشان را تا دلایل عترت و قدرت نه بینند بعد که امام احمد فرمود که ایا فساد اعظم از قتل آل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هست

وَالتَّارِكُ لِسُنَّتِي رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الْمَدْخَلِ

ششم ترک کننده سنت مرا روایت کرد بیهقی در مدخل

وَرَزِينٌ فِي كِتَابِهِ وَعَنْ مَطَرِ بْنِ عُكَامِسٍ

و رزین در کتاب خود و روایت است از مطر بن عکامس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که چون

قَضَى اللهُ لِعَبْدٍ أَنْ يَمُوتَ بِأَرْضٍ جَعَلَ لَهُ

حکم کند خدا برآنکه بمیرد در زمین بگرداند مر آن بنده را

إِلَيْهَا حَاجَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بسوی آن زمین حاجتی روایت کرد احمد و ترمذی و روایت است

أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَغَ إِلَى كُلِّ عَبْدٍ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی فارغ شده بسوی بنده



مِنْ خَلْقِهِ مِنْ خَمْسٍ مِنْ أَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَمَضْجَعِهِ

که از مخلوقات اوست از پنج چیز از اجل او و از عمل هر بنده و از خوابگاه او

وَأَثَرِهِ وَرِزْقِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ الدَّيْلَمِيِّ

و حرکت و رزق هر بنده رواه احمد و روایت است از ابن دیلمی

قَالَ أَتَيْتُ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ وَقَعَ

گفت آمدم من نزد ابی بن کعب پس گفتم من او را بتحقیق که افتاده

فِي نَفْسِي مِنَ الْقَدَرِ فَحَدِّثْنِي لَعَلَّ اللهَ أَنْ يُذْهِبَهُ

در دل من چیزی از تقدیر پس حدیث بگو مرا شاید که خدا ببرد آن

مِنْ قَلْبِي فَقَالَ لَوْ أَنَّ اللهَ عَذَّبَ أَهْلَ سَمٰوَاتِهِ

از دل من پس گفت اگر بدرستی که خدا عذاب کند تمام آسمانیان را

وَأَهْلَ أَرْضِهِ عَذَّبَهُمْ وَهُوَ غَيْرُ ظَالِمٍ لَهُمْ وَلَوْ رَحِمَهُمْ

و زمینیان را عذاب میکرد ایشانرا و حال آنکه وی غیر ظالم است مر ایشانرا و اگر رحمت میکرد

كَانَتْ رَحْمَتُهُ خَيْرًا لَهُمْ مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَلَوْ أَنْفَقْتَ مِثْلَ أُحُدٍ

میبود رحمت او بهتر مر ایشانرا از عملهای ایشان اگر خرج کنی مانند کوه احد

ذَهَبًا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مَا قَبِلَهُ اللّٰهُ مِنْكَ حَتّٰى تُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ

طلارا در راه خدا قبول نکند خدا از تو تا آنکه ایمان بیاری بقضا و قدر

وَتَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ وَأَنَّ مَا أَخْطَأَكَ

و تا آنکه بدانی که آنچه رسیده است ترا نبود که خطا کند ترا و آنکه نرسید ترا چنانکه آنچه نرسیده است ترا

لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَكَ وَلَوْ مُتَّ عَلٰى غَيْرِ هٰذَا لَدَخَلْتَ النَّارَ

نبود و آنکه برسد ترا و اگر بمیری بر غیر این حال هر آینه درآئی آتش دوزخ

قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ مَسْعُودٍ فَقَالَ مِثْلَ

گفت پس آمدم من عبد الله ابن مسعود رض را پس گفت مانند

ذٰلِكَ قَالَ ثُمَّ أَتَيْتُ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالَ

این سخن پس آمدم من نزد حذیفه بن یمان پس گفت

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ أَتَيْتُ زَيْدَ بْنَ ثَابِتٍ فَحَدَّثَنِي

مانند این سخن پس آمدم زید بن ثابت را پس حدیث کرد

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلَ ذٰلِكَ

مرا از پیغمبر صلی الله علیه وسلم مانند آن

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَهْ

روایه احمد و ابو داود و ابن ماجه

بَابُ الْاِعْتِصَامِ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ

این باب در چنگ زدن بکتاب و سنت است

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ

بگو اگر دوست میدارید خدارا پس پیروی من کنید تا دوست دارد شمارا خدا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ قُلْ

و بیامرزد شما را گناهان شما و خدا آمرزنده مهربان است بگو

أَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

فرمان برید خدا را و پیغمبر را پس اگر رو گردانید هرآئینه خدا دوست ندارد

الْكَافِرِينَ ۝ وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَأُولٰئِكَ

کافران را هرکه فرمان برد خدا و رسول را پس این جماعت

مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ

همراه کسانند که انعام کرده است خدا برایشان از پیغمبران و

الصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق

أُولٰئِكَ رَفِيقًا ۝ ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ وَكَفَىٰ بِاللّٰهِ

اند ایشان این بخشایش از خدا است و بس است خدا

عَلِيمًا ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا

دانا — و نیافریدیم جن و انس را

لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ

مگر تا که پرستند مرا — نمی خواهم از ایشان — رزق را

وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

که مرا طعام دهند — هر آینه خدا همونست رزق دهنده

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ

خداوند توانای استوار — و هرچه بدهد شما را پیغمبر

فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۝ وَاتَّقُوا اللَّهَ

بگیرید او را و هرچه منع کند شما را از آن باز ایستید و بترسید از خدا

۶۹

إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

هرآئینه خدا سخت کننده عقوبت هست و فرمان برداری کنید خدا و فرمان برداری

الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

کنید رسول را پس اگر رو گردان شوید پس جز این نیست که بر پیغمبر ما پیغام رسانیدن

الْمُبِينُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ

آشکارا هست ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تامل کند

نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

هر شخص چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدا هرآئینه خدا خبردار است

بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ

بآنچه میکنید هرآئینه ما پیش آوردیم امانت را بر آسمانها

وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

و بر زمین و بر کوه پس قبول نکردند که بردارند انرا و بترسیدند

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

ازان و برداشت انرا آدمی هرآئینه وی هست ستمکار نادان

وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم لتتبعن سنن من قبلكم شبرا بشبر وذراعا

و سلم هر آینه پیروی خواهید کرد شما طریقه پیشینیان را شبر بشبر و دست

بذراع حتى لو دخلوا جحر ضب تبعتموهم قيل يا رسول الله

بدست تا آنکه اگر داخل شوند ایشان سوراخ سوسمار را پیروی خواهید کرد شما ایشان را گفته شد ای پیغمبر خدا

اليهود والنصارى قال فمن متفق عليه وعن

آیا مراد یهود و نصاری است فرمود پس کیست متفق علیه و روایت است

عائشة رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

از عائشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

من احدث في امرنا هذا ما ليس منه فهو رد متفق عليه

کسیکه نو پیدا کرد در دین ما چیزی را که نیست از این دین پس آن چیز مردود است متفق علیه

وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

اما بعد فان خير الحديث كتاب الله وخير الهدى

در خطبه بعد از حمد و نعت پس بهترین سخنان کتاب خدا است و بهترین طریقه

هدى محمد صلى الله عليه وسلم وشر الامور محدثاتها

طریقه محمد است صلی الله علیه و سلم و بدترین چیزها آنست که نو پیدا کرده شده است

وكل بدعة ضلالة رواه مسلم وعن ابن عباس رض

و هر بدعت سبب گمراهی است رواه مسلم و روایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ابغض الناس الى الله

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم دشمن ترین مردم بسوی خدا

ثَلٰثَةٌ مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ وَمُبْتَغٍ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ

سه کس الحاد کننده در زمین حرم و طلب کننده در اسلام طریقه جاهلیت را

وَمُطَّلِبُ دَمِ امْرِءٍ بِغَيْرِ حَقٍّ لِيُهَرِيقَ دَمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

و طلب کننده خون مردی را ناحق برای آنکه بریزد او را روایت کرده بخاری

وَعَنْ أَبِي مُوسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابو موسی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ مَا بَعَثَنِيَ اللّٰهُ بِهِ كَمَثَلِ رَجُلٍ

و سلم جز این نیست که قصه من و قصه چیزی که فرستاده است مرا به پروردگار بدان چیز مانند قصه مردی

أَتٰى قَوْمًا فَقَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي رَأَيْتُ الْجَيْشَ بِعَيْنَيَّ وَإِنِّي أَنَا

آمد قومی را پس گفت ای قوم بدرستی که من دیده ام لشکر را بدو چشم خود و بدرستیکه من

النَّذِيرُ الْعُرْيَانُ فَالنَّجَاءَ النَّجَاءَ فَأَطَاعَهُ طَائِفَةٌ مِنْ قَوْمِهِ

خبر خوفناک رساننده ام برهنه شتابی کنید شتابی کنید پس فرمان برداری کردند او را بعضی از قوم او

فَأَدْلَجُوا فَانْطَلَقُوا عَلٰى مَهَلِهِمْ فَنَجَوْا وَكَذَّبَتْ طَائِفَةٌ

پس رفتند در شب پس رفتند بر آهستگی خود پس رستگاری یافتند و تکذیب کردند بعضی

مِنْهُمْ فَأَصْبَحُوا مَكَانَهُمْ فَصَبَّحَهُمُ الْجَيْشُ فَأَهْلَكَهُمْ

از قوم وی پس صبح کردند در جای خود پس صبح کرد ایشان را لشکر پس هلاک کرد ایشان را

وَاجْتَاحَهُمْ فَذٰلِكَ مَثَلُ مَنْ أَطَاعَنِي فَاتَّبَعَ مَا جِئْتُ بِهِ

و از بیخ برکند ایشان را پس این قصه کسی است که فرمانبرداری کرد مرا پس پیروی کرد چیزی را که آورده ام آن را

وَمَثَلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ مَا جِئْتُ بِهِ مِنَ الْحَقِّ

و قصه کسی که نافرمانی کرد مرا و دروغ پنداشت چیزی را که آورده ام من آن را از نزد خدا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم مثلي كمثل رجل استوقد نارا

صلی الله علیه وسلم حال من بمچو حال مردی است که افروخت آتشی

فلما أضاءت ما حولها جعل الفراش وهذه الدواب

پس هرگاه که روشن گردانید آتش آنچه گرد اوست گردانید پروانه ها و این جنبنده ها که

التي تقع في النار يقعن فيها وجعل يحجزهن ويغلبنه

که در عادت ایشان است که می افتند در آتش در می افتند در آتش و گردید منع میکرد آن دواب را و غالب می شدند آن دواب بر آن

فيتقحمن فيها فأنا آخذ بحجزكم عن النار وأنتم

پس ازدحام می کردند در آتش پس من گیرنده ام جای بند ازار شما را که باز دارم شما را از آتش و شما

تقحمون فيها هذه رواية البخاري ولمسلم نحوها

ازدحام میکنید در آن آتش این روایت بخاری است و مر مسلم را مانند این روایت است

وقال في آخرها قال فذلك مثلي ومثلكم أنا آخذ

و گفته است مسلم در پایان روایت خود گفت پس آنکه گرده حال من و حال شما است من گیرنده ام

بحجزكم عن النار هلم عن النار هلم عن النار فتغلبوني

جای بند ازار شما را از آتش بیائید بسوی من از آتش بیائید غالب می آیید مرا

تقحمون فيها متفق عليه وعن أبي هريرة

می افتید در آتش متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يكون في آخر الزمان دجالون كذابون يأتونكم

پیدا شوند در آخر زمان تلبیس کنندگان دروغ گویان می آرند شما را

من الأحاديث بما لم تسمعوا أنتم ولا آباؤكم

از احادیث آنچه نشنیده آید شما نه شما و نه پدران شما

فَإِيَّاكُمْ وَإِيَّاهُمْ لَا يُضِلُّونَكُمْ وَلَا يَفْتِنُونَكُمْ

دور دارید خود را از ایشان و ایشان را از خود تا گمراه نکنند و در فتنه نیندازند شما را

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

روایت کرده مسلم و از وی است گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا

صلی الله علیه و سلم بس است مرد را از روی دروغ گفتن

أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

آنکه حدیث کند هر چیز را که شنیده است روایت کرده مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ

کسیکه بخواند بسوی راه راست باشد او را از اجر مقدار

أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ

مزدهای کسانیکه پیروی میکنند او را کم نمیکند این از

أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ

اجرهای ایشان چیزی را و کسیکه بخواند بسوی گمراهی

كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْاِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ

باشد بر وے از بزه مقدار بزهای کسانیکه پیروے کنند او را

لَا يَنْقُصُ ذٰلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا رَوَاهُ

کم نمی کند این از اثام ایشان چیزی را روایه

مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مسلم و روایت است از وی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَدَأَ الْاِسْلَامُ غَرِيْبًا

صلی الله علیه وسلم پیدا شد اسلام در آغاز کار غریب

وَسَيَعُوْدُ كَمَا بَدَأَ فَطُوْبٰى لِلْغُرَبَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

و قریب است که باز گردد غریب چنانکه در ابتدا بود پس خوشی باد مر غریبان را روایه مسلم

[illegible]

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ

و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

الْإِيمَانَ لَيَأْرِزُ إِلَى الْمَدِينَةِ كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ إِلَى جُحْرِهَا

ایمان گرد می آید بسوی مدینه چنانکه بازمیگردد مار بسوی سوراخ خود

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْعِرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ قَالَ فِي

متفق علیه است در روایت است از عرباض ابن ساریه رض گفت در

حَدِيثِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي

حدیث خود از پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس لازم گیرید بر خود سنت

وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا

سنت خلفای راشدین که راه یافتگان اند چنگ در زنید بسنت من

وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ وَإِيَّاكُمْ وَمُحْدَثَاتِ الْأُمُورِ

ومحکم گزید بر سنت انها را بدندانها و دور دارید خود را از کارهای نو پیدا

فَإِنَّ كُلَّ مُحْدَثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ

پس بدرستیکه هر خصلت احداث کرده شده بدعت است و هر بدعت ضلالت است روایت کرد احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو

وابوداود و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از عبدالله ابن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُؤْمِنُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آرد

است الی یوم القیامه واد فی بدعت سیئه مکروه و اعلی سیئه کفر کذا فی مأة المسایل ۱۲ **فصل الخطاب**

أحدكم حتى يكون هواه تبعا لما جئت به

یکی از شما تا آنکه باشد هوای نفس او تابع مر شریعتی را که آورده ام من آنرا

رواه في شرح السنة وعن بلال بن الحارث

روایت کرد در شرح سنة این حدیث را و روایت است از بلال ابن حارث

المزني رض قال قال رسول الله صلى الله

مزنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

عليه وسلم من أحيى سنة من سنتي

علیه وسلم کسیکه زنده گرداند سنتی از سنتها

قد أميتت بعدي فإن له من الأجر مثل أجر

که بتحقیق میرانیده شده است پس آن کس را مر او را از مزد

من عمل بها من غير أن ينقص من أجورهم

کسانیکه کار کنند بآن سنت بی آنکه کم کرده شود از مزدهای ایشان

شيئا ومن ابتدع بدعة ضلالة لا يرضاها الله

چیزی و کسی که بدعت پیدا کرد بدعت ضلالت که راضی نیست از آن بدعت خدا

ورسوله كان عليه من الاثم مثل آثام من عمل بها

پیغمبر خدا باشد بر وی از بزه مقدار بزه های کسانیکه پیروی کرده اند

لا ينقص ذلك من اوزارهم شيئا رواه الترمذي وعن

او را کم نمیکند این از آثام ایشان چیزیرا رواه ترمذی و روایت است

عمرو بن عوف رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

از عمرو بن عوف رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم ان الدين ليأرز الى الحجاز كما تأرز الحية

وسلم بدرستیکه اسلام گرد می آید بسوی حجاز چنانکه باز میگردد مار

الى جحرها وليعقلن الدين من الحجاز معقل الاروية

بسوی سوراخ خود و هرآئنه پناه بجوید دین از زمین حجاز بجو پناه جستن بز کوهی

من رأس الجبل ان الدين بدأ غريبا وسيعود كما بدأ

از سر کوهی بدرستیکه دین پیدا شده است غریب و تنها و قریب است که باز گردد چنانکه

فطوبى للغرباء وهم الذين يصلحون ما افسد الناس

بود پس خوش خبری باد مر غریبانرا و غریبان آن کسانی اند که نیکوی سازند چیزیرا که بد ساخته اند مردم

من بعدي من سنتي رواه الترمذي وعن عبد الله

بعد از من از سنت من رواه ترمذی و روایت است از عبد الله

بن عمرو رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ليأتين على امتي كما اتى على بني اسرائيل حذو النعل

هرآئینه بیاید بر امت من مانند آنچه آمده بر بنی اسرائیل مطابق یکدیگر

بالنعل حتى ان كان منهم من اتى امه علانية لكان

تا آنکه اگر بود از بنی اسرائیل کسیکه آمد در مادر را آشکارا هرآئینه باشد

١٣٨٨١

ایشانند و احکام ولایت یقین ایشانند و از کشف ... مقصود و مراد است همین ایشانند ۱۲

في امتي من يصنع ذلك وان بني اسرائيل

در امت من کسیکه بکند آن فعل شنیع را و هر آینه بنی اسرائیل

تفرقت على ثنتين وسبعين ملة وتفترق

جدا شدند بهفتاد و دو ملت و جدا خواهند شد

امتي على ثلث وسبعين ملة كلهم

امت من بر هفتاد و سه مذهب همه ایشان

في النار الا ملة واحدة قالوا من هي يا

مستحق در آمدن در دوزخ باشند مگر یک ملت گفتند کیست آن یک ملت ای

رسول الله قال ما انا عليه واصحابي رواه

پیغمبر خدا فرمود آن ملت که من بر آنم و صحابه من بر آنند روایت کرده

الترمذي وفي رواية احمد وابي داود

ترمذی و در روایت احمد و ابی داود

عن معاوية ثنتان وسبعون في النار

از معاویه آمده که اهل هفتاد و دو ملت در آتش اند

وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ الْجَمَاعَةُ وَإِنَّهُ سَيَخْرُجُ

و آن یک ملت در بهشت است آن مسمی به جماعت است و بدرستی که زود باشد که بیرون آیند

فِي أُمَّتِي أَقْوَامٌ تَتَجَارَى بِهِمْ تِلْكَ الْأَهْوَاءُ

در امت من گروه های که روان میشود با ایشان آن اهوا

كَمَا يَتَجَارَى الْكَلْبُ بِصَاحِبِهِ لَا يَبْقَى مِنْهُ عِرْقٌ

چنانکه سرایت میکند گزیدن سگ مر صاحب خود را باقی نماند از اعضای او هیچ

وَلَا مَفْصِلٌ إِلَّا دَخَلَهُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ

رگی و بندی مگر در می آید دران و روایت است از ابن عمر رضی الله عنهما گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ لَا يَجْمَعُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه گرد نمی آرد خدا

أُمَّتِي أَوْ قَالَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امت مرا یا گفت امت محمد صلی الله علیه وسلم را

عَلَى ضَلَالَةٍ وَيَدُ اللهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَمَنْ شَذَّ شُذَّ

بر گمراهی و دست احسان خدا بر جماعت است و کسیکه تنها افتاد از جماعت انداخته شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

در آتش روایت کرد او را ترمذی و در روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِتَّبِعُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّهُ مَنْ شَذَّ شُذَّ

الله علیه وسلم پیروی کنید جمهور را پس بتحقیق شان این است که کسیکه تنها افتاد از جماعت تنها افکنده شود

فِي النَّارِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ لِي

در آتش روایت کرد او را ابن ماجه و در روایت است از انس رض گفت فرمود مرا

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا بُنَيَّ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ای پسرک من اگر توانی که

تُصْبِحَ وَتُمْسِيَ وَلَيْسَ فِي قَلْبِكَ غِشٌّ لِأَحَدٍ فَافْعَلْ

صبح کنی و شام کنی در حالی که نیست در دل تو کینه با هیچ کس پس بکن

ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ وَذَلِكَ مِنْ سُنَّتِي وَمَنْ أَحَبَّ سُنَّتِي فَقَدْ

پس گفت ای پسرک من و آن کار از سنت من است و کسیکه دوست داشت سنت مرا پس بتحقیق

أَحَبَّنِي وَمَنْ أَحَبَّنِي كَانَ مَعِي فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

دوست میدارد مرا و کسیکه دوست دارد مرا باشد با من در بهشت روایت کرد او را ترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و در روایت است از ابوهریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَمَسَّكَ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ أُمَّتِي فَلَهُ

علیه وسلم کسیکه چنگ در زند به سنت من نزد فساد امت من پس او راست

٨١

أجر مائة شهيد رواه البيهقي في كتاب الزهد له من

مزد صد شهيد رواه بيهقي در كتاب الزهد لفظ پيغمبر از

حديث ابن عباس وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله

از حديث ابن عباس رض و روايت است از ابي هريره رض گفت فرمود رسول الله

صلى الله عليه وسلم إنكم في زمان من ترك منكم عشر

صلى الله عليه وسلم بدرستيكه شما در زماني هستيد كه هر كه ترك كند از شما ده حصه

ما أمر به هلك ثم يأتي زمان من عمل منهم بعشر

آنچه امر كرده شده است بدان هلاك شود پس مى آيد زمانى كه هر كه كند از ايشان ده حصه

ما أمر به نجا رواه الترمذي وعن معاذ بن جبل رض

آنچه امر كرده شده است بدان نجات يابد رواه ترمذى و روايت است از معاذ بن جبل

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن الشيطان

گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم بدرستيكه شيطان

ذئب الإنسان كذئب الغنم يأخذ الشاذة والقاصية

گرگ آدمى است مانند گرگ گوسفند كه ميگيرد گوسفند را كه از گله دور افتاده است

والناحية وإياكم والشعاب وعليكم بالجماعة و

و دور رونده از گله و يكسو افتاده و دور داريد خود را از راههاى ميان دو كوه لازم گيريد

العامة رواه أحمد وعن أبي ذر رض قال قال

رواه احمد و روايت است از ابى ذر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من فارق الجماعة

پيغمبر الله صلى الله عليه وسلم كسيكه جدائى كرد جماعت را

شبرا فقد خلع ربقة الإسلام من عنقه رواه أحمد

مقدار يك شبر پس بتحقيق بر كشيد ربقه اسلام را از گردن خود رواه احمد

وابوداود وعن ابراهیم بن میسرة رضـ

و ابو داود و روایت است از ابراهیم ابن میسره رضـ

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من وقر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه تعظیم کرد

صاحب بدعة فقد اعان علی هدم الاسلام

خداوند بدعت را پس تحقیق مدد کرد بر ویران کردن دین اسلام

رواه البیهقی فی شعب الایمان مرسلا وعن

روایت کرد بیهقی در شعب الایمان مرسل و روایت است از

ابن مسعود رضـ قال من کان مستنا فلیستن بمن

ابن مسعود رضـ گفت کسیکه میخواهد که برود براه راست پس باید که برود براه

قد مات فان الحی لا تؤمن علیه الفتنة اولئک

کسانیکه بتحقیق از عالم گذشته اند پس بدرستیکه زندگان ایمن کرده نمیشود بر ایشان از فتنه آن مردگان

اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم کانوا افضل

یاران محمد صلی الله علیه وسلم اند که بودند فاضلتر

هذه الامة ابرها قلوبا واعمقها علما واقلها

از هرکه جز ایشان است در دنیا است و نیکتر ازین امت از روی دلها و دور اندیشتر از روی علم و کمترین

تکلفا اختارهم الله لصحبة نبیه ولاقامة دینه

از روی تکلف برگزید ایشان را خدا از برای صحبت پیغمبر خود و برای بر پا داشتن دین وی

٨٢



فاعرفوا لهم فضلهم واتّبعوهم على آثارهم وتمسّكوا

پس بشناسید برای ایشان فضل ایشان را و پیروی کنید ایشان را بر نشانهای ایشان وچنگ در زنید

بما استطعتم من اخلاقهم وسيرهم فانّهم كانوا

بانچه توانید از خویهای ایشان و روشهای ایشان که بتحقیق بودند

على الهدى المستقيم رواه رزين وعن

بر راه راست رواه رزین وروایت است از

انس رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

انس رض که وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلّم لا يؤمن احدكم حتّى اكون احبّ اليه

وسلم ایمان نمی آرد یکی از شما تا آنکه باشم دوست داشته تر بسوی او

من نفسه وماله وولده ووالده والنّاس اجمعين

از جانش وازمالش واز فرزندش وپدرش و مردمان همه

رواه الشّيخان واحمد والنّسائي وابن ماجة

رواه شیخان واحمد ونسائی وابن ماجه

٨٣

وَقِيلَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتَى أَكُونُ

وگفته شد مر پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم که کی باشم

مُؤْمِنًا وَفِي لَفْظٍ آخَرَ مُؤْمِنًا صَادِقًا قَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ

مومن و در لفظ آخر مومن صادق گفت چون دوست داشته باشی

اللهَ فَقِيلَ وَمَتَى أُحِبُّ اللهَ فَقَالَ إِذَا أَحْبَبْتَ رَسُولَهُ

خدا را پس گفته شد و کی باشم که دوست دارم خدا را پس فرمود چون دوست داشته باشی پیغمبر او را

فَقِيلَ وَمَتَى أُحِبُّ رَسُولَهُ قَالَ إِذَا اتَّبَعْتَ طَرِيقَتَهُ

پس گفته شد و کی دوست دارم پیغمبر او را فرمود چون پیروی کنی طریقه او را

وَاسْتَعْمَلْتَ سُنَّتَهُ وَأَحْبَبْتَ بِحُبِّهِ وَأَبْغَضْتَ بِبُغْضِهِ

و عمل کنی سنت او را و دوست داری کسی را بسبب دوستی وی و دشمن داری کسی را بسبب دشمنی وی

وَوَالَيْتَ بِوِلَايَتِهِ وَعَادَيْتَ بِعَدَاوَتِهِ وَيَتَفَاوَتُ

و دوستی کنی بدوستی وی و عداوت کنی بعداوت وی و متفاوت اند

النَّاسُ فِي الْإِيمَانِ عَلَى قَدْرِ تَفَاوُتِهِمْ فِي مَحَبَّتِي

مردمان در ایمان بمقدار تفاوت ایشان در محبت من

وبتفاوتون في الكفر على قدر تفاوتهم في بغضي الا

متفاوت میشوند در کفر باندازهٔ تفاوت ایشان در بغض من آگاه باشید

لا ايمان لمن لا محبة له الا لا ايمان لمن لا محبة له

نیست ایمان مر آن شخص را که نیست محبت مر ویرا آگاه باش نیست ایمان مر آنکس را که نیست محبت مر او را

الا لا ايمان لمن لا محبة له كذا في الدلائل وقيل

آگاه باش نیست ایمان مر آنکس را که نیست محبت آنرا چنین است در دلائل خیرات - و گفته شد

لرسول الله صلى الله عليه وسلم نرى مؤمنا يخشع و

مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را می بینیم مومنی را که خوف میکند

مؤمنا لا يخشع ما السبب في ذلك فقال من وجد لايمانه

و مومنی را که خوف نمیکند چیست سبب در آن میان پس گفت کسیکه یابد برای ایمان خود

حلاوة خشع ومن لم يجدها لم يخشع فقيل بم توجد

ترا لذت خوف میکند و کسیکه نیافت آنرا خوف نمی کند پس گفته شد بچه یافته میشود آن حلاوت

او بم تنال او بما تكتسب قال بصدق الحب في الله فقيل

یا بچه حاصل کرده میشود و یا بچه کسب کرده میشود گفت براستی محبت در مقدمهٔ خدا پس گفته شد

وبم يوجد حب الله او بم يكتسب فقال بحب رسوله

و بچه یافته میشود محبت خدا یا بچه کسب کرده شود پس گفت بسبب محبت پیغمبر وی

فالتمسوا رضاء الله ورضاء رسوله في حبهما كذا في الدلائل

پس بجوئید رضای خدا و رضای پیغمبر او در محبت هر دو چنانست در دلائل الخیرات

وَقِيْلَ لِرَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اٰلُ مُحَمَّدٍ

وگفته شده مر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را کیستند آل محمد

الَّذِيْنَ اُمِرْنَا بِحُبِّهِمْ وَاِكْرَامِهِمْ وَالْبُرُوْرِ بِهِمْ فَقَالَ

که امر کرده شده ایم بمحبت ایشان وگرامی کردن ایشان ونیکوکاری کردن با ایشان پس گفت

اَهْلُ الصَّفَاءِ وَالْوَفَاءِ مَنْ اٰمَنَ وَاَخْلَصَ فَقِيْلَ وَمَا عَلَامَاتُهُمْ

صاحب صفا ووفا احسان که ایمان آورد وخالص کرد پس گفته شد وچیست نشانهای ایشان

فَقَالَ اِيْثَارُ مَحَبَّتِيْ عَلٰى كُلِّ مَحْبُوْبٍ وَاشْتِغَالُ الْبَاطِنِ

پس گفت اختیار کردن محبت من برهمه دوست داشته شده ومشغول داشتن باطن خود را

بِذِكْرِيْ بَعْدَ ذِكْرِ اللهِ وَفِيْ اُخْرٰى عَلَامَتُهُمْ اِدْمَانُ

بذکر من بعد از ذکر خدا ودر روایت دیگر نشان ایشان دوام کردن

ذِكْرِيْ وَالْاِكْثَارُ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيَّ دَلَائِلُ وَقِيْلَ

ذکر من وبسیار درود فرستادن برمن است دلائل وگفته شد

لِرَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ الْقَوِيُّ فِي الْاِيْمَانِ

مرپیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کیست قوی در ایمان اندرون

بِكَ فَقَالَ مَنْ اٰمَنَ بِيْ وَلَمْ يَرَنِيْ فَاِنَّهُ مُؤْمِنٌ بِيْ عَلٰى

بتو پس فرمود کسیکه ایمان آرد بمن ونه دید مرا پس بدرستیکه وی مومن است بمن بر

شَوْقٍ مِنْهُ وَصِدْقٍ فِيْ مَحَبَّتِيْ وَعَلَامَةُ ذٰلِكَ مِنْهُ اَنَّهُ

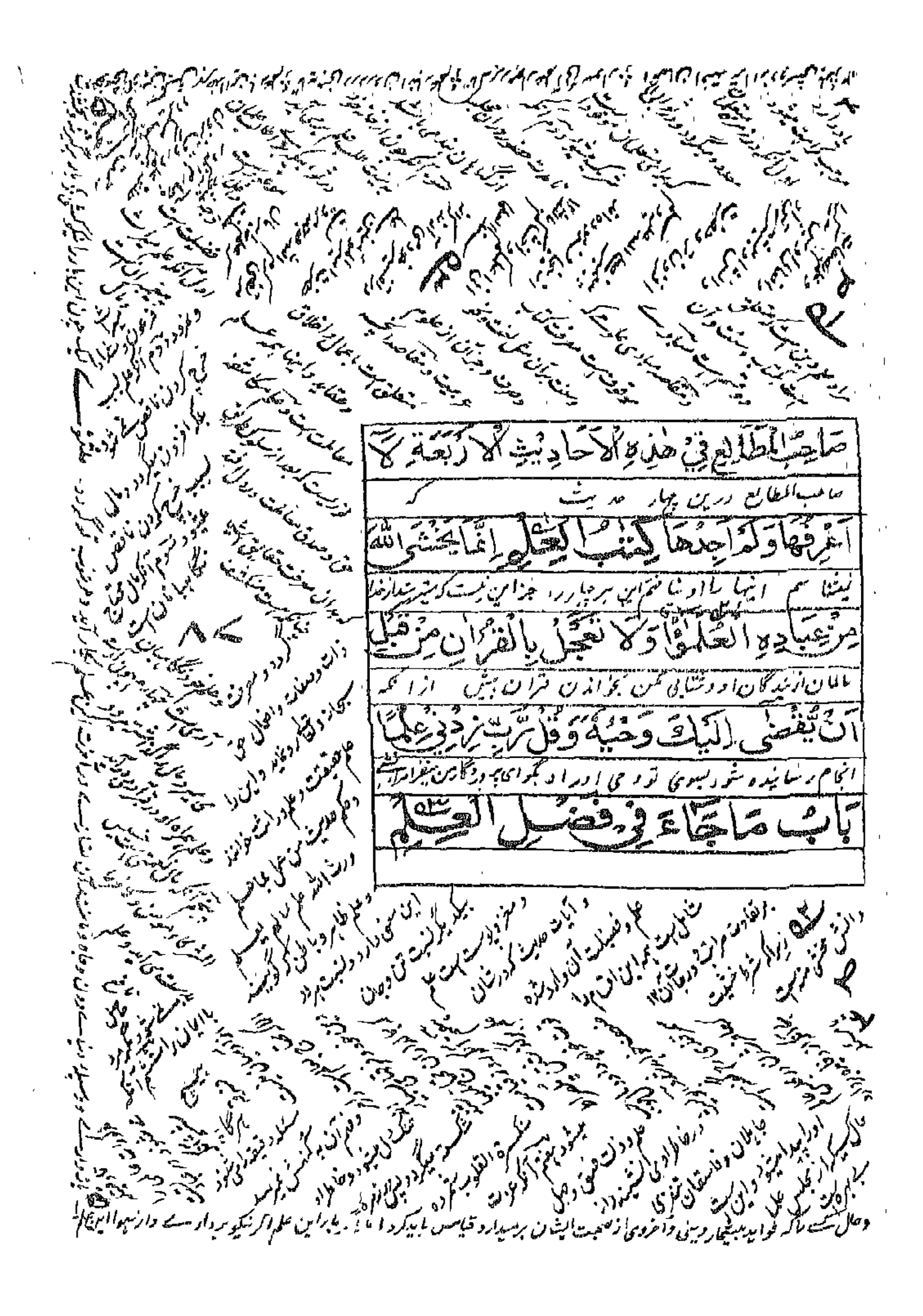
شوقیکه او راست وبر صدقیکه در محبت من است ونشان اینکار از او است که او

يَوَدُّ رُؤْيَتِيْ بِجَمِيْعِ مَا يَمْلِكُ وَفِيْ اُخْرٰى مِلْءَ الْاَرْضِ

دوست دارد دیدار مارا بتمام آنچه که مالک شده است ودر روایت دیگر لفظ ملاء الارض

ذَهَبًا ذٰلِكَ الْمُؤْمِنُ بِيْ حَقًّا كَذَا فِي الدَّلَائِلِ وَقَالَ

زر است آنکس مومن است بمن حقیقة چنین است در دلائل وگفته است



صَاحِبُ الْمَطَالِعِ فِيْ هٰذِهِ الْأَحَادِيْثِ الْأَرْبَعَةِ لَا

صاحب المطالع درین چهار حدیث که

أَعْرِفُهَا وَلَمْ أَجِدْهَا كُتُبُ الْعِلْمِ إِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ

نیشناسم انهارا و نیافتم این هر چهار را جز این نیست که میترسند از خدا

مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰؤُا وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ

عالمان از بندگان او و شتابی مکن بخواندن قران پیش از انکه

أَنْ يُّقْضٰى إِلَيْكَ وَحْيُهٗ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا

انجام رسانیده شود بسوی تو وحی او و بگوای پروردگار من بیفزا مرا

بَابُ مَا جَاءَ فِيْ فَضْلِ الْعِلْمِ



وَالعُلَمَاءِ وَعَنْ كَثِيرِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ كُنْتُ

وروایت است از کثیر ابن قیس رض گفت بودم من

جَالِسًا مَعَ أَبِي الدَّرْدَاءِ فِي مَسْجِدِ دِمَشْقَ فَجَاءَهُ رَجُلٌ

نشسته با ابو درداء در مسجد دمشق پس آمد اورا مردے

فَقَالَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ إِنِّي جِئْتُكَ مِنْ مَدِينَةِ الرَّسُولِ

پس گفت ای ابا درداء بدرستیکه من آمده ام ترا از مدینه پیغمبر

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَدِيثٍ بَلَغَنِي أَنَّكَ تُحَدِّثُهُ

صلی الله علیه و سلم جهت شنیدن حدیثے که رسیده است مرا که تو خبر میدهی او را

عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا جِئْتُ لِحَاجَةٍ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیامده ام از جهت حاجتے دیگر

قَالَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت پس بدرستیکه من شنیده ام پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را

يَقُولُ مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيهِ عِلْمًا سَلَكَ اللهُ بِهِ

گفت کسے که برود راه را که طلب کند در وے علمے ببرد خدا اورا

طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا

براہے از راہ ہاے بہشت و بدرستیکه فرشتگان ہر آئینه می نہند بازوہاے خود را

رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ وَإِنَّ الْعَالِمَ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ

بجهت رضامندی طالب علم و بدرستیکه عالم ہر آئینه آمرزش میخواهد برای او ہر که

فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ

در آسمان است و هر که در زمین است و ماهیان در میان آب

وَاِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ

و بدرستیکه فضیلت عالم بر عابد همچو فضل ماه شب

الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ وَاِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

چهاردهم است بر باقی همه کواکب و بدرستیکه عالمان وارثان

الْاَنْبِيَاءِ وَاِنَّ الْاَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِيْنَارًا وَّلَا دِرْهَمًا

پیغمبران اند و بدرستیکه پیغمبران وارث نگردانیده اند دینار را و نه درهم را

وَاِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ اَخَذَهُ اَخَذَ بِحَظٍّ وَّافِرٍ رَوَاهُ

و نگذاشته اند بارث مگر علم را پس کسیکه گرفت علم را گرفت نصیبی تمام روایت کرد

اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَ

احمد و ترمذی و ابو داود و ابن ماجه و

الدَّارِمِيُّ وَسَمَّاهُ التِّرْمِذِيُّ قَيْسَ ابْنَ كَثِيْرٍ

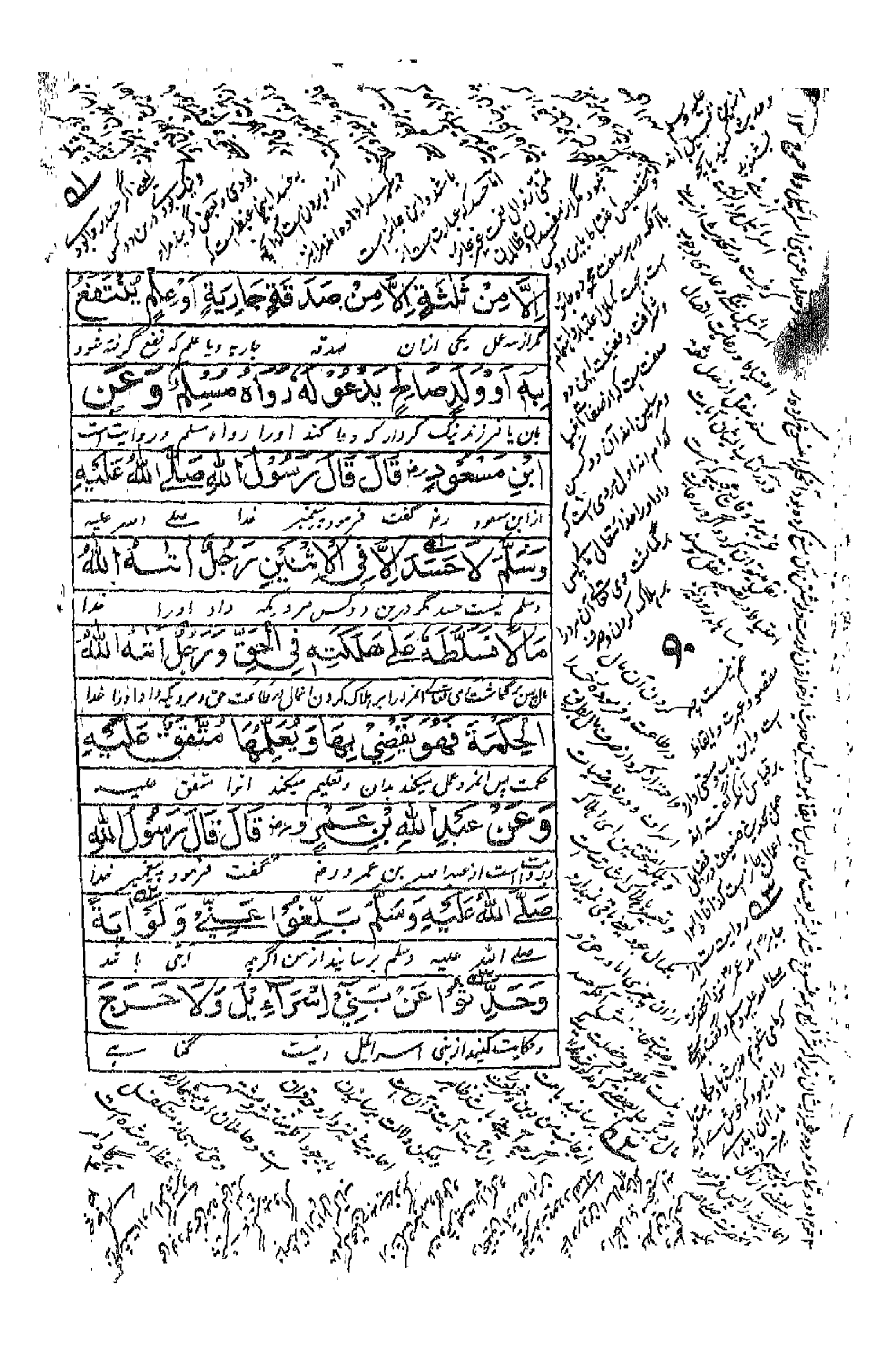
دارمی و نام وی گفت راوی را ترمذی به قیس ابن کثیر

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا مَاتَ الْاِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ

علیه و سلم چون بمیرد آدمی بریده میشود از وی هر عملی که میکند



إِلَّا مِنْ ثَلٰثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ

مگر از سه عمل یکی از آن صدقه جاریه و یا علمی که نفع گرفته شود

بِهٖ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوْ لَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ

بآن یا فرزند نیک کردار که دعا کند او را رواه مسلم و در روایت است

ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَيْنِ رَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

وسلم نیست حسد مگر در دو کس مردی که داد او را خدا

مَالًا فَسَلَّطَهٗ عَلٰى هَلَكَتِهٖ فِي الْحَقِّ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ

مالی پس گماشت وی را بر هلاک کردن آن مال در طاعت حق و مردی که داد او را خدا

الْحِكْمَةَ فَهُوَ يَقْضِيْ بِهَا وَيُعَلِّمُهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

حکمت پس او حکم میکند بدان و تعلیم میکند آنرا متفق علیه

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و در روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلِّغُوْا عَنِّيْ وَلَوْ آيَةً

صلی الله علیه وسلم برسانید از من اگرچه آیتی باشد

وَحَدِّثُوْا عَنْ بَنِيْ إِسْرَائِيْلَ وَلَا حَرَجَ

و حکایت کنید از بنی اسرائیل نیست گناه

وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

وهر که دروغ بر بندد برمن قصدا پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

روایت کرد آنرا بخاری رحمه الله از وی روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ نَفَّسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً

صلی الله علیه وسلم کسیکه رهائش دهد و دور گرداند از مسلمانی اندوهی

مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَفَّسَ اللهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ

از اندوه های دنیا رهائش دهد و دور گرداند خدا تعالی از آنکس اندوه را از

كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللهُ عَلَيْهِ

اندوه های روز قیامت و کسیکه آسان گرداند کار بر تنگدستی در ادای قرض آسان گرداند بروی حق تعالی

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللهُ فِي

در دنیا و آخرت و کسیکه بپوشد عیب مسلمانی را بپوشد او را خدا تعالی

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ

در دنیا و آخرت و خدا تعالی در یاری کردن بنده است تا دام که بنده

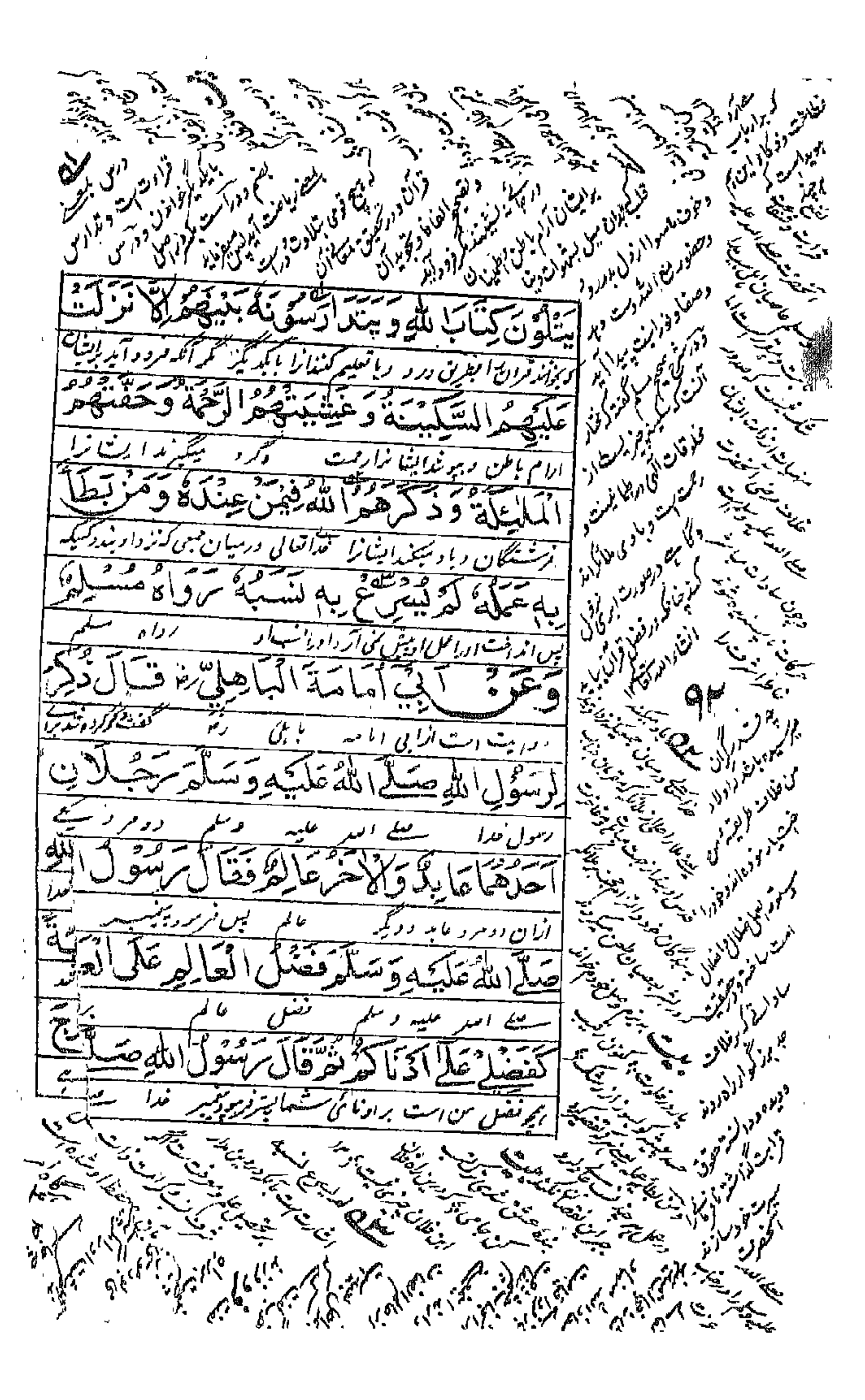
فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللهُ

در یاری کردن برادر خود است و کسیکه برود در راهی که طلب میکند در وی علم را آسان گرداند حق تعالی

لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللهِ

مر آنکس را بسبب آن طریق راهی بسوی بهشت و نه فراهم آیند گروهی در خانه از خانه های خدا

91



يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم الا نزلت

که بخوانند قرآن را بطریق ورد و یا تعلیم کنند آنرا با یکدیگر مگر آنکه فرود آید بر ایشان

عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم

آرام باطن و بپوشند ایشان را رحمت و گرد میگیرند ایشان را

الملائكة وذكرهم الله فيمن عنده ومن بطأ

فرشتگان و یاد میکند ایشان را خدا تعالی در میان جمعی که نزد او بند و کسیکه

به عمله لم يسرع به نسبه رواه مسلم

پس اندازد او را عمل او و پیش نمی آرد او را نسب او رواه مسلم

وعن ابي امامة الباهلي رض قال ذكر

و روایت است از ابی امامه باهلی رض گفت ذکر کرده شدند برای

لرسول الله صلى الله عليه وسلم رجلان

رسول خدا صلی الله علیه و سلم دو مرد یکے

احدهما عابد والآخر عالم فقال رسول الله

از آن دو مرد عابد و دیگر عالم پس فرمود پیغمبر

صلى الله عليه وسلم فضل العالم على العابد

صلی الله علیه و سلم فضل عالم

كفضلي على ادناكم ثم قال رسول الله صلى

همچو فضل من است بر ادنی شما باز فرمود پیغمبر خدا

٩٣

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰئِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمٰوَاتِ

علیه وسلم بدرستیکه خدا تعالی و فرشتگان او و اهل آسمانها

وَالْأَرْضِ حَتَّى النَّمْلَةَ فِي جُحْرِهَا وَحَتَّى الْحُوْتَ لَيُصَلُّوْنَ

و زمینیان تا مورچه در سوراخ خود و تا ماهی هر آئینه درود میفرستند

عَلٰى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

بر تعلیم کنند خیر مردم را روایت کرد ترمذی و در روایت است

أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اَلْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْحَكِيْمِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ

سخن علم و حکمت چیز گم شده حکیم است پس هر جا که یافت آنکلمه را پس آن حکیم

أَحَقُّ بِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

سزاوار تراست بآنکلمه روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و در روایت است

ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَقِيْهٌ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ

وسلم یک فقیه سخت تراست بر شیطان از هزار

عَابِدٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض

عابد روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و در روایت است از انس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَبُ الْعِلْمِ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب علم

فَرِيْضَةٌ عَلٰى كُلِّ مُسْلِمٍ وَوَاضِعُ الْعِلْمِ عِنْدَ غَيْرِ اَهْلِهٖ

فرض است بر هر مسلم ونهنده علم نزد کسیکه اهل آن نیست

كَمُقَلِّدِ الْخَنَازِيْرِ الْجَوْهَرَ وَاللُّؤْلُؤَ وَالذَّهَبَ

همچو اندازنده است بگردن خوکان قلاده جواهر و مروارید و طلا

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

رواه ابن ماجه وروایت کرد بیهقی در شعب ایمان

اِلٰى قَوْلِهٖ مُسْلِمٍ وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ مَتْنُهٗ مَشْهُوْرٌ

تا قول او که مسلم است وگفت این حدیث متنش است که مشهور شده است

وَاِسْنَادُهٗ ضَعِيْفٌ وَقَدْ رُوِيَ مِنْ اَوْجُهٍ كُلُّهَا ضَعِيْفٌ

در بیان مردم و اسناد او ضعیف است وتحقیق روایت کرده شده است بوجوه طرق که همه ضعیف است

وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ خَرَجَ فِيْ طَلَبِ الْعِلْمِ فَهُوَ فِيْ سَبِيْلِ

علیه وسلم کسیکه بیرون آمد برای طلب علم پس او در راه

اللّٰهِ حَتّٰى يَرْجِعَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

خدا است تا هنگام بازگشتن رواه ترمذی و دارمی

تا هنگام باز آمدن بخانه چنانکه کسیکه بجهاد با کفار برآید تا باز آمدن در راه خداست و در درج نیز همچنین گفته اند

و آنحضرت که این حدیث روایت کرده بود ترسے او از هیبت زرد تر گشت و موسے بر اندام او بالیستاد و گوشت کہ در میان کوهها ...

وَعَنْ سَخْبَرَةَ الْأَزْدِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از سخبره ازدی رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ كَانَ كَفَّارَةً

صلی الله علیه وسلم هر که طلب کند علم را باشد این طلب او کفارت

لِمَا مَضٰى رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي سَعِيْدٍ

گناهان را که گذشته است رواه ترمذی و دارمی و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَنْ يَّشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَّسْمَعُهُ حَتّٰى يَكُوْنَ مُنْتَهَاهُ

هرگز سیر نمیگردد مومن از شنیدن سخن نیک تا آنکه میباشد عاقبت کار او

الْجَنَّةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ سَمِعْتُ

بهشت رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رض گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ نَضَّرَ اللّٰهُ

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت تر و تازه گرداند خدای تعالی

٩٥

... گرد که یا رسول الله صلی الله علیه وسلم من بسیار از زبان مبارک تو می‌شنوم یاد میگیرم بعضی حدیث یاد می‌کالد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود ...

امرءٌ سمع منّا شيئا فبلّغه كما سمعه فربّ مبلّغ اوعى له من

مردی را که بشنید از ما چیزی پس برسانید [illegible]

سامعٍ رواه الترمذي وعن عوف بن مالك الاشجعي

شنونده روایت کرده اورا ترمذی و روایت است از عوف ابن مالک اشجعی رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يقصّ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم وعظ نمیگوید

الّا امير او مامور او مختال رواه ابو داود وعن

مگر حاکم یا کسیکه امر کرده است اورا حاکم یا متکبر روایت کرده ابو داود [illegible]

ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

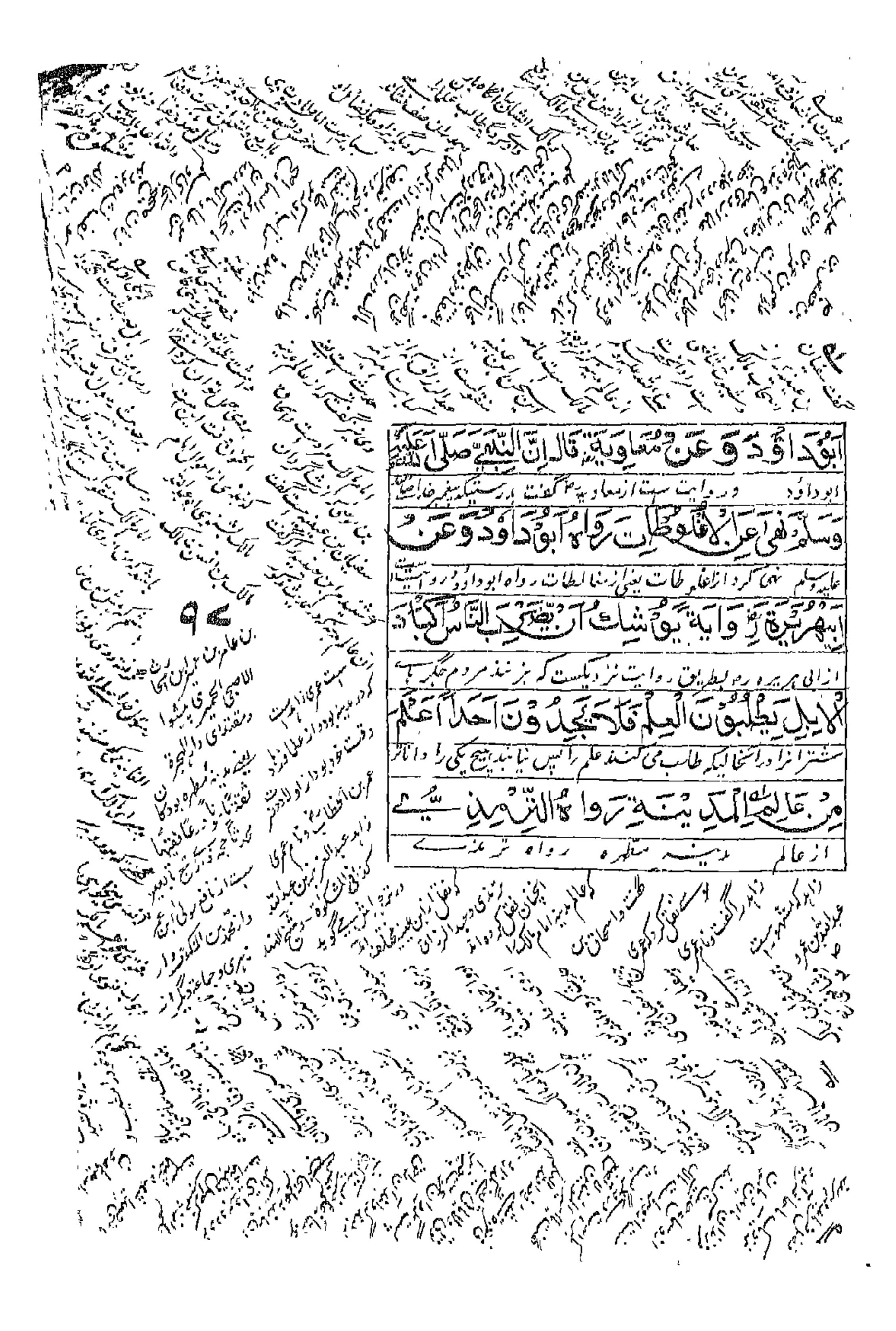
افتى بغير علم كان اثمه على من افتاه ومن اشار على

فتوی داده بی دانش باشد گناه او بر کسیکه استفتا نموده [illegible] کسیکه امر کرد

اخيه بامر يعلم انّ الرشد في غيره فقد خانه رواه

برادر خود را بکاری که میداند [illegible] خیانت کرده [illegible] روایت

96



٩٧

أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

ابوداود و روایت ست از معاویه رض گفت بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله

وَسَلَّمَ نَهَى عَنِ الْأُغْلُوطَاتِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

علیه وسلم نهی کرد از اغلوطات یعنی از مغالطات رواه ابوداود و روایت است

أَبِي هُرَيْرَةَ رِوَايَةً يُوشِكُ أَنْ يَضْرِبَ النَّاسُ أَكْبَادَ

از ابی هریره رض بطریق روایت نزدیکست که بزنند مردم جگرهای

الْإِبِلِ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ فَلَا يَجِدُونَ أَحَدًا أَعْلَمَ

شتران را در انتها ایکه طلب می کنند علم را پس نیابند هیچ یکی را داناتر

مِنْ عَالِمِ الْمَدِينَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

از عالم مدینه مطهره رواه ترمذی

وعنه فيما أعلم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از وی در آنچه میدانم از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم این حدیث را فرمود

قال إن الله عز وجل يبعث لهذه الأمة على رأس كل

پیغمبر خدا گفت بدرستیکه خدا برانگیزد برای نفع این امت بر سر هر

مائة سنة من يجدد لها دينها رواه أبو داود وعن

صد سالی کسی را که نو می کند برای این امت دین او را رواه ابو داود و روایت است از

الحسن مرسلاً قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

حسن بصری از روی ارسال گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من جاءه الموت وهو يطلب العلم ليحيي به الإسلام

کسیکه بیاید او را مرگ در حال آنکه وی طلب کند علم را تا زنده گرداند بآن علم دین اسلام

فبينه وبين النبيين درجة واحدة في الجنة رواه

پس میان او و میان پیغمبران یک پایه تفاوت است در جنت رواه

الدارمي وعن واثلة بن الأسقع قال قال رسول الله

دارمی و روایت است از واثله بن اسقع رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من طلب العلم فأدركه كان له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بجوید علم دین را پس دریابد آنرا باشد مر او را

كفلان من الأجر فإن لم يدركه كان له كفل من الأجر

دو نصیب از ثواب پس اگر در نیافت آن علم را باشد مر او را یک ثواب

٩٨

٩٩

رواه الدارمي وعن ابي هريرة رضـ قال رسول الله ﷺ

رواه دارمی   و روایت ست از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم إن مما يلحق المؤمن من عمله

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از انچه میرسد مسلمانرا از ثواب کردار وی

وحسناته بعد موته علما علمه ونشره وولدا

وازنیکیهای وی بعد از مرگ وی علمی که دانسته است اورا و پراگنده کرد آن را و فرزندی

صالحا تركه او مصحفا ورثه او مسجدا بناه او بيتا

نیک کردار که گذاشت اورا یا مصحفی که بارث گذاشت اورا یا مسجدی که بنا کرد اورا یا خانه

لابن السبيل بناه او نهرا اجراه او صدقة اخرجها

که برای مسافران بنا کرده است یا نهری که روان ساخت آنرا یا صدقه که بیرون آورد آنرا

من ماله في صحته وحياته تلحقه بعد موته

از مال خود در حال تندرستی خود و زندگی خود میرسد ثواب این چیزها آن مسلمان را پس مرگ او

رواه ابن ماجه والبيهقي في شعب الايمان

روایت کرد ابن ماجه   و بیهقی   در شعب   الایمان

وعن عائشة رضـ انها قالت سمعت رسول الله ﷺ

و روایت ست از عائشه رضـ بدرستیکه گفت شنیدم من انحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول ان الله عز وجل اوحى الي

صلی الله علیه وسلم میگفت بدرستیکه خدا تعالی وحی کرد بسوی من

اتاه من سلك مسلكا في طلب العلم سهلت له طريق

کسی که برود راهی در طلب علم آسان گردانم مراورا راه

الجنة ومن سلبت كريمتيه اثبته عليهما الجنة وفضل

بهشت و کسی که بربایم من هردو چشم او را ثواب دهم او را بر صبر بر دو چشم بهشت و زیادتی

في علم خير من فضل في عبادة وملاك الدين الورع

در علم بهتر است از زیادتی در عبادت و سبب استحکام و قوت دین ورع و تقوی است

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن ابن عباس رض

روایت کرد بیهقی در شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض

قال تدارس العلم ساعة من الليل خير من احيائها

گفت درس گفتن علم یک ساعت از شب بهتر است از زنده گردانیدن تمام شب

رواه الدارمي وعن عبد الله بن عمرو رض ان

روایت کرد دارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض که بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم مر بمجلسين في مسجده

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گذشت بدو مجلس که در مسجد شریف وی بود

فقال كلاهما على خير واحدهما افضل من صاحبه اما

پس فرمود آن حضرت اهل هردو مجلس ثابت اند بر نیکی و یکی از این دو اهل مجلس فاضل تر است از دیگر

هؤلاء فيدعون الله ويرغبون اليه فان شاء

اما جماعت مشغول اند بدعا پس میخوانند خدا را و رغبت می کنند بسوی او پس اگر بخواهد

اعطاهم وان شاء منعهم واما هؤلاء فيتعلمون

میدهد ایشان را و اگر بخواهد منع کند ایشان را و اما این طایفه که مشغول اند بمذاکره

الفقه او العلم ويعلمون الجاهل فهم افضل

فقه را یا علم را و می آموزند نادان را پس ایشان فاضل ترند

وَإِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا ثُمَّ جَلَسَ فِيهِمْ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي

فرستاده شده ام من که آموزنده علم باشم پس نشست آنحضرت درمیان آن قوم روایت کرده دارمی و روایت است از ابی

الدَّرْدَاءِ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَدُّ الْعِلْمِ الَّذِي

درداء رضی گفت پرسیده شد از آن حضرت صلی الله علیه وسلم که چیست نهایت علمی که

إِذَا بَلَغَهُ الرَّجُلُ كَانَ فَقِيهًا فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

چون برسد مرد بآن مرتبه را باشد دانا و فقیه پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا فِي أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللهُ فَقِيهًا

کسیکه یاد کرد و برساند بر امت من چهل حدیث در کار دین ایشان برانگیزد خدا تعالی او را در زمره فقها

وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَافِعًا وَشَهِيدًا وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ

و باشم من مر او را در قیامت شفاعت کننده و گواهی دهنده و روایت است از انس ابن مالک

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَلْ تَدْرُونَ مَنْ أَجْوَدُ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا میدانید که کیست زیاده تر

جُودًا قَالُوا اللهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ اللهُ تَعَالَى أَجْوَدُ جُودًا ثُمَّ أَنَا

از روی جود و کرم گفتند صحابه خدا و رسول خدا داناتر است گفت کامل تر از روی جود خدا تعالی است پس تر من

أَجْوَدُ بَنِي آدَمَ وَأَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَهُ

جوادترم از میان آدمیان و جوادترین نوع انسان بعد از من مردیست که حاصل کرد علم را پس نشر کرد علم را

يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمِيرًا وَحْدَهُ أَوْ قَالَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَعَنْهُ

می آید روز قیامت تنها مانند امیرے که همراه او تابعان باشند یا گفت راوی مانند امت واحده و روایت است از وے

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود دو حریص سیر نمی شوند

مَنْهُومٌ فِي الْعِلْمِ لَا يَشْبَعُ مِنْهُ وَمَنْهُومٌ فِي الدُّنْيَا لَا يَشْبَعُ

یکی حریص در علم سیر نمی شود از تحصیل علم و حریص در دنیا سیر نمیشود

بجا آوردن ... علمای ربانی از سلف و خلف [illegible] تصنیف [illegible] شفاعت [illegible] آنحضرت صلی الله علیه وسلم [illegible]

منها روى البيهقي الاحاديث الثلثة في شعب الايمان وقال

ازان روایت کرد بیهقی این هرسه احادیث را در شعب الایمان وگفت

قال الامام احمد في حديث ابي الدرداء هذا متن مشهور فيما

وگفت امام احمد در حدیث ابی درداء متن این حدیث مشهور است درمیان

بين الناس وليس له اسناد صحيح وعن عون قال قال عبد الله

مردم ونیست مرورا اسناد صحیح وروایت از عون گفت گفت عبد الله

بن مسعود منهومان لا يشبعان صاحب العلم وصاحب الدنيا

ابن مسعود رض دو حریص سیر نمی‌شوند اهل علم و اهل دنیا

ولا يستويان اما صاحب العلم فيزداد رضا للرحمن واما

ودر برابر نیستند این هردو اما صاحب علم پس زیاده میکند خوشنودی خدای مهربان را ولیکن

صاحب الدنيا فيتمادى في الطغيان ثم قرأ عبد الله كلا ان

صاحب دنیا پس نهایت میرود در سرکشی باز خواند عبد الله این آیه را حقا هر آئینه

الانسان ليطغى ان راه استغنى قال وقال الاخر

آدمی ازحد میگذرد وقتیکه می بیند خود را توانگر شده گفت وگفت بار دیگر

انما يخشى الله من عباده العلماء رواه الدارمي وعنه

جزاین نیست که می ترسند از خدا عالمان از بندگان او رواه دارمی ودر روایت از وی

مرسلا قال سئل رسول الله صلى الله عليه وسلم عن رجلين

اندروی مرسل گفت پرسیده شد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از حال دو مرد

كانا في بني اسرائيل احدهما كان عالما يصلي المكتوبة ثم

که بودند در فرزندان یعقوب یکی از آن دو مرد بود عالم که میگذارد نماز فرض را بستر

يجلس فيعلم الناس الخير والاخر يصوم النهار ويقوم

می نشست پس می آموخت مردم را علم و مرد دیگر روزه میداشت بروز ونماز میگذارد

اللیل ایهما افضل قال رسول الله صلی الله علیه وسلم فضل هذا
در شب کدام یکے ازین دو مرد فاضلتر است فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم زیادتی ثواب این
العالم الذی یصلی المکتوبة ثم یجلس فیعلم الناس الخیر علی
عالم که صفتش اینست که میگذارد نماز فرض را بستر می نشست و تعلیم میکرد مردم را علم بران
العابد الذی یصوم النهار ویقوم اللیل کفضلی علی ادناکم
مرد عابد که روزه میداشت بروز و نماز میگذارد بشب همچو فضل من است بر مردیکه پست پایه تر است از شما
رواه الدارمی باب ما جاء فی علم بلا عمل وشرار العلماء
رواه دارمی باب احادیثیکه وارد شده است در علم بلا عمل و بدترین علماء
أفرأیت من اتخذ الهه هواه واضله الله علی علم وختم
ایا دیدی کسیرا که معبود خود گرفته است خواهش نفس خود را وگمراه کرد او را خدا با وجود دانش او و مهر نهاد
علی سمعه وقلبه وجعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه من
بر گوش او و دل او و پیدا کرد بر چشم او پرده پس کیست که راه نماید او را
بعد الله افلا تذکرون اتأمرون الناس بالبر وتنسون
بعد از خدا ایا پند نمی گیرید ایا میفرمایید مردمان را بنکوکاری و فراموش میکنید
انفسکم وانتم تتلون الکتب افلا تعقلون وعن ابی هریرة
خویشتن را و شما میخوانید کتاب ایا نمی فهمید و روایت است از ابی هریرة رض
قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم مثل علم لا ینتفع به
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مثال علمے که نفع گرفته نمی شود بوی
کمثل کنز لا ینفق منه فی سبیل الله رواه احمد والدارمی
همچو حال گنجے است که داده نمی شود ازوی در راه خدا رواه احمد و دارمی
وعن علی قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یوشک
و روایت است از علی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیک است

أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ

که بیاید بر مردم روزگاری که باقی نماند از دین مگر نام او

وَلَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ

و باقی نماند از قرآن مگر آئین وی مسجدهای ایشان آبادان است وحال آنکه آن مسجد ویران است

مِنَ الْهُدَى عُلَمَاؤُهُمْ شَرُّ مَنْ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِهِمْ

از هدایت دانشمندان ایشان بدترین مردم اند که زیر آسمان اند از نزد ایشان

تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ وَفِيهِمْ تَعُودُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

بیرون مے آید فتنه وباز هم در ایشان بازمیگردد روایت کرد بیهقی در شعب ایمان این حدیث را

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و مروی ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَعَوَّذُوا بِاللهِ مِنْ جُبِّ الْحُزْنِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

پناه جوئید بخدا از جب حزن گفتند ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَمَا جُبُّ الْحُزْنِ قَالَ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ يَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ

وسلم وچیست جب حزن فرمود وادی ست در دوزخ پناه میجوید ازوی دوزخ هر

يَوْمٍ أَرْبَعَ مِائَةِ مَرَّةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ وَمَنْ يَدْخُلُهَا قَالَ

روز چهار صد مرتبه گفته شد ای پیغمبر خدا که مے درآید آنرا فرمود

الْقُرَّاءُ الْمُرَاءُونَ بِأَعْمَالِهِمْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَكَذَا ابْنُ مَاجَةَ

قرآن خوانندگان ریا کنندگان بعملهای خود رواه ترمذی و همچنین ابن ماجه

وَزَادَ فِيهِ وَإِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الْقُرَّاءِ إِلَى اللهِ الَّذِينَ يَزُورُونَ الْأُمَرَاءَ

و زیاده کرد در آن حدیث این کلام را و بدرستیکه از جمله دشمن داشته ترین قرآن خوانان بسوی خدا آن کسانی اند که ملاقات میکنند امرا را

قَالَ الْمُحَارِبِيُّ يَعْنِي الْجَوَرَةَ وَعَنِ الْحَسَنِ قَالَ الْعِلْمُ عِلْمَانِ

گفت محاربی مراد به امرا جابرانند و روایت است از حسن رض گفت علم دو علم است

فَعِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَاكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ وَعِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَالِكَ حُجَّةُ

پس یک علم علمی است که در دل است پس آن علمی است سود دهنده و دیگر علمی است که بر سر زبان است پس این علم حجت

اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ابْنِ آدَمَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ زِيَادِ بْنِ

خدا است بر آدمیان که بدان الزام خواهد داد ابن آدم را رواه الدارمی و روایت است از زیاد ابن

حُدَيْرٍ قَالَ لِي عُمَرُ رض هَلْ تَعْرِفُ مَا يَهْدِمُ الْإِسْلَامَ قُلْتُ لَا قَالَ

حدیر که گفت مرا عمر رض آیا می شناسی چه چیز می شکند بنای اسلام را گفتم من نمی شناسم گفت

يَهْدِمُهُ زَلَّةُ الْعَالِمِ وَجِدَالُ الْمُنَافِقِ بِالْكِتَابِ وَحُكْمُ الْأَئِمَّةِ

می شکند بنای اسلام را لغزیدن عالم و نزاع منافقان بکتاب خدا و حکم کردن امرا و پیشوایان

الْمُضِلِّيْنَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ إِنَّ مِنْ

گمراه کنندگان خلق اند رواه دارمی و مرویست از ابی درداء گفت بدرستیکه از بد

أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ رَوَاهُ

بدترین مردمان نزد خدا تعالی از روی مرتبه روز قیامت عالمی است که فایده نمی گیرد از علم خود رواه

الدَّارِمِيُّ وَعَنِ الْأَحْوَصِ بْنِ حَكِيْمٍ عَنْ أَبِيْهِ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ النَّبِيَّ

دارمی و روایت است از احوص بن حکیم از پدر خود که گفت پرسید مردی پیغمبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الشَّرِّ فَقَالَ لَا تَسْأَلُوْنِيْ عَنِ الشَّرِّ وَسَلُوْنِيْ

صلی الله علیه وسلم از بدی پس فرمود مپرسید مرا از شر و بپرسید مرا

عَنِ الْخَيْرِ يَقُوْلُهَا ثَلٰثًا ثُمَّ قَالَ أَلَا إِنَّ شَرَّ الشَّرِّ شِرَارُ الْعُلَمَاءِ وَإِنَّ

از خیر فرمود این کلمه را سه بار پس فرمود بدانید که بدترین بدی بدان علما اند و بدرستیکه

خَيْرَ الْخَيْرِ خِيَارُ الْعُلَمَاءِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ سُفْيَانَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ

نیکوترین نیکی نیکان علما اند رواه دارمی و مرویست از سفیان بدرستیکه عمر [illegible]

الْخَطَّابِ رض قَالَ لِكَعْبٍ مَنْ أَرْبَابُ الْعِلْمِ قَالَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ بِمَا يَعْلَمُوْنَ

خطاب رض گفت مر کعب را که کیستند خداوندان علم گفت آنکسان اند که عمل می کنند بآنچه [illegible]

قال فما اخرج العلم من قلوب العلماء قال الطمع رواه الدارمی

گفت پس چه چیز بیرون می کشد نور علم را از دلهاے علماء گفت طمع بیرون می کشد رواه دارمی

وعن الاعمش قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم آفة العلم

و روایتست از اعمش رحمه الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آفت علم

النسیان واضاعته ان تحدث به غیر اهله رواه الدارمی مرسلا

فراموشی ست و ضائع گردانیدن علم آنست که حدیث کنی علم را بغیر اهل علم رواه دارمی بطریق مرسل

وعن عبد الله ابن مسعود قال لو ان اهل العلم صانوا العلم

و روایتست از عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه گفت اگر بودے که اهل علم نگاه میداشتند علم را

ووضعوه عند اهله لسادوا به اهل زمانهم ولکنهم بذلوه

و می نهادند علم را نزد اهل آن هر آئینه مهتر می شدند بسبب علم اهل زمان خود را ولیکن اهل علم در باختند علم را

لاهل الدنیا لینالوا به من دنیاهم فهانوا علیهم سمعت نبیکم

مر اهل دنیا را تا بیابند بدان علم چیزے از دنیاے ایشان پس خوار شدند نزد اهل دنیا شنیدم پیغمبر شما را

صلی الله علیه وسلم یقول من جعل الهموم هما واحدا هم آخرته

صلی الله علیه وسلم میفرمود کسے که بگرداند قصدهاے خود یک مقصد که قصد آخرت است

کفاه الله هم دنیاه ومن تشعبت به الهموم احوال الدنیا

بسنده کند او را خدا از اشتغال مقصود دنیاے وی را و کسے که پریشان گرداند او را قصدهاے او که احوال دنیا ست

لم یبال الله فی ای اودیتها هلک رواه ابن ماجة وعن

باک نه دارد خدا که در کدام یکے از وادیهاے دنیا هلاک گردد رواه ابن ماجه و روایت است از

ابن عباس قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان اناسا

ابن عباس رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه بعض مردم

من امتی سیتفقهون فی الدین ویقرءون القرآن ویقولون

از امت من نزدیک باشد که فقیه شوند در دین و خوانند قرآن را و بگویند

نَأْتِي الْأُمَرَاءَ فَنُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَنَعْتَزِلُهُمْ بِدِينِنَا وَلَا يَكُونُ

می آئیم امرا را پس میرسیم چیزے از دنیاے ایشان و گوشه میگیریم از ایشان با دین خود و نمی شود

ذٰلِكَ كَمَا لَا يُجْتَنَى مِنَ الْقَتَادِ إِلَّا الشَّوْكُ كَذٰلِكَ لَا يُجْتَنَى مِنْ قُرْبِهِمْ

آن چنانکه چیده نمی شود از درخت خاردار مگر خار همچنین حاصل نمی شود از قرب امرا

إِلَّا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الصَّبَّاحِ كَأَنَّهُ يَعْنِي الْخَطَايَا رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ

مگر گفت محمد بن صباح گویا میخواهد ازان گناهان را رواه ابن ماجه و روایت است ازو

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضٰى عَلَيْهِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم بدرستیکه نخستین مردیکه حکم کرده شود برو

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَجُلٌ اسْتُشْهِدَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا فَقَالَ

روز قیامت مردیست که کشته شده در راه خدا پس آورده شود پس شناسانده خدا او را نعمت های خود را پس شناسد آن نعمت خدا را پس گوید

فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتّٰى اسْتُشْهِدْتُ قَالَ كَذَبْتَ

باز خدا پس بگو چه عمل کردی در شکر این نعمت بگوید آن مرد کارزار کردم برای تو تا آنکه کشته شدم میگوید خدا دروغ گفتی

وَلٰكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ

و لیکن تو کارزار کردی برای اینکه گفته شود که فلان دلیر است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود دربسته و کشیده شود

عَلٰى وَجْهِهِ حَتّٰى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ

بر روے خود تا آنکه انداخته شود در آتش دوزخ و دیگر مردیکه آموخت علم را و آموزانید آنرا و خواند

الْقُرْاٰنَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعَمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ

قرآن را پس آورده شود او را پس شناسانید او را خدا نعمتهای خود پس شناسد آن نعمتها را بگوید خدا پس چه کار کردی در شکر این نعمتها میگوید آن مرد

تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْاٰنَ قَالَ كَذَبْتَ وَلٰكِنَّكَ

آموختم علم را و آموزانیدم آنرا و خواندم قرآن را در رضاے تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی و لیکن تو

تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ إِنَّكَ عَالِمٌ وَقَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ

علم آموختی تا اینکه گفته شود بتحقیق که تو عالمی و خواندی قرآن را تا بگویند مردم که فلان خواننده قرآن

فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه حتى ألقي في النار ورجل وسع

پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی وی تا آنکه انداخته شود در دوزخ و دیگر مردیکه فراخ گردانیده است

الله عليه الرزق وأعطاه من أصناف المال كله فأتي به فعرفه نعمه

خدا بر وی روزی و داده است او را گونه‌ها از گونه‌های مال همه مال پس آورده شود او را پس شناسانده خدا او را نعمتهای خود

فعرفها قال فما عملت فيها قال ما تركت من سبيل تحب أن ينفق

پس شناسد آن نعمت را میگوید پس چه عمل کردی در شکر این نعمت میگوید نگذاشتم هیچ راهی را که دوست داری تو که صرف کرده شود

فيها إلا أنفقت فيها لك قال كذبت ولكنك فعلت ليقال هو

دران مگر آنکه صرف کردم دران برضای تو میگوید خدا تعالی دروغ گفتی ولیکن تو کردی این کار تا که گفته شود که او

جواد فقد قيل ثم أمر به فسحب على وجهه ثم ألقي في النار رواه

سخی است پس تحقیق گفته شد پس امر کرده شود بجهت وی پس کشیده شود بر روی خود پس انداخته شود در دوزخ روایت

مسلم وعن عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

مسلم در روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم إن الله لا يقبض العلم انتزاعا ينتزعه من العباد ولكن يقبض

وسلم بدرستیکه خدا نمی گیرد علم را بطریق کشیدن که بکشد آنرا از دست بندگان ولیکن باز میگیرد

العلم بقبض العلماء حتى إذا لم يبق عالما اتخذ الناس رءوسا

علم را بمیرانیدن علماء تا آنکه چون باقی نگذارد هیچ عالمی را میگیرند مردم سرداران

جهالا فسئلوا فأفتوا بغير علم فضلوا وأضلوا متفق عليه وعن

قوم جاهلان را پس پرسیده شوند پس فتوی دهند بی علم پس خود هم گمراه شوند و هم دیگران را گمراه کنند متفق علیه و در روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سئل عن علم

ابی هریره رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه پرسیده شود از علمی

علمه ثم كتمه ألجم يوم القيامة بلجام من نار رواه أحمد

[illegible] آنرا پس بپوشد آنرا لگام کرده شود در روز قیامت او را بلگامی از آتش دوزخ روایت احمد

وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَرَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ أَنَسٍ وَعَنْ كَعْبِ بْنِ

و ابوداود و ترمذی و روایت کرد ابن ماجه از انس رض و روایتست از کعب ابن

مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُجَارِيَ بِهِ

مالک رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه طلب کند علم را تا که همراهی کند علما را

الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ أَدْخَلَهُ

بآن یا آنکه جدال کند بآن علم جاهلان را یا بگرداند بآن علم روی های مردم بسوی خود درآورد او را

اللَّهُ النَّارَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ عَنِ ابْنِ عُمَرَ وَعَنِ

خدا در آتش دوزخ رواه ترمذی و روایت کرد ابن ماجه از ابن عمر رض و روایتست از

ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ

ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر که بگوید در قرآن التفسیر

بِرَأْيِهِ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

از قیاس خود پس باید که بگیرد جای نشست خود را از آتش رواه ترمذی و روایتست از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ

گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاموزد علمی را از جنس علمی که طلب کرده شود بدان

وَجْهُ اللَّهِ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرْفَ

ذات الهی نیاموزد آن علم را مگر آنکه برسد بسبب آن علم متاعی را از دنیا نیابد آنکس بوی

الْجَنَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَعْنِي رِيحَهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ

بهشت روز قیامت رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه

وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایتست از اسامه بن زید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يُجَاءُ بِالرَّجُلِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُلْقَى فِي النَّارِ فَتَنْدَلِقُ أَقْتَابُهُ فِي النَّارِ

آورده شود مردی روز قیامت پس انداخته شود در آتش پس بیرون آید بسرعت روده های او در آتش

فَيَطْحَنُ فِيهَا كَطَحْنِ الْحِمَارِ بِرَحَاهُ فَيَجْتَمِعُ أَهْلُ النَّارِ عَلَيْهِ فَيَقُولُونَ أَيْ

پس آن میکند گرد رودهای خود همچو آس کردن خر با آسیای خود پس گرد آیند اهل دوزخ بر آنمرد پس بگویند ای

فُلَانُ مَا شَأْنُكَ أَلَيْسَ كُنْتَ تَأْمُرُنَا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَانَا عَنِ الْمُنْكَرِ

فلان چه حال تست آیا نبودی تو که امر میکردی مارا بمعروف و نهی میکردی مارا از منکر

قَالَ كُنْتُ آمُرُكُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا آتِيهِ وَأَنْهَاكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَآتِيهِ

میگوید آنمرد بودم من که امر میکردم شمارا بمعروف و خود نمیکردم آنرا و نهی میکردم شمارا از منکر و خود میکردم آنرا

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

متفق علیه و روایتست از انس رضی الله عنه بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت

رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِيَ بِي رِجَالًا تُقْرَضُ شِفَاهُهُمْ بِمَقَارِيضَ مِنْ نَارٍ

دیدم من شبیکه سیر کنانیدند مرا مردان را که بریده میشد لبهای ایشان از مقراضهای آتش

قُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا جِبْرَئِيلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ خُطَبَاءُ مِنْ أُمَّتِكَ

گفتم من کیستند ایشان ای جبرئیل گفت ایشان خطیبها اند از امت تو که

يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَيَنْسَوْنَ أَنْفُسَهُمْ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ

بودند امرکنندگان مردم را با نیکی و فراموش میکردند ذاتهای خود را روایت کرده در شرح سنة

كِتَابُ الطَّهَارَةِ

این کتاب طهارتست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ

ای مسلمانان چون بر خیزید بسوی نماز پس بشوئید رویهای خود را و دستهای خود را

إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ

تا آرنج و مسح کنید سرهای خود را و بشوئید پاهای خود را تا شتالنگ و اگر باشید

جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ

با جنابت پس غسل کنید و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما

مِنَ الْغَائِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَاءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا
از خلا جائے یا مساس کردہ باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک
طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِّنْهُ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ
پاک را پس مسح کنید بر روہاے خود و دستہاے خود از آن خاک نمیخواہد خداتعالے کہ مشروع کند بر شما
مِّنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ
مشقتے ولیکن میخواہد کہ پاک سازد شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود کہ
تَشْكُرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
شکر کنید وروایتست از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم
اَلَا اَدُلُّكُمْ عَلٰى مَا يَمْحُو اللّٰهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ قَالُوْا بَلٰى
آیا راہ نمایم شما را بر عملہائیکہ محو میکند خداتعالے بسبب آن گناہان را و بلند میگرداند بسبب آن مرتبہ ہا را گفتند آری
يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اِسْبَاغُ الْوُضُوْءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطٰى اِلَى
راہ نما ای پیغمبر خدا فرمود تمام و کمال کردن وضو در ہنگام مشقت و بسیاری گامہا در رفتن بسوے
الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلٰوةِ بَعْدَ الصَّلٰوةِ فَذٰلِكُمُ الرِّبَاطُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
مسجدہا و انتظار نماز بعد از نماز پس اینست رباط رواہ مسلم
وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ
و مروی است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ
تَوَضَّاَ فَاَحْسَنَ الْوُضُوْءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهٖ حَتّٰى تَخْرُجَ مِنْ
وضو کند و نیک کند وضو را می برآید گناہان او از بدن او تا آنکہ بر آید از
تَحْتِ اَظْفَارِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
زیر ناخنہاے او متفق علیہ وروایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغمبر خدا
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا تَوَضَّاَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ اَوِ الْمُسْلِمُ فَغَسَلَ وَجْهَهٗ
صلے اللہ علیہ وسلم چون وضو میکند بندۂ مومن یا مسلم پس می شوید روے خود

خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلُّ خَطِيْئَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا بِعَيْنَيْهِ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ

بیرون می آید از روی وی ہر گناہ کہ نظر کردہ است بسوی آن گناہ ہر دو چشم خود ہمراہ آب یا با آخر

قَطْرِ الْمَاءِ فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ خَطِيْئَةٍ بَطَشَتْهَا

قطرہ از قطرہ ہای آب پس چون می شوید ہر دو دست خود را بیرون می آید از دست وے ہر گناہی کہ گرفت آن گناہ را

يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَ كُلُّ

ہر دو دست او ہمراہ آب یا ہمراہ آخر قطرہ از قطرہ ہای آب پس چون می شوید ہر دو پای خود بیرون می آید ہر

خَطِيْئَةٍ مَشَتْهَا رِجْلَاهُ مَعَ الْمَاءِ أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ حَتّٰى يَخْرُجَ

گناہی کہ رفتہ است بسوی آن ہر دو پای او ہمراہ آب یا با آخر قطرہ از قطرہ ہای آب تا آنکہ بیرون می آید

نَقِيًّا مِنَ الذُّنُوْبِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُثْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

از جای وضو پاک از گناہان رواہ مسلم و مرویست از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلٰوةٌ مَكْتُوْبَةٌ

صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ مردے مسلمان کہ حاضر میشود او را وقت نماز فرض

فَيُحْسِنُ وُضُوْءَهَا وَخُشُوْعَهَا وَرُكُوْعَهَا إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهَا

پس نیک میکند وضوء نماز را و نیک میکند خشوع نماز را و نیک کند رکوع نماز را مگر باشد این نماز کفارہ مر آنچہ را کہ پیش

مِنَ الذُّنُوْبِ مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيْرَةً وَذٰلِكَ الدَّهْرَ كُلَّهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

از وی کردہ است از گناہان مادام کہ بوجود نیارد گناہ کبیرہ را و این کفارہ بودن ہمیشہ است رواہ مسلم

وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عقبہ ابن عامر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَتَوَضَّأُ فَيُحْسِنُ وُضُوْءَهُ ثُمَّ يَقُوْمُ فَيُصَلِّيْ رَكْعَتَيْنِ

نیست ہیچ مسلمانی کہ وضو کند پس نیک سازد وضوء خود را پس بایستد پس بگذارد دو رکعت

مُقْبِلٌ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

در حالیکہ وی پیش آیندہ است بدان دو رکعت بدل خود و روی خود مگر آنکہ واجب گردد مر وی را بہشت رواہ مسلم

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان امتي

و روايت است از ابی هريره رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلی الله عليه وسلم بدرستيکه امت من

يدعون يوم القيمة غرا محجلين من اثار الوضوء فمن استطاع منكم

خوانده شود در حشر غر محجلين از آثار وضو پس کسيکه می تواند از شما

ان يطيل غرته فليفعل متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله

که دراز کند غره خودرا بايد که بکند متفق عليه و از وی روايت گفت فرمود پيغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم تبلغ الحلية من المؤمن حيث يبلغ الوضوء رواه مسلم

عليه وسلم ميرسد سيما و نشان وضو در دست و پای متوضی تا آنجا که ميرسد آب وضو رواه مسلم

وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من توضا

و روايت است از ابن عمر رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلی الله عليه وسلم کسيکه وضو سازد

على طهر كتب له عشر حسنات رواه الترمذي وعن جابر رض

بر طهارت نوشته شود برای وی ده نيکی رواه ترمذی و روايت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مفتاح الجنة الصلوة ومفتاح

گفت فرمود پيغمبر خدا صلی الله عليه وسلم کليد بهشت و مقدمه در آمدن آن نماز است و کليد

الصلوة الطهور رواه احمد وعن عبد الله الصنابحي رض قال

نماز و مقدمه او طهارت است رواه احمد و روايت است از عبد الله صنابحی رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا توضا العبد المؤمن فمضمض

فرمود پيغمبر خدا صلی الله عليه وسلم چون وضو سازد بنده مسلمان پس آب در دهن ميکند

خرجت الخطايا من فيه واذا استنثر خرجت الخطايا من

بيرون می آيد گناهان از دهن وی و چون بينی را افشاند بيرون می آيند گناهان از

انفه واذا غسل وجهه خرجت الخطايا من وجهه حتى تخرج من

بينی وی و چون می شويد روی خودرا بيرون می آيند گناهان از روی وی تا آنکه بيرون می آيند از زير

أشفار عينيه فإذا غسل يديه خرجت الخطايا من يديه حتى تخرج

مژهای چشم او پس چون می‌شوید هر دو دست خود را بیرون می‌آیند گناهان از هر دو دست تا آنکه بیرون آیند

من أظفار يديه فإذا مسح برأسه خرجت الخطايا من رأسه حتى

از ناخنهای هر دو دست وی پس چون مسح میکند به سر خود بیرون می‌آیند گناهان از سر وی تا آنکه

تخرج من أذنيه فإذا غسل رجليه خرجت الخطايا من رجليه حتى

بیرون می‌آیند از هر دو گوش وی پس چون می‌شوید هر دو پای خود را بیرون می‌آیند گناهان از هر دو پای وی تا آنکه

تخرج من تحت أظفار رجليه ثم مشيه إلى المسجد وصلاته

بیرون می‌آیند از زیر ناخنهای هر دو پای او پس رفتن او بسوی مسجد و نماز گذاردن او

نافلة له رواه مالك والنسائي وعن أبي رافع قال أهديت

زیادتی بر یک شدن او گناهان مر او را روایت کرده مالک و نسائی و مرویست از ابی رافع گفت هدیه فرستاده شد

له شاة فجعلتها في القدر فدخل رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال

مر او را گوسفند پس گردانید آن گوسفند را ابو رافع در دیگ پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس فرمود

ما هذا يا أبا رافع فقال شاة أهديت لنا يا رسول الله فطبختها في

آنحضرت چیست اینکه در دیگ است ای ابا رافع پس گفت این گوشت گوسفندیست که هدیه فرستاده شده است برای ما ای پیغمبر خدا پس پختم آن را

القدر قال ناولني الذراع يا أبا رافع فناولته الذراع ثم قال ناولني

در دیگ فرمود آنحضرت بده مرا دست ای ابا رافع پس دادم آنحضرت را ذراع پس فرمود بده مرا

الذراع الآخر فناولته الذراع الآخر ثم قال ناولني الذراع الآخر

ذراع دیگر پس دادم آنحضرت را ذراع دیگر پس فرمود بده مرا ذراع دیگر

فقال يا رسول الله إنما للشاة ذراعان فقال له رسول الله صلى الله

پس گفت ای پیغمبر خدا نمی‌باشد گوسفند را مگر دو ذراع پس فرمود مر او را پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم أما إنك لو سكت لناولتني ذراعا فذراعا ما سكت

علیه وسلم آگاه باش بدرستیکه اگر خاموش می‌ماندی هر آینه می‌دادی مرا ذراع بعد ذراع مادامیکه خاموش می‌بودی

ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَمَضْمَضَ فَاهُ وَغَسَلَ أَطْرَافَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى

پیش طلبید آنحضرت آب را پس مضمضه کرد دهان را و شست کرانه‌های انگشتان خود را پس برخاست پس نماز گزارد

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فَوَجَدَ عِنْدَهُمْ لَحْمًا بَارِدًا فَأَكَلَ ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ

پس باز گشت بسوی اهل و عیال پس یافت نزد ایشان گوشت سرد را پس بخورد آنحضرت پس در آمد مسجد را

فَصَلَّى وَلَمْ يَمَسَّ مَاءً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ

پس گزارد نماز را و مس نکرد آب را روایت کرد احمد و روایت است از انس گفت بود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَوَضَّأُ بِالْمُدَّيْنِ وَيَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ جَمِيعِ الْمَجَامِعِ

صلی الله علیه و سلم که وضو میکرد از دو مد و غسل میکرد از یک صاع [illegible]

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی درداء گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم

أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ لَهُ بِالسُّجُودِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ

من اول کسی ام که دستوری داده شود مرا به سجود روز قیامت و من نخستین کسی ام که اذن کرده شود

لَهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ فَأَنْظُرُ إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيَّ فَأَعْرِفُ أُمَّتِي مِنْ بَيْنِ

مر او را که بردارد سر خود را پس نگاه کنم بسوی آنچه پیش روی من است پس می‌شناسم امت خود را از میان

الْأُمَمِ وَمِنْ خَلْفِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ يَمِينِي مِثْلَ ذٰلِكَ وَعَنْ شِمَالِي

امتهای دیگر و همچنین از جانب پس پشت خود مانند آن و از جانب راست مانند آن و از جانب چپ

مِثْلَ ذٰلِكَ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللّٰهِ كَيْفَ تَعْرِفُ أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ

مانند آن پس گفت مردی ای پیغمبر خدا چگونه می‌شناسی امت خود را از میان

الْأُمَمِ فِيمَا بَيْنَ نُوحٍ إِلَى أُمَّتِكَ قَالَ هُمْ غُرٌّ مُحَجَّلُونَ مِنْ أَثَرِ

امتها در میان نوح تا امت تو گفت ایشان سفید پیشانی و سفید دست و پا اند از نشان

الْوُضُوءِ لَيْسَ أَحَدٌ كَذٰلِكَ غَيْرَهُمْ وَأَعْرِفُهُمْ أَنَّهُمْ يُؤْتَوْنَ كُتُبَهُمْ

وضو نیست هیچکس مانند ایشان غیر ایشان و می‌شناسم ایشان را [illegible] داده شود ایشان را نامها

بِاَيْمَانِهِمْ وَاِعْرِفُهُمْ تَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ رَوَاهُ اَحْمَدُ
بدست راست ایشان و شناسم ایشان را بانکه برود پیش پیش ایشان فرزندان خرد ایشان روایت کرد احمد

بَابُ اَدَبِ الْخَلَاءِ

این باب آداب بیت الخلا است

عَنْ اَبِيْ اَيُّوْبَ الْاَنْصَارِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا
مرویست از ابی ایوب انصاری رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون

اَتَيْتُمُ الْغَائِطَ فَلَا تَسْتَقْبِلُوا الْقِبْلَةَ وَلَا تَسْتَدْبِرُوْهَا وَلٰكِنْ شَرِّقُوْا
بیائید شما قضای حاجت را پس رو مکنید بسوی قبله و پشت دهید بجانب آن ولیکن رو بجانب مشرق کنید

اَوْ غَرِّبُوْا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ نَهَانَا يَعْنِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ
یا جانب مغرب متفق علیه و مرویست از سلمان رض گفت نهی کرد ما را یعنی پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ نَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ لِغَائِطٍ اَوْ بَوْلٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِيَ
صلی الله علیه وسلم از روی آوردن بقبله برای پاخانه و شاشه و از استنجا کردن ما

بِالْيَمِيْنِ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِيَ بِاَقَلَّ مِنْ ثَلٰثَةِ اَحْجَارٍ اَوْ اَنْ نَسْتَنْجِيَ بِرَجِيْعٍ
بدست راست و از استنجا کردن بکمتر از سه سنگ و نهی کرد از استنجا کردن بسرگین

اَوْ بِعَظْمٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
یا باستخوان روایه مسلم و مرویست از انس رض گفت انس که بود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ يَقُوْلُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ
الله علیه وسلم چون در می آمد بیت الخلا را میگفت اللهم انی اعوذ بک من

الْخُبُثِ وَالْخَبَائِثِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ
الخبث والخبائث و مرویست از ابن عباس رض گفت گذشت پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ اِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِيْ كَبِيْرٍ
علیه وسلم به دو گور پس فرمود بدرستیکه صاحبان این دو گور هر آئینه عذاب کرده میشوند و عذاب کرده نمیشوند در کبیره

أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ لَا يَسْتَتِرُ مِنَ الْبَوْلِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ لَا يَسْتَنْزِهُ

اما یکی ازان دو حالش این بود که پرده نمیگرفت در بول و در روایت دیگر مسلم راست که طلب نزاهت نمیکرد

مِنَ الْبَوْلِ وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ جَرِيدَةً رَطْبَةً

از بول اما دیگر پس بود که میرفت بسوی مردم بسخن چینی پس برگرفت شاخی از خرما که تر بود

فَشَقَّهَا بِنِصْفَيْنِ ثُمَّ غَرَزَ فِي كُلِّ قَبْرٍ وَاحِدَةً فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ

پس بازکرد آن شاخ را بدو پاره پس در خلانید در سر قبر یکی ازان دو پاره را پس گفتند ای پیغامبر خدا

لِمَ صَنَعْتَ هٰذَا فَقَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَيْبَسَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چرا کردی تو این فعل را پس گفت کردم بامید آنکه سبک گردانیده شود عذاب ازان دو قبر تا آنکه تر باشند متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتَّقُوا

و مرویست از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بپرهیزید

اللَّاعِنَيْنِ قَالُوا وَمَا اللَّاعِنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از دو کار که سبب لعنت میشوند گفتند چیست آن دو کار ای پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

قَالَ الَّذِي يَتَخَلَّى فِي طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ فِي ظِلِّهِمْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

فرمود آنکه قضاء حاجت میکند در راه مردم یا در سایه ایشان رواه مسلم و مرویست از

أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ

انس رض گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم چون میخواست که در آید در متوضا

نَزَعَ خَاتَمَهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ أَبُو دَاوُدَ هٰذَا

می کشید انگشتری خود را رواه ابو داؤد و نسائی و ترمذی و گفت ابو داؤد این

حَدِيثٌ مُنْكَرٌ وَفِي رِوَايَةٍ وَضَعَ بَدَلَ نَزَعَ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ

حدیث منکر است و در روایت دیگر وضع آمده است در بدل نزع و مرویست از زید ابن ارقم رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ هٰذِهِ الْحُشُوشَ مُحْتَضَرَةٌ فَإِذَا أَتَى

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستی که این انجاها جای حاضر شدن جن و شیاطین اند پس چون بیاید

أحدكم الخلاء فليقل أعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه أبو داود

یکی شما آبخانه را باید که پناه بجوید و بگوید این کلمه را که اعوذ بالله من الخبث والخبائث رواه ابو داود

وابن ماجه وعن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وابن ماجه و مرویست از علی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

ستر ما بين أعين الجن وعورات بني آدم إذا دخل أحدكم الخلاء أن

پرده میان چشمهای جن و اندام شرم آدمیان چون در آید یکی از شما محل قضای حاجت را اینست

يقول بسم الله رواه الترمذي وعن ابن مسعود قال قدم

که بگوید بسم الله رواه ترمذی و روایت است از ابن مسعود رضی الله عنه گفت هرگاه که آمدند

وفد الجن على النبي صلى الله عليه وسلم قالوا يا رسول الله انه أمتك

ایلچیان پریان بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای پیغامبر خدا منع کن امت خود را

أن يستنجوا بعظم أو روثة أو حممة فإن الله جعل لنا فيها رزقا

از استنجا کردن ایشان با استخوان یا سرگین یا انگشت زیرا که خدا تعالی گردانید برای ما در این سه چیز روزی

فنهانا رسول الله صلى الله عليه وسلم عن ذلك رواه أبو داود

پس نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم از آن رواه ابو داود

باب السواك

این باب در بیان مسواک کردن است

عن عائشة رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عشر

روایت است از عائشه رضی الله عنها گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم ده خصلت

من الفطرة قص الشارب وإعفاء اللحية والسواك واستنشاق

از فطرت است کوتاه کردن سبلت و فرو گذاشتن ریش و مسواک کردن و آب در بینی

الماء وقص الأظفار وغسل البراجم ونتف الإبط وحلق العانة

کردن و گرفتن ناخنها و شستن بندهای انگشتان و بر کندن موی بغل و ستردن موی زهار

وَانْتِقَاصُ الْمَاءِ يَعْنِي الْاِسْتِنْجَاءَ قَالَ الرَّاوِيُّ وَنَسِيتُ الْعَاشِرَةَ اِلَّا اَنْ

و کم کردن آب است یعنی راوی گوید مراد استنجا باشد و گفت راوی حدیث فراموش کردم خصلت دهم را مگر اینکه

تَكُوْنَ الْمَضْمَضَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

باشد مضمضه روایت کرده مسلم و مرویست از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم مسواک پاک کننده است مر دهن را و راضی کننده پروردگار را روایت کرده

الشَّافِعِيُّ وَاَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَرَوَى الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيْحِهِ بِلَا اِسْنَادٍ

الشافعی و احمد و دارمی و نسائی و روایت کرد بخاری در صحیح خود بغیر اسناد

وَعَنْ اَبِي اَيُّوبَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَرْبَعٌ

و مرویست از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چهار خصلت اند

مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِيْنَ اَلْحَيَاءُ وَيُرْوَى الْخِتَانُ وَالتَّعَطُّرُ وَالسِّوَاكُ

از سنتهای پیغامبران حیا [illegible] و روایت کرده شود ختان بجای حیا دوم استعمال خوشبو سوم مسواک

وَالنِّكَاحُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِي اُمَامَةَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

و چهارم نکاح کردن است روایت کرده ترمذی و روایت است از ابی امامه رض بدرستیکه پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا جَاءَنِي جِبْرِيْلُ قَطُّ اِلَّا اَمَرَنِي بِالسِّوَاكِ

صلی الله علیه وسلم گفت نیامد بمن جبرئیل هرگز مگر آنکه امر کرد مرا به مسواک کردن

لَقَدْ خَشِيْتُ اَنْ اُحْفِيَ مُقَدَّمَ فِيَّ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ

هر آینه ترسیدم [illegible] که پوست کنم پیش دهان خود را روایت کرده احمد و مرویست از انس رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ اَكْثَرْتُ عَلَيْكُمْ فِي السِّوَاكِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر آینه تحقیق بسیار کردم پیش شما سخن از جهت مسواک روایت کرده بخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [illegible]

و روایت است از عائشه رض گفت بود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم [illegible]

الَّتِي يُسْتَاكُ لَهَا عَلَى الصَّلٰوةِ الَّتِي لَا يُسْتَاكُ لَهَا سَبْعِيْنَ ضِعْفًا رَوَاهُ

نماز یکه مسواک کرده شد برتری بر نمازیکه مسواک کرده نمیشود برابر وی هفتاد چند روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى ابْنِ حَبَّانَ قَالَ قُلْتُ

بیهقی در شعب ایمان و مرویست از محمد بن یحیی ابن حبان رض گفت گفتم

لِعُبَيْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ اَرَاَيْتَ وُضُوْءَ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ عُمَرَ

من مر عبید الله بن عبد الله بن عمر را خبر ده مرا از وضوء عبد الله بن عمر

لِكُلِّ صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ عَمَّنْ اَخَذَهُ فَقَالَ حَدَّثَتْهُ اَسْمَاءُ

برای هر نماز وضو باشد یا بے وضو از که گرفته است پس گفت که حدیث کرد اسماء

بِنْتُ زَيْدِ بْنِ الْخَطَّابِ اَنَّ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ حَنْظَلَةَ ابْنِ اَبِي عَامِرِ الْغَسِيْلِ

دختر زید بن خطاب بدرستیکه عبد الله بن حنظله بن ابی عامر غسیل

حَدَّثَهَا اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ اُمِرَ بِالْوُضُوْءِ لِكُلِّ

حدیث کرد اسماء بنت زید را بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود امر کرده شده بوضو برای هر

صَلٰوةٍ طَاهِرًا كَانَ اَوْ غَيْرَ طَاهِرٍ فَلَمَّا شَقَّ ذٰلِكَ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نماز با وضو باشد یا بے وضو پس هرگاه که سخت آمد آن بر پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اُمِرَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ صَلٰوةٍ وَوُضِعَ عَنْهُ الْوُضُوْءُ اِلَّا مِنْ

علیه وسلم امر کرده شد بمسواک کردن نزدیک هر نماز و نهاده شد از ذمه شریف آنحضرت وضو مگر

حَدَثٍ قَالَ فَكَانَ عَبْدُ اللّٰهِ يَرٰى اَنَّ بِهٖ قُوَّةً عَلٰى ذٰلِكَ فَفَعَلَهُ حَتّٰى

از جهت بیوضوئی گفت عبید الله پس عبد الله که اعتقاد میکرد که مرو را قوتست بر این پس میکرد آنکار را تا آنکه

مَاتَ رَوَاهُ اَحْمَدُ

مرد روایت کرد احمد

كِتَابُ الصَّلٰوةِ

این کتاب صلوة است

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝ وَاسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ

و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را و فرمانبرداری کنید پیغامبر را بود که بر شما رحم کرده شود و مدد طلبید بشکیبائی

والصلوة وانها لكبيرة الا على الخاشعين الذين يظنون انهم ملاقوا

و نماز و هر آئینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد

ربهم وانهم اليه راجعون ۝ حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى

با پروردگار خویش و آنانکه ایشان بسوی وی باز خواهند گشت محافظت کنید بر همه نمازها و بر نماز میانه

وقوموا لله قانتين ۝ فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل طلوع

و بایستید برای خدا فرمانبردار شده پس صبر کن بر آنچه میگویند و بپاکی یاد کن همراه ستایش پروردگار خویش پیش از طلوع

الشمس وقبل الغروب ۝ ومن الليل فسبحه وادبار السجود ۝

آفتاب و پیش از فرو شدن و در بعضی اوقات شب پس بپاکی یاد کن و بعد از عقب نمازها نیز

باب ما جاء في الترغيب فيها

باب آنچه آمده در ترغیب آن وارد شده اند

ان الذين امنوا وعملوا الصلحت واقاموا الصلوة واتوا الزكوة لهم

هر آئینه کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و برپا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشان راست

اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ اقم الصلوة

مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند برپا دار نماز را

لدلوك الشمس الى غسق الليل وقران الفجر ان قران الفجر كان

وقت زوال آفتاب تا هجوم تاریکی شب لازم گیر قرآن خواندن فجر را هر آئینه قرآن خواندن فجر را

مشهودا ۝ وعن ابن مسعود رضي الله تعالى عنه قال سالت النبي

حاضر میشوند درو فرشتگان، و روایت هست از ابن مسعود رضی الله تعالی عنه گفت پرسیدم پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم اي الاعمال احب الى الله قال الصلوة لوقتها

صلی الله علیه وسلم کدام عمل از عملها محبوب تر است نزد خدا گفت نماز گزاردن در وقتش

قلت ثم اي قال بر الوالدين قلت ثم اي قال الجهاد في سبيل الله

گفتم پس کدام گفت نیکی کردن با مادر و پدر گفتم پس کدام گفت جهاد کردن در راه خدا

قال حدثني بهن ولو استزدته لزادني متفق عليه وعن ابي ذر

گفت ابن مسعود حدیث کرد مرا آنحضرت باین اعمال و اگر طلب زیاده میکردم از آنحضرت هر آینه زیاده میکرد متفق علیه و روایت است از ابی ذر

ان النبي صلى الله عليه وسلم خرج زمن الشتاء والورق يتهافت

بدرستی که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بیرون آمد در زمستان و حال آنکه برگهاے درختان می افتاد پیاپی

فاخذ بغصنين من شجرة قال فجعل ذلك الورق يتهافت وقال

پس گرفت آنحضرت دو شاخ را از درختی گفت ابوذر پس افتادن گرفت برگهای آن درخت بیشتر از آنکه بطور خود می افتاد و گفت ابوذر

فقال يا ابا ذر قلت لبيك يا رسول الله قال ان العبد المسلم

پس فرمود آنحضرت ای ابوذر گفتم بخدمت استاده ام ای رسول خدا فرمود بدرستیکه بنده مسلمان

ليصلي الصلوة يريد بها وجه الله تعالى فتهافت عنه ذنوبه كما

هر آینه میگذارد نماز را در حالیکه میخواهد بآن نماز ذات خدا تعالی پس پیاپی می افتند از بنده گناهان او چنانکه

تهافت هذا الورق عن هذه الشجرة رواه احمد وعن زيد بن

می افتد این برگها از این درخت رواه احمد و مرویست از زید ابن

خالد الجهني قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى

خالد جهنی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد

سجدتين لا يسهو فيهما غفر الله له ما تقدم من ذنبه رواه

دو رکعت را که سهو و غفلت نکند در آن بیامرزد خدا مر او را هر چه گذشته است از گناه وے رواه

احمد وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الصلوة الخمس والجمعة الى الجمعة ورمضان الى رمضان

نمازهاے پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه دیگر و روزه رمضان تا رمضان دیگر

مكفرات لما بينهن اذا اجتنبت الكبائر رواه مسلم وعنه

پوشانندگان اند گناهان را ... تا وقتیکه پرهیز کرده شود از گناهان کبیره رواه مسلم و هم از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أرأيتم لو أن نهرا بباب أحدكم

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم خبر دهید مرا اگر ثابت شود که جوی روان است بر در خانهٔ یکی از شما

يغتسل فيه كل يوم خمسا هل يبقى من درنه شيء قالوا لا يبقى من

که غسل میکند وی در آن جوی هر روز پنج وقت آیا باقی میماند از چرک وی هیچ گفتند باقی نمی ماند

درنه شيء قال فذلك مثل الصلوات الخمس يمحو الله بهن الخطايا

از چرک وی چیزی فرمود پس این حال نماز پنجگانه است که محو میکند خدا بدانها گناهان را

متفق عليه وعن عبادة بن الصامت قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از عبادة ابن صامت رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم خمس صلوات افترضهن الله تعالى من أحسن

صلی الله علیه وسلم پنج نماز است که فرض گردانیده است آنها را خدای تعالی کسیکه نیکو کند

وضوءهن وصلاهن لوقتهن وأتم ركوعهن وخشوعهن كان

وضوء آن نمازها و بگذارد آنها را در وقت شان و تمام بجا آرد رکوع شان و خشوع و خضوع شان میباشد

له على الله عهد أن يغفر له ومن لم يفعل فليس له على الله

مر او را بر خدای تعالی عهد که بیامرزد مر او را و کسی که نکند آنرا و نگذارد نماز برای آن پس نیست مر او را بر خدا

عهد إن شاء غفر له وإن شاء عذبه رواه أحمد وأبو داود وروى

عهد لازم اگر بخواهد بیامرزد او را و اگر بخواهد عذاب کند او را روایت کرده احمد و ابو داود و روایت کرده

مالك والنسائي نحوه وعن أبي أمامة قال قال رسول الله

مالک و نسائی مانند آن و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم صلوا خمسكم وصوموا شهركم وأدوا زكوة

صلی الله علیه وسلم بگذارید پنج نماز خود را و روزه دارید ماه خود را که رمضان است و بدهید زکوة

أموالكم وأطيعوا ذا أمركم تدخلوا جنة ربكم رواه أحمد والترمذي

مالهای خود را و فرمانبرداری کنید خداوند امر خود را در آیید بهشت پروردگار خود را روایت کرده احمد و الترمذی

وعن ابن مسعود قال ان رجلا اصاب من امرأة قبلة فاتى
و مرویست از ابن مسعود رض گفت بدرستیکه مردے رسید از زنے بوسه پس آمد
النبي صلى الله عليه وسلم فاخبره فانزل الله تعالى واقم الصلوة
پیغمبر را صلی الله علیه و سلم پس خبر داد آنحضرت را پس فرود فرستاد خدا تعالی این آیت را و برپا دار نماز
طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات
در هر دو طرف روز و بگذار نماز در چند ساعتے نزدیک بروز از شب بدرستیکه نیکیها میبرند بدیها را
فقال الرجل يا رسول الله الي هذا قال لجميع امتي كلهم وفي رواية
پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا آیا مر است اینکه فرمود آنحضرت مر همه امت مرا است و در روایتے دیگر آمده
لمن عمل بها من امتي متفق عليه وعن عمارة بن رويبة
مر هر کس را که عمل کند بحسنات از امت من متفق علیه و مرویست از عماره بن رویبه
قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لن يلج النار احد
گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه و سلم که میگفت البته در نیاید آتش دوزخ را کسیکه
صلى قبل طلوع الشمس وقبل غروبها يعني الفجر والعصر رواه مسلم
نماز گذارد پیشتر از طلوع آفتاب و پیشتر از غروب آفتاب یعنی نماز فجر و نماز عصر روایت کرد
وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله [illegible]
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله [illegible]
يتعاقبون فيكم ملائكة بالليل وملائكة بالنهار ويجتمعون في
در پی یکدیگر فرود می آیند در میان شما جماعت فرشتگان در شب و جماعت از فرشتگان در روز و جمع میشوند این ها
صلوة الفجر وصلوة العصر ثم يعرج الذين باتوا فيكم فيسألهم
نماز فجر و در نماز عصر پس بالا میروند آنانکه شب میگذرانند در میان شما پس میپرسد ایشان را
ربهم وهو اعلم بهم كيف تركتم عبادي فيقولون تركناهم
پروردگار ایشان و حال آنکه او داناتر است باحوال بندگان چگونه گذاشتید بندگان مرا پس میگویند گذاشتیم ایشان را

وهم يصلون وأتيناهم وهم يصلون متفق عليه وعن أبي هريرة
در حالتیکه ایشان نماز میکردند و آمدیم و حالتیکه ایشان نماز میکردند متفق علیه و مرویست از ابی هریره
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم الناس ما في النداء
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بدانند مردم ثواب را که در اذان
والصف الأول ثم لم يجدوا إلا أن يستهموا عليه لاستهموا ولو
و در صف اول است پس نیابند مگر آنکه قرعه بیندازند بر آن هر آینه قرعه اندازند
يعلمون ما في التهجير لاستبقوا إليه ولو يعلمون ما في العتمة والصبح
بدانند فضیلتی که در رفتن به سوی نماز پیشین است هر آینه پیشی جویند بسوی آن و اگر بدانند ثوابی که در نماز عشا و صبح است
لأتوهما ولو حبوا متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله
هر آینه بیایند بسوی هر دو نماز اگرچه بر سرین روند متفق علیه و مرویست از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم ليس صلاة أثقل على المنافقين من الفجر والعشاء ولو
علیه وسلم نیست هیچ نمازی گران تر بر منافقان از نماز بامداد و نماز خفتن و اگر
يعلمون ما فيهما لأتوهما ولو حبوا متفق عليه وعن عثمان
بدانند ثوابی که در این دو نماز است هر آینه بیایند این دو نماز را اگرچه به طریق حبو باشد و مرویست از عثمان
قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى العشاء في جماعة
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسی که بگذارد نماز عشا را با جماعت
فكأنما قام نصف الليل ومن صلى الصبح في جماعة فكأنما صلى الليل
پس چنانکه نماز گذارد نیم شب و کسی که گذارد نماز صبح با جماعت پس گویا نماز گذارد
كله رواه مسلم وعن سلمان قال سمعت رسول الله صلى الله عليه
تمام شب رواه مسلم و مرویست از سلمان رضی الله عنه گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه
وسلم يقول من غدا إلى صلاة الصبح غدا براية الإيمان ومن غدا
وسلم که میگفت کسیکه بامداد میرود بسوی نماز بامداد میرود با رایت ایمان و کسیکه بامداد رود

إلى السوق فذلك راية إبليس رواه ابن ماجة وعن ابن عمر قال

به سوی بازار پس آن رایت ابلیس است روایت کرده این را ابن ماجه و مرویست از ابن عمر رضی الله عنه گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اجعلوا في بيوتكم من صلواتكم

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بگردانید در خانهای خود چیزی از نماز های خویش را

ولا تتخذوها قبورا متفق عليه وعن أبي هريرة قال قال

و مگردانید خانهای خود را مانند گورها متفق علیه و مرویست از ابی هریره رضی الله عنه گفت

رسول الله صلى الله عليه وسلم أقرب ما يكون العبد من ربه وهو

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت نزدیکترین بودن بنده از آفریدگار خود حاصل است در حالیکه وی

ساجد فأكثروا الدعاء رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله

سجده کننده است پس زیاده کنید دعا در حال سجده رواه مسلم و مرویست از وی رضی الله عنه گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم إذا قرأ ابن آدم السجدة فسجد اعتزل الشيطان

صلی الله علیه وسلم چون بخواند آدمی زاد آیت سجده را پس سجده میکند گوشه میگیرد دیو لعین

يبكي يقول يا ويلتى أمر ابن آدم بالسجود فسجد فله الجنة وأمرت

در حالیکه میگرید میگوید ای اندوه امر کرده شد آدمی زاد به سجده پس سجده کرد پس مر او راست بهشت و امر کرده شدم من

بالسجود فأبيت فلي النار رواه مسلم وعن ربيعة بن كعب

به سجده پس سر باز زدم از سجده پس مرا راست آتش رواه مسلم و مرویست از ربیعه بن کعب رضی الله عنه

قال كنت أبيت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتيته بوضوئه و

گفت بودم من که شب میگذرانیدم با آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس آوردم برای آنحضرت آب وضو را

حاجته فقال لي سل فقلت أسألك مرافقتك في الجنة قال أو غير

و دیگر حاجتهای دیگر او پس فرمود مرا بخواه گفتم میخواهم از تو همراه تو بودن در بهشت فرمود یا چیزی دیگر خواه

ذلك قلت هو ذاك قال فأعني على نفسك بكثرة السجود رواه مسلم

گفتم همین است فرمود پس مدد کن مرا بر نفس خود به بسیار کردن سجده رواه مسلم

وَعَنْ مَعْدَانَ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ لَقِيْتُ ثَوْبَانَ مَوْلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و مردیست از معدان بن طلحه گفت پیش آمدم ثوبان را که آزاد کردهٔ آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ اَخْبِرْنِيْ بِعَمَلٍ اَعْمَلُهُ يُدْخِلُنِيَ اللّٰهُ بِهِ الْجَنَّةَ فَسَكَتَ

علیه و سلم بود پس گفتم خبر ده مرا از کاری که کنم آن کار را تا درآرد مرا خدا تعالی بسبب آن کار بهشت را پس خاموش ماند

ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَسَكَتَ ثُمَّ سَأَلْتُهُ الثَّالِثَةَ فَقَالَ سَأَلْتُ عَنْ ذٰلِكَ رَسُوْلَ اللّٰهِ

باز پرسیدم او را پس خاموش ماند باز پرسیدم او را بار سوم پس گفت پرسیدم من ازین عمل پیغامبر خدا را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُوْدِ فَاِنَّكَ لَا تَسْجُدُ لِلّٰهِ

صلی الله علیه و سلم پس فرمود بر تو باد که بسیار سجده کنی پس بدرستیکه تو نمی کنی مر خدا را

سَجْدَةً اِلَّا رَفَعَكَ اللّٰهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيْئَةً قَالَ

سجده مگر آنکه بر میدارد ترا خدا تعالی بسبب آن سجده پایه بزرگ و کم میکند از تو بسبب آن سجده گناه را گفت

مَعْدَانُ ثُمَّ لَقِيْتُ اَبَا الدَّرْدَاءِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ لِيْ مِثْلَ مَا قَالَ لِيْ ثَوْبَانُ

معدان پس ملاقات کردم ابو الدردا را پس پرسیدم او را نیز پس گفت مرا مانند آنچه گفته بود مرا ثوبان

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ كَانَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسِيْنَ وَالْغُسْلُ

رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت بوده است نماز پنجاه گانه و غسل

مِنَ الْجَنَابَةِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَغَسْلُ الْبَوْلِ مِنَ الثَّوْبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَزَلْ

از جنابت هفت مرتبه و شستن شاشه از جامه هفت بار پس همیشه بود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْأَلُ حَتّٰى جُعِلَتِ الصَّلٰوةُ خَمْسًا وَغُسْلُ

رسول خدا صلی الله علیه و سلم که سؤال میکرد تا آنکه گردانیده شد نماز پنجگانه و غسل

الْجَنَابَةِ مَرَّةً وَغَسْلُ الثَّوْبِ مِنَ الْبَوْلِ مَرَّةً رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

از جنابت یک مرتبه و شستن ثیاب از بول یک مرتبه رواه ابو داود

بَابُ مَا جَاءَ فِيْ اِثْمِ تَارِكِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که وارد شده است در گناه ترک کننده نماز

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ

و مرویست از ابی هریره رض گفت شنیدم از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه

أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلٰوتُهُ فَإِنْ صَلُحَتْ

نخستین چیزیکه محاسبه کرده شود بسبب آن چیز بنده روز قیامت از عمل او نماز اوست پس اگر درست آید نماز او

فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْءٌ

پس بتحقیق فلاح و نجات یافت آن مرد و اگر فاسد شد آن نماز پس بتحقیق نا امید شد و زیانکار گردید پس اگر ناقص شود از فریضه آن بنده چیزی

قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى انْظُرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَيُكَمَّلَ بِهَا مَا انْتَقَصَ

گوید پروردگار تبارک و تعالی به بینید آیا هست مر بنده مرا چیزی از نفل تا کامل کرده شود بسبب آن نفل آنچه که ناقص شده

مِنَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ يَكُونُ سَائِرُ عَمَلِهِ عَلَى ذٰلِكَ وَفِي رِوَايَةٍ ثُمَّ الزَّكٰوةُ

از فریضه او پس میباشد باقی عمل او بر این طور و در روایت دیگر همچنین است پس زکوة

مِثْلَ ذٰلِكَ ثُمَّ تُؤْخَذُ الْأَعْمَالُ عَلَى حَسَبِ ذٰلِكَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَرَوَاهُ

مانند آن پس مواخذه کرده شود اعمال بر این طریق رواه ابو داود و روایه

أَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ طَلْقِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَنَفِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

احمد از مردی و روایت است از طلق بن علی حنفی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى صَلٰوةِ عَبْدٍ لَا يُقِيمُ فِيهَا صُلْبَهُ

الله علیه وسلم قبول نمی کند خدا عز و جل نماز بنده را که راست نمی کند در آن پشت خود را

بَيْنَ خُشُوعِهَا وَسُجُودِهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

در رکوع و سجود نماز رواه احمد و مرویست از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي تَفُوتُهُ صَلٰوةُ الْعَصْرِ فَكَأَنَّمَا وُتِرَ أَهْلَهُ

صلی الله علیه وسلم آن کسیکه فوت کند او را نماز عصر گویا نقصان کرده شد اهل خانه او

وَمَالَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ

و مال او متفق علیه و از بریده روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَرَكَ صَلٰوةَ الْعَصْرِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم کسیکه ترک کند نماز عصر دیده و دانسته پس تحقیق باطل شود تمام عمل او رواه بخاری

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ اَوْصَانِيْ خَلِيْلِيْ اَنْ لَّا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ شَيْئًا

و روایت است از ابی ذر گفت وصیت کرد مرا دوست من که شریک مگردان بخدا چیزی را

وَاِنْ قُطِّعْتَ وَحُرِّقْتَ وَلَا تَتْرُكْ صَلٰوةً مَّكْتُوْبَةً مُّتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا

اگرچه پاره پاره کرده شوی و سوخته شوی و ترک مکن نماز فرض را دیده و دانسته پس هر که ترک کند نماز فرض را

مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ وَلَا تَشْرَبِ الْخَمْرَ فَاِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ

دیده و دانسته پس بیزار شد از وی عهد مسلمانی و منوش شراب را پس بدرستیکه آن کلید همه

شَرٍّ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ شَقِيْقٍ قَالَ كَانَ اَصْحَابُ

بدی است رواه ابن ماجه و روایت است از عبد الله بن شقیق رض گفت بودند یاران

رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَرَوْنَ شَيْئًا مِّنَ الْاَعْمَالِ تَرْكُهُ كُفْرٌ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اعتقاد نمیکردند هیچ عمل را که ترک وی کفر باشد

غَيْرَ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رض

جز نماز رواه ترمذی و روایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ ذَكَرَ الصَّلٰوةَ يَوْمًا فَقَالَ مَنْ حَافَظَ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که آنحضرت ذکر کرده نماز را روزی پس فرمود کسیکه نگاهبانی کند

عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُوْرًا وَّبُرْهَانًا وَّنَجَاةً يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ لَّمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا

بر نماز باشد مر او را نماز سبب نورانیت و حجت قوی و نجات روز قیامت و کسیکه محافظت نکند بر نماز

لَمْ تَكُنْ لَّهُ نُوْرًا وَّلَا بُرْهَانًا وَّلَا نَجَاةً وَّكَانَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مَعَ قَارُوْنَ وَ

نباشد مر ویرا نور و نه حجت و نه سبب رستگاری و باشد آنکس روز قیامت با کافران که قارون و

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَاُبَيِّ بْنِ خَلَفٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ

فرعون و هامان است و ابی ابن خلف که اشقی این امت است روایت کرد آنرا احمد و دارمی و بیهقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رض

در شعب الایمان وروایت ست از عمرو بن شعیب واو از پدر خود واو از جد او رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلٰوةِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کنید فرزندان خود را بنماز گذاردن

وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ سِنِينَ وَ

حال آنکه ایشان هفت ساله باشند و بزنید فرزندان خود را بگذاردن نماز چون ده ساله شوند و

فَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَكَذَا رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ عَنْهُ

جدا کنید میان فرزندان در خوابگاه روایت کرد این حدیث را ابوداود و همچنین روایت کرده است در شرح السنه از عمرو

وَفِي الْمَصَابِيحِ عَنْ سَبْرَةَ بْنِ مَعْبَدٍ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و در مصابیح روایت کرد از سبره بن معبد وروایت ست از بریده رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلٰوةُ فَمَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ

صلی الله علیه وسلم عهد وامانتیکه درمیان ما و میان منافقان است نماز ست پس هرکه گذارد نماز را

فَقَدْ كَفَرَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَهْ

پس تحقیق ظاهر شد کفر او روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وروایت ست از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلٰوةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

حدیکه واقع شده ست میان بنده و میان کفر همین ترک نماز ست روایت کرد این حدیث را مسلم

بَابُ تَعْجِيلِ الصَّلٰوةِ

باب احادیثی که در فضیلت تعجیل نماز وارد شده اند

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِينَ

[illegible] بر نماز ها و بر نمازیکه میانه نماز هاست و بایستید برای خدا فرمان بردار شده

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الوقت الأول

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اول وقت

من الصلوة رضوان الله والوقت الآخر عفو الله رواه الترمذي وعن

از نماز سبب رضای خدای تعالی و گذاردن نماز در آخر وقت عفو خداست رواه ترمذی و روایت است

علي رض أن النبي صلى الله عليه وسلم قال يا علي ثلث لا تؤخرها الصلوة

از علی رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود ای علی سه خصلت است تاخیر مکن در آن یکی نماز

إذا أتت والجنازة إذا حضرت والأيم إذا وجدت لها كفوا رواه

چون بیاید دوم جنازه وقتیکه حاضر شود سوم زن بی شوهر وقتیکه بیابی مر او را کفو رواه

الترمذي وعن رافع بن خديج قال كنا نصلي المغرب مع رسول الله

ترمذی است و روایت است از رافع بن خدیج رض گفت بودیم ما که میگذاردیم نماز مغرب را با پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم فينصرف أحدنا وإنه ليبصر مواقع نبله متفق

صلی الله علیه وسلم پس میگشت یکی از ما و حال آنکه وی هرآینه میدید جای افتادن تیر خود را متفق

عليه وعن أبي أيوب رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علیه و روایت است از ابی ایوب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يزال أمتي بخير أو قال على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب إلى أن

همیشه امت من پیوسته به نیکی یا گفت همیشه اند بر فطرت اسلام مادام که تاخیر نکنند نماز شام را تا آنکه

تشتبك النجوم رواه أبو داود وعن النعمان بن بشير رض قال

مختلط شوند ستارها رواه ابوداود و روایت است از نعمان بن بشیر رض گفت

أنا أعلم بوقت هذه الصلوة صلوة العشاء الآخرة كان رسول الله

من داناترم بوقت این نماز یعنی نماز عشاء پسین باشد میگذارد پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يصليها لسقوط القمر لثالثة رواه أبو داود والدارمي

صلی الله علیه وسلم آنرا در وقت افتادن ماه در شب سوم رواه ابوداود و دارمی

وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ رضی قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و در روایت ہست از رافع بن خدیج رضا گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
أَسْفِرُوا بِالْفَجْرِ فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِلْأَجْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ
اسفار کنید در فجر و در روشنی بگذارید انرا پس بدرستیکه اسفار بزرگتر ہست از جہت مزد و ثواب روایت کرد ترمذی و ابوداود و دارمی
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اشْتَدَّ
و در روایت از ابی ہریرہ رضا گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون سخت شود
الْحَرُّ فَأَبْرِدُوا بِالصَّلٰوةِ وَفِي رِوَايَةٍ لِلْبُخَارِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ بِالظُّهْرِ
گرمی پس سرد کنید نماز و در روایت بخاری سے از ابی سعید الفاظ بالظهر وارد است
فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ وَاشْتَكَتِ النَّارُ إِلَى رَبِّهَا فَقَالَتْ
زیرا که سختی گرمی سے از جوشیدن دوزخ ہست و گله کرد آتش بسوی پروردگار خود پس گفت
يَا رَبِّ أَكَلَ بَعْضِي بَعْضًا فَأَذِنَ لَهَا بِنَفَسَيْنِ نَفَسٍ فِي الشِّتَاءِ
پروردگار من خورد اجزاء من یکدیگر را پس دستوری داد پروردگار مر آتش را بدو نفس برآوردن یکی در زمستان
وَنَفَسٍ فِي الصَّيْفِ أَشَدُّ مَا تَجِدُونَ مِنَ الْحَرِّ وَأَشَدُّ مَا تَجِدُونَ
و دوسرے دیگر در تابستان سخت تر آنچه می یابید شما از گرمی و سخت تر آنچه می یابید شما
مِنَ الزَّمْهَرِيرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِلْبُخَارِيِّ فَأَشَدُّ مَا تَجِدُونَ
از سرد سے ایں از آن دو نفس ہست متفق علیه و در روایت دیگر مر بخاری را چنین آمده است پس سخت تر آنچه می یابید
مِنَ الْحَرِّ فَمِنْ سَمُومِهَا وَأَشَدُّ مَا تَجِدُونَ مِنَ الْبَرْدِ فَمِنْ زَمْهَرِيرِهَا
از گرمی سے پس از دم گرم آتش ہست و سخت تر آنچه که می یابید شما از سرد سے پس از دم سرد او ہست

بَابُ فَضْلِ الْأَذَانِ وَإِجَابَةِ الْمُؤَذِّنِ

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
روایت ہست از ابی سعید خدری رضی الله گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنٌّ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ

وسلم نمی شنود فاصله آواز مؤذن را هیچ جن و نه انسی و نه هیچ چیزی مگر آنکه گواهی دهد برای او

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

روز قیامت روایت کرد او را بخاری و مرویست از معاویه رضی الله عنه گفت شنیدم پیغامبر خدا را صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

الله علیه وسلم که میگفت مؤذنان گردن دراز ترند از مردمان روز قیامت روایت کرد او را مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا نُودِيَ

و مرویست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم وقتیکه آواز کرده شود

لِلصَّلٰوةِ أَدْبَرَ الشَّيْطَانُ لَهُ ضُرَاطٌ حَتّٰى لَا يَسْمَعَ التَّأْذِينَ فَإِذَا قُضِيَ

برای نماز پشت میدهد شیطان و حالیکه تیز میزند تا نشنود اذان را پس چون تمام کرده شود

النِّدَاءُ أَقْبَلَ حَتّٰى إِذَا ثُوِّبَ بِالصَّلٰوةِ أَدْبَرَ حَتّٰى إِذَا قُضِيَ التَّثْوِيبُ أَقْبَلَ

اذان پیش می آید تا آنکه وقتیکه اقامت گفته شود برای نماز پشت میدهد تا آنکه چون تمام کرده شد اقامت پیش می آید

حَتّٰى يَخْطِرَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ يَقُولُ اذْكُرْ كَذَا اذْكُرْ كَذَا لِمَا لَمْ يَكُنْ يَذْكُرُ

تا آنکه وسوسه می اندازد در میان مرد و میان نفس او میگوید یاد کن چیزی را و یاد کن چیزی را برای چیزیکه یاد نبود

حَتّٰى يَظَلَّ الرَّجُلُ لَا يَدْرِي كَمْ صَلّٰى مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

تا آنکه میگردد مرد نمی داند که چند رکعت گذارده است متفق علیه مرویست از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْإِمَامُ ضَامِنٌ وَالْمُؤَذِّنُ مُؤْتَمَنٌ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امام ضامن است و مؤذن امین است

اللّٰهُمَّ أَرْشِدِ الْأَئِمَّةَ وَاغْفِرْ لِلْمُؤَذِّنِينَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

خداوندا راه راست نما امامان را و بیامرز مؤذنان را روایت کرد او را احمد و ابو داود و ترمذی

وَالشَّافِعِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و شافعی و مرویست از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

مَنْ اَذَّنَ سَبْعَ سِنِیْنَ مُحْتَسِبًا کُتِبَ لَهٗ بَرَاءَةٌ مِّنَ النَّارِ رَوَاهُ التِّرْمِذِیُّ
کسیکه اذان گوید هفت سال برای طلب اجر نوشته شود برای او بیزاری از آتش دوزخ رواه ترمذی
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ
و ابن ماجه در روایت است از عقبه بن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یَعْجَبُ رَبُّكَ مِنْ رَاعِیْ غَنَمٍ فِیْ رَأْسِ شَظِیَّةٍ لِلْجَبَلِ یُؤَذِّنُ
علیه وسلم عجب دارد پروردگار تو از چراننده گوسفند در سر بلندی کوه که اذان میگوید
بِالصَّلٰوةِ وَیُصَلِّیْ فَیَقُوْلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اُنْظُرُوْا اِلٰی عَبْدِیْ هٰذَا یُؤَذِّنُ
برای نماز و میگذارد نماز را پس میگوید خدای بزرگ بفرشتگان نظر کنید بسوی بنده من که این اذان میگوید
وَیُقِیْمُ الصَّلٰوةَ یَخَافُ مِنِّیْ قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِیْ وَاَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ
و برپای دارد نماز را میترسد از من تحقیق آمرزیدم این بنده خود را و درآوردم او را در بهشت رواه
اَبُوْ دَاوٗدَ وَالنَّسَائِیُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ
ابوداود و نسائی در روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله
عَلَیْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ عَلٰی کُثْبَانِ الْمِسْكِ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ عَبْدٌ اَدّٰی حَقَّ اللّٰهِ
علیه وسلم سه کس بر تلهای مشک باشند روز قیامت یکی بنده که گزارد حق خدا را
وَحَقَّ مَوْلَاهُ وَرَجُلٌ اَمَّ قَوْمًا وَهُمْ بِهٖ رَاضُوْنَ وَرَجُلٌ یُنَادِیْ بِالصَّلٰوةِ
و حق خداوند خود را دیگر مردیکه امامت کرد گروهی را و ایشان از وی راضی اند دیگر مردیکه اذان میگوید
الْخَمْسِ کُلَّ یَوْمٍ وَلَیْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِیُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ وَعَنْ
نماز پنجگانه را هر روز و شب روایت کرد این را ترمذی و گفت این حدیث غریب است و روایت است از
اَبِیْ هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَلْمُؤَذِّنُ یُغْفَرُ لَهٗ مَدٰی
ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بانگ نماز گوینده آمرزیده شود مر او را تا غایت
صَوْتِهٖ وَیَشْهَدُ لَهٗ کُلُّ رَطْبٍ وَّیَابِسٍ وَشَاهِدُ الصَّلٰوةِ یُکْتَبُ لَهٗ خَمْسٌ
آواز او و گواهی میدهد برای او هر تر و خشک و حاضر آینده نماز را نوشته میشود بیست و پنج

وَعِشْرُونَ صَلَوٰةً وَيُكَفَّرُ عَنْهُ مَا بَيْنَهُمَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

نماز و بخشیده میشود از وی گناهان که واقع میشوند میان هر دو نماز روایت کرد احمد و ابو داود و روایت است از

عُثْمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجْعَلْنِي

عثمان بن ابی العاص گفت گفتم ای پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم بگردان مرا

إِمَامَ قَوْمِي قَالَ أَنْتَ إِمَامُهُمْ وَاقْتَدِ بِأَضْعَفِهِمْ وَاتَّخِذْ مُؤَذِّنًا لَا يَأْخُذُ

امام قوم من فرمود تو امام قومی و اقتدا کن بضعیف ترین ایشان و بگیر موذنی را که نگیرد

عَلَى أَذَانِهِ أَجْرًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

بر اذان خود اجرت روایت کرد احمد و ابو داود و روایت است از ابن عمر که پیغامبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَذَّنَ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ

الله علیه و سلم فرمود کسیکه اذان گوید دوازده سال واجب گردد مر او را بهشت

كُتِبَ لَهُ بِتَأْذِينِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سِتُّونَ حَسَنَةً وَبِكُلِّ إِقَامَةٍ ثَلَاثُونَ

و نوشته میشود مر او را بجا آوردن اذان گفتن وی هر روز شصت نیکی و هر اقامت را سی

حَسَنَةً رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

نیکی روایت کرد ابن ماجه و روایت است از سهل بن سعد گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثِنْتَانِ لَا تُرَدَّانِ الدُّعَاءُ عِنْدَ النِّدَاءِ وَعِنْدَ

صلی الله علیه و سلم دو چیز است که رد کرده نمیشود دعا نزد بانگ نماز و نزد یک

الْبَأْسِ حِينَ يُلْحِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَفِي رِوَايَةٍ وَتَحْتَ الْمَطَرِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

جنگ کافران و قتیکه بکشند بعضی ایشان بعضی را و در روایتی آمده که دعا زیر باران مقبول است روایت کرد ابو داود

وَعَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ام سلمه رضی الله عنها گفت که تعلیم کرد مرا رسول الله صلی الله علیه و سلم

أَنْ أَقُولَ عِنْدَ أَذَانِ الْمَغْرِبِ اللّٰهُمَّ هٰذَا إِقْبَالُ لَيْلِكَ وَإِدْبَارُ نَهَارِكَ

اینکه بگویم نزد بانگ نماز شام الهی این آمدن شب تست و وقت پشت دادن روز تست

وأصوات دعاتك فاغفر لي رواه أبو داود والبيهقي في الدعوات الكبير

و این آواز های خوانندگان تست اجابت کن پس بیامرز مرا رواه ابو داود و روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا سمعتم المؤذن فقولوا مثل ما يقول ثم صلوا علي فإنه من صلى علي

چون بشنوید موذن را کلمات اذان میگوید پس بگویید مانند آنچه وی میگوید باز درود بفرستید بر من پس بدرستی که هر که درود فرستد بر من

صلاة صلى الله عليه بها عشرا ثم سلوا الله لي الوسيلة فإنها منزلة

یکبار درود بفرستد خدای تعالی بر وی بجزای آن ده بار پس سوال کنید خدا را از برای من وسیله زیرا که وسیله درجه ایست

في الجنة لا تنبغي إلا لعبد من عباد الله تعالى وأرجو أن أكون أنا

در بهشت لائق نمیشود آن منزلت مگر برای یک بنده از بندگان خدای تعالی و امید میدارم که باشم من آن بنده

فمن سأل لي الوسيلة حلت عليه الشفاعة رواه مسلم وعن

پس هر که سوال کند برای من وسیله فرود آید بر وی شفاعت رواه مسلم و روایت است از

جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع النداء

جابر رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگوید هنگام شنیدن اذان

اللهم رب هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة آت محمدا

خداوندا خداوند این دعوت تمام و نماز قائم بده محمد را

الوسيلة والفضيلة وابعثه مقاما محمودا الذي وعدته

وسیلت و فضیلت و بفرست او را در مقام محمود آن مقام که وعده کرده او را فرود آید مر او را

شفاعتي يوم القيامة رواه البخاري وعن سعد بن أبي وقاص

شفاعت من روز قیامت رواه البخاری و روایت است از سعد بن ابی وقاص رضه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال حين يسمع المؤذن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگوید هنگام شنیدن اذان

أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا عبده ورسوله

اینکه گواهی میدهم که نیست هیچ معبودی بحق مگر خدا تنها لا شریک است و گواهی میدهم که محمد بنده او و رسول او است

رضيت بالله ربا وبمحمد رسولا وبالإسلام دينا غفر له ذنبه رواه

راضی شدم بخدا از روی پروردگاری و بمحمد از روی رسول و باسلام از روی دین آمرزیده شود مر او را گناهان صغار رواه

مسلم وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خصلتان

مسلم و روایت است از ابن عمر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دو خصلت

معلقتان في أعناق المؤذنين للمسلمين صيامهم وصلوتهم رواه ابن ماجه

آویخته شده اند در گردنهای بانگ گویندگان برای مسلمانان روزه شان و نماز ایشان رواه ابن ماجه

باب فضل الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم

باب فضیلت درود بر نبی صلی الله علیه وسلم

إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه

هر آینه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر پیغامبر ای آن کسانی که ایمان آورده اند درود بفرستید

وسلموا تسليما وعن أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه

و سلام گوئید سلام گفتنی و روایت است از انس گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه

وسلم من صلى علي صلوة واحدة صلى الله عليه عشر صلوات وحطت

وسلم کسیکه درود بفرستد بر من یکبار بفرستد خدا تعالی بر وی ده بار درود و افگنده شود

عنه عشر خطيئات ورفعت له عشر درجات رواه النسائي

از وی ده گناه و بلند داشته شود مر او را ده پایه در قرب حق رواه نسائی

وعن ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم أولى

و مرویست از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکترین

الناس بي يوم القيامة أكثرهم علي صلوة رواه الترمذي

مردم بمن روز رستخیز بیشترین ایشانست بر من درود گوینده رواه ترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان لله ملئكة
واز وی مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مر خدای را فرشتگانند

سیاحین فی الارض یبلغونی من امتی السلام رواه النسائی والدارمی
رونده در زمین که میرسانند مرا از امت من سلامی که میگویند بر من رواه نسائی و دارمی

وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما من احد
و روایت ست از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ کسی

یسلم علی الا رد الله علی روحی حتی ارد علیه السلام رواه ابو داود
که سلام میفرستد بر من مگر آنکه باز میفرستد خدا تعالی بر من روح مرا تا آنکه جواب گویم بر وی سلام را رواه ابو داود

والبیهقی فی الدعوات الکبیر وعنه قال سمعت رسول الله صلی الله
و بیهقی روایت کرد در دعوات کبیر و مرویست از وی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله

علیه وسلم یقول لا تجعلوا بیوتکم قبورا ولا تجعلوا قبری عیدا
علیه وسلم را که میگفت مگردانید خانهای خود را مانند قبرها و مگردانید قبر مرا عید

وصلوا علی فان صلوتکم تبلغنی حیث کنتم رواه النسائی وعنه
و درود فرستید بر من زیرا که درود شما میرسد مرا هر جا که باشید رواه نسائی و روایت ست از

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم رغم انف رجل ذکرت عنده
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم خاک آلوده باد بینی مردی که ذکر کرده شوم نزد او

فلم یصل علی ورغم انف رجل دخل علیه رمضان ثم انسلخ قبل
پس درود نفرستد بر من و خاک آلود باد بینی مردیکه درآید بر وی ماه رمضان پس بگذرد و تمام شود پیش از آنکه

ان یغفر له ورغم انف رجل ادرک عنده ابواه الکبر او
آمرزیده شود او و خاک آلود باد بینی مردیکه دریابد نزد وی مادر و پدر ویرا پیری بزرگ سالی را یا

احدهما فلم یدخلاه الجنة رواه الترمذی وعن ابی طلحة ان
یکی از مادر و پدر ویرا پس نیارند در را در بهشت رواه ترمذی و روایت ست از ابی طلحه که

رسول الله صلى الله عليه وسلم جاء ذات يوم والبشر في وجهه فقال

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد پیش اصحاب خود روزی در حالتیکه خوشی را بر روی مبارکش بود پس فرمود

إنه جاءني جبرئيل فقال إن ربك يقول أما يرضيك يا محمد أن لا يصلي

هر آئینه آمد بمن جبرئیل پس گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید آیا راضی نمی سازد ترا ای محمد آنکه درود نفرستد

عليك أحد من أمتك إلا صليت عليه عشرا ولا يسلم عليك أحد من

بر تو هیچ یکی از امت تو مگر درود بفرستم بر وی ده بار و سلام نفرستد بر تو هیچ یکی از

أمتك إلا سلمت عليه عشرا رواه النسائي وعن أبي بن كعب رض

امت تو مگر آنکه سلام بفرستم بر وی ده بار رواه نسائی و روایت است از ابی بن کعب رض

قال قلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم إني أكثر الصلوة عليك فكم

گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه من بسیار میفرستم درود را بر تو پس چه مقدار

أجعل لك من صلوتي فقال ما شئت قلت الربع قال ما شئت فإن

زمان معین گردانم برای درود فرستادن بر تو پس فرمود هر قدر که میخواهی گفتم چهارم حصه زمان فرمود هر قدر که میخواهی پس اگر

زدت فهو خير لك قلت النصف قال ما شئت فإن زدت فهو خير

زیاده کنی از ربع پس آن بهتر است مر ترا گفتم نصف زمان را گردانم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی پس آن بهتر است

لك قلت فالثلثين قال ما شئت فإن زدت فهو خير لك قلت

مر ترا گفتم پس دو ثلث کنم فرمود هرچه میخواهی پس اگر زیاده کنی آن بهتر است مر ترا گفتم

أجعل لك صلوتي كلها قال إذا تكفى همك ويكفر لك ذنبك رواه

میگردانم برای تو زمان دعای خود را همه فرمود آنگاه کفایت کرده شود همه مقصود تو و پوشیده کرده شود همه گناهان تو

الترمذي وعن علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

رواه ترمذی و روایت است از علی رض گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

البخيل الذي من ذكرت عنده فلم يصل علي رواه الترمذي

بخیل تمامت کسی است که ذکر کرده شوم من نزد وی پس او درود نفرستد بر من رواه ترمذی

وروى أحمد عن حسين بن علي رضي الله عنه وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال

و رواه احمد از حسین بن علی رضی و روایت است از ابی هریره رضی گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى علي عند قبري سمعته ومن صلى

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من نزد قبر من میشنوم و درود داد و کسیکه

علي نائيا أبلغته رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عبد الله

بر من از دور رسانیده شود درود او مرا رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از عبدالله

بن عمرو رضي الله عنه قال من صلى على النبي صلى الله عليه وسلم واحدة صلى

بن عمرو رضی گفت کسیکه درود بفرستد بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم یکبار درود فرستد

الله عليه وملائكته سبعين صلوة رواه أحمد وعن رويفع أن

خدا تعالی بر وی و فرشتگان وی هفتاد بار درود رواه احمد و روایت است از رویفع که

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى على محمد وقال اللهم أنزله

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر محمد صلی الله علیه وسلم و بگوید خداوندا فرود آر محمد را

المقعد المقرب عندك يوم القيامة وجبت له شفاعتي رواه أحمد

در نشستگاه که نزدیک گردانیده شده نزد تو در روز رستخیز واجب گردد باو شفاعت من رواه احمد

وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه قال إن الدعاء موقوف بين السماء

و روایت است از عمر بن الخطاب رضی گفت بدرستیکه دعا ایستاده گردانیده شود میان آسمان

والأرض لا يصعد منها شيء حتى تصلي على نبيك رواه الترمذي

و زمین نمیرود و بالا برده نمیشود از دعوت چیزی تا آنکه درود بفرستی بر نبی خود رواه ترمذی

وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي صلت عليه الملائكة ما دام

و فرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بر من درود میفرستند بر وی فرشتگان تا وقتیکه

يصلي علي فليقل عند ذلك أو ليكثر أخرجه ابن حبان بسند صحيح

درود میفرستد بر من پس باید که کم کند نزد چنین یا زیاده کند آن بنده روایت کرد ابن حبان بسند صحیح

والطبراني في الاوسط بسند حسن والامام احمد وسعيد ابن منصور

و طبرانی در اوسط بسند حسن و امام احمد و سعید ابن منصور

وابو نعيم كلهم عن عامر بن ربيعة كذا في مطالع المسرات شرح

و ابو نعیم همه ایشان از عامر بن ربیعه همچنین است در مطالع مسرات که شرح

دلائل الخيرات وقال صلى الله عليه وسلم من افضل ايامكم يوم

دلائل خیرات است و فرمود صلی الله علیه وسلم از افضل روزهای شما روز

الجمعة فيه خلق آدم وفيه قبض وفيه النفخة وفيه الصعقة

جمعه است در وی آفریده شد آدم و در وی وفات یافت و در وی نفخه است و در وی صعقه است

فاكثروا علي من الصلوة فيه فان صلوتكم معروضة علي قالوا

پس زیاده کنید بر من از درود در روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده شود بر من گفتند

يا رسول الله وكيف تعرض عليك صلوتنا وقد ارمت اي بليت

یا رسول الله صلی الله علیه وسلم و چه طور عرض کرده شود بر تو درود ما حالی آنکه جسد شما در قبر کهنه شده یعنی

صرت رميما قال ان الله تعالى حرم على الارض ان تاكل اجساد

خاک شده باشد فرمود بدرستیکه خدا تعالی حرام کرده است بر زمین اینکه بخورد اجساد

الانبياء اخرجه ابو داود والنسائي وابن ماجة باسانيد صحيحة وابن

پیغمبران را روایت کرد ابو داود و نسائی و ابن ماجه بسندهای صحیح و ابن

حبان والحاكم وقال صحيح على شرط البخاري من حديث اوس

حبان و حاکم و گفت این حدیث صحیح است بر شرط بخاری از حدیث اوس

بن اوس الثقفي مطالع وقال صلى الله عليه وسلم من صلى علي

ابن اوس ثقفی این حدیث در مطالع است و فرمود صلی الله علیه وسلم کسیکه درود نوشت بر من

في كتاب لم تزل الملائكة تصلي عليه ما دام اسمي في ذلك الكتاب

در کتاب همیشه این است که فرشتگان درود میفرستند بر وی تا وقتیکه نام من در آن کتاب باقی باشد

ثنا [illegible] في رواه الطبراني في الأوسط وأبو الشيخ في الثواب والمستغفري

[illegible] روایت کرد طبرانی در اوسط و ابو الشیخ در ثواب و المستغفری

في الدعوات من حديث أبي هريرة بسند ضعيف مطالع وقال

در دعوات از حدیث ابی هریره رض بسند ضعیف این حدیث در مطالع است و گفت

أبو سليمان الداراني من أراد أن يسأل حاجته فليكثر بالصلوة على

ابو سلیمان دارانی کسیکه خواهد که سوال کند حاجت خود را پس باید که زیاده بفرستد درود را بر

النبي صلى الله عليه وسلم ثم يسأل الله حاجته وليختم بالصلوة على النبي

نبی صلی الله علیه وسلم پس سوال کند از خدا تعالی حاجت خود را و باید که تمام کند دعا را به درود بر نبی

صلى الله عليه وسلم فإن الله يقبل الصلوتين وهو أكرم من أن يدع

بر نبی صلی الله علیه وسلم پس بدرستیکه خدا قبول میکند هر دو درود را و آنخدا بزرگتر است از اینکه ترک کند آنچه را

ما بينهما كذا في دلائل الخيرات وروي عنه صلى الله عليه وسلم

که میان هر دو درود است چنان است در دلائل الخیرات و روایت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أنه قال من صلى على يوم الجمعة مائة مرة غفرت له خطيئة

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه درود فرستد بر من روز جمعه یکصد مرتبه آمرزیده شود برای او گناه

ثمانين سنة أخرجه الديلمي عن أنس مطالع وفي رواية

هشتاد ساله تخریج کرد این حدیث را دیلمی از انس رض از مطالع نقل کرده شد و در روایتیست

عبد الرحمن بن عوف قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم جاءني جبرئيل

عبد الرحمن بن عوف گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد نزد من جبرئیل

عليه السلام وقال يا محمد لا يصلي عليك أحد إلا صلى عليه سبعون

علیه السلام و گفت ای محمد صلی الله علیه وسلم درود نمیفرستد بر تو کسی یک مرتبه مگر درود میفرستند بر وی هفتاد

ألف ملك ومن صلت عليه ملائكة كان من أهل الجنة هكذا ذكره

هزار فرشتگان و کسیکه درود میفرستند بر وی فرشتگان می شود از اهل بهشت همچنین ذکر کرد آنرا

بهذا اللفظ ابن فرحون مطالع وقال صلى الله عليه وسلم أكثركم

باین الفاظ ابن فرحون از مطالع و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیشترین شما

على صلوة أكثركم أزواجا في الجنة ذكره ابن وداعة بهذا اللفظ

بر من از روی درود بسیارترین شما از روی ازواج است در جنت ذکر کرد این حدیث را ابن وداعه باین لفظ

ونقله السخاوي عن صاحب الدر المنظم مطالع وعنه صلى الله عليه

و نقل کرد این حدیث را سخاوی از صاحب در المنظم از مطالع و از وی صلی الله علیه

وسلم أنه قال من صلى على صلوة تعظيما لحقي خلق الله عز وجل من ذلك

وسلم مرویست که گفت هر کسیکه درود فرستد بر من یکبار برای تعظیم حق من آفریند الله بزرگ و عظیم از آن

القول ملكا له جناح بالمشرق والآخر بالمغرب ورجلاه مقرورتان

قول یک فرشته که مر وی را باشد یک بازو در مشرق و دیگر در مغرب و هر دو پاے او قرار یافته

في الأرض السابعة السفلى وعنقه ملتوية تحت العرش يقول الله

در زمین هفتمی تحتانی و گردن وی متصل زیر عرش میگوید خداے تعالی

عز وجل له صل على عبدي كما صلى على نبيي صلى الله عليه وسلم

عز وجل مر وی را درود بفرست بر بنده من چنانکه درود فرستاده است آن بنده بر پیغمبر من صلی الله علیه وسلم

فهو يصلي عليه إلى يوم القيامة الحديث ذكره ابن سبع من دون

پس آن فرشته درود میفرستد بروی تا روز قیامت تا آخر حدیث ذکر کرد این حدیث را ابن سبع بغیر

ذكر صحابيه ولا مخرج وذكره ابن جبير عن أنس ولم يعزه وكذا

ذکر صحابی و بغیر ذکر صاحب تخریج و ذکر کرد این حدیث را ابن جبیر از انس و نسبت نکرد به کسی و چنان ذکر کرد

ابن وداعة وأسنده ابن بشكوال عن أنس إلا أنه قال عنده قوله

ابن وداعه و باسناد رسانید این حدیث را ابن بشکوال از انس رض مگر اینکه بلفظ نیز گفت که بر سنتکرین شاید قول او نزد وی

ورجلاه إلى تحت العرش مطالع وروي عنه صلى الله عليه وسلم

که در جلاه تا به تحت عرش است از مطالع و روایت است از وی صلی الله علیه وسلم

أنه قال ليردن علي أقوام يوم القيامة ما أعرفهم إلا بكثرة

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر آینه وارد شوند بر من گروهی روز قیامت نمی شناسم من ایشانرا مگر بسبب زیادتی

الصلوة علي وذكر القاضي عياض في الشفاء وعنه صلى الله عليه

درود که بر من فرستادند و ذکر کرد قاضی عیاض در کتاب شفا از حقوق مصطفی در روایت از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم أنه قال من صلى علي مرة واحدة صلى الله عليه عشر مرات ومن

وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود هر که درود فرستد بر من یکبار درود فرستد خدا تعالی بر او ده بار و هر کسیکه

صلى علي عشر مرات صلى الله عليه مائة ومن صلى علي مائة صلى

درود فرستد بر من ده مرتبه درود فرستد خدا تعالی بر او صد بار و کسیکه درود فرستد بر من صد بار درود فرستد

الله عليه ألف مرة ومن صلى علي ألف مرة حرم الله جسده على النار

خدا تعالی بر او هزار بار و کسیکه درود فرستد بر من هزار مرتبه حرام گرداند خدا تعالی جسد او را بر آتش دوزخ

وثبته بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة وعند المسألة

و ثابت میدارد او را بقول ثابت که توحید است در حیات دنیا و در آخرت نزدیک سوال

وأدخله الجنة وجاءت صلاته علي نورا له يوم القيامة على الصراط

و داخل کند خدا تعالی آن بنده را در بهشت و آید درود او که بر من نور مر او را روز قیامت بر پل صراط

مسيرة خمسمائة عام وأعطاه الله بكل صلوة صلاها قصرا في

که راه وی پنج صد ساله است و بدهد او را خدا تعالی بسبب هر درود که خوانده است آنرا یک محل در

الجنة قل ذلك أو كثر ذكره ابن وداعة كله من تغير ابن شبة

بهشت کم کند آن بنده یا زیاده کند ذکر کرد این و داعه همه این را بغیر ...

وقال صلى الله عليه وسلم ما من عبد يصلي علي إلا خرجت الصلوة

و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ بنده که درود فرستد بر من مگر آنکه بیرون می آید آن درود

مسرعة من فيه فلا يبقى بر ولا بحر ولا شرق ولا غرب إلا وتمر

شتابان از دهن آن بنده پس باقی نماند هیچ بیابانی و نه دریا و نه مشرق و نه مغرب مگر آنکه ...

به ويقول انا صلوة فلان بن فلان صلى على محمد المختار خير خلق الله

بدان او ميگويد که درود فلان بن فلان ام که درود فرستاده بود بر محمد که برگزيده و بهترين مخلوق خدا است

فلا يبقى شيء الا وصلى عليه ويخلق من ذلك الصلوة طائر له

پس باقی نمی ماند هيچ شیء مگر حال آنکه درود ميفرستد بر او و آفريده ميشود ازين درود يک طائر که ميباشد مر او را

سبعون الف جناح في كل جناح سبعون الف ريشة في كل ريشة

هفتاد هزار بال و در هر بال هفتاد هزار پر و در هر پر

سبعون الف رأس في كل رأس سبعون الف وجه في كل وجه

هفتاد هزار سر و در هر سر هفتاد هزار روی و در هر روی

سبعون الف فم في كل فم سبعون الف لسان كل لسان يسبح الله

هفتاد هزار دهان و در هر دهان هفتاد هزار زبان هر زبان تسبيح ميکند خدای

تعالى بسبعين الف لغات ويكتب الله تعالى له ثواب ذلك كله هكذا

تعالى را با هفتاد هزار لغت و مينويسد خدا تعالى مر او را ثواب اينهمه تحقيق

في دلائل الخيرات وقال صاحب مطالع المسرات هذه الماجدة وعن

در دلائل الخيرات و گفت صاحب مطالع المسرات اين فضل را يافتم و هر وايت است از

علي بن ابي طالب رضي انه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى

علي بن ابي طالب رض بدرستيکه علی گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم کسيکه درود فرستد

على يوم الجمعة مائة مرة جاء يوم القيامة ومعه نور لو قسم ذلك النور بين

بر من روز جمعه صد بار بيايد روز رستخيز حال آنکه همراه او نوری باشد که اگر تقسيم کرده شود اين نور ميان

الخلق كلهم لوسعهم اخرجه ابو نعيم في الحلية وفي الحرز الثمين

مخلوق همه ايشان هر آينه گنجايش دارد ايشان را روايت کرد آنرا ابو نعيم در حليه و در حرز ثمين

للحصن الحصين ما جلس قوم مجلسا لم يذكروا الله فيه ولم يصلوا

شرح حصن حصين گفته است نه نشستند قومی در مجلسی که ياد نکنند خدای تعالى را در آن مجلس و درود نفرستند

على نبيهم الا كان عليهم حسرة يوم القيمة وان دخلوا الجنة للثواب

بر نبی خود مگر باشد بر ایشان حسرتی در روز رستخیز اگرچه که داخل شوند در بهشت برای ثواب

رواه ابن حبان واحمد وابوداود والنسائي والحاكم كلهم عن ابي هريرة

روایت کرده ابن حبان و احمد و ابوداود و نسائی و حاکم همه ایشان روایت کرده اند از ابی هریره

اكثروا علي من الصلوة يوم الجمعة فان صلوتكم معروضة علي رواه

بسیار کنید بر من درود را در روز جمعه پس بدرستیکه درود شما عرض کرده میشود بر من روایت کرده

ابوداود والنسائي وابن ماجة وابن حبان كلهم من حديث اوس ابن

ابوداود و نسائی و ابن ماجه و ابن حبان همه ایشان از حدیث اوس ابن

اوس الثقفي ما من احد يسلم علي الا رد الله علي روحي حتى

اوس ثقفی نیست هیچ کسی که سلام کند بر من مگر آنکه باز گرداند خدا تعالی بر من روح من تا آنکه

ارد عليه السلام رواه ابوداود عن ابي هريرة ورواه احمد ايضا

رد کنم بر وی سلام را روایت کرده ابوداود از ابی هریره و روایت کرده احمد نیز

ان اولى الناس بي يوم القيمة اكثرهم علي صلوة رواه الترمذي وابن

بدرستیکه نزدیکترین مردمان بمن روز قیامت بیشترین ایشان است بر من درود روایت کرده ترمذی و ابن

حبان كلاهما عن ابن مسعود البخيل من ذكرت عنده فلم يصل

حبان هر دو از ابن مسعود بخیل کسی است که ذکر کرده شوم من نزد او پس نفرستد درود

علي رواه الترمذي والنسائي عن علي وابن حبان والحاكم عن حسين

بر من روایت کرده ترمذی و نسائی از علی رضی الله عنه و ابن حبان و حاکم از حسین

صلوا علي فان الصلوة علي فانها زكوة لكم رواه ابو يعلى عن

درود فرستید بر من پس بدرستیکه درود فرستادن زکوة است مر شما را روایت کرده ابو یعلی از

ابي هريرة اتاني جبريل فبشرني وقال ان ربك يقول من صلى

ابی هریره آمد مرا جبریل علیه السلام پس بشارت داد مرا و گفت بدرستیکه پروردگار تو میگوید

عليك صليت عليه عشرا ومن سلم عليك سلمت عليه عشرا [illegible]

برتو درود بفرستم [illegible] ده بار وكسيكه سلام كند برتو سلام بفرستم [illegible]

شكرا رواه الحاكم واحمد عن عبد الرحمن بن عوف من صلى على النبي واحدة

رواه حاكم واحمد از عبد الرحمن بن عوف هر كسيكه درود بفرستد [illegible]

صلى الله عليه وملائكته سبعين صلاة رواه احمد عن ابن عمرو

درود بفرستد [illegible] وفرشتگان او [illegible] رواه احمد [illegible]

قال علي رضي الله تعالى عنه كل دعاء محجوب حتى يصلى على النبي [illegible]

گفت علي رضي الله عنه [illegible] دعا [illegible] تا آنكه درود فرستد [illegible]

عليه وسلم وآل محمد رواه الطبراني في الاوسط وعن عمر ان الدعاء

عليه وسلم وبر آل محمد رواه طبراني در اوسط [illegible]

موقوف بين السماء والارض لا يصعد منه شيء حتى تصلي على نبيك

موقوف ميماند ميان آسمان وميان زمين بالا نميرود [illegible] تا آنكه درود فرستي [illegible]

رواه الترمذي انتهى وذكر في بعض الاخبار انه مكتوب على ساق

رواه ترمذي [illegible] ذكر كرده شده در بعض اخبار [illegible] نوشته است [illegible]

العرش من اشتاق الى رحمتي ومن سألني اعطيته ومن تقرب الي

[illegible] مشتاق است بسوي رحمت من [illegible] واز من سوال كند [illegible]

بالصلوة على محمد غفرت له ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر

با درود فرستادن بر محمد [illegible] اگر چه باشد مانند كف دريا [illegible]

ابن سبع وروي عن بعض الصحابة رضوان الله عليهم اجمعين

[illegible] روايت كرده شده [illegible] از بعض صحابه رضوان الله عليهم [illegible]

انه قال ما من مجلس يصلى فيه على محمد صلى الله عليه وسلم الا [illegible]

[illegible] بر محمد صلى الله عليه وسلم [illegible]

منه رائحة طيبة حتى تبلغ عنان السماء فتقول الملائكة هذا مجلس

از آن مجلس خوش تا آنکه میرسد آن بوی ابر آسمان میگوید فرشتگان این مجلسی است

صلي فيه على محمد صلى الله عليه وسلم كذا في دلائل الخيرات قال الشيخ

که درود فرستاده شده است در آن مجلس محمد صلی الله علیه وسلم چنین است در دلایل خیرات گفت شیخ

ابو جعفر ابن وداعة رحمه الله في الحديث عن بعض الصحابة انه قال ما من

ابو جعفر ابن وداعه رحمه الله در حدیث که روایت است از بعض صحابه رضی الله عنهم گفت نیست هیچ

موضع يذكر فيه النبي صلى الله عليه وسلم ويصلي عليه فيه الا قامت منه

جائی که ذکر کرده میشود در آن نام نبی صلی الله علیه وسلم و درود فرستاده میشود بر وی در آن جا مگر خیزد از آن جای

رائحة تخرق السموات السبع حتى تنتهي الى العرش يجد ريحها كل من

بوی که بشکافد آسمانهای هفت را تا آنکه میرسد به عرش می یابد بوی آن را هر آنکس که

خلق الله في الارض الا الانس والجن فانهم لو وجدوا ريحها لاشتغل كل واحد

آفریده است خدای تعالی در زمین مگر انسان و جن پس اگر انسان و جن یابند بوی آن را هر آینه مشغول شود هر یکی

منهم بلذتها عن معيشته ولا يجد تلك الرائحة ملك ولا خلق من

از ایشان بسبب لذت آن از معیشت خود و نمی یابد این بوی را هیچ فرشته و نه هیچ مخلوق از

خلق الله تعالى الا استغفر لاهل المجلس وتكتب لهم بعددهم حسنات

مخلوق خدای تعالی مگر استغفار میکند برای اهل مجلس و نوشته میشود برای ایشان بشمار ایشان نیکی ها

وترفع لهم بعددهم درجات سواء كان في المجلس واحد او مائة الف

و بلند کرده میشود برای ایشان بشمار ایشان پایه ها برابر است اگر باشد در مجلس یک واحد یا صد هزار

يأخذ كل واحد منهم هذا العدد وما عند الله خير وابقى كذا في المطالع

میگیرد هر یکی از ایشان این شمار را و آنچه نزد خداست بهتر و باقی است چنین است در مطالع

وذكر في بعض الاخبار ان العبد المؤمن او الامة المؤمنة اذا ابتدأ

و ذکر کرده شد در بعض اخبار بدرستیکه بنده مومن یا زن مومنه چون شروع میکند

الصلوة على محمد صلى الله عليه وسلم فتحت له ابواب السماء

درود فرستادن بر محمد صلی الله علیه وسلم کشاده میشود ... دری را بابهاے آسمان

والانوار وقات حتى الى العرش فلا يبقى ملك في السموات الا صلى على

دیدہ ها تا آنکه تا عرش پس باقی نمیماند هیچ فرشته در آسمانها مگر درود میفرستد بر

محمد صلى الله عليه وسلم ويستغفرون لذلك العبد او الامة ما شاء

محمد صلی الله علیه وسلم و مغفرت میخواهند مر این مرد یا زن را آنقدر که خواسته است

الله كذا في الدلائل وعن جابر بن عبد الله قال قال رسول الله

خدا تعالی چنین است در دلائل و از جابر بن عبد الله رضی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى علي في كل يوم مائة مرة قضيت

صلی الله علیه وسلم کسیکه درود فرستد بمن در هر روز صد مرتبه روا کرده شود

له مائة حاجة منها ثلثون للدنيا وسائرها للاخرة اخرجه

مرو یرا صد حاجت از ان صد سی حاجت دنیا وسے و باقی شان آخرت باشد روایت کرد این حدیث را

المستغفري كذا في المطالع وعن بعض الصالحين انه

مستغفری در مطالع است چنین و از بعض صالحین مرویست که بدرستیکه

قال كان لي جار نساخ فمات فرايته في المنام فقلت له ما فعل

گفت که بود مرا همسایه نویسنده پس مرد آن پس دیدم من ویرا در خواب پس گفتم مر او را چه معامله کرد

الله بك فقال غفر لي فقلت له فيم ذلك فقال كنت اذا كتبت

خدا با تو پس گفت آمرزید مرا پس گفتم مر او را پس که چه چیز حاصل شد این آمرزش پس گفت بودم من وقتیکه مینوشتم

اسم محمد صلى الله عليه وسلم في كتب صليت عليه فاعطاني ربي

اسم مبارک محمد صلی الله علیه وسلم در کتابها درود میفرستادم بر آنحضرت پس داد مرا پروردگار من

ما لا عين رات ولا اذن سمعت ولا خطر على قلب بشر كذا

آنچه که نه چشمی دیده است و نه گوشی شنیده است و نه خطره گذشت بر دل کسی همچنین است

في دلائل الخيرات وقال صاحب المطالع المراد بهذا البعض هنا عبيد الله
در دلائل خیرات گفت صاحب مطالع مراد باین بعض در اینجا عبید الله
بن الشيخ ابن عمر القواريري بفتح القاف رحمه الله تعالى وقال
عبید الله پسر شیخ ابن عمر قواریری است بفتح قاف رحمت کناد خدا تعالی او را و نیز گفت
ايضا وحكاية هذه ذكرها غير واحد منهم ابن سبع وابن بشكوال
حکایت این که شنیدی ذکر کرده اند آنرا بسیار کسان بعض از ایشان ابن سبع و ابن بشکوال
وحبيو وابن وداعة وابن الفاكهاني وقيل لرسول الله صلى الله عليه
و جیبو و ابن وداعه و ابن فاکهانی است و گفته شد مر رسول صلی الله علیه
وسلم ارأيت صلوة المصلين عليك ممن غاب عنك ومن يأتي
و سلم را ببین بما چه باشد در حق فرستندگان درود بر تو از آن کسان که غایب اند از تو و در حق آن کسانی که می آیند
بعدك ما حالهما عندك فقال اسمع صلوة اهل محبتي واعرفهم
بعد تو چه مرتبه دارند نزد تو این هر دو پس گفت پیغمبر می شنوم درود اهل محبت من بشناسم ایشان را
وتعرض علي صلوة غيرهم عرضا كذا في الدلائل وقال صاحب المطالع
و عرض کرده شود بر من درود غیر ایشان نوع عرض کردنی چنین است در دلائل و گفت صاحب مطالع
لا اعرفه ولم اجده وعن النبي قال ارتقى رسول الله صلى الله
نمی شناسم من او را و نیافتم آنرا و از آنحضرت مرویست که گفت بر منبر آمد پیغامبر خدا صلی الله
عليه وسلم المنبر فقال امين ثم ارتقى ثانية فقال امين ثم
علیه و سلم پس گفت آمین پس بر منبر آمد آنحضرت دو بار پس گفت آنحضرت آمین پس سه
ارتقى ثالثة فقال امين ثم استوى فقال امين فقال اصحابه
بار بر منبر آمد پس فرمود آمین پس برابر شد بر منبر پس فرمود آمین پس گفت یاران آنحضرت
مما امنت يا رسول الله فقال اتاني جبرئيل فقال لي يا محمد
چه چیز گواهی آمین گردانیده ای پیغامبر خدا پس فرمود آمد مرا جبرئیل علیه السلام پس گفت مرا ای محمد

رغم انف امرئ ذكرت عنده فلم يصل عليك فقلت آمين قال

خوار باد انف کسی که تو ذکر کرده شدی نزد وی پس درود نفرستاد بر تو پس گفتم آمین و گفت

رغم انف امرئ ادرك والديه او احدهما فلم يدخلاه الجنة فقلت

خوار باد مردی که یافت والدین را یا یکی از ایشان را پس داخل نکردند او را بهشت پس گفتم

آمين وقال رغم انف امرئ ادرك شهر رمضان فلم يغفر له

آمین و گفت خوار باد مردی که یافت ماه رمضان مبارک که پس آمرزیده نشود مر وی را

فقلت آمين ابن النجار جمع الجوامع

پس گفتم آمین روایت کرد این را ابن نجار در جمع الجوامع

باب الذكر بعد الصلوة

این باب در فضیلت ذکر بعد نماز است

عن ابي هريرة قال ان فقراء المهاجرين اتوا رسول الله صلى

و روایت است از ابی هریره گفت به درستیکه فقرای مهاجرین آمدند پیش پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم فقالوا قد ذهب اهل الدثور بالدرجات العلى والنعيم

الله علیه وسلم پس گفتند به تحقیق بردند خداوندان اموال بسیار درجهای بلند و نعمت

المقيم فقال وما ذاك قالوا يصلون كما نصلي ويصومون كما

پاینده را پس گفت چیست آن گفتند نماز میگزارند ایشان چنانکه نماز میگزاریم ما و روزه میدارند چنانکه

نصوم ويتصدقون ولا نتصدق ويعتقون ولا نعتق فقال رسول

روزه میداریم ما و صدقه میدهند ایشان و صدقه نمیدهیم و برده آزاد میکنند ایشان و آزاد نمیکنیم پس فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم افلا اعلمكم شيئا تدركون به من سبقكم

صلی الله علیه وسلم آیا نیاموزم شما را چیزی که دریابید بسبب آن عمل فضل کسانی را که پیشی گرفته اند

وتسبقون به من بعدكم ولا يكون احد افضل منكم الا من

و پیشی کنید بسبب آن عمل کسانی را که بعد از شما باشند و نباشد هیچ یکی از ایشان زیاده تر از شما مگر کسیکه مانند

بمثل ما صنعتم قالوا بلى يا رسول الله قال تسبحون وتكبرون و

مانند آن عملی که شما کنید گفتند آری تعلیم کن یا ای پیغامبر خدا فرمود تسبیح کنید و تکبیر گوئید و

تحمدون دبر كل صلوة ثلثا وثلثين مرة قال ابو صالح فرجع فقراء

حمد خوانید پس هر نماز سی و سه بار گفت ابو صالح راوی پس باز گشتند فقیران

المهاجرين الى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالوا سمع اخواننا

مهاجرین به پیش آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس گفتند که شنیدند برادران ما

اهل الاموال بما فعلنا ففعلوا مثله فقال رسول الله صلى الله عليه

که مالها دارند عملی را که کردیم ما پس کردند مانند آن پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء متفق عليه وليس قول

وسلم این افزونی اغنیا بر شما فضل خدا است که میدهد فضل خود را هر که میخواهد متفق علیه و نیست قول

ابي صالح الى آخره الا عند مسلم وعن كعب بن عجرة قال قال

ابی صالح تا آخر مگر نزد مسلم و مروی است از کعب ابن عجره گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم معقبات لا يخيب قائلهن او

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کلماتی که بعضی عقب بعضی آینده اند که نومید کرده نمیشود گوینده آن کلمات یا

فاعلهن دبر كل صلاة مكتوبة ثلث وثلثون تسبيحة وثلث

کننده آن در پس هر نماز فریضه سی و سه بار سبحان الله گفتن و سی

وثلثون تحميدة واربع وثلثون تكبيرة رواه مسلم وعن

و سه بار الحمد لله گفتن و سی و چهار بار الله اکبر گفتن روایت کرد آن را مسلم و مروی است از

ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سبح

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه سبحان الله

الله في دبر كل صلوة ثلثا وثلثين وحمد الله ثلثا وثلثين وكبر

گوید در پس هر نماز فریضه سی و سه بار و الحمد لله بگوید سی و سه بار و الله اکبر بگوید

الله ثلثا وثلثين فتلك تسعة وتسعون وقال تمام المائة لا اله الا الله

سی وسه بار پس اینهمه عدد نود و نه بار میشود و بگوید برای تمام کردن عدد صد این کلمه لا اله الا الله

وحده لا شريك له له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير غفرت

وحده لاشریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر آمرزیده شود

خطاياه وان كانت مثل زبد البحر رواه مسلم وعن ابي امامة قال

گناهانش اگرچه باشد گناهانش مانند کف دریا رواه مسلم و از ابی امامه روایت است گفت

قيل يا رسول الله اى الدعاء اسمع قال جوف الليل الاخر ودبر الصلوات

گفته شد ای پیغمبر خدا کدام دعا مسموع تر است فرمود درمیان شب آخر و عقب نمازهای

المكتوبات رواه الترمذي وعن انس قال قال رسول الله صلى الله

فرض رواه ترمذی و مرویست از انس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لان اقعد مع قوم يذكرون الله من صلوة الغداة حتى تطلع

علیه وسلم که هرآئینه نشستن من با گروهی که ذکر میکنند خدا را از نماز بامداد تا برآید

الشمس احب الي من ان اعتق اربعة من ولد اسمعيل ولان اقعد مع

آفتاب محبوب تر است بسوی من از آزاد کردن من چهار برده از اولاد اسمعیل و هرآئینه نشستن من با

قوم يذكرون الله من صلوة العصر الى ان تغرب الشمس احب الي من

گروهی که ذکر میکنند خدا را از نماز عصر تا غروب آفتاب محبوب تر است بسوی من از

ان اعتق اربعة رواه ابو داود وعنه قال قال رسول الله صلى الله

آزاد کردن من چهار برده را رواه ابو داود و روایت است از انس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من صلى الفجر في جماعة ثم قعد يذكر الله حتى تطلع الشمس

علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز بامداد با جماعت پس بنشیند در آنجا یاد میکند خدا را تا برآید آفتاب

ثم صلى ركعتين كانت له كاجر حجة وعمرة تامة تامة تامة

بعد بگذارد دو رکعت باشد مر او را مانند اجر حج و عمره تمام تمام تمام

رواه الترمذي وعن علي قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم
روایت کرد ترمذی و روایت است از علی رضی گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
على اعواد هذا المنبر يقول من قرأ آية الكرسي في دبر كل صلوة لم يمنعه
بر چوبهای این منبر که میفرمود کسیکه بخواند آیة الکرسی را در پس هر نماز باز نمیدارد او را از در آمدن
الجنة الا الموت ومن قرأها حين يأخذ مضجعه امنه الله
بهشت مگر مرگ و هر که بخواند آیة الکرسی را وقتیکه میگیرد خوابگاه خود را ایمن گرداند او را خدا تعالی
على داره ودار جاره واهل دويرات حوله رواه البيهقي في شعب الايمان
بر سرای او و سرای همسایه او و اهل چند سرائیها که گرد اویند روایت کرد بیهقی در شعب الایمان
وعن عبد الرحمن بن غنم عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قال
و روایت است از عبد الرحمن بن غنم روایت از نبی صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت کسیکه گفت
قبل ان ينصرف ويثني رجليه من صلوة المغرب والصبح لا اله الا الله
پیش از آنکه بر گردد از نماز و دو تا گرداند پایها خود را از نماز شام و بامداد لا اله الا الله
وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير يحيي ويميت وهو على
تنها هست او شریک نیست او را ملک و او را حمد بیده الخیر یحیی و یمیت و هو علی
كل شيء قدير عشر مرات كتب له بكل واحدة عشر حسنات ومحيت عنه
کل شیء قدیر ده بار نوشته شود برای او بهر یکی از این کلمات ده نیکی و محو کرده شود از وی
عشر سيئات ورفع له عشر درجات وكانت له حرزا من كل مكروه
ده بدی ها و بلند کرده شود برای او ده درجه ها و میباشد برای او هر یکی پناه و امان از هر ناخوش
وحرزا من الشيطان الرجيم ولم يحل لذنب ان يدركه الا الشرك
و پناه از شیطان سنگسار کرده شده و روا نباشد هیچ گناهی را که دریابد او را مگر کفر
وكان من افضل الناس عملا الا رجلا يفضله يقول افضل مما قال رواه احمد
و باشد گوینده از فاضل ترین مردم از روی عمل مگر مردی که بر او فضل دارد که گفته باشد افضل تر از آنکه گفته است روایت کرد احمد

باب تعمير المساجد

باب در فضيلت تعمير مساجد

ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى فى خرابها

وكيست ستمكارتر از آنكه منع كرد مسجدهاى خدا را از آنكه ياد كرده شود نام خدا در آنها وكوشش كرد در ويرانى آنها

اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم فى الدنيا خزى ولهم

اين گروه نمى سزد ايشان را كه درآيند بمسجدها مگر ترسان ايشان راست در دنيا خوارى و ايشان راست

فى الآخرة عذاب عظيم انما يعمر مساجد الله من امن بالله واليوم الآخر

در آخرت عذاب بزرگ جز اين نيست كه عمارت ميكند مسجدهاى خدا را كسيكه ايمان آورد بخدا و روز قيامت

واقام الصلوة واتى الزكوة ولم يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا

و برپا داشت نماز را و داد زكوة را و نترسيد مگر از خدا پس اميد است كه باشند

من المهتدين فى بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح

از راه يافتگان در خانهائيكه دستور داده خدا كه بلند كرده شوند و ياد كرده شود در آنها نام او تسبيح ميكنند

له فيها بالغدو والاصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن

خدا را آنجا صبح و شام مردانيكه باز ندارد ايشانرا سوداگرى و نه خريد و فروخت از

ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه

ياد كردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن زكوة ميترسند از روزيكه مضطرب ميشوند در آن

القلوب والابصار ليجزيهم الله احسن ما عملوا ويزيدهم من فضله

دلها و ديدها تا جزا دهد ايشانرا خدا بهترين آنچه كردند و زياده كند ايشانرا خدا از فضل خويش

والله يرزق من يشاء بغير حساب وعن ابى هريرة رض قال قال رسول

وخدا روزى ميدهد هركرا خواهد بغير حساب و از ابى هريره رض گفت فرمود رسول خدا

صلى الله عليه وسلم احب البلاد الى الله مساجدها وابغض البلاد

صلى الله عليه وسلم دوست ترين جايها از شهرها بسوى خدا مسجدهاى آن شهر است و دشمن ترين جا [illegible]

الى الله اسواقها رواه مسلم وعن عثمان رض قال قال رسول الله صلى الله

بدترین جایها بازارهای آنست روایت کرد آنرا مسلم و روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من بنى لله مسجدا بنى الله له بيتا في الجنة متفق عليه

علیه وسلم کسیکه بنا کند برای خدا مسجد را بنا کند خدا تعالی برای او خانه در بهشت متفق علیه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من غدا الى

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه برود اول روز

المسجد او راح اعد الله له نزله من الجنة كلما غدا او راح متفق عليه

مسجد یا برود در آخر روز آماده گرداند خدا تعالی برای او مهمانی از بهشت هرگاه که بامداد برود یا شبانگاه [illegible]

وعن ابي موسى رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اعظم الناس اجرا

و روایت است از ابی موسی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگترین مردم از روی ثواب

في الصلوة ابعدهم فابعدهم ممشى والذي ينتظر الصلوة حتى يصليها

در نماز دورترین ایشانست پس دورترین ایشانست در راه و آنکسیکه نشسته است در انتظار نماز تا آنکه بگذارد آنرا

مع الامام اعظم اجرا من الذي يصلي ثم ينام متفق عليه وعن

با امام بزرگترست از روی اجر از کسیکه بگذارد و تنها پس بخوابد متفق علیه و روایت است از

جابر رض قال خلت البقاع حول المسجد فاراد بنو سلمة ان ينتقلوا قرب

جابر رض گفت خالی شد جایها گرد مسجد پس خواستند بنو سلمه که نقل کنند [illegible]

المسجد فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وسلم فقال لهم بلغني انكم تريدون

[illegible] مسجد پس رسید این خبر به پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس گفت مر ایشانرا که رسید مرا که شما میخواهید

ان تنتقلوا قرب المسجد قالوا نعم يا رسول الله قد اردنا ذلك فقال

[illegible] گفتند آری یا رسول الله [illegible] پس گفت

يا بني سلمة دياركم تكتب آثاركم دياركم تكتب آثاركم رواه مسلم

ای بنی سلمه [illegible] روایت کرد آنرا مسلم

وعن ابی هریرة قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم سبعة

وازابی هریره روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هفت کس اند

یظلهم الله فی ظله یوم لا ظل الا ظله امام عادل وشاب نشأ فی عبادة

که سایه دارد ایشانرا خدای تعالی در سایهٔ خود روزیکه نیست هیچ سایهٔ مگر سایهٔ وی یکی پادشاه عادل دوم جوانیکه نشو نما یافت در پرستش

الله ورجل قلبه معلق بالمسجد اذا خرج منه حتی یعود الیه

خدا وسوم مردیکه دل وی معلق است بمسجد که بیرون آید ازان تا آنکه باز گردد بسوی مسجد

ورجلان تحابا فی الله اجتمعا علیه وتفرقا علیه ورجل ذکر الله

وچهارم دو مرد که یکدیگر را دوست دارند برای خدا فراهم آیند بر دوستی خدا وجدا شوند بر دوستی خدا وپنجم مردیکه یاد کرد خدا را

خالیا ففاضت عیناه ورجل دعته امرأة ذات حسب وجمال

تنها پس اشک ریخت هر دو چشم وی وششم مردیکه خواند او را زنی صاحب حسب و جمال

فقال انی اخاف الله ورجل تصدق بصدقة فاخفاها حتی لا تعلم

پس گفت من میترسم از خدا وهفتم مردیکه صدقه داد پس پنهان کرد آنرا تا آنکه نداند

شماله ما تنفق یمینه متفق علیه وعنه قال قال رسول الله صلی

دست چپ وی آنچه میدهد دست راست وی متفق علیه واز وی روایت گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله علیه وسلم صلوة الرجل فی الجماعة تضعف علی صلوته فی

الله علیه وسلم نماز مردیکه میگذارد در مسجد بجماعت زیاده گردانیده میشود ثواب بر نماز او که میگذارد در

بیته وفی سوقه خمسا وعشرین ضعفا وذلک انه اذا توضأ

خانه خود ودر بازار خود بیست وپنج چندان تضعیف ثواب سبب آنست که چون وضو کند

فاحسن الوضوء ثم خرج الی المسجد لا یخرجه الا الصلوة لم یخط

پس نیکو کرد وضو را پس بیرون آمد بسوی مسجد در حالیکه بیرون نمی آرد او را مگر نماز ننهد

خطوة الا رفعت له بها درجة وحط عنه بها خطیئة فاذا صلی

هیچ گامی مگر بلند گردانیده میشود برای او بآن گام یک درجه ثواب وکم کرده میشود از وی بآن گام گناهی پس چون نماز گذارد

لم تزل الملائكة تصلي عليه ما دام في مصلاه اللهم صل عليه اللهم

پیوسته باشند فرشتگان که درود میفرستند برو تا آنکه هست در جای نماز خود واین که خداوندا درود فرست بروی خداوندا

ارحمه ولا يزال أحدكم في صلاة ما انتظر الصلاة وفي رواية قال إذا

رحمت کن برو و همیشه هست یکی از شما در نماز تا آنکه انتظار میکند نماز را و در یک روایت گفت چون

دخل المسجد كانت الصلاة تحبسه وزاد في دعاء الملائكة اللهم اغفر

در آمد مسجد را حالیکه منع میکند او را نماز و زیاده کرد در دعای فرشتگان این عبارت خداوندا بیامرز

له اللهم تب عليه ما لم يؤذ فيه ما لم يحدث فيه متفق عليه

او را خداوندا رجوع کن بر وی تا آنکه ایذا ندهد در مسجد مادام که حدث نکند در مسجد متفق علیه

وعن أبي أسيد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از ابی اسید مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا دخل أحدكم المسجد فليقل اللهم افتح لي أبواب رحمتك وإذا خرج

چون در آید یکی از شما مسجد را پس باید که بگوید خداوندا بگشا برای من درهای رحمت خود را و چون بیرون آید از مسجد

فليقل اللهم إني أسألك من فضلك رواه مسلم وعن أبي قتادة

پس باید که بگوید خداوندا من سوال میکنم ترا از فضل تو روایت کرده مسلم و روایت است از ابی قتاده

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال إذا دخل أحدكم المسجد

بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون در آید یکی از شما مسجد را

فليركع ركعتين قبل أن يجلس متفق عليه وعن معاوية بن

پس باید که گزارد دو رکعت پیش از آنکه بنشیند متفق علیه و از معاویه ابن

قرة عن أبيه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن هاتين

قره مروی است او روایت میکند از پدر خود که بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نهی کرد از خوردن این

الشجرتين يعني البصل والثوم وقال من أكلهما فلا يقربن مسجدنا

دو درخت یعنی پیاز و سیر و فرمود هر که بخورد این دو درخت را پس نزدیک نشود مسجد ما را

وقال إن كنتم لا بد آكليهما فأميتوهما طبخا رواه أبو داود وعن

گفت اگر هستید شما که ناچار خورندگانید دو درخت را پس بمیرانید دو درخت را به پختن روایت کرد ابو داود و روایت است از

جابر رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من أكل من هذه الشجرة

جابر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسی که بخورد از این درخت بد بو یعنی پیاز یا سیر گندنا

المنتنة فلا يقربن مسجدنا فإن الملائكة تتأذى مما يتأذى منه

پس باید که نزدیک نشود در مسجد ما را زیرا که فرشتگان آزار می‌کشند از آن چیزی که آزار می‌کشند از وی

الإنس متفق عليه وعن عائشة قالت أمر رسول الله صلى الله

آدمیان متفق علیه و روایت است از عائشه رضی الله عنها گفت امر کرد پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ببناء المسجد في الدور وأن ينظف ويطيب رواه أبو داود

علیه و سلم به بنا کردن مسجد در سرایها و محله‌ها و امر کرد که پاکیزه داشته شوند مسجدها و خوشبو کرده شوند روایت کرد ابو داود

والترمذي وابن ماجه وعن أنس قال قال رسول الله صلى الله

و ترمذی و ابن ماجه و روایت است از انس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم عرضت علي أجور أمتي حتى القذاة يخرجها الرجل من

علیه و سلم عرض کرده شد بر من ثوابهای امت من که بر آن ثواب میابند تا آنکه خاشاکی که بیرون می‌آرد آن را مرد از

المسجد وعرضت علي ذنوب أمتي فلم أر ذنبا أعظم من سورة من

مسجد و عرض کرده شد بر من گناهان امت من پس ندیدم هیچ گناهی بزرگتر از فراموش کردن سوره از

القرآن أو آية أوتيها رجل ثم نسيها رواه الترمذي وأبو داود وعن

قرآن یا آیتی که داده شد آن را مردی پس فراموش کرد آن را روایت کرد ترمذی و ابو داود و از

بريدة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بشر المشائين في الظلم

بریده رضی الله عنه روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بشارت ده مرروندگان را در تاریکیها

إلى المساجد بالنور التام يوم القيامة رواه الترمذي وأبو داود

به سوی مسجدها به روشنی تمام در روز رستخیز روایت کرد ترمذی و ابو داود

وابن ماجه عن سهل بن سعد وانس وعن ابي سعيد الخدري

و ابن ماجه از سهل ابن سعد و از انس رض و از ابی سعید خدری رض روایت است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رأيتم الرجل يتعاهد المسجد

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید مردی را که آمد و شد می کند بمسجد

فاشهدوا له بالايمان فان الله يقول عز وجل انما يعمر مساجد الله من

پس گواهی دهید برای او بایمان پس بتحقیق الله می فرماید جز این نیست که آباد می کند مسجدهای خدا را کسیکه

آمن بالله واليوم الآخر رواه الترمذي وابن ماجه والدارمي وعن

ایمان آورد بخدا و روز آخرت روایت کرد او را ترمذی و ابن ماجه و دارمی و از روایت است

ابي امامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من خرج من

از ابی امامه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بیرون آید از

بيته متطهرا الى صلاة مكتوبة فاجره كاجر الحاج المحرم

خانه خود در حالت طهارت بسوی نماز فرض پس مزد او مثل مزد حاجی احرام بسته است

ومن خرج الى تسبيح الضحى لا ينصبه الا اياه فاجره كاجر المعتمر

و کسیکه بیرون آید بسوی نماز چاشت نرنجاند او را مگر تسبیح چاشت پس مزد او مثل مزد کسیکه عمره می آرد

وصلاة على اثر صلاة لا لغو بينهما كتاب في عليين رواه احمد

و نماز در پی نماز دیگر که نیست کلام لغو در میان آنها نوشته شود در اعلی مرتبه رواه احمد

وابو داود وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و ابو داود و از ابی هریره رض روایت است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا مررتم برياض الجنة فارتعوا قيل يا رسول الله صلى الله عليه

وقتیکه بگذرید شما بباغ های بهشت پس بچرید گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم وما رياض الجنة قال المساجد قيل وما الرتع يا رسول الله

وسلم چیست باغهای بهشت فرمود مسجدها گفته شد چیست چریدن ای پیغمبر خدا

قَالَ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

فرمود آن کلمه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله واللّٰه اکبر روایت کرد ترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَتَى الْمَسْجِدَ

و مرویست از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه بیاید مسجد را

لِشَيْءٍ فَهُوَ حَظُّهُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ قَالَ إِنَّ حَبْرًا

برای چیزی پس همان چیز بهره اوست روایت کرد ابو داود و مرویست از ابی امامه گفت بدرستیکه دانشمندی

مِنَ الْيَهُودِ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الْبِقَاعِ خَيْرٌ فَسَكَتَ عَنْهُ

از یهود پرسید پیغمبر خدا را صلی الله علیه و سلم کدام جا بهتر است پس خاموش شد از وی آنحضرت

وَقَالَ أَسْكُتُ حَتَّى يَجِيءَ جِبْرِيلُ فَسَكَتَ وَجَاءَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَ

و گفت خاموش میباشم تا آنکه بیاید جبریل پس خاموش شد و آمد جبریل علیه السلام پس پرسید آنحضرت

فَقَالَ مَا الْمَسْؤُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ وَلٰكِنْ أَسْأَلُ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى

پس گفت جبریل نیست سؤال کرده شده از آن داناتر از سؤال کننده ولیکن میپرسم من پروردگار خود را تبارک و تعالی

ثُمَّ قَالَ جِبْرِيلُ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي دَنَوْتُ مِنَ اللّٰهِ دُنُوًّا مَا دَنَوْتُ مِنْهُ قَطُّ قَالَ

پس گفت جبریل ای محمد بدرستیکه من نزدیک شدم از درگاه خدا نزدیک شدنی که نزدیک نبودم در مدت عمر از آن نحو پس فرمود چگونه

وَكَيْفَ كَانَ يَا جِبْرِيلُ قَالَ كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ

بود ای جبریل آن نزدیک شدن تو با خدا گفت جبریل بود میان من و میان خدا هفتاد هزار پرده

مِنْ نُورٍ فَقَالَ شَرُّ الْبِقَاعِ أَسْوَاقُهَا وَخَيْرُ الْبِقَاعِ مَسَاجِدُهَا رَوَاهُ ابْنُ

از نور پس جبریل گفت پس فرمود حق تعالی بدترین جاها بازارها است و بهترین جاها مسجدها است روایت کرد ابن

حِبَّانَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

حبان و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم من پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ جَاءَ مَسْجِدِي هٰذَا لَمْ يَأْتِهِ إِلَّا لِخَيْرٍ يَتَعَلَّمُهُ أَوْ يُعَلِّمُهُ

الله علیه و سلم را که میگفت کسیکه بیاید مسجد مرا که این است نیامد آنرا مگر برای خیر که بیاموزد آنرا یا بیاموزاند

فهو بمنزلة المجاهد في سبيل الله ومن جاء لغير ذلك فهو بمنزلة

پس او در ثواب همچو کسیکه جهاد میکند در راه خدا و کسیکه بیاید برای کار دیگر پس آن کس همچو

الرجل ينظر إلى متاع غيره رواه ابن حبان والبيهقي في شعب الإيمان

مردی باشد که نگرد بجانب متاع دیگر رواه ابن حبان و بیهقی در شعب الایمان

وعن الحسن مرسلا قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يأتي على

و مرویست از حسن بصری از روی مرسل گفت حسن فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم می آید بر

الناس زمان يكون حديثهم في مساجدهم في أمر دنياهم فلا تجالسوهم

مردمان زمانیکه باشد گفت گوی ایشان در مسجدهای ایشان در کار دنیای ایشان پس همنشینی مکنید ایشان را

فليس لله فيهم حاجة رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن أنس

پس نیست مر خدا را در ایشان حاجتی رواه بیهقی در شعب ایمان و از انس رضی

بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة الرجل في

مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نماز مرد در

بيته بصلوة وصلوته في مسجد القبائل بخمس وعشرين صلوة

خانه وی بمنزله یک نماز است و نماز وی در مسجد قبیله وی بمنزله بست و پنج نماز است

وصلوته في المسجد الذي يجمع فيه بخمس مائة صلوة وصلوته

و نماز وی در مسجد که جمعه ادا کرده شود در آن مسجد بمنزله پانصد نماز است و نماز وی

في المسجد الأقصى بخمسين ألف صلوة وصلوته في مسجدي بخمسين

در مسجد اقصی بمنزله پنجاه هزار نماز است و نماز وی در مسجد من بمنزله پنجاه

ألف صلوة وصلوته في المسجد الحرام بمائة ألف صلوة رواه ابن

هزار نماز است و نماز وی در مسجد حرام بمنزله صد هزار نماز است رواه ابن

ماجة وعن أبي ذر قال قلت يا رسول الله أي مسجد وضع في

[illegible] کدام مسجد است که بنا کرده شده در

الارض اول قال المسجد الحرام قلت ثم اي قال ثم المسجد الاقصى

زمین نخست فرمود مسجد حرام گفتم پس کدام فرمود پس مسجد اقصی است

قلت كم بينهما قال اربعون عاما ثم الارض لك مسجد فحيث ما

گفتم چند است میان این هر دو مسجد فرمود چهل سال باز همه زمین تمام ترا مسجد است پس هر جا که

ادركتك الصلوة فصل متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو بن

دریابد ترا نماز پس بگذار در [illegible] متفق علیه و مرویست از عبد الله بن عمرو بن

العاص قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول اذا دخل المسجد

عاص رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم میگفت در وقت در آمدن مسجد

اعوذ بالله العظيم وبوجهه الكريم وسلطانه القديم من الشيطان

پناه میبرم بخدای بزرگ و بذات پاک وی و بسلطنت و برهان وی که قدیم است از شیطان

الرجيم قال فاذا قال ذلك قال الشيطان حفظ مني سائر اليوم رواه

سنگسار کرده شده فرمود آنحضرت چون بگوید کسی این کلمات را بگوید شیطان نگاه داشته شد این کس از من تمام روز

ابوداود وعن معاذ بن جبل قال احتبس عنا رسول الله صلى الله

ابوداود و مرویست از معاذ بن جبل رض گفت باز داشته شد از ما پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ذات غداة عن صلوة الصبح حتى كدنا نترائى عين الشمس

علیه وسلم یک بامداد از نماز صبح تا آنکه نزدیک بودیم که ببینیم آفتاب را طلوع کرده

فخرج سريعا فثوب بالصلوة فصلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس بیرون آمد از خانه شتابی پس تکبیر گفته شد نماز پس گزارد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

وتجوز في صلوته فلما سلم دعا بصوته فقال لنا على مصافكم كما

و سبک کرد نماز را [illegible] پس چون سلام داد خواند ما را بآواز بلند پس گفت ما را بر جای صفهای خود باشید چنانکه

انتم ثم انفتل الينا ثم قال اما اني ساحدثكم ما حبسني عنكم

هستید [illegible] پس گشت بسوی ما باز گفت آگاه باشید که من حدیث خواهم کرد با شما آنچه باز داشت مرا از شما در این

الغداة إني قمت من الليل فتوضأت وصليت ما قدر لي فنعست في

بامداد که برخاستم من بیرون از شب پس وضو کردم و گزاردم از نماز آنچه که تقدیر کرده شده بود پس آمد مرا خواب در

صلاتي حتى استثقلت فإذا أنا بربي تبارك وتعالى في أحسن صورة

نماز تا آنکه ثقیل شدم پس ناگاه می‌بینم که پروردگار خودم تبارک و تعالی در نیکوترین صفت و حالت

فقال يا محمد قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت

پس گفت حق تعالی ای محمد گفتم ایستاده‌ام در خدمت تو ای پروردگار من فرمود در چه بحث و نزاع میکنند فرشتگان ملأ اعلی گفتم

لا أدري قالها ثلاثا قال فرأيته وضع كفه بين كتفي حتى وجدت

نمی‌دانم گفت حق تعالی این کلمه را سه بار پس گفت آنحضرت دیدم حق تعالی را که نهاد دست خود را در میان دو شانه من تا آنکه یافتم

برد أنامله بين ثديي فتجلى لي كل شيء وعرفت فقال يا محمد

سردی انگشتان او را در میان دو پستان خود پس روشن و ظاهر شد مرا هر چیز از علوم و شناختم همه پس فرمود حق تعالی ای محمد

قلت لبيك رب قال فيم يختصم الملأ الأعلى قلت في الكفارات

گفتم ایستاده‌ام در خدمت تو ای پروردگار من در چه چیز نزاع میکنند فرشتگان ملأ اعلی گفتم بحث میکنند در کفارات

قال وما هن قلت مشي الأقدام إلى الجماعات والجلوس في المساجد

فرمود و چه چیز اند کفارات گفتم پی رفتن پایها بسوی جماعات نماز و در نشستن در مسجد

بعد الصلوة وإسباغ الوضوء حين الكريهات قال ثم فيم قلت

بعد از نماز دیگر و کامل و سیراب کردن وضو در حالت ناگواری فرمود باز در چه چیز بحث میکنند گفتم

في الدرجات قال وما هن قلت إطعام الطعام ولين الكلام والصلوة

در درجات فرمود و چه چیز هستند درجات گفتم خورانیدن طعام مسکینان و نرمی کردن در سخن و نماز گزاردن

بالليل والناس نيام ثم قال سل قال قلت اللهم إني أسألك فعل

در شب در حالی که مردم در خواب باشند پس فرمود حق تعالی بخواه از خیرات گفتم دعا کردم بار الها بدرستیکه من سوال میکنم ترا کردن

الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تغفر لي وترحمني

نیکی‌ها و ترک کردن کارهای بد را و دوست داشتن مسکینان را و آنکه بیامرزی مرا و رحم کنی مرا

وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةً فِي قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ

و چون خواهی فتنه در قومی پس بمیران مرا پیش از آنکه گرفتار فتنه شوم و سوال میکنم از تو دوستی ترا و دوستی

مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

کسیکه دوست دارد ترا و دوستی کاری که نزدیک گرداند مرا بسوی دوستی تو پس فرمود پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّهَا حَقٌّ فَادْرُسُوهَا ثُمَّ تَعَلَّمُوهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ

الله علیه و سلم این خواب حق است پس بخوانید او را پس تعلیم گیرید او را روایت کرد احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَسَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ

و ترمذی و گفت که این حدیث حسن صحیح است و پرسیدم محمد بن اسمعیل

عَنْ هٰذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ هٰذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ

یعنی بخاری را از این حدیث که چه حال دارد پس گفت که این حدیث صحیح است

بَابُ فَضِيلَةِ الْجَمَاعَةِ

باب در فضیلت نماز با جماعت

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

و بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را و رکوع کنید همراه رکوع کنندگان

عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلٰوةُ

روایت از ابن عمر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نماز با

الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلٰوةَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

جماعت زیاده میشود در ثواب بر نماز تنها گذار به بیست و هفت درجه متفق علیه است

وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ صَلّٰى بِنَا رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی بن کعب گفت نماز کرد با ما آنحضرت صلی الله علیه و سلم

يَوْمًا الصُّبْحَ فَلَمَّا سَلَّمَ قَالَ أَشَاهِدٌ فُلَانٌ قَالُوا لَا قَالَ أَشَاهِدٌ

روزی نماز بامداد پس چون سلام داد گفت آیا حاضر است فلان گفتند نه گفت آیا حاضر است

فلان؟ قالوا لا قال إن هاتين الصلاتين أثقل الصلوات على المنافقين

[illegible]

ولو تعلمون ما فيهما لأتيتموهما ولو حبوا على الركب وإن الصف الأول

[illegible]

على مثل صف الملائكة ولو علمتم ما فضيلته لابتدرتموه وإن صلاة

[illegible]

الرجل مع الرجل أزكى من صلاته وحده وصلاته مع الرجلين أزكى من

[illegible]

صلاته مع الرجل وما كثر فهو أحب إلى الله رواه أبو داود والنسائي

[illegible]

وعن أم الدرداء قالت دخل علي أبو الدرداء وهو مغضب فقلت

[illegible]

ما أغضبك قال والله ما أعرف من أمة محمد صلى الله عليه وسلم

[illegible]

شيئا إلا أنهم يصلون جميعا رواه البخاري وعن أبي بكر

[illegible]

بن سليمان بن أبي حثمة أن عمر بن الخطاب فقد سليمان بن

[illegible]

أبي حثمة في صلاة الصبح وإن عمر غدا إلى السوق ومسكن سليمان

[illegible]

بين المسجد والسوق فمر على الشفاء أم سليمان فقال لها لم أر

سليمان في الصبح قالت إنه بات يصلي فغلبته عيناه فقال عمر

سلیمان را در نماز صبح چون گفت شفا که وی شب نماز میگزارد پس غالب آمد او را خواب پس گفت عمر

لأن أشهد صلوة الصبح في جماعة أحب إلي من أن أقوم ليلة

هر آینه حاضر شدن من نماز بامداد را در جماعت محبوب‌تر است بسوی من از آنکه قیام کنم شبی

رواه مالك وعن أبي موسى الأشعري قال قال رسول الله صلى

روایت کرد مالک و روایت است از ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر صلی

الله عليه وسلم اثنان فما فوقهما جماعة رواه ابن ماجه وعن أبي

الله علیه و سلم دو کس و آنچه زیاده از ایشان است جماعت است روایت کرد ابن ماجه و روایت است از

قال أتى النبي صلى الله عليه وسلم رجل أعمى فقال يا رسول الله إنه

گفت آمد آنحضرت را صلی الله علیه و سلم مردی نابینا پس گفت یا رسول الله بدرستیکه شان این است

ليس لي قائد يقودني إلى المسجد فسأل رسول الله صلى الله عليه

نیست مرا کشنده که بکشد مرا بسوی مسجد پس سوال کرد از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم أن يرخص له فيصلي في بيته فرخص له فلما ولى دعاه

وسلم که رخصت دهد وی را تا نماز گزارد در خانه خود پس رخصت داد او را پس چون برگشت خواند او را

فقال هل تسمع النداء بالصلوة قال نعم قال فأجب رواه مسلم

پس گفت آیا میشنوی آواز اذان را گفت آری گفت پس جواب کن روایت کرد مسلم

وعن عائشة أنها قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عائشه که گفت شنیدم رسول خدا را صلی الله علیه و سلم را که

يقول لا صلوة بحضرة الطعام ولا هو يدافعه الأخبثان رواه

میگفت نیست نماز در حضور طعام و نه در حالیکه دفع کند او را اخبثان

مسلم وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

إذا أقيمت الصلوة فلا صلوة إلا المكتوبة رواه مسلم وعن

چون اقامت کرده شود نماز پس نیست جایز نماز غیر از نماز فرض روایت مسلم و روایت است از

ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنعوا نساءكم

ابن عمر رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم منع مکنید زنان خود را

المساجد وبيوتهن خير لهن رواه أبو داود وعن أبي هريرة قال

از مساجد و خانهای ایشان بهتر است مر ایشان را روایت ابو داود و از ابی هریره رضی گفت

أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا كنتم في المسجد فنودي بالصلوة

امر فرمود ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم که وقتیکه باشید در مسجد پس اذان گفته شد

فلا يخرج أحدكم حتى يصلي رواه أحمد وعن عبد الله بن أم

پس باید که بیرون نرود یکی از شما تا آنکه نماز گزارد روایت احمد و روایت است از عبد الله ابن ام

مكتوم قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم إن المدينة كثيرة الهوام

مکتوم رضی گفت ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در مدینه بسیار است گزندها

والسباع وأنا ضرير البصر فهل تجد لي من رخصة قال هل تسمع حي

و درندها و من نابینا ام پس آیا می‌یابی مر مرا رخصتی فرمود آیا می‌شنوی این کلمات را که حی

على الصلوة حي على الفلاح قال نعم قال فحي هلا ولم يرخص له رواه

علی الصلوة حی علی الفلاح عرض کرد آری فرمود پس بیا بشتاب و رخصت نداد او را روایت

أبو داود والنسائي وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

ابو داود و نسائی و روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من توضأ فأحسن وضوءه ثم راح فوجد الناس قد صلوا

علیه وسلم کسیکه وضو کرد پس نیکو کرد وضوی خود را پس رفت پس یافت مردم را که نماز گزارده‌اند

أعطاه الله مثل أجر من صلاها وحضرها لا ينقص ذلك من أجورهم شيئا

بدهد او را خدای تعالی مثل اجر کسیکه گزارد و حاضر شد آن را کم نمیکند این از اجر ایشان چیزی

شیئاً رواہ ابوداود والنسائی مسایضا وعن انس قال قال رسول اللہ
چیزے رواہ ابوداود و نسائی و روایت است از انس گفت فرمود پیغمبر خدا
صلی اللہ علیہ وسلم من صلی للہ اربعین یوما فی جماعۃ یدرک التکبیرۃ
صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ نماز گذارد برائے خدا چہل روز در جماعت در حالیکہ دریابد تکبیر
الاولی کتب لہ براءتان براءۃ من النار وبراءۃ من النفاق رواہ
اولی را نوشتہ میشود مرو را دو خط بیزاری یکی بیزاری از آتش دوزخ و دوم بیزاری از نفاق رواہ
الترمذی وعن عبداللہ بن وھب عن ثوابۃ بن مسعود تمیمی
ترمذی و روایت است از عبداللہ بن وہب او روایت میکند از ثوابۃ بن مسعود از کسیکہ
حدثہ عن انس بن مالک قال توفی ابن لعثمان بن مظعون فاشتد
روایت کردہ است از انس بن مالک گفت وفات کرد فرزند عثمان بن مظعون پس زیادہ شد
حزنہ علیہ حتی اتخذ فی دارہ مسجدا یتعبد فیہ فبلغ ذلک
غم او بر عثمان تا آنکہ گرفت در خانہ خود مسجد کہ عبادت میکرد در آن مسجد پس رسید آن خبر
النبی صلی اللہ علیہ وسلم فقال یا عثمان ان اللہ لم یکتب علینا
پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم را پس فرمود ای عثمان بدرستیکہ خدا نہ نوشت بر ما
الرھبانیۃ انما رھبانیۃ امتی الجھاد فی سبیل اللہ یا عثمان ابن
رہبانیت را جز این نیست کہ رہبانیت امت من جہاد ہست در راہ خدا ای عثمان ابن
مظعون ان للجنۃ ثمانیۃ ابواب وللنار سبعۃ ابواب فما یسرک
مظعون بدرستیکہ جنت را ہشت در است و مر دوزخ را ہفت در است پس خوش نمی آید ترا
الا تاتی بابا منھا الا وجدت ابنک الی جنبک اخذ بحجزتک
آنکہ بیائی دری را از درہای آن مگر آنکہ بیابی تو کہ فرزند تو پہلوی تو گیرندہ است بکمر بند تو
یستشفع لک الی ربک عز وجل قال بلی فقیل یا رسول اللہ
طلب شفاعت کند بر ترا بسوی پروردگار تو عز و جل گفت آری گفتند یاران ای پیغمبر خدا

وكُلّنا في فرطِنا ما لعثمان قال نعم لمن صبر منكم واحتسب ثم قال

در این بشارت ما همه داخل ایم یا عثمان فرمود آری شما همه داخل این بشارت اید کسی که صبر کرد از شما و نیز ثواب آخرت طلب کرد پس گفت

له يا عثمان بن مظعون من صلى صلوة الفجر في جماعة ثم جلس يذكر

مر عثمان را ای عثمان بن مظعون کسیکه نماز ادا کرد نماز بامداد را در جماعت پس نشست تا که ذکر میکند

الله حتى تطلع الشمس كان له في الفردوس سبعون درجة بين كل

خدا را تا آنکه طلوع شود آفتاب باشد مر ویرا در فردوس هفتاد درجه مسافت میان

درجتين كركض الفرس الجواد المضمر سبعين سنة ومن صلى الظهر

هر دو درجه مانند رفتار اسپ تیز رو تضمیر کرده شده هفتاد سال راه و کسیکه نماز ظهر خواند

في جماعة كان له في جنات عدن خمسون درجة كركض الفرس الجواد

در جماعت باشد مر ویرا در جنت عدن پنجاه درجه مانند رفتار اسپ تیز رو

المضمر خمسين سنة ومن صلى العصر في جماعة كان له كأجر ثمانية

تضمیر کرده شده پنجاه ساله راه و کسیکه ادا کرد نماز عصر در جماعت باشد مر ویرا مانند ثواب هشت بنده

من ولد اسمعيل كلهم رب بيت اعتقهم ومن صلى المغرب في

از اولاد اسمعیل همه ایشان مالک خانه اند آزاد کرد ایشانرا و کسیکه نماز مغرب ادا کرد با

جماعة كان له كحجة مبرورة وعمرة متقبلة ومن صلى العشاء في

جماعت باشد او را مانند حج مبرور و عمره مقبول و کسیکه ادا کرد نماز عشا را با

جماعة كان له كقيام ليلة القدر هب جمع الجوامع

جماعت باشد مر ویرا مانند قیام و زنده داشتن شب قدر را از جمع الجوامع

باب اثم ترك الجماعة

این باب در معصیت ترک جماعت است

عن ابي هريرة انه كان يقول من ادرك الركعة فقد ادرك

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه که بود میگفت کسیکه دریافت رکوع را پس تحقیق یافت

السجدة ومن فاتته قراءة ام القرآن فقد فاته خير رواه مالك

سجده را یعنے رکعت را وکسیکه فوت شد او را خواندن فاتحة الکتاب پس تحقیق فوت شد او را نیکی بسیار رواه مالک

وعنه انه قال الذي يرفع رأسه ويخفضه قبل الامام فانما

در روایت است از وی بدرستیکه او گفت کسیکه بر دارد سر خود را وپست کند سر را پیش از امام پس نیست

ناصيته بيد الشيطان رواه مالك وعن ابي هريرة رض

موی پیشانی او مگر بدست شیطان رواه مالک در روایت است از ابوهریره رضی الله عنه

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لولا ما في البيوت من النساء

از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نبی بودی چیزیکه در خانه هاست از زنان

والذرية اقمت صلوة العشاء وامرت فتياني يحرقون ما في

واطفال هر آینه میکردم نماز عشا را و میفرمودم خادمان خود را که بسوزند چیزیرا که در

البيوت بالنار رواه احمد وعن ابي الشعثاء قال خرج رجل من

خانها ست بآتش رواه احمد در روایت است از ابو شعثا گفت بیرون آمد مردی از

المسجد بعدما اذن فيه فقال ابو هريرة اما هذا فقد عصى

مسجد بعد از انکه اذان گفته شد در مسجد پس گفت ابوهریره رض اما این مرد تحقیق گناه کرد

ابا القاسم صلى الله عليه وسلم رواه مسلم وعن عثمان

ابا قاسم را که کنیت آنحضرت است صلی الله علیه وسلم رواه مسلم واز عثمان

بن عفان رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

بن عفان رضی الله عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

ادركه الاذان في المسجد ثم خرج لم يخرج لحاجة وهو لا يريد الرجعة

که در یابد او را بانگ نماز در مسجد پس بیرون آمد در انحالیکه بیرون نیامده بود برای حاجتی ضروری و او نمی خواهد بازگشتن

فهو منافق رواه ابن ماجة وعن ابن عباس رضي الله تعالى عنه

پس او منافق است رواه ابن ماجه در روایت است از ابن عباس رضی الله تعالی عنه

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من سمع النداء فلم يجبه فلا صلوة

از نبی صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بشنود بانگ نماز را پس اجابت نکرد و برای نماز در مسجد نیامد پس نیست نماز

له الا من عذر رواه الدارقطني وعن مجاهد عن عبد الله بن عمر

مر او را اگر از جهت عذری رواه دارقطنی در روایت است از مجاهد و او از عبد الله بن عمر

رضي الله عنهما ان النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يمنعن رجل اهله

رضی الله عنهما بدرستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود منع نکند هیچ مردی کسان خود را

ان يأتوا المساجد فقال ابن لعبد الله بن عمر فانا نمنعهن فقال عبد الله

از آمدن مسجد ها پس گفت پسری که مر عبد الله بن عمر را بود که ما البته منع میکنیم پس گفت عبد الله

أحدثك عن رسول الله صلى الله عليه وسلم وتقول هذا قال فما كلمه

حدیث میکنم مر ترا از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و تو میگوئی این کلمه گفت راوی پس کلام

عبد الله حتى مات رواه احمد وعن عبد الله بن مسعود رض قال

نکرد با آن فرزند عبد الله بن عمر تا آنکه مرد روایت کرده احمد و مرویست از عبد الله بن مسعود رض گفت

لقد رأيتنا وما يتخلف عن الصلوة الا منافق قد علم نفاقه او مريض

بتحقیق دانستم خود و صحابه دیگر را که میدیدیم باینکه پس نمی ماند از جماعة نماز مگر منافقی که بتحقیق معلوم بود نفاق او یا بیماری

وإن كان المريض ليمشي بين رجلين حتى يأتي الصلوة وقال ان

و بتحقیق بود بیمار که راه میرفت میان دو مرد تکیه کرده بر ایشان تا آنکه می آمد در مسجد برای نماز و گفت ابن مسعود بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم علمنا سنن الهدى وان من سنن

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تعلیم کرد ما را سنتها را که عمل کردن آن سبب هدایت است و بدرستیکه از جمله سنن هدی

الهدى الصلوة في المسجد الذي يؤذن فيه وفي رواية قال من سره

نماز است در مسجدیکه اذان گفته شود در آن مسجد و در روایتی آمده که ابن مسعود گفت کسیکه خوشحال میکند او را

ان يلقى الله غدا مسلما فليحافظ على هؤلاء الصلوات الخمس

که ملاقات کند فردا با خدا مسلمان کامل پس باید که نگهبانی کند بر نمازهای پنجگانه

حَيْثُ يُنَادٰى بِهِنَّ فَإِنَّ اللّٰهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْ سُنَنَ الْهُدٰى وَإِنَّهُنَّ مِنْ

در جائیکه ندا کرده شود بهر آنها پس بدرستیکه خدا شریعت مقرر کرد برای پیغامبر شما طریقهای هدایت را و بدرستیکه این جماعت از

سُنَنِ الْهُدٰى وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِيْ بُيُوْتِكُمْ كَمَا يُصَلِّيْ هٰذَا الْمُتَخَلِّفُ فِيْ

جملهٔ طریقهای هدایت است اگر ثابت شود آنکه شما گزارید نماز را در خانهای خود چنانکه میگزارد این متخلف باز مانده در

بَيْتِهٖ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَمَا مِنْ

خانه خود هر آئینه ترک کرده شده باشید طریقه پیغامبر خود را اگر ترک کنید طریقه پیغمبر خود را هر آئینه گمراه شوید و نیست هیچ

رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطُّهُوْرَ ثُمَّ يَعْمِدُ إِلٰى مَسْجِدٍ مِنْ هٰذِهِ الْمَسَاجِدِ إِلَّا

مردیکه طهارت کند پس نیک کند طهارت را پس قصد رفتن کند بسوی مسجدی از مسجدها مگر آنکه

كَتَبَ اللّٰهُ لَهٗ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوْهَا حَسَنَةً وَرَفَعَهٗ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ

بنویسد خدای تعالی برای او بهر گامیکه مینهد نیکی و ثواب بلند گرداند برای او پایهٔ رفیعه و کم گرداند از او

عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةً وَلَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْلُوْمُ النِّفَاقِ

بسبب آن بدی را و بتحقیق دیدیم ما صحابه همه که تخلف نمیکرد از جماعت مگر منافق که نفاق او ظاهر بود

وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتٰى بِهٖ يُهَادٰى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتّٰى يُقَامَ فِي الصَّفِّ

و بتحقیق بود مرد بیماری که آورده میشد در حالیکه تکیه میکرد از غایت ضعف میان دو مرد تا آنکه ایستاده کرده میشد در صف

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت کرده مسلم و روایتست از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ سَمِعَ الْمُنَادِيَ فَلَمْ يَمْنَعْهُ مِنِ اتِّبَاعِهٖ عُذْرٌ قَالُوْا وَمَا

وسلم کسیکه بشنود بانگ نماز پس باز ندارد او را از پیروی کردن آن هیچ بهانه گفتند صحابه که چیست عذر

الْعُذْرُ قَالَ خَوْفٌ أَوْ مَرَضٌ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ الصَّلٰوةُ الَّتِيْ صَلّٰى رَوَاهُ

فرمود ترس هلاک یا بیماری پذیرفته نمیشود از وی نمازیکه گزارده است روایت

أَبُوْ دَاوُدَ وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ابو داود و دارقطنی و روایتست از ابی درداء رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من ثلثة في قرية ولا بدو لا تقام فيهم الصلوة

صلى الله عليه وسلم نيست سه مرد در ده‌ای و بادیه که برپا کرده نمیشود در میان ایشان نماز بجماعت

إلا قد استحوذ عليهم الشيطان فعليك بالجماعة فإنما يأكل الذئب

مگر اینکه غالب شده بر ایشان شیطان پس بر تو باد که لازم گیری جماعت را زیرا که میخورد گرگ گوسفند دور را

القاصية رواه أحمد وأبو داود والنسائي وعن ابن عمر رضي

که دور افتاده است روایت کرد احمد و ابو داود و نسائی و روایت است از ابن عمر رضی

الله تعالى عنه صلوة الجماعة تفضل صلوة الفذ بسبع وعشرين درجة

الله تعالی عنه نماز کسیکه بگذارد بجماعت زیادتی میکند بر نماز کسیکه تنها بگذارد به بیست و هفت درجه

متفق عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق علیه است و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

والذي نفسي بيده لقد هممت أن آمر بحطب فيحطب ثم آمر

بخدای که بقای ذات من بدست قدرت اوست تحقیق آهنگ کردم که امر کنم بجمع کردن هیزم پس جمع کرده شود هیزم پس امر کنم

بالصلوة فيؤذن لها ثم آمر رجلا فيؤم الناس ثم أخالف إلى

بنماز پس اذان گفته شود برای نماز پس امر کنم مردی را تا امامت کند مردم را پس بیایم [illegible]

رجال وفي رواية لا يشهدون الصلوة فأحرق عليهم بيوتهم

[illegible] که حاضر نشوند بنماز پس بسوزانم بر ایشان خانها و ایشان را

والذي نفسي بيده لو يعلم أحدهم أنه يجد عرقا سمينا أو مرماتين

بخدا سوگند اگر بداند یکی از ایشان که یابد استخوان فربه یا دو [illegible]

حسنتين لشهد العشاء رواه البخاري ولمسلم نحوه

[illegible] حاضر شود نماز عشا را روایت کرد بخاری و از مسلم مانند آن

باب [illegible]

باب [illegible]

عن النعمان ابن البشير رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى

روایت است از نعمان ابن بشیر رضی الله تعالی عنه گفت نعمان که بود پیغمبر خدا

الله عليه وسلم يسوي صفوفنا حتى كانما يسوي بها القداح حتى رأى

الله علیه وسلم که برابر میکرد صفهای ما را تا آنکه گویا برابر میکرد با آن صفها تیرها را تا آنکه دید آنحضرت

انا قد عقلنا عنه ثم خرج يوما فقام حتى كاد ان يكبر فرأى رجلا

که ما تحقیق فهمیدیم از قول و فعلش پس بیرون آمد روزی پس ایستاد تا آنکه قریب بود که الله اکبر گوید پس دید مردی را

باديا صدره من الصف فقال عباد الله لتسون صفوفكم او

که بیرون است سینه او از صف پس گفت ای بندگان خدا البته برابر کنید صفهای خود را یا

ليخالفن الله بين وجوهكم رواه مسلم وعن عائشة

بتحقیق مخالفت می اندازد خدا در میان روهای شما روایت کرد مسلم روایت است از عائشه

رضي الله عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق که

وملائكته يصلون على ميامن الصفوف وعن ابي امامة

و فرشتگان او درود می فرستند بر جانبهای راست از صفوف و از ابی امامه روایت است

رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بتحقیق که خدا تعالی

وملائكته يصلون على الصف الاول قالوا يا رسول الله وعلى

و فرشتگان او درود می فرستند بر صف اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر

الثاني قال ان الله وملائكته يصلون على الصف الاول قالوا يا

صف دوم نیز فرمود بتحقیق که خدا و فرشتگان او درود می فرستند بر صف اول گفتند ای

رسول الله وعلى الثاني قال ان الله وملائكته يصلون على الصف

پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود بتحقیق که خدا و فرشتگان او درود می فرستند بر صف

الأول قالوا يا رسول الله وعلى الصف الثاني قال وعلى الثاني وقال

اول گفتند ای پیغمبر خدا و بر صف دوم نیز فرمود آنحضرت و بر صف دوم و فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم سووا صفوفكم وحاذوا بين

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم برابر سازید صفهای خود را و برابر کنید میان

مناكبكم ولينوا في أيدي إخوانكم وسدوا الخلل فإن الشيطان

دوشهای خود و نرمی کنید و پیش دستهای برادران خود و بندید فرجهای صف خود زیرا که شیطان

يدخل فيما بينكم بمنزلة الحذف يعني أولاد الضأن الصغار

میدر آید در میان شما در رخنه صف حذف ... بچه های میش که خرد باشند

رواه أحمد وعن ابن عمر رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد احمد و از ابن عمر روایت است رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم أقيموا الصفوف وحاذوا بين المناكب وسدوا

صلی الله علیه وسلم بر پا کنید صفوف را و برابر کنید در میان دوشهای خود و بندید

الخلل ولينوا بأيدي إخوانكم ولا تذروا فرجات الشيطان ومن

فرجهای صف را و نرمی کنید در پیش دستهای برادران شما و مگذارید فرجها شیطان را و کسی که

وصل صفا وصله الله ومن قطعه قطعه الله رواه أبو داود

وصل کند صف را وصل کند او را خدای تعالی و کسیکه ببرد رخنه کند صف را ببرد و دور اندازد او را خدای تعالی روایت کرد ابوداود

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

و از عایشه روایت است رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم لا يزال قوم يتأخرون عن الصف الأول حتى يؤخرهم

علیه وسلم همیشه اند گروهی که پس می مانند از صف اول تا آنکه پس اندازد ایشان را

الله في النار رواه أبو داود وعن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه

خدا در آتش روایت کرد ابوداود و از ابی هریره روایت است رضی الله تعالی عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اما يخشى الذي يرفع رأسه

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا نمی ترسد آنکس که بردارد سر خود را

قبل الامام ان يحول الله رأسه رأس حمار متفق عليه وعن انس

پیش از امام از اینکه بگرداند خدا تعالی سر او را بسوی سر خر متفق علیه است واز انس رضی الله عنه مروی است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رصوا صفوفكم وقاربوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بپیوسته دارید واستوار کنید صفهای خود را ونزدیک کنید

بينها وحاذوا بالاعناق فوالذي نفسي بيده اني لارى الشيطان

میان صفها وبرابر کنید گردنها را پس سوگند بخدا آنکه [illegible] جان من بدست اوست بدرستیکه من می بینم شیطان را

يدخل من خلل الصف كانها الحذف رواه ابو داود وعن

که در می آید از رخنه صف گویا آن شیطان بچه میش است رواه ابو داود ودر روایت است از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير

ابوهریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین

صفوف الرجال اولها وشرها آخرها وخير صفوف النساء آخرها

صفهای مردان اولین آنهاست وبدترین صفهای مردان پسین آنهاست وبهترین صفهای زنان پسین آنهاست

وشرها اولها رواه مسلم وعن ابي سعيد الخدري

وبدترین صفهای زنان پیشین آنهاست رواه مسلم واز ابی سعید الخدری

رضي الله تعالى عنه رأى رسول الله صلى الله عليه وسلم في اصحابه تأخرا

رضی الله عنه مروی است که دید پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در یاران خود [illegible]

فقال لهم تقدموا وأتموا بي وليأتم بكم من بعدكم لا يزال

پس گفت مرایشانرا پیش آیید واقتدا کنید بمن وباید که اقتدا کنند بشما کسیکه پس ایستاده است همیشه اند

قوم يتأخرون حتى يؤخرهم الله رواه مسلم وعن ابي مسعود

قومی که پس می ایستند تا آنکه پس می کنند ایشانرا خدا تعالی از ثواب عظیم رواه مسلم ودر آمده است از ابی مسعود

ابو مسعود انصاری رضی الله تعالی عنه قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم

[illegible] رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

یمسح مناکبنا فی الصلوة ویقول استووا ولا تختلفوا فتختلف

[illegible]

قلوبکم لیلینی منکم اولو الاحلام والنهی ثم الذین یلونهم

[illegible]

ثم الذین یلونهم قال ابو مسعود فانتم الیوم اشد اختلافا

[illegible]

رواه مسلم وعن البراء بن عازب رضی الله تعالی عنه قال کان

روایت کرده مسلم و روایت است از براء بن عازب رضی الله عنه گفت بود

رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول ان الله وملائکته یصلون

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم [illegible]

علی الذین یلون الصفوف الاول وما من خطوة احب

[illegible]

الی الله من خطوة یمشیها یصل بها صفا رواه ابو داود

[illegible] روایت کرده ابو داود

باب السترة واثر المرور بین یدی المصلی

[illegible]

عن طلحة بن عبید الله قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم

[illegible] گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا وضع احدکم بین یدیه مثل مؤخرة الرحل فلیصل ولا یبالی

[illegible]

من مر وراء ذلك رواه مسلم وعن ابي جهيم رضي

[illegible] رواه مسلم و روایت است از ابی جهیم رضی [illegible]

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم المار بين يدي المصلي

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بداند گذرنده پیش [illegible]

ماذا عليه لكان ان يقف اربعين خيرا له من ان يمر بين يديه قال

که چه گناه است بر وی هر آینه باستادن ایشان [illegible] بهتر او را از گذشتن [illegible]

ابو النضر لا ادري قال اربعين يوما او شهرا او سنة متفق عليه

ابو النضر که یکی از راویان است [illegible] چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال [illegible] متفق علیه

وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم اذا صلى احدكم فليجعل تلقاء وجهه شيئا فان لم يجد فلينصب

وسلم چون نماز گزارد یکی از شما [illegible] در مقابل روی خود [illegible] اگر نیابد [illegible]

عصاه فان لم يكن معه عصا فليخطط خطا ثم لا يضره ما مر

عصا خود را پس اگر نباشد با وی عصا [illegible] خطی [illegible]

امامه رواه ابو داود وابن ماجه وعن ابي سعيد رضي

پیش او [illegible] رواه ابو داود و ابن ماجه [illegible] از ابی سعید [illegible]

تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يقطع الصلاة شيء

[illegible] گفت فرمود پیغمبر خدا [illegible] نماز را [illegible]

وادرءوا ما استطعتم فانما هو شيطان رواه ابو داود وعن

[illegible] بقدر آنکه [illegible] شیطان است [illegible] رواه ابو داود [illegible]

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو يعلم احدكم

از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم اگر بداند یکی [illegible]

ما له في ان يمر بين يدي اخيه معترضا في الصلوة كان لان يقيم

آنکه در گذشتن وی است از پیش برادر مسلمان از مقابل در نماز باشد هر آئینه ایستادن او

مائة عام خير له من الخطوة التي خطا رواه ابن ماجة وعن

صد سال بهتر مراورا از گامی که میزند آنرا روایت ابن ماجه واز

كعب الاحبار قال لو يعلم المار بين يدي المصلي ماذا

کعب احبار مرویست گفت اگر بداند گذرنده از پیش مصلی آنچه براوست

عليه لكان ان يخسف به خيرا له من ان يمر بين

هر آئینه بهتر بود فرو برده شدن او در زمین از گذشتن پیش

يديه وفي رواية اهون عليه رواه مالك

مصلی و در روایتی این لفظ یعنی آسانتر است بروی روایت کرد مالک

باب السنن

این باب در بیان سنتهاست

عن ام حبيبة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

روایت است از ام حبیبه رضی الله تعالی عنها گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم من صلى في يوم وليلة ثنتي عشرة ركعة بني له بيت

علیه وسلم کسیکه بگذارد در روز وشب دوازده رکعت بنا کرده شود برای وی خانه

في الجنة اربعا قبل الظهر وركعتين بعدها وركعتين بعد المغرب

در بهشت چهار رکعت پیش از نماز پیشین و دو رکعت پس از ظهر و دو رکعت نماز بعد از نماز شام

وركعتين بعد العشاء وركعتين قبل صلوة الفجر رواه الترمذي

و دو رکعت نماز بعد از نماز خفتن و دو رکعت پیش از نماز صبح روایت ترمذی

وعن عائشة رضي الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله

و از عائشه رضی الله عنها مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ركعتا الفجر خير من الدنيا وما فيها رواه مسلم وعن

عليه وسلم دو ركعت سنت فجر بهتر است از عالم سفلى وهرچه در وى است رواه مسلم واز

ابن عمر رضي الله عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم لا يصلي بعد

ابن عمر رضي الله عنه مرويست گفت كه بود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كه نميكرد بعد از نماز

الجمعة حتى ينصرف فيصلي ركعتين في بيته متفق عليه وعن

جمعه تا آنكه برگشت از نماز پس ميگزارد دو ركعت در خانه خود متفق عليه و مرويست از

ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من كان

ابو هريره رضي الله تعالى عنه گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه از شما

منكم مصليا بعد الجمعة فليصل اربعا رواه مسلم وعن ابن عمر رضي الله

از شما نماز گزارنده بعد از جمعه پس بايد كه بگزارد چهار ركعت رواه مسلم واز ابن عمر رضي الله

تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله امرء صلى

تعالى عنه مرويست گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم رحمت كند خدا آنچنان مرد را كه بگزارد

قبل العصر اربعا رواه احمد والترمذي وابو داود وعن عائشة رضي

پيش از نماز عصر چهار ركعت رواه احمد وترمذى وابو داود و روايت است از عائشة

الله تعالى عنها قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صلى بعد المغرب

الله تعالى عنها گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه بگزارد بعد از نماز مغرب

عشرين ركعة بنى الله له بيتا في الجنة رواه الترمذي وعن

بست ركعت را بنا كند خدا براى وى خانه در بهشت رواه ترمذى و روايت است از

مكحول يبلغ به ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من صلى بعد المغرب

مكحول ميرساند حديث را بآنحضرت پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم كسيكه بگزارد بعد از مغرب

قبل ان يتكلم ركعتين وفي رواية اربع ركعات رفعت صلوته

پيش از آنكه تكلم كند دو ركعت و در روايتى آمده است كه بگزارد چهار ركعت برداشته شود نماز او

في عليين مرسلا وعن حذيفة نحوه وزاد فكان يقول

در علیین از روی مرسل واز حذیفه رض مانند این حدیث زیاده کرد که پس بود که میگفت آنحضرت

عجلوا الركعتين بعد المغرب فانهما ترفعان مع المكتوبة رواهما

شتابی کنید دو رکعت را که بعد مغرب اند زیرا که این دو رکعت برداشته میشوند بعلیین با فرض روایت کرد هر دو را

رزين وروى البيهقي الزيادة عنه نحوها في شعب الايمان

رزین و روایت کرد بیهقی زیادت را از حذیفه مانند آن در شعب ایمان

باب صلوة التهجد والتحريض على قيام الليل

باب در بیان احادیثیکه در باب فضیلت نماز تهجد و تحریض بر قیام شب واقع شده

ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاما

و بعضی شب بیدار باش بقرآن زیاده برای تو قریب است که ایستاده کند ترا پروردگار تو بمقامی

محمودا تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم خوفا وطمعا

ستوده دور میشود پهلوی ایشان از خوابگاه میخوانند پروردگار خود را از ترس و امید و از

ومما رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس ما اخفي لهم من قرة اعين

آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند پس نمیداند هیچ نفس چیزیکه پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم

جزاء بما كانوا يعملون وعن اسماء بنت يزيد عن رسول الله

بپاداش آنچه بودند که میکردند و روایت است از اسماء بنت یزید رض از پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم قال يحشر الناس في صعيد واحد يوم القيامة

صلی الله علیه وسلم فرمود حشر کرده میشوند مردم بر صعید واحد روز قیامت

فينادي مناد فيقول اين الذين كانت تتجافى جنوبهم عن المضاجع

پس ندا کند ندا کننده پس بگوید کجا اند کسانیکه دور میبود پهلوهای ایشان از خوابگاههای ایشان

فيقومون وهم قليل فيدخلون الجنة بغير حساب ثم يؤمر

پس برخیزند و حال آنکه ایشان اندک باشند پس درآیند بهشت بی حساب پس امر کرده شود

يساقوا الناس إلى الحساب رواه البيهقي في شعب الإيمان باب الحساب

رانده مردم را بحساب گردانیدن روایت کرده بیهقی در شعب الایمان باب حساب

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ينزل ربنا

و مرویست از ابو هریره رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرود آید پروردگار ما

تبارك وتعالى كل ليلة إلى السماء الدنيا حتى يبقى ثلث الليل الآخر

که بزرگ بابرکت است و برتر هر شب باسمانیکه فرودتر است و نزدیکتر تا باقی بماند سیوم حصه شب آخر

يقول من يدعوني فأستجيب له من يسألني فأعطيه من يستغفرني

میفرماید حق تعالی کیست که دعا کند مرا تا قبول کنم دعای او را کیست که درخواست کند از من تا بدهم او را کیست که آمرزش خواهد از من

فأغفر له متفق عليه وفي رواية لمسلم ثم يبسط يديه يقول

تا بیامرزم او را متفق علیه و در روایت مسلم آمده پس باز میکند پروردگار هر دو دست خود را میگوید

من يقرض غير عدوم ولا ظلوم حتى ينفجر الفجر وعن جابر

کیست که قرض دهد کسی را که نه فقیر است و نه ظلم کننده میگوید خدا تا بشکافد صبح و از جابر مرویست

رضي الله تعالى عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إن

رضی الله عنه گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت بدرستیکه

في الليل لساعة لا يوافقها رجل مسلم يسأل الله خيرا من أمر الدنيا

در شب هر آئینه ساعتی است که موافق نمیشود آنرا مرد مسلمان در حالیکه سوال میکند خدا را چیزی از کار دنیا

والآخرة إلا أعطاه الله إياه وذلك كل ليلة رواه مسلم وعن

و آخرت مگر آنکه میدهد خدا تعالی آنچیز را و این ساعت در هر شب است روایت کرده مسلم و روایت است از

عبد الله بن عمرو رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

عبدالله بن عمرو رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم أحب الصلاة إلى الله تعالى صلاة داود وأحب الصيام إلى الله

وسلم دوست ترین نمازها بسوی خدا تعالی نماز داود علیه السلام است و دوست ترین روزه ها

صيام داود وكان ينام نصف الليل ويقوم ثلثه وينام سدسه ويصوم

روزه داود است و بود او خواب میکرد نیمه شب و برمیخاست سه یک آن و خواب میکرد باز یکی از شش آن و روزه میداشت

يوما ويفطر يوما متفق عليه وعن أبي أمامة رضي الله تعالى

یک روز و روزه نمیداشت یک روز متفق علیه است و از ابی امامه رضی الله تعالی

عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عليكم بقيام الليل فإنه

عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر شما باد برخاستن شب برای نماز زیرا که نماز شب خوی

دأب الصالحين قبلكم وهو قربة لكم إلى ربكم ومكفرة للسيئات

عادت نیکوکاران است که پیش از شما بودند و قیام لیل سبب نزدیکی است شما را بسوی پروردگار شما و سبب پوشیدنست مر بدیها را

ومنهاة عن الإثم رواه الترمذي وعن أبي سعيد الخدري

و بازدارنده است از گناهان رواه ترمذی و از ابی سعید الخدری

رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ثلاثة يضحك

رضی الله تعالی عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم سه کس اند که میخندد

الله تعالى إليهم الرجل إذا قام بالليل يصلي والقوم إذا صفوا في

خدا تعالی برای ایشان یکی مرد که چون برخیزد برای نماز شب و دوم قوم چون صف شوند در

الصلاة والقوم إذا صفوا في قتال العدو رواه في شرح السنة

نماز سوم قوم که چون صف شوند در کشتن دشمنان دین رواه در شرح السنة

وعن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مروی است گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يعقد الشيطان على قافية رأس أحدكم إذا هو نام ثلث

وسلم گره میزند شیطان بر پس سر یکی از شما چون بخوابد سه گره

عقد يضرب على كل عقدة عليك ليل طويل فارقد فإذا استيقظ

که میزند بر هر گره که لازم گیر بر خود خواب که شب دراز است بخواب پس اگر بیدار شود

فذكر الله انحلت عقدة فان توضأ انحلت عقدة فان صلى انحلت
پس اگر گوید خدا را گشاده شود گرهی پس اگر وضو کند گشاده شود گرهی پس اگر نماز کند گشاده شود
عقدة فاصبح نشيطا طيب النفس والا اصبح خبيث النفس كسلان
گرهی پس صبح کند شادمان پاک نفس و اگر بیدار نشود و ذکر نکند صبح میکند پلید نفس کاهل
متفق عليه وعن المغيرة قال قام النبي صلى الله عليه وسلم حتى
متفق علیه است و روایت است از مغیره رض گفت ایستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نماز شب
تورمت قدماه فقيل له لم تصنع هذا وقد غفر لك ما تقدم من
تا آنکه آماس کرد قدم مبارک پس گفته شد مر آنحضرت را که برای چه میکنی این را یا قصه و حال آنکه آمرزیده شد مر ترا آنکه پیش از
ذنبك وما تأخر قال افلا اكون عبدا شكورا متفق عليه وعن
گناه پیشی رفته و آنچه باز پس مانده فرمود آنحضرت آیا پس نباشم من بنده سپاس گذار متفق علیه است و از
ابن مسعود رضي الله تعالى عنه قال ذكر عند النبي صلى الله عليه وسلم
ابن مسعود رضی الله عنه گفت ذکر کرده شد نزدیک پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
رجل فقيل له ما زال نائما حتى اصبح ما قام الى الصلوة قال ذلك رجل
مردی پس گفته شد مراو را که مستمر ماند خواب کننده تا آنکه صبح کرد و نایستاد برای نماز شب فرمود آن مردیست که
بال الشيطان في اذنيه او قال في اذنه متفق عليه وعن عمرو بن
کمیز کرد شیطان در گوش او یا گفت آنحضرت در دو گوش او متفق علیه و از عمرو بن
عبسة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اقرب ما يكون الرب من
عبسه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نزدیکتر بودن پروردگار از بنده
العبد في جوف الليل الآخر فان استطعت ان تكون ممن يذكر الله
میباشد در شب است در جانب آخر پس اگر بتوانی آنکه باشی تو ای عمرو از جماعت که یاد میکنند خدا را
في تلك الساعة فكن رواه الترمذي وعن ابي هريرة قال قال
در آن ساعت پس باش تو از آن روایت کرد ترمذی و از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم رحم الله رجلا قام من الليل فصلى وايقظ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بخشاید خدا شخصی را که برخاست بنماز شب پس گذارد نماز را و بیدار کرد

امرأته فصلت فان ابت نضح في وجهها الماء رحم الله امرأة قامت

زن خود را پس نماز گذارد زن پس اگر انکار کند یعنی باشد در برخاستن آب ریزد بروی او بخشاید خدا زنی را که برخاست

من الليل فصلت وايقظت زوجها فصلى فان ابى نضحت في وجهه

از شب پس نماز گذارد و بیدار کرد مرد خود را پس نماز گذارد مرد پس اگر سر باز زند مرد یعنی باشد زن بریزد بروی او

الماء رواه ابو داود والنسائي وعن ابي امامة رضي الله تعالى عنه

آب را روایت کرد ابوداود و نسائی و از ابی امامه رضی الله تعالی عنه مرویست

قال قيل يا رسول الله صلى الله عليه وسلم اي الدعاء اسمع قال جوف الليل

گفت گفته شد ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کدامین دعا زودتر مسموع است فرمود دعا نیمه آخر شب

الآخر ودبر الصلوة المكتوبات رواه الترمذي وعن ابي مالك

آخر و آخر شدن نمازهای فرض که شامل است دعا را در آخرت روایت کرد ترمذی و از ابی مالک

الاشعري رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

اشعری رضی الله تعالی عنه مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ان في الجنة غرفا يرى ظاهرها من باطنها وباطنها من ظاهرها اعدها

بدرستیکه در بهشت غرفهاست که دیده میشود ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش از غایت لطافت و صفا آماده ساخته است

الله لمن الان الكلام واطعم الطعام وتابع الصيام وصلى بالليل

خدا آنها را برای کسیکه نرم گوید سخن را و بخوراند طعام را و پیاپی دارد روزه را و نماز گذارد بشب

والناس نيام رواه البيهقي في شعب الايمان وروى الترمذي

و حال آنکه مردم در خواب باشند روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت کرد ترمذی

عن علي نحوه وفي روايته لمن اطاب الكلام وعن عبد الله

از علی مانند آن و در روایت اوست طیب کلام یعنی کلام و از عبد الله

بن عمرو بن العاص رضي الله تعالى عنه قال لي رسول الله صلى الله عليه
بن عمرو بن عاص رضی الله تعالی عنه مرویست فرمود مرا پیغمبر خدا صلی الله علیه
وسلم يا عبد الله لا تكن مثل فلان كان يقوم من الليل فترك قيام
وسلم ای عبد الله مباش مانند فلان بود وی که برمیخاست نماز شب پس ترک کرد
الليل متفق عليه وعن عثمان بن ابي العاص رضي الله تعالى عنه
تهجد را متفق علیه ور روایت است از عثمان بن ابی العاص رضی الله تعالی عنه
قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول كان لداود عليه
گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم میفرمود بود داود علیه
السلام من الليل ساعة يوقظ فيها اهله يقول يا آل داود قوموا فصلوا
السلام را از شب ساعتی که بیدار میکرد در آن ساعت اهل خود را میگفت ای عیال داود برخیزید
فان هذه ساعة يستجيب الله عز وجل فيها الدعاء الا لساحر او
زیرا که بتحقیق این ساعتی است که قبول میکند خدا تعالی دروی دعا را مگر ساحر را
عشار رواه احمد وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال سمعت
وعشر ستاننده را رواه احمد و از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مرویست گفت شنیدم
رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول افضل الصلوة بعد الفريضة صلوة
پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میفرمود افزون ترین نماز در ثواب بعد از نماز فرض
في جوف الليل رواه احمد وعنه قال جاء رجل الى النبي صلى الله
درون شب است رواه احمد و از وی مرویست گفت آمد مردی نزدیک آنحضرت صلی الله
عليه وسلم فقال ان فلانا يصلي بالليل فاذا اصبح سرق فقال انه
علیه وسلم پس گفت که بتحقیق فلان شخص نماز میکند بشب پس چون صبح میکند دزدی میکند پس گفت
سينهاه ما تقول رواه احمد والبيهقي في شعب الايمان وعن
باز دارد آن نماز او را از دزدی رواه احمد و بیهقی در شعب الایمان

ابي سعيد و ابي هريرة رضي الله تعالى عنهما قالا قال رسول الله صلى الله

ابی سعید و ابی هریره رضی الله عنهما گفتند هر دو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اذا ايقظ الرجل اهله من الليل فصليا او صلى ركعتين جميعا

علیه وسلم چون بیدار کند مرد زن خود را پاره از شب پس بگذارند دو رکعت هر دو یا هر یک را دو رکعت را همه

كتبا في الذاكرين والذاكرات رواه ابو داود وابن ماجة وعن

نوشته شوند هر دو در حلقه مردان ذاکرین و زنان ذاکرات رواه ابو داود و ابن ماجه و مروی است از

ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اشراف امتي

ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بزرگ قدران امت من

حملة القرآن واصحاب الليل رواه البيهقي في شعب الايمان وعن

بردارندگان قرآن اند یعنی حافظان و شب زنده گان آن در نماز رواه البیهقی در شعب الایمان و مروی است از

ابن عمر ان اباه عمر بن الخطاب كان يصلي من الليل ما شاء الله

ابن عمر رضی الله عنه که پدر او عمر بن الخطاب بود نماز شب میکرد و آنچه مقدار از شب که خواسته بود خدا

حتى اذا كان من آخر الليل ايقظ اهله للصلوة يقول لهم الصلوة ثم

تا آنکه چون میشد آخر شب بیدار میکرد اهل خود را برای نماز شب میگفت اهل خود را که وقت نماز است بگذارید نماز را پس

يتلو هذه الآية وأمر اهلك بالصلوة واصطبر عليها لا نسألك

میخواند این آیه را بفرما اهل خود را بنماز و مبالغه کن در صبر کردن بر نماز نمی طلبیم از تو

رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى رواه مالك وعن عبد الله

رزق را ما روزی میرسانیم ترا و خوبی عاقبت کار مر متقیان را رواه مالک و از عبد الله

بن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عجب ربنا من رجلين

بن مسعود مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم عجب دارد پروردگار ما از دو مرد

رجل ثار عن وطائه ولحافه من بين حبه واهله الى صلوته فيقول

مردیکه برجست از فرش نرم خود و از لحاف خود و برجست از میان محبوبه و اهل خود بسوی نماز پس میگوید

الله لملائكته انظروا الى عبدي ثار عن فراشه ووطائه من بين

خدای تعالی مر فرشتگان خود را بنگرید بسوی بنده من که برخاست از فراش خود و از لحاف خود از میان

حِبّه واهله الى صلاته رغبة فيما عندي وشفقا مما عندي ورجل غزا

محبوب خود و اهل خود بسوی نماز خود از جهت رغبت نمودن در آنچه نزد من است و ترسیدن از آنچه نزد من است و مردی که جهاد کرد

في سبيل الله فانهزم مع اصحابه فعلم ما عليه في الانهزام وما

در راه خدا پس شکست یافت با یاران خود پس دانست آنچه بر وی است در گریختن و آنچه

له في الرجوع فرجع حتى اهريق دمه فيقول الله لملائكته انظروا الى

مر او راست در بازگشتن پس بازگشت تا آنکه ریخته شد خون او پس میگوید خدای تعالی مر فرشتگان خود را بنگرید

عبدي رجع رغبة فيما عندي وشفقا مما عندي حتى اهريق دمه

بسوی بنده من که بازگشت از جهت رغبت در ثواب و از جهت ترسیدن از عذاب تا آنکه ریخته شد خون او

رواه في شرح السنة باب صلاة الضحى عن ابي ذر

روایت کرد در شرح السنه باب نماز چاشت از ابی ذر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يصبح على كل سلامى من

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ثابت میگردد بر هر بند از شما

احدكم صدقة فكل تسبيحة صدقة وكل تحميدة صدقة وكل تهليلة

هریکی از شما صدقه پس هر بار سبحان الله گفتن صدقه است و هر بار الحمد لله گفتن صدقه است و هر بار لا اله الا الله

صدقة وكل تكبيرة صدقة وامر بالمعروف صدقة ونهي عن

صدقه است و هر بار الله اکبر گفتن صدقه است و فرمودن کسی را بکار پسندیده صدقه است و باز داشتن کسی از

المنكر صدقة ويجزئ من ذلك ركعتان يركعهما من الضحى

کار ناپسندیده صدقه است و کفایت میکند از شکرانه سلامی دو رکعت که بگذارد آن دو رکعت را در چاشت

رواه مسلم وعن ابي الدرداء وابي ذر رضي الله تعالى عنهما

روایت کرد مسلم و روایت است از ابی درداء و ابی ذر رضی الله تعالی عنهما

قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الله تبارك وتعالى انه

گفتند هردو که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از خدا تعالی

قال يا ابن آدم اركع لي اربع ركعات من اول النهار اكفك آخره

که فرمود ای آدمی زاد بگذار برای من چهار رکعت را در اول روز بسنده و کارگذاری میکنم برای تو آخر روز

رواه الترمذي ورواه ابو داود والدارمي عن نعيم بن همار

روایت کرد ترمذی و روایت کرد ابوداود و دارمی از نعیم بن همار

الغطفاني واحمد عنهم وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال

غطفانی و احمد از همه و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول في الانسان ثلاثمائة

شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت در آدمی سه صد

وستون مفصلا فعليه ان يتصدق عن كل مفصل منه بصدقة

و شصت بند است پس بر اوست که تصدق کند از هر بندی از خود بصدقه

قالوا ومن يطيق ذلك يا نبي الله قال النخاعة في المسجد تدفنها

گفتند صحابه که طاقت دارد آنرا ای پیغمبر خدا فرمود آنحضرت آب دهن افتاده در مسجد دفن کنی آنرا

والشيء تنحيه عن الطريق فان لم تجد فركعتا الضحى تجزئك

و چیزی که دور کنی آنرا از راه مردم پس اگر نیابی آنرا پس دو رکعت نماز چاشت بسنده میکند ترا

رواه ابو داود وعن انس رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

روایت کرد ابوداود و روایت است از انس رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من صلى الضحى ثنتي عشرة ركعة بنى الله له

صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذارد نماز چاشت را دوازده رکعت بنا کند خدا تعالی برای او

قصرا من ذهب في الجنة رواه الترمذي وابن ماجه وعن

کوشکی از طلا در بهشت روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و روایت است از

معاذ بن انس الجهني قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من
معاذ بن انس جهنی رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هر که
قعد في مصلاه حين ينصرف من صلوة الصبح حتى يسبح ركعتي
بنشیند در جای نماز خویش که بر گردد از نماز بامداد تا آنکه بگذارد دو رکعت
الضحى لا يقول الا خيرا غفر له خطاياه وان كانت اكثر من زبد البحر
چاشت را نگوید مگر سخن نیک آمرزیده شود مر او را گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا در بسیاری
رواه ابو داود وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال
رواه ابو داود و روایت است از ابو هریره رضی الله تعالی عنه گفت گفت پیغمبر
رسول الله صلى الله عليه وسلم من حافظ على شفعة الضحى غفرت
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه محافظت کند بر دو رکعت ضحی آمرزیده شود
له ذنوبه وان كانت مثل زبد البحر رواه احمد والترمذي وابن
مر او را گناهان او اگرچه باشد مانند کف دریا رواه احمد و الترمذی و ابن
ماجة وعن عائشة رضي الله تعالى عنها انها كانت تصلي الضحى
ماجه و روایت است از عائشه رضی الله تعالی عنها که حضرت عائشه میگذارد نماز چاشت را
ثماني ركعات ثم تقول لو نشر لي ابواي ما تركتهما رواه مالك
هشت رکعت پس میگفت اگر زنده کرده شوند برای من پدر و مادر من ترک نکنم رواه مالک
وعن ابي سعيد رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله
و روایت است از ابی سعید رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم يصلي الضحى حتى نقول لا يدعها ويدعها حتى نقول
علیه و سلم که میگذارد چندگاه نماز چاشت را تا آنکه میگفتیم هرگز ترک نخواهد کرد او را و ترک میکرد او را تا آنکه میگفتیم
لا يصليها رواه الترمذي
هرگز نخواهد گذارد و آنرا رواه ترمذی

كتاب الصلوة باب التطوع

باب در احادیثی که در نوافل وارد اند

عن جابر رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله عليه

مروی است از جابر رضی الله تعالی عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يعلمنا الاستخارة في الامور كما يعلمنا السورة من القرآن

وسلم [illegible] ما را دعاء استخاره در کارها [illegible] چنانکه تعلیم میکرد ما را سوره از قرآن

يقول اذا هم احدكم بالامر فليركع ركعتين من غير الفريضة

[illegible] قصد کند یکی از شما [illegible] باید که بگذارد دو رکعت را غیر نماز فرض

ثم ليقل اللهم اني استخيرك بعلمك واستقدرك بقدرتك

[illegible] باید که بگوید این دعا را خدایا [illegible]

واسألك من فضلك العظيم فانك تقدر ولا اقدر وتعلم

[illegible] از فضل تو که بزرگ است [illegible] قادری من قدرت ندارم و تو میدانی

ولا اعلم وانت علام الغيوب اللهم ان كنت تعلم ان هذا

و من نمیدانم و تو دانندهٔ غیبها را خداوندا اگر هستی تو که میدانی که این

الامر خير لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال في عاجل

کار بهتر است [illegible] زندگانی من و پایان کار من یا [illegible]

امري وآجله فاقدره لي ويسره لي ثم بارك لي فيه وان كنت

[illegible] دو [illegible] پس تقدیر کن آن را برای من [illegible] برکت ده مرا در آن کار و اگر

تعلم ان هذا الامر شر لي في ديني ومعاشي وعاقبة امري او قال

[illegible] کار بد است مرا در دین و زندگانی من و در پایان کار من یا گفت

في عاجل امري وآجله فاصرفه عني واصرفني عنه واقدر لي الخير

در این [illegible] دو [illegible] پس بگردان آن را از من و بگردان مرا از او و تقدیر کن مرا نیکی را

حيث كان ثم أرضني به قال ويسمّي حاجته رواه البخاري وعن

هر جا که باشد بسبب راضی گردان مرا بدان گفت آنحضرت یاد کند نام برد حاجت خود را روایت کرد آنرا بخاری و روایت است از

علي رضي الله عنه قال حدثني أبو بكر وصدق أبو بكر رضي الله عنه قال

علی رضی الله عنه گفت حدیث کرد مرا ابو بکر رضی الله عنه و راست گفت ابو بکر رضی الله عنه گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من رجل يذنب ذنبا

شنیدم من پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مردی که بکند گناهی را

ثم يقوم فيتطهر ثم يصلي ثم يستغفر الله إلا غفر الله له ثم قرأ

پس برخیزد و بسی طهارت کند پس نماز گذارد و پس آمرزش خواهد از خدا مگر آنکه بیامرزد خدا تعالی او را پس خواند

والذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا

آنحضرت این آیه را آنانکه چون میکنند کار بد را یا ظلم کنند بر جانهای خود یاد میکنند خدا تعالی را پس طلب مغفرت کنند

لذنوبهم رواه الترمذي وابن ماجه إلا أن ابن ماجه لم يذكر الآية

مر گناهان ایشان را روایت کرد ترمذی و ابن ماجه مگر آنکه ابن ماجه ذکر نکرد آیه را

وعن بريدة رضي الله تعالى عنه قال أصبح رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از بریده رضی الله تعالی عنه گفت صبح کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فدعا بلالا فقال بما سبقتني إلى الجنة ما دخلت الجنة قط إلا سمعت

پس طلب کرد بلال را رضی پس گفت بچه عمل پیشی کردی تو مرا سوی بهشت نه در آمدم بهشت را هرگز مگر شنیدم

خشخشتك أمامي قال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أذنت قط

آواز نعلین ترا پیش خود گفت بلال ای فرستاده خدا صلی الله علیه وسلم اذان نگفتم هرگز

إلا صليت ركعتين وما أصابني حدث قط إلا توضأت عنده ورأيت

مگر آنکه گذاردم دو رکعت را و بعد از آن نرسید بمن حدث هرگز مگر آنکه وضو ساختم نزد آن و اعتقاد کردم

أن لله علي ركعتين فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم بهما رواه الترمذي

که مر خدا راست بر من دو رکعت پس فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بسبب این دو رکعت یافتی این مرتبه را روایت کرد ترمذی

وعن ابن عباس رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال للعباس ابن
روايت است از ابن عباس رض بدرستيكه نبى صلى الله عليه وسلم فرمود مر عباس ابن
عبد المطلب يا عباس يا عماه ألا أعطيك ألا أمنحك ألا أخبرك
عبد المطلب را اى عباس اى عم من آيا ندهم ترا آيا نه بخشم ترا آيا خبر ندهم ترا
ألا أفعل بك عشر خصال إذا أنت فعلت ذلك غفر الله لك ذنبك أوله
آيا نكنم بتو ده خصلت چون تو بكنى آنرا بيامرزد خدا تعالى ترا گناه ترا كه پيش از ان كردى
وآخره قديمه وحديثه خطأه وعمده صغيره وكبيره سره وعلانيته
و پس از ان كردى گناه كهنه و گناه نو گناهان كه بقصد كرده و بى قصد كرده و گناهان خرد و كلان و پوشيده و آشكارا
أن تصلي أربع ركعات تقرأ في كل ركعة فاتحة الكتاب وسورة فإذا
كه بگزارى چهار ركعت نماز را بخوان در هر ركعت [illegible] سوره [illegible] پس چون
فرغت من القراءة في أول ركعة وأنت قائم قلت سبحان الله والحمد لله
فارغ شوى از قراءة در اول ركعت و حالانكه تو ايستاده باشى بگوى سبحان الله والحمد لله
ولا إله إلا الله والله أكبر خمس عشرة مرة ثم تركع فتقولها وأنت راكع
پانزده بار پس ميگوئى تو اين كلمات را و حالانكه تو راكع
عشرا ثم ترفع رأسك من الركوع فتقولها عشرا ثم تهوي ساجدا
ده بار بعد از سبحان ربى العظيم پس بردار سر خود را از ركوع پس ميگوئى تو اينكلمات را ده بار [illegible]
فتقولها وأنت ساجد عشرا ثم ترفع رأسك من السجود فتقولها
پس بگوئى آنرا و حالانكه تو در سجده باشى ده بار پس بردار سر خود را از سجده و بگو آنرا
عشرا ثم تسجد فتقولها عشرا ثم ترفع رأسك فتقولها عشرا
ده بار پس سجده ميكنى پس ميگوئى آنرا ده بار پس بر ميدارى سر خود را پس ميگوئى آنرا ده بار
فذلك خمس وسبعون في كل ركعة تفعل ذلك في أربع ركعات
پس مجموع آن هفتاد و پنج بار ميشود در هر ركعت ميكنى آنرا در چهار ركعت

إن استطعت أن تصليها في كل يوم مرة فافعل فإن لم تفعل

اگر توانی که بگذاری این نماز را در هر روز یکبار پس بکن پس اگر نکنی تو در هر هفته

ففي كل جمعة مرة فإن لم تفعل ففي كل شهر فإن لم تفعل

پس بکن در هر جمعه یکبار پس اگر نکنی در هر جمعه پس بکن در هر ماه پس اگر نکنی در هر ماه

ففي كل سنة مرة فإن لم تفعل ففي عمرك مرة رواه أبو داود وابن ماجه

پس بکن در هر سال یکبار پس اگر نکنی در هر سال بکن در عمر خود یکبار روایه ابوداود و ابن ماجه

والبيهقي في الدعوات الكبير وروى الترمذي عن أبي رافع نحوه وعن

و بیهقی در دعوات کبیر و روایت کرد ترمذی از ابی رافع مانند آن و روایت است

أبي أمامة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما أذن الله لعبد في

از ابی امامه رضه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گوش ننهد خدا تعالی مر بنده را در

شيء أفضل من ركعتين يصليهما وإن البر ليذر على رأس العبد

چیزی که فاضل تر است از دو رکعت که بگذارد آنها را و بدرستیکه نیکی و رحمت نثار کرده شود بر سر بنده

ما دام في صلاته وما تقرب العباد إلى الله بمثل ما خرج منه

مادام که بنده در نماز خود است و نزدیکی نجستند بندگان بسوی خدا مانند چیزی که بیرون آمده از خدا تعالی

يعني القرآن رواه أحمد والترمذي

که قرآنست روایه احمد و ترمذی

باب الجمعة

باب در بیان جمعه

يا أيها الذين آمنوا إذا نودي للصلاة من يوم الجمعة فاسعوا إلى

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز در روز جمعه پس سعی کنید بسوی

ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون فإذا قضيت

یاد کردن خدا و بگذارید خرید و فروخت را این بهتر است شما را اگر شما دانید پس چون تمام کرده شود

الصلوة فانتشروا في الارض وابتغوا من فضل الله واذكروا الله كثيرا

پس متفرق شوید در زمین و طلب کنید از فضل خدا و یاد کنید خدا را بسیار

لعلكم تفلحون وعن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال قال رسول الله

تا شما رستگار شوید روایت است از ابی هریره رضی الله تعالی عنه گفت گفت پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم نحن الآخرون السابقون يوم القيمة بيد انهم

صلی الله علیه وسلم ما پسینیانیم در دنیا پیشینیانیم در آخرت در بهشت جز این نیست که اهل کتاب

اوتوا الكتب من قبلنا واوتيناه من بعدهم ثم هذا يومهم الذي فرض

داده شدند کتاب را پیش از ما و داده شدیم ما کتاب را پس از ایشان پس این روز یهود و نصاری است که فرض کرده شد

عليهم يعني يوم الجمعة فاختلفوا فيه فهدانا الله له والناس لنا فيه

بر ایشان را این روز جمعه پس اختلاف کردند ایشان در وی پس راه نمود ما را خدای تعالی آن روز را و مردم یعنی یهود و نصاری

تبع اليهود غدا والنصارى بعد غد متفق عليه وعن ابي هريرة

یهود فردا که شنبه است و نصاری پس فردا که یکشنبه است متفق علیه روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس

گفت گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزی که بر آمد بر وی آفتاب

يوم الجمعة فيه خلق آدم وفيه ادخل الجنة وفيه اخرج منها ولا تقوم

روز جمعه است در وی پیدا کرده شد آدم علیه السلام و در وی درآورده شد آدم در بهشت و در وی بیرون آورده شد آدم از بهشت و برپا نمیشود

الساعة الا في يوم الجمعة مس وعنه قال قال رسول الله

قیامت مگر در روز جمعه روایت است از وی رض گفت گفت پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان في الجمعة لساعة لا يوافقها عبد مسلم

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه در روز جمعه هر آینه ساعتی است که موافق نمیشود او را بنده مسلمان

يسأل الله فيها خيرا الا اعطاه اياه متفق عليه وزاد مسلم قال وهي

در حالیکه سوال کند خدا را در آن ساعت نیکی را مگر آنکه میدهد خدای تعالی آن بنده را آن نیکی متفق علیه و زیاد کرده مسلم این عبارت که گفت

ساعة خفيفة وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال خرجت إلى الطور

ساعتی سبک روایت است از ابو هریره رضی الله تعالی عنه گفت بیرون آمدم بسوی کوه طور

فلقيت كعب الأحبار فجلست معه فحدثني عن التوراة وحدثته

پس ملاقات کردم کعب احبار را پس نشستم با وی پس حدیث کرد مرا از توریت و حدیث کردم او را

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فكان فيما حدثته أن قلت قال

از رسول الله صلی الله علیه وسلم پس بود از جمله آنچه حدیث کردم او را آنکه گفتم فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم خير يوم طلعت عليه الشمس يوم

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بهترین روزیکه تافت بر وی آفتاب روز

الجمعة فيه خلق آدم وفيه أهبط وفيه تيب عليه وفيه مات

جمعه است که پیدا کرده شد آدم در آن روز و درین روز فرود آورده شد و درین روز رجوع برحمت کرده شد بر وی و در آن روز مرد

وفيه تقوم الساعة وما من دابة إلا وهي مصيخة يوم الجمعة

و درین روز برپا شود قیامت و نیست هیچ جنبنده بر زمین مگر آنکه وی گوش نهنده و انتظار برنده است روز جمعه

من حين تصبح حتى تطلع الشمس شفقا من الساعة إلا الجن و

از وقتیکه صبح میکند تا آنکه بر آید آفتاب از جهت ترسیدن از قیامت مگر پری و

الإنس وفيه ساعة لا يصادفها عبد مسلم وهو يصلي يسأل

آدمیان و درین روز جمعه ساعتی است که نمی یابد آنرا بنده مسلم در حالانکه او نماز گزارد و دعا میکند بخواهد

الله شيئا إلا أعطاه إياه قال كعب ذلك في كل سنة يوم

از خدا چیزی را مگر آنکه عطا کند آن بنده را آن چیز گفت کعب احبار آن ساعت در هر سالی روزی از روزها جمعه است

فقلت بل في كل جمعة فقرأ كعب التوراة فقال صدق

پس گفتم بلکه در هر جمعه است پس خواند کعب توریت را پس گفت کعب راست گفته است

رسول الله صلى الله عليه وسلم الحديث رواه مالك وأبو داود

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم تا آخر حدیث روایت کرد مالک و ابو داود

وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَاَحْمَدُ اِلٰى قَوْلِهٖ صَدَقَ كَعْبٌ وَعَنْ اَنَسٍ

و ترمذی و نسائی و احمد در روایت است از انس

رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالٰى عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِلْتَمِسُوا

رضی الله تعالی عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم طلب کنید

السَّاعَةَ الَّتِيْ تُرْجٰى فِيْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ اِلٰى غَيْبُوْبَةِ الشَّمْسِ

ساعتی را که امید داشته میشود اجابت دعا را در روز جمعه بعد از نماز عصر تا غایب شدن آفتاب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَوْسِ بْنِ اَوْسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت کرد ترمذی و از اوس بن اوس مرویست گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ مِنْ اَفْضَلِ اَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيْهِ خُلِقَ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه از فاضل ترین روزهای شما روز جمعه است که در وی پیدا کرده شد

اٰدَمُ وَفِيْهِ قُبِضَ وَفِيْهِ النَّفْخَةُ وَفِيْهِ الصَّعْقَةُ فَاَكْثِرُوْا عَلَيَّ

آدم و در وی قبض کرده شد جان او و در وی نفخه است و در وی صعقه است پس بسیار کنید بر من

مِنَ الصَّلٰوةِ فِيْهِ فَاِنَّ صَلٰوتَكُمْ مَعْرُوْضَةٌ عَلَيَّ قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

درود فرستادن درین روز زیرا که درود شما عرض کرده شود بر من گفتند ای پیغمبر خدا

وَكَيْفَ تُعْرَضُ صَلٰوتُنَا عَلَيْكَ وَقَدْ اَرِمْتَ قَالَ يَقُوْلُوْنَ بَلِيْتَ

و چگونه عرض کرده شود درود ما بر تو و حال آنکه پوسیده شده باشی تو گفت راوی میگویند صحابه بلفظ ارمت میخواهند بلیت یعنی کهنه شدی

قَالَ اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ عَلَى الْاَرْضِ اَجْسَادَ الْاَنْبِيَاءِ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ

گفت آنحضرت که خدا تعالی حرام گردانید بر زمین تنهای پیغمبران را روایت کرد ابو داود

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعْوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ

و نسائی و ابن ماجه و دارمی و بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْيَوْمُ الْمَوْعُوْدُ يَوْمُ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که مراد بیوم موعود روز

الْقِيٰمَةِ وَالْيَوْمُ الْمَشْهُوْدُ يَوْمُ عَرَفَةَ وَالشَّاهِدُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَمَا طَلَعَتِ

قیامت است و مراد بیوم مشهود عرفه است و مراد بشاهد روز جمعه است و نه طلوع کرد

الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتْ عَلٰى يَوْمٍ اَفْضَلَ مِنْهُ فِيْهِ سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ

آفتاب و نه غروب کرد بر روزی که فاضل‌تر از روز جمعه باشد درایں روز ساعتی است که موافق نمیشود آنرا بنده

مُؤْمِنٌ يَدْعُو اللّٰهَ بِخَيْرٍ اِلَّا اسْتَجَابَ اللّٰهُ لَهٗ وَلَا يَسْتَعِيْذُ مِنْ شَيْءٍ

مومن که دعا کند خدا را بخیر مگر آنکه قبول کند خدا برای او دعای او را و پناه نجوید از چیزی بد

اِلَّا اَعَاذَهٗ مِنْهُ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ لُبَابَةَ ابْنِ

مگر آنکه پناه دهد خدا او را از وے رواه احمد و ترمذی و در روایت است از ابی لبابه ابن

عَبْدِ الْمُنْذِرِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

عبد المنذر گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه روز جمعه

سَيِّدُ الْاَيَّامِ وَاَعْظَمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَهُوَ اَعْظَمُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ يَوْمِ الْاَضْحٰى

بهتر روزها است و بزرگترین روزها است نزد خدا تعالی و روز جمعه بزرگ‌تر است نزد خدا از روز عید قربان

وَيَوْمِ الْفِطْرِ فِيْهِ خَمْسُ خِلَالٍ خَلَقَ اللّٰهُ فِيْهِ اٰدَمَ وَاَهْبَطَ اللّٰهُ فِيْهِ

و عید رمضان در روز جمعه پنج خصلت است پیدا کرد خدا در وے آدم را و فرود آورد خدا درآن روز

اٰدَمَ اِلَى الْاَرْضِ وَفِيْهِ تَوَفَّى اللّٰهُ اٰدَمَ وَفِيْهِ سَاعَةٌ لَا يَسْاَلُ

آدم را بسوی زمین و در وے بمیرانید خدا تعالی آدم را و در وے ساعت است که نطلبد

الْعَبْدُ فِيْهَا شَيْئًا اِلَّا اَعْطَاهُ مَا لَمْ يَسْاَلْ حَرَامًا وَفِيْهِ تَقُوْمُ السَّاعَةُ

بنده در وے چیزی را مگر آنکه بدهد خدا او را مادام که نطلبد چیزی را که حرام است و در روز جمعه برپا شود قیامت

مَا مِنْ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا سَمَاءٍ وَلَا اَرْضٍ وَلَا رِيَاحٍ وَلَا جِبَالٍ

نیست هیچ فرشته نزدیک گردانیده شده و نه آسمانی و نه زمینی و نه بادها و نه کوه‌ها

وَلَا بَحْرٍ اِلَّا هُوَ مُشْفِقٌ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

و نه دریاها مگر آنکه وے ترسنده است از روز جمعه رواه ابن ماجه و در روایت است از

ابی هریرة قال قیل للنبی صلی الله علیه وسلم لای شیء سمی یوم

ابی هریره رضه گفت گفته شد مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که از چه چیز نامیده شد روز

الجمعة قال لان فیها طبعت طینة ابیک آدم وفیها الصعقة

جمعه گفت فرمود آنحضرت از جهت آنکه در جمعه سرشته شد گل پدر تو آدم و در روز جمعه هلاک شدن [illegible]

والبعثة وفیها البطشة وفی آخر ثلث ساعات منها ساعة

[illegible] و در آخر سه ساعت از ساعات جمعه ساعتی است

من دعا الله فیها استجیب له رواه احمد وعن عبد الله بن عمرو

که هر که بخواند خدا را در آن ساعت قبول کرده میشود دعای او روایت کرد احمد و روایت است از عبد الله بن عمرو

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما من مسلم یموت یوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ مسلمانی که بمیرد روز

الجمعة او لیلة الجمعة الا وقاه الله فتنة القبر رواه احمد

جمعه یا شب جمعه مگر آنکه نگاه دارد او را خدا تعالی از عذاب قبر روایت کرد احمد

والترمذی وعن ابن عباس رضی الله عنه انه قرأ الیوم

و الترمذی و روایت است از ابن عباس رضی الله عنه بدرستیکه وی خواند این آیت را

اکملت لکم دینکم الآیة وعنده یهودی فقال لو نزلت هذه

امروز کامل گردانیدم دین شما را تا آخر آیت و نزد ابن عباس یهودی بود پس گفت اگر فرود می آمد این

الآیة علینا لاتخذناها عیدا فقال ابن عباس فانها نزلت فی

آیت بر ما هر آینه میگرفتیم ما روز نزول این آیت را روز عید پس گفت ابن عباس بدرستیکه این آیت فرود آمده است در

یوم عیدین فی یوم جمعة و یوم عرفة رواه الترمذی وعن

روز دو عید در روز جمعه و در روز عرفه روایت کرد ترمذی و روایت است از

انس رضی الله عنه قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم

انس رضی الله عنه گفت بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إِذَا دَخَلَ رَجَبٌ قَالَ اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ وَبَلِّغْنَا

چون می درآمد ماه رجب میگفت خداوندا افزونی ده مارا در خیر و برکت در ماه رجب و شعبان و برسان ما را

رَمَضَانَ قَالَ وَكَانَ يَقُولُ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ لَيْلَةٌ أَغَرُّ وَيَوْمُ الْجُمُعَةِ

برمضان گفت انس رض و بود آنحضرت که میگفت شب جمعه شبی است سفید . و روز جمعه

يَوْمٌ أَزْهَرُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَعَنْ سَلْمَانَ

روزیست سفید و روشن روایت کرد بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از سلمان

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَغْتَسِلُ

رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم غسل نکند

رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ مِنْ طُهْرٍ وَيَدَّهِنُ مِنْ دُهْنِهِ

مردی روز جمعه برای نماز جمعه و مبالغه نکند در پاکی آنقدر که تواند یعنی آنکه بتراشد موی لب و بگیرد ناخن را و روغن مالد از روغن خود

أَوْ يَمَسُّ مِنْ طِيبِ بَيْتِهِ ثُمَّ يَخْرُجُ فَلَا يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ ثُمَّ يُصَلِّي

یا بمالد از بوی خوش که در خانه وی باشد بعد بیرون آید بسوی مسجد پس جدا نکند میان دو کس پس نماز گذارد

مَا كُتِبَ لَهُ ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الْإِمَامُ إِلَّا غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ

آنچه تقدیر کرده شده است برای وی از نوافل پس خاموش نشیند وقتیکه خطبه خواند امام مگر آنکه آمرزیده شود مر او را آنچه میان او و

بَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ

و میان جمعه دیگر گذشت رواه البخاری و روایت است از ابی هریره رضی

اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ تَوَضَّأَ

الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم کسیکه وضو کند

فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَ

پس نیک کند وضو را پس بیاید جمعه را پس بشنود خطبه و خاموش نشیند آمرزیده شود آنچه گذشت میان او

بَيْنَ الْجُمُعَةِ وَزِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَمَنْ مَسَّ الْحَصَى فَقَدْ لَغَا

و میان جمعه و زیاده سه روز و کسیکه مساس کند سنگریزه را بی ضرورت پس تحقیق لغو کرد

رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت کرد این را مسلم و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا كان يوم الجمعة وقفت الملئكة على باب المسجد يكتبون

چون باشد روز جمعه بایستند فرشتگان بر در مسجد جمعه مینویسند

الاول فالاول ومثل المهجر كمثل الذي يهدي بدنة

هر که پیشتر آید در مسجد مانند کسی است که هدیه کند شتر

ثم كالذي يهدي بقرة ثم كبشا ثم دجاجة ثم بيضة فاذا خرج

پس مانند کسی که هدیه کند گاو را پس گوسفند را پس ماکیان را پس بیضه را پس چون بیرون آید

الامام طووا صحفهم ويستمعون الذكر متفق عليه وعن

امام بپیچند صحیفه‌های خود را و گوش دارند ذکر را متفق علیه است و روایت است از

ابي سعيد وابي هريرة قالا قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی سعید و ابی هریره که گفتند فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من اغتسل يوم الجمعة ولبس من احسن ثيابه ومس من طيب ان كان عنده

هر که غسل کند روز جمعه و بپوشد از بهترین جامهای خود و مساس کند از بوی خوش اگر باشد

ثم اتى الجمعة فلم يتخط اعناق الناس ثم صلى

نزد وی پس بیاید بجمعه پس نگذارد پای خود بر گردن مردمان پس بگزارد

ما كتب الله له ثم انصت اذا خرج امامه حتى يفرغ من صلاته

آنچه نوشته است خدا بر وی پس خاموش شود چون بیرون آید امام تا آنکه فارغ شود از نماز

كانت كفارة لما بينها وبين جمعته التي قبلها رواه ابو داود

باشد این کفاره مر آن گناهانی را که میان این جمعه و میان جمعه پیشین روایت کرد ابو داود

وعن اوس بن اوس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از اوس بن اوس گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من غسل يوم الجمعة واغتسل وبكّر وابتكر ومشى ولم يركب ودنا

[illegible]

من الإمام واستمع ولم يلغ كان له بكل خطوة عمل سنة أجر

[illegible]

صيامها وقيامها رواه الترمذي وابو داود والنسائي وابن ماجه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سوى ثوبي مهنته رواه ابن ماجه ورواه مالك [illegible]

[illegible] روایت کرد ابن ماجه و روایت کرد این حدیث را مالک از یحیی [illegible]

[illegible] عن عبيد بن السباق مرسلا قال قال رسول

[illegible]

الله صلى الله عليه وسلم في جمعة من الجمع يا معشر المسلمين إن هذا

[illegible]

يوم جعله الله عيدا فاغتسلوا ومن كان عنده طيب فلا يضره

[illegible]

أن يمس منه وعليكم بالسواك رواه مالك ورواه ابن ماجه

[illegible] رواه مالک و روایت کرد ابن ماجه

عنه وهو عن ابن عباس متصلا الفصل الثالث عن البراء رضي الله عنه

[illegible] او از ابن عباس متصل و روایت است از براء رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حقا على المسلمين ان يغتسلوا

گفت فرمود پیغمبر خدا صلى الله علیه وسلم حق و ثابت است بر مسلمانان که غسل کنند

يوم الجمعة وليمس احدهم من طيب اهله فان لم يجد فالماء له

روز جمعه و باید که بمالد هر یکی از ایشان از بوی خوش زن خود پس اگر نیابد طیب پس آب برای او

طيب رواه احمد والترمذي وعن سهل بن سعد رضي

طیب است روایت کرد احمد و ترمذی و روایت است از سهل بن سعد ساعدی رضی

الله عنه قال ما كنا نقيل ولا نتغدى الا بعد الجمعة متفق عليه

الله عنه گفت نبودیم ما که قیلوله میکردیم و نه طعام چاشت میخوردیم مگر بعد از نماز جمعه متفق علیه است

وعن السائب بن يزيد قال كان النداء يوم الجمعة اوله

و روایت است از سائب بن یزید گفت بود اذان روز جمعه اول وی

اذا جلس الامام على المنبر على عهد رسول الله صلى الله عليه

وقتیکه می‌نشست امام بر منبر در زمان پیغمبر خدا صلى الله علیه

وسلم وابي بكر وعمر فلما كان عثمان وكثر الناس زاد النداء

وسلم و ابو بکر و عمر پس چون آمد زمان عثمان و بسیار شدند مردم زیاده کرد اذان

الثالث على الزوراء رواه البخاري وعن ابن عمر رضي الله

سیوم را بر مقام زوراء روایت کرد این حدیث را بخاری و از ابن عمر رضی الله تعالی

عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخطب خطبتين كان يجلس اذا

عنه روایت است گفت که بود پیغمبر خدا صلى الله علیه وسلم خطبه میخواند دو خطبه و بود که می‌نشست چون بر می‌آمد

صعد المنبر حتى يفرغ اراه المؤذن ثم يقوم فيخطب ثم يجلس ولا يتكلم ثم

منبر را تا آنکه فارغ میشد گفت راوی گمان می‌برم که گفت ابن عمر حتی یفرغ المؤذن پس میخاست پس خطبه میخواند پس می‌نشست و تکلم نمیکرد پس

يقوم فيخطب رواه ابوداود وعن ابي هريرة رضي الله عنه

میخاست پس خطبه میخواند روایت کرد ابوداود و روایت است از ابوهریره رضی الله عنه

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال الجمعة على من آواه الليل إلى أهله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود جمعه فرض است بر کسیکه جای دهد او را شب بسوی خانه وی

رواه الترمذي وعن طارق بن شهاب قال قال رسول الله صلى

رواه الترمذی و روایت است از طارق بن شهاب رضی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم الجمعة حق واجب على كل مسلم في جماعة إلا

الله علیه وسلم جمعه حق واجب است بر هر مسلمان در جماعت مگر

على أربعة عبد مملوك أو امرأة أو صبي أو مريض رواه أبو داود

بر چهار گروه دیگری بنده که در ملک کسی است دوم زن سوم کودک چهارم بیمار رواه ابو داود

باب بيان إثم ترك الجمعة

این باب در بیان گناه ترک جمعه

وعن ابن مسعود أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لقوم

روایت است از ابن مسعود رضی بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود مر گروهی را که

يتخلفون عن الجمعة لقد هممت أن آمر رجلا يصلي بالناس

پس میمانند از نماز جمعه هر آینه بتحقیق قصد کردم من که بفرمایم مردی را که بگذارد نماز جمعه را با مردم و امامت کند الناس را

ثم أحرق على رجال يتخلفون عن الجمعة بيوتهم رواه مسلم

پس بسوزم بر سر مردانی که حاضر نمیشوند نماز جمعه را خانهای ایشان را رواه مسلم

وعن ابن عباس أن النبي صلى الله عليه وسلم قال من ترك

روایت است از ابن عباس رضی بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ترک کند

الجمعة من غير ضرورة كتب منافقا في كتاب لا يمحى ولا يبدل

نماز جمعه را بی ضرورت نوشته میشود از جمله منافقان در کتابی که محو کرده نمیشود و نه تغیر داده شود

وفي بعض الروايات ثلاثا رواه الشافعي وعن جابر أن رسول الله

و در بعضی روایات واقع شده است سه بار ترک کند جمعه را روایت شافعی و از جابر رضی بدرستیکه پیغمبر

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فعليه

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس فرض است بر وی

الجمعة يوم الجمعة إلا مريض أو مسافر أو امرأة أو صبي أو مملوك

نماز جمعه در روز جمعه مگر بیمار و مسافر و زن و کودک و بنده

فمن استغنى بلهو أو تجارة استغنى الله عنه والله غني حميد

پس هر که بی نیازی کند از نماز جمعه بسبب لهو یا بازرگانی بی نیاز گردد خدا تعالی از وی و خدا تعالی بی نیاز ستوده است

رواه الدارقطني وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

رواه دارقطنی و روایت است از وی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة أنصت والإمام يخطب فقد لغوت

وقتیکه بگوئی مر یار خود را که خاموش باش روز جمعه و حال آنکه امام خطبه میخواند پس بتحقیق بیهوده گفتی

متفق عليه وعن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

متفق علیه و روایت است از جابر رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يقيمن أحدكم أخاه يوم الجمعة ثم يخالف إلى مقعده فيقعد

باید که برنخیزاند یکی از شما برادر خود را روز جمعه پس برود بجای نشستنگاه وی پس بنشیند

فيه ولكن يقول افسحوا رواه مسلم وعن سمرة بن جندب

در وی ولیکن بگوید کشاده کنید جای را رواه مسلم و از سمره بن جندب رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم احضروا الذكر وادنوا من

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر شوید ذکر را یعنی خطبه را و نزدیک شوید از

الإمام فإن الرجل لا يزال يتباعد حتى يؤخر في الجنة وإن دخلها

امام را پس بدرستیکه مرد همیشه دور میشود تا آنکه [illegible]

رواه أبو داود وعن سهل بن معاذ بن أنس الجهني عن أبيه

رواه ابوداود و روایت است از معاذ بن انس جهنی از پدر خود

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من تخطى رقاب الناس يوم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بگذرد بر گردنهای مردم روز

الجمعة اتخذ جسرا الى جهنم رواه الترمذي وعن معاذ بن

جمعه گرفته شود آنکس پل بسوی دوزخ روایت کرد ترمذی و روایت است از معاذ بن

انس ان النبي صلى الله عليه وسلم نهى عن الحبوة يوم الجمعة

انس [illegible] روایت است که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرد از احتبا [illegible] روز جمعه

والامام يخطب رواه الترمذي وابو داود وعن ابن عمر

و امام خطبه میخواند روایت کرد ترمذی و ابو داود و روایت است از ابن عمر

عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا نعس احدكم يوم الجمعة

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون [illegible] یکی از شما روز جمعه

فليتحول من مجلسه ذلك رواه الترمذي وعن نافع قال

پس باید که بگردد از نشستگاه خود که در آنجا نشسته است روایت کرد ترمذی و از نافع [illegible] گفت

سمعت ابن عمر يقول نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم ان يقيم

شنیدم ابن عمر را که میگفت نهی کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم از آنکه [illegible]

الرجل الرجل من مقعده ويجلس فيه قيل لنافع في الجمعة قال

مردی مردی را از جای نشست وی و نشستن وی در آنجا گفته شد مر نافع را این نهی در روز جمعه است

في الجمعة وغيرها متفق عليه وعن عبد الله بن عمرو رض

در جمعه و غیر جمعه متفق علیه است و روایت است از عبد الله بن عمرو

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يحضر الجمعة ثلثة نفر

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حاضر میشوند جمعه را سه نفر

فرجل حضرها يلغو فذلك حظه منها ورجل حضرها بدعاء

پس مردی است که حاضر شود جمعه را [illegible] پس آن حظ او است [illegible]

رجل دعا الله إن شاء أعطاه وإن شاء منعه ورجل حضرها

که دعا کرده است خدا را اگر خواهد خدا تعالی بدهد مطلوب او را و اگر خواهد ندهد و دیگر مردیست که حاضر شد

بإنصات وسكوت ولم يتخط رقبة مسلم ولم يؤذ أحدا فهي

جمعه را با استماع و خاموشی و گذر نکرده است گردن مسلمانی را و ایذا نکرده است کسی را پس این

كفارة إلى الجمعة التي تليها وزيادة ثلاثة أيام وذلك بأن

کفاره است تا جمعه دیگر که متصل است با جمعه و زیادتی سه روز و این بسبب این است

الله يقول من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها رواه أبو داود

که خدا تعالی میگوید هر که بیارد نیکی را پس او راست ده مانند آن رواه ابو داود

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تكلم يوم الجمعة والإمام يخطب فهو كمثل الحمار يحمل

کسی که سخن گوید در روز جمعه در حالا که امام خطبه میخواند پس او مانند خر است که بر میدارد

أسفارا والذي يقول له أنصت ليس له جمعة رواه أحمد

کتابها را بر پشت و آنکس که گوید مر او را خاموش باش نیست مر او را ثواب جمعه رواه احمد

وعن ابن عمر وأبي هريرة أنهما قالا سمعنا رسول الله

روایت است از ابن عمر رض و ابو هریره رض که آن هر دو گفتند که شنیدیم پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول على أعواد منبره لينتهين أقوام

صلی الله علیه وسلم را که میگفت بر چوبهای منبر خود باید که البته باز آیند گروههای مسلمان

عن ودعهم الجمعات أو ليختمن الله على قلوبهم ثم ليكونن

از ترک کردن مردم ایشان جمعه ها را یا مهر کند خدا تعالی بر دلهای ایشان پس هر آیینه باشند

من الغافلين رواه مسلم وعن أبي الجعد الضمري رض

از غافلین رواه مسلم روایت است از ابی جعد ضمری رضی الله عنه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك ثلث جمع
گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند سه جمعه را
تهاونا بها طبع الله على قلبه رواه ابو داود والترمذي والنسائي
از جهة آسان و حقیر پنداشتن آنرا مهر میکند خدا تعالی بر دل وی روایت کرد ابو داود و ترمذی و نسائی
وابن ماجة والدارمي ورواه مالك عن صفوان بن سليم
و ابن ماجه و دارمی و روایت کرد آنرا مالک از صفوان ابن سلیم
واحمد عن ابي قتادة وعن سمرة بن جندب رضي الله عنه قال
و احمد از ابی قتاده و روایت است از سمره بن جندب رضی الله عنه گفت
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من ترك الجمعة من غير
فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه ترک کند جمعه را بغیر
عذر فليتصدق بدينار فان لم يجد فبنصف دينار رواه احمد
عذر شرعی پس باید که تصدق کند بیک دینار پس اگر دینار نیابد پس بنصف دینار تصدق کند روایت کرد احمد
وابو داود وابن ماجة وعن صالح بن ابراهيم بن عبد الرحمن
و ابو داود و ابن ماجه و از صالح بن ابراهیم بن عبد الرحمن
بن عوف قال دخل علينا انس يوم الجمعة والامام يخطب
بن عوف مرویست گفت در آمد بر ما انس رض روز جمعه و حالانکه امام خطبه میخواند
ونحن نتحدث فقال مه فلما اقيمت الصلاة قال اني اخاف
و ما سخن میکردیم پس گفت انس رض خاموش باشید پس هرگاه که تکبیر نماز گفته شد گفت تحقیق که من
ان اكون قد ابطلت جمعتي بقولي لكم مه ابن سعد كر
میترسم باینکه باشم من بدرستیکه باطل کرده شود جمعه من بسبب گفتن من مر شما را خاموش باشید
جمع الجوامع ❊ باب العيدين ❊ وعن ابي سعيد
از جمع الجوامع این باب در بیان احکام عید الفطر و عید الاضحی است و روایت است از ابی سعید

الخدري رضي الله عنه قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يخرج يوم الفطر

الخدری رضی الله عنه گفت بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد روز عید فطر

والأضحى إلى المصلى فأول شيء يبدأ به الصلاة ثم ينصرف

و روز اضحی بسوی مصلی پس نخست چیزی که آغاز میکرد آنحضرت بآن چیز نماز بود پس برمیگشت

ثم يقوم مقابل الناس والناس جلوس على صفوفهم فيعظهم

از نماز پس میایستاد در برابر مردم و حالانکه مردم نشسته بودند بر صفهای خود پس پند میکرد و

ويوصيهم ويأمرهم وإن كان يريد أن يقطع بعثا قطعه

وصیت میکرد ایشان را و امر میکرد ایشان را و اگر میخواست که جدا کند لشکری را جدا میکرد آنرا

أو يأمر بشيء أمر به ثم ينصرف متفق عليه وعن ابن

یا امر میکرد بچیزی امر میکرد آنرا باز بر میگشت متفق علیه و روایت است از ابن

عباس رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من أيام

عباس رضی الله عنهما گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نیست هیچ از روزها

العمل الصالح فيهن أحب إلى الله من هذه الأيام العشر قالوا

که کار نیک در وی دوست تر باشد نزد خدا از این ده روز که ذی الحجه است گفتند

يا رسول الله ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا الجهاد في

ای پیغمبر خدا و نه کارزار کردن در راه خدا فرمود آنحضرت و نه جهاد در

سبيل الله إلا رجل خرج بنفسه وماله فلم يرجع من ذلك

راه خدا مگر جهاد کسی که بیرون آید به نفس خود و مال خود پس باز برنگشت از نفس و نه مال خود

بشيء رواه البخاري وعن أبي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله

بچیزی روایت کرد بخاری و از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ما من أيام أحب إلى الله أن يتعبد له

صلی الله علیه وسلم نیست هیچ روزی از روزها که دوست تر باشد نزد خدا عبادت کردن در آنها

يْهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ صِيَامُ كُلِّ يَوْمٍ مِنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ

در ان روزها از ده ذی حجه برابر است روزه هر روز در ان روزها بروزه یکسال

وَقِيَامُ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهَا بِقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

و برابر است برخاستن هر شب از شبهای آن روزها بنماز شب قدر روایت کرد ترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

ماجه و روایت است از عایشه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ النَّحْرِ أَحَبَّ إِلَى اللهِ مِنْ

وسلم نکرد آدمی هیچ کاری روز نحر دوست‌تر نزدیک خدا از

إِهْرَاقِ الدَّمِ وَإِنَّهُ لَيَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقُرُونِهَا وَأَشْعَارِهَا

ریختن خون و بدرستیکه آن جانور می آید روز قیامت بشاخهای خود و موهای خود

وَأَظْلَافِهَا وَإِنَّ الدَّمَ لَيَقَعُ مِنَ اللهِ بِمَكَانٍ قَبْلَ أَنْ يَقَعَ

و سمهای خود و بدرستیکه خون هر آینه می افتد نزد خدا بمرتبه قبول پیش از آنکه افتد

بِالْأَرْضِ فَطِيبُوا بِهَا نَفْسًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

بزمین پس خوشحال گردانید بدان نفس را روایت کرد ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

و روایت است از زید ابن ارقم گفت گفتند یاران پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا رَسُولَ اللهِ مَا هَذِهِ الْأَضَاحِيُّ قَالَ سُنَّةُ أَبِيكُمْ

علیه وسلم ای پیغمبر خدا چیست این قربانیها چیست اصل این قربانی فرمود این قربانی سنت پدر شما

إِبْرَاهِيمَ قَالُوا فَمَا لَنَا فِيهَا يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ حَسَنَةٌ

ابراهیم است گفتند صحابه پس چیست ما را ازان از جهة ثواب ای رسول خدا فرمود بعوض هر یکی موی نیکی است

قَالُوا فَالصُّوفُ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مِنَ الصُّوفِ حَسَنَةٌ

گفتند پس پشم ای پیغمبر چه پشم وارد چنانکه نمان چیست یا رسول الله فرمود بمقابله هر مویی از پشم حسنه

رواه احمد وابن ماجة وعن عبد الله

رواه احمد و ابن ماجه و روایت است از عبد الله

بن عمرو قال قال رسول الله صلى الله عليه

بن عمرو رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم امرت بيوم الاضحى عيدا جعله الله لهذه

وسلم امر کرده شده ام بروز اضحی در حالیکه این عیدی هست گردانیده آنرا خدا تعالی برای

الامة قال له رجل يا رسول الله أرأيت

این امت گفت آنحضرت را مردی ای پیغمبر خدا که خبر ده مرا

ان لم اجد الا منيحة انثى افاضحي

که اگر نیابم مگر منیحه انثی که ... قربانی کنم

بها قال لا ولكن خذ من شعرك

بدان فرمود نکن و لیکن بگیر از موی خود

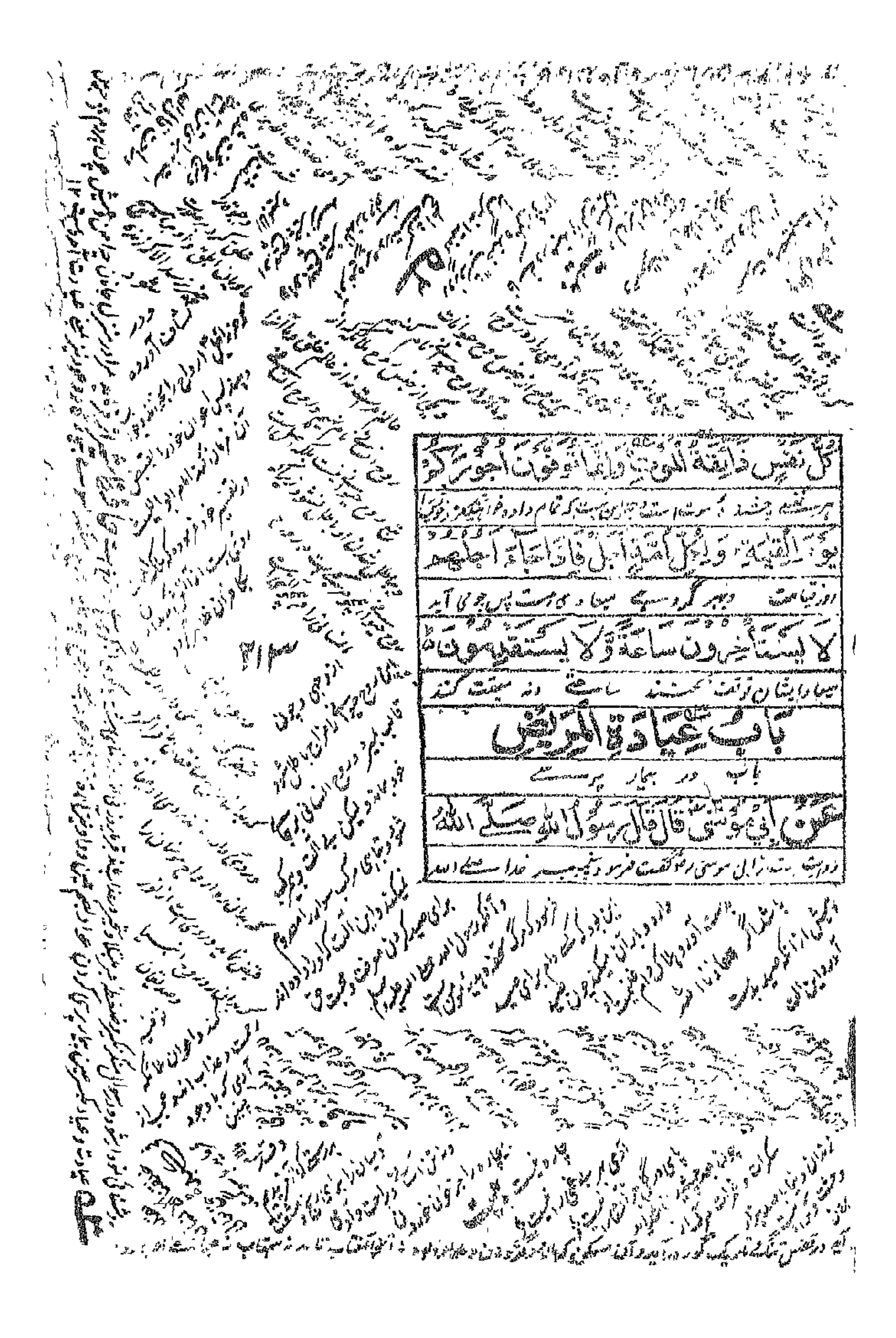
واظفارك وتقص شاربك وتحلق عانتك

و ناخنهای خود و بچین بروتهای خود و بتراش موی زیر ناف خود

فذلك تمام اضحيتك عند الله رواه ابوداود والنسائي

پس آن افعال از تمام قربانی تست نزد خدا تعالی رواه ابوداود و نسائی

كتاب الجنائز



كل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجوركم

هر نفسی چشنده مرگ است و جز این نیست که تمام داده شود مزدهای خود را

يوم القيامة ولكل امة اجل فاذا جاء اجلهم

روز قیامت و هر گروهی را وقتی است پس چون آید

لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

میعاد ایشان تاخیر نکنند ساعتی و نه پیشی کنند

باب عيادة المريض

باب در بیمار پرسی

عن ابي موسى قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از ابی موسی گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله

٢١٣

عليه وسلم اطعموا الجائع وعودوا المريض وفكوا العاني

عليه وسلم طعام دهيد گرسنه را و عيادت كنيد بيمار را و خلاص كنيد اسير را

رواه البخاري وعن ثوبان قال قال رسول الله صلى الله

روايت كرد بخاري و روايت است از ثوبان رض گفت فرمود پيغمبر خدا صلى الله

عليه وسلم ان المسلم اذا عاد اخاه المسلم لم يزل في خرفة

عليه وسلم بدرستيكه مسلمان چون عيادت ميكند برادر خود مسلمان را هميشه ميباشد در چيدن

الجنة حتى يرجع رواه مسلم وعن البراء بن عازب

بهشت تا آنوقت كه باز گردد روايت كرد مسلم و روايت است از براء بن عازب رض

قال امرنا النبي صلى الله عليه وسلم بسبع ونهانا عن سبع

گفت امر كرد ما را آنحضرت صلى الله عليه وسلم از هفت چيز و منع كرد ما را از هفت چيز

امرنا بعيادة المريض واتباع الجنائز وتشميت العاطس

امر كرد به بيمار پرسي و پس روي كردن جنازه ها و دعا كردن عطسه كننده را

ورد السلام واجابة الداعي وابرار المقسم ونصر المظلوم

و جواب سلام دادن و قبول كردن دعوت طعام و راست گردانيدن سوگند خورنده و مدد كردن مظلوم

ونهانا عن خاتم الذهب وعن الحرير والاستبرق والديباج

و منع كرد ما را از انگشتري طلا و از پوشيدن جامه حرير و از پوشيدن استبرق و ديبا

والميثرة الحمراء والقسي وآنية الفضة وفي رواية

و منع كرد از ميثره سرخ و منع كرد از قسي و از آوندهاي نقره و در روايت ديگر

وعن الشرب في الفضة فانه من شرب فيها في الدنيا

و از نوشيدن در نقره پس بدرستيكه كسيكه بنوشد در آوند نقره در دنيا

لم يشرب فيها في الآخرة متفق عليه وعن ابي هريرة رض

ننوشد در آن در آخرة متفق عليه است و روايت است از ابو هريرة رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم حق المسلم على المسلم

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان

خمس رد السلام وعيادة المريض واتباع الجنائز واجابة

پنج است جواب سلام دادن است و بیمار پرسیدن است و پس روی کردن جنازها و قبول کردن

الدعوة وتشميت العاطس متفق عليه وعنه قال قال

دعوت طعام و دعا کردن است عطسه زننده را متفق علیه و روایت است از وی گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم حق المسلم على المسلم ست

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم حق مسلمان بر مسلمان شش است

قيل ما هن يا رسول الله قال اذا لقيته فسلم عليه واذا

گفته شد چه چیز است آن شش ای پیغمبر خدا فرمود چون پیش آئی مسلمان را پس سلام کن او را و چون

دعاك فاجبه واذا استنصحك فانصح له واذا عطس

بخواند ترا بطعام پس اجابت کن او را و چون نصیحت طلب کند از تو پس نصیحت کن مر او را و چون عطسه زند

فحمد الله فشمته واذا مرض فعده واذا مات فاتبعه

پس حمد گوید خدا را پس تشمیت کن او را و چون بیمار شود پس عیادت کن او را و چون بمیرد پس آو کن جنازه او را

رواه مسلم وعن ابي هريرة قال قال رسول الله

رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم ان الله تعالى يقول يوم القيمة

صلی الله علیه وسلم بدرستی خدای تعالی میفرماید در روز قیامت

يا ابن ادم مرضت فلم تعدني قال يا رب كيف اعودك

ای پسر آدم بیمار شدم من پس نکردی بازپرس مرا گوید ای پروردگار من چگونه عیادت کنم ترا

وانت رب العالمين قال اما علمت ان عبدي فلانا مرض

و تو پروردگار جهانیانی گوید خدا آیا ندانستی تو بدرستیکه بنده من فلانی بیمار شد

فلم تعده اما علمت انك لو عدته لوجدتني عنده يا ابن آدم

پس نپرسیدی مرا آیا ندانستی تو که عیادت میکردی آن بنده را هرآینه یافتی مرا نزد وی ای پسر آدم

استطعمتك فلم تطعمني قال يا رب كيف اطعمك وانت

طلب طعام کردم از تو پس ندادی طعام مرا گوید آدمی ای پروردگار چگونه طعام دهم ترا و تو

رب العالمين قال اما علمت انه استطعمك عبدي فلان

پروردگار عالمیانی گوید حق تعالی آیا ندانستی تو که طعام طلبید از تو بنده من فلان

فلم تطعمه اما علمت انك لو اطعمته لوجدت ذلك عندي يا

پس ندادی او را طعام آیا ندانستی تو که اگر طعام میدادی او را هرآینه یافتی تو آن را نزد من ای

يا ابن آدم استسقيتك فلم تسقني قال يا رب كيف اسقيك

ای پسر آدم طلبیدم از تو آب پس ندادی تو مرا گوید آدمی ای پروردگار من چگونه آب دهم ترا

وانت رب العالمين قال استسقاك عبدي فلان فلم تسقه

و تو پروردگار عالمیانی گوید حق تعالی آب طلبید از تو بنده من فلان پس ندادی او را

اما علمت انك لو سقيته وجدت ذلك عندي رواه

آیا ندانستی تو که اگر آب میدادی او را هرآینه یافتی آن را نزد من روایت کرد

مسلم وعن عائشة قالت كان رسول الله صلى الله

مسلم و روایت است از عایشه رض گفت بود پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم اذا اشتكى منا انسان مسحه بيمينه ثم قال

علیه وسلم چون بیمار میشد از ما آدمی مسح میکرد او را بدست راست خود پس میگفت ببر

اذهب البأس رب الناس واشف انت الشافي لا شفاء

که بیماری را ای پروردگار مردمان و شفا ده تو شفا دهنده نیست

الا شفاؤك شفاء لا يغادر سقما متفق عليه وعن علي

شفا مگر شفای تو شفائی که نگذارد بیماری را متفق علیه و روایت است از علی رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من مسلم

گفت علی شنیدم پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم را میگفت نیست هیچ مسلمانی

يعود مسلما غدوة الا صلى عليه سبعون الف ملك حتى

که بیمار پرسی کند مسلمانی را در وقت بامداد مگر آنکه صلوة بفرستند بروی هفتاد هزار فرشته تا آنکه

يمسي وان عاده عشية الا صلى عليه سبعون الف ملك

شام کند و اگر عیادت کرد او را بوقت شام مگر دعای رحمت کنند بروی هفتاد هزار فرشته

حتى يصبح وكان له خريف في الجنة رواه الترمذي وابو داود

تا آنکه صبح کند و باشد مر وی را بستانی در بهشت روایت کرد ترمذی و ابو داود

وعن انس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من توضأ فاحسن الوضوء وعاد اخاه المسلم محتسبا

کسیکه وضو کند پس نیکو کند وضو را و بیمار پرسی کند برادر مسلمان را بقصد ثواب

بوعد من جهنم مسيرة ستين خريفا رواه ابو داود

دور کرده شود از دوزخ مقدار راه شصت سال روایت ابو داود

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم ما من مسلم يعود مسلما فيقول سبع مرات اسئل

وسلم نیست هیچ مسلمانی که عیادت کند مسلمانی را پس بگوید هفت کرت سوال میکنم

الله العظيم رب العرش العظيم ان يشفيك الا شفي

خدای بزرگ را که پروردگار عرش بزرگ است که تندرستی دهد ترا مگر آنکه تندرستی داده شود

الا ان يكون قد حضر اجله رواه ابو داود والترمذي

آن مسلمان مگر آنکه باشد که تحقیق حاضر شده وقت مرگ او روایت ابو داود و ترمذی

وعن أبي سعيد قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم إذا دخلتم على المريض فنفّسوا له في أجله فإنّ ذلك

وسلم چون در آئید بر بیمار برای عیادت پس گشاده دهید و بر بیم اورا در درازی مدت حیات

لا يردّ شيئا ويطيب بنفسه رواه الترمذي وابن ماجة

زیرا که نفس باز نمیگرداند چیزی را که مقدر است و خوش میگرداند نفس او را رواه ترمذی و ابن ماجه

وقال الترمذي هذا حديث غريب وعن ابن عباس رض

و گفت ترمذی این حدیث غریب است و روایت است از ابن عباس رض

قال إنّ عليا خرج من عند النبي صلى الله عليه وسلم

گفت که علی رض برآمد از نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

في وجعه الذي توفي فيه فقال الناس يا أبا الحسن كيف

در بیماری که وفات کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم در وی پس گفتند مردم ای ابو الحسن چگونه

أصبح رسول الله صلى الله عليه وسلم قال أصبح بحمد الله

صبح کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت شکر کرده شد بخدا

بارئا رواه البخاري وعن جابر قال قال رسول الله

بشوده از بیماری رواه بخاری و روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم من عاد مريضا لم يزل يخوض الرحمة

صلی الله علیه وسلم کسیکه بپرسد بیماری را همیشه درآید در دریای رحمت را

حتى يجلس فإذا جلس اغتمس فيها رواه مالك وأحمد

تا آنکه بنشیند پس چون بنشیند غوطه میخورد در آن رواه مالک و احمد

وعن ابن عباس قال من السنة تخفيف الجلوس

و روایت است از ابن عباس رض گفت از سنت است سبکی کردن نشستن

وَقِلَّةُ الصَّخَبِ فِي الْعِيَادَةِ عِنْدَ الْمَرِيضِ قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللهِ

و کم کردن بانگ و فریاد در عیادت نزد بیمار گفت ابن عباس و فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا كَثُرَ لَغَطُهُمْ وَاخْتِلَافُهُمْ قُومُوا عَنِّي

صلی الله علیه وسلم هرگاه که بسیار شد آواز اصحاب آنحضرت و اختلاف ایشان برخیزید از نزد من

رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه رزین و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ عَادَ مَرِيضًا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ

صلی الله علیه وسلم کسیکه پرسید بیمارے را آواز میدهد آواز دهنده از آسمان

طِبْتَ وَطَابَ مَمْشَاكَ وَتَبَوَّأْتَ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا رَوَاهُ

یعنی فرشته خوشی باد ترا در دنیا و خوش باد رفتن تو یا جای مشی تو در آخرت و گرفتی تو از بهشت منزلی را

ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

رواه ابن ماجه و روایت است از عمر ابن الخطاب رض گفت فرمود پیغمبر خدا

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَمُرْهُ يَدْعُو

صلی الله علیه وسلم چون درآئی بر بیمارے پس بفرما او را که دعا کند

لَكَ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

ترا زیرا که دعای او یعنی بیمار مانند دعای فرشتگان است رواه ابن ماجه

بَابُ مَا جَاءَ فِي أَجْرِ الْمُصَابِ إِذَا صَبَرَ عَلَيْهَا

باب احادیثی که وارد شده در اجر مصائب و محنتے که صبر بر آن کند

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُصِبْ مِنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

کسیکه بخواهد خدا تعالی با آنکس نیکی را گرفته میشود بلا یا بیماری در وی رواه بخاری و از وی

وعن ابي سعيد الخدري عن النبي صلى الله

و از ابي سعيد خدري مرويست از آنحضرت صلى الله

عليه وسلم قال ما يصيب المسلم من نصب

عليه وسلم فرمود نميرسد مسلمان را از هيچ رنج و تعب

ولا وصب ولا هم ولا حزن ولا اذى ولا

و نميرسد درد و نه اندوه و نه غم و نه آزار و نه

غم حتى الشوكة يشاكها الا كفر الله بها

اندوه تا آنكه خلانيده ميشود آن را مگر آنكه مي پوشد خدا با اين

من خطاياه متفق عليه وعن عبد الله

از گناهان او … متفق عليه وروايت است از عبد الله

بن مسعود قال دخلت على النبي صلى الله

بن مسعود گفت درآمدم بر آنحضرت صلى الله

عليه وسلم وهو يوعك فمسسته بيدي

عليه وسلم در حاليكه تب داده شده بود پس بسودم آنحضرت بدست خود

فقلت يا رسول الله انك لتوعك وعكا

پس گفتم اي پيغامبر خدا بدرستيكه تو هر آينه تب داده ميشوي تب دادني

شديدا فقال النبي صلى الله عليه وسلم

سخت پس فرمود پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم

أجل إني أوعك كما يوعك رجلان منكم قال فقلت

آرے تب زده میشوم چنانکه تب زده میشوند دو مرد از شما ابن مسعود گوید پس گفتم

ذلك لأن لك أجرين فقال أجل ثم قال ما من

آن بسبب شدت تپ بسبب آنست که ترا دو اجر است پس گفت آنحضرت آری پس گفت آنحضرت نیست

مسلم يصيبه أذى من مرض فما سواه إلا حط الله

هیچ مسلمانی که برسد او را آزاری از بیماری و از غیر بیماری مگر آنکه فرو می افگند خدا

به سيئاته كما تحط الشجرة ورقها متفق عليه

بسبب آن گناهان او را چنانکه فرو افگند درخت برگ هاے خود را متفق علیه است

وعن جابر رض قال دخل رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت در آمد پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم على أم السائب فقال ما لك تزفزفين

وسلم بر مادر سائب پس گفت آنحضرت چه شد ترا که میلرزی

قالت الحمى لا بارك الله فيها فقال لا تسبي الحمى

گفت ام سائب سبب لرزیدن من تپ است برکت نکند خدا در وے پس گفت مکن دشنام تپ را

فإنها تذهب خطايا بني آدم كما يذهب الكير خبث

زیراکه تپ می برد گناهان بنی آدم را چنانکه مے برد دم آهنگر چرک

الحديد رواه مسلم وعن أبي موسى قال قال

آهن را رواه مسلم و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا مرض العبد

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چون بیمار شود بنده

أو سافر كتب له بمثل ما كان يعمل مقيما صحيحا

[illegible]

رواه البخاري وعن كعب بن مالك قال قال

رواه البخاری و روایت است از کعب بن مالک گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن كمثل

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم حال مومن همچو حال

الخامة من الزرع تفيئها الرياح تصرعها مرة

شاخ تر و نرم از کشت است مایل و راجع میگردانند آنرا بادها که می افگنند آنرا یکبار گی

وتعدلها أخرى حتى يأتيه أجله ومثل المنافق

و راست میگردانند آنرا بار دیگر تا آنکه می آید او را وقت موت و حال منافق

كمثل الأرزة المجذية التي لا يصيبها شيء حتى يكون

همچو حال درخت صنوبر است که محکم و ثابت است آن درخت که نمی رسد آنرا چیزی از بادها تا آنکه

انجعافها مرة واحدة متفق عليه وعن أبي هريرة

می باشد افتادن آن درخت یکبارگی متفق علیه و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل المؤمن

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم حال مومن

كمثل الزرع لا تزال الريح تميله ولا يزال المؤمن

همچو حال کشت است که همیشه باد مایل میگرداند و همیشه است مومن

يصيبه البلاء ومثل المنافق كشجرة الأرزة لا تهتز

که می رسد او را بلا و حال منافق همچو حال درخت صنوبر است که نمی جنبد

حتى تستحصد متفق عليه وعن أسامة بن زيد

تا آنکه درویده شود و بریده شود متفق علیه و روایت است از اسامه بن زید

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الطاعون

گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم طاعون

رجزا ارسل على طائفة من بني اسرائيل او على من

عذابی ست که فرستاده شده ست بر گروهی از بنی اسرائیل یا بر کسانیکه

كان قبلكم فاذا سمعتم به بارض فلا تقدموا عليه

بودند پیش از شما پس چون بشنوید شما طاعون را در زمینی پس پیش نیائید بران زمین

واذا وقع بارض وانتم بها فلا تخرجوا فرارا منه

وچون بیفتد طاعون بر زمینی حال آنکه شما دران زمین باشید پس بیرون نیائید بجهت گریختن ازان

متفق عليه وعن انس رض قال سمعت النبي

متفق علیه ست و روایت ست از انس رض گفت شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول قال الله سبحانه وتعالى

صلی الله علیه وسلم را که میگفت میگوید الله سبحانه وتعالی

اذا ابتليت عبدي بحبيبتيه ثم صبر عوضته منهما

چون مبتلا گردانم بنده خود را بدو محبوب وی پس صبر کند این بنده عوض دهم آن

الجنة يريد عينيه رواه البخاري وعن علي بن

بنده را از حبیبتین بهشت را که میخواهد دو چشم وی رواه البخاری و روایت ست از علی بن

زيد عن امية انها سالت عائشة عن قول الله عز

زید از امیه پرسید که امیه پرسید از عائشه رض از حقیقت معنی قول حق جل

وجل ان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم

وعلا که اگر آشکارا کنید چیزی را که در دلهای شماست یا نهان دارید آنرا حساب کند شما را

به الله وعن قوله عز وجل من يعمل سوءا يجز به

بآن خدای تعالی و پرسید از قول وی تعالی (هر که بکند بدی را پاداش داده شود بآن)

فقالت ما سالني عنها احد منذ سالت رسول الله

پس گفت عائشه رض سوال نکرد مرا از بیان محاسبه و مجازات هیچ یکی از آنگاه که پرسیدم پیغامبر خدا را

صلى الله عليه وسلم فقال هذه معاتبة الله العبد

صلی الله علیه وسلم پس گفت آنحضرت این عتاب و مجازات خدای تعالی است بنده را

بما يصيبه من الحمى والنكبة حتى البضاعة

بآنچه میرسد بنده را از تپ و از نکبت تا آنکه این مصیبت که پاره از مال

يضعها في يد قميصه فيفقدها فيفزع لها حتى

می نهد بنده آنرا در دست پیراهن خود پس گم میکند آن بضاعت را پس می ترسد از آن بضاعت را تا آنکه

ان العبد ليخرج من ذنوبه كما يخرج التبر

بنده هر آئینه بیرون می آید از گناهان خود چنانکه بیرون می آید زر

الاحمر من الكير رواه الترمذي وعن

از روایت کرده ترمذی و روایت است از

ابي موسى ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی موسی رضه که بدرستیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

قال لا يصيب عبدا نكبة فما فوقها او دونها

فرمود نمیرسد هیچ بنده را مصیبتی پس آنچه بالای اوست یا فروتر ازوست

الا بذنب وما يعفو الله عنه اكثر وقرأ

مگر بسبب گناهی که کرده است و آنچه عفو و محو میکند خدای تعالی از وی بیشتر است و خواند آنحضرت این آیت را

وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم

که و هر چه میرسد شما را از مصیبت پس بسبب چیزیست که کرده است آنرا دستهای شما

ويعفو عن كثير رواه الترمذي وعن

و عفو میکند خدای تعالی از بسیاری ازان روایت کرده ترمذی و روایت است از

عبد الله بن عمر قال قال رسول الله صلى الله

عبد الله بن عمر رض گفت گفت پیغمبر خدا

عليه وسلم إن العبد إذا كان على طريقة حسنة من

عليه وسلم بدرستيكه بنده چون بوده باشد بر حالت نيك از

العبادة ثم مرض قيل للملك الموكل به اكتب له

عبادت پس بيمار شود گفته ميشود مر فرشته را كه گماشته شده است بروى بنويس

مثل عمله إذا كان طليقا حتى أطلقه أو أكفته

براى وى مانند عمل او وقتيكه بود رها غير مقيد باين بيمارى تا آنكه رها كنم او را يا ملحق گردانم او را

إلي وعن أنس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم

بسوى خود و روايت است از انس بدرستيكه رسول الله صلى الله عليه وسلم

قال إذا ابتلي المسلم ببلاء في جسده قيل للملك اكتب له

گفت چون مبتلا كرده شود مسلمان ببلائى در تن او گفته ميشود مر فرشته را بنويس براى وى

صالح عمله الذي كان يعمل فإن شفاه غسله وطهره

عمل نيك ويرا كه ميكرد پس اگر شفا دهد او را بشويد او را و پاك كند او را

وإن قبضه غفر له ورحمه رواهما في شرح السنة

و اگر قبض كند او را بيامرزد او را و رحمت كند او را روايت كرده اين دو حديث را در شرح السنة

وَعَنْ سَعْدٍ قَالَ سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَيُّ النَّاسِ

روایت است از سعد ابن ابی وقاص رضی گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کدام از

اَشَدُّ بَلَاءً قَالَ الْاَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْاَمْثَلُ فَالْاَمْثَلُ وَيُبْتَلَى الرَّجُلُ

سخت تر است از روی بلا و آزمایش فرمود سخت ترین از آدمیان در بلا پیغامبران اند پس هر که فاضل

عَلٰى حَسَبِ دِيْنِهٖ فَاِنْ كَانَ فِيْ دِيْنِهٖ صُلْبًا اِشْتَدَّ بَلَاؤُهٗ وَاِنْ كَانَ

از روی مرتبه از غیر پیغمبران و مبتلا گردانیده می شود مرد بر اندازه دین وی پس اگر باشد در دین خود سخت سخت

فِيْ دِيْنِهٖ رِقَّةٌ هُوِّنَ عَلَيْهِ فَمَا زَالَ كَذٰلِكَ حَتّٰى يَمْشِيَ مَا لَهٗ

در دین وی نرمی و تنگی سبک کرده می شود بروی پس همیشه چنین حال است تا آنکه می رود بر زمین و حال آنکه نیست

ذَنْبٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ

مر او را گناهی رواه ترمذی و ابن ماجه و الدارمی و گفت ترمذی

هٰذَا حَدِيْثٌ حَسَنٌ صَحِيْحٌ وَعَنْ اَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

این حدیث حسن صحیح است و روایت است از انس رضی گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ

صلی الله علیه وسلم بدرستی بزرگی پاداشت با بزرگی

الْبَلَاءِ وَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اِذَا اَحَبَّ قَوْمًا

بلا است و بدرستی که خدا تعالی بزرگ و برتر چون دوست میدارد گروهی را

اِبْتَلَاهُمْ فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضٰى وَمَنْ سَخِطَ

مبتلا گرداند ایشان را پس هر که خوشنود بود از خدا و بلا او پس مر او راست خوشنودی و هر که

فَلَهُ السُّخْطُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ

پس مر او راست خشم او رواه الترمذی و ابن

مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ماجه و از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم إذا أراد الله بعبده الخير عجل له

عليه وسلم چون خواهد خدا تعالى به بنده خود نيكى را شتاب ميكند

العقوبة في الدنيا وإذا أراد الله بعبده الشر

سزای گناهان او را در دنيا و چون خواهد خدا تعالى به بنده خود بدى را

أمسك عنه بذنبه حتى يوافيه به يوم

نگاه دارد از وی عقوبت وی گناه او را تا آنکه تمام بدهد او را

القيامة رواه الترمذي وعن أبي هريرة

آنچه مستحق است روز قيامت روايت كرد آن را الترمذي و روايت است از ابی هريره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يزال

گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم هميشه مى باشد

البلاء بالمؤمن والمؤمنة في نفسه وماله وولده

بلا در مرد مسلمان يا زن مسلمان در ذات هر يكی و در مال هر يكی و در اولاد هر يكی

حتى يلقى الله وما عليه من خطيئة رواه

تا آنکه ملاقی شود خدا را در روز قيامت و حال آنکه نيست بر وی هيچ گناهی

الترمذي وروى مالك نحوه وعن محمد بن خالد

رواه الترمذي و روايت كرد مالك مانند وی و روايت است از محمد بن

السلمي عن أبيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه

خالد السلمی از پدرش از جدش گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم إن العبد إذا سبقت له من الله منزلة لم

وسلم بدرستی كه بنده چون پيش شده باشد برای وی از خدا مرتبه در علم

يبلغها بعمله ابتلاه الله في جسده أو في ماله أو في ولده ثم

كه نه رسيده باشد بدان بنده به عمل خود مبتلا كرد او را خدا تعالی در بدن وی

على ذلك حتى يبلغه المنزلة التي سبقت له من الله

بر آن خدا تعالى بر آن بلا تا آنكه مى رساند اين بلا بنده را بمرتبه كه گذشته است مر او را از

رواه احمد وابو داود وعن عبد الله بن شخير

رواه احمد و ابوداود و روايت است از عبد الله بن شخير

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مثل ابن آدم

گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم تصوير كرده شد فرزند آدم

والى جنبه تسع وتسعون منية ان اخطاته المنايا وقع في

و حال آنكه بجانب پهلوى اوست نود و نه مرگ اگر خطا مى كند او را مرگها و آيد

الهرم حتى يموت رواه الترمذي وقال هذا حديث غريب

به پيرى تا آنكه بميرد رواه ترمذى و گفته است اين حديث غريب است

وعن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه

و از جابر رض مرويست گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم يود اهل العافية يوم القيامة حين يعطى اهل

وسلم دوست ميدارد اهل عافيت روز قيامت وقتيكه داده شوند اهل

البلاء الثواب لو ان جلودهم كانت قرضت في الدنيا

بلا ثواب اين را كاشكه پوستهاى ايشان بريده و پاره پاره كرده ميشد در دنيا

بالمقاريض رواه الترمذي وقال هذا حديث غريب

بمقراضها رواه ترمذى و گفته است كه اين حديث غريب است

وعن عامر الرام قال ذكر رسول الله الاسقام

و روايت است از عامر رام بتخفيف ميم گفت ذكر كرد پيغامبر خدا بيماريها را

فقال ان المؤمن اذا اصابه السقم

پس فرمود كه مسلمان چون ميرسد او را بيمارى

ثُمَّ عَافَاهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ كَانَ كَفَّارَةً لِمَا مَضٰى مِنْ
پیشتر صحت می بخشد اورا خدا تعالی ازان می باشد پوشنده مر گناهان گذشته را
ذُنُوْبِهٖ وَمَوْعِظَةً لَهٗ فِيْمَا يَسْتَقْبِلُ وَاِنَّ الْمُنَافِقَ
و می باشد نصیحت و پند مر اورا در انچه پیش می آید از زمان و بدرستی که منافق
اِذَا مَرِضَ ثُمَّ اُعْفِيَ كَانَ كَالْبَعِيْرِ عَقَلَهٗ اَهْلُهٗ ثُمَّ
چون بیمار شود پس عافیت داده شود می باشد مانند شتر که ببستند اورا کسان او پس
اَرْسَلُوْهُ فَلَمْ يَدْرِ لِمَ عَقَلُوْهُ وَلِمَ اَرْسَلُوْهُ فَقَالَ
رها کردند اورا پس نیافت آن شتر بجهت عدم تمیز که چرا ببستند اورا و چرا گشادند اورا پس گفت
رَجُلٌ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَا الْاَسْقَامُ وَاللّٰهِ مَا مَرِضْتُ
مردی ای پیغامبر خدا چه چیز است بیماری ها بخدا سوگند بیمار نشده ام من
قَطُّ فَقَالَ قُمْ عَنَّا فَلَسْتَ مِنَّا رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ
هرگز پس فرمود آنحضرت برخیز از پیش ما پس نیستی تو از ما رواه ابوداود و روایت است از
عَطَاءِ بْنِ اَبِيْ رَبَاحٍ قَالَ قَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ اَلَا اُرِيْكَ
عطاء بن ابی رباح گفت فرمود مرا ابن عباس آیا بنمایم ترا
امْرَاَةً مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ قُلْتُ بَلٰى قَالَ هٰذِهِ
زنی از اهل بهشت گفتم بلی بنما گفت این
الْمَرْاَةُ السَّوْدَاءُ اَتَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
زن سیاه که نام وی سعدا بود آمد این پیغامبر خدا را صلی الله علیه وسلم
فَقَالَتْ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنِّيْ اُصْرَعُ وَاِنِّيْ اَتَكَشَّفُ
پس گفت ای پیغامبر خدا بدرستی که من صرع زده میشوم و بدرستی که من برهنه میشوم
فَادْعُ اللّٰهَ لِيْ فَقَالَ اِنْ شِئْتِ صَبَرْتِ وَلَكِ الْجَنَّةُ
پس دعا کن خدا را برای من پس فرمود آنحضرت اگر خواهی صبر کنی و باشد مر ترا بهشت

وان شئت دعوت الله ان يعافيك فقالت

و اگر خواهی دعا کنم خدای را که عافیت دهد ترا پس گفت آن زن

اصبر فقالت اني اتكشف فادع الله ان لا

صبر میکنم پس گفت آن زن که من برهنه میشوم پس دعا کن خدا را که

اتكشف فدعا لها متفق عليه وعن يحيى

برهنه نشوم پس دعا فرمود آنحضرت صلعم مر آن زن را متفق علیه و روایت از یحیی

بن سعيد قال ان رجلا جاءه الموت في زمن

بن سعید رض که گفت مردی که آمد او را موت در زمان

رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال رجل

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم پس گفت مردی دیگر

هنيئا له مات ولم يبتل بمرض فقال رسول الله

گوارا بادی مر او را که مرد و مبتلا نگردانیده شد بمرضی پس فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم ويحك ما يدريك لو ان

صلی الله علیه وسلم وای بر تو عجب است ترا چه چیز دانا نید ترا اگر می بود اینکه

الله ابتلاه بمرض فكفر عنه من سيئاته رواه

خدا تعالی مبتلا میکرد او را به بیماری پس کفاره میکرد از وی از بدیهای او روایه

مالك مرسلا وعن شداد بن اوس

مالک از روی مرسل و روایت است از شداد بن اوس

وَالصُّنَابِحِيِّ أَنَّهُمَا دَخَلَا عَلَى رَجُلٍ مَرِيضٍ يَعُودَانِهِ فَقَالَا

و الصنابحی که ایشان در آمدند بر مرد بیمار در حالیکه عیادت کنند او را پس گفتند

لَهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ أَصْبَحْتُ بِنِعْمَةٍ قَالَ شَدَّادٌ أَبْشِرْ

مر او را که چگونه صبح کردی گفت آمرزد صبح کردم در نعمت گفت شداد خوش خبر و خوشحال باش

بِكَفَّارَاتِ السَّيِّئَاتِ وَحَطِّ الْخَطَايَا فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ

بخصلتهای که پوشنده است بدیها را و بیفکنده افکندن گناهان زیرا که شنیدم پیغمبر خدا را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّا

صلی الله علیه وسلم که میگفت که خدا تعالی عز و جل میگوید که

أَنَا ابْتَلَيْتُ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي مُؤْمِنًا فَحَمِدَنِي عَلَى مَا

من مبتلا میگردانم بنده را از بندگان خود که مومن است پس ثنا کند آن بنده مرا بر

ابْتَلَيْتُهُ فَإِنَّهُ يَقُومُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ

مبتلا گردانیدن من او را پس بدرستیکه آن بنده بر میخیزد از خوابگاه خود در آن روز زاییده بود او را

أُمُّهُ مِنَ الْخَطَايَا وَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَا

مادر او از گناهان و میگوید پروردگار تبارک و تعالی من

قَيَّدْتُ عَبْدِي وَابْتَلَيْتُهُ فَأَجْرُوا لَهُ مَا كُنْتُمْ تُجْرُونَ لَهُ

بند کردم بنده خود را و مبتلا گردانیدم او را پس اجر کنید برای وی اعمال خیر که می بودید که جاری کرده باشید او را

وَهُوَ صَحِيحٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

در حالیکه تندرست بوده روایت احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت ابوهریره

ذُكِرَتِ الْحُمَّى عِنْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَبَّهَا

ذکر کرده شد تپ را نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس دشنام کرد آنرا

رَجُلٌ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبَّهَا فَإِنَّهَا تَنْفِي

مردی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دشنام مکو تپ را زیرا که آن دور میکند

الذنوب كما تنفي النار خبث الحديد رواه ابن ماجة

گناهان را چنانکه دور میکند آتش چرک آهن را رواه ابن ماجه

وعنه قال ان رسول الله صلى الله عليه وسلم عاد

وهم از ابی هریره رض گفت بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم عیادت کرد

مريضا فقال ابشر فان الله تعالى يقول هي ناري

بیماری را که تب داشت پس فرمود خوش باش زیرا که بدرستیکه حق تعالی میفرماید تب آتش من است

اسلطها على عبدي المؤمن في الدنيا لتكون حظه من

مسلط میکنم آنرا بر بندهٔ خود که مومن است در دنیا تا باشد تب بخشش آن بنده از

النار يوم القيمة رواه احمد وابن ماجة والبيهقي في

آتش دوزخ روز قیامت رواه احمد و ابن ماجه و بیهقی در

شعب الايمان وعن انس رض ان رسول الله صلى

شعب ایمان و روایت است از انس رض که آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قال ان الرب سبحانه وتعالى يقول

الله علیه وسلم فرمود که پروردگار سبحانه و تعالی میفرماید

وعزتي وجلالي لا اخرج احدا من الدنيا اريد اغفر

سوگند بعزت ذات من و جلال صفت من بیرون نمی آرم هیچ یکی را از دنیا میخواهم بیامرزم

له حتى استوفي كل خطيئة في عنقه بسقم في بدنه

مر اورا تا آنکه میگیرم جزای هر گناهی را که در گردن اوست بسبب بیماری در تن وی

واقتار في رزقه رواه رزين وعن شقيق قال

و تنگی در روزی وی رواه رزین و روایت است از شقیق گفت

مرض عبد الله فعدناه فجعل يبكي فعوتب فقال اني

بیمار شد عبد الله بن مسعود پس عیادت کردیم او را پس گریستن گرفت پس ملامت کرده شد پس گفت بدرستیکه

لا أبكي لأجل المرض لأني سمعت النبي صلى الله عليه

من نمیگریم از بهر بیماری زیرا که من شنیدم پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وسلم يقول المرض كفارة وإنما أبكي أنه أصابني على

و سلم که میفرمود بیماری کفاره است گناهان را و نمیگریم مگر از جهت آنکه رسید بیماری مرا بر

حال فترة ولم يصبني في حال اجتهاد لأنه يكتب للعبد

حال فتور و ضعف پیری و نرسید مرا مرض در حال قوت و کوشش زیرا که نوشته میشود مر بنده را

من الأجر إذا مرض ما كان يكتب له قبل أن يمرض فمنعه

از مزد وقتیکه بیمار میشود چیزیکه نوشته میشود مر او را پیش از آنکه بیمار گردد پس باز داشته بنده را

منه المرض رواه رزين وعن أنس سمعت رسول الله

از آن عمل بیماری روایت کرد آن را رزین و روایت است از انس رض شنیدم من پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم يقول أيما رجل عاد مريضا فإنما يخوض

صلی الله علیه و سلم که میفرمود هر مردیکه بپرسد بیمار را پس جز این نیست که میدر آید

في الرحمة فإذا قعد عند المريض غمرته الرحمة هذا الصحيح

در رحمت را پس چون نشیند نزد بیمار غرق میسازد آنرا رحمت (الخ) صحیح است

فما للمريض قال تحط ذنوبه هب وعن أنس

پس چه قدر ثواب باشد بیمار را گفت ساقط میشود گناهان او و روایت است از انس رض

قال عطس عثمان بن عفان عند النبي صلى الله عليه وسلم

گفت عطسه زد عثمان بن عفان نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم

فقال النبي صلى الله عليه وسلم ألا أبشرك فقال بلى

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم آیا خوش خبری ندهم ترا گفت آری

بأبي أنت وأمي قال هذا جبريل يخبرني عن الله تعالى

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است که خبر میدهد مرا از جانب خدای تعالی

أيّما مؤمنٍ عطش ثلث عطشات ستّ الليالي إلّا كان

نمی ماند مومن تشنه بسه تشنگیها ... بیاسپید مگر آنکه حق باشد

الإيمان ثابت في قلبه الدليل

ایمان او ثابت و قوی در دل وی ... دلیلی

باب تمنّي الموت وذكره

باب در آرزو کردن موت و ذکر آن

عن أبي هريرة رضـ قال قال رسول الله صلّى الله عليه وسلّم

در روایت از ابی هریره رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يتمنّى أحدكم الموت إمّا محسنًا فلعلّه أن يزداد خيرًا

آرزو نکند یکی از شما مرگ را یا او نیکوکار باشد پس شاید که زیاده کند ... نیکی را

وإمّا مسيئًا فلعلّه أن يستعتب رواه البخاري

و یا آنکه می باشد بدکار پس شاید که وی طلب کند رضای حق را ... رواه بخاری

وعنه قال قال رسول الله صلّى الله عليه وسلّم

و هم از وی روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا يتمنّى أحدكم الموت ولا يدعُ به من قبل أن يأتيه

که آرزو نکند یکی از شما موت را و دعا نکند بوی پیش از آنکه بیاید مرگ او را

إنّه إذا مات انقطع أمله وإنّه لا يزيد المؤمن عمره

بدرستیکه او وقتیکه بمیرد بریده میشود امید او و بدرستیکه زیاد نمیکند مسلمان را عمر وی

إلّا خيرًا رواه مسلم وكرهه ... را که در کردن او است بسبب بیماری ...

مگر نیکی را ... رواه مسلم

وعن شقيق قال ... صلّى الله عليه وسلّم ورفقه رواه رزين

... در رفاقت وی ... رواه رزین ... و روایت است از شقیق گفت

صلی الله

عبد الله فعدنا فجعل يبكي فعوتب فقال

... عبد الله بن مسعود ... پس عیادت کردیم او را پس گریستن گرفت پس ملامت کرده شد پس گفت

اصابه وان كان لا بد فاعلا فليقل اللهم

رسیده است او را پس اگر هست البته آرزو کننده پس باید بگوید خداوندا

احيني ما كانت الحيوة خيرا لي وتوفني

زنده دار مرا تا آنزمانیکه باشد زندگی بهتر مرا و بمیران مرا

اذا كانت الوفاة خيرا لي متفق عليه

وقتیکه باشد مردن بهتر مرا متفق علیه

وعن عبادة بن الصامت رضه قال قال

و روایتست از عباده بن الصامت رضه گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من احب

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه دوست دارد

لقاء الله احب الله لقاءه ومن كره لقاء

لقای خدا را دوست دارد خدا ملاقات او را و کسیکه ناخوش دارد لقای

الله كره الله لقاءه فقالت عائشة رضه

خدا را ناخوش دارد خدا ملاقات او را پس گفت عایشه صدیقه رضه

او بعض ازواجه انا لنكره الموت قال

یا گفت بعضی از زنان آنحضرت [illegible] ما مکروه میداریم موت را فرمود

[illegible] النبي صلى الله عليه وسلم حضره الموت

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم [illegible]

بابي انت وامي قال هذا جبرئيل يخبرني عن الله

فدای تو باد مادر و پدر من فرمود این جبرئیل است که خبر میدهد مرا از جانب

بُشِّرَ بِرِضْوَانِ اللهِ وَكَرَامَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا

بشارت داده شود برضای خدای تعالی وکرامت او پس نیست هیچ چیزی محبوبتر بسوی وی از چیزی

أَمَامَهُ فَأَحَبَّ لِقَاءَ اللهِ وَأَحَبَّ اللهُ لِقَاءَهُ وَإِنَّ الْكَافِرَ

که پیش اوست پس دوست دارد مومن لقای خدا را و دوست دارد خدا لقاء او را و بدرستیکه کافر

إِذَا حُضِرَ بُشِّرَ بِعَذَابِ اللهِ وَعُقُوبَتِهِ فَلَيْسَ شَيْءٌ أَكْرَهَ

چون حاضر کرده شود مرگ او را خبر داده شود بعذاب خدا و سزا دادن وی پس نیست هیچ چیز مکروه‌تر

إِلَيْهِ مِمَّا أَمَامَهُ فَكَرِهَ لِقَاءَ اللهِ وَكَرِهَ اللهُ لِقَاءَهُ

بسوی وی از چیزی که پیش اوست پس ناخوش دارد کافر لقای خدا را و ناخوش میدارد خدای تعالی لقای او را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةِ عَائِشَةَ وَالْمَوْتُ قَبْلَ لِقَاءِ اللهِ

متفق علیه و در روایت عائشه صدیقه است و موت پیش از لقای خداست یعنی مقدمه آن است

وَعَنْ أَبِي قَتَادَةَ رض أَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ

و از ابی قتاده مرویست که وی بود که حدیث میکرد که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُرَّ عَلَيْهِ بِجَنَازَةٍ فَقَالَ مُسْتَرِيحٌ

صلی الله علیه وسلم گذرانیده شد بروی جنازه پس فرمود آنحضرت آرمیده یا

أَوْ مُسْتَرَاحٌ مِنْهُ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ مَا الْمُسْتَرِيحُ

یا راحت یافته شده است از وی پس گفتند صحابه ای پیغامبر خدا چیست معنی مستریح

وَمَا الْمُسْتَرَاحُ مِنْهُ فَقَالَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يَسْتَرِيحُ مِنْ

و مستراح منه پس فرمود آنحضرت که بنده مومن صالح راحت می یابد از مرگ از

نَصَبِ الدُّنْيَا وَأَذَاهَا إِلَى رَحْمَةِ اللهِ وَالْعَبْدُ الْفَاجِرُ

تعب و رنج دنیا و آزار دنیا بسوی رحمت خدا و بنده فاسق

يَسْتَرِيحُ مِنْهُ الْعِبَادُ وَالْبِلَادُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

راحت می یابند از وی بندگان و شهرها و درختان و چرندگان زمین متفق علیه است

وعن جابر رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از جابر رض گفت شنیدم من پیغامبر خدا را صلی الله علیه

وسلم قبل موته بثلاثة ايام يقول لا يموتن احدكم

وسلم پیش از موت او بسه روز که میگفت باید نمیرد یکی از شما

الا وهو يحسن الظن بالله رواه مسلم وعن

مگر آنکه نیک دارد گمان خود را بخدا رواه مسلم و روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اكثروا ذكر هادم اللذات الموت رواه الترمذي

بسیار کنید یاد ویران کننده وقطع کننده لذت ها را که موت است رواه ترمذی

والنسائي وابن ماجة وعن ابن مسعود رض ان نبي الله

و نسائی و ابن ماجه و روایت است از ابن مسعود رض بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ذات يوم لاصحابه استحيوا

صلی الله علیه وسلم فرمود روزی بیاران خود شرم دارید

من الله حق الحياء قالوا انا نستحيي من الله يا نبي الله والحمد

از خدا چنانکه باید شرم داشتن گفتند صحابه که ما شرم میداریم از خدا ای پیغمبر خدا و حمد مر خدا را

لله قال ليس ذلك ولكن من استحيى من الله حق الحياء

مرخدا را بر توفیق دادن و فرمود نیست این حق حیا ولیکن کسیکه شرم دارد از خدا حق شرم داشتن

فليحفظ الرأس وما وعى وليحفظ البطن وما حوى

پس باید که نگاه دارد سر را ونگاه دارد چیز را که جمع کرده است آن سر و باید نگاه دارد شکم را از اکل حرام

وليذكر الموت والبلى ومن اراد الآخرة ترك زينة

و باید که یاد دارد مرگ را و پوسیده شدن استخوان و کسیکه خواهد ثواب آخرت ترک کند زینت دنیا

الدنيا فمن فعل ذلك فقد استحيى من الله حق الحياء رواه

دنیا را پس کسیکه کند این مذکور را پس بتحقیق شرم داشت از خدا حق شرم داشتن رواه

أحمد والترمذي وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال

احمد و ترمذی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم تحفة المؤمن الموت

پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم تحفه و هدیه مسلمان مرگ است

رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عبيد الله

رواه بیهقی در شعب الایمان و روایت است از عبید الله

بن خالد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

موت الفجاءة أخذة الأسف رواه أبو داود وزاد

موت ناگهانی گرفتن خشم است رواه ابو داود و زیاده کرد

البيهقي في شعب الإيمان ورزين في كتابه أخذة أسف

بیهقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود این لفظ را گرفتن غضب است

للكافر ورحمة للمؤمنين وعن جابر رض قال قال

مر کافران را و مهربانی حق تعالی مر مومنان را و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تمنوا الموت فإن هول

پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم که آرزو مکنید مرگ را زیرا که بدرستی ترس

المطلع شديد وإن من السعادة أن يطول عمر العبد

مطلع سخت است و بدرستی که از نیک بختی است که دراز شود عمر بنده

ويرزقه الله عز وجل الإنابة رواه أحمد وعن

و روزی گرداند او را خدا تعالی رجوع و توجه بجناب خود رواه احمد و روایت است از

٢٤٥

أَبِي أُمَامَةَ رض قَالَ جَلَسْنَا إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَّرَنَا

از ابی امامه رض گفت که نشستیم روبروی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس یاد دهانید ما را

وَرَقَّقَنَا فَبَكَى سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ رض فَأَكْثَرَ الْبُكَاءَ فَقَالَ يَا لَيْتَنِي

احوال آخرت و نرم گردانید دلهای ما را پس گریه کرد سعد بن ابی وقاص رض پس بسیار گریه کرد پس گفت ای کاش

مِتُّ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا سَعْدُ أَعِنْدِي تَتَمَنَّى

بمردمی پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای سعد آیا نزد من آرزو میکنی

الْمَوْتَ فَرَدَّدَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ يَا سَعْدُ إِنْ كُنْتَ

موت را که نامرضی حق است پس تکرار کرد آنحضرت این لفظ را سه بار پس فرمود ای سعد اگر هستی تو

خُلِقْتَ لِلْجَنَّةِ فَمَا طَالَ عُمُرُكَ وَحَسُنَ مِنْ عَمَلِكَ فَهُوَ خَيْرٌ

که پیدا کرده شده‌ای برای بهشت پس آنچه دراز شود عمر تو و نیک شود عمل تو پس آن بهتر است

لَكَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ حَارِثَةَ بْنِ مُضَرِّبٍ قَالَ دَخَلْتُ

مر ترا رواه احمد و روایت است از حارثة بن مضرب گفت درآمدم من

عَلَى خَبَّابٍ وَقَدِ اكْتَوَى سَبْعًا فَقَالَ لَوْلَا أَنِّي سَمِعْتُ

بر خباب در حال آنکه داغ سوخته بود خباب بر بدن هفت جا پس گفت خباب اگر نمی بود که شنیدم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا يَتَمَنَّ أَحَدُكُمُ

پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که میگفت باید که تمنا نکند یکی از شما

الْمَوْتَ لَتَمَنَّيْتُهُ وَلَقَدْ رَأَيْتُنِي مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ

مرگ را هر آئینه آرزو میکردم اورا و بتحقیق دیدم خود را و دانستم خود را با پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَمْلِكُ دِرْهَمًا وَإِنَّ فِي جَانِبِ بَيْتِي

علیه وسلم که مالک نبودم یک درهم را و بدرستی در گوشه خانه من

الْآنَ لَأَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ أُتِيَ بِكَفَنِهِ فَلَمَّا رَآهُ بَكَى

اکنون هر آئینه چهل هزار درهم است پس آورده شد کفن خباب پس چون دید کفن را گریست

قال ولكن حمزة لم يوجد له كفن الا بردة ملحاء اذا جعلت

گفت ولیکن حمزه بن عبد المطلب یافته نشد برای وی کفن مگر چادر یکه در وی خطوط سیاه و سپید بود چون گردانیده

على راسه قلصت عن قدميه واذا جعلت على قدميه

بر سر وے کوتاه می آمد از پایهای وی و چون گردانیده می شد بر پایهای وے

قلصت عن راسه حتى مدت على راسه وجعل على

کوتاه می آمد از سر وے تا آنکه کشیده شد آن برده بر سر حمزه و گردانیده شد بر

قدميه الاذخر رواه احمد والترمذي الا انه لم يذكر

پایهای حمزه گیاه که مشهور است در مکه معظمه روایت کرد احمد و ترمذی مگر ترمذی ذکر نکرد لفظ لا

ثم اتي بكفنه الخ

ثم اتي بكفنه تا آخر

باب ما يقال عند من حضره الموت

باب بیان آنچه گفته می شود نزد کسے که حاضر شده او را موت

عن ابي سعيد وابي هريرة رض قالا قال رسول الله

روایت است از ابی سعید و ابی هریره رض گفتند این هر دو که فرمود پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم لقنوا موتاكم لا اله الا الله رواه

صلی الله علیه و سلم تلقین کنید مردگان خود را کلمه طیبه که لا اله الا الله محمد رسول الله روایت

مسلم وعن ام سلمة رض قالت قال رسول الله صلى

روایت کرد مسلم و روایت است از ام سلمه رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم اذا حضرتم المريض او الميت فقولوا

الله علیه و سلم وقتیکه حاضر شوید شما بیمار را یا میت را که نزدیک مردن رسیده [illegible]

خيرا فان الملائكة يؤمنون على ما تقولون رواه مسلم

[illegible] پس بدرستیکه فرشتگان آمین میگویند بر آنچه میگوئید شما در دعا کنید روایت کرد مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

وہم از ام سلمہ ست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ

مُسْلِمٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ فَيَقُولُ مَا أَمَرَهُ اللّٰهُ بِهِ إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا

مسلمانان کہ برسد او را مصیبتی پس بگوید چیزیرا کہ امر کردہ ست خدا تعالی بگفتن آن آن کلمہ

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللّٰهُمَّ أْجُرْنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا

استرجاع ست و این کلمہ تا آخر یعنی بار خدایا اجر دہ مرا در مصیبت من و بدل گردان مرا بہتر

مِنْهَا إِلَّا أَخْلَفَ اللّٰهُ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا فَلَمَّا مَاتَ أَبُو سَلَمَةَ قُلْتُ

از ان مگر آنکہ بدل میگرداند خدا برای وی بہتر از آنچہ فوت شد پس ہرگاہ مرگ یافت ابو سلمہ زوج من گفتم

أَيُّ الْمُسْلِمِينَ خَيْرٌ مِنْ أَبِي سَلَمَةَ أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتٍ هَاجَرَ

کدام یکی از مسلمانان بہتر ست از ابی سلمہ کہ بدل او بمن خواہد رسید کہ او اول اہل خانہ بود کہ ہجرت کرد

إِلَى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ إِنِّي قُلْتُهَا فَأَخْلَفَ

بسوی پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم پس بہتر پرستی من با وجود این استبعاد کلمہ اللہم اجرنی تا آخر گفتم پس بدل کرد

اللّٰهُ لِي رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

خدای تعالی برای من رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را روا ہ مسلم

وَعَنْهَا قَالَتْ دَخَلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم از ام سلمہ رضی ست گفت در آمد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

عَلَى أَبِي سَلَمَةَ وَقَدْ شَقَّ بَصَرُهُ فَأَغْمَضَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرُّوحَ

بر ابو سلمہ حال آنکہ تحقیق باز ماندہ بود چشم ابی سلمہ یعنی و خوابانید آنحضرت بصر او را بستہ فرمود آنحضرت

إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ الْبَصَرُ فَضَجَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ

کہ جان چون قبض کردہ میشود پس روی میکند او را بصر پس بانگ و فریاد کردند مردمان از اہل خانہ ابی سلمہ پس فرمود

لَا تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ

آنحضرت دعا مکنید بر ذاتہای خود مگر بہ نیکی زیرا کہ فرشتگان

يُؤَمِّنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَبِي سَلَمَةَ

آمین می گویند بر چیزی که می‌گویید شما پس گفت آنحضرت خدایا بیامرز ابی سلمه را

وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَاخْلُفْهُ فِي عَقِبِهِ فِي

و بلند گردان پایه او را در کسانیکه راه راست نموده شده اند و خلیفه شو در پسماندگان در

الْغَابِرِينَ وَاغْفِرْ لَنَا وَلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَافْسَحْ لَهُ فِي

باقی ماندگان و بیامرز ما را و او را ای پروردگار جهانیان و فراخی کن مر او را در

قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَائِشَةَ

قبر او و روشن گردان مر او را در قبر روایت کرد مسلم و روایت است از حضرت عائشه صدیقه رض

قَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ تُوُفِّيَ

که گفت بدرستی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتی که وفات یافت

سُجِّيَ بِبُرْدٍ حِبَرَةٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ

پوشیده شد بجامه حبره یمانی مخطط متفق علیه و روایت است از معاذ بن جبل رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ آخِرُ

گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه باشد آخر

كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

سخن او لا اله الا الله می درآید بهشت را روایت کرد آنرا ابوداؤد

وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى

و روایت است از معقل بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْرَءُوا سُورَةَ يس عَلَى مَوْتَاكُمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ

علیه وسلم بخوانید سورهٔ یس بر مردهای شما یعنی کسیکه بموت قریب است

وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَهْ وَعَنْ عَائِشَةَ

احمد و ابوداؤد و ابن ماجه و روایت است از حضرت عائشه صدیقه رض

قَالَتْ إِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبَّلَ عُثْمَانَ

گفت بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم بوسه داد عثمان

بْنَ مَظْعُوْنٍ وَهُوَ مَيِّتٌ وَهُوَ يَبْكِيْ حَتّٰى سَالَ دُمُوْعُ

بن مظعون را در حال آنکه وی مرده بود و آنحضرت گریه میکرد تا آنکه روان شد اشکهای

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلٰى وَجْهِ عُثْمَانَ رَوَاهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بر روی عثمان روایه

التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهَا قَالَتْ

ترمذی و ابوداود و ابن ماجه وهم از عائشه رض مرویست گفت

اِنَّ اَبَا بَكْرٍ رض قَبَّلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ

بدرستیکه ابوبکر رض بوسه داد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را در حال آنکه

مَيِّتٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ حُصَيْنِ

آنحضرت مرده بود روایه ترمذی و ابن ماجه و روایت است از حصین

بْنِ وَحْوَحٍ اَنَّ طَلْحَةَ بْنَ الْبَرَاءِ مَرِضَ فَاَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

بن وحوح بدرستیکه طلحه بن براء انصاری بیمار شد پس آمد او را پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَعُوْدُهُ فَقَالَ اِنِّيْ لَا اُرٰى طَلْحَةَ اِلَّا قَدْ حَدَثَ

علیه وسلم در حالتیکه عیادت می کند او را پس فرمود بدرستیکه من گمان نمی برم طلحه را مگر آنکه

بِهِ الْمَوْتُ فَاٰذِنُوْنِيْ بِهٖ وَعَجِّلُوْا فَاِنَّهٗ لَا يَنْبَغِيْ لِجِيْفَةِ

بوی مرگ پس خبر کنید مرا بموت وی و شتابی کنید در تجهیز و تکفین زیراکه سزاوار نیست مرده

مُسْلِمٍ اَنْ تُحْبَسَ بَيْنَ ظَهْرَانَيْ اَهْلِهٖ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ

مسلمانی را که بعد داشته شود در میان خانه وی زیراکه مبادا واگندیده شود روایه ابوداود

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از عبدالله بن جعفر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ

علیه وسلم تلقین کنید مردهای شما را این کلمه و توصیف باین صفت بشارت بعفو و کرم الهی ست تا که امیدوار

سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ

اشارت بعظمت و کبریائی حق ست تا بشوق حضور درگاه ربوبیت عزت و عظمت نماید قطع از محنت آباد دنیا و راضی شود بحکم

قَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ كَيْفَ لِلْاَحْيَاءِ قَالَ اَجْوَدُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفتند صحابی ای پیغمبر خدا چگونه ست از برای زندگان فرمود این کلمه اگر بیاریم و تلقین کنیم فرمود بهتر و نیکوتر ست روایه ابن ماجه

بَابُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَمَا يَلْحَقُ الْمَيِّتَ بَعْدَ مَوْتِهِ

باب در بیان سکرات موت و آنچه که لاحق می شود مرده را بعد از موت وی

وَلَوْ تَرٰى اِذْ يَتَوَفَّى الَّذِيْنَ كَفَرُوا الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُوْنَ وُجُوْهَهُمْ

و تعجب کردی اگر دیدی که چون قبض ارواح کافران میکنند فرشتگان میزنند بر روی ایشان

وَاَدْبَارَهُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْكُمْ

و بر پشت ایشان و میگویند بچشید عذاب سوزان این بسبب آن کردار ست که پیش فرستاده دستهای شما

وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ وَلَوْ تَرٰى اِذِ الظّٰلِمُوْنَ

و تحقیق که خدای ظلم کننده نیست بر بندگان و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان

فِيْ غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ بَاسِطُوْا اَيْدِيْهِمْ اَخْرِجُوْا

در سکرات مرگ باشند و فرشتگان دست خود را دراز می کنند میگویند بیرون آرید

اَنْفُسَكُمْ اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ

روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آن که

تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيٰتِهٖ تَسْتَكْبِرُوْنَ

می گفتید بر خدا ناحق و بسبب آنکه از تصدیق آیات او سرکشی می کردید

وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰى كَمَا خَلَقْنٰكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّتَرَكْتُمْ

و هر آئینه آمدید پیش ما تنها چنانکه آفریده بودیم شما را اول بار و بگذاشتید

مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

آنچه داده بودیم شما را پس پشت خویش   هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند

ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ

درحالیکه ستمگار بودند بر خویشتن فرشتگان گفتند درچه حال بودید شما گفتند بودیم   بیچارگان

فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا

در زمین   گفتند آیا فراخ نبود زمین خدا تا هجرت میکردید در آن

فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا

پس این جماعت جای ایشان جهنم است و بد جائیست مگر

الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

آنانکه بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ

و هیچ راه نمی یابند   پس آنجماعت نزدیک است که خدا

يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده و آمرزنده و می فرستد بر شما

حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا

ملائکه نگاهبان تا وقتیکه بیاید کسی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما

وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۝ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ

و ایشان تقصیر نمیکنند   باز گردانیده شوند مردگان بسوی خدا خداوند ایشان حق

أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝ اللَّهُ يَتَوَفَّى

مر او راست حکم   و او شتاب ترین حساب کنندگان است   خدا تعالی قبض میکند

الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ

ارواح را نزدیک مرگ آن و آن روح که نمرده است قبض آن میکند در میان خواب آن پس نگاه میدارد

الَّتِيْ قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰى اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى

آنرا کہ حکم موت کردہ است بروے ومی گذارد آن دیگر را تا وقتے معین را

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

ہرآئینہ درین مقدمہ نشانہاست براے قومیکہ تأمل می کنند در روایت است از ابی ہریرہ

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَيِّتُ تَحْضُرُهُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم شخصے کہ میمیرد حاضر می شوند اورا

الْمَلٰٓئِكَةُ فَاِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَالِحًا قَالُوا اخْرُجِيْ اَيَّتُهَا

فرشتگان پس چون میباشد مرد میرندہ نیکوکار میگویند فرشتگان بیرون آئی ای

النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ اخْرُجِيْ حَمِيْدَةً

جان پاک کہ بودہ است در تن پاک بیرون آے ستودہ نزد خدا

وَاَبْشِرِيْ بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا يَزَالُ

وخوش باش براحت ورزق پاک در بہشت و پروردگار خشم ناکنندہ پس ہمیشہ است آن نفس

يُقَالُ لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَآءِ

کہ گفتہ می شود مر اورا آن کلام مذکور از روح و بشارت تا آنکہ بیرون می آید پس برداشتہ می شود او را بسوے

فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ هٰذَا فَيَقُوْلُوْنَ فُلَانٌ فَيُقَالُ مَرْحَبًا

پس کشادہ می شود برای او در آسمان پس گفتہ می شود کیست این پس میگویند ملائکہ کہ او فلان بن فلان است آفرین گفتہ

بِالنَّفْسِ الطَّيِّبَةِ كَانَتْ فِي الْجَسَدِ الطَّيِّبِ حَمِيْدَةً وَاَبْشِرِيْ

جان پاک را کہ بود در تن پاک در آئی ستودہ وخوش باش

بِرَوْحٍ وَّرَيْحَانٍ وَّرَبٍّ غَيْرِ غَضْبَانَ فَلَا تَزَالُ يُقَالُ لَهَا

براحت ورزق و پروردگار خشم نکنندہ پس ہمیشہ است آن نفس کہ گفتہ می شود مر اورا

ذٰلِكَ حَتّٰى تَنْتَهِيَ اِلَى السَّمَآءِ الَّتِيْ فِيْهَا اللّٰهُ فَاِذَا كَانَ

آن کلام دیدہ می شود از آسمانے بآسمان دیگر تا آنکہ میرسد بآسمانی کہ در وے خداست یعنی رحمت خاص مرتبہ

الرَّجُلُ السُّوءُ قَالَ اُخْرُجِيْ اَيَّتُهَا النَّفْسُ الْخَبِيْثَةُ كَانَتْ

مرد بد میگوید یکی از فرشتگان حاضر بیرون آی ای جان پلید که بودی

فِی الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ اُخْرُجِيْ ذَمِيْمَةً وَّ اَبْشِرِيْ بِحَمِيْمٍ

در تن پلید بیرون آی نکوهیده و خورسش باش بآب گرم

وَّغَسَّاقٍ وَّ اٰخَرَ مِنْ شَكْلِهٖ اَزْوَاجٌ فَمَا تَزَالُ يُقَالُ

و ریم و بعذاب دیگر که متشابه عذاب مذکور اند طرح طرح پس همیشه است که گفته می شود

لَهَا ذٰلِكَ حَتّٰى تَخْرُجَ ثُمَّ يُعْرَجُ بِهَا اِلَى السَّمَاۤءِ فَيُفْتَحُ لَهَا فَيُقَالُ مَنْ

آن نفس را این کلمه تا آنکه بیرون می آید پس برده می شود بسوی آسمان پس گشاده شود برای وی در آسمان پس گفته می شود که

هٰذَا فَيُقَالُ فُلَانٌ فَيُقَالُ لَا مَرْحَبًا بِالنَّفْسِ الْخَبِيْثَةِ كَانَتْ فِي

این پس گفته می شود که فلان بن فلان است پس گفته می شود که مبادا فراخی جای جان پلید را که بود در

الْجَسَدِ الْخَبِيْثِ اِرْجِعِيْ ذَمِيْمَةً فَاِنَّهَا لَا تُفْتَحُ لَكِ

تن پلید برگرد نکوهیده زیرا که گشاده نشود برای تو

اَبْوَابُ السَّمَاۤءِ فَتُرْسَلُ مِنَ السَّمَاۤءِ ثُمَّ تَصِيْرُ اِلَى الْقَبْرِ

درهای آسمان پس فرستاده و انداخته می شود بر زمین از آسمان پس باز میگردد بسوی قبر

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایه ابن ماجه و هم از ابی هریره روایت است در سبکه پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا خَرَجَتْ رُوْحُ الْمُؤْمِنِ تَلَقَّاهَا

علیه وسلم فرمود چون بیرون می آید جان مسلمان پیش می آیند او را

مَلَكَانِ يُصْعِدَانِهَا قَالَ حَمَّادٌ فَذَكَرَ مِنْ طِيْبِ رِيْحِهَا

دو فرشته که بالا میبرند آنرا گفت حماد که یکی از راویان این حدیث است پس ذکر کرده ابو هریره یا آنحضرت از خوشبوئی آن روح

وَذَكَرَ الْمِسْكَ قَالَ وَيَقُوْلُ اَهْلُ السَّمَاۤءِ رُوْحٌ طَيِّبَةٌ

و ذکر کرده مشک را گفت ابو هریره یا آنحضرت و میگویند آسمانیان جانیست پاک

[illegible]

جاءت من قبل الأرض صلى الله عليك وعلى جسد

که آمده است از جانب زمین درود فرستد خدا تعالی بر تو و بر تنی

كنت تعمرينه فينطلق به إلى ربه ثم يقول انطلقوا

که آباد میکردی تو آنرا پس برده می شود او را بسوی پروردگار وی پس میگوید ببرید

به إلى آخر الأجل قال وإن الكافر إذا خرجت روحه

او را بسوی آخرت که مراد از ان قیامت است فرمود آنحضرت و بدرستیکه کافر چون بیرون می آید روح او

قال حماد وذكر من نتنها وذكر لعنا ويقول أهل

گفت حماد و ذکر کرد ابو هریره یا آنحضرت از بوی ناخوش آن روح و ذکر کرد لعنت را و میگویند

السماء روح خبيثة جاءت من قبل الأرض فيقال

آسمانیان جانیست پلید که آمده است از جانب زمین پس گفته می شود

انطلقوا به إلى آخر الأجل قال أبو هريرة فرد رسول الله

ببرید او را بسوی آخرت که مراد بآن قیامت است گفت ابو هریره پس بازگردانید آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ريطة كانت عليه على أنفه

صلی الله علیه وسلم چادر یکه بود پوشیده بر بینی خود

هكذا رواه مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى

همچنین روایت کرده مسلم و هم از ابی هریره مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم إذا حضر المؤمن أتت ملئكة

الله علیه وسلم چون حاضر کرده می شود مومن یعنی حاضر می شود او را موت می آیند ملائکه

الرحمة بحريرة بيضاء فيقولون اخرجي راضية مرضيا

رحمت با بریشم پاره سفید پس میگویند فرشتگان بیرون آی خوشنود از خدا خوشنود کرده شده

عنك إلى روح الله وريحان ورب غير غضبان فتخرج

از تو بسوی راحت که از جانب خداست و بسوی رزق روحانی و پروردگار خشم نکننده پس بیرون می آید

كأطيب ريح المسك حتى أنه ليناوله بعضهم بعضا

روح همچو بهترین بوی مشک تا آنکه هر آئینه میدهند آن روح را بعضی از فرشتگان بعضی را بعضی دست بدست

حتى يأتوا به أبواب السماء فيقولون ما أطيب هذه الريح التي

تا آنکه می آرند اورا نزد درهای آسمان پس میگویند ملائکه چه خوش است این بوی که

جاءتكم من الأرض فيأتون به أرواح المؤمنين فلهم

آمده است شمارا از زمین پس می آرند اورا نزد ارواح مومنان پس هر آئینه ارواح مومنان را

أشد فرحا من أحدكم بغائبه يقدم عليه فيسألونه

سخت تر اند از روی شادمانی از یکی از شما بغایب خود که باز می آید از سفر پس می پرسند اورا

ماذا فعل فلان ماذا فعل فلان فيقولون دعوه فإنه

چه شد و چه حال دارد فلان و فلان آشنای ما پرسند و حال ایشان می پرسند پس میگویند که بگذارید او را زیرا آنکه او

في غم الدنيا فيقول قد مات أما أتاكم فيقولون قد

در غم دنیا است پس میگوید به تحقیق مرده است آیا نیامده است پیش شما پس میگویند به تحقیق او

ذهب به إلى أمه الهاوية وإن الكافر إذا احتضر

برده شده اورا بسوی مادر خود که آتش دوزخ است و بدرستیکه کافر وقتیکه حاضر می شود اورا موت

أتته ملائكة العذاب بمسح فيقولون اخرجي ساخطة

می آیند اورا ملائکه عذاب بپلاس درشت پس میگویند بروح کافر بیرون آی ناخوش شده

مسخوطا عليك إلى عذاب الله عز وجل فتخرج كأنتن

و ناخوشنودی کرده شده بر تو بسوی عذاب خدای بزرگ پس بیرون می آید روح به بوی ناخوشی همچو گنده ترین

ريح جيفة حتى يأتوا به إلى باب الأرض فيقولون

بوی مردار تا آنکه می آرند اورا نزد در زمین پس میگویند

ما أنتن هذه الريح حتى يأتوا به أرواح الكفار رواه

چه گنده است این بوی تا آنکه می آرند اورا نزد ارواح کافران رواه

أحمد والنسائي وعن البراء بن عازب رض قال خرجنا مع

احمد والنسائی درروایت است از براء بن عازب رض گفت بیرون آمدیم با

النبي صلى الله عليه وسلم في جنازة رجل من الانصار

باآنحضرت صلی الله علیه وسلم در جنازه مردے از انصار

فانتهينا الى القبر ولم يلحد فجلس رسول الله صلى الله

پس آخر رسیدیم تا قبر و لحد کرده نشده بود پس نشست پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم وجلسنا حوله كان على رءوسنا الطير

علیه وسلم ونشستیم با گرد آنحضرت سر فرو برده گویا بر سرها پرنده نشسته است

وفي يده عود ينكت به في الارض فرفع راسه فقال

ودر دست آنحضرت چوبے بود که می کاوید و خط می کشید بآن چوب در زمین پس برداشت سر خود را

استعيذوا بالله من عذاب القبر مرتين او ثلثا ثم قال

پناه جوئید بخدا از عذاب قبر دو بار گفت این سخن را یا سه بار پستر گفت آنحضرت

ان العبد المؤمن اذا كان في انقطاع من الدنيا واقبال

بدرستیکه بنده مسلمان وقتی که می باشد در بے بریدگی از دنیا و می باشد در رو آوردن

من الاخرة نزل اليه ملئكة من السماء بيض الوجوه

بآخرت فرو می آیند بسوئے وے فرشتگان از آسمان که روهای ایشان سفید است

كان وجوههم الشمس معهم كفن من اكفان الجنة

گویا که روهای ایشان آفتاب است با ایشان کفنی است از کفنهائے بهشت

وحنوط من حنوط الجنة حتى يجلسوا منه مد البصر

وحنوط است از حنوطهای بهشت تا آنکه می نشینند این فرشتگان از وے دور تا درازی بصر

ثم يجيء ملك الموت عليه السلام حتى يجلس عند راسه فيقول

باز می آید فرشته موت که عزرائیل است تا آنکه می نشیند نزد سر وے پس میگوید

أَيَّتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ اخْرُجِي إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ

ای جان پاک بیرون آی بسوی آمرزش از خدا و رضای عظیم از وی

قَالَ فَتَخْرُجُ تَسِيلُ كَمَا تَسِيلُ الْقَطْرَةُ مِنَ السِّقَاءِ فَيَأْخُذُهَا

فرمود آنحضرت پس بیرون آید روح درحالیکه روان میشود چنانکه روان میگردد آب از مشک پس میگیرد ملک الموت

فَإِذَا أَخَذَهَا لَمْ يَدَعُوهَا فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَأْخُذُوهَا

پس چون میگیرد ملک الموت آنرا نمیگذارند فرشتگان آن روح را در دست ملک الموت یک لحظه تا آنکه میگیرند فرشتگان روح را

فَيَجْعَلُوهَا فِي ذَلِكَ الْكَفَنِ وَفِي ذَلِكَ الْحَنُوطِ وَيَخْرُجُ مِنْهَا

پس میکنند آن روح را دران کفن و دران حنوط و بیرون آید ازان روح

كَأَطْيَبِ نَفْحَةِ مِسْكٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ قَالَ

همچو خوشبوترین وزیدن بوی مشک که یافته شده است بر روی زمین فرمود آنحضرت ۳

فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ يَعْنِي بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِنَ

پس بالا می برند فرشتگان آنرا پس نمیگذرند فرشتگان یعنی با آن روح بر هیچ جماعتی از

الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الطَّيِّبُ فَيَقُولُونَ فُلَانُ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح پاک پس میگویند فلان

بْنُ فُلَانٍ بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانُوا يُسَمُّونَهُ بِهَا فِي

بن فلان است میخوانند آنرا به نیکوترین نامهای وی که میخواندند اورا بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يَنْتَهُوا بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَسْتَفْتِحُونَ

دنیا تا آنکه میرسند با وی تا آسمان که فرودترین آسمانها است پس طلب درکشادن میکنند

لَهُ فَيُفْتَحُ لَهُمْ فَيُشَيِّعُهُ مِنْ كُلِّ سَمَاءٍ مُقَرَّبُوهَا إِلَى السَّمَاءِ

برای وی پس کشاده می شود در برای ایشان پس متابعت میکنند اورا از هر آسمان مقربان آن تا آسمانی

الَّتِي تَلِيهَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهِ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ فَيَقُولُ اللّٰهُ

که متصل است تا آنکه بآخر رسیده می شود بآن روح تا آسمان هفتم پس میگوید خدای تعالی

عَزَّ وَجَلَّ اكْتُبُوا كِتَابَ عَبْدِي فِي عِلِّيِّينَ وَأَعِيدُوهُ إِلَى

بنویسید نامهٔ بندهٔ مرا در علیین که نام موضعی است در آسمان و باز گردانید او را

الْأَرْضِ فَإِنِّي مِنْهَا خَلَقْتُهُمْ وَفِيهَا أُعِيدُهُمْ وَمِنْهَا أُخْرِجُهُمْ

بسوی زمین پس به درستی که من از زمین پیدا کرده ام آدمیان را و در زمین باز میگردانم ایشان را و از زمین بیرون می آرم ایشان را

تَارَةً أُخْرَى قَالَ فَتُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ فَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ

بار دیگر فرمود آنحضرت ص پس باز گردانیده می شود روح وی در تن وی پس می آیند پیش او دو فرشته

فَيُجْلِسَانِهِ فَيَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ رَبِّيَ اللَّهُ

پس می نشانند او را پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید بنده پروردگار من خداست

فَيَقُولَانِ لَهُ مَا دِينُكَ فَيَقُولُ دِينِيَ الْإِسْلَامُ فَيَقُولَانِ

پس میگویند او را چیست دین تو پس میگوید دین من اسلام است پس میگویند

لَهُ مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ فَيَقُولُ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ

او را چیست این مرد که برانگیخته شده است در میان شما پس میگوید بنده وی پیغمبر خدا است

فَيَقُولَانِ لَهُ وَمَا عِلْمُكَ فَيَقُولُ قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ فَآمَنْتُ

پس میگویند او را چیست علم تو در رسالت وی پس میگوید بنده خواندم کتاب خدا را که قرآن است پس ایمان

بِهِ وَصَدَّقْتُ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ صَدَقَ عَبْدِي

آوردم و تصدیق کردم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که راست گفت بندهٔ من

فَأَفْرِشُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَلْبِسُوهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا

پس فرش گردانید برای او از بهشت و بپوشانید او را لباس از بهشت و بگشایید برای او دری

إِلَى الْجَنَّةِ قَالَ فَيَأْتِيهِ مِنْ رَوْحِهَا وَطِيبِهَا وَيُفْسَحُ لَهُ فِي

بسوی بهشت فرمود آنحضرت ص پس می آید او را از راحت بهشت و خوشبوی بهشت پس کشاده می شود برای وی

قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ قَالَ وَيَأْتِيهِ رَجُلٌ حَسَنُ الْوَجْهِ حَسَنُ الثِّيَابِ

قبر وی تا اندازه بصر فرمود آنحضرت ص و می آید او را مردی نیک رو نیکو جامه

طيب الريح فيقول أبشر بالذي يسرك هذا يومك

خوشبوی پس میگوید آنمرد که مژده باد ترا بانچه شادمان گرداند ترا این روز است

الذي كنت توعد فيقول له من أنت فوجهك الوجه

که وعده کرده میشدی تو پس میگوید مر آنمرد را که کیستی تو پس روی تو روی کامل است

يجيء بالخير فيقول أنا عملك الصالح فيقول رب أقم

که می آرد نیکی را پس میگوید آنمرد که منم عمل نیک تو پس میگوید ای پروردگار من برپا کن

الساعة أقم الساعة حتى أرجع إلى أهلي ومالي قال

قیامت که کنایه است از احیا تا آنکه باز برگردم بسوی اهل خود و مال خود گفت

وإن العبد الكافر إذا كان في انقطاع من الدنيا

و بدستیکه بنده کافر چون می باشد در بریدگی از دنیا

وإقبال من الآخرة نزل إليه من السماء ملائكة سود

و روی آوردن از آخرت فرود می آید بسوی وی از آسمان فرشتگان سیاه

الوجوه معهم المسوح فيجلسون منه مد البصر

روی و با ایشان پلاسها پس می نشینند از میت تا آنجا که نظر کار می کنند

ثم يجيء ملك الموت حتى يجلس عند رأسه فيقول

پس می آید ملک الموت تا آنکه می نشیند نزد سر او پس میگوید

أيتها النفس الخبيثة اخرجي إلى سخط من الله قال

ای جان خبیثه بیرون آی بسوی خشم و ناخشنودی از خدا فرمود آنحضرت

فتفرق في جسده فينتزعها كما ينتزع السفود من

پس پراگنده و پریشان می شود روح در جسد کافر پس میکشد آنرا چنانکه کشیده میشود سیخ گرم از

الصوف المبلول فيأخذها فإذا أخذها لم يدعوها

پشم تر پس میگیرد ملک الموت آن روح را پس چون میگیرد آن روح را نمیگذارند فرشتگان آن روح

فِي يَدِهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ حَتَّى يَجْعَلُوهَا فِي تِلْكَ الْمُسُوحِ

در دست او چشم زدن تا آنکه می کنند فرشتگان آن روح را درین مسوح

وَيَخْرُجُ مِنْهَا كَأَنْتَنِ رِيحِ جِيفَةٍ وُجِدَتْ عَلَى وَجْهِ

و بیرون آید از آن روح بدبوی بمانند بدبوی مردار که یافته می شود بر روی

الْأَرْضِ فَيَصْعَدُونَ بِهَا فَلَا يَمُرُّونَ بِهَا عَلَى مَلَإٍ مِنَ

زمین پس بالا می برند فرشتگان او را پس نمی گذرند فرشتگان با او بر جماعتی از

الْمَلَائِكَةِ إِلَّا قَالُوا مَا هَذَا الرُّوحُ الْخَبِيثَةُ فَيَقُولُونَ

فرشتگان مگر آنکه میگویند چیست این روح خبیثه پس میگویند فرشتگان همراهیان که

فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِأَقْبَحِ أَسْمَائِهِ الَّتِي كَانَ يُسَمَّى بِهَا فِي

فلان بن فلان است میخوانند او را به بدترین نامهایش که میخواندند او را بدان نامها در

الدُّنْيَا حَتَّى يُنْتَهَى بِهَا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيُسْتَفْتَحُ لَهُ

دنیا تا آنکه میرسند بدو تا آسمان دنیا پس طلب در گشادن میکنند برای وی

فَلَا يُفْتَحُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس گشاده نمی شود در برای وی پس خواند پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى

گشاده نمی شود برای کافران درهای آسمانها و در نمی آیند کافران در بهشت تا آنکه

يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

در آید شتر با آن بزرگی در سوراخ سوزن پس میگوید حق تعالی بزرگ و بلند

اكْتُبُوا كِتَابَهُ فِي سِجِّينٍ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى فَتُطْرَحُ

بنویسید نامه او را در سجین که نام جایست در تحت زمین پائین ترین پس انداخته می شود

رُوحُهُ طَرْحًا ثُمَّ قَرَأَ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ

روح کافر انداختنی پس خواند آنحضرت [illegible] و هر که شرک کند با خدا پس گویا بیفتاد [illegible]

مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

از آسمان پس می ربایند او را پرندگان یا می اندازد او را باد در جاے

سَحِيقٍ فَتُعَادُ رُوحُهُ فِي جَسَدِهِ وَيَأْتِيهِ مَلَكَانِ فَيُجْلِسَانِهِ

دور پس عود کرده شود روح او در تن او و می آیند او را دو فرشته پس می نشانند او را

فَيَقُولَانِ لَهُ مَنْ رَبُّكَ فَيَقُولُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ

پس میگویند او را کیست پروردگار تو پس میگوید کافر آه آه کلمهٔ تحیر است نمی دانم پس میگویند

لَهُ مَا هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ فَيَقُولُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي

مر او را چیست حال این مرد که برانگیخته شده در شما پس میگوید کافر آه آه نمیدانم

فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ كَذَبَ فَافْرِشُوهُ مِنَ النَّارِ

پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که دروغ گفت پس فرش کنید برای او از آتش

وَافْتَحُوا لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ فَيَأْتِيهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُومِهَا

و بکشائید برای او دری در جانب آتش پس می آید او را از حرارت آن و گرم آتش

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ فِيهِ أَضْلَاعُهُ وَيَأْتِيهِ

و تنگ کرده میشود بر کافر قبر او تا آنکه درهم شکنند در وے استخوانهای پهلوهای او و می آید او را

رَجُلٌ قَبِيحُ الْوَجْهِ قَبِيحُ الثِّيَابِ مُنْتِنُ الرِّيحِ فَيَقُولُ

مردے بد شکل وبد جامه گنده بوے پس میگوید

أَبْشِرْ بِالَّذِي يَسُوءُكَ هَذَا يَوْمُكَ الَّذِي كُنْتَ تُوعَدُ

مژده باد ترا بچیزے که غمگین گرداند ترا این روز تست که وعده کرده میشد ترا

فَيَقُولُ مَنْ أَنْتَ فَوَجْهُكَ الْوَجْهُ يَجِيءُ بِالشَّرِّ فَيَقُولُ

پس میگوید میت کافر کیست تو پس روئے تو روئے کامل است در زشتی روئے که میآرد شر را پس میگوید

أَنَا عَمَلُكَ الْخَبِيثُ فَيَقُولُ رَبِّ لَا تُقِمِ السَّاعَةَ وَفِي رِوَايَةٍ

که من عمل بد توام پس میگوید میت کافر اے پروردگار من قائم مکن قیامت را و در روایتے دیگر

نحوه وزاد فيه إذا خرج روحه صلى عليه كل ملك بين

مانند آنچه که مذکور شده است و زیاده کرد در وی که چون بیرون آید جان مومن درود میفرستد بر وی هر فرشته که

السماء والأرض وكل ملك في السماء وفتحت أبواب السماء

آسمان و زمین است و هر فرشته که در آسمان هست و گشاده شود برای وی درهای آسمان

ليس من أهل باب إلا وهم يدعون الله أن يعرج بروحه

نیست هیچ جماعة از اهل هیچ دری از درهای آسمان الا که ایشان میخواهند خدا را و دعا میکنند که برده شود روح او

من قبلهم وتنزع نفسه يعني الكافر مع العروق

از جانب ایشان و کشیده میشود جان وی یعنی جان کافر با رگها وی و

فيلعنه كل ملك بين السماء والأرض وكل ملك في

پس لعنت میکند او را هر فرشته که میان آسمان و زمین است و هر فرشته که در میان

السماء وتغلق أبواب السماء ليس من أهل باب إلا وهم

آسمان است و بسته میشود درهای آسمان نیستند از اهل هر در مگر که ایشان

يدعون الله أن لا يعرج روحه من قبلهم رواه أحمد

میخوانند خدا را و دعا میکنند که برده نشود روح او از جانب ایشان رواه احمد

وعن عبد الرحمن بن كعب عن أبيه قال لما حضرت

و روایت است از عبد الرحمن بن کعب از پدر خود گفت هرگاه که حاضر شد

كعبا الوفاة أتته أم بشر بنت البراء بن معرور

کعب را وفات آمد او را ام بشر بنت براء بن معرور

فقالت يا أبا عبد الرحمن إن لقيت فلانا فاقرأ عليه

پس گفت ای ابا عبد الرحمن اگر ملاقات کنی فلان را پس بخوان بر وی

مني السلام فقال غفر الله لك يا أم بشر نحن أشغل

از جانب من سلام پس گفت کعب بن مالک بیامرزد ترا خدا ای ام بشر ما مشغول تر ایم

مِنْ ذٰلِكَ فَقَالَتْ يَا اَبَا عَبْدِ الرَّحْمٰنِ اَمَا سَمِعْتَ رَسُوْلَ اللّٰهِ

ازینکه سلام و پیام برسانم پس گفت ام بشر ای ابا عبد الرحمن آیا نشنیدی آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ اَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِيْنَ فِيْ طَيْرٍ

صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه ارواح مومنان نهاده میشوند در پرندهاء

خُضْرٍ تَعَلَّقُ بِشَجَرِ الْجَنَّةِ قَالَ بَلٰى قَالَتْ فَهُوَ ذَاكَ رَوَاهُ

سبز که میچرند در درختان بهشت گفت آری شنیدم گفت ام بشر پس این آن قول کریم است روایة

ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ

ابن ماجه و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ اَبِيْهِ اَنَّهُ كَانَ يُحَدِّثُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از پدر ... بدرستیکه او بود که حدیث میکرد بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله

۲۵۷ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّمَا نَسَمَةُ الْمُؤْمِنِ طَيْرٌ تَعَلَّقُ فِيْ شَجَرِ الْجَنَّةِ

علیه وسلم فرمود نیست روح مومن مگر طیر که می چرد در درختان بهشت

حَتّٰى يَرْجِعَهُ اللّٰهُ فِيْ جَسَدِهٖ يَوْمَ يَبْعَثُهٗ رَوَاهُ مَالِكٌ

تا آنکه باز میگرداند او را خدای تعالی در تن او روزیکه برانگیزد او را از خاک روایت مالک

وَالنَّسَائِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ كِتَابِ الْبَعْثِ وَالنُّشُوْرِ

و النسائی و بیهقی در کتاب بعث و نشور

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُنْكَدِرِ قَالَ دَخَلْتُ عَلٰى جَابِرِ بْنِ

و روایت است از محمد بن منکدر گفت در آمدم بر جابر بن

عَبْدِ اللّٰهِ وَهُوَ يَمُوْتُ فَقُلْتُ اقْرَأْ عَلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ

عبد الله حال آنکه وی میمیرد پس گفتم بخوان بر آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّلَامَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

صلی الله علیه وسلم سلام را از جانب ما روایة ابن ماجه

وعن بريدة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از بریده رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم المؤمن يموت بعرق الجبين رواه الترمذي و

وسلم مومن بمیرد با عرق پیشانی روایت کرده ترمذی و

النسائي وابن ماجة وعن عبد الله بن عمر رض قال قال

النسائی و ابن ماجه و روایت است از عبد الله بن عمر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان احدكم اذا مات عرض

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه یکی از شما چون بمیرد ظاهر کرده شود

عليه مقعده بالغداة والعشي ان كان من اهل الجنة

برو نشست گاه او بامداد و شبانگاه اگر باشد آن شخص از اهل بهشت

فمن اهل الجنة وان كان من اهل النار فمن اهل النار

پس باشد جای او از بهشت و اگر باشد آنکس از اهل دوزخ پس باشد جای نشست او از دوزخ

هذا مقعدك حتى يبعثك الله اليه يوم القيمة متفق

گفته شود که این جای نشست تو است تا آنکه برانگیزد ترا خدای تعالی بسوی خود روز قیامت متفق

عليه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

علیه است و روایت کرده شده است از ابی هریره گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم اذا قبر الميت اتاه ملكان اسودان

صلی الله علیه وسلم چون نهاده میشود مرده در قبر می آیند او را دو فرشته در صورت آدمی سیاه رنگ

ازرقان يقال لاحدهما المنكر وللاخر النكير فيقولان

کبود چشم گفته میشود مر یکی را از ایشان منکر و دیگری را نکیر پس میگویند آن هردو

ما كنت تقول في هذا الرجل فيقول هو عبد الله ورسوله

چه بودی تو که میگفتی در حال این مرد پس میگوید که آنمرد بنده خدا و پیغمبر او است

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ فَيَقُولَانِ

گواهی میدهم بآنکه نیست هیچ معبود مگر خدا و گواهی میدهم که محمد بنده خدا و رسول اوست پس میگویند

قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ هٰذَا ثُمَّ يُفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ

که بدرستیکه ما بودیم بر خود آگاه که تحقیق تو میگوئی این پس گشاده کرده میشود برای وی در قبر وی هفتاد

ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ ثُمَّ يُنَوَّرُ لَهُ فِيهِ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ نَمْ

ذراع در هفتاد ذراع پس روشن کرده شود در قبر او پس گفته میشود برای وی که بخواب

فَيَقُولُ أَرْجِعُ إِلَى أَهْلِي فَأُخْبِرُهُمْ فَيَقُولَانِ نَمْ كَنَوْمَةِ الْعَرُوسِ

میگوید که باز میروم بسوی اهل خانه من پس خبر میدهم ایشانرا پس میگویند هر دو فرشته بخواب همچو خواب عروس

الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ

که بیدار نمیکند او را مگر محبوب ترین اهل وی بسوی وی یعنی زوج تا آنکه برخیزاند او را خدا تعالیٰ از

مَضْجَعِهِ ذٰلِكَ وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ

جای آرام او که اینست و اگر باشد آن میت منافق میگوید در جواب فرشته که شنیدم مردم را میگفتند

قَوْلًا فَقُلْتُ مِثْلَهُ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ

قولی پس گفتم من مثل آن قول نمیدانم از واقعیت آن پس میگویند بتحقیق ما بودیم

تَقُولُ ذٰلِكَ فَيُقَالُ لِلْأَرْضِ الْتَئِمِي عَلَيْهِ فَتَلْتَئِمُ عَلَيْهِ فَتَخْتَلِفُ

میگوئی همچنین پس گفته میشود مر زمین را که بهم آی بر وی پس بهم آید بر وی پس مختلف میشوند

أَضْلَاعُهُ فَلَا يَزَالُ فِيهَا مُعَذَّبًا حَتَّى يَبْعَثَهُ اللّٰهُ مِنْ مَضْجَعِهِ

پهلو های وی پس همیشه باشد آن میت در آن قبر عذاب کرده شده تا آنکه برانگیزد او را خدا از آرامگاه او

ذٰلِكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

روایت کرد ترمذی و روایت است از براء بن عازب رض

عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ

از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود چون بمیرد مرد مومن

يأتيه ملكان فيجلسانه فيقولان له ما دينك فيقول

مى‌آيد آنرا دو فرشته پس مى‌نشانند او را پس ميگويند مر او را كه چيست دين تو پس ميگويد دين

ديني الاسلام فيقولان ما هذا الرجل الذي بعث

دين من اسلام است پس ميگويند چيست حال اين مرد كه برانگيخته شده است

فيكم فيقول هو رسول الله فيقولان له وما يدريك

در شما پس ميگويد پيغمبر كه وى فرستاده خداست پس ميگويند مر او را چه دريافتى ترا كه رسول خداست

فيقول قرأت كتاب الله فآمنت به وصدقت فذلك

پس ميگويد مومن خواندم كتاب خدا را پس ايمان آوردم بوى و گرويدم پس اينست مراد

قوله تعالى يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في

بقول خداوند تعالى مر و تثبيت در ين قول جواب فرشتگان است در زندگى

الحيوة الدنيا الاية قال فينادي مناد من السماء

بر آن وجه كه مذكور شده فرمود آنحضرت پس آواز دهد آواز دهنده از آسمان

ان صدق عبدي فافرشوه من الجنة والبسوه من

كه راست گفت بنده من بگسترانيد براى بنده فرشى از فرشهاى بهشت و بپوشانيد او را از

الجنة وافتحوا له بابا الى الجنة فيفتح له قال فيأتيه

پوششهاى جنت و بگشاييد براى وى درى بسوى بهشت پس كشاده ميشود براى وى درى پس فرمود آنحضرت پس مى‌آيد مومن را

من روحها وطيبها ويفسح له فيها مد بصره واما

از راحت بهشت و نسيم آن و فراخ كرده ميشود او را در جاى بهشت تا غايتى كه ميرسد نظر وى و ليكن

الكافر فذكر موته قال ويعاد روحه في جسده و

كافر پس ذكر كرد آنحضرت مرگ او را فرمود و باز آورده ميشود روح او در تن وى و

يأتيه ملكان فيجلسانه فيقولان من ربك فيقول

مى‌آيند وى را دو فرشته پس مى‌نشانند او را پس ميگويند كيست پروردگار تو پس ميگويد كافر

هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ لَهُ مَا دِينُكَ فَيَقُولُ هَاهْ

ہاہ ہاہ نمی دانم ودرنمی یابم پس میگویند مراورا چیست دین تو پس میگوید ہاہ

هَاهْ لَا أَدْرِي فَيَقُولَانِ مَا هٰذَا الرَّجُلُ الَّذِي بُعِثَ فِيكُمْ

ہاہ نمی دانم ودرنمی یابم پس میگویند چیست حال اینمرد که برانگیخته شده است در شما

فَيَقُولُ هَاهْ هَاهْ لَا أَدْرِي فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنْ

پس میگوید ہاہ ہاہ نمی دانم ودرنمی یابم پس آواز میدهد آواز دهنده از آسمان که

كَذَبَ فَافْرِشُوهُ مِنَ النَّارِ وَأَلْبِسُوهُ مِنَ النَّارِ وَافْتَحُوا لَهُ

دروغ گفت این کافر پس بگسترانید فرشتہ برائے وی از آتش و بپوشانید اورا از پوششہای دوزخ و بکشائید برائے وی

بَابًا إِلَى النَّارِ قَالَ فَيَأْتِيهِ مِنْ حَرِّهَا وَسَمُومِهَا قَالَ

دری بسوئے دوزخ فرمود آنحضرت پس می آید اورا از گرمی و تاب آتش و باد گرم آن گفت آنحضرت

وَيُضَيَّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ فِيهِ أَضْلَاعُهُ ثُمَّ

و تنگ کرده میشود بر کافر گور او تا آنکه مختلف و متبدل گردد در قبر وے استخوانہائے او پستر

يُقَيَّضُ لَهُ أَعْمَى وَأَصَمُّ مَعَهُ مِرْزَبَّةٌ مِنْ حَدِيدٍ

مسلط گردانیده میشود بروے کورے و کرے که نمی شنود و گوش نمی نهد بفریاد او باوے کلوخ کوب است از آهن

لَوْ ضُرِبَ بِهَا جَبَلٌ لَصَارَ تُرَابًا فَيَضْرِبُهُ بِهَا ضَرْبَةً

اگر زده شود بر کوه هر آئینه میگردد خاک پس میزند اورا بآن زدنی

يَسْمَعُهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ فَيَصِيرُ

میشنود آواز زدن را هر چه در میان مشرق و مغرب است مگر جن و انس پس میگردد کافر

تُرَابًا ثُمَّ يُعَادُ فِيهِ الرُّوحُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

خاک پستر باز آورده میشود روح در بدن او روایت کرده احمد و ابو داؤد و روایت است

عُثْمَانَ رضي الله عنه أَنَّهُ كَانَ إِذَا وَقَفَ عَلَى قَبْرٍ بَكَى حَتَّى يَبُلَّ لِحْيَتَهُ

از عثمان رضی الله عنه بدرستیکه بود وے رضی الله عنه چون می ایستاد بر سر گورے میگریست تا آنکه تر میشد ریش مبارک او

فقيل له تذكر الجنة والنار فلا تبكي وتبكي من هذا

پس گفته شود او را که ذکر میکنی بهشت را و دوزخ را پس نمیگریی و گریه میکنی ازین یعنی از ایستادن بر قبر

فقال ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ان القبر

پس گفت بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه قبر

اول منزل من منازل الآخرة فان نجا منه فما بعده

نخستین منزلیست از منزلهای آخرت پس اگر کسی برست از عذاب قبر پس چیزیکه پس از وست از وی

ايسر منه وان لم ينج منه فما بعده اشد منه وقال

آسان تر است و اگر نرست از عذاب قبر پس آنچه بعد از وست سخت تر است ازان و گفت عثمان

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما رأيت منظرا قط

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ندیده ام هیچ نظرگاه هرگز زشت

الا والقبر افظع رواه الترمذي وابن ماجة وعن

مگر آنکه گور زشت تر است ازان رواه ترمذی وابن ماجه و روایت است از

ابي سعيد الخدري رض قال قال رسول الله صلى الله

ابی سعید خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم يسلط على الكافر في قبره تسعة وتسعون

علیه وسلم هر آئینه گماشته می شود بر کافر در گور او نود و نه

تنينا تنهسه وتلدغه حتى تقوم الساعة لو ان تنينا

اژدها میگزد کافر را و میگزد او را تا آنکه برپا میشود قیامت اگر اژدهاے

منها نفخ في الارض ما انبتت خضرا رواه الدارمي

ازان دم زند در زمین نمی رویاند زمین هیچ سبزه را رواه الدارمی

والترمذي نحوه وقال سبعون بدل تسعة وتسعون

و الترمذی مانند وے و گفت هفتاد بجاے نود و نه

وعن جابر رض قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه

در روایت است از جابر رض گفت بیرون آمدیم با پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم الى سعد بن معاذ حين توفي فلما صلى عليه

وسلم بسوی سعد بن معاذ رض هنگامی که وفات یافت پس هرگاه که نماز گذارد بر وی

رسول الله صلى الله عليه وسلم ووضع في قبره وسوي

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم و نهاده شد معاذ در قبرش و برابر کرده شد خاک

عليه سبح رسول الله صلى الله عليه وسلم فسبحنا طويلا

بر وی تسبیح کرد پیغامبر خدا و گفت سبحان الله صلی الله علیه وسلم پس تسبیح کردیم ما نیز تسبیح دراز

ثم كبر فكبرنا فقيل يا رسول الله لم سبحت ثم

پستر تکبیر گفت پس ما تکبیر گفتیم ما پس گفته شد ای پیغمبر خدا برای چه تسبیح کردی پستر

كبرت قال لقد تضايق على هذا العبد الصالح قبره

تکبیر برآوردی فرمود آنحضرت بتحقیق تنگ گردید بر این بنده نیک قبر وی رض

حتى فرجه الله تعالى عنه رواه احمد وعن ابن عمر

تا آنکه کشاده و بیرون آورد او را خدا تعالی از آن دشواری رواه احمد و روایت است از ابن عمر

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم هذا الذي تحرك

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم در حق سعد بن معاذ این آن کسی است جنبید

له العرش وفتحت له ابواب السماء وشهده سبعون

بجهت وی عرش و کشاده شد برای وی درها آسمان بجهت نزول رحمت و حاضر گردید او را هفتاد

الفا من الملائكة لقد ضم ضمة ثم فرج عنه رواه الترمذي

هزار فرشته بتحقیق تنگ کرده شد تنگ کردنی سخت پستر آسان کرده شد از وی رواه ترمذی

وعن جابر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

إِذَا دَخَلَ الْمَيِّتُ الْقَبْرَ مُثِّلَتْ لَهُ الشَّمْسُ عِنْدَ غُرُوبِهَا

چون درآورده میشود مرده در گور متمثل کرده می شود و نموده میشود مر او را آفتاب چنانکه در وقت غروب

فَيَجْلِسُ يَمْسَحُ عَيْنَيْهِ وَيَقُولُ دَعُونِي أُصَلِّي رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

پس نشیند میت در حالیکه میمالد هر دو چشم خود را و میگوید بگذارید مرا که نماز شام بگذارم رواه ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی هریرة رض از آنحضرت صلی الله علیه و سلم

قَالَ إِنَّ الْمَيِّتَ يَصِيرُ إِلَى الْقَبْرِ فَيَجْلِسُ الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ

گفت بدرستیکه میت میرود بسوی قبر پس می نشیند مرد در گورش در حالیکه

غَيْرَ فَزِعٍ وَلَا مَشْغُوبٍ ثُمَّ يُقَالُ فِيمَ كُنْتَ فَيَقُولُ كُنْتُ

ترسنده نیست و غیر مفتون است گفته می شود که در چه دین و ملت بوده تو پس میگوید بوده ام

فِي الْإِسْلَامِ فَيُقَالُ مَا هٰذَا الرَّجُلُ فَيَقُولُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ

در دین اسلام پس گفته می شود که چیست صفت این مرد پس میگوید میت که وے محمد فرستاده خدا است

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَنَا بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ عِنْدِ اللهِ فَصَدَّقْنَاهُ

صلی الله علیه و سلم که آورد ما را معجزات ظاهر و باهر از نزد خدا پس تصدیق کردیم ما او را

فَيُقَالُ لَهُ هَلْ رَأَيْتَ اللهَ فَيَقُولُ مَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرَى

پس گفته می شود او را آیا دیده تو خدا را پس میگوید که نمیرسد و نمی سزد مر یکے را که بہ بیند

اللهَ فَيُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ قِبَلَ النَّارِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا يَحْطِمُ بَعْضُهَا

خدا تعالے را پس کشاده می شود مر او را شگافے بجانب آتش دوزخ پس نگاه میکند بجانب آتش می شکند و پامال کند

بَعْضًا فَيُقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى مَا وَقَاكَ اللهُ ثُمَّ يُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ

بعض و بعض را پس گفته می شود مر او را که بنگر بجانب چیزیکه نگاهداشته است ترا خدا تعالیٰ پس کشاده میشود مر او را شگافے

قِبَلَ الْجَنَّةِ فَيَنْظُرُ إِلَى زَهْرَتِهَا وَمَا فِيهَا فَيُقَالُ لَهُ هٰذَا

بجانب بهشت پس نگاه میکند بجانب خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته می شود مر او را این

شادانی و هر که در آید درین جا سے بیرون آید از منزل دوزخ ۱۲

مَقْعَدُكَ عَلَى الْيَقِينِ كُنْتَ وَعَلَيْهِ مُتَّ وَعَلَيْهِ تُبْعَثُ إِنْ شَاءَ

جای نشست تو است زیراکه بر یقین و ایمان بوده تو در حیات و همبرین یقین مرده تو و همبرین ایمان و یقین برانگیخته میشوی اگر خواهد

اللهُ تَعَالَى وَيَجْلِسُ الرَّجُلُ السُّوءُ فِي قَبْرِهِ فَزِعًا مَشْعُوبًا فَيُقَالُ

خدای تعالی و نشانده می شود مرد بد در قبرش ترسناک و مفتون و تباه پس گفته میشود

لَهُ فِيمَ كُنْتَ فَيَقُولُ لَا أَدْرِي فَيُقَالُ لَهُ مَا هَذَا الرَّجُلُ فَيَقُولُ

مر او را در چه دین بوده پس میگوید نمی دانم و در نمی یابم پس گفته میشود مر او را چیست صفت این مرد پس میگوید

سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ قَوْلًا فَقُلْتُهُ فَيُفْرَجُ لَهُ قِبَلَ الْجَنَّةِ فَيَنْظُرُ

شنیدم مردم را که میگفتند سخنی را پس گفتم من نیز آن را پس گشاده کرده میشود مر او را شکافی از بهشت پس نگاه میکند

إِلَى زَهْرَتِهَا وَمَا فِيهَا فَيُقَالُ لَهُ انْظُرْ إِلَى مَا صَرَفَ اللهُ عَنْكَ

بسوی خوبی و تازگی بهشت و آنچه در بهشت است پس گفته میشود مر او را بنگر بسوی آنچه که باز داشته است خدای تعالی از تو

ثُمَّ يُفْرَجُ لَهُ فُرْجَةٌ إِلَى النَّارِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا يَحْطِمُ بَعْضُهَا بَعْضًا

پس تر گشاده میشود مر او را شکافی بسوی آتش دوزخ پس نگاه میکند بسوی آتش دوزخ که می شکند و پایمال میکند بعضش بعض را

فَيُقَالُ لَهُ هَذَا مَقْعَدُكَ عَلَى الشَّكِّ كُنْتَ وَعَلَيْهِ مُتَّ

پس گفته میشود مر او را که این است جای نشست تو که بودی تو بر شک در حیوة تو و همبرین شک مرده تو

وَعَلَيْهِ تُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

و همبرین شک برانگیخته میشوی از قبر اگر خواهد خدای تعالی رواه ابن ماجه و روایت است از

قَتَادَةَ عَنْ أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا

قتاده رضی از انس بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود اگر نمی بود ترس

أَنْ لَا تَدَافَنُوا لَدَعَوْتُ اللهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ عَذَابَ الْقَبْرِ

و ملاحظه آنکه بگور نکنید شما مرده‌ها را خود را هر آینه دعا کردمی خدا را که بشنواند شما را عذاب قبر

فِي كِتَابِ عَذَابِ الْقَبْرِ وَعَنْ شَيْبَةَ بْنِ مُسَاوِرٍ

در کتاب عذاب قبر و روایت است از شیبه بن مساور

عن انس قال مر رسول الله صلى الله عليه وسلم بقبر

از انس رض گفت گذر کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بگوری

فنفرت بغلته الشهباء فاخذ القوم فقال خلوا عنها فان

پس فرار گرفت مرکب آنحضرت پس گرفتند قوم پس فرمود بگذارید ازان بدرستیکه

صاحب القبر يعذب فانه لا يستنزه من البول ق فيه

صاحب این قبر عذاب کرده میشود پس بدرستیکه وی احتیاط نمیکرد و پاکی نمیکرد از بول

وعن انس رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

و مروی است از انس رض از پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت

ان الله تعالى وكل بعبده المؤمن ملكين يكتبان عمله

بدرستیکه خدای تعالی گماشته است بر بنده مؤمن خود دو فرشته را که می نویسند عمل آن بنده

فاذا مات قال الملكان اللذان وكلا به قد مات فأتأذن

پس چون بمیرد آن بنده میگویند آن دو فرشته که گماشته شده بودند بدان بنده تحقیق که مرد پس اذن ده

لنا ان نصعد الى السماء فيقول الله عز وجل سمائي

ما را که بالا برویم بسوی آسمان پس میگوید خدای تعالی آسمان من

مملوءة من ملائكتي يسبحوني فيقولان افنقيم في الارض

پر است از فرشتگان من که تسبیح میکنند مرا پس میگویند آن دو فرشته آیا پس اقامت کنیم ما در زمین

فيقول الله ارضي مملوءة من خلقي يسبحوني فيقولان

پس میگوید خدای تعالی زمین من پر است از مخلوق من که تسبیح میکنند مرا پس می گویند

فاين فيقول قوما على قبر عبدي فسبحاني واحمداني

پس کجا پس میگوید بایستید شما بر قبر بنده من پس تسبیح گویید مرا و حمد گویید مرا

وكبراني وهللاني واكتبا ذلك لعبدي الى يوم القيمة

و تکبیر گویید مرا و تهلیل گویید مرا و بنویسید ثواب این را برای بنده من تا روز قیامت

المروزي في الجنائز وابو بكر الشافعي في الغيلانيات

روایت کرده شده در جنائز وابو بکر شافعی در غیلانیات

وابو الشيخ في العظمة هب والديلمي واورده

ووابو الشیخ در عظمت ... والدیلمی و وارد کرده

ابن الجوزي في الموضوعات فلم يصب جمع الجوامع

ابن جوزی در موضوعات پس بصواب نرسید جمع الجوامع

باب غسل الميت وتكفينه

باب در بیان غسل میت و در کفن در آوردن آن

عن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از جابر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم اذا كفن احدكم اخاه فليحسن كفنه

علیه وسلم چون کفن کند یکی از شما برادر خود را پس باید نیک کند کفن او را

رواه مسلم وعن عبد الله بن عباس رض

رواه مسلم و از عبد الله بن عباس مروی است

قال ان رجلا كان مع النبي صلى الله عليه وسلم

گفت فرمود بدرستیکه مردی بود با پیغمبر صلی الله علیه وسلم

فوقصته ناقته وهو محرم فمات فقال

پس انداخت او را ناقه او و حال آنکه ... محرم بود پس مرد ...

رسول الله صلی الله علیه وسلم اغتسلوا بماءٍ وسدر

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بشوئید در آب و برگ درخت کنار

وکفنوه في ثوبيه ولا تمسوه بطيب ولا تخمروا

و کفن کنید او را در دو جامه او و لمس نکنید او را بوی خوش و نپوشید

رأسه فانه يبعث يوم القيامة ملبيا متفق عليه

سر او را پس بدرستیکه او برانگیخته شود روز قیامت از قبر لبیک گویان متفق علیه

وعن ابن عباس رض قال قال رسول الله صلی الله علیه

و از ابن عباس روایت است رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم البسوا من ثيابكم البياض فانها من خير ثيابكم

وسلم بپوشید از جامه های سفید پس بدرستیکه آن از جمله بهترین جامه های شما است

وكفنوا فيها موتاكم ومن خير اكحالكم الاثمد فانه ينبت

و کفن کنید در آن مردهای شما را و از بهترین سرمهای شما اثمد است زیرا که آن میرویاند

الشعر ويجلو البصر رواه ابوداود والترمذي وروى

موی و روشن میکند بینائی را رواه ابوداود والترمذی و روایت کرد

ابن ماجة الى موتاكم وعن علي رض قال قال

ابن ماجه تا لفظ موتاکم و روایت است از علی رض گفت فرمود

رسول الله صلی الله علیه وسلم لا تغالوا في الكفن فانه

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گران بها مکنید در کفن زیرا که کفن

يسلب سلبا سريعا رواه ابوداود وعن ابي سعيد

ربوده شود ربودنی شتاب رواه ابوداود و روایت است از ابی سعید

الخدري رض انه لما حضره الموت دعا بثياب جدد

خدری رض چون حاضر شد او را موت طلبید جامه های نو را

فألبسها ثم قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول

پس پوشید آنها را پس گفت شنیدم پیامبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می گفت

الميت يبعث في ثيابه التي يموت فيها رواه ابو داود

مرده برانگیخته شود در جامهای خود که میرد در وی رواه ابو داود

باب المشي بالجنازة والصلوة عليها

باب در رفتن همراه جنازه و نماز گذاردن بران

عن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أسرعوا بالجنازة فإن تك صالحة فخير تقدمونها

شتاب کنید بجنازه یعنی بردن آن [illegible] پس اگر باشد میت نیکوکار [illegible] نیکوئی کردن

إليه وإن تك سوى ذلك فشر تضعونه عن رقابكم متفق

و اگر باشد میت غیر صالح [illegible] سبب [illegible]

عليه وعن أبي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود پیامبر خدا صلی الله علیه

وسلم إذا وضعت الجنازة فاحتملها الرجال على أعناقهم

و سلم وقتی که نهاده شود جنازه بر نعش پس بردارند مردان بر گردنهای خود

فإن كانت صالحة قالت قدموني وإن كانت غير صالحة

پس اگر باشد مرده نکوکار گوید پیش فرستید مرا و اگر باشد بدکار

قالت لأهلها يا ويلها أين تذهبون بها يسمع صوتها

گوید بکسان خود وای کجا می برید او را می شنود آواز او را

كل شيء إلا الإنسان ولو سمع الإنسان لصعق رواه البخاري

هر چیز از حیوانات و جمادات غیره مگر انسان و اگر بشنود آدمی هر آینه بیهوش شود رواه بخاری

۲۷۶

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا رايتم

و هم از وے روایت است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون ببینید

الجنازة فقوموا لها فمن تبعها فلا يقعد حتى توضع متفق عليه

جنازه را پس ایستید از برای آن پس هر که پیروی کند جنازه را پس باید که نه نشیند تا آنکه نهاده شود

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من اتبع جنازة مسلم ايمانا واحتسابا وكان معه

علیه وسلم هر کسیکه پیروی کند جنازه مسلمانی را از روی ایمان و طلب کردن ثواب و باشد با وے

حتى يصلى عليه ويفرغ من دفنها فانه يرجع من الاجر

تا آنکه نماز گزارده شود بر وی و تا آنکه فارغ گردد از دفن وے پس بدرستیکه باز میگردد از اجر

بقيراطين كل قيراط مثل احد ومن صلى عليها ثم رجع

بدو قیراط هر قیراط مانند کوه احد است و کسیکه نماز گزارد بر وے پس باز گردد

قبل ان تدفن فانه يرجع بقيراط متفق عليه وعن

پیش از آنکه دفن کرده شود پس بدرستیکه باز میگردد بیک قیراط متفق علیه و روایت است از

عوف بن مالك قال صلى رسول الله صلى الله عليه وسلم

عوف ابن مالک رض گفت نماز گزارد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

على جنازة فحفظت من دعائه وهو يقول اللهم اغفر له وارحمه

بر جنازه پس یاد گرفتم من از دعای آنحضرت و وے میگفت بار خدایا بیامرز مر او را و

وعافه واعف عنه واكرم نزله ووسع مدخله واغسله

و عافیت ده او را و سلامت بخش و عفو کن از وی و گرامی دار مهمانی او و کشاده گردان جای درآمدن او

بالماء والثلج والبرد ونقه من الخطايا كما نقيت الثوب

بآب و برف و ژاله و پاکیزه گردان او را از گناهان چنانکه پاکیزه گردانیدی تو جامه

الابیض من الدنس وابدله دارا خیرا من داره واهلا

سفید را از چرک و بدل کن او را سرای بهتر از سرای وی و کسان بهتر از کسان وی

خیرا من اهله وزوجا خیرا من زوجه وادخله الجنة

بهتر از اهل او و جفتی بهتر از جفت وی و درآر او را در بهشت

واعذه من عذاب القبر ومن عذاب النار وفی روایة

و پناه ده او را از عذاب گور تا گفت آنحضرت پناه ده از عذاب آتش و در روایتی آمده

وقه فتنة القبر وعذاب النار قال حتی تمنیت ان

و نگاه دار او را از فتنه گور و از عذاب آتش گفت راوی تا آنکه آرزو بردم که

اکون انا ذلک المیت رواه مسلم وعن ابی هریرة

من آن مرده بودمی که آنحضرت این دعا در حق وی کرد رواه مسلم و روایت است از ابو هریره

ان امرأة سوداء کانت تقم المسجد او شاب ففقدها

بدرستیکه زنی سیاه بود که جاروب می‌کرد مسجد را یا جوانی بود پس گم کرد آن زن را

او فقده رسول الله صلی الله علیه وسلم فسأل عنها او عنه

یا آن جوان را پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس پرسید آنحضرت از حال آن زن

فقالوا مات قال افلا کنتم آذنتمونی قال فکأنهم

پس گفتند مرد پس فرمود آنحضرت آیا نبودید که خبر کنید مرا گفت ابو هریره پس گویا خرد

صغروا امرها او امره فقال دلونی علی قبره فدلوه فصلی

پنداشتند شان آن زن را پس فرمود آنحضرت که راه نمائید مرا بر گور آن

علیها ثم قال ان هذه القبور مملوءة ظلمة علی اهلها وان

بر قبر وی بدرستیکه این قبرها پر کرده شده اند تاریکی بر اهل خود و بدرستیکه

الله ینورها لهم بصلاتی علیهم متفق علیه ولفظه لمسلم

خداوند تعالی منور می‌سازد آن را برای ایشان بسبب نماز کردن من بر ایشان متفق علیه و لفظ مسلم راست

[illegible]

وَعَنْ كُرَيْبٍ مَوْلَى ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَبَّاسٍ رض

در روایت است از کریب که مولی ابن عباس است رض از عبد الله ابن عباس رض

اَنَّهُ مَاتَ لَهُ ابْنٌ بِقُدَيْدٍ اَوْ بِعُسْفَانَ فَقَالَ يَا كُرَيْبُ انْظُرْ

که مرد پسری مر ابن عباس را در موضع قدید یا در موضع عسفان پس گفت ابن عباس ای کریب نگاه کن

مَا اجْتَمَعَ لَهُ مِنَ النَّاسِ قَالَ فَخَرَجْتُ فَاِذَا نَاسٌ قَدِ اجْتَمَعُوْا

آنچه فراهم آمده اند برای نماز وی از مردمان گفت کریب پس بیرون آمدم پس ناگاه مردمان جمع شده اند از جهت نماز

لَهُ فَاَخْبَرْتُهُ فَقَالَ تَقُوْلُ هُمْ اَرْبَعُوْنَ قَالَ نَعَمْ قَالَ اَخْرِجُوْهُ

وی پس خبر دادم ابن عباس را گفت ابن عباس که میگوئی تو ایشان که چهل اند گفت آری گفت بیرون آرید جنازه را

فَاِنِّيْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ

پس به تحقیق من شنیده ام رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که می گفت نیست هیچ

رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوْتُ فَيَقُوْمُ عَلٰى جَنَازَتِهِ اَرْبَعُوْنَ رَجُلًا

مرد مسلمانی که بمیرد پس بایستند بر جنازه وی چهل مرد

لَا يُشْرِكُوْنَ بِاللّٰهِ شَيْئًا اِلَّا شَفَّعَهُمُ اللّٰهُ فِيْهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

که شریک نمی گردانند آن چهل مرد به خدا چیزی را مگر اینکه قبول کند شفاعت ایشان خدا در حق وی روایت کرده او را مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا مِنْ

در روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیست هیچ

مَيِّتٍ تُصَلِّيْ عَلَيْهِ اُمَّةٌ مِّنَ الْمُسْلِمِيْنَ يَبْلُغُوْنَ مِائَةً كُلُّهُمْ

مرده که نماز بگذارند بر وی گروهی از مسلمانان که برسند عدد صد را همه ایشان

يَشْفَعُوْنَ لَهُ اِلَّا شُفِّعُوْا فِيْهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض

شفاعت و دعا کنند او را مغفرت مگر آنکه شفاعت ایشان قبول کرده شود روایت کرده او را مسلم در روایت است از انس رض

قَالَ مَرُّوْا بِجَنَازَةٍ فَاَثْنَوْا عَلَيْهَا خَيْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

گفت انس رض گذشتند جماعتی بجنازه پس ثنا کردند بر وی به نیکی پس فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم وجبت ثم مروا باخرى فاثنوا عليها شرا

عليه وسلم واجب شد پس گذشتند بجنازه دیگر پس ذکر کردند بد وصف بدی را

فقال وجبت فقال عمر ما وجبت فقال هذا اثنيتم عليه

پس فرمود واجب شد پس گفت عمر چه چیز واجب شد پس فرمود آنحضرت که این مرده که یاد کردید

خيرا فوجبت له الجنة وهذا اثنيتم عليه شرا فوجبت

بنیکی پس واجب شد برای وی بهشت و این مرده که یاد کردید این را به بدی پس واجب شد

له النار انتم شهداء الله في الارض متفق عليه وفي رواية

برای وی آتش شما گواهان خدا اید در زمین متفق علیه است و در روایتی هست

المؤمنون شهداء الله في الارض وعن عمر قال

مسلمانان گواهان خدای تعالی اند در زمین و روایت است از عمر گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ايما مسلم شهد له

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم هر مسلمانیکه گواهی دهند او را

اربعة بخير ادخله الله الجنة فقلنا وثلاثة قال وثلاثة

چهار مرد بنیکی در آرد او را خدای تعالی به بهشت پس گفتیم و اگر گواهی دهند سه کس فرمود و اگر سه

فقلنا واثنان قال واثنان ثم لم نسأله عن الواحد رواه

گفتیم و اگر دو کس گواهی دهند فرمود و اگر دو کس گواهی دهند نیز داخل بهشت شود پس نپرسیدیم

البخاري وعن عبد الله ابن مسعود قال قال

بخاری و از عبد الله بن مسعود روایت است گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم الجنازة متبوعة ولا تتبع

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که جنازه پس روی کرده شده است و پس روی کننده

ليس معها من تقدمها رواه ابوداود والترمذي وابن ماجة

نیست همراه جنازه یعنی یافته نشود ثواب همراهی آنکسی که پیش رود جنازه را روایت کرد ابوداود و ترمذی و ابن ماجه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من تبع جنازة وحملها ثلث مرار فقد قضى ما عليه من

کسیکه پس روی کند جنازه را و بردارد آنرا سه بار پس بتحقیق پرداخت چیزیرا که بود بر او لازم از

حقها رواه الترمذي وعن ثوبان قال خرجنا مع النبي

حق جنازه روایت کرد ترمذی و از ثوبان مرویست که گفت بیرون آمدیم همراه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في جنازة فرأى ناسا ركبانا فقال

صلی الله علیه وسلم بجهت متابعت جنازه پس دید آنحضرت مردمان را سواره پس فرمود که

الا تستحيون ان ملائكة الله على اقدامهم وانتم على

شرم نمیدارید که فرشتگان خدا ایستاده اند بر پاهای خود میروند و شما بر

ظهور الدواب رواه الترمذي وابن ماجة وروى ابوداود

پشتهای چهارپایان میروید روایت کرد ترمذی و ابن ماجه و روایت کرد ابوداود

نحوه وعن ابي هريرة رض قال كان رسول الله صلى الله

مانند آن و روایت است از ابی هریره رض گفت وقتیکه بود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم اذا صلى على الجنازة قال اللهم اغفر لحينا

علیه وسلم چون میگذارد نماز جنازه میگفت خداوندا بیامرز زنده ما را

وميتنا وشاهدنا وغائبنا وصغيرنا وكبيرنا وذكرنا

و مرده ما را و حاضر ما را و غائب ما را و خرد ما را و بزرگ ما را و نرینه ما را

وانثانا اللهم من احييته منا فاحيه على الاسلام

و مادینه ما را خداوندا کسیکه زنده داری تو او را از ما پس زنده دار او را بر مسلمانی

ومن توفيته منا فتوفه على الايمان اللهم لا تحرمنا

و کسیکه میرانی او را از ما پس بمیران او را بر ایمان خداوندا نا امید مگردان ما را

أَجْرَهُ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُودَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

از مزد او و در فتنه میندازما را پس از وے رواه احمد و ابوداود و ترمذی

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

و ابن ماجه در روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَفْضَوْا إِلَى

الله علیه وسلم که دشنام مدهید و بد مگوئید مرده ها را زیرا که ایشان بتحقیق رسیدند بسوی جزاے

مَا قَدَّمُوا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

که پیش فرستادند رواه البخاری در روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اذْكُرُوا مَحَاسِنَ مَوْتَاكُمْ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کنید در یاد کنید نیکیهای مرده های خود را

وَكُفُّوا عَنْ مَسَاوِيهِمْ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

و باز ایستید از ذکر کردن بدیهای ایشان رواه ابوداود و الترمذی

وَعَنْ مَالِكِ بْنِ هُبَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

در روایت است از مالک بن هبیره گفت شنیدم پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيُصَلِّي عَلَيْهِ

الله علیه وسلم را میگفت نیست مسلمانے که بمیرد پس نماز بگذارند بر وے

ثَلَاثَةُ صُفُوفٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَوْجَبَ فَكَانَ مَالِكٌ

سه صف از مسلمانان مگر واجب گردانید خدا او را بهشت پس بود مالک بن هبیره

إِذَا اسْتَقَلَّ أَهْلَ الْجَنَازَةِ جَزَّأَهُمْ ثَلَاثَةَ صُفُوفٍ

وقتی که کم میدید اهل جنازه یعنی مردم را که حاضر آمده بودند تقسیم میکرد ایشان را سه صف

بِهَذَا الْحَدِيثِ رَوَاهُ أَبُودَاوُدَ

بسبب این حدیث رواه ابوداود

باب دفن الميت

باب دفن الميت

عن سفيان التمار انه رأى قبر النبي صلى الله

روايت است سفيان تمار را که بدرستیکه وی دید قبر آنحضرت را صلى الله

عليه وسلم مسنما رواه البخاري وعن ابي هريرة

عليه وسلم بلند بر شکل کوهان شتر رواه البخاري و روايت است از ابی هريرة

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لان يجلس

گفت فرمود پیغامبر خدا صلى الله عليه وسلم هر آئینه اینکه بنشیند

احدكم على جمرة فتحرق ثيابه فتخلص الى جلده

یکی از شما بر اخگر سوزان پس بسوزاند جامه او را و برسد سوز آن بسوی پوست

خير له عن ان يجلس على قبر رواه مسلم وعن

بهتر است مر او را از نشستن بر قبر روایت کرد این حدیث را مسلم و از

ابن عمر رض ان النبي صلى الله عليه وسلم كان

ابن عمر روایت است که بدرستیکه پیغامبر خدا صلى الله عليه وسلم بود

اذا ادخل الميت القبر قال بسم الله وبالله وعلى ملة

که چون می در آورد مرده را در قبر میگفت بسم الله وبالله وعلى ملة

رسول الله وفي رواية وعلى سنة رسول الله رواه

رسول الله و در روایتی و بر سنت پیغامبر خدا رواه

احمد والترمذي وابن ماجة وروى ابو داود الثانية

احمد والترمذي وابن ماجه و روایت کرد ابو داود روایت ثانی را

وعن جعفر ابن محمد عن ابيه مرسلا ان النبي

و روایت است از جعفر ابن محمد از پدرش از روی مرسل بدرستیکه آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم حثی علی المیت ثلٰث حثیات بیدیہ
صلی اللہ علیہ وسلم خاک انداخت بر مردہ سہ بار خاک انداختن بہر دو دست خود
جمیعا وانہ رش علٰی قبر ابنہ ابراھیم ووضع علیہ حصباء
و بدرستیکہ آب پاشید بر گور پسر خود ابراہیم وبنہاد بر قبر وے سنگریزہ ہا
رواہ فی شرح السنۃ وعن جابر رض قال نھی رسول اللہ
روایت کرد این حدیث را در شرح سنۃ و روایت است از جابر رض گفت جابر نہی کردہ آنحضرت
صلی اللہ علیہ وسلم ان یجصص القبور وان یکتب علیھا
صلی اللہ علیہ وسلم از گچکاری کردن قبرہا واز آنکہ نوشتہ شود بر قبور
وان یبنی علیھا وان توطا رواہ الترمذی وعنہ قال
ونہی کرد از آنکہ بنا کردہ شود بر قبر واز آنکہ پایمال کردہ شود قبور رواہ ترمذی وہم از جابر روایت گفت جابر
رش قبر النبی صلی اللہ علیہ وسلم وکان الذی رش الماء
کہ آب پاشیدہ شد قبر آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم وبود آنکس کہ پاشید آب را
علی قبرہ بلال بن رباح بقربۃ بدأ من قبل راسہ
بر قبر آنحضرت صلعم بلال ابن رباح از مشک کہ شروع کرد از جانب سر آنحضرت صلعم
حتی انتھی الی رجلیہ رواہ البیھقی فی دلائل النبوۃ
تا آنکہ رسید بہر دو پائے مبارک آنحضرت رواہ بیہقی در دلائل نبوۃ
وعن القاسم بن محمد قال دخلت علی عائشۃ رض
و روایت است از قاسم بن محمد گفت کہ در آمدم بر عائشہ رض
فقلت یا اماہ اکشفی لی عن قبر رسول اللہ صلی اللہ علیہ
پس گفتم ای مادر من بکشا سے و پردہ بردار برائے من از قبر آنحضرت صلی اللہ علیہ
وسلم وصاحبیہ فکشفت لی عن ثلثۃ قبور لا مشرفۃ
وسلم وہر دو یار وے پس پردہ برداشت برائے من از سہ قبر کہ نہ بلند بود

وَلَا لِابِنَةٍ مَبْطُوحَةٍ بِبَطْحَاءِ الْعَرْصَةِ الْحَمْرَاءِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُد

ونه متصل بزمین سنگریزه چیده شده بروے سنگریزهاے سرخ رواه ابو داود

وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از عایشه رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلے الله علیه وسلم

قَالَ كَسْرُ عَظْمِ الْمَيِّتِ كَكَسْرِهٖ حَيًّا رَوَاهُ مَالِكٌ وَاَبُوْدَاوُد

فرمود شکستن استخوان مرده همچو شکستن استخوان اوست در حال حیات رواه مالک و ابوداود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ حَزْمٍ قَالَ رَاٰنِي النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

و ابن ماجه و روایت است از عمرو بن حزم گفت دید مرا آنحضرت صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُتَّكِئًا عَلٰى قَبْرٍ قَالَ لَا تُؤْذِ صَاحِبَ

علیه وسلم تکیه زننده بر قبرے فرمود آزار مکن صاحب

هٰذَا الْقَبْرِ اَوْ لَا تُؤْذِهٖ رَوَاهُ اَحْمَدُ

این قبر را یا فرمود آزار مکن آنرا رواه احمد

بَابُ الْبُكَاءِ عَلَى الْمَيِّتِ وَبَيَانِ

باب گریستن بر مرده و بیان

اَجْرِ مَنْ صَبَرَ عَلٰى مَوْتِ اَوْلَادِهٖ

مزد کسے که صبر کرد بر موت اولاد خود

عَنْ اَنَسٍ رض قَالَ دَخَلْنَا مَعَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از انس رض گفت انس که در آمدیم ما همراه آنحضرت صلے الله علیه

وَسَلَّمَ عَلٰى اَبِيْ سَيْفٍ الْقَيْنِ وَكَانَ ظِئْرًا لِاِبْرَاهِيْمَ فَاَخَذَ

وسلم بر ابی سیف آهنگر و بود وے شوهر دایه ابراهیم بن محمد پس گرفت

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِبْرَاهِيْمَ فَقَبَّلَهٗ وَشَمَّهٗ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم ابراهیم را پس بوسه داد اورا و بوکرد اورا

ثم دخلنا عليه بعد ذلك وابراهيم يجود بنفسه

پس در آمدیم بابرو بعد از آن پیشے همراه آنحضرت وحال آنکه ابراهیم جود وسخاوت میکرد بجان خود

فجعلت عينا رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس در ایستاد هر دو چشم آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تذرفان فقال له عبد الرحمن ابن عوف وانت

گردان شد اشکها از آن پس گفت بآنحضرت عبد الرحمن ابن عوف و تو گریه میکنی

يا رسول الله فقال يا ابن عوف انها رحمة ثم

ای پیغمبر خدا با این معرفت پس فرمود ای فرزند عوف این اشکها از رحمت است پس

اتبعها باخرى فقال ان العين تدمع والقلب

پس در گرد و بیند آن اشکها را با اشکهای دیگر پس فرمود بدرستیکه چشم اشک میریزد و دل

يحزن ولا نقول الا ما يرضى ربنا وانا بفراقك

اندوهگین میگردد ونمیگوییم مگر آنچه که خوشنود است پروردگار را و بدرستیکه ما بجدائی تو

يا ابراهيم لمحزونون متفق عليه وعن

ای ابراهیم هر آئینه اندوهگینیم متفق علیه است وروایت است از

عبد الله بن مسعود رض قال قال رسول الله صلى

عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی

الله عليه وسلم ليس منا من ضرب الخدود

الله علیه وسلم نیست از اهل طریقه ما کسیکه که بزند رخسارها را

وَشَقَّ الْجُيُوبَ وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و پاره کند گریبان ها را و بخواند بخواندن جاهلیت چنانکه نوحه و دعا بویل وغیره متفق علیه

وَعَنْ أَبِي بُرْدَةَ قَالَ أُغْمِيَ عَلَى أَبِي مُوسَى فَأَقْبَلَتْ

و روایت است از ابی بردة گفت که بیهوش شد ابو موسی اشعری پس پیش آمد

امْرَأَتُهُ أُمُّ عَبْدِ اللهِ تَصِيحُ بِرَنَّةٍ ثُمَّ أَفَاقَ فَقَالَ

زن وی که کنیت او ام عبد الله است در حالیکه آواز میکرد به بکا بستر بهوش آمد پس گفت

أَلَمْ تَعْلَمِي وَكَانَ يُحَدِّثُهَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

آیا نمی دانی تو و بود ابو موسی که خبر میداد که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ حَلَقَ وَصَلَقَ وَخَرَقَ

علیه وسلم فرمود که من بیزارم از کسی که بتراشد موی سر را و بلند کند آواز را و پاره کند گریبان را از مصیبت

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَلَفْظُهُ لِمُسْلِمٍ وَعَنْ أَبِي مَالِكٍ

متفق علیه و لفظ این مر مسلم راست و روایت است از ابی مالک

الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُونَهُنَّ الْفَخْرُ

چهار خصلت است در امت من از کار جاهلیت که نمی گذارند آنها را یکی نازیدن

فِي الْأَحْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالْاِسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ

در حسبها و دوم طعن کردن در نسبهای مردم و سوم طلب باران کردن بستارها و چهارم

وَالنِّيَاحَةُ وَقَالَ النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ

نوحه کردن در ماتم و فرمود آنحضرت که زن نوحه گر چون توبه نکند پیش از مرگ خود استاده کرده شود

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ

در روز قیامت و حال آنکه بر تن زن پیراهنی است از قطران و پیراهنی از جرب

رواه مسلم وعن انس قال مر النبي صلى الله عليه

روایت مسلم و روایت است از انس رض گفت گذشت آنحضرت صلی الله علیه

وسلم بامرأة تبكي عند قبر فقال اتقي الله واصبري

وسلم بزنیکه گریه میکرد نزد گوری پس فرمود آنحضرت که بترس از خدا و شکیبایی کن

قالت اليك عني فانك لم تصب بمصيبتي ولم تعرفه

گفت آن زن بآنحضرت که یکسو شو از من زیرا که تو مصیبت زده نشدهٔ بمصیبت من و نشناخت آن زن حضرت را

فقيل لها انه النبي صلى الله عليه وسلم فاتت باب النبي

پس گفته شد آن زن را که این شخص که گفت پیغامبر بود صلی الله علیه وسلم پس آمد آن زن بدر پیغامبر

صلى الله عليه وسلم فلم تجد عنده بوابين فقالت

صلی الله علیه وسلم پس نیافت آن زن نزد آنحضرت دربانان را پس گفت آن زن

لم اعرفك فقال انما الصبر عند الصدمة الاولى

که من نشناختم ترا پس فرمود آنحضرت جز این نیست که صبر نزد کوفت نخستین است

متفق عليه وعن ابي سعيد الخدري رض قال

متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض گفت

لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم النائحة والمستمعة

لعنت کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم زن نوحه کننده را و زن گوش دارنده نوحه را

رواه ابو داود وعن سعد بن ابي وقاص رض قال قال

روایت ابو داود و روایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم عجب للمؤمن ان اصابه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم عجب است مر مسلمان را اگر برسد او را

خير حمد الله وشكر وان اصابته مصيبة حمد الله وصبر

نیکی از نعمت ستایش میکند خدا را و سپاس میگوید و اگر رسد او را سختی و اندوه ستایش میگوید خدا را و صبر میکند

فالمؤمن يؤجر في كل امره حتى في اللقمة يرفعها الى

پس مسلمان مزد داده می شود در همه کار وی تا آنکه در لقمه که بر می دارد آنرا

في امرأته رواه البيهقي في شعب الايمان وعن انس رض

در دهان زن خود روایة بیهقی در شعب ایمان و روایت است از انس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من مؤمن الا

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم که نیست هیچ مومن مگر آنکه

وله بابان باب يصعد منه عمله وباب ينزل منه

او را دو در هست دریکه که بالا میرود از آن عمل او و دری است که فرود می آید از آن در

رزقه فاذا مات بكيا عليه فذلك قوله فما بكت عليهم

رزق او پس چون میمیرد مسلمان میگریند آن هر دو در بروی پس آن مراد است بقول حق تعالی که پس نگریست

السماء والارض رواه الترمذي وعن عبد الله ابن

آسمان و زمین رواه ترمذی و روایت است از عبد الله بن

مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من عزى

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسی که تعزیه کند تسلی

مصابا فله مثل اجره رواه الترمذي وابن ماجة

مصیبت زده را پس مر او راست مانند اجر وی رواه الترمذی و ابن ماجه

وعن ابي برزة قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی برزه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم من عزى ثكلى كسي بردا في الجنة رواه الترمذي

وسلم کسی که تعزیه کند و صبر فرماید ثکلی را پوشانیده شود مر او را جامه در بهشت رواه ترمذی

وعن عبد الله بن جعفر رض قال لما جاء نعي جعفر

و روایت است از عبد الله بن جعفر رض گفت هرگاه که آمد خبر موت جعفر رض

قال النبي صلى الله عليه وسلم اصنعوا لآل جعفر طعاما فقد

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسازید برای آل واولاد جعفر طعام پس براستی تحقیق

أتاهم ما يشغلهم رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجة

آمده است ایشان را چیزی که بازمیدارد ایشان را از طعام روایت کرد ترمذی وابوداود وابن ماجه

وعن المغيرة بن شعبة رض قال سمعت رسول الله صلى

وروایت است از مغیره بن شعبه رض گفت شنیدم من آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول من نيح عليه فانه يعذب بما نيح

الله علیه وسلم را که میگفت هر کسیکه نوحه کرده شود بر وی پس بدرستیکه او عذاب کرده شود بچیزیکه نوحه کرده

عليه يوم القيامة متفق عليه وعن ابي موسى رض قال

بر وی روز قیامت متفق علیه است وروایت است از ابی موسی رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ما من ميت

شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت نیست هیچ مرده که

يموت فيقوم باكيهم فيقول واجبلاه واسيداه ونحو

بمیرد پس می ایستد گریه کننده قوم پس میگوید آه کوه من آه سید من و مانند آن

ذلك الا وكل الله به ملكين يلهزانه ويقولان

الفاظ دیگر مگر آنکه می سپارد خدای تعالی دو فرشته را که میزنند آن میت را ومیگویند او را

أهكذا كنت رواه الترمذي وعن ابن عباس رض

بطریق استهزا آیا همچنین بوده تو روایت کرد ترمذی وروایت است از ابن عباس رض

قال ماتت زينب بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم

گفت مرد زینب بنت پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

فبكت النساء فجعل عمر رض يضربهن بسوطه فاخره

پس گریستند زنان پس در گرفت عمر رض که بزند ایشان را بتازیانه خود پس دور کرد عمر را

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِهٖ وَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَرُ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدست مبارک خود و فرمود که آہسته شو ای عمر

ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُنَّ وَنَعِيقَ الشَّيْطَانِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهٗ مَهْمَا كَانَ

بستر فرمود آنحضرت آن زنان راکه دور دارید خود را از آواز شیطان بستر گفت آنحضرت ؐ بدرستیکه هر چه

مِنَ الْعَيْنِ وَمِنَ الْقَلْبِ فَمِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنَ الرَّحْمَةِ وَمَا كَانَ

باشد از چشم و از دل پس آن از خدا است عز و جل و از مهربانیست و چیزے که باشد

مِنَ الْيَدِ وَمِنَ اللِّسَانِ فَمِنَ الشَّيْطَانِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

از دست و از زبان پس آن از شیطان است روایه احمد

وَعَنِ الْبُخَارِيِّ تَعْلِيقًا قَالَ لَمَّا مَاتَ الْحَسَنُ بْنُ الْحَسَنِ

و بخاری در صحیح خود بطریق تعلیق آورده است که چون مرد حسن بن امام حسن

بْنِ عَلِيٍّ رض ضَرَبَتِ امْرَأَتُهُ الْقُبَّةَ عَلَى قَبْرِهٖ سَنَةً ثُمَّ

بن علی رض زد زن او خیمه را بر قبر او تا یکسال بستر

رُفِعَتْ فَسَمِعَتْ صَائِحًا يَقُولُ أَلَا هَلْ وَجَدُوا مَا فَقَدُوا

برداشت خیمه را پس شنید آواز کننده را که میگوید آگاه باشید که آیا یافتند چیزے را که گم کرده بودند

فَأَجَابَهُ آخَرُ بَلْ يَئِسُوا فَانْقَلَبُوا وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ

پس آواز داد دیگر بلکه نومید شدند پس برگشتند و روایت است از عمران بن

حُصَيْنٍ وَأَبِي بَرْزَةَ رض قَالَا خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى

حصین و از ابی برزه رض گفتند که بیرون آمدیم ما با پیغمبر خدا صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةٍ فَرَأَى قَوْمًا قَدْ طَرَحُوا أَرْدِيَتَهُمْ

اللہ علیہ وسلم همراه بعت جنازه پس دید آنحضرت گروهی را که بتحقیق انداختند رداهای خود را

يَمْشُونَ فِي قُمُصٍ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

میرفتند در پیراهنهای خود پس فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

أَبِفِعْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَأْخُذُوْنَ أَوْ بِصُنْعِ الْجَاهِلِيَّةِ تَشَبَّهُوْنَ

آیا بکردار اہل جاہلیۃ عمل میکنید یا بکار و پیشہ جاہلیت مانند میشوید

لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعُوَ عَلَيْكُمْ دَعْوَةً تَرْجِعُوْنَ فِيْ غَيْرِ صُوَرِكُمْ

بتحقیق قصد کردم کہ دعای بدکنم بر شما اینچنین دعا کہ برگردید شما در غیر صورت شما

قَالَ فَأَخَذُوْا أَرْدِيَتَهُمْ وَلَمْ يَعُوْدُوْا لِذٰلِكَ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

گفت راوی کہ پس گرفتند رداہای خود را و باز نگشتند بآن فعل رواہ ابن ماجہ

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ

و روایت است از ابن عمر رض گفت کہ نہی کرد پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم از آنکہ

تُتْبَعَ جَنَازَةٌ مَعَهَا رَانَّةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

پس روی کردہ شود جنازہ را کہ باو نوحہ گری باشد رواہ احمد و ابن ماجہ و روایت است از

أَبِيْ أُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يَقُوْلُ

ابی امامہ رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت آنحضرت میگوید

اللّٰهُ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ

خدا تعالے اے فرزند آدم اگر صبر کنی و امید ثواب داری نزد

الصَّدْمَةِ الْأُوْلٰى لَمْ أَرْضَ لَكَ ثَوَابًا دُوْنَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

اول گرفتن مصیبت واقع میشود ترا از روی ثواب غیر بہشت راضی نمیشوم از برای تو بہشت رواہ ابن ماجہ

وَعَنِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از حسین بن علی رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ يُصَابُ بِمُصِيْبَةٍ فَيَذْكُرُهَا

فرمود نیست ہیچ مرد مسلمانے و نہ زن مسلمان کہ رسیدہ میشود بمصیبتے پس یاد میکند آن مصیبت را

وَإِنْ طَالَ عَهْدُهَا فَيُحْدِثُ لِذٰلِكَ اسْتِرْجَاعًا إِلَّا أَجَدَّ اللّٰهُ

اگرچہ دراز بود زمان آن پس تو پدید کند مر آن را ذکر انا للہ مصیبت را مگر آنکہ نو میکند

تبارك وتعالى عند ذلك فاعطاه مثل اجرها يوم اصيب
تبارك وتعالى ثواب را نزد آن پس میدهد او را مانند اجر که در روزیکه رسیده است
بها رواه احمد والبيهقي في شعب الايمان وعن
بآن مصیبت رواه احمد و بیهقی در شعب ایمان در روایت است از
ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
اذا انقطع شسع احدكم فليسترجع فانه من المصائب
که چون بگسلد دوال نعل یکی از شما پس باید که استرجاع کند زیرا که گسستن دوال نعل از مصیبت است
وعن ام الدرداء قالت سمعت ابا الدرداء يقول سمعت
در روایت است از ام الدرداء که گفت شنیدم ابو الدرداء را که میگفت شنیدم
ابا القاسم صلى الله عليه وسلم يقول ان الله تبارك
آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدا تبارک
وتعالى قال يا عيسى اني باعث من بعدك امة اذا اصابهم
وتعالی فرمود ای عیسی بدرستیکه من برانگیزنده ام پس از تو گروهی را که چون برسد ایشان را
ما يحبون حمدوا الله وان اصابهم ما يكرهون احتسبوا
چیزیکه دوست میدارند آنرا از نعمت شکر میگویند خدا را و اگر برسد ایشان را چیزیکه ناخوش دارند آنرا از بلا
وصبروا ولا حلم ولا عقل فقال يا رب كيف
و صبر میکنند و حال آنکه نیست ایشان را بردباری و عقل و تدبیر پس گفت عیسی ای پروردگار من چگونه
يكون هذا لهم ولا حلم ولا عقل فقال اعطيهم من
باشد این صبر و احتساب مر ایشانرا و حال آنکه نیست علم و عقل پس گفت پروردگار که میدهم من ایشان را از
حلمي وعلمي رواهما البيهقي في شعب الايمان وعن
حلم خود و علم خود روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب ایمان در روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرہ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم

لَا يَمُوتُ لِمُسْلِمٍ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَلَدِ فَيَلِجُ النَّارَ إِلَّا تَحِلَّةَ الْقَسَمِ

نمی میرد مسلمانے را سہ کس از فرزندان پس درآید آتش دوزخ را مگر بمقدار حلال گردانیدن سوگند

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

متفق علیہ و روایت است از وے گفت ابوہریرہ که فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لِنِسْوَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ لَا يَمُوتُ لِإِحْدَاكُنَّ ثَلَاثَةٌ

وسلم مر جماعۂ زنان را از قبیلہ انصار که نمی میرد مر یکے را از شما سہ

مِنَ الْوَلَدِ فَتَحْتَسِبُهُ إِلَّا دَخَلَتِ الْجَنَّةَ فَقَالَتِ امْرَأَةٌ مِنْهُنَّ

فرزند پس صبر کند و طلب ثواب دارد مگر که درآید بہشت را پس گفت زنے از میان ایشان

أَوِ اثْنَانِ يَا رَسُولَ اللهِ قَالَ أَوِ اثْنَانِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَفِي رِوَايَةٍ

یا دو فرزند هم یا پیغامبر خدا فرمود آنحضرت یا دو پسر هم روایت کرد این حدیث را مسلم و در روایتے

لَهُمَا ثَلَاثَةٌ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ

مر شیخین بخاری و مسلم را آمده نمی میرد سہ کس که نرسیده اند بحد گناه یعنی بالغ نشده اند و هم ازو گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ اللهُ مَا لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي

صلی اللہ علیہ وسلم در حدیث قدسی که میگوید خدا تعالی نیست مر بندهٔ مسلمان را نزد من

جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا

پاداشے چون قبض کنم و بمیرانم دوست خالص او را از اہل دنیا چنانچه فرزند پس صبر کند و نظر بر ثواب دارد مگر

الْجَنَّةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ

بہشت را رواه البخاری و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهُ فَرَطَانِ مِنْ أُمَّتِي

پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کسے که باشد او را دو فرط از امت من

أَدْخَلَهُ اللّٰهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ فَقَالَتْ عَائِشَةُ رض فَمَنْ كَانَ لَهُ

دری آردد او را خدا تعالی بسبب آن دو فرط در بهشت پس گفت عائشه صدیقه رض پس کسیکه باشد مر او را

فَرَطٌ مِّنْ أُمَّتِكَ قَالَ وَمَنْ كَانَ لَهُ فَرَطٌ يَا مُوَفَّقَةُ فَقَالَتْ

یک فرط از امت تو پس آن را چه حاجت فرمود و کسیکه باشد مر او را یک فرط ای توفیق داده شده بر تعلیم شرایع

فَمَنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ فَرَطٌ مِّنْ أُمَّتِكَ قَالَ فَأَنَا فَرَطُ أُمَّتِي لَنْ يُصَابُوا

پس گفت عائشه پس کسیکه نباشد مر او را فرط از امت تو حال او چه باشد فرمود آنحضرت پس من فرط امت من ام هرگز مصیبت زده

بِمِثْلِي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ رض

بمانند مصیبت من رواه ترمذی و روایت است از ابی موسی اشعری رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا مَاتَ وَلَدُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم چون بمیرد فرزند

الْعَبْدِ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ قَبَضْتُمْ وَلَدَ عَبْدِي

بنده میگوید خدا تعالی بفرشتگان خود که قبض کردید شما فرزند بندهٔ مرا

فَيَقُولُونَ نَعَمْ فَيَقُولُ قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ فَيَقُولُونَ نَعَمْ

پس میگویند فرشتگان آری قبض کردیم پس میگوید باز حق تعالی قبض کردید میوهٔ دل او را پس میگویند فرشتگان آری کردیم

فَيَقُولُ مَاذَا قَالَ عَبْدِي فَيَقُولُونَ حَمِدَكَ وَاسْتَرْجَعَ

پس میگوید حق تعالی چه چیز گفت بندهٔ من پس میگویند فرشتگان حمد گفت ترا و انا لله و انا الیه راجعون گفت

فَيَقُولُ اللّٰهُ ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَسَمُّوهُ بَيْتَ

پس میگوید حق تعالی بسازید برای بندهٔ من خانه در بهشت میگوید حق تعالی و نام نهید آنرا خانهٔ

الْحَمْدِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

حمد رواه احمد و الترمذی و روایت است از ابی هریره رض

أَنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ مَاتَ ابْنٌ لِي فَوَجَدْتُ عَلَيْهِ هَلْ سَمِعْتَ

که مردی گفت مر او را بمرد پسرے که مرا بود پس اندوهگین شدم بر وے آیا شنیدی تو

مِنْ خَلِيلِكَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ شَيْئًا يُطَيِّبُ بِأَنْفُسِنَا عَنْ

از دوست تو ... درود با خدا بر او چیزی که خوش سازد نفسهای ما را از جانب

مَوْتَانَا قَالَ نَعَمْ سَمِعْتُهُ قَالَ صِغَارُهُمْ دَعَامِيصُ الْجَنَّةِ

مردگان خود گفت آری شنیدم آنحضرت را که گفت خردان مسلمانان دعامیص بهشت اند

يَلْقَى أَحَدُهُمْ أَبَاهُ فَيَأْخُذُ بِنَاحِيَةِ ثَوْبِهِ فَلَا يُفَارِقُهُ حَتَّى

پیش می آید یکی از خردان پدر خود را پس میگیرد کناره جامه پدر را پس جدا نمی شود از وی تا آنکه

يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَأَحْمَدُ وَاللَّفْظُ لَهُ وَعَنْ مُعَاذِ

در می آرد او را در بهشت روایت کرد مسلم و احمد و لفظ حدیث مر احمد راست و روایت است از معاذ

ابْنِ جَبَلٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ

ابن جبل رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم نیستند

مُسْلِمَيْنِ يُتَوَفَّى لَهُمَا ثَلَاثَةٌ إِلَّا أَدْخَلَهُمَا اللهُ الْجَنَّةَ

دو مسلمان یعنی مادر و پدر که بمیرد مر ایشان را سه کس از فرزندان مگر آنکه در آرد آن دو مسلمان را خدای تعالی در بهشت

بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ إِيَّاهُمَا فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ أَوِ اثْنَانِ

بفزونی و مهربانی خود مر دو مادر و پدر را پس گفتند ای پیغامبر خدای یا دو کس بمیرند

قَالَ أَوِ اثْنَانِ قَالُوا أَوْ وَاحِدٌ قَالَ أَوْ وَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ وَالَّذِي

آنحضرت یا دو کس بمیرند گفتند یا یک کس بمیرد فرمود یا یک کس بمیرد پس فرمود سوگند بآن خدا

نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ السِّقْطَ لَيَجُرُّ أُمَّهُ بِسَرَرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ

که بقا و ذات من بدست اوست بدرستیکه بچه ناتمام بر آئینه میکشد مادر خود را بسرر خود بسوی بهشت

إِذَا احْتَسَبَتْهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ قَوْلِهِ

چون صبر کند بر وی روایت کرد احمد و روایت کرد ابن ماجه از قول آنحضرت که

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

والذی نفسی بیده و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَدَّمَ ثَلَاثَةً مِنَ

گفت پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسی که پیش میفرستد سه کس را از

الْوَلَدِ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ كَانُوا لَهُ حِصْنًا حَصِينًا مِنَ النَّارِ

اولاد که نرسیده‌اند بحد بلوغ را باشند این سه اولاد مرا او پناه استوار از آتش دوزخ

فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ قَدَّمْتُ اثْنَيْنِ قَالَ وَاثْنَيْنِ قَالَ أُبَيُّ ابْنُ

پس گفت ابوذر که پیش فرستادم دو کس را گفت آنحضرت دو کس هم پناه باشند گفت ابی ابن

كَعْبٍ أَبُو الْمُنْذِرِ سَيِّدُ الْقُرَّاءِ قَدَّمْتُ وَاحِدًا قَالَ وَوَاحِدًا

کعب که کنیت او ابو منذر است و در شان وی سید القراء واقع شده است پیش فرستادم یکی را گفت آنحضرت یکی هم

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ قُرَّةَ الْمُزَنِيِّ

روایت کرد او را ترمذی و ابن ماجه و روایت است از قره مزنی

أَنَّ رَجُلًا كَانَ يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَعَهُ

بدرستیکه بود مردی که می آمد نزد پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم و حال آنکه با وی بود

ابْنٌ لَهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتُحِبُّهُ

پسری مر او را پس گفت او را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم آیا دوست میداری این پسر را

فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَحَبَّكَ اللّٰهُ كَمَا أُحِبُّهُ فَفَقَدَهُ النَّبِيُّ

پس گفت آن مرد ای پیغامبر خدا دوست دارد ترا خدا همچنانکه دوست دارم او را پس گم کرد و ندید آن پسر را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا فَعَلَ ابْنُ فُلَانٍ فَقَالُوا

صلی الله علیه وسلم پس گفت آنحضرت که چه شد فرزند فلانی پس گفتند

يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ای پیغامبر خدا مرد آن پسر پس فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَمَا تُحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ

که آیا دوست نمیداری تو که نیائی تو هیچ دری از درهای بهشت مگر آنکه یابی تو او را که

٢٩١

ينتظرك فقال رجل يا رسول الله له خاصة

انتظار میبرد ترا پس گفت مردے که اے پیغامبر خدا مراورا است این شرف و خاص

أم لكلنا قال بل لكلكم رواه أحمد وعن

یا بهمه ما ست گفت آنحضرت بلکه بهمه شما رواه احمد و روایت است از

عليٍّ رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

إن السقط ليراغم ربه إذا أدخل أبويه النار

بدرستیکه بچه افکنده هر آئینه جنگ میکند با پروردگار خود وقتیکه درآرد پدر و مادر او را در آتش

فيقال أيها السقط المراغم ربه أدخل أبويك

پس گفته می شود ای سقط مراغم که جنگ کننده پروردگار خود را درآر مادر و پدر خود را

الجنة فيجرهما بسرره حتى يدخلهما

در بهشت پس میکشد این سقط مادر و پدر خود را بسرر خود تا آنکه در می آرد مادر و پدر خود را

الجنة رواه ابن ماجة

در بهشت رواه ابن ماجه

باب زيارة القبور

باب در بیان زیارة قبور

عن أبي هريرة رض قال زار النبي صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت ابو هریره زیارت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

بعد از وفات وی و یکی از مشایخ عظام گفته است که دیدم از مشایخ چهار کس را که تصرف می کنند در قبور خود ... قدس الله اسرارهم

قبر أمه فبكى وأبكى من حوله فقال استأذنت ربي

قبر مادر خود پس بگریست و گریانید کسے را که گرد آنحضرت بود پس فرمود که طلب اذن کردم پروردگار خود را

في أن أستغفر لها فلم يؤذن لي فاستأذنته في

در آنکه طلب آمرزش کنم برای مادر پس اذن داده نشد مرا پس اذن طلب کردم پروردگار خود را در

أن أزور قبرها فأذن لي فزوروا القبور فإنها

آنکه زیارت کنم قبر مادر خود را پس اذن داده شد مرا پس زیارت کنید قبرها را زیرا که قبرها

تذكر الموت رواه مسلم وعن بريدة رض قال

یاد میدهند مرگ را روایت کرد آنرا مسلم و روایت است از بریده رض گفت

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يعلمهم إذا خرجوا

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تعلیم میکرد صحابه را چون بیرون می آمدند

إلى المقابر السلام عليكم أهل الديار من المؤمنين

بسوی مقبرها این کلمه را که سلام بر شما ای اهل سرایها از گروندگان

والمسلمين وإنا إن شاء الله بكم للاحقون نسأل

و گردن نهندگان و ما اگر خواسته است خدا تعالی بشما رسندگانیم و پیوستگانیم میطلبیم از

الله لنا ولكم العافية رواه مسلم وعن

خدا برای خود و برای شما عافیت و سلامت از عذاب روایت کرد آنرا مسلم و روایت است از

محمد بن النعمان يرفع الحديث إلى النبي صلى الله عليه

محمد بن نعمان در حالیکه میرساند حدیث را به پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم قال من زار قبر أبويه أو أحدهما في كل جمعة

وسلم گفت آنحضرت کسیکه زیارت کرد قبرهای مادر و پدر خود را یا قبر یکی از ایشان را در هر هفته

غفر له وكتب برا رواه البيهقي في شعب الإيمان مرسلا

آمرزیده شود مر آنکس را و نوشته شود برخلاف عاق و در دیوان نیکی روایت کرد بیهقی در شعب الایمان روایت مرسل

وعن ابن مسعود رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فانها

فرمود که بودم که نهی کرده بودم شمارا از زیارت قبرها پس اکنون زیارت کنید آنها را زیرا که قبرها

تزهد في الدنيا وتذكر الآخرة رواه ابن ماجة

بیرغبت میگردانند در دنیا و یاد میدهد آخرت را رواه ابن ماجه

كتاب الزكوة

کتاب الزکوه

والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرج نمی کنند آنرا در

٢٩٣

سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم يوم يحمى عليها

راه خدا پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده شود بر آن

في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانی ایشان را و پهلوهای ایشانرا و پشت ایشان

هذا ما كنزتم لانفسكم فذوقوا ما كنتم تكنزون

اینست آنچه ذخیره کردید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

واقيموا الصلوة واتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش میفرستید برای خویشتن

من خير تجدوه عند الله ان الله بما تعملون بصير

از نیکوکاری خواهید یافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه میکنید بیناست

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ صَاحِبِ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا

نیست هیچ خداوند زر و سیم که ادا نکند از آن حق آن را مگر آنکه چون

كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ صُفِّحَتْ لَهُ صَفَائِحُ مِنْ نَارٍ فَأُحْمِيَ عَلَيْهَا فِي

باشد روز قیامت گردانیده شوند برای او صفحه‌ها از آتش پس گرم کرده می‌شود بر آن در

نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوٰى بِهَا جَنْبُهُ وَجَبِينُهُ وَظَهْرُهُ كُلَّمَا رُدَّتْ

آتش دوزخ پس داغ کرده می‌شود بآن صفحه‌ها پهلوی آن کس و پیشانی او و پشت او هر گاه که برآورده شوند آن

أُعِيدَتْ لَهُ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى

باز گردانیده شوند برای آن کس در روزی که باشد اندازه وی پنجاه هزار سال تا آنکه

يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيُرٰى سَبِيلُهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَإِمَّا إِلَى

حکم کرده شود میان بندگان پس دیده شود راه وی سوی بهشت و یا سوی

النَّارِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَالْإِبِلُ قَالَ وَلَا صَاحِبُ إِبِلٍ

دوزخ گفتند صحابه یا رسول الله پس حکم شتر چیست گفت آنحضرت و نیست هیچ خداوند شتران که

لَا يُؤَدِّي مِنْهَا حَقَّهَا وَمِنْ حَقِّهَا حَلَبُهَا يَوْمَ وِرْدِهَا

ادا نمیکند از آن حق آن را و از جمله حقوق شتران دوشیدن شتران است روز ورود شتران

إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ بُطِحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرْقَرٍ أَوْفَرَ مَا كَانَتْ

مگر آنکه چون باشد روز قیامت بر رو افکنده شود صاحب شتران بصحرای فراخ هموار در حالیکه بود

لَا يَفْقِدُ مِنْهَا فَصِيلًا وَاحِدًا تَطَؤُهُ بِأَخْفَافِهَا وَتَعَضُّهُ

شتران فربه‌تر و تمام در حالیکه گم نمیکند از آن شتران یک بچه شتر را پامال میکنند آن کس را بسمهای خود و میگزند او را شتران

بِأَفْوَاهِهَا كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أُولَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أُخْرَاهَا فِي يَوْمٍ

بدهنهای خود هر گاه که بگذرد بروی اولین آنها باز گردانیده شود بروی آخرین آنها در روزی که

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتّٰى يُقْضٰى بَيْنَ الْعِبَادِ

باشد اندازه آن پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان

فيرى سبيله إما إلى الجنة وإما إلى النار قيل يا رسول الله

پس می بیند آنکس راه خود یا بسوی بهشت و یا بسوی دوزخ گفتند صحابه ای پیغامبر خدا

فالبقر والغنم قال ولا صاحب بقر ولا غنم لا يؤدي

پس چیست حکم بقر و غنم فرمود و نه خداوند بقر و نه خداوند غنم که ادا نمی کند

منها حقها إلا إذا كان يوم القيمة بطح لها بقاع قرقر

از آن حق آنرا مگر آنکه چون باشد روز قیامت برو انداخته شود صاحب آنها بصحرای فراخ

ولا يفقد منها شيئا ليس فيها عقصاء ولا جلحاء

درحالیکه کم نمیکند صاحب آن از آن گاوان و گوسپندان چیزی را درحالیکه نیست در آن گاوان و گوسپندان پیچیده شاخ و بیشاخ

ولا عضباء تنطحه بقرونها وتطؤه بأظلافها كلما

و نه شکسته شاخ بزنند آن گاوان صاحب خود را بشاخهای خود و پامال بکنند این گاوان و گوسپندان آنکس را بظلفهای خود هرگاه که

مر عليه أولاها رد عليه أخراها في يوم كان مقداره

بگذرد برو طائفه نخستین بازگردانیده شود برو طائفه پسین آنها در روزی که باشد اندازه آن

خمسين ألف سنة حتى يقضى بين العباد فيرى سبيله

پنجاه هزار سال تا آنکه حکم کرده شود میان بندگان پس به بیند راه خود

إما إلى الجنة وإما إلى النار الحديث رواه مسلم

یا بسوی بهشت و یا بسوی دوزخ تا آخر حدیث روایه مسلم

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از وی گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من آتاه الله مالا فلم يؤد زكوته مثل له يوم القيمة

کسیکه داد او را خدا تعالی مال پس ادا نکند زکوة آنرا مصور گردانیده شود برای او مال وی روز قیامت

شجاعا أقرع له زبيبتان يطوقه يوم القيمة ثم يأخذ

بصورت شجاع اقرع ... طوق گردانیده شود آنرا مانند طوق در گردن آنکس روز قیامت

يَلْهَزِمَتَيْهِ يَعْنِي بِشِدْقَيْهِ يَقُولُ اَنَا مَالُكَ اَنَا كَنْزُكَ

[illegible] ... پس بگوید آن مار منم مال تو منم گنج تو ... آن ... [illegible]

ثُمَّ تَلَا وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَبْخَلُوْنَ الْاٰيَةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

پس خواند آنحضرت این آیت را تا آخر رواه بخاری

وَعَنْ عَدِيِّ بْنِ عُمَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از عدی بن عمیره گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَعْمَلْنَاهُ مِنْكُمْ عَلٰى عَمَلٍ فَكَتَمَنَا مِخْيَطًا

علیه وسلم هر کس که عامل گردانیدیم او را از شما بر عملی پس پوشید از ما چیزی را که سوزن است

فَمَا فَوْقَهُ كَانَ غُلُوْلًا يَأْتِيْ بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس پوشید چیزی را که از سوزن است یا باشد آن کتمان غلول می آید آن کس با این فعل روز قیامت و عقاب کرده شود

وَعَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيْجٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از رافع بن خدیج گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَامِلُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِالْحَقِّ كَالْغَازِيْ

علیه وسلم عمل کننده بر صدقه بطریق حق و عدل همچو کسی است که غزا کننده است

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلٰى بَيْتِهِ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ

در راه خدا تا آنکه باز گردد بسوی خانه خود رواه ابو داؤد و الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ لَمَّا تُوُفِّيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت ابوهریره چون وفات یافت آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَاسْتُخْلِفَ اَبُوْ بَكْرٍ بَعْدَهُ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ

وسلم و خلیفه گرفته شد ابوبکر بعد وی و کافر شد با انکار زکوة آنکه کافر شد از عرب

قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِاَبِيْ بَكْرٍ رض كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ

گفت عمر بن خطاب مر ابی بکر صدیق را رض چگونه قتال میکنیم مردمان را

[illegible]

وَقَدْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمِرْتُ أَنْ

و حال آنکه بتحقیق فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم امر کرده شده ام که

أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتّٰى يَقُوْلُوْا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ فَمَنْ قَالَ لَا إِلٰهَ

قتال کنم مردمان را تا آنکه بگویند لا اله الا الله پس کسیکه بگوید لا اله

إِلَّا اللّٰهُ عَصَمَ مِنِّيْ مَالَهٗ وَنَفْسَهٗ إِلَّا بِحَقِّهٖ وَحِسَابُهٗ عَلَى

الا الله نگاهدارد از من مال خود را و نفس خود را مگر بحق اسلام و حسابش بر

اللّٰهِ فَقَالَ أَبُوْ بَكْرٍ وَاللّٰهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلٰوةِ

خداست پس گفت ابوبکر بخدا سوگند هر آینه قتال می کنم کسی را که فرق کند میان نماز

وَالزَّكٰوةِ فَإِنَّ الزَّكٰوةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللّٰهِ لَوْ مَنَعُوْنِيْ عَنَاقًا

و میان زکوة زیرا که زکوة حق واجب در مال است بخدا سوگند اگر منع کنند از من بزغاله

كَانُوْا يُؤَدُّوْنَهَا إِلٰى رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

که بودند که ادا میکردند آنرا بسوی پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَقَاتَلْتُهُمْ عَلٰى مَنْعِهَا قَالَ عُمَرُ فَوَاللّٰهِ مَا هُوَ إِلَّا رَأَيْتُ

هر آینه مقاتله می کنم ایشانرا بر منع عناق گفت عمر پس سوگند بخدا نبود حال او ابوبکر مگر آنکه

أَنَّ اللّٰهَ شَرَحَ صَدْرَ أَبِيْ بَكْرٍ لِلْقِتَالِ فَعَرَفْتُ أَنَّهُ الْحَقُّ

بتحقیق که خدا کشاده سینه ابی بکر برای قتال پس شناختم که همین حق است از قتال کردن ابوبکر

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

متفق علیه و هم از وی است گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَكُوْنُ كَنْزُ أَحَدِكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ شُجَاعًا أَقْرَعَ يَفِرُّ

وسلم میباشد گنج یکی از شما روز قیامت مار بزرگ که موی سر ندارد دور میگریزد

مِنْهُ صَاحِبُهٗ وَهُوَ يَطْلُبُهٗ حَتّٰى يُلْقِمَهٗ أَصَابِعَهٗ رَوَاهُ أَحْمَدُ

ازان مار صاحب آن گنج و حال آنکه آن مار میجوید او را تا آنکه لقمه گرداند آنرا انگشتان خود روایت کرده احمد

[illegible]



وعن عائشة رض قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از عائشه رض گفت عائشه شنیدم آنحضرت صلی الله علیه

وسلم يقول ما خالطت الزكوة مالا قط الا اهلكته

وسلم را که میگفت که نیامیخت زکوة هیچ مالی را هرگز مگر آنکه هلاک کرد زکوة او را

رواه الشافعي والبخاري في تاريخه والحميدي وزاد قال

روایت کرده الشافعی و روایت کرده البخاری در تاریخ خود و حمیدی و زیاده کرد

يكون قد وجب عليك صدقة فلا تخرجها فيهلك الحرام

الحلال الحديث وعن ام سلمة قالت كنت البس اوضاحا

حلال را آخر حدیث و روایت است از ام سلمه رض گفت ام سلمه بودم که میپوشیدم اوضاح

من ذهب فقلت يا رسول الله اكنز هو فقال ما بلغ

ان يؤدى زكوته فزكي فليس بكنز رواه مالك وابوداود

باب من لا تحل له المسألة ومن تحل له

باب در بیان کسیکه حلال نیست او را سوال کردن و گدایی کردن و کسیکه حلال است او را

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم من سأل الناس اموالهم تكثرا فانما يسأل

وسلم کسیکه سوال کند از مردم مالهای ایشان را بقصد زیادت شدن مال خود

جمرا فليستقل او ليستكثر رواه مسلم وعن

اخگر را پس گو کم طلبد یا بسیار روایت کرد مسلم و روایت است از

۲۹۸

زُبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

زبیر بن عوام گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدُكُمْ حَبْلَهٗ فَيَأْتِيَ بِحُزْمَةِ حَطَبٍ عَلٰى

هرآینه بگیرد یکے از شما رسن خود را پس بیارد پشتۂ هیزم را بر پشت خود

ظَهْرِهٖ فَيَبِيْعَهَا فَيَكُفَّ اللّٰهُ بِهَا وَجْهَهٗ خَيْرٌ لَّهٗ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ

پس بفروشد آنرا پس باز دارد حق تعالی بآن پشتۂ هیزم آبروی او را بهترست مر او را

النَّاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

ازینکه سوال کند مردم او را یا ندهند رواه البخاری و روایت است از ابن عمر رض

أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ

بدرستیکه آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود و حالی آنکه وی بر منبر بود

وَهُوَ يَذْكُرُ الصَّدَقَةَ وَالتَّعَفُّفَ عَنِ الْمَسْأَلَةِ الْيَدُ الْعُلْيَا

و آن حضرت ذکر میکرد صدقه را و باز ایستادن از سوال حرام دست بالا

خَيْرٌ مِّنَ الْيَدِ السُّفْلٰى وَالْيَدُ الْعُلْيَا هِيَ الْمُنْفِقَةُ وَالسُّفْلٰى

بهترست از دست پایان و نفقه کرد آنحضرت که دست علیا دستی هست که خرج کننده و

هِيَ السَّائِلَةُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدِنِ الْخُدْرِيِّ

سوال کننده متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری رض

قَالَ إِنَّ أُنَاسًا مِّنَ الْأَنْصَارِ سَأَلُوْا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

گفت که بعضے مردمان از انصار سوال کردند از رسول خدا صلے اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَعْطَاهُمْ ثُمَّ سَأَلُوْهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتّٰى

علیہ وسلم پس داد آن حضرت ایشان را پس سوال کردند پس داد ایشان را تا

نَفِدَ مَا عِنْدَهٗ فَقَالَ مَا يَكُوْنُ عِنْدِيْ مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهٗ

تمام شد چیزیکه نزد آنحضرت بود پس فرمود آنچه میباشد نزد من از چیزے از مال پس هرگز ذخیره نکنم

وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللّٰهُ وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللّٰهُ وَمَنْ

وکسیکه باز ایستد از سوال و نگاه دارد خود را نگاه دارد او را خدا تعالی و کسیکه استغنا ورزد

يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللّٰهُ وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً هُوَ خَيْرٌ وَأَوْسَعُ

تکلف کند و در آید در صبر گرداند صابر او را خدا و داده نشده است هیچ یکی را داده که آن بهتر است

مِنَ الصَّبْرِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ

از صبر متفق علیه و روایت است از عمر بن الخطاب رض گفت

كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطِينِي الْعَطَاءَ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم میداد مرا بخشش

فَأَقُولُ أَعْطِهِ أَفْقَرَ إِلَيْهِ مِنِّي فَقَالَ خُذْهُ فَتَمَوَّلْهُ

پس می گفتم که بده آنرا که محتاج تر بود بسوی آن از من پس گفت آنحضرت بگیر آنرا پس مال ساز آنرا

وَتَصَدَّقْ بِهِ فَمَا جَاءَكَ مِنْ هٰذَا الْمَالِ وَأَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَلَا

و تصدق کن بان پس چیزیکه بیاید ترا ازین مال و حال آنکه انتظار کننده نباشی و نه سوال کننده

سَائِلٍ فَخُذْهُ وَمَا لَا فَلَا تُتْبِعْهُ نَفْسَكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَمُرَةَ

پس بگیر آنرا و چیزیکه چنین نیست پس مگردان آنرا النفس خود را متفق علیه و روایت است از

بْنِ جُنْدُبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سمره بن جندب رض گفت سمره فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

الْمَسَائِلُ كُدُوحٌ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ فَمَنْ شَاءَ

سوالها خراشها و جراحتها است که مجروح می کرد آنها را مرد روی خود را پس کسیکه خواهد

أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ وَمَنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ ذَا سُلْطَانٍ

نگاه دارد روی خود را و کسیکه خواهد ترک کند آنرا مگر آنکه سوال کند مرد خداوند سلطنت یا در کاری

أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بُدًّا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

یا سوال کند در کاری که نمی یابد از آن چاره رواه ابوداود و ترمذی و نسائی

وَعَنْ سَهْلِ ابْنِ الْحَنْظَلِيَّةِ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

وروایت ست از سهل بن حنظلیه رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ وَعِنْدَهٗ مَا يُغْنِيْهِ

صلی الله علیه و سلم کسیکه سوال کند و نزد وی چیزی باشد که بی نیاز گرداند اورا از سوال پس نیست آن

فَاِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّارِ قَالَ النُّفَيْلِيُّ وَهُوَ اَحَدُ رُوَاتِهٖ فِيْ مَوْضِعٍ

مگر آنکه میکند طلب بسیاری از آتش گفته است نفیلی و آن یکی از راویان این حدیث ست در جای دیگر ازین حدیث

اٰخَرَ وَمَا الْغِنَى الَّذِيْ لَا يَنْبَغِيْ مَعَهُ الْمَسْأَلَةُ قَالَ قَدْرُ

و چیست غنا که روا نیست با وی سوال کردن گفت مقدار

مَا يُغَدِّيْهِ وَيُعَشِّيْهِ وَقَالَ فِيْ مَوْضِعٍ اٰخَرَ اَنْ يَّكُوْنَ

چیزیست که آنرا قوت بامداد گرداند و قوت شبانگاه و گفته است نفیلی در جای دیگر حد غنا اینست که باشد

لَهٗ شِبَعُ يَوْمٍ اَوْ لَيْلَةٍ وَيَوْمٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

مراورا چیزی که سیر گرداند اورا روز یا روز و شب رواه ابو داود روایت ست از

حُبْشِيِّ بْنِ جُنَادَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

حبشی بن جناده رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيٍّ وَّلَا لِذِيْ مِرَّةٍ سَوِيٍّ

و سلم بدرستیکه سوال کردن حلال نیست مر توانگر را و نه مر خداوند قوة سلیم الاعضا را

اِلَّا لِذِيْ فَقْرٍ مُّدْقِعٍ اَوْ غُرْمٍ مُّفْظِعٍ وَمَنْ سَأَلَ النَّاسَ

ولیکن حلال ست مر خداوند فقر را که چسپاننده است بخاک یا حلال ست مر خداوند وام را که

لِيُثْرِيَ بِهٖ مَالَهٗ كَانَ خُمُوْشًا فِيْ وَجْهِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَرَضْفًا يَّأْكُلُهٗ

و رسوا کننده است و کسیکه سوال کند مردم را تا بسیار کند بآن مال خود را خواهد باشد آن سوال خراشها در روی او روز قیامت و سنگ

مِنْ جَهَنَّمَ فَمَنْ شَاۤءَ فَلْيُقِلَّ وَمَنْ شَاۤءَ فَلْيُكْثِرْ

از دوزخ پس کسیکه خواهد کم کند و هر که خواهد زیاده کند

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ الْفِرَاسِيِّ أَنَّ الْفِرَاسِيَّ قَالَ

روایه الترمذی و روایت ست از ابن الفراسی که منسوب ست بفراس بن غنم گفت

قُلْتُ لِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَسْأَلُ يَا رَسُوْلَ

ابن فراس از پدرش گفت گفتم مر پیغمبر خدا را صلے اللہ علیہ وسلم آیا سوال کنم من ای پیغمبر

اللّٰهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا وَإِنْ كُنْتَ

خدا از مردم چیزی پس فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم سوال مکن و اگر هستے تو

لَا بُدَّ فَسْأَلِ الصّٰلِحِيْنَ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ

کہ البتہ میخواہی پس سوال کن صالحان را از جست کرم ایشان رواه ابوداود والنسائی و روایت ست از

عَلِيٍّ رض أَنَّهُ سَمِعَ يَوْمَ عَرَفَةَ رَجُلًا يَسْأَلُ النَّاسَ

علی کرم اللہ وجہہ کہ وی شنید روز عرفہ مردیرا کہ سوال مے کند مردمان را

فَقَالَ أَفِيْ هٰذَا الْيَوْمِ وَفِيْ هٰذَا الْمَكَانِ تَسْأَلُ مِنْ

پس فرمود آیا درین روز کہ عرفہ است و درین مکان کہ عرفات ست سوال میکنی از

غَيْرِ اللّٰهِ فَخَفَقَهُ بِالدِّرَّةِ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ عُمَرَ رض

غیر خدا پس زد علی کرم اللہ وجہہ آنمرد را بدرہ رواه رزین و روایت ست از عمر رض

قَالَ تَعَلَّمُنَّ أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّ الطَّمَعَ فَقْرٌ وَأَنَّ الْإِيَاسَ غِنًى

گفت عمر رض بدانید ای مردم کہ امید داشتن از مال مردم سبب فقر ست و نا امید بودن توانگری بی نیازی ست

وَأَنَّ الْمَرْءَ إِذَا يَئِسَ عَنْ شَيْءٍ اِسْتَغْنٰى عَنْهُ رَوَاهُ رَزِيْنٌ

و بدرستیکہ مرد وقتیکہ نا امید شود از چیزی بی نیاز میشود ازان رواه رزین رض

وَعَنْ ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت ست از ثوبان مولای آنحضرت گفت کہ فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ يَكْفُلُ لِيْ أَنْ لَا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا فَأَتَكَفَّلَ لَهُ

کیست کہ ضامن شود مرا کہ سوال نکند از مردم چیزی پس ضامن شوم مر او را

بِالْجَنَّةِ فَقَالَ ثَوْبَانُ أَنَا فَكَانَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا رَوَاهُ

به بهشت، پس گفت ثوبان من ضامن حق شوم پس بود ثوبان که سوال نمیکرد هیچ یکے را چیزی روایه

أَبُودَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ رض قَالَ دَعَانِي

ابوداود و النسائی و روایت ست از ابی ذر رض گفت ابوذر رض خواند مرا

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَشْتَرِطُ عَلَيَّ أَنْ

آنحضرت صلے اللہ علیہ و سلم و حال آنکہ وی طلب شرط میکند بر من که

لَا تَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَلَا سَوْطَكَ إِنْ

سوال نکنی تو از مردم چیزے گفتم آرے شرط کردم و گفت آنحضرت و نہ طلبی از کسے تازیانہ خود را که بیفتد

سَقَطَ مِنْكَ حَتّٰى تَنْزِلَ إِلَيْهِ فَتَأْخُذَهُ رَوَاهُ أَحْمَدُ بَابُ

از دست تو تا آنکہ فرود آئی تو از اسپ بسوی تازیانہ پس بگیری آنرا رواه احمد باب

الْإِنْفَاقِ وَكَرَاهِيَةِ الْإِمْسَاكِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ

الانفاق و کراہیت امساک کسانیکہ خرچ میکنند اموال خویش

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

شب و روز پنہان و آشکارا پس ایشان را مزد ایشان ہست نزدیک پروردگار ایشان

وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ○ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ

و نیست ترس بر ایشان و نہ ایشان اندوہگین شوند باید که گمان نکنند آنانکه

يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ

بخل می کنند بآنچه عطا کرده است ایشان را خدا از فضل خود این بخل بهتر ست برای خویش

بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ

بلکه او بد ست برای ایشان نزدیک ست که بشکل طوق پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند بآن

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ

روز قیامت بگو آن بندگان مرا

ف ۱۲ ... انفاق ... امساک ... نقل ۱۲

پ ۳ جز نمبر رکوع ۵

پ ۴ جز نمبر رکوع ۳

پ ۱۳ جز نمبر رکوع ۱۹

أمنوا يقيموا الصلوة وينفقوا مما رزقنهم سرا وعلانية

که ایمان آورده اند بر پا دارند نماز را و خرچ کنند از انچه ما روزی داده ایم ایشانرا پنهان و آشکارا

من قبل ان يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلل ○ من ذا الذي

پیش از انکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست دران و نه بایکدیگر دوستی بود کیست آنکه

يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له اضعافا كثيرة

وام دهد خدارا وام دادن نیک پس او چند سازد خدا اعمال را برای او بمراتب بسیار

والله يقبض ويبصط واليه ترجعون ○ يايها الذين امنوا

و خدا تنگ میسازد و کشاده میکند روزی را و بسوی او باز گردانیده میشوید اے مسلمانان

انفقوا مما رزقنكم من قبل ان يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا

خرچ کنید از انچه روزی داده ایم شمارا پیش ازینکه بیاید روزی که خرید و فروخت نیست دران و نه دوستی و نه

شفاعة والكفرون هم الظلمون ○ الذين ينفقون

سفارش و کافران ایشانند ظالمان آنانکه خرچ میکنند

اموالهم في سبيل الله ثم لا يتبعون ما انفقوا منا ولا

اموال خود را در راه خدا باز از پی آن انفاق نمی زنند منت نهادن را و نه

اذى لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم

ایذا رسانیدن را ایشان راست مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان

يحزنون ○ قول معروف ومغفرة خير

اندوهگین شوند سخن ملایم گفتن و در گذشتن از بی ادبی سائل بهتر است

من صدقة يتبعها اذى والله غني حليم ○

ازان خیرات که از پی آن آزرده کردن است و خدا بے نیاز بردبار است

يايها الذين امنوا لا تبطلوا صدقتكم

ای مومنان تباه مکنید خیرات خود را

بِالْمَنِّ وَالْاَذٰى كَالَّذِيْ يُنْفِقُ مَالَهٗ رِئَاءَ النَّاسِ

بمنت نہادن و آزرده کردن ہمچو کسیکہ خرچ میکند مال خود را بہ پیش نمودن مردمان

وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ

و ایمان ندارد بخدا و در روز قیامت پس صفت او مانند

صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا

صفت سنگ صاف است که بر آن باشد از خاک پس رسید او را باران عظیم پس گذاشت او را سخت و تنها مانده

لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوْا وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي

توانائی ندارند اہل ریا بر چیزے از آنچہ عمل کردند و خدا راه نمی نماید

الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

گروه کافران را در روایت است از ابی ہریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَ لِيْ مِثْلُ اُحُدٍ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم اگر می بود مرا مانند کوه احد

ذَهَبًا لَسَرَّنِيْ اَنْ لَّا يَمُرَّ عَلَيَّ ثَلٰثُ لَيَالٍ وَعِنْدِيْ

طلا ہر آئینہ شاد میکرد مرا اینکه نگذرد بر من سہ شب و حال آنکہ نزد من

مِنْهُ شَيْءٌ اِلَّا شَيْءٌ اُرْصِدُهٗ لِدَيْنٍ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزے از آن باقیست مگر چیزیکه آماده سازم آنرا برائے وام روایت بخاری

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و ہم از وی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَا مِنْ يَوْمٍ يُّصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ اِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ

نیست ہیچ روزیکه صبح میکنند بندگان در وے مگر آنکه فرود می آیند دو فرشته از آسمان

فَيَقُوْلُ اَحَدُهُمَا اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفًا وَيَقُوْلُ

پس میگوید یکی از ایشان دو فرشته خداوندا بده انفاق کننده را چیزے بجائے او و میگوید فرشته

الا خلفا اللهم اعط ممسكا تلفا متفق عليه وعن

و دیگر خدا او را بده بخیل را هلاکی مال که حق واجب ادا نکرد متفق است فارسی و مسلم و روایت است از

اسماء رض قالت قال رسول الله صلى الله عليه

اسماء رضی الله عنها گفت اسماء فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم انفقي ولا تحصي فيحصي الله عليك ولا توعي

وسلم انفاق کن وشمار مکن که بشمرد پس خدا بر تو ونگاه مدار نگاه

فيوعي الله عليك ارضخي ما استطعت متفق عليه

پس نگاه دارد خدا بر تو بده آنچه میتوانی اگرچه اندک باشد متفق علیه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریرة رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم قال الله تعالى انفق يا ابن ادم انفق

علیه وسلم فرمود خدا تعالی انفاق کن ای پسر آدم تا انفاق کنم

عليك متفق عليه وعن ابي امامة رض قال قال

بر تو متفق علیه و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يا ابن ادم ان تبذل

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت خدا در حدیث قدسی ای فرزند آدم بذل کردن تو

الفضل خير لك وان تمسكه شر لك ولا تلام

زیاده از قدر حاجت بهتر است مر ترا و نگاه داشتن تو آنرا و بخیل کردن بدتر است مر ترا و نکوهیده نمی شوی

على كفاف وابدأ بمن تعول رواه مسلم وعن

بر نگاه داشتن کفاف و آغاز کن در بذل زاید از کفاف بعیال خود رواه مسلم و روایت است از

جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

جابر رض گفت جابر فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاتَّقُوا

پرہیز کنید ظلم را زیرا کہ ظلم ظلمتہا بود است روز قیامت و پرہیز کنید

الشُّحَّ فَإِنَّ الشُّحَّ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَمَلَهُمْ

بخل و حرص را زیرا کہ بخل ہست گردانیدہ است کسانیرا کہ پیش از شما بودند برانگیخت ایشان را

عَلٰى أَنْ سَفَكُوا دِمَاءَهُمْ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَهُمْ

بر آنکہ ریختند خون یکدیگر را و حلال گردانیدند چیزہا را کہ حرام گردانیدہ است خدا

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَجُلٌ

روایت کرد مسلم و روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت ابو ہریرہ گفت مردی

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ أَيُّ الصَّدَقَةِ أَعْظَمُ أَجْرًا قَالَ أَنْ

ای پیغمبر خدا کدام صدقہ بزرگتر است از روی اجر و ثواب فرمود کہ بزرگترین صدقہا آنست

تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَحِيْحٌ شَحِيْحٌ تَخْشَى الْفَقْرَ وَتَأْمُلُ الْغِنٰى

تصدق کنی و حال آنکہ تو تندرستی و بخیلی در حالیکہ میترسی درویشی را و امید میداری توانگری را

وَلَا تُمْهِلْ حَتّٰى إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُوْمَ قُلْتَ لِفُلَانٍ

و توقف مکن تا آنکہ برسد روح در گلو بگوئی فلان کس را

كَذَا وَلِفُلَانٍ كَذَا وَقَدْ كَانَ لِفُلَانٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

چنین و فلان را چنین و حال آنکہ ہست مر فلان را متفق علیہ

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغمبر خدا صلی اللہ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّخِيُّ قَرِيْبٌ مِّنَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ مِّنَ الْجَنَّةِ

علیہ وسلم سخی نزدیک است از جناب رحمت و رضای حق نزدیک است از بہشت کہ جای آنجا است

قَرِيْبٌ مِّنَ النَّاسِ بَعِيْدٌ مِّنَ النَّارِ وَالْبَخِيْلُ بَعِيْدٌ مِّنَ اللّٰهِ

نزدیک است از دلہای مردم بعید است از دوزخ و بخیل بعید است از رحمت حق

بعید من الجنة بعید من الناس قریب من النار
بعید است از بہشت بعید است از محبت مردمان قریب است از دوزخ
ولجاهل سخی احب الی الله من عابد بخیل رواه
وجاہل سخی دوست داشتہ شدہ تر است از عابد بخیل رواہ
الترمذی وعن ابی سعید رضہ قال قال رسول الله
الترمذی در روایت است از ابی سعید رضہ گفت فرمود پیغامبر خدا
صلی الله علیه وسلم لان یتصدق المرء فی حیاته بدرهم
صلی اللہ علیہ وسلم ہر آئینہ تصدق کردن مرد یک درہم را در زندگانی خود
خیر له من ان یتصدق بمائة عند موته رواه ابوداؤد
بہتر است مراورا از تصدق کردن وے بصد درہم نزد مردن رواہ ابو داؤد
وعن ابی الدرداء قال قال رسول الله صلی الله علیه
و روایت است از ابی درداء گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ
وسلم مثل الذی یتصدق عند موته او یعتق کالذی
وسلم حال کسیکہ تصدق کند نزد مردن خود یا آزاد میکند بندہ را مانند حال کسیکہ
یهدی اذا شبع رواه احمد والنسائی والدارمی و
ہدیہ میفرستد طعام را بعد ازانکہ سیر شد رواہ احمد والنسائی والدارمی و
الترمذی وصححه وعن ابی سعید رضہ قال قال
الترمذی وحکم کرد بصحت آن و از ابی سعید روایت است گفت فرمود
رسول الله صلی الله علیه وسلم خصلتان لا یجتمعان فی
پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم دو خصلت جمع نشوند در
مؤمن البخل وسوء الخلق رواه الترمذی وعن
ہیچ مسلمانی یکے بخیلی دیگر بدخلقی رواہ الترمذی و روایت است از

ابي بكر الصديق رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ابی بکر الصدیق رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم
لا يدخل الجنة خب ولا بخيل ولا منان رواه الترمذي
در نمی آید بهشت را این سه کس اول مرد فریبنده دوم بخیل سوم منت نهنده بعد از عطا رواه الترمذی
وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه
وسلم شر ما في الرجل شح هالع وجبن خالع رواه ابو داود
وسلم بدترین خصلتها که در مردم است دو خصلت است یکی بخل جزع و فزع کننده دوم بزدلی ترسنده گی که دل آدمی را از جا بر آرد
وعن النبي صلى الله عليه وسلم قال بينما رجل بفلاة
و روایت است از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت وقتیکه مردی در صحرا بود
من الارض فسمع صوتا في سحابة اسق حديقة فلان
به بیابان از زمین پس شنید آوازی در ابری که میگوید آب ده بستان فلان را
فتنحى ذلك السحاب فافرغ ماءه في حرة فاذا شرجة
پس یکسو شد آن ابر پس ریخت آن آب خود را در زمین سنگستان پس ناگاه آب راهی
من تلك الشراج قد استوعبت ذلك الماء كله فتتبع
از آن آب راهها بتحقیق فرا گرفته است آن آب را همه پس پیروی کرد آن مرد
الماء فاذا رجل قائم في حديقته يحول الماء بمسحاته
آب را پس ناگاه مردی ایستاده است در حدیقه خود میگرداند آب را به بیل آهنین
فقال له يا عبد الله ما اسمك قال فلان للاسم الذي
پس گفت مر این مرد را ای بنده خدا چیست نام تو گفت نام من فلان است آن نامی که
سمع في السحابة فقال له يا عبد الله لم تسألني
شنیده بود در ابر پس گفت صاحب باغ مر آن مرد را ای بنده خدا چرا میپرسی مرا

عن اسمي فقال اني سمعت صوتا في السحاب الذي

از نام من پس گفت آنمرد من شنیده ام آوازے را در ابر که

هذا ماءه ويقول اسق حديقة فلان لاسمك فما تصنع

این آب اوست میگفت آن آواز یعنی کسیکه آواز میکرد آب ده حدیقه فلانرا میگفت مر نام ترا پس چه کار میکنی

فيها قال اما اذا قلت هذا فاني انظر الى ما يخرج منها

در حدیقه خود گفت من نخواسته بودم که اظهار کنم لیکن چون گفتی این را بگویم پس بتحقیق من نگاه میکنم بسوی چیزے که بیرون می آید از آن

فاتصدق بثلثه وآكل انا وعيالي ثلثا وارد فيها ثلثه

پس تصدق میکنم بسه یک آن و میخورم من و عیال من از ثلث آن و باز میگردانم در حدیقه خود ثلث آن

رواه مسلم وعنه انه سمع النبي صلى الله عليه وسلم

رواه مسلم و هم از ابی هریره است رضا که وے شنید آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يقول ان ثلثة من بني اسرائيل ابرص واقرع واعمى

که میگفت بدرستیکه سه کس بودند از قوم بنی اسرائیل یکے ابرص دوم اقرع سوم کور

فاراد الله ان يبتليهم فبعث اليهم ملكا فاتى الابرص

پس خواست خدا تعالی که ابتلا کند ایشانرا پس فرستاد خدا بسوی ایشان فرشته را پس آمد آن فرشته نزد ابرص

فقال اي شيء احب اليك قال لون حسن وجلد حسن

پس گفت فرشته کدام چیز دوست داشته شده تر است بسوی تو گفت رنگ نیک و پوست نیک

ويذهب عني الذي قد قذرني الناس قال فمسحه

و اینکه برود از من آنچه بتحقیق پلید و نکروه میدارند مرا مردم گفت آنحضرت پس مسح کرد فرشته او را

فذهب عنه قذره فاعطي لونا حسنا وجلدا حسنا قال

پس رفت از وے پلیدی وے پس داده شد او را رنگ نیک و پوست نیک گفت فرشته

فاي المال احب اليك قال الابل او قال البقر شك

پس کدام مال محبوبتر است بسوی تو گفت شتر یا گفت بقر بجاے ابل شک کرده است

إسحٰق إِلَّا أَنَّ الأبرص أو الأقرع قال أحدهما الإبل

اسحق گر اینکه ابرص یا اقرع گفت یکے ازان دو شتر

وقال الآخر البقر قال فأعطي ناقة عشراء فقال بارك

وگفت دیگر گاؤ گفت پس داده شد او را ماده شترے حامل ده ماه پس گفت فرشته برکت دهاد

الله لك فيها قال فأتى الأقرع فقال أي شيء أحب إليك

خدای مر ترا در این ناقہ گفت پس آمد نزد اقرع پس گفت فرشته کدام چیز محبوب تر است بسوے تو

قال شعر حسن ويذهب عني هذا الذي قد قذرني الناس

گفت موے نیک و اینکه برود از من آنچه که بتحقیق مکروه پنداشته اند مرا مردمان

قال فمسحه فذهب عنه قال وأعطي شعرا حسنا قال فأي

گفت پس مسح کرد پس رفت از وے گفت داده شد موے نیک گفت فرشته پس کدام

المال أحب إليك قال البقر فأعطي بقرة حاملا قال

مال محبوب تر است بسوے تو گفت بقر پس داده شد او را گاوے باردار و حامله گفت فرشته

بارك الله لك فيها فأتى الأعمى فقال أي شيء أحب إليك

برکت دهاد خدا مر ترا در آن گاو ان پس آمد فرشته نزد کور پس گفت کدام چیز محبوب تر است بسوئے تو

فقال أن يرد الله إلي بصري فأبصر به الناس قال

پس گفت کور اینکه باز گرداند خدا تعالیٰ بسوے من بینائی من پس ببینم بوے مردمان را گفت

فمسحه فرد الله إليه بصره قال فأي المال أحب إليك

پس مسح کرد فرشته او را و باز گردانید خدا بسوے وی بینائی او را گفت فرشته پس کدام مال محبوب تر است بسوئے تو

قال الغنم فأعطي شاة والدا فأنتج هذان وولد هذا

گفت کور گوسپند است محبوب تر او را پس داده شد گوسپند زاینده پس انتاج کردند این دو و تولید کرد این یعنے صاحب غنم

فكان لهذا واد من الإبل ولهذا واد من البقر ولهذا

پس گشت حاصل مر این را وادی از شتر و مر این را وادی از گاوان و مر این را

وادٍ مِنَ الغَنَمِ قَالَ ثُمَّ إِنَّهُ أَتَى الأَبْرَصَ فِي صُورَتِهِ وَهَيْئَتِهِ

وادی از گوسپندان گفت آنحضرت پستر بدرستی آن فرشته آمد ابرص را در همان صورت و هیئت

فَقَالَ إِنِّي رَجُلٌ مِسْكِينٌ قَدِ انْقَطَعَتْ بِيَ الحِبَالُ فِي سَفَرِي

پس گفت من مردی مسکینم بتحقیق گسسته است بمن اسباب طلب رزق در سفر

فَلَا بَلَاغَ لِيَ اليَوْمَ إِلَّا بِاللهِ ثُمَّ بِكَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي

پس نیست کفایت رسیدن مرا امروز مگر بخدا و فضل خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآنخدا که

أَعْطَاكَ اللَّوْنَ الحَسَنَ وَالجِلْدَ الحَسَنَ وَالمَالَ بَعِيرًا أَتَبَلَّغُ

داده است ترا رنگ نیک و پوست نیک و داده است ترا مال شتر برا که برسم

بِهِ فِي سَفَرِي فَقَالَ الحُقُوقُ كَثِيرَةٌ فَقَالَ إِنَّهُ كَأَنِّي أَعْرِفُكَ

بآن در سفر خود پس گفت حقها بسیار است پس گفت فرشته بدرستیکه گویا من ترا می شناسم

أَلَمْ تَكُنْ أَبْرَصَ يَقْذَرُكَ النَّاسُ فَقِيرًا فَأَعْطَاكَ اللهُ

آیا نبودی تو ابرص که پلید و مکروه داشتند ترا مردم و فقیر که مال نبود نداشتی پس داد ترا خدا تعالی

فَقَالَ إِنَّمَا وُرِّثْتُ هٰذَا المَالَ كَابِرًا عَنْ كَابِرٍ فَقَالَ إِنْ كُنْتَ

پس گفت داده نشده ام این مال را مگر میراث از آبا و اجداد همین رسیده پس گفت فرشته اگر باشی تو

كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللهُ إِلَى مَا كُنْتَ قَالَ وَأَتَى الأَقْرَعَ فِي صُورَتِهِ

دروغ گو پس بگرداند ترا خدا تعالی بسوی حالی که بودی تو گفت و آمد آن فرشته اقرع را در همان صورت

فَقَالَ لَهُ مِثْلَ مَا قَالَ لِهٰذَا وَرَدَّ عَلَيْهِ مِثْلَ مَا رَدَّ عَلَى هٰذَا

پس گفت مر او را مانند آنچه که گفته بود مر ابرص را و رد کرد اقرع بر فرشته مانند آنچه رد کرده بر این

فَقَالَ إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فَصَيَّرَكَ اللهُ إِلَى مَا كُنْتَ قَالَ

پس گفت فرشته اگر باشی تو دروغ گو پس بگرداند ترا خدا تعالی باز گرداند بسوی حالیکه بودی و فرمود آنحضرت

وَأَتَى الأَعْمَى فِي صُورَتِهِ وَهَيْئَتِهِ فَقَالَ رَجُلٌ مِسْكِينٌ

و آمد آن فرشته نزد اعمی در صورتیکه نخست آمده بود پس گفت من مردی مسکینم

وَابْنُ سَبِيلٍ قَدِ انْقَطَعَتْ بِيَ الْحِبَالُ فِي سَفَرِي فَلَا بَلَاغَ

ومسافر تحقیق گسسته است ببن اسباب طلب رزق در سفر پس نیست کفایت و رسیدن

لِيَ الْيَوْمَ إِلَّا بِاللهِ ثُمَّ بِكَ أَسْأَلُكَ بِالَّذِي رَدَّ عَلَيْكَ

مرا امروز مگر بتوفیق خدا پستر بتو سوال میکنم ترا بآن خدا که داده است ترا

بَصَرَكَ شَاةً أَتَبَلَّغُ بِهَا فِي سَفَرِي فَقَالَ قَدْ كُنْتُ

بینائی تو سوال میکنم گوسپند که برسم بآن در حصول سفر من پس گفت آن اعمی تحقیق بودم

أَعْمَى فَرَدَّ اللهُ إِلَيَّ بَصَرِي فَخُذْ مَا شِئْتَ وَدَعْ مَا شِئْتَ

کور پس باز گردانید خدا تعالی بسوی من بینائی من پس بگیر هرچه میخواهی از گوسپندان و بگذار هرچه میخواهی

فَوَاللهِ لَا أَجْهَدُكَ الْيَوْمَ بِشَيْءٍ أَخَذْتَهُ لِلّٰهِ فَقَالَ أَمْسِكْ

پس بخدا سوگند که منع نمیکنم و مشقت نمی اندازم ترا امروز بچیزی که بگیری تو آنرا برای خدا پس گفت فرشته

مَالَكَ فَإِنَّمَا ابْتُلِيتُمْ فَقَدْ رَضِيَ عَنْكَ وَسَخِطَ عَلَى

مال خود را پس جز این نیست که ابتلا و آزمایش کرده شده اید پس بتحقیق خشنود شد از تو و خشم کرد

صَاحِبَيْكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أُمِّ بُجَيْدٍ قَالَتْ

دو یار تو متفق علیه است و روایت است از ام بجید انصاریه رضی الله عنها گفت

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ الْمِسْكِينَ لَيَقِفُ عَلَى بَابِي حَتَّى

گفتم ای رسول خدا بدرستیکه مسکین هر آئینه می ایستد بر در من تا آنکه

أَسْتَحْيِيَ فَلَا أَجِدُ فِي بَيْتِي مَا أَدْفَعُ فِي يَدِهِ فَقَالَ

شرم میدارم پس نمی یابم در خانه خود چیزی که بنهم آنرا در دست او پس فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادْفَعِي فِي يَدِهِ وَلَوْ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بنه در دست او اگرچه

ظِلْفًا مُحْرَقًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ مَوْلًى لِعُثْمَانَ رضي الله عنه

سم سوخته باشد رواه ابو داود و روایت است از مولی امیر المومنین عثمان رضی الله عنه

قَالَ اُهْدِيَ لِاُمِّ سَلَمَةَ بِضْعَةٌ مِنْ لَحْمٍ وَكَانَ النَّبِيُّ

گفت فرستاده شده مر ام سلمه را پاره از گوشت و بود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْجِبُهُ اللَّحْمُ فَقَالَتْ لِلْخَادِمِ ضَعِيهِ

صلی الله علیه وسلم که خوش می آمد او را گوشت پس گفت ام سلمه مر خادم را بنه آن گوشت را

فِي الْبَيْتِ لَعَلَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْكُلُهُ فَوَضَعَتْهُ

در خانه شاید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخورد آنرا پس نهاد خادم آنرا

فِي كَوَّةِ الْبَيْتِ فَجَاءَ سَائِلٌ فَقَامَ عَلَى الْبَابِ فَقَالَ

در طاقچه خانه پس آمد سوال کننده پس ایستاد بر در پس گفت

تَصَدَّقُوا بَارَكَ اللّٰهُ فِيكُمْ فَقَالُوا بَارَكَ اللّٰهُ فِيكَ

تصدق کنید برکت کناد حق تعالی در شما پس گفتند اهل خانه مر سائل را که برکت کناد خدا در تو

فَذَهَبَ السَّائِلُ فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

پس رفت سائل پس درآمد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یعنی در خانه پس فرمود آنحضرت

يَا اُمَّ سَلَمَةَ هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ اُطْعِمُهُ فَقَالَتْ نَعَمْ قَالَتْ

ای ام سلمه آیا هست نزد شما چیزی که بخورم پس گفت آری هست پس گفت

لِلْخَادِمِ اذْهَبِي فَأْتِي رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مر خادم را که برو پس بیار نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

بِذٰلِكَ اللَّحْمِ فَذَهَبَتْ فَلَمْ تَجِدْ فِي الْكَوَّةِ اِلَّا قِطْعَةَ

آن گوشت را پس رفت خادمه پس نیافت آن گوشت را در طاقچه مگر سنگ پاره را

مَرْوَةٍ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاِنَّ ذٰلِكَ اللَّحْمَ

پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس بتحقیق آن گوشت

عَادَ مَرْوَةً لِمَا لَمْ تُعْطُوهُ السَّائِلَ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ

گشت سنگ سفید از جهت آنکه ندادید آنرا سائل را روایت کرد بیهقی در دلائل النبوة

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللّٰہ علیہ وسلم

اَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ مَنْزِلًا قِيلَ نَعَمْ قَالَ الَّذِي يُسْأَلُ

آیا خبر دهم شما را به بدترین مردم از روی مرتبه گفته شد آری خبر ده فرمود آن کسیکه سوال کرده شود

بِاللّٰهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ

بنام خدا و نه دهد بنام خدا روایت احمد و روایت است از ابی هریره رض که

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلَ عَلَى بِلَالٍ وَعِنْدَهُ صُبْرَةٌ

آنحضرت صلی اللّٰہ علیہ وسلم درآمد بر بلال و نزد او توده بود

مِنْ تَمْرٍ فَقَالَ مَا هٰذَا يَا بِلَالُ قَالَ شَيْءٌ ادَّخَرْتُهُ لِغَدٍ

از خرما خشک پس گفت آنحضرت چیست این خرما ای بلال گفت این چیزیست که ذخیره کرده بودم برای فردا

فَقَالَ أَمَا تَخْشَى أَنْ تَرَى لَهُ غَدًا بُخَارًا فِي نَارِ جَهَنَّمَ يَوْمَ

فرمود آیا نمی ترسی که ببینی برای این ترا فردا دود در آتش دوزخ روز

الْقِيَامَةِ أَنْفِقْ بِلَالُ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِقْلَالًا

قیامت خرج کن ای بلال و مترس از خداوند عرش کم کردن را

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و هم از وی روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللّٰہ علیہ وسلم

اَلسَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ فَمَنْ كَانَ سَخِيًّا أَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْهَا

جوانمردی درختی است در بهشت پس کسیکه باشد سخی گرفته است شاخی از آن درخت

فَلَمْ يَتْرُكْهُ الْغُصْنُ حَتَّى يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَالشُّحُّ شَجَرَةٌ فِي

پس نمی گذارد او را آن شاخ تا آنکه می در آرد او را در بهشت و بخل درختیست در

النَّارِ فَمَنْ كَانَ شَحِيحًا أَخَذَ بِغُصْنٍ مِنْهَا فَلَمْ يَتْرُكْهُ الْغُصْنُ

دوزخ پس هر که بخیل است گرفته است شاخ آنرا پس نمی گذارد او را آن شاخ

حتى يدخله النار رواهما البيهقي في شعب الإيمان وعن

تا آنکه در آرد او را در دوزخ روایت کرد این دو حدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت است از

علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم بادروا

علي رض گفت فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم شتابی کنید

بالصدقة فإن البلاء لا يتخطاها رواه رزين

بصدقه زیراکه بدرستیکه بلا تجاوز نمی کند صدقه را روایه رزین

باب فضل الصدقة في سبيل الله تعالى

وأنفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة

وخرج کنید در راه خدا و میفکنید خویشتن را بسوی هلاک

وأحسنوا إن الله يحب المحسنين إن تبدوا الصدقات

و نیکوکاری کنید هر آینه خدا دوست میدارد نیکوکاران را اگر آشکارا کنید خیرات را

فنعما هي وإن تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم

پس نیکو چیز است آن و اگر پنهان کنید و بدهید آن را بفقیران پس این بهتر است شما را

ويكفر عنكم من سيئاتكم والله بما تعملون خبير عن

و این دور سازد از شما بعض گناهان شما را و خدا بانچه میکنید آگاه است روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه

تصدق بعدل تمرة من كسب طيب ولا يقبل الله إلا الطيب

تصدق کند برابر قیمت تمر از کسب پاک و نمی پذیرد خدا تعالی مگر پاک را

فإن الله يتقبلها بيمينه ثم يربيها لصاحبها كما يربي

پس بدرستیکه خدا تعالی می پذیرد آنرا بدست راست خود پس پرورش میکند آن صدقه را برای صاحبش چنانکه

أَحَدُكُمْ فَلُوَّهُ حَتّٰى تَكُوْنَ مِثْلَ الْجَبَلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ

یکے از شما کرہ اسپ خود را تا آنکہ میباشد آن صدقہ مانند کوہ متفق علیہ وہم از ویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا نَقَصَتْ صَدَقَةٌ

گفت فرمود پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کم نکرد ہیچ صدقہ چیزے را

مِنْ مَالٍ وَمَا زَادَ اللّٰهُ عَبْدًا بِعَفْوٍ إِلَّا عِزًّا وَمَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ

از مال و زیادت نکردانید خدای تعالے ہیچ بندہ را بسبب عفو کردن دیگر عزت در دنیا و فروتنی نکند ہیچ یکے

لِلّٰهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

مگر آنکہ بلند گرداند قدر او را خدای تعالے رواہ مسلم وہم از ویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ

صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ انفاق کند دو چیز را از چیزہا

فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ دُعِيَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ وَلِلْجَنَّةِ أَبْوَابٌ فَمَنْ كَانَ

در راہ خدا خواندہ می شود آنکس از درہای بہشت و مر بہشت را درہا است پس کسیکہ باشد

مِنْ أَهْلِ الصَّلٰوةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلٰوةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ

از اہل نماز یعنی غالب تر بود نماز خواندہ می شود از در بہشت کہ مخصوص است باہل نماز و کسیکہ باشد از

أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ

اہل جہاد خواندہ می شود از در جہاد و کسیکہ باشد از اہل

الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ

صدقہ خواندہ می شود از باب صدقہ و کسیکہ باشد از اہل

الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ فَقَالَ أَبُوْ بَكْرٍ مَا عَلٰى مَنْ

روزہ خواندہ شود او را از در ریان یعنی در سیراب پس گفت ابو بکر صدیق رضا نیست بر کسیکہ

دُعِيَ مِنْ تِلْكَ الْأَبْوَابِ مِنْ ضَرُوْرَةٍ فَهَلْ يُدْعٰى أَحَدٌ

خواندہ شود از آن درہا ضرورتے پس آیا خواندہ می شود ہیچ یکے

مِنْ تِلْكَ الْاَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ نَعَمْ وَاَرْجُوْ اَنْ تَكُوْنَ مِنْهُمْ

از همه درها گفت آنحضرت آری هست و امید میدارم که باشی تو ای ابوبکر از ان کسان

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

متفق علیه . وهم از وے مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

مَنْ اَصْبَحَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ صَائِمًا قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ تَبِعَ

یعنی پرسید از صحابه کیست که صبح کرد از شما امروز روزه دار گفت ابوبکر صدیق منم یا رسول الله و فرمود آنحضرت کی

مِنْكُمُ الْيَوْمَ جَنَازَةً قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا قَالَ فَمَنْ اَطْعَمَ مِنْكُمُ

از شما امروز جنازه را گفت ابوبکر صدیق منم گفت آنحضرت پس کیست که طعام خورانید از شما

الْيَوْمَ مِسْكِيْنًا قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا قَالَ وَمَنْ عَادَ مِنْكُمُ الْيَوْمَ

امروز مسکین را گفت ابوبکر صدیق من هستم گفت و کیست که پرسید از شما امروز

مَرِيْضًا قَالَ اَبُوْبَكْرٍ اَنَا فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بیمار را گفت ابوبکر صدیق انا پس گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَا اجْتَمَعْنَ فِيْ امْرِئٍ اِلَّا دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

جمع نشوند این چهار چیز در یک روز هیچ مرد را مگر آنکه در آید در بهشت رواه مسلم و روایت است از

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عایشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

خُلِقَ كُلُّ اِنْسَانٍ مِّنْ بَنِيْ اٰدَمَ عَلٰى سِتِّيْنَ وَثَلٰثِ مِائَةِ مَفْصِلٍ

پیدا کرده شده است هر شخص از اولاد آدم بر سه صد و شصت بند

فَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ وَحَمِدَ اللّٰهَ وَهَلَّلَ اللّٰهَ وَسَبَّحَ اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ

پس کسیکه بگوید الله اکبر و الحمد لله و لا اله الا الله و سبحان الله و طلب آمرزش کرد از

اللّٰهَ وَعَزَلَ حَجَرًا عَنْ طَرِيْقِ النَّاسِ اَوْ شَوْكَةً اَوْ عَظْمًا

خدا و دور کند سنگے را از راه مردم یا خارے را یا استخوانے را

أَوْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنْ مُنْكَرٍ عَدَدَ تِلْكَ السِّتِّينَ وَالثَّلَاثِمِائَةِ

یا امر کند بمشروع یا نهی کند از نامشروع موافق عدد سه صد و شصت بند

فَإِنَّهُ يَمْشِي يَوْمَئِذٍ وَقَدْ زَحْزَحَ نَفْسَهُ عَنِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

پس بدرستیکه آنکس راه میرود یا شام میکند در آن روز حال آنکه دور انداخته است خود را از آتش روایت کرد مسلم

وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ

نیست هیچ مسلمانی که بنشاند درختی را یا بکارد کشتی را پس بخورد از آن

إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

آدمی یا پرنده یا چارپایه مگر آنکه باشد مر او را صدقه متفق علیه

وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ جَابِرٍ رض وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ

و در روایتی مر مسلم را از جابر آمده است و آنچه دزدیده شد از آن نیز مر او را صدقه است

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ غُفِرَ لِامْرَأَةٍ مُومِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَكِيٍّ

وسلم که آمرزیده شد زن بدکاری که گذشت بسگی بر سر چاهی

يَلْهَثُ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خُفَّهَا فَأَوْثَقَتْهُ

در حالیکه می بر آورد آن سگ زبان خود را از تشنگی نزدیک بود که بکشد او را تشنگی پس بکشید آن زن زانیه موزه خود را پس ببست

بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَغُفِرَ لَهَا بِذٰلِكَ قِيلَ إِنَّ

بسر پوش خود پس بکشید آن زن از چاه برای سگ چیزی از آب پس آمرزیده شد در آن زن بآن عمل گفته شد یا رسول الله

لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا قَالَ فِي كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ رَطْبَةٍ أَجْرٌ

مارا در احسان کردن بهیمه ها و سیر ساختن آنها ثواب است فرمود آنحضرت در احسان کردن بهر جانداری که خدا او را ثواب

متفق علیه وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله
متفق علیه درروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا
صلی الله علیه وسلم مر رجل بغصن شجرة علی ظهر
صلی الله علیه وسلم گذشت مردے بشاخ درختی که بر پشت
طریق فقال لانحین هذا عن طریق المسلمین لا یؤذیهم
راه است وفوق او پس گفت هرآینه یکسو گردانم این شاخ را از راه مسلمانان تا ایذا نکند این شاخ مسلمانان را
فادخل الجنة متفق علیه وعنه قال قال رسول الله
پس در آورده شد آنمرد در بهشت متفق علیه وهم از وے روایت است گفت فرمود آنحضرت
صلی الله علیه وسلم لقد رأیت رجلا یتقلب فی الجنة
صلی الله علیه وسلم هرآینه تحقیق دیدم مردی را که میگردد و تنعم میکند در بهشت
فی شجرة قطعها من ظهر الطریق کانت تؤذی الناس
بجهت درختیکه برید آنرا از ظاهر طریق وفوق آن بود آن درخت که آزار میکرد مردمان را
رواه مسلم وعن ابی برزة رض قال قلت یا نبی الله
رواه مسلم درروایت از ابی برزه رض گفت ابو برزه گفتم اے نبی الله
صلی الله علیه وسلم علمنی شیئا انتفع به قال اعزل
صلی الله علیه وسلم بیاموزان مرا چیزی از اعمال که سود مند شوم بدان فرمود آنحضرت یکسو کن
الاذی عن طریق المسلمین رواه مسلم وعن عبد الله
آنچه آزار کند از راه مسلمانان از خار وسنگ وجز آن رواه مسلم درروایت است از عبد الله
بن سلام رض قال لما قدم النبی صلی الله علیه وسلم المدینة
بن سلام رض گفت هنگامیکه قدوم آورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مدینه را از مکه بهجرت
جئت فلما تبینت وجهه عرفت ان وجهه لیس بوجه
آمدم نزد آنحضرت پس هنگامیکه دیدم وتامل کردم روی مبارک آنحضرت را شناختم که روی وی نیست روی

كَذَّابٍ فَكَانَ أَوَّلَ مَا قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَفْشُوا السَّلَامَ

دروغ گوی پس بود آنحضرت نخستین چیزی که گفت در حدیث ای مردم این کلام آمد که فاش کنید سلام گفتن را

وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصِلُوا الْأَرْحَامَ وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ

و بخورانید طعام مسکینان را و پیوند بدر حمها یعنی قرابت را و نماز بگذارید در شب در حالیکه مردم

نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

در خواب باشند اینکار را بکنید می در آئید به بهشت بسلامت از عذاب رواه الترمذی و ابن ماجه

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ

و الدارمی و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اعْبُدُوا الرَّحْمٰنَ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عبادت کنید خدای مهربان را

وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَأَفْشُوا السَّلَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ

و بخورانید طعام گدا را و بلند گوئید سلام را می در آئید به بهشت بسلامت از بعید و حجاب

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ

رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَتُطْفِئُ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه صدقه دادن هر آئینه میکشد آتش

غَضَبَ الرَّبِّ وَتَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

خشم الهی را و دور میگرداند مرگ بد را اشارت است بحصول سلامت رواه الترمذی

وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ صَدَقَةٌ وَأَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ

تبسم کردن تو یعنی لب شیرین کردن در روی برادر خود صدقه است امر کردن تو بنیکی صدقه است

وَنَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَإِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ

ونهی کردن تو از منکر صدقه است و راه نمودن تو مرد را در زمینے گمراهی که مرد در راه گم شده

صَدَقَةٌ وَنَصْرُكَ الرَّجُلَ الرَّدِيَّ الْبَصَرِ لَكَ صَدَقَةٌ

صدقه است و یاری دادن تو مرد تباه بینائی را مر ترا صدقه است

وَإِمَاطَتُكَ الْحَجَرَ وَالشَّوْكَ وَالْعَظْمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ وَإِفْرَاغُكَ

و دور کردن تو سنگ را و خار را و استخوان را از راه مر ترا صدقه است و ریختن تو

مِنْ دَلْوِكَ فِي دَلْوِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

از دلو یعنی آب را در دلو برادر خود مر ترا صدقه است رواه ترمذی و روایت است از

سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سعد بن عباده رض گفت ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم

إِنَّ أُمَّ سَعْدٍ مَاتَتْ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ الْمَاءُ

بدرستیکه مادر سعد مرده است پس کدام صدقه بروح وی کنم بهتر هست فرمود آنحضرت که آب

فَحَفَرَ بِئْرًا وَقَالَ هٰذِهِ لِأُمِّ سَعْدٍ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

پس کند سعد چاهی را بنام او و گفت این چاه برای ام سعد است رواه ابوداود و نسائی

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَى عُرْيٍ كَسَاهُ اللّٰهُ مِنْ

وسلم هر مسلمانے که بپوشاند مسلمانے دیگر را جامه بر برهنگی بپوشاند او را خدا از

خُضْرِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَى جُوعٍ

حلهای سبز بهشت و هر مسلمانے که بخوراند مسلمانے دیگر را بر گرسنگی

أَطْعَمَهُ اللّٰهُ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَى مُسْلِمًا

بخوراند او را خدا تعالی از میوه های بهشت و هر مسلمانے که بنوشاند مسلمانے را

عَلٰى ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللّٰهُ مِنَ الرَّحِيْقِ الْمَخْتُوْمِ رَوَاهُ اَبُوْدَاوُدَ

بر تشنگی بنوشاند او را خدا تعالی از شراب خالص که مهر کرده شد ظروف آن رواه ابوداؤد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّهُمْ ذَبَحُوْا شَاةً

و الترمذی و روایت است از عائشه رض بدرستیکه ایشان یعنی اهل بیت ذبح کردند گوسفندی را

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا بَقِيَ مِنْهَا فَقَالَتْ

پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چه چیز باقی ماند از آن گوسفند پس گفت عائشه

مَا بَقِيَ مِنْهَا اِلَّا كَتِفُهَا قَالَ بَقِيَ كُلُّهَا غَيْرَ كَتِفِهَا رَوَاهُ

باقی نماند از وے مگر شانهٔ وے یعنی همه بخشش کردند بفقیران فرمود آنحضرت باقی ماند

التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا

صلی الله علیه وسلم که میگفت نیست هیچ مسلمانی که بپوشاند مسلمانی را

ثَوْبًا اِلَّا كَانَ فِيْ حِفْظٍ مِنَ اللّٰهِ مَا دَامَ عَلَيْهِ مِنْهُ خِرْقَةٌ

جامهٔ مگر آنکه باشد آنکه جامه پوشانده در حفظ خدا تا آن وقت که باقی ماند از آن جامه پاره

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

رواه احمد و الترمذی و روایت است از ابوذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سه کس اند که دوست میدارد ایشانرا

وَثَلٰثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللّٰهُ فَاَمَّا الَّذِيْنَ يُحِبُّهُمُ اللّٰهُ فَرَجُلٌ اَتٰى

و سه کس اند که دشمن میدارد ایشانرا خدا پس آن کسانیکه دوست میدارد ایشان را خدا

قَوْمًا فَسَاَلَهُمْ بِاللّٰهِ وَلَمْ يَسْاَلْهُمْ بِقَرَابَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ فَمَنَعُوْهُ

مردی آمد گروهی را پس سوال کرد ایشان را بمحض نام خدا و سوال نکرد ایشان را از جهت خویشی

٩٣٢٠١٢٠٠١٩٥٠١٩٢٩١٠٠

فَتَخَلَّفَ رَجُلٌ بِأَعْيَانِهِمْ فَأَعْطَاهُ سِرًّا لَا يَعْلَمُ بِعَطِيَّتِهِ

پس سبقت کرد بر ایشان مردی و پس انداخت ایشان را پس داد او را نهانی در حالیکه نمیدانند داده شده او را

إِلَّا اللّٰهُ وَالَّذِي أَعْطَاهُ وَقَوْمٌ سَارُوا لَيْلَتَهُمْ حَتّٰى إِذَا كَانَ

مگر خدای تعالی و آن کسیکه داده است او را و دوم مردیست از میان قومی که راه رفتند تمام شب تا آن وقتیکه

النَّوْمُ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِمَّا يُعْدَلُ بِهِ فَوَضَعُوا رُءُوسَهُمْ

خواب دوست داشته شده تر است بسوی ایشان از هر چیز برابر کرده شود با آن پس نهادند آن قوم سرهای ایشان را

فَقَامَ يَتَمَلَّقُنِي وَيَتْلُو آيَاتِي وَرَجُلٌ كَانَ فِي سَرِيَّةٍ

پس ایستاد بنماز مردی در حالیکه ثنای من میکند و میخواند آیات کتاب مرا سوم مردی که بود در لشکری

فَلَقِيَ الْعَدُوَّ فَهُزِمُوا فَأَقْبَلَ بِصَدْرِهِ حَتّٰى يُقْتَلَ

پس ملاقات کرد دشمنان را پس شکست داده شدند اهل آن پس اقبال کرد این مرد بسینه خود تا آنکه کشته شود یا از

أَوْ يُفْتَحَ لَهُ وَالثَّلَاثَةُ الَّذِينَ يُبْغِضُهُمُ اللّٰهُ الشَّيْخُ الزَّانِي

یا گشایش کرده شود و آن سه کس که دشمن میدارد ایشان را خدای تعالی یکی پیر زنا کننده

وَالْفَقِيرُ الْمُخْتَالُ وَالْغَنِيُّ الظَّلُومُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

دوم درویش که تکبر کننده است سوم توانگر ظلم کننده روایت کرد ترمذی و نسائی را

وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

مثل آنست و روایتست از انس گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَمَّا خَلَقَ اللّٰهُ الْأَرْضَ جَعَلَتْ تَمِيدُ فَخَلَقَ الْجِبَالَ

وسلم وقتیکه پیدا کرد خدای تعالی زمین را شروع کرد زمین که میل کند و بجنبد پس پیدا کرد خدا کوه را

فَقَالَ بِهَا عَلَيْهَا فَاسْتَقَرَّتْ فَعَجِبَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ شِدَّةِ

پس نهاد کوه را بر زمین پس قرار یافت زمین پس شگفت کردند فرشتگان از سختی

الْجِبَالِ فَقَالُوا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ أَشَدُّ مِنَ الْجِبَالِ

کوهها پس گفتند ای پروردگار آیا هست از آفرینش تو چیزی سخت تر از کوهها

قَالَ نَعَمْ اَلْحَدِيْدُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ

فرمود حق تعالیٰ آرے آہن سخت تر است از کوہ پس گفتند فرشتگان اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے

مِنَ الْحَدِيْدِ قَالَ نَعَمْ اَلنَّارُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ

از آہن گفت پروردگار آرے آتش است پس گفتند اے رب آیا ہست از

خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ اَلْمَاءُ فَقَالُوْا

پیدایش تو چیزے سخت تر از آتش گفت حق تعالیٰ آرے آب است پس گفتند

يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الْمَاءِ قَالَ نَعَمْ

اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از آب گفت حق تعالیٰ آرے

اَلرِّيْحُ فَقَالُوْا يَا رَبِّ هَلْ مِنْ خَلْقِكَ شَيْءٌ اَشَدُّ مِنَ الرِّيْحِ

باد است پس گفتند اے رب آیا ہست از پیدایش تو چیزے سخت تر از باد

قَالَ نَعَمْ اِبْنُ اٰدَمَ تَصَدَّقَ صَدَقَةً مِنْ يَمِيْنِهِ يُخْفِيْهَا

گفت حق تعالیٰ آرے سخت تر از آن صدقہ دادن فرزند آدم است کہ تصدق میکند بدست راست خود پنہان

مِنْ شِمَالِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ

از دست چپ خود رواہ الترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ

فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ بندۂ مسلمان

يُنْفِقُ مِنْ كُلِّ مَالٍ لَهٗ زَوْجَيْنِ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِلَّا

کہ خرج کند از ہر مالے کہ مر او راست دو چیز چنانکہ دو اسپ، دو شتر در راہ خدا تعالیٰ مگر اینکہ

اِسْتَقْبَلَتْهُ حَجَبَةُ الْجَنَّةِ كُلُّهُمْ يَدْعُوْهُ اِلٰى مَا

پیش می آیند او را پردہ داران بہشت ہر یک از ایشان میخوانند او را بسوے چیزے کہ

عِنْدَهٗ قُلْتُ وَكَيْفَ ذٰلِكَ قَالَ اِنْ كَانَتْ اِبِلًا فَبَعِيْرَيْنِ

نزد اوست از نازو نعمت گفتم و چگونہ است انفاق دو چیز از ہر مال فرمود آنحضرت اگر باشد اموال شتر پس دو شتر را انفاق کند

وَاِنْ كَانَتْ بَقَرَةً فَبَقَرَتَيْنِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ

واگر باشد مال گاو ان پس انفاق کند دو گاو را روا ه النسائی و روایت است از

مَرْثَدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ اَصْحَابِ رَسُوْلِ اللّٰهِ

مرثد بن عبدالله گفت مرثد حدیث کردند مرا بعضے از اصحاب آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَّهُ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

صلے الله علیه وسلم که وے شنید آنحضرت را صلے الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِنَّ ظِلَّ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ صَدَقَتُهُ رَوَاهُ

وسلم که میگفت که سایه پناه مومن و سبب آسایش وے در روز قیامت صدقه آنست روا ه

اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

احمد و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

مَنْ وَسَّعَ عَلٰى عِيَالِهِ فِي النَّفَقَةِ يَوْمَ عَاشُوْرَاءَ وَسَّعَ

کسیکه فراخی کند بر اہل و عیال خود در خرچ روز عاشورا فراخ گرداند

اللّٰهُ عَلَيْهِ سَائِرَ سَنَتِهِ قَالَ سُفْيَانُ اِنَّا قَدْ جَرَّبْنَاهُ

خدا یتعالی بر وے در باقی سال وے گفته است سفیان ثوری بدرستی ما آزمودیم این را

فَوَجَدْنَاهُ كَذٰلِكَ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي

پس یافتیم این را همچنین روا ه رزین و روایت کرد بیهقی این حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ عَنْهُ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ وَاَبِيْ سَعِيْدٍ وَجَابِرٍ

شعب ایمان از وے واز ابی هریره رض واز ابی سعید واز جابر و حکم کرد بیهقی

وَضَعَّفَهُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

بضعف این حدیث و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلٰى اَهْلِهِ

صلے الله علیه وسلم که چون انفاق کند مسلمان نفقه را بر اہل خود

وَهُوَ يَجْتَنِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

و حال آنکه وے نیست ثواب دارد باشد آنحضرت مرا و را صدقه اگرچه بفقر ننداده است متفق علیه

بَابُ أَفْضَلِ الصَّدَقَةِ

باب در بیان افضلیت صدقہ

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

و میدهند طعام را با وجود احتیاج بآن فقیر آنرا و یتیم را و زندانی را میگویند

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا

جز این نیست که طعام میدهیم شما را برائے ذات خدائی نخواهیم از شما مزدے و نه شکرے

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ

صفت آنانکه خرچ میکنند اموال خود را در راه خدا مانند

حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ

صفت یک دانه است که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است

وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ لَنْ تَنَالُوا

و خدا دو چند میدهد هر کرا خواهد و خدا جواد و دانا است هرگز نیابید

الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ

نیکی را تا آنکه خرچ کنید از آنچه دوست میدارید و هر چیز که خرچ کنید

فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۝ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض وَحَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ رض

پس هر آئینه خدا بوے دانا است در روایت است از ابی هریره رض و حکیم ابن حزام رض

قَالَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُ الصَّدَقَةِ

گفتند هر دو که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بهترین صدقه

مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

چیزیست که باشد از قوت غنی یعنی عیال را محتاج نگذارد و آغاز کن بانفاق کسیکه عیال داری بخاری روایت کرد

۳۳۷

رواه مسلم عن حكيم وحده وعن ابي هريرة رض قال

روایت کرد مسلم از حکیم بن حزام تنها و در روایت است از ابی هریرة رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم دينار انفقته في سبيل

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم یک دیناریست که انفاق کردی در راه

الله ودينار انفقته في رقبة ودينار تصدقت به على

خدا یعنی جهاد و دیگر دیناریست که انفاق کردی تو آنرا در آزاد کردن بنده و دو دینار دیگر یست که تصدق کردی بدان بر

مسكين ودينار انفقته على اهلك اعظمها اجرا الذي

مسکین و دینار دیگر یست که انفاق کردی تو بر اهل و عیال خود بزرگترین آن دینارها از روی اجر آن دینار است

انفقته على اهلك رواه مسلم وعن ثوبان رض

که انفاق کردی بر اهل و عیال خود روایت مسلم و در روایت است از ثوبان رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل دينار

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین دیناری

ينفقه الرجل دينار ينفقه على عياله ودينار ينفقه

که انفاق کند آنرا مرد دیناریست که انفاق کند آنرا بر عیال خود و دیناریست که انفاق کند آنرا

على دابته في سبيل الله ودينار ينفقه على اصحابه

بر چارپای خود که در راه خداست و دیناریست که انفاق کند آنرا بر یاران خود

في سبيل الله رواه مسلم وعن عائشة رض قالت

در راه خدا این سه قسم افضل صدقه است روایت مسلم و در روایت است از عائشه رض گفت

يا رسول الله ان لي جارين فالى ايهما اهدي قال

ای پیغامبر خدا بدرستی که مرا دو همسایه است بسوی کدام یکی از ایشان هدیه بفرستم فرمود آنحضرت

الى اقربهما منك بابا رواه البخاري وعن ابي هريرة

بنزدیک کسی که نزدیکتر است در از روی در روایت بخاری و در روایت است از ابی هریرة

قَالَ يَا رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ الصَّدَقَةِ

گفت اے پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کدام صدقه

أَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

فاضلتر است گفت آنحضرت که مرد قلیل المال باشد و مشقت کشد و بدهد و ابتدا کن به کسی که ایشان را نفقه میدهی رواه ابو داود

وَعَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

روایت است از سلیمان ابن عامر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَهِيَ

الله علیه وسلم تصدق کردن بر مسکین ثواب یک صدقه دارد و صدقه

عَلَى ذِي الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

بر کسیکه قرابت ولادت و رحم دارد ثواب دو صدقه دارد یکی صدقه دوم صله رحم رواه احمد و الترمذی

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

والنسائی و ابن ماجه و الدارمی روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آیا خبر نکنم شما را

بِخَيْرِ النَّاسِ رَجُلٌ مُمْسِكٌ بِعِنَانِ فَرَسِهِ فِي سَبِيلِ اللهِ

به بهترین مردمان مردیست که نگاه دارنده است عنان اسپ را در راه خدا یعنی جهاد آیا خبر ندهم

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالَّذِي يَتْلُوهُ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي غُنَيْمَةٍ لَهُ

آیا خبر نکنم شما را بمردیکه تابع و تالی اوست مردیست که گوشه گیرنده است در گوسپندی چند که مر او راست

يُؤَدِّي حَقَّ اللهِ فِيهَا أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ رَجُلٌ

که ادا میکند حق خدا را در آن گوسپندان آیا خبر نکنم شما را به بدترین مردم مردیست که

يُسْأَلُ بِاللهِ وَلَا يُعْطِي بِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

سوال کرده می شود بنام خدا و نمی دهد بدان رواه الترمذی والنسائی

والدارمي وعن ام بجيد قالت قال رسول الله صلى

والدارمی وروایت است از ام بجید گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم ردوا السائل ولو بظلف محرق رواه

الله علیه وسلم باز گردانید سائل را اگرچه باشد سم سوخته رواه

مالك والنسائي وروى الترمذي وابوداود معناه

مالک و النسائی وروایت کرد ترمذی و ابوداود معنی این حدیث را

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم من استعاذ بالله فاعيذوه ومن سئل بالله

وسلم کسیکه پناه طلبد بنام خدا پس پناه دهید اورا و کسیکه سوال کند بنام خدا

فاعطوه ومن دعاكم فاجيبوه ومن صنع اليكم

پس بدهید اورا و کسیکه دعوت کند شمارا پس اجابت کنید اورا و کسیکه بکند بسوے شما

معروفا فكافئوه فان لم تجدوا ما تكافئونه فادعوا

نیکوئی پس پاداش کنید اورا پس اگر نیابید چیزے که پاداش کنید اورا پس دعا کنید

له حتى تروا انكم قد كافأتموه رواه احمد وابوداود

برای او تا آنکه بدانید و گمان برید که مکافات کردید اورا رواه احمد و ابوداود

والنسائي وعن انس رض قال قال رسول الله صلى

والنسائی وروایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی

الله عليه وسلم افضل الصدقة ان تشبع كبدا

الله علیه وسلم فاضل ترین صدقه آنست که سیر گردانی جگر را

جائعا رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عائشة

گرسنه را مومن باشد یا کافر رواه بیهقی در شعب الایمان روایت است از عایشه رض

قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَنْفَقَتِ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم چون انفاق کند و تصدق نماید

الْمَرْأَةُ مِنْ طَعَامِ بَيْتِهَا غَيْرَ مُفْسِدَةٍ كَانَ لَهَا أَجْرُهَا بِمَا

زنے از طعام خانۂ خود در حالیکہ اسراف نمایندہ است باشد مر آن زن را ثواب آن بسبب

أَنْفَقَتْ وَلِزَوْجِهَا أَجْرُهُ بِمَا كَسَبَ وَلِلْخَازِنِ مِثْلُ ذٰلِكَ

انفاق کردن و باشد مر شوہر او را ثواب آن بسبب کسب کردن و باشد مر خزینہ دار را مانند آن ثواب کہ ذکر شد

لَا يَنْقُصُ بَعْضُهُمْ أَجْرَ بَعْضٍ شَيْئًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

کم نمی گرداند بعضے ازین سہ تن ثواب بعض را چیزے متفق علیہ است و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریرۃ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

إِذَا أَنْفَقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ كَسْبِ زَوْجِهَا مِنْ غَيْرِ أَمْرِهٖ

چون انفاق کند زن از مال شوہر خود بے حکم وے با علم زن بر رضا مندے زوج

فَلَهَا نِصْفُ أَجْرِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي مُوْسَى

پس باشد مر آن زن را نصف ثواب آن متفق علیہ و روایت است از ابی موسے

الْأَشْعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اَلْخَازِنُ الْمُسْلِمُ الْأَمِيْنُ الَّذِيْ يُعْطِيْ مَا أُمِرَ بِهٖ كَامِلًا

گنجینہ دار مسلمان امانت دار کسیکہ دہد آنچہ کہ امر کردہ شدہ است بدان بکمال و تمام

مُوَفَّرًا طَيِّبَةً بِهٖ نَفْسُهٗ فَيَدْفَعُهٗ إِلَى الَّذِيْ أُمِرَ لَهٗ بِهٖ

در حالیکہ خوش است بدادن نفس وے پس برساند آنرا بسوئے کسیکہ امر کردہ شدہ است مر او را بدان

أَحَدُ الْمُتَصَدِّقَيْنِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

یکے از دو تصدق کنندگان است متفق علیہ و روایت است از عائشہ رض گفت عائشہ

أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أُمِّي افْتُلِتَتْ

مردے گفت آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ مادر من مردہ است بمرگ ناگہانی

نَفْسُهَا وَأَظُنُّهَا لَوْ تَكَلَّمَتْ تَصَدَّقَتْ فَهَلْ لَهَا أَجْرٌ إِنْ

و گمان میبرم او را کہ اگر سخن میکرد و ہشیار میبود تصدق میکرد بچیزے پس آیا ہست مر او را ثواب اگر

تَصَدَّقْتُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

تصدق کنم از جانب وے فرمود آنحضرت آرے برسد ثواب متفق علیہ و روایت است از ابی امامہ رض

قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ

گفت شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت در خطبہ خود

عَامَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ لَا تُنْفِقُ امْرَأَةٌ شَيْئًا مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا

در سال حجۃ الوداع انفاق نکند ہیچ زنے ہیچ چیز را از خانہ شوہر خود

إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مگر بحکم شوہر خود گفتہ شد یا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

وَلَا الطَّعَامَ قَالَ ذٰلِكَ أَفْضَلُ أَمْوَالِنَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و طعام را نیز انفاق نکند فرمود آن بہترین مالہائے ما است رواہ الترمذی

كِتَابُ صِيَامِ رَمَضَانَ وَقِيَامِ لَيَالِيهِ

کتاب روزہ رمضان و قیام شبہای آن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى

اے کسانیکہ ایمان آوردند لازم کردہ شد بر شما روزہ داشتن چنانکہ لازم کردہ شدہ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ

کسانیکہ پیش از شما بودند تا باشید کہ پرہیزگاری کنید روزہ داشتن در روزے چند شمردہ شدہ

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ

پس کسیکہ باشد از شما بیمار یا مسافر پس لازم است بروے شمار آن روز از روزہائے

آخر وعلى الذين يطيقونه فدية طعام مسكين

دیگر و لازم است بر آنانکه می توانند روزه داشتن فدیه از خوراک یک درویش

فمن تطوع خيرا فهو خير له وان تصوموا خير لكم

پس هر که بجا آرد نیکی را این بهتر است او را و آنکه روزه دارید بهتر است شما را

ان كنتم تعلمون شهر رمضان الذي انزل فيه

اگر میدانید ماه رمضان آنست که نازل شد در او

القرآن هدى للناس وبينت من الهدى والفرقان

قرآن هدایت برای مردمان و نشانهای روشن از هدایت و از جدا کردن حق و باطل

فمن شهد منكم الشهر فليصمه ومن كان مريضا او

پس هر که دریابد از شما آن ماه را پس باید که روزه دارد آنرا و هر که بیمار باشد یا

على سفر فعدة من ايام اخر يريد الله بكم اليسر

مسافر پس لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر میخواهد خدا بشما آسانی

ولا يريد بكم العسر ولتكملوا العدة ولتكبروا

و نمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار را و بزرگی یاد کنید

الله على ما هداكم ولعلكم تشكرون

خدا را بشکرانه آنچه راه نمود شما را و تا باشد که شما شکر گزار شوید

عن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم اذا دخل رمضان فتحت ابواب السماء وفي رواية

وسلم چون در آید رمضان کشاده می شود درهای آسمان و در روایتے

فتحت ابواب الجنة وغلقت ابواب جهنم وسلسلت

کشاده می شود درهای بهشت و بسته می شود درهای دوزخ و زنجیر در پا کرده می شوند

الشياطين وفي رواية أبواب الرحمة متفق عليه

شیاطین و در روایتی دیگر گشاده می شود درهای رحمت متفق علیه

وعن سهل بن سعد رض قال قال رسول الله صلى الله

در روایت است از سهل بن سعد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم في الجنة ثمانية أبواب منها باب يسمى

علیه وسلم که در بهشت هشت در است از جمله درها دریست که نامیده می شود آنرا

الريان لا يدخله إلا الصائمون متفق عليه وعن

ریان در نمی آید آنرا مگر روزه داران متفق علیه است در روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من صام رمضان إيمانا واحتسابا غفر له ما تقدم

کسیکه روزه دارد رمضان را از جهت ایمان بخدا و چشم داشت اجر امرزیده شود مر او را آنچه پیش گذشته است

من ذنبه ومن قام رمضان إيمانا واحتسابا غفر له

از گناه وی و کسیکه قیام کند رمضان را بنماز گذارد در شبها وی از جهت ایمان و چشم داشت آمرزیده می شود مر او را

ما تقدم من ذنبه ومن قام ليلة القدر إيمانا واحتسابا

آنچه پیش رفته است از گناه وی و کسیکه قیام کند در شب قدر بجهت ایمان و احتساب

غفر له ما تقدم من ذنبه متفق عليه وعنه قال

آمرزیده شود او را گناه گذشته متفق علیه از وی مرویست گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كل عمل ابن آدم

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم همه عمل نیک آدمی زاد

يضاعف الحسنة بعشر أمثالها إلى سبع مائة ضعف

زیاده کرده می شود یک نیکی بده چند و تا هفت صد مانند

قَالَ اللهُ تَعَالَى إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ يَدَعُ

گفت خدا تعالی مگر روزه زیرا که آن برای من است و من جزا میدهم با آن هر چیزی را هم ترک میدهد بنده

شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ

خواهش نفس و طعام خود را از برای من مر روزه دار را دو فرحت است یک فرحت

عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ وَلَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ

نزد کشادن روزه و فرحت دیگر نزد لقای پروردگار خود در آخرت و هر آئینه بوی دهن روزه دار

أَطْيَبُ عِنْدَ اللهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَالصِّيَامُ جُنَّةٌ فَإِذَا كَانَ

خوشتر است نزد خدا از بوی مشک و روزه سپر است پس چون باشد

يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ

روز روزهٔ یکی از شما پس باید که تکلم نکند بکلام قبیح و فحش و خصومت نکند اگر دشنام دهد روزه دار را کسی

أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

یا خصومت کند او را پس باید که بگوید بدرستیکه من مرد روزه دارم متفق علیه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ

چون پیدا شد نخستین شب از ماه رمضان بند کرده می شوند شیاطین

وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ فَلَمْ يُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ

و سرکشان از جن و بسته می شود درهای دوزخ پس کشاده نمی شود از ان درها هیچ دری

وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَلَمْ يُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَيُنَادِي

و کشاده می شوند درهای بهشت پس بند کرده نمی شود از ان درها هیچ دری و ندا میکند

مُنَادٍ يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ وَلِلّٰهِ عُتَقَاءُ

آواز دهنده ای طلب کننده نیکی پیش آ و ای طالب بدی باز ایست و خدای را آزاد کردگان

مِنَ النَّارِ وَذٰلِكَ كُلَّ لَيْلَةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از دوزخ و آن آزاد کی در همه شب است رواه ترمذی وابن ماجه

وَاَحْمَدُ عَنْ رَجُلٍ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و احمد از شخصی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

اَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ

آمد شما را رمضان ماهیست با برکت واجب شده فرض گردانیده است خدا بر شما روزه آنرا

تُفْتَحُ فِيْهِ اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُغْلَقُ فِيْهِ اَبْوَابُ الْجَحِيْمِ وَتُغَلُّ

کشاده می شود درو درهای آسمان و بسته می شود درو درهای دوزخ و غل کرده می شوند

فِيْهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِيْنِ لِلّٰهِ فِيْهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِّنْ اَلْفِ شَهْرٍ

درو گروه شیاطین مر خدا است را در رمضان شبی بهتر است از هزار ماه

مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ

آنکه حرام گردانیده شد نیکی و ثواب آنرا پس بتحقیق حرام گردانیده شد از خیر کثیر رواه احمد والنسائی

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عبد الله بن عمر رض بدرستیکه پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ الصِّيَامُ وَالْقُرْاٰنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَقُوْلُ الصِّيَامُ

وسلم گفت که روزه و قرآن شفاعت میکنند مر بنده را میگوید روزه

اَيْ رَبِّ اِنِّيْ مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ فَشَفِّعْنِيْ

ای پروردگار من بدرستیکه من باز داشتم او را از خوردن و شهوات دیگر بروز پس قبول کن شفاعت را

فِيْهِ وَيَقُوْلُ الْقُرْاٰنُ مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ فَشَفِّعْنِيْ فِيْهِ

درحق وی و میگوید قرآن منع کردم او را از خواب بشب پس قبول کن شفاعت مرا درحق

فَيُشَفَّعَانِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ اَنَسِ بْنِ

پس قبول کرده میشود هر دو روایت کرد این حدیث را بیهقی در شعب الایمان و روایت است از انس بن

مالك قال دخل رمضان فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان

مالک رض گفت انس درآمد رمضان پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه

هذا الشهر قد حضركم وفيه ليلة خير من الف شهر من حرمها

این ماه بتحقیق حاضر شد شما را و در وی شبی است بهتر از هزار ماه کسیکه محروم گردانیده شد از آن

فقد حرم الخير كله ولا يحرم خيرها الا كل محروم رواه ابن ماجة

پس بتحقیق محروم گردانیده شد از خیر همه و محروم گردانیده نمیشود از خیر این شب مگر کسیکه محروم است از سعادت روایت کرد این را ابن ماجه

وعن سلمان الفارسي رض قال خطبنا رسول الله

و روایت است از سلمان فارسی رض گفت سلمان خطبه خواند ما را آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في آخر يوم من شعبان فقال

صلی الله علیه وسلم در پسین روز از ماه شعبان پس فرمود

أيها الناس قد أظلكم شهر عظيم شهر مبارك

ای مردمان بتحقیق سایه انداخت شما را ماهی بزرگ ماهیست که برکت کرده شده است

شهر فيه ليلة خير من الف شهر جعل الله صيامه

ماهیست که در وی یک شبی است بهتر از هزار ماه گردانیده است خدای تعالی روزه آن ماه را

فريضة وقيام ليله تطوعا من تقرب فيه بخصلة

فرض و گردانیده است نماز کردن در شب وی نفل و سنت کسیکه نزدیکی جوید بدرگاه حق در وی بخوئی و عملی

من الخير كان كمن ادى فريضة فيما سواه ومن ادى

از نیکی باشد همچو کسیکه بگذارد فرض را در ماهی که جز رمضانست و کسیکه ادا کند

فريضة فيه كان كمن ادى سبعين فريضة فيما سواه

فریضه در وی باشد همچو کسیکه بگذارد هفتاد فرض را در ماهی که غیر رمضان است

وهو شهر الصبر والصبر ثوابه الجنة وشهر المواساة

و آن ماهیست که در وی صبر است از شهوات نفس و صبر کردن ثواب او بهشت است و آن ماهیست که در وی

وشهر يزاد فيه رزق المؤمن من فطر فيه صائما كان

و ماهیست که زیاده کرده می شود در رزق مومن کسیکه روزه کشایاند روزه دار را باشد

له مغفرة لذنوبه وعتق رقبته من النار وكان له

مر او را سبب آمرزیدن مر گناهان او را و سبب آزادگی ذات وی از آتش و باشد مر او را

مثل اجره من غير ان ينتقص من اجره شيء قلنا

مانند مزد او بی آنکه کم شود از مزد وی چیزی گفتیم ما

يا رسول الله ليس كلنا نجد ما نفطر به الصائم فقال

ای پیغامبر خدا نیست همه باین صفت که بیابیم چیزی را که روزه کشایانیم بآن پس فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم يعطي الله هذا الثواب

آنحضرت صلی الله علیه وسلم میدهد خدا تعالی این ثواب

من فطر صائما على مذقة لبن او تمرة او شربة من

کسیرا که روزه کشایاند روزه دار را بدمی از شیر آمیخته بآب یا بیک خرما یا از آب

ماء ومن اشبع صائما سقاه الله من حوضي شربة

و کسیکه سیر گرداند روزه دار را بنوشاند او را خدا تعالی از حوض من که کو شربت نوشیدنی

لا يظمأ حتى يدخل الجنة وهو شهر اوله رحمة

که تشنه نگردد بعد از وی هرگز تا آنکه در آید بهشت را و آن ماه است که اول وی سبب افاضت رحمت است

واوسطه مغفرة وآخره عتق من النار ومن خفف

و میان وی سبب مغفرت و آخر وی سبب آزادیست از آتش دوزخ و کسیکه تخفیف کند

عن مملوكه فيه غفر الله له واعتقه من النار وعن

از کار بنده و غلام خود که روزه دارند بیامرزد خدا تعالی مر او را و آزاد گرداند او را از دوزخ و روایت است از

ابن عباس رض قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عباس رض بدرستیکه بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ أَطْلَقَ كُلَّ أَسِيرٍ وَأَعْطَى كُلَّ سَائِلٍ

چون می درآمد ماه رمضان رها میکرد هر قیدی را و میداد هر خواهنده را

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

در روایت است از ابن عمر رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

إِنَّ الْجَنَّةَ تُزَخْرَفُ لِرَمَضَانَ مِنْ رَأْسِ الْحَوْلِ إِلَى حَوْلٍ

که بهشت آراسته می شود برای رمضان از سر سال تا سال

قَابِلٍ قَالَ فَإِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ رَمَضَانَ هَبَّتْ رِيحٌ

آینده گفت پس چون میباشد نخست روزی از رمضان می وزد بادی

تَحْتَ الْعَرْشِ مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ عَلَى الْحُورِ الْعِينِ فَيَقُلْنَ

زیر عرش از برگهای بهشت بر حوران بهشت پس میگویند آن حوران بهشت

يَا رَبِّ اجْعَلْ لَنَا مِنْ عِبَادِكَ أَزْوَاجًا تَقَرُّ بِهِمْ أَعْيُنُنَا

ای پروردگار ما گردان ما را از بندگان خود شوهران که خنک گردد و قرار گیرد بایشان چشمهای ما

وَتَقَرُّ أَعْيُنُهُمْ بِنَا رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْأَحَادِيثَ الثَّلٰثَةَ

و خنک گردد و قرار گیرد چشمهای ایشان بما روایت کرد بیهقی این احادیث هر سه را

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ

در شعب ایمان و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ يُغْفَرُ لِأُمَّتِي فِي آخِرِ

صلی الله علیه وسلم گفت آمرزیده می شود مرا امتان در آخر

لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللهِ أَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

شبی از رمضان گفته شد یا رسول الله ایا آن شب قدر است

قَالَ لَا وَلٰكِنَّ الْعَامِلَ إِنَّمَا يُوَفّٰى أَجْرَهُ إِذَا قَضَى عَمَلَهُ

گفت آنحضرت نیست و لکن کار کننده داده نمی شود مزد او مگر وقتیکه تمام کند عمل خود را و آن در آخر شب میباشد

رواه احمد ❊ وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

رواه احمد   و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم من لم يدع قول الزور والعمل به

صلی الله علیه وسلم روزه دار که ترک نه کند سخن دروغ و باطل را و عمل کردن را بزور ...

فليس لله حاجة في ان يدع طعامه وشرابه رواه البخاري

پس نیست مر خدا را احتیاجی در آنکه ترک کند وی خوردنی و نوشیدنی خود را روایت کرد این حدیث را بخاری

وعنه رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وی است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من افطر يوما من رمضان من غير رخصة ولا مرض

کسیکه افطار کند یک روز از رمضان بی رخصت شرعی چنانکه سفر و پیری و بی مرض

لم يقض عنه صوم الدهر كله وان صامه رواه احمد

قضا نکند از وی روزه تمام عمر اگرچه روزه دارد تمام عمر رواه احمد

والترمذي وابوداود وابن ماجة والدارمي والبخاري

و الترمذی و ابوداود و ابن ماجه و الدارمی و روایت کرد بخاری

في ترجمة باب وعنه رض قال قال رسول الله صلى

در ترجمه باب یعنی بغیر تحدیث نیاورده و هم از وی است گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم كم من صائم ليس له من صيامه

الله علیه وسلم بسا روزه دار که نیست او را حاصل از روزه خود

الا الظمأ وكم من قائم ليس له من قيامه

مگر تشنگی و بسا شب خیز و نماز گذار که نیست مر او را حاصل از قیام خود

الا السهر رواه الدارمي

مگر بیداری   رواه   دارمی

[illegible]

بَابُ السُّحُوْرِ وَالْاِفْطَارِ

باب دربیان سحر و افطار

عَنْ اَنَسٍ رضؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از انس رضؓ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ و سلم

تَسَحَّرُوْا فَاِنَّ فِى السُّحُوْرِ بَرَكَةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

طعام سحر بخورید زیرا کہ در طعام سحر برکت است متفق علیہ و روایت است از

عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عمرو بن العاص رضؓ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَصْلُ مَا بَيْنَ صِيَامِنَا وَصِيَامِ اَهْلِ الْكِتٰبِ اَكْلَةُ

وسلم فرق میان روزہ ما و روزہ اہل کتاب خوردن

السَّحَرِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ سَهْلٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

سحر است رواہ مسلم و روایت است از سہل گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا

صلی اللہ علیہ وسلم ہمیشہ اند مردم ملابس بخیر مادام کہ شتابی کنند در

الْفِطْرَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِىْ هُرَيْرَةَ رضؓ قَالَ قَالَ

کشادن روزہ متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رضؓ گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اَحَبُّ

پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفت خدا تعالی دوست تر

عِبَادِىْ اِلَىَّ اَعْجَلُهُمْ فِطْرًا رَوَاهُ التِّرْمِذِىُّ وَعَنْ

بندگان من بسوی من شتاب کنندہ ترین ایشانست در روزہ کشادن رواہ الترمذی و روایت است از

سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ رضؓ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سلمان بن عامر رضؓ گفت سلمان فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُفْطِرْ عَلَى تَمْرٍ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ

چون افطار کند یکی از شما پس باید که افطار کند بر خرما پس بدرستیکه افطار بخرما سبب برکت است پس اگر نیابد

فَلْيُفْطِرْ عَلَى مَاءٍ فَإِنَّهُ طَهُورٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

پس باید که افطار کند بر آب پس بدرستیکه آب پاک کننده است معده را رواه احمد والترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَلَمْ يَذْكُرْ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ

وابوداؤد وابن ماجه والدارمی و ذکر نه کرده است لفظ فانه برکة را

غَيْرُ التِّرْمِذِيِّ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى

جز ترمذی و روایت است از انس رض گفت انس بود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُفْطِرُ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى رُطَبَاتٍ فَإِنْ

الله علیه وسلم که افطار میکرد پیش از انکه نماز بگذارد بر چند خرماے تر پس اگر

لَمْ تَكُنْ رُطَبَاتٌ فَتُمَيْرَاتٌ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تُمَيْرَاتٌ حَسَا

نمیبود خرماے تر پس افطار میکرد بچند خرماے خشک پس اگر نمی بود خرما های خشک می نوشید

حَسَوَاتٍ مِنْ مَاءٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ زَيْدِ

چند کف آب را رواه ترمذی وابوداؤد و روایت است از زید

بْنِ خَالِدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن خالد رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا أَوْ جَهَّزَ غَازِيًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ

کسیکه روزه بکشا یاند روزه دار را یا سامان کند غزا کننده را پس او راست مانند اجر او رواه البیهقی

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمُحْيِي السُّنَّةِ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

در شعب ایمان و محی السنه در کتاب شرح سنه و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لا یزال الدین ظاهرا ما عجل الناس الفطر لان الیهود

همیشه است دین غالب تا دام که شتابی کنند مردم افطار را زیرا که یهود

والنصاری یؤخرون رواه ابو داود وابن ماجة

و نصاری تاخیر می کنند در افطار رواه ابو داود و ابن ماجه

وعن ابی عطیة قال دخلت انا ومسروق علی

و روایت است از ابی عطیه گفت که داخل شدم من و مسروق بر

عائشة فقلنا یا ام المؤمنین رجلان من اصحاب

عایشه رض پس گفتیم ای ام المؤمنین دو مرد اند از یاران

محمد صلی الله علیه وسلم احدهما یعجل الافطار ویعجل

محمد صلی الله علیه وسلم یکی از آن دو مرد شتابی میکند در روزه کشادن و شتابی میکند

الصلوة والاخر یؤخر الافطار ویؤخر الصلوة قالت

نماز را و دیگر از آن دو تاخیر میکند روزه کشادن را و تاخیر میکند نماز گذاردن را گفت عائشه رض

ایهما یعجل الافطار ویعجل الصلوة قلنا عبد الله بن

کدام از آن تعجیل میکند افطار را و تعجیل میکند نماز گذاردن را گفتیم عبد الله بن

مسعود رض قالت هکذا صنع رسول الله صلی الله علیه

مسعود رض گفت عائشه رض همچنین کرده است پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم والاخر ابو موسی رواه مسلم وعن ابی هریرة

وسلم و گفتیم و آن مرد دیگر که تاخیر میکند ابو موسی اشعری است رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم نعم سحور

گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیکو طعام سحر

المؤمن التمر رواه ابو داود

مسلمان خرما است رواه ابو داود

و دین کامل و آشکارا و غلبه آن در مخالفت اعدا است

باب صيام التطوع

باب در بیان روزهٔ نفل

عن ابی ہریرۃ رضـ قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ

روایت است از ابی ہریرہ رضـ گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ

وسلم افضل الصیام بعد رمضان شہر اللہ المحرم

وسلم فاضلترین روزہا بعد از روزہ رمضان روزہ ماہ خدا است کہ محرم است

وافضل الصلوٰۃ بعد الفریضۃ صلوٰۃ اللیل رواہ مسلم

وفاضلترین نمازہا بعد نماز فرض نماز شب کہ تہجد است رواہ مسلم

وعن ابی قتادۃ رضـ ان رجلا اتی النبی صلی اللہ

روایت است از ابی قتادہ رضـ کہ مردے آمد آں حضرت را صلی اللہ

علیہ وسلم فقال کیف تصوم فغضب رسول اللہ صلی

علیہ وسلم پس گفت آمرد چگونہ روزہ میداری پس درخشم آمد آنحضرت صلی

اللہ علیہ وسلم من قولہ فلما رای عمر غضبہ قال

اللہ علیہ وسلم از گفتن آمرد پس چوں دید عمر خشم آنحضرت را گفت

رضینا باللہ ربا وبالاسلام دینا وبمحمد نبیا

راضی شدیم بخدا کہ پروردگار ما است وراضی شدیم باسلام کہ دین ما است وراضی شدیم بمحمد بپیغامبر

نعوذ باللہ من غضب اللہ ومن غضب رسولہ فجعل

پناہ میخواہیم بخدا از غضب خدا واز غضب رسول وے پس در ایستاد

عمر رضـ یردد ہذا الکلام حتی سکن غضبہ فقال

عمر رضـ کہ تکرار میکرد این کلام را تا آنکہ آرام یافت غضب آنحضرت پس گفت

عمر یا رسول اللہ کیف من یصوم الدہر کلہ قال لاصام

عمر یا رسول اللہ چگونہ است حال آں کسے کہ روزہ دارد در ہمہ روزگار ہمیشہ گفت آنحضرت نہ روزہ

وَلَا أَفْطَرَ أَوْ قَالَ لَمْ يَصُمْ وَلَمْ يُفْطِرْ قَالَ كَيْفَ مَنْ يَصُومُ

ونه افطار کرد او یا گفت لم یصم و لم یفطر شک از راویست گفت عمر چگونه است حال کسیکه روزه دارد

يَوْمَيْنِ وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ وَيُطِيقُ ذٰلِكَ أَحَدٌ قَالَ كَيْفَ

دو روز و افطار کند یکروز فرمود آنحضرت آیا طاقت دارد آنرا هیچ کسے گفت عمر چگونه است

مَنْ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا قَالَ ذٰلِكَ صَوْمُ دَاوُدَ قَالَ

حال کسیکه روزه یکروز دارد و افطار کند یکروز را گفت آنحضرت این روزهٔ داود پیغمبر است گفت عمر

كَيْفَ مَنْ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمَيْنِ قَالَ وَدِدْتُ أَنِّي

چگونه است حال کسیکه روزه دارد یکروز و افطار کند دو روز فرمود آنحضرت که دوست میدارم که من

طُوِّقْتُ ذٰلِكَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

طاقت داده شوم آنرا پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ثَلٰثٌ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ فَهٰذَا صِيَامُ

بس است یا اولی است سه روزه از هر ماه و رمضان تا رمضان بر آنها داوم پس اینست روزهٔ تمام

الدَّهْرِ كُلِّهِ صِيَامُ يَوْمِ عَرَفَةَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُكَفِّرَ

روزگار روزه روز عرفه در مزد و ثواب چشم دارم معتمد بر فضل خدا که تکفیر کند

السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ وَالسَّنَةَ الَّتِي بَعْدَهُ وَصِيَامُ يَوْمِ

سالے را که پیش از وست و تکفیر کند سالے را که بعد از وست و روزه روز

عَاشُورَاءَ أَحْتَسِبُ عَلَى اللّٰهِ أَنْ يُكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ

عاشورا چشم دارم از خدا تعالی که تکفیر کند گناهان سالے را که پیش از وست

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایه مسلم و هم از ابی قتاده گفت پرسیده شد پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ صَوْمِ الْاِثْنَيْنِ فَقَالَ فِيهِ وُلِدْتُ وَفِيهِ

علیه وسلم از سبب روزهٔ دوشنبه پس فرمود آنحضرت در آن روز زائیده شده ام و در آن روز

أُنْزِلَ عَلَيَّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ

نخست فرستاده شده وحی بر من رواه مسلم و روایت است از ابی ایوب انصاری رض

أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

که وے حدیث کرد این حدیث را که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ

کسیکه روزه دارد رمضان را پس تابع گرداند آنرا شش روزه از شوال باشد

كَصِيَامِ الدَّهْرِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ

همچو روزه روزگار همیشه رواه مسلم و روایت است از ابی سعید

الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدری رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللهِ بَعَّدَ اللهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ

کسیکه روزه دارد یکروز در راه خدا یعنی در جهاد دور دارد خدایتعالی ذات او را از آتش دوزخ

سَبْعِينَ خَرِيفًا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ

هفتاد سال مراد از خریف سال است عرب ابتدا سال بخریف کنند متفق علیه و از عائشه رض مرویست گفت

كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَصُومُ الْاِثْنَيْنِ

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که روزه میداشت در بعضے احیان بروز دوشنبه

وَالْخَمِيسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

و پنجشنبه رواه ترمذی و النسائی و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تُعْرَضُ

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم عرض کرده میشوند در درگاه عزت

الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَأُحِبُّ أَنْ يُعْرَضَ عَمَلِي

اعمال بندگان روز دوشنبه و پنجشنبه پس دوست میدارم که عرض کرده شود عمل من

وانا صائم رواه الترمذي وعن ابي ذر رض قال

درحالیکه من روزه دارم روایه ترمذی و روایت است از ابی ذر رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يا اباذر اذا

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم ای ابوذر چون

صمت من الشهر ثلثة ايام فصم ثلث عشرة واربع عشرة

روزه داری از ماه سه روز پس روزه دار سیزدهم و چهاردهم

وخمس عشرة رواه الترمذي والنسائي وعن ابي امامة

و پانزدهم را روایت کرد ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من صام يوما

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه روزه دارد یک روز

في سبيل الله جعل الله بينه وبين النار خندقا كما بين

در راه خدا میگرداند خدا میان وی و میان آتش خندق بقدر مسافتی که میان

السماء والارض رواه الترمذي وعن عامر بن

آسمان و زمین است روایه ترمذی و روایت است از عامر بن

مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

مسعود رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الغنيمة الباردة الصوم في الشتاء رواه احمد

غنیمت بارده روزه داشتن است در زمستان کنایت است از حصول ثواب بی مشقت روایه احمد

والترمذي وعن ابن عباس رض ان رسول الله صلى

و ترمذی و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قدم المدينة فوجد اليهود صياما

الله علیه وسلم قدوم آورد مدینه را پس یافت یهود را روزه دارنده

يوم عاشوراء فقال لهم رسول الله صلى الله عليه

روز عاشورا پس گفت مر ایشان را پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم ما هذا اليوم الذي تصومونه فقالوا هذا

وسلم چیست این روز که روزه میدارید شما در آن پس گفتند یهود این

يوم عظيم أنجى الله فيه موسى وقومه وغرق فرعون

روز بزرگ است رستگاری داده است خدا در وی موسی را و قوم او را و غرق کرده است فرعون را

وقومه فصامه موسى شكرا فنحن نصومه فقال

و قوم او را پس روزه داشت موسی در وی از جهت شکرانه پس ما روزه میداریم برای متابعت وی پس گفت

رسول الله صلى الله عليه وسلم فنحن أحق وأولى بموسى

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس ما سزاوار تریم بموسی

منكم فصامه رسول الله وأمر بصيامه متفق عليه

از شما پس اینتر روزه میداریم پس روزه داشت درین روز آنحضرت و امر کرد بروزه داشتن این روز

وعن حفصة رض قالت أربع لم يكن يدعهن

و روایت است از حفصه رض گفت چهار خصلت اند که نبود که ترک کند

النبي صلى الله عليه وسلم صيام يوم عاشوراء والعشر

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم روزهٔ روز عاشورا و روزه دهم ذوالحجه

وثلثة أيام من كل شهر وركعتان قبل الفجر رواه

و روزه سه روز از هر ماه و دو رکعت سنت قبل از نماز بامداد روایت

النسائي وعن ابن عباس رض قال كان رسول الله

نسائی و روایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس که بود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لا يفطر أيام البيض في حضر

صلی الله علیه وسلم که افطار نمیکرد روزهای ایام بیض را در حضر

وَلَا سَفَرٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

ونه در سفر رواه النسائی وروایت است از ابی هریرة رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكٰوةٌ

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم مر هر چیزرا از نعمتهاے الٰہی زکوة است

وَزَكٰوةُ الْجَسَدِ الصَّوْمُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ أَنَّ

وزکوة بدن و صحت وے روزه است رواه ابن ماجه وهم ازوے مرویست که

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَصُومُ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که روزه میداشت روز دوشنبه را

وَالْخَمِيسِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنَّكَ تَصُومُ الْاِثْنَيْنِ

وپنجشنبه را پس گفته شد اے رسول الله بدرستیکه روزه میداری دوشنبه را

وَالْخَمِيسَ فَقَالَ إِنَّ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ يَغْفِرُ

وپنجشنبه را پس فرمود بدرستیکه روزهٔ دوشنبه وپنجشنبه می آمرزد

اللّٰهُ فِيهِمَا لِكُلِّ مُسْلِمٍ إِلَّا ذَا هَاجِرَيْنِ يَقُولُ دَعْهُمَا

خدایتعالی درآن مر هر مسلمان را مگر دو قطع کننده رحم را میگوید خدا که بگذر ایشان را

حَتّٰى يَصْطَلِحَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْهُ قَالَ

تا اتفاق کنند وصلح نمایند رواه احمد و ابن ماجه وهم ازوے مرویست که گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَامَ يَوْمًا

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه روزه دارد روزے

ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللّٰهِ بَعَّدَهُ اللّٰهُ مِنْ جَهَنَّمَ كَبُعْدِ غُرَابٍ

بجهت طلب کردن ذات خدا ورضاے او دور میگرداند او را خدا از دوزخ مانند دوری زاغ

طَائِرٍ وَهُوَ فَرْخٌ حَتّٰى مَاتَ هَرِمًا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَرَوٰى

پرنده در حالیکه آن زاغ چوزه است تا آنکه میرد در غایت پیری رواه احمد وروایت کرد

البيهقي في شعب الايمان عن سلمة بن قيس وعن

بيهقي در شعب ايمان از سلمه بن قيس و روايت است از

بريدة قال دخل بلال على رسول الله صلى الله عليه

بريده رض گفت در آمد بلال بر پيغامبر خدا صلى الله عليه

وسلم وهو يتغدى فقال رسول الله صلى الله عليه

وسلم وآنحضرت طعام چاشت ميخورد پس فرمود آنحضرت صلى الله عليه

وسلم الغداء يا بلال قال اني صائم يا رسول الله فقال

وسلم حاضر شوى اے بلال طعام را گفت بلال روزه دارم يا رسول الله پس گفت

رسول الله صلى الله عليه وسلم نأكل رزقنا وفضل

آنحضرت صلى الله عليه وسلم ميخوريم ما رزق خود را و زيادت

رزق بلال في الجنة أشعرت يا بلال ان الصائم

رزق بلال در بهشت است آيا شعور داري وميداني اے بلال كه روزه دار

يسبح عظامه ويستغفر له الملائكة ما أكل عنده

تسبيح ميكنند استخوانهاے وے وآمرزش ميخواهند مر او را فرشتگان مادام كه خورده شود نزد وے

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عامر بن سهل

رواه بيهقي در شعب ايمان و روايت است از عامر بن سهل

الحرمي سمعت رجلا يحدث انه سمع انس ابن

الحرمي كه شنيدم مردے را كه حديث ميكرد كه وے شنيد انس بن

مالك يقول في الجنة قصر لا يدخله الا صوام

مالك را كه ميگفت كه در بهشت محل و مكانے است كه داخل نميشود آنرا مگر كسيكه روزه دار

رجب رواه ابن شاهين في الترغيب

در ماه رجب روايت كرد ابن شاهين در ترغيب

باب فضيلة ليلة القدر

باب در بیان فضیلت شب قدر

حمٓ ○ والكتاب المبين ○ انا انزلناه في ليلة مباركة انا

قسم بکتاب واضح که هر آئینه فرود آوردیم این کتاب را در شب مبارک هر آئینه

كنا منذرين ○ فيها يفرق كل امر حكيم ○ امرا من

ما بودیم ترساننده درآن شب مبارک فیصل کرده می شود هر کار استوار فرود آوردیم آنرا بوحی کرده از

عندنا انا كنا مرسلين ○ رحمة من ربك انه هو

نزدیک خویش هر آئینه ما بودیم فرستنده فرود آوردیم آنرا بسبب رحمت از نزد پروردگار تو هر آئینه او است

السميع العليم ○ والفجر ○ وليال عشر ○ والشفع والوتر ○

شنوا دانا قسم بصبح و بشبهای ده گانه و قسم بجفت و طاق

والليل اذا يسر ○ هل في ذلك قسم لذي حجر ○ انا انزلناه

و قسم بشب چون روان شود آیا درین مقدمه سوگند معتبر است صاحب خرد را هر آئینه ما فرود آوردیم

في ليلة القدر ○ وما ادراك ما ليلة القدر ○ ليلة القدر

قرآن را در شب قدر و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر شب قدر

خير من الف شهر ○ تنزل الملائكة والروح فيها باذن

بهتر است از هزار ماه فرود می آیند فرشتگان و روح پاک درآن شب بفرمان

ربهم من كل امر ○ سلام هي حتى مطلع الفجر ○

پروردگار خویش برای سرانجام هر کاری محض سلامتی است آن شب تا وقت طلوع فجر

عن انس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اذا كان ليلة القدر نزل جبرئيل عليه السلام

چون میباشد لیلة القدر فرود می آید جبرئیل علیه السلام

فِي كَبْكَبَةٍ مِّنَ الْمَلٰئِكَةِ يُصَلُّوْنَ عَلٰى كُلِّ عَبْدٍ قَائِمٍ

در جماعة از فرشتگان و دعا می کنند و درود میفرستند بر هر بنده که ایستاده است

اَوْ قَاعِدٍ يَذْكُرُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاِذَا كَانَ يَوْمُ عِيْدِهِمْ

یا نشسته که یاد میکند مر خدای را عز وجل پس چون باشد روز عید مسلمانان

يَعْنِيْ يَوْمَ فِطْرِهِمْ بَاهٰى بِهِمْ مَلٰئِكَتَهٗ فَقَالَ يَا مَلٰئِكَتِيْ

یعنی روز افطار ایشان مفاخرت میکند وے تعالی به بندگان فرشتگان خود را پس میگوید ای فرشتگان

مَا جَزَاءُ اَجِيْرٍ وَفّٰى عَمَلَهٗ قَالُوْا رَبَّنَا جَزَاءُهٗ اَنْ يُّوَفّٰى اَجْرَهٗ

چیست پاداش مزدوری که تمام کرد عمل خود را میگویند فرشتگان پروردگارا پاداش او اینست که تمام داده شود

فَقَالَ مَلٰئِكَتِيْ عَبِيْدِيْ وَاِمَائِيْ قَضَوْا فَرِيْضَتِيْ عَلَيْهِمْ

پس میگوید پروردگار فرشتگان من غلامان من و پرستاران من گذاردند طاعت مرا که فرض گردانیدم بر ایشان

ثُمَّ خَرَجُوْا يَعُجُّوْنَ اِلَى الدُّعَاءِ وَعِزَّتِيْ وَجَلَالِيْ وَكَرَمِيْ وَ

پس بیرون آمدند درحالیکه بر میدارند آواز خود را بدعا سوگند بعلیه قدرت و بزرگی و جود

عُلُوِّيْ وَارْتِفَاعِ مَكَانِيْ لَاُجِيْبَنَّهُمْ فَيَقُوْلُ ارْجِعُوْا فَقَدْ

و بلند قدری و بلندی رتبه من هر آئینه اجابت میکنم دعای ایشان را پس میگوید خدا برگردید تحقیق

غَفَرْتُ لَكُمْ وَبَدَّلْتُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ قَالَ فَيَرْجِعُوْنَ

آمرزیدم مر شما را و تبدیل میکنم بدیهای شما را به نیکیها گفت آنحضرت میگردند بندگان

مَغْفُوْرًا لَّهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ

درحالیکه آمرزیده شده است ایشانرا رواه بیهقی در شعب ایمان در روایت است از

عُبَادَةَ ابْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

عباده بن صامت رض گفت عباده بیرون آمد آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لِيُخْبِرَنَا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحٰى رَجُلَانِ مِنَ

وسلم تا خبر دهد مارا بلیلة القدر پس نزاع نمودند و خصومت میکردند بیکدیگر دو مرد از

الْمُسْلِمِيْنَ فَقَالَ خَرَجْتُ لِأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ فَتَلَاحَى

مسلمانان پس گفت آنحضرت بیرون آمدم تا خبر دهم شما را بشب قدر که کدام شب است پس نزاع کردند

فُلَانٌ وَفُلَانٌ فَرُفِعَتْ وَعَسَى أَنْ يَكُوْنَ خَيْرًا لَكُمْ فَالْتَمِسُوْهَا

فلان و فلان پس برداشته شد آن شب از خاطر من و نزدیک است که باشد یعنی برداشتن از خاطر یقین آن بهتر

فِي التَّاسِعَةِ وَالسَّابِعَةِ وَالْخَامِسَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

در شب بست و نهم و بست و هفتم و بست و پنجم   رواه البخاری

وَعَنْ أَبِيْ بَكْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی بکره گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُوْلُ الْتَمِسُوْهَا يَعْنِيْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِيْ تِسْعٍ يَبْقَيْنَ

وسلم که میگفت که طلب بکنید آنرا یعنی شب قدر را در نه شب که باقی می مانند

أَوْ فِيْ سَبْعٍ يَبْقَيْنَ أَوْ فِيْ خَمْسٍ يَبْقَيْنَ أَوْ ثَلٰثٍ أَوْ اٰخِرِ لَيْلَةٍ

یا در هفت شب که باقی می مانند یا در پنج شب که باقی می مانند یا در سه شب که باقی میمانند یا در شب اخیر

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

رواه الترمذی   و روایت است از ابن عباس رض که پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْتَمِسُوْهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ

علیه وسلم   فرمود طلب کنید او را در ده شب اخیر   از رمضان

لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِيْ تَاسِعَةٍ تَبْقٰى فِيْ سَابِعَةٍ تَبْقٰى فِيْ خَامِسَةٍ تَبْقٰى

شب قدر را   در شب بست و نهم که باقی میماند و در شب بست و هفتم که باقی میماند و در شب بست و پنجم که باقی

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

رواه البخاری   و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوِتْرِ مِنَ الْعَشْرِ

صلی الله علیه وسلم بجوئید شب قدر را در شبهای طاق از عشره

الاواخر من رمضان رواه البخاری وعن زر
اخیر از رمضان رواه البخاری و روایت است از زر
بن حبیش قال سألت ابی بن کعب فقلت ان اخاک ابن
بن حبیش گفت سوال کردم ابی ابن کعب را پس گفتم که برادر تو ابن
مسعود یقول من یقم الحول یصب لیلة القدر فقال
مسعود میگوید کسیکه قیام لیل کند سال تمام در می یابد شب قدر را پس گفت
رحمه الله اراد ان لا یتکل الناس اما انه قد علم انها
رحمت کند ابن مسعود را خدا ایتعالی بخواست ابن مسعود که اعتماد نکنند مردم آگاه باش بدرستیکه ابن مسعود
فی رمضان وانها فی العشر الاواخر وانها لیلة سبع و
که شب قدر در رمضان است در ده اخیر است از رمضان و بدرستیکه آن بست و هفتم است
عشرین ثم حلف لا یستثنی انها لیلة سبع وعشرین
پس سوگند خورد ابی و حالیکه استثنا نمی کرد یعنی انشاء الله نمی گفت و جزم میکرد که شب قدر بست و هفتم است
فقلت بای شیء تقول ذلک یا ابا المنذر قال بالعلامة
پس گفتم ابی ابن کعب را بچه چیز و بکدام دلیل میگوئی آنرا اے ابا منذر گفت ابی بسبب علامة که خبر داده است ما را آنحضرت
او بالایة التی اخبرنا رسول الله صلی الله علیه وسلم
یا بآیت گفت شک راویست خبر داده ما را رسول خدا صلی الله علیه وسلم
انها تطلع یومئذ لا شعاع لها رواه مسلم وعن
علامت اینست که آفتاب در صبح آن شب می برآید در حالیکه نیست روشنی مرا ورا رواه مسلم و روایت است از
عائشة رض قالت قلت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم
عایشه رض گفت عایشه گفتم یا رسول الله صلی الله علیه وسلم
ارایت ان علمت ای لیلة لیلة القدر ما اقول فیها قال
خبر ده مرا اگر بدانم که کدام شب است شب قدر در یابم آنرا چه گویم از ذکر و دعا در آن شب گفت آنحضرت

قُولِي اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي

بگو این دعا را خداوندا بدرستیکه عفو کننده دوست میداری عفو را پس عفو کن از ما

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَصَحَّحَهُ

روایت کرد احمد و ابن ماجه و الترمذی و صحیح گفت ترمذی این حدیث را

بَابُ قِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

این باب در قیام ماه رمضان است و در قیام نصف از شعبان یعنی شب برات

عَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

خَرَجَ لَيْلَةً مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَصَلّٰى فِي الْمَسْجِدِ وَصَلّٰى رِجَالٌ

برآمد شبی از میان شب پس نماز گذارد در مسجد و نماز گذاردند مردمان

بِصَلٰوتِهٖ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَاجْتَمَعَ اَكْثَرُ مِنْهُمْ

همراه نماز آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس جمع شدند زیاده تر از ایشان

فَصَلَّوْا مَعَهٗ فَاَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوْا فَكَثُرَ اَهْلُ الْمَسْجِدِ

پس نماز گذاردند با آنحضرت پس صبح کردند مردمان پس یاد کردند پس بسیار شدند اهل مسجد

مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّالِثَةِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

از شب ثالث پس برآمد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَصَلّٰى فَصَلَّوْا بِصَلٰوتِهٖ فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ عَجَزَ

پس نماز گذارد آنحضرت پس نماز گذاردند بنماز آنحضرت یعنی با جماعت هرگاه که شد شب چهارم تنگ آمد

الْمَسْجِدُ عَنْ اَهْلِهٖ حَتّٰى خَرَجَ لِصَلٰوةِ الصُّبْحِ فَلَمَّا قَضَى

مسجد نبوی صلعم از کثرت اهل آن تا آنکه برآمد آنحضرت برای نماز فجر پس هرگاه که ادا کرد آنحضرت

الْفَجْرَ اَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ اَمَّا بَعْدُ فَاِنَّهٗ

نماز فجر را متوجه شد بر مردمان پس کلمه شهادت خواند بعده فرمود لیکن بعد حمد و نعت پس بدرستیکه شان اینست

لَمْ يَخْفَ عَلَىَّ مَكَانُكُمْ وَلٰكِنِّي خَشِيتُ أَنْ تُفْتَرَضَ عَلَيْكُمْ

که نه خوف کرده شد بر شان تکان و لیکن من خوف کردم که فرض شود این نماز تراویح بر شما پا جماعت

فَتَعْجِزُوا عَنْهَا فَتُوُفِّيَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس عاجز آئید شما از ادا اے آن پس وفات کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

وَالْأَمْرُ عَلَى ذٰلِكَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

وحال آنکه حال تراویح بر این بود رواه البخاری ست و در روایت است از ابی هریره رض

قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُرَغِّبُ فِي قِيَامِ

گفت که بود پیغامبر صلے اللہ علیہ وسلم که ترغیب میمود صحابہ را در گذاردن نماز شب

رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَأْمُرَهُمْ فِيهِ بِعَزِيمَةٍ فَيَقُولُ مَنْ

در رمضان بے آنکه امر کند ایشان را در قیام رمضان بجد تاکید و ایجاب پس فرمود آنحضرت کسیکه

قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ

قیام کند رمضان را بجهت ایمان و تصدیق ثواب و طلب اجر آخرت آمرزیده شود او را چیزیکه پیش رفته

الْحَدِيثَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ

تا آخر حدیث رواه مسلم و در روایت است از ابی هریره رض بدرستیکه

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَامَ رَمَضَانَ

آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه قیام کند رمضان را

إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ قَالَ ابْنُ شِهَابٍ

بجهت ایمان و طلب ثواب آخرت آمرزیده شود چیزیکه پیش رفته است از گناهان وگفت ابن شهاب

فَتُوُفِّيَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْأَمْرُ عَلَى ذٰلِكَ

پس قبض کرده شد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم وحال آنکه شان و کار قیام رمضان بر این

ثُمَّ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى ذٰلِكَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ وَصَدْرًا

باستمرار بود امر بر همین روش در زمان خلافت ابی بکر و همین بود امرش در زمان اول

مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ الْقَارِيِّ

خلافت عمر رضی الله عنه قیام رمضان عیر جماعت و روایت است از عبد الرحمن بن عبد القاری رحمه

اَنَّهُ قَالَ خَرَجْتُ مَعَ عُمَرَ ابْنِ الْخَطَّابِ لَيْلَةً فِي رَمَضَانَ

گفت که بیرون آمدم با عمر ابن الخطاب شبی از رمضان

إِلَى الْمَسْجِدِ فَإِذَا النَّاسُ أَوْزَاعٌ مُتَفَرِّقُونَ يُصَلِّي الرَّجُلُ

بسوی مسجد پس ناگاه مردم پریشان و جدا جدا شدند نماز میکردند مردی

لِنَفْسِهِ وَيُصَلِّي الرَّجُلُ فَيُصَلِّي بِصَلَاتِهِ الرَّهْطُ فَقَالَ عُمَرُ

برای خود تنها و نماز میکرد مردی پس نماز میکردند با نماز وی قومی پس گفت عمر بن الخطاب

إِنِّي أَرَى لَوْ جَمَعْتُ هٰؤُلَاءِ عَلَى قَارِئٍ وَاحِدٍ لَكَانَ أَمْثَلَ

بدرستیکه من اگر جمع کنم این مردم را بر یک امام هر آینه باشد افضل

ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلَى أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهُ لَيْلَةً

پس عزم کرد پس جمع کرد مردم را بر ابی ابن کعب گفت عبد الرحمن بن عبد القاری پس بیرون آمدم با عمر شبی

أُخْرَى وَالنَّاسُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ قَارِئِهِمْ قَالَ عُمَرُ

دیگر در حالی که مردم نماز میگذاردند بنماز امام خود گفت عمر رض

نِعْمَتِ الْبِدْعَةُ هٰذِهِ وَالَّتِي تَنَامُونَ عَنْهَا أَفْضَلُ مِنَ الَّتِي

نیکو بدعت است این بدعت و آن نمازی که خواب میکنید و غفلت میورزید شما از ان افضل است از ان نماز

تَقُومُونَ يُرِيدُ آخِرَ اللَّيْلِ وَكَانَ النَّاسُ يَقُومُونَ أَوَّلَهُ

که قیام میکنید میخواهد عمر آخر شب را و بودند مردم که قیام میکردند اول آن

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ فَقَدْتُ

روایت کرد این حدیث را بخاری و روایت است از عائشه رض گفت عائشه که گم کردم و نیافتم

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْلَةً فَإِذَا هُوَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را در شب نوبت خود پس ناگاه دیدم که آنحضرت

[illegible]

بالبقیع فقال أكنتِ تخافين أن يحيف الله عليكِ ورسوله

در مقبرهٔ مدینهٔ مطهره است پس گفت آنحضرت که آیا بودی تو که میترسیدی باینکه جور و ستم میکند خدا بر تو و پیغامبر او

قلتُ يا رسول الله إني ظننتُ أنك أتيتَ بعض نسائك

گفت عائشه که گفتم یا رسول الله بدرستیکه من گمان بردم که تو آمدی به بعضی از زنان خود

فقال إن الله تعالى ينزل ليلة النصف من شعبان إلى

پس فرمود آنحضرت که سببش آن نبود که بدرستی خدا تعالی نزول میکند بفضل و رحمت در شب نیمه از شعبان بسوی

السماء الدنيا فيغفر لأكثر من عدد شعر غنم كلب

آسمانی که نزدیکتر است از آسمانها است پس می آمرزد بیشتر را از شمار موهای گوسپندان قبیله کلب که بیشتر بود

رواه الترمذي وابن ماجة وزاد رزين ممن استحق النار

رواه الترمذی وابن ماجه و زیاده کرد رزین لفظ ممن استحق النار یعنی مستحق النار را

وعن عائشة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال هل تدرين ما في هذه الليلة يعني ليلة النصف

که فرمود آیا در می یابی تو ای عائشه که چه چیز است درین شب از برکات و غرایب یعنی شب نیمه

من شعبان قالت ما فيها يا رسول الله فقال فيها أن يكتب

از شعبان گفت عائشه چه چیز است درین شب یا رسول الله پس فرمود آنحضرت که درین شب نوشته

كل مولود بني آدم في هذه السنة وفيها أن يكتب كل

هر که زائیده شود از فرزندان آدم درین سال و دیگر در آن شب نوشته شود هر که

هالك من بني آدم في هذه السنة وفيها ترفع أعمالهم

هالک شود از فرزندان آدم درین سال و درین شب برداشته شود کردارهای فرزندان آدم

وفيها تنزل أرزاقهم فقالت يا رسول الله ما من أحد

و در آن شب نازل کرده شود رزقهای بنی آدم پس گفت عائشه ای پیغمبر خدا نیست هیچ یکی

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللهِ تَعَالٰى فَقَالَ مَا مِنْ أَحَدٍ

که در آید بهشت را مگر برحمت خدا تعالی پس گفت آنحضرت که نیست هیچ یکی که

يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللهِ تَعَالٰى ثَلٰثًا قُلْتُ وَلَا أَنْتَ

در آید بهشت را مگر برحمت خدا تعالی گفت آنحضرت این کلمات را سه بار گفت ما گفتیم و نه تو ای پیغمبر

يَا رَسُولَ اللهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلٰى هَامَتِهِ فَقَالَ وَلَا أَنَا إِلَّا

ای پیغمبر خدا پس نهاد آنحضرت دست مبارک خود را بر سر مبارک خود پس گفت نه من نیز در آیم بهشت مگر

أَنْ يَتَغَمَّدَنِيَ اللهُ مِنْهُ بِرَحْمَتِهِ يَقُولُهَا ثَلٰثَ مَرَّاتٍ رَوَاهُ

بپوشد مرا خدا تعالی برحمت خود در حالیکه میگفت آنحضرت این کلمات را سه بار روایت کرد

الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيرِ وَعَنْ أَبِي مُوسٰى

بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از ابی موسی

الْأَشْعَرِيِّ رض عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ

اشعری رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت که بدرستیکه خدا تعالی

اللهَ لَيَطَّلِعُ فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَيَغْفِرُ لِجَمِيعِ خَلْقِهِ

واقف می شود بر احوال بندگان در شب نصف از شعبان پس می آمرزد مر همه خلق را

إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ مُشَاحِنٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ أَحْمَدُ

مگر مر کافر را و دشمنی دارنده و کینه ورزنده مسلمانان را روایت کرد ابن ماجه و روایت کرد احمد

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ وَفِي رِوَايَةٍ إِلَّا اثْنَيْنِ

از عبد الله بن عمرو بن العاص و در روایت احمد آمده که خدا می بخشد همه را مگر

مُشَاحِنٍ وَقَاتِلِ النَّفْسِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ قَالَ

مشاحن را و خون ناحق ریزنده و کشنده نفس را و روایت است از علی رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون باشد شب نیمه

مِنْ شَعْبَانَ فَقُومُوا لَيْلَهَا وَصُومُوا يَوْمَهَا فَإِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى
از شعبان پس قیام کنید شب آنرا و روزه دارید روز آنرا پس بدرستیکه خدای تعالی
يَنْزِلُ فِيهَا لِغُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَقُولُ أَلَا
نزول میکند برحمت درین شب بوقت غروب آفتاب بسوی آسمان دنیا پس میگوید آیا نیست
مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ أَلَا مُسْتَرْزِقٌ فَأَرْزُقَهُ أَلَا
هیچ آمرزش خواهنده پس بیامرزم مر او را آیا نیست هیچ روزی خواهنده پس روزی دهم او را آیا نیست
مُبْتَلًى فَأُعَافِيَهُ أَلَا كَذَا أَلَا كَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ
هیچ بلا رسیده پس برهانم او را از بلا کذا و کذا کنایت است از انواع ارباب حاجات میگوید خدا این کلمات را تا وقت طلوع فجر

بَابُ الْاِعْتِكَافِ

باب در بیان اعتکاف

۳۶۰

عَنْ عَائِشَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت است از عائشه رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم
كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ
بود که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان تا آنکه میرانید او را
اللّٰهُ تَعَالَى ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ بَعْدَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
خدای تعالی پستر معتکف شدند ازواج مطهره آنحضرت صلعم بعد از وی متفق علیه
وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از انس رض گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه
وَسَلَّمَ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ
وسلم که اعتکاف میکرد در ده شب آخر از رمضان
فَلَمْ يَعْتَكِفْ عَامًا فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ اعْتَكَفَ عِشْرِينَ
پس اعتکاف نکرد یکسال پس وقتیکه شد سال آینده اعتکاف کرد در ده شب بلکه قضا و نیز گذار
دوست میدارد اعتکاف کنید پس ثابت شد سنیت آن ۱۲

رواه الترمذي ورواه ابوداود وابن ماجة عن

روه الترمذی ورواه ابوداود وابن ماجه از

ابي بن كعب وعن عائشة رض قالت السنة على

ابی ابن کعب وروایت است از عایشه رض گفت عائشه سنت بر

المعتكف ان لا يعود مريضا ولا يشهد جنازة

معتکف آنست که عیادت نکند مریض را وحاضر نشود نماز جنازه را

ولا يمس المرأة ولا يباشرها ولا يخرج لحاجة

ومساس نکند زن را ومباشرت نکند او را وبیرون نیاید برای حاجتی

الا لما لا بد منه ولا اعتكاف الا بصوم ولا اعتكاف

مگر برای حاجتی که چاره نیست از آن وروا نیست اعتکاف مگر بروزه وروا نیست اعتکاف

الا في مسجد جامع رواه ابوداود وعن ابن عباس رض

مگر در مسجد جامع یعنی مسجد جماعت رواه ابوداود وروایت است از ابن عباس رض

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال في

که پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت در حق

المعتكف هو يعتكف الذنوب ويجرى له من

معتکف که آن منع کرده می شود وباز داشته می شود از گناهان وجاری داده میشود مر او را از

الحسنات كعامل الحسنات كلها رواه ابن ماجة

حسنات که فوت می شود از او بسبب اعتکاف او مثل عامل حسنات همه رواه ابن ماجه

كتاب فضائل القرآن

کتاب در بیان فضائل القرآن

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

پس چون بخوانی قرآن را پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده

قل لئن اجتمعت الانس والجن على ان يأتوا بمثل هذا

بگو اگر جمع شوند آدمیان وجن بر آنکه بیارند مانند این

القرآن لا يأتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا

قرآن هرگز نیارند مانند آن اگرچه باشد بعض ایشان بعض را مددهنده

ام يقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات

آیا میگویند بربسته است قرآن را بگو پس بیارید ده سوره مانند این بربافته

وادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين

وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا اگر راست گو هستید

وان كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة

واگر هستید در شبه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود پس بیارید یک سوره

من مثله وادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم

مانند آن وبخوانید مددگاران خود را بجز خدا اگر هستید

صادقين فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار

راست گو . پس اگر نکردید و البته نتوانید کرد پس حذر کنید از آن آتش سوزان

التي وقودها الناس والحجارة اعدت للكافرين

که آتش انگیز آن مردمان وسنگها باشد آماده کرده شده است برای کافران

لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا

اگر فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هرآئینه میدیدی آنرا نیایش کرده پاره پاره شده

من خشية الله انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون

از خوف خدا هرآئینه ما فرود فرستادیم قرآن را و هرآئینه ما او را نگاه داریم

انا انزلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون وهذا كتاب

هرآئینه ما فرستادیم آنرا قرآن عربی باشد که شما دریابید و این کتابی است

مُصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ

باور دارنده در زبان عربی برای آنکه بترساند ستمگاران را و برای مژده دادن

لِلْمُحْسِنِينَ عَنْ عُثْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

نیکوکاران را روایت است از عثمان رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

علیه وسلم بهترین شما کسے که آموخت قرآن را و آموزانید آنرا رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ

وسلم نیکو دریابنده و استاد در قرآن بحفظ و تجوید با ملائکه که بزرگانند و نیکوکار

وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ

و آن کسے که میخواند قرآن را و درمیماند در خواندن و خواندن قرآن بر او دشوار است او را

أَجْرَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

دو اجر است متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا حَسَدَ إِلَّا عَلَى اثْنَيْنِ رَجُلٌ

صلی الله علیه وسلم نیست جای رشک بردن مگر بر دو کس یکی مردی

آتَاهُ اللّٰهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَآنَاءَ

که داده است او را خدا تعالی قرآن را پس آن مرد برمیخیزد بقرآن یعنی میخواند آنرا در ساعات

النَّهَارِ وَرَجُلٌ آتَاهُ اللّٰهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آنَاءَ

صبح و شام دوم مردیکه داده است او را مال پس آن مرد انفاق میکند از آن در ساعات

اللَّيْلِ وَآنَاءَ النَّهَارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

صبح و شام متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الَّذِيْ
گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ آنکسیکہ
لَيْسَ فِيْ جَوْفِهٖ شَيْءٌ مِّنَ الْقُرْاٰنِ كَالْبَيْتِ الْخَرِبِ رَوَاهُ
نیست در درونش چیزے از قرآن ہمچو خانہ ویران است رواہ
التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض
الترمذی والدارمی وروایت است از عبد اللہ بن عمرو رض
قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُقَالُ لِصَاحِبِ
گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم گفتہ می شود مر صاحب
الْقُرْاٰنِ اِقْرَأْ وَارْتَقِ وَرَتِّلْ كَمَا كُنْتَ تُرَتِّلُ فِي الدُّنْيَا
قرآن را بخوان و ترقی مدارج کن و ہمچو بخوان قرآن را چنانکہ ترتیل میکردی در دنیا
فَاِنَّ مَنْزِلَكَ عِنْدَ اٰخِرِ اٰيَةٍ تَقْرَأُهَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ
بدرستیکہ منزل تو نزد آخر آیتے کہ می خوانی آنرا رواہ احمد والترمذی
وَاَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ
و ابوداود والنسائی وروایت است از ابی سعید رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ الرَّبُّ تَبَارَكَ
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگوید پروردگار تبارک
وَتَعَالٰى مَنْ شَغَلَهُ الْقُرْاٰنُ عَنْ ذِكْرِيْ وَمَسْئَلَتِيْ اَعْطَيْتُهٗ
وتعالی کسیکہ بازداشت اورا قرآن از ذکر کردن من و دعا و سوال من میدہم او را
اَفْضَلَ مَا اُعْطِي السَّائِلِيْنَ وَفَضْلُ كَلَامِ اللّٰهِ عَلٰى سَائِرِ
بیشتر از آنچہ میدہم سوال کنندگان را و فضل کلام خدا بر باقی کلام خلائق
الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلٰى خَلْقِهٖ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ
ہمچو فضل خدا است بر مخلوق او رواہ الترمذی والدارمی

والبيهقي في شعب الايمان وعن ابن مسعود رض قال

والبیهقی در شعب ایمان و روایت است از ابن مسعود رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ حرفا من

فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواند یک حرف از

كتاب الله فله به حسنة والحسنة بعشر امثالها لا اقول

کتاب خدا پس مر او راست نیکی و هر نیکی جزا داده می شود بده چند او نمیگویم

الم حرف الف حرف ولام حرف وميم حرف رواه

الم یک حرف است بل الف تنها حرفست و همچنین لام حرف است و میم حرف است روایت

الترمذي والدارمي وعن معاذ الجهني رض قال

الترمذی والدارمی و روایت است از معاذ الجهنی رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ القرآن

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواند قرآن را

وعمل بما فيه ألبس والداه تاجا يوم القيمة ضوءه

وعمل کرد بچیزے که در قرآن است پوشانیده شوند پدر و مادر او تاج روز قیامت که روشنائی

احسن من ضوء الشمس في بيوت الدنيا لو كانت

خوشتر و قوی تر از روشنائی آفتاب باشد در خانه هاے دنیا اگر می بود آفتاب

فيكم فما ظنكم بالذي عمل بهذا رواه احمد وابوداود

در خانه هاے شما پس چیست گمان شما بآن کسیکه بخواند وعمل کند بقرآن روایت احمد وابوداود

وعن عقبة بن عامر رض قال سمعت رسول الله

و روایت است از عقبه بن عامر رض گفت شنیدم آنحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول لو جعل القرآن في اهاب ثم

صلی الله علیه وسلم که میگفت اگر داشته می شد قرآن در پوستے پستر

أُلْقِيَ فِي النَّارِ مَا احْتَرَقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَلِيٍّ رض

انداخته مى شد در آتش نميسوخت رواه الدارمى و روايت است از على رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم هر كه بخواند قرآن را

فَاسْتَظْهَرَهُ فَأَحَلَّ حَلَالَهُ وَحَرَّمَ حَرَامَهُ أَدْخَلَهُ اللّٰهُ

پس ياد كرد آنرا پس حلال گرداند حلال آنرا و حرام گرداند حرام آنرا درمى آرد خداى تعالى اورا

الْجَنَّةَ وَشَفَّعَهُ فِي عَشَرَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ

دبهشت و قبول ميكند شفاعت او را در ده كس از اهل بيت وى كه همه ايشان بتحقيق

وَجَبَتْ لَهُمُ النَّارُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

واجب شده است مر ايشان را آتش رواه احمد والترمذى وابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روايت است از ابى هريره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَاقْرَؤُهُ فَإِنَّ مَثَلَ

عليه وسلم بياموزيد قرآن را پس بخوانيد آنرا پس بدرستيكه حال

الْقُرْآنِ لِمَنْ تَعَلَّمَ فَقَرَأَهُ وَقَامَ بِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ مَحْشُوٍّ

قرآن مر كسيرا كه آموخت پس خواند آنرا و قيام كرد بدان همچو انبانى است كه پر كرده

مِسْكًا تَفُوحُ رِيحُهُ كُلَّ مَكَانٍ وَمَثَلُ مَنْ تَعَلَّمَهُ

بمشك ميدميد بوى وى در هر جا و حال كسيكه آموخت قرآن را

فَرَقَدَ وَهُوَ فِي جَوْفِهِ كَمَثَلِ جِرَابٍ أُوكِيَ عَلَى مِسْكٍ

پس خواب كرد حال آنكه قرآن در شكم اوست همچو حال انبان مشك است كه بسته شده است بروى

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ

رواه الترمذى والنسائى وابن ماجه و روايت است از

ابی ہریرۃ رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

ان اللہ تعالیٰ قرأ طٰہٰ و یٰس قبل ان یخلق السمٰوٰت

بدرستیکہ خدا تعالیٰ خواند یعنے اظہار کرد سورہ طٰہٰ و یٰس را پیش از انکہ پیدا کند آسمان ہا

والارض بالف عام فلما سمعت الملٰئکۃ القرآن قالت

و زمین را بہزار سال پس ہرگاہ کہ شنیدند فرشتگان قرأت طٰہٰ و یٰس را گفتند فرشتگان

طوبیٰ لامۃ ینزل ہذا علیہا طوبیٰ لاجواف تحمل ہذا

خیر و خوبی باد مر امتے را کہ فرود فرستادہ شود این ہر دو سورہ بر آن امت و خوبی باد مر آن شکمہا را

وطوبیٰ لالسنۃ تتکلم بہذا رواہ الدارمی وعن

و خوبی باد مر زبان ہا را کہ تکلم کنند باین رواہ الدارمی و روایت است از

ابی ہریرۃ رض قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

ابی ہریرۃ رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

اعربوا القرآن واتبعوا غرائبہ وغرائبہ فرائضہ

اظہار کنید معانی قرآن را و پیروی کنید غرایب قرآن را و غرایب وے فرایض او

وحدودہ وعن عائشۃ رض ان النبی صلی اللہ علیہ

وحدود او ست و روایت است از عائشہ رض کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ

وسلم قال قراءۃ القرآن فی الصلوٰۃ افضل من

وسلم گفت خواندن قرآن در نماز بہتر است از

قراءۃ القرآن فی غیر الصلوٰۃ وقراءۃ القرآن فی غیر

خواندن قرآن در غیر نماز و خواندن قرآن در غیر

الصلوٰۃ افضل من التسبیح والتکبیر والتسبیح افضل

نماز افضل است از تسبیح و تکبیر و تسبیح بہتر است

مِنَ الصَّدَقَةِ وَالصَّدَقَةُ اَفْضَلُ مِنَ الصَّوْمِ وَالصَّوْمُ

از صدقہ دادن در راہ خدا وصدقہ دادن بہتر است از روزہ داشتن وروزہ داشتن

جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَعَنْ عُثْمَانَ ابْنِ عَبْدِ اللّٰهِ ابْنِ اَوْسٍ

سپر است از آتش دوزخ درروایت است از عثمان ابن عبد اللہ ابن اوس

الثَّقَفِيِّ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الثقفی از جد خود کہ اوس است گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

قِرَاءَةُ الرَّجُلِ الْقُرْاٰنَ فِيْ غَيْرِ الْمُصْحَفِ اَلْفُ دَرَجَةٍ وَقِرَاءَتُهُ

ثواب خواندن مرد قرآن را در غیر مصحف ہزار درجہ دارد و ثواب خواندن او

فِي الْمُصْحَفِ تُضَعَّفُ عَلٰى ذٰلِكَ اِلٰى اَلْفَيْ دَرَجَةٍ وَعَنْ

در مصحف زیادہ کردہ می شود بر آن تا دو ہزار درجہ درروایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم

اِنَّ هٰذِهِ الْقُلُوْبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيْدُ اِذَا اَصَابَهُ

بدرستیکہ این دلہای مردم زنگ میگیرد یعنے تیرہ میگردد چنانکہ زنگ میگیرد آہن وقتیکہ میرسد آنرا

الْمَاءُ قِيْلَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ مَا جِلَاؤُهَا قَالَ كَثْرَةُ ذِكْرِ الْمَوْتِ

آب گفتہ شد اے رسول خدا چیست سبب روشنی وصفائی وی گفت بسیار یاد کردن موت

وَتِلَاوَةُ الْقُرْاٰنِ رَوَى الْبَيْهَقِيُّ الْاَحَادِيْثَ الْاَرْبَعَةَ فِيْ

وخواندن قرآن است روایت کرد بیہقی این چہار حدیث را در

شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ

شعب ایمان درروایت است از حسن بصری از روے ارسال کہ آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَاَ فِيْ لَيْلَةٍ مِائَةَ اٰيَةٍ لَمْ يُحَاجَّهُ

اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ بخواند در شبے صد آیت قرآن محاجات نکند وخصومت ننماید

القُرآنُ تِلكَ اللَّيلَةَ وَمَن قَرَأَ فِي لَيلَةٍ مِائَتَي آيَةٍ

قرآن در آن شب و کسیکه بخواند در شبی دو صد آیت

كُتِبَ لَهُ قُنُوتُ لَيلَةٍ وَمَن قَرَأَ فِي لَيلَةٍ خَمسَ مِائَةِ آيَةٍ

نوشته شود برای وے طاعت شب و کسیکه بخواند در شبی پنجصد آیت

إِلَى الأَلفِ أَصبَحَ وَلَهُ قِنطَارٌ مِنَ الأَجرِ قَالُوا وَمَا القِنطَارُ

تا هزار صبح میکند در حالیکه هزار است قنطار از اجر گفتند صحابه و چیست قنطار

قَالَ اثنَا عَشَرَ أَلفًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَن أَبِي مُوسَى

گفت آنحضرت قنطار مقدار دوازده هزار است رواه الدارمی و روایت است از ابی موسی

الأَشعَرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ

اشعری رض گفت ابی موسی که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تَعَاهَدُوا القُرآنَ فَوَالَّذِي نَفسِي بِيَدِهِ لَهُوَ أَشَدُّ

رعایت و مداومت کنید بقرآن پس سوگند بخدا که بقا ذات من در قدرت اوست هر آینه قرآن سخت تر

تَفَصِّيًا مِنَ الإِبِلِ فِي عُقُلِهَا مُتَّفَقٌ عَلَيهِ وَعَن

از روی رها شدن از شتر که بسته باشد [illegible] متفق علیه و روایت است از

أَبِي هُرَيرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ

ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

لَيسَ مِنَّا مَن لَم يَتَغَنَّ بِالقُرآنِ رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَعَنِ

نیست از ما کسیکه تغنی نکند بقرآن یعنی مستغنی شود از همه رواه بخاری و روایت است از

البَرَاءِ بنِ عَازِبٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ

براء بن عازب رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ زَيِّنُوا القُرآنَ بِأَصوَاتِكُم رَوَاهُ أَحمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ

وسلم بیارایید قرآن را بخوش آوازهای شما رواه احمد و ابو داود

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ رض قَالَ
وابن ماجہ والدارمی وروایت است از سعد بن عبادہ رض گفت
قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنِ امْرِئٍ يَقْرَأُ
فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ مردیکہ می خواند
الْقُرْاٰنَ ثُمَّ يَنْسَاهُ اِلَّا لَقِيَ اللّٰهَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَجْذَمَ رَوَاهُ
قرآن را پستر فراموش کرد آنرا مگر آنکہ پیش می آید خدا را روز قیامت منقطع الاعضا
اَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض
ابوداود والدارمی وروایت است از عبد اللہ بن عمرو رض
اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمْ يَفْقَهْ
کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ نفہمید
مَنْ قَرَأَ الْقُرْاٰنَ فِيْ اَقَلَّ مِنْ ثَلَاثٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
کسیکہ خواند قرآن در کمتر از سہ روز رواہ الترمذی
وَاَبُوْدَاوُدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ
وابوداود والدارمی وروایت است از عقبہ بن عامر رض گفت
قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْجَاهِرُ بِالْقُرْاٰنِ
فرمود پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم جہر کنندہ قرآن را
كَالْجَاهِرِ بِالصَّدَقَةِ وَالْمُسِرُّ بِالْقُرْاٰنِ كَالْمُسِرِّ بِالصَّدَقَةِ
ہمچو آشکارا دہندہ است صدقہ را و آواز نیست خوانندہ قرآن را ہمچو پنہان دہندہ است صدقہ را
رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ اللَّيْثِ
رواہ الترمذی وابوداود والنسائی وروایت است از لیث
بْنِ سَعْدٍ رض عَنِ ابْنِ اَبِيْ مُلَيْكَةَ عَنْ يَعْلَى ابْنِ مَمْلَكٍ رض
بن سعد رض کہ وے روایت میکند از ابن ابی ملیکہ از یعلی ابن مملک رض

أَنَّهُ سَأَلَ أُمَّ سَلَمَةَ رض عَنْ قِرَاءَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

کہ وے پرسید از ام سلمہ رض از قرارت پیغمبر صلے اللہ علیہ

وَسَلَّمَ فَإِذَا هِيَ تَنْعَتُ قِرَاءَةً مُفَسَّرَةً حَرْفًا حَرْفًا

وسلم پس ناگاہ ام سلمہ صفت میکند قرات ایشانرا و کشادہ بہت حرف بعد از حرف جدا جدا

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ حُذَيْفَةَ

رواہ الترمذی و ابو داؤد والنسائی و روایت است از حذیفہ

رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقْرَءُوا

رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بخوانید

الْقُرْآنَ بِلُحُونِ الْعَرَبِ وَأَصْوَاتِهَا وَإِيَّاكُمْ وَلُحُونَ

قرآن را بلحن عرب و خوش آوازہاے ایشان و دور دارید خود را از لحن

أَهْلِ الْعِشْقِ وَلُحُونَ أَهْلِ الْكِتَابَيْنِ وَسَيَجِيءُ بَعْدِي

اہل عشق و لحن ہاے اہل دو کتاب یعنے توریت و انجیل و زود باشد کہ بیاید پس از من

قَوْمٌ يُرَجِّعُونَ بِالْقُرْآنِ تَرْجِيعَ الْغِنَاءِ وَالنَّوْحِ لَا يُجَاوِزُ

گروہے کہ ترجیع کنند بقرآن مانند سرود و نوحہ و نگذرد قرآن

حَنَاجِرَهُمْ مَفْتُونَةٌ قُلُوبُهُمْ وَقُلُوبُ الَّذِينَ يُعْجِبُهُمْ

گلو ہای ایشان را در فتنہ انداختہ شدہ است دلہا ایشان و دلہا آنکسان کہ خوش می آید ایشانرا

شَأْنُهُمْ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَرَزِينٌ فِي

حال ایشان رواہ بیہقی در شعب ایمان و رزین در

كِتَابِهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ

کتاب خود و روایت است از براء بن عازب رض گفت شنیدم آنحضرت را

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ

صلے اللہ علیہ وسلم کہ میگفت نیک گردانید قرآن را بآوازہاے خود

فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

زیرا که آواز خوش زیاده میگرداند قرآن را در حسن رواه الدارمی

وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَاصٍّ يَقْرَأُ

و روایت است از عمران بن حصین رض که او گذشت بر قصه خوان قرآن میخواند

ثُمَّ يَسْأَلُ فَاسْتَرْجَعَ ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

و از مردم سوال میکرد پس استرجاع کرد عمران پس گفت که شنیدم آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَلْيَسْأَلِ اللهَ بِهِ

علیه وسلم را که میگفت کسیکه خواند قرآن را پس باید که سوال کند خدا را بقرآن

فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ أَقْوَامٌ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ يَسْأَلُونَ بِهِ

پس بدرستیکه شان اینست زود باشد که بیایند گروهها که بخوانند قرآن را و سوال کنند بآن

النَّاسَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ

از مردم رواه احمد و الترمذی و روایت است از بریده گفت

قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بخواند قرآن را

يَتَأَكَّلُ بِهِ النَّاسَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَوَجْهُهُ عَظْمٌ

درحالیکه طلب اکل میکند بقرآن از مردم بیاید آنکس روز قیامت حال آنکه روی وی استخوان است

لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ

که نیست در روی وی گوشت رواه بیهقی در شعب ایمان و روایت است از

أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

انس بن مالک رض گفت وی فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ لِلّٰهِ أَهْلِينَ مِنَ النَّاسِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ مَنْ هُمْ

بدرستیکه مر خدای راست اهالیان و خواص از مردمان گفتند صحابه ای پیغمبر خدا کیستند ایشان

قَالَ هُمْ أَهْلُ الْقُرْآنِ أَهْلُ اللهِ وَخَاصَّتُهُ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ

هم ایشان اہل قرآن اہل اللہ وخواص اند رواہ ابن ماجہ

وَعَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ رض مَا بَالُ أَقْوَامٍ يُقْرَأُ عَلَيْهِمْ كِتَابُ اللهِ

وروایت است از ابی بن کعب رضی چیست حال آنکسان که خوانده شود بر ایشان کتاب خدا

لَا يَدْرُونَ مَا قُرِئَ عَلَيْهِمْ فِيهِ وَلَا مَا تُرِكَ هٰكَذَا كَانَتْ

نمی دانند که چه خوانده شد بر ایشان در آن و نمی دانند که چه ترک کرده شده است ہمچنین بود حال

بَنُو إِسْرَائِيلَ خَرَجَتْ خَشْيَةُ اللهِ مِنْ قُلُوبِهِمْ فَغَابَتْ

بنی اسرائیل بیرون شد خوف خدا از دلهاے ایشان پس غایب شد

قُلُوبُهُمْ وَشَهِدَتْ أَبْدَانُهُمْ أَلَا وَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ

دلهاے ایشان و حاضر شد بدنهاے ایشان آگاه شو هر آئینه خداے بزرگ و بلند

لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ عَمَلًا حَتّٰى يَشْهَدَ بِقَلْبِهِ مَا شَهِدَ بِبَدَنِهِ

قبول نمیکند از کسے هیچ عملے تا آنکه گواهی دهد بدل او آنچه که گواهی میدهد ببدن خود

جامع وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

وروایت است از انس بن مالک رض گفت فرمود آنحضرت صلے

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ إِنَّ أَهْلَ السَّمٰوَاتِ

الله علیه وسلم اے حاملان قرآن بدرستیکه اہل آسمان

يَذْكُرُونَكُمْ عِنْدَ اللهِ تَعَالٰى فَتَحَبَّبُوا إِلَى اللهِ تَعَالٰى بِتَوْقِيرِ

یاد میکنند شما را نزد خداے تعالے پس دوست شوید بسوے خدا بسبب توقیر

كِتَابِهِ يَزِدْكُمْ حُبًّا وَيُحَبِّبْكُمْ إِلَى عِبَادِهِ يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ أَنْتُمُ

کتاب او زیاده دوست میدارد شما را خدا و دوست میگرداند شما را نزد بندگان او اے بردارندگان قرآن شما

الْمُخْتَصُّونَ بِرَحْمَةِ اللهِ تَعَالٰى الْمُعَلِّمُونَ كَلَامَ اللهِ تَعَالٰى

مخصوص هستید به برحمت خداے تعالے تعلیم کنندگان کلام خداے تعالی

المقربون من الله تعالى من والاهم تقرب الى الله تعالى

قريب كرده شده اند از خدا تعالى كسيكه دوست داشت ايشان را قرب ميابد بسوى خداى تعالى

ومن عاداهم فقد عادى الله يدفع عن قارئ القرآن بلاء

وكسيكه دشمن گرفت ايشان را پس تحقيق دشمن داشت خدا را دور كرده شود از خواننده قرآن بلاها

الدنيا ويدفع عن مستمع القرآن بلاء الآخرة يا حملة

دنيا دفع كرده شود از شنونده قرآن بلاهاى آخرت اى حاملان

القرآن تحببوا الى الله تعالى بتوقير كتابه يزدكم حبا

قرآن پس دوست شويد ايشان شما را بسوى خدا تعالى بسبب بزرگ كتاب او زياده ميكند خدا محبت را

ويحببكم الى عباده جامع كبير عن انس رض قال

دوست ميكند شما را بسوى بندگان خود روايت است از انس رض گفت

خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم ذات يوم فنادى

بر آمد آنحضرت صلى الله عليه وسلم روزى پس ندا كرد آنحضرت

باعلى صوته يا حامل القرآن اكحل عينيك بالبكاء

به بلند آواز خود كه اى بردارنده قرآن سرمه كن هر دو چشم ترا از گريه

اذا ضحك البطالون وقم بالليل اذا نام النائمون

وقتيكه خندند لهو كنندگان اى برخيز بشب براى نماز وقتيكه خواب كنند خوابندگان

وصم اذا اكل الآكلون واعف عمن ظلمك ولا تحقد

روزه بدار وقتيكه بخورند خورندگان وعفو كن از كسيكه ظلم كند بر تو و كينه مدار

في من يحقد ولا تجهل فيمن يجهل الديلمي

در حق كسيكه كينه دارد و نادان مشو در حق كسيكه جاهل شود رواه ديلمي

باب تفضيل فضائل سور القرآن وآياته

باب تفضيل فضائل سورهاى قرآن وآيات آن

وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِىْ فَاِنَّ لَهٗ مَعِيْشَةً ضَنْكًا وَّنَحْشُرُهٗ

وهرکه روگردان شود از یاد کردن من پس اورا بود زندگانی تنگ و نابینا بر انگیزیم اورا

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِىْٓ اَعْمٰى وَقَدْ

روز قیامت گوید ای پروردگار من چرا بر انگیختی مرا نابینا و بودم پیش از این

كُنْتُ بَصِيْرًا قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ اٰيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَ

بینا بودم گوید همچنین آمد بتو نشانهای ما پس تغافل کردی از آنها

كَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى ۝ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِى الْكِتٰبِ

وهمچنین امروز تغافل کرده شود در حق تو و هر آئینه فرود فرستاده است خدا بر شما در قرآن

اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا

که چون بشنوید بآیتهای خدا انکار نموده می آید و مسخر کرده میشود آنها

فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِىْ حَدِيْثٍ غَيْرِهٖٓ

پس منشینید با ایشان تا آنکه شروع کنند در سخنی بجز آن

اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ

هر آئینه شما آنگاه مانند آن کافران باشید جز این نیست که مومنان آنند که چون یاد کرده شود

وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَاِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ اٰيٰتُهٗ زَادَتْهُمْ

بترسند دلهای ایشان و چون خوانده شود بر ایشان آیات خدا زیاده سازد آن آیات

اِيْمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ۝ الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ

ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل میکنند آنانکه برپا میدارند

الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ۝ اُولٰٓئِكَ هُمُ

نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشان را خرج میکنند اینجماعه ایشانند

الْمُؤْمِنُوْنَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ

مومنان بتحقیق برای ایشان است مرتبها نزد پروردگار ایشان و آمرزش

وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ حٰمٓ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

و روزی نیک — این فرو فرستادن است از جانب خدا بخشاینده و مهربان

كِتٰبٌ فُصِّلَتْ اٰيٰتُهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝

این کتابیست واضح ساخته شد آیات او در حالیکه قرآنیست عربی است برای قومی که میدانند

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝

در حالیکه مژده دهنده و ترساننده پس روی گردان شدند اکثر مردمان پس ایشان نمی شنوند

عَنِ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رض قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از نواس بن سمعان رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله

وَسَلَّمَ يَقُولُ يُؤْتٰى بِالْقُرْاٰنِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَهْلِهِ الَّذِينَ كَانُوا

علیه وسلم را که میگفت آورده می شود قرآن روز قیامت و اهل قرآن آنکه بودند

يَعْمَلُونَ بِهِ تَقْدُمُهُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَاٰلِ عِمْرَانَ كَأَنَّهُمَا

که عمل میکردند باحکام قرآن پیش می شوند قرآن را سوره بقره و آل عمران گویا که این دو

غَمَامَتَانِ أَوْ ظُلَّتَانِ سَوْدَاوَانِ بَيْنَهُمَا شَرْقٌ أَوْ كَأَنَّهُمَا

صورت دو ابر اند یا دو سایبان سیاه اند میان این دو صورت روشنی است یا این دو

فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافَّ تُحَاجَّانِ عَنْ صَاحِبِهِمَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

دو جماعت اند از پرندگان صف بستگان که حجت میکنند از جانب صاحب ایشان رواه مسلم

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ بَيْنَمَا جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

روایت است از ابن عباس رض گفت در اثنای آنکه جبرئیل علیه السلام

قَاعِدٌ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَمِعَ نَقِيضًا مِنْ

نشسته بود نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم شنید جبرئیل ع آوازی را از

فَوْقِهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ هٰذَا بَابٌ مِنَ السَّمَاءِ فُتِحَ الْيَوْمَ

بالای خود پس برداشت سر خود را گفت پس جبرئیل این دریست از آسمان کشاده شد امروز

لَمْ تُفْتَحْ قَطُّ إِلَّا الْيَوْمَ فَنَزَلَ مِنْهُ مَلَكٌ فَقَالَ هٰذَا مَلَكٌ

وگشاده نشده هرگز مگر امروز پس فرود آمد از آن فرشته پس گفت جبرئیل ع که این فرشته ایست

نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ لَمْ يَنْزِلْ قَطُّ إِلَّا الْيَوْمَ فَسَلَّمَ فَقَالَ أَبْشِرْ

که فرود آمده است بسوے زمین که فرود نیامده هرگز مگر امروز پس سلام گفت آن فرشته پس گفت

بِنُوْرَيْنِ أُوْتِيْتَهُمَا لَمْ يُؤْتَهُمَا نَبِيٌّ قَبْلَكَ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ

بدو نورے که داده شد بتو داده نشد آن دو نور هیچ پیغمبر پیش از تو یکے سوره الحمد

وَخَوَاتِيْمُ سُوْرَةِ الْبَقَرَةِ لَنْ تَقْرَأَ بِحَرْفٍ مِنْهُمَا إِلَّا أُعْطِيْتَهُ

دویگر دو آیته که در آخر سوره بقره است یعنی از آمن الرسول تا آخر سوره هرگز نخوانی بحرفی از فاتحه و تمام آمن الرسول مگر آنکه داده شود

وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

وروایت است از ابی الدردار گفت فرمود پیغامبر خدا صلے الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ فِي لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْآنِ

علیه وسلم آیا عاجز می آید یکے از شما از آنکه بخواند در شبے ثلث قرآن را

قَالُوْا وَكَيْفَ يَقْرَأُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ قَالَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ

گفتند صحابه چگونه خواند ثلث قرآن را در شب فرمود که سوره قل هو الله احد

يَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَرَوَى الْبُخَارِيُّ عَنْ

برابر است ثلث قرآن را رواه مسلم و روایت کرد بخاری از

أَبِي سَعِيْدٍ رض وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

ابی سعید رض و روایت است از انس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ قَلْبًا وَقَلْبُ الْقُرْآنِ يٰسٓ

الله علیه وسلم بدرستیکه مر هر شے را دلیست و دل قرآن سوره یاسین است

وَمَنْ قَرَأَ يٰسٓ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِقِرَاءَتِهَا قِرَاءَةَ الْقُرْآنِ

و هر که بخواند سوره یٰسین بنویسد خدا تعالیٰ مر او را بسبب خواندن آن ثواب خواندن تمام

عشر مرات رواه الترمذي والدارمي وعن ابي هريرة

ده مرتبه روایت کرده الترمذی و الدارمی و از ابی هریرة رضا مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من قرأ حم

گفت فرمود پیغامبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم کسیکه خواند سورهٔ حم

الدخان في ليلة اصبح يستغفر له سبعون الف ملك

الدخان را در شب صبح میکند درحالیکه آمرزش میخواهند ورا هفتاد هزار فرشتگان.

رواه الترمذي وعن ابن عباس رض قال ضرب بعض

رواه الترمذے و روایت است از ابن عباس رضا گفت که زد بعض

اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم خباءه على قبر وهو

از اصحاب پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم خیمه خود را بر گورے و وے

لا يحسب انه قبر فاذا فيه انسان يقرأ سورة تبارك

گمان نمی برد که آن قبر است پس ناگاه در آن قبر آدمیست که میخواند سوره تبارک

الذي بيده الملك حتى ختمها فاتى النبي صلى الله عليه

الذی بیده الملک تا آنکه ختم کرد آنرا پس آمد وے پیغمبر خدا را صلی الله علیه

وسلم فاخبره فقال النبي صلى الله عليه وسلم هي

وسلم پس خبر داد آنحضرت را باین حال پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که این سوره

المانعة هي المنجية تنجيه من عذاب القبر رواه الترمذي

مانعه است این سوره رستگاری دهنده است رستگاری میدهد او را از عذاب القبر رواه التر

وعن ابن عباس رض وانس بن مالك قالا قال رسول الله

و روایت است از ابن عباس رض و انس بن مالک رض گفتند این هردو که فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا زلزلت تعدل نصف القرآن

صلے اللہ علیہ وسلم که سورهٔ اذا زلزلت برابر است نصف قرآن را

وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْاٰنِ وَقُلْ يَآ اَيُّهَا الْكَافِرُوْنَ

وقل ہو اللہ احد برابر است ثلث قرآن را وقل یا ایہا الکافرون

تَعْدِلُ رُبُعَ الْقُرْاٰنِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ مَعْقِلِ بْنِ

برابر است ربع قرآن را رواه الترمذی درروایت است از معقل بن

يَسَارٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَالَ حِيْنَ يُصْبِحُ

یسار رض از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ گفت آنحضرت ہر کہ بگوید ہنگامیکہ صبح کند

ثَلٰثَ مَرَّاتٍ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيْعِ الْعَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ

سہ مرتبہ اعوذ باللہ السمیع العلیم من الشیطان الرجیم

فَقَرَأَ ثَلٰثَ اٰيَاتٍ مِنْ اٰخِرِ سُوْرَةِ الْحَشْرِ وَكَّلَ اللّٰهُ بِهٖ

پس بخواند سہ آیت از آخر سورہ حشر وکیل گرداند خدا تعالے بوے

سَبْعِيْنَ اَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّوْنَ عَلَيْهِ حَتّٰى يُمْسِيَ وَاِنْ مَاتَ

ہفتاد ہزار فرشتہ را کہ درود میفرستند بروے تا آنکہ شام کند واگر بمیرد آن کس

فِيْ ذٰلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيْدًا وَمَنْ قَالَهَا حِيْنَ يُمْسِيْ كَانَ

در آن روز می میرد شہید وکسیکہ بگوید این سہ آیت را ہنگامیکہ شام میکند با

بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ

ہمان مرتبہ کہ در صبح ذکر کرده شد رواه الترمذی والدارمی درروایت است از انس

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَرَأَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَتَيْ

از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ گفت آنحضرت کسیکہ بخواند ہر روز دو صد

مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ مُحِيَ عَنْهُ ذُنُوْبُ خَمْسِيْنَ سَنَةً اِلَّا

بار قل ہو اللہ احد محو کرده شود از وے گناہان پنجاه سال مگر

اَنْ يَكُوْنَ عَلَيْهِ دَيْنٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

آنکہ باشد بروے وامے رواه الترمذی والدارمی

وَفِي رِوَايَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً وَلَمْ يَذْكُرْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ
و در روایت دارمی خواندن پنجاه بار واقع شده و ذکر کرده است دارمی این استثنا را که از الا
دَيْنٌ وَعَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَرَادَ
تا یکون علیه دین وازوے مرویست که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکے خواہد که
أَنْ يَنَامَ عَلَى فِرَاشِهِ فَنَامَ عَلَى يَمِينِهِ ثُمَّ قَرَأَ مِائَةَ
خواب کند بر بستر خود پس بخوابد بر جانب راست خود پس بخواند صد
مَرَّةٍ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ يَقُولُ لَهُ الرَّبُّ
بار قل ہو اللہ احد وقتیکہ باشد روز قیامت میگوید مراورا پروردگار
يَا عَبْدِي ادْخُلْ عَلَى يَمِينِكَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
اے بندہ من درآے بر جانب راست خود در بہشت رواہ الترمذے
وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
و روایت است از ابی ہریرۃ رض که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
سَمِعَ رَجُلًا يَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ فَقَالَ وَجَبَتْ قُلْتُ
شنید مردے را که میخواند قل ہو اللہ احد پس فرمود آنحضرت که واجب گشت گفتم
وَمَا وَجَبَتْ قَالَ الْجَنَّةُ رَوَاهُ مَالِكٌ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ
چه واجب گشت فرمود آنحضرت بہشت رواہ مالک و ترمذی و نسائی
وَعَنْ أَنْفَعَ بْنِ عَبْدٍ الْكَلَاعِيِّ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ
و روایت است از انفع بن عبد الکلاعے رض گفت انفع که گفت مردے
يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْاٰنِ
اے پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم کدام سورہ از قرآن
أَعْظَمُ قَالَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ قَالَ فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْقُرْاٰنِ أَعْظَمُ
بزرگتر است فرمود آنحضرت قل ہو اللہ احد گفت مرد پس کدام آیت در قرآن بزرگتر است

قَالَ اٰيَةُ الْكُرْسِيِّ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اَلْحَيُّ الْقَيُّوْمُ قَالَ فَاَيُّ

گفت آنحضرت آیۃ الکرسی کہ اللہ لا الہ الا ہو الحی القیوم تا آخر است گفت از دو پیر کدام

اٰيَةٍ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ تُحِبُّ اَنْ تُصِيْبَكَ وَاُمَّتَكَ قَالَ

آیت اسے پیغمبر خدا دوست میداری کہ برسد بتو و بامت تو گفت آنحضرت

خَاتِمَةُ سُوْرَةِ الْبَقَرَةِ فَاِنَّهَا مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَةِ اللّٰهِ

خاتمہ سورۂ بقر زیراکہ آن از خزینہ ہائے رحمت خدا است

مِنْ تَحْتِ عَرْشِهٖ اَعْطَاهَا هٰذِهِ الْاُمَّةَ لَمْ تَتْرُكْ خَيْرًا

از زیر عرش وے داده است آن را باین امت ترک نکرده است ہیچ چیزے از خیر

مِنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اِلَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

دنیا و آخرت مگر آنکہ مشتمل است بر وے و فرا گرفتہ است رواه الدارمی

وَعَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

و روایت است از عبد الملک بن عمیر بطریق مرسل گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ فِيْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ شِفَاءٌ مِنْ

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کہ در سورہ فاتحۃ الکتاب شفا است از

كُلِّ دَاءٍ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

ہر مرض جسمانی و روحانی اگر بطریق یقین بخواند رواه الدارمی و بیہقی در شعب ایمان

وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رض قَالَ مَنْ قَرَاَ اٰخِرَ

و روایت است از عثمان بن عفان رض گفت کسیکہ بخواند آخر سورۂ

اٰلِ عِمْرَانَ فِيْ لَيْلَةٍ كُتِبَ لَهٗ قِيَامُ لَيْلَةٍ وَعَنْ مَكْحُوْلٍ

آل عمران در شبے نوشتہ می شود مر آنکس را ثواب بیدار شب و از مکحول مرویست

قَالَ مَنْ قَرَاَ سُوْرَةَ اٰلِ عِمْرَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَلَّتْ عَلَيْهِ

گفت کسیکہ بخواند سورہ آل عمران روز جمعہ درود فرستند بر آنکس

الملائكة إلى الليل رواهما الدارمي وعن كعب رض

واستغفار کنند مر اورا فرشتگان تا شب رواهما الدارمی و روایت است از کعب رض

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اقرءوا سورة

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بخوانید سوره

هود يوم الجمعة رواه الدارمي وعن أبي سعيد رض

هود را روز جمعه رواه الدارمی و روایت است از ابی سعید خدری رض

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قرأ سورة الكهف

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره کهف را

في يوم الجمعة أضاء له النور ما بين الجمعتين رواه

در روز جمعه روشن میگردد مر اورا نور ایمان درمیان آنکه دو جمعه است رواه

البيهقي في الدعوات الكبير وعن خالد بن معدان

بیهقی در دعوات الکبیر و روایت است از خالد بن معدان

قال اقرءوا المنجية وهي الم تنزيل فإنه بلغني أن

گفت خالد بخوانید سوره که رستگاری دهنده است و آن الم تنزیل کردو سجده است زیرا که رسید

رجلا كان يقرأها ما يقرأ شيئا غيرها وكان كثير

مردی که بود که میخواند آنرا نمیخواند چیزی را جز این و بود آمرزد بسیار

الخطايا فنشرت جناحها عليه قالت رب اغفر له

گناهها را پس پراگنده کرد این سوره بال خود را بر آمرزد و شفاعت کرد این سوره و گفت ای پروردگار

فإنه كان يكثر قراءتي فشفعها الرب تعالى فيه وقال

پس بدرستیکه بود آمرزد بسیار میکرد خواندن مرا پس قبول شفاعت کرد پروردگار در حق آمرزد و گفت

اكتبوا له بكل خطيئة حسنة وارفعوا له درجة

پروردگار با فرشتگان که بنویسید برای این مرد بهر بدی نیکی و بلند گردانید برای وی درجه

وقال ايضا انها تجادل عن صاحبها في القبر تقول اللهم

وگفت نیز بدرستیکه این سوره خصومت میکند در قبر از جانب خواننده خود باینطور که میگوید خداوندا

ان كنت من كتابك فشفعني فيه وان لم اكن من كتابك

اگر هستم سوره از کتاب تو پس قبول کن شفاعت من در حق وی و اگر نیستم سوره از کتاب تو

فامحني عنه وانها تكون كالطير تجعل جناحها عليه

پس محو کن مرا از کتاب خود بدرستیکه این سوره میگردد بقدر مرغی همچو جانور پرنده می اندازد بال خود بر خواننده

فتشفع له فتمنعه من عذاب القبر وقال في تبارك

پس شفاعت میکند مر او را پس منع میکند از عذاب قبر و گفت در سوره تبارک

مثله وكان خالد لا يبيت حتى يقرأهما وقال طاوس

مانند این و بود خالد که شب نمیکرد تا آنکه میخواند این دو سوره را و گفت طاوس تابعی

فضلتا على كل سورة في القرآن بستين حسنة رواه

تفضیل داده شده اند این دو سوره بر هر سوره که در قرآن است بشصت نیکی روایه

الدارمي وعن عطاء ابن ابي رباح قال بلغني ان

الدارمی و روایت است از عطاء ابن ابی رباح گفت که رسیده است مرا بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من قرأ يس في

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره یسین در

صدر النهار قضيت حوائجه رواه الدارمي مرسلا

اول روز پرداخته شود حاجتهای وی روایت کرد این حدیث را دارمی بطریق مرسل

وعن معقل بن يسار المزني رض ان النبي صلى الله

و روایت است از معقل بن یسار المزنی رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال من قرأ يس ابتغاء وجه الله تعالى

علیه وسلم فرمود کسیکه بخواند سوره یسین از برای طلب رضای خدای تعالی

غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ فَاقْرَءُوهَا عِنْدَ مَوْتَاكُمْ

آمرزیده شود چیزے کہ پیش رفتہ است از گناه وے پس بخوانید آنرا نزد مردہاے شما یعنی کسیکہ بمرگ نزدیک بود

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض قَالَ

روایہ البیہقی در شعب ایمان و مرویست از علی رض گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِكُلِّ شَيْءٍ

شنیدم آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم کہ میگفت مر ہر چیزے را

عَرُوسٌ وَعَرُوسُ الْقُرْآنِ الرَّحْمٰنُ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رض

عروس است وعروس قرآن سوره رحمن است و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بخواند سوره واقعہ را

فِي كُلِّ لَيْلَةٍ لَمْ تُصِبْهُ فَاقَةٌ أَبَدًا وَكَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ

در ہر شب نرسد آنرا فاقہ ودرویشی ہمیشہ وبود ابن مسعود

يَأْمُرُ بَنَاتِهِ يَقْرَأْنَ بِهَا فِي كُلِّ لَيْلَةٍ رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ

کہ امر میکرد دختران خود را کہ بخوانند این سوره را در ہر شب روایت کرد بیہقی ہر دو حدیث را

فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

در شعب ایمان وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ أَلْفَ

صلی اللہ علیہ وسلم آیا نمی تواند یکے از شما کہ بخواند ہزار

آيَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ قَالُوا وَمَنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقْرَأَ أَلْفَ آيَةٍ

آیت را در ہر روز گفتند صحابہ کہ می تواند کہ بخواند ہزار آیت با وجود موانع اعمال دیگر

فِي كُلِّ يَوْمٍ قَالَ أَمَا يَسْتَطِيعُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ أَلْهَاكُمُ

در ہر روز فرمود آنحضرت آیا نمی تواند یکے از شما کہ بخواند سوره الہٰکم

التكاثر رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن سعيد بن المسيب

التكاثر روایت کرد این حدیث را بیهقی در شعب ایمان و روایت است از سعید بن المسیب

مرسلا عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من قرأ قل هو الله

که از کبار تابعیست بطریق مرسل از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت کسیکه بخواند

أحد عشر مرات بني له بها قصر في الجنة ومن قرأ

سورهٔ قل هو الله احد ده بار بنا کرده شود برای وی بسبب آن کوشکی در بهشت و کسیکه بخواند

عشرين مرة بني له قصران في الجنة فقال عمر بن

بیست بار بنا کرده شود برای وی دو کوشک در بهشت پس گفت عمر بن

الخطاب والله يا رسول الله إذا لنكثرن قصورنا فقال

الخطاب رض سوگند بخدا یا رسول الله چون ثواب این چنین است آنگاه بسیار بخوانیم و بسیاری گردانیم

رسول الله صلى الله عليه وسلم الله أوسع من ذلك رواه الدارمي

بنا کردن آن کوشکها خود را پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خدا فراخ تر است از این یعنی بخشش او از آن روایت کرد دارمی

كتاب الدعوات

وإذا سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة

و چون استفسار کنند ترا بندگان من از حال من پس هر آینه من نزدیکم قبول میکنم دعای

الداع إذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم

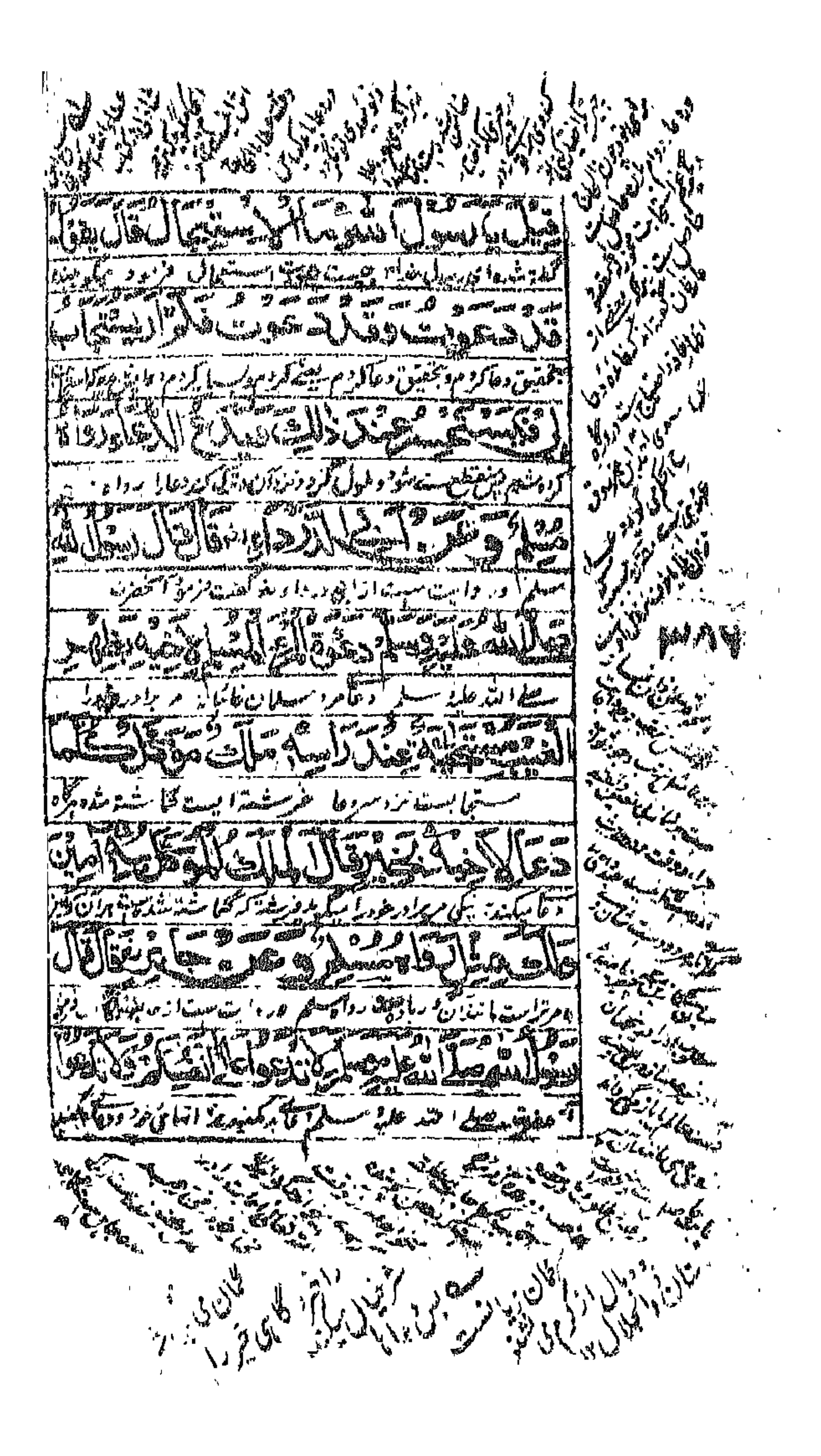
دعا کننده چون دعا کند مرا پس باید که فرمانبرداری کنند برای من و باید که بگروند بمن تا باشد که ایشان

يرشدون عن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

راه یابند روایت است از ابی هریره گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يستجاب للعبد ما لم يدع بإثم أو قطيعة رحم ما لم يستعجل

قبول کرده میشود دعای بنده مادام که دعا نکند به چیزی که بوی گناهکاری شود یا دعا نکند ببریدن خویشی و دعا



قيل يا رسول الله وما الاستعجال قال يقول

گفته شد ای رسول خدا چیست استعجال فرمود میگوید

قد دعوت وقد دعوت فلم ار يستجاب

بتحقیق دعا کردم و بتحقیق دعا کردم پس ندیدم که مستجاب کرده شود

لي فيستحسر عند ذلك ويدع الدعاء رواه

مرا پس ملول شود نزد آن و ترک کند دعا را روایت کرد آنرا

مسلم وعن ابي الدرداء قال قال رسول الله

مسلم و روایت است از ابو درداء گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم دعوة المرء المسلم لاخيه بظهر

صلی الله علیه وسلم دعای مرد مسلمان برای برادر خود در غیبت

الغيب مستجابة عند راسه ملك موكل كلما

مستجاب است نزد سر او فرشته ایست گماشته شده هرگاه

دعا لاخيه بخير قال الملك الموكل به امين

دعا میکند بنیکی برای برادر خود میگوید فرشته گماشته شده آمین

ولك بمثل رواه مسلم وعن جابر قال قال

و برای تست مثل آن روایت کرد آنرا مسلم و روایت است از جابر گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تدعوا على انفسكم ولا تدعوا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم که دعای بد مکنید بر نفسهای خود



وعن أنس قال قال رسول الله صلى الله
عليه وسلم الدعاء مخ العبادة رواه الترمذي

وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله
عليه وسلم ليس شيء أكرم على الله من الدعاء رواه
الترمذي وابن ماجه وعن سلمان الفارسي قال
قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يرد القضاء إلا الدعاء
ولا يزيد في العمر إلا البر رواه الترمذي

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله
و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عليه وسلم إن الدعاء ينفع مما نزل ومما لم
علیه وسلم بدرستیکه دعا سود میدهد از آنچه که فرود آمده است از بلا
ينزل فعليكم عباد الله بالدعاء رواه الترمذي
و از آنچه فرود نیامده است پس بر شما باد ای بندگان خدا بدعا رواه الترمذی
وعن ابن مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله
و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عليه وسلم سلوا الله من فضله فإن الله يحب أن
علیه وسلم سوال کنید خدای تعالی را از فزونی کرم وی زیرا که خدای تعالی دوست
يسئل وأفضل العبادة انتظار الفرج رواه
که سوال کرده شود و افزونترین عبادتها انتظار کشیدن کشایش است رواه
الترمذي وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله
الترمذی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عليه وسلم من لم يسأل الله يغضب عليه رواه الترمذي وعن
علیه وسلم کسیکه سوال نکند و نخواهد از خدا خشم میگیرد وی تعالی بر وی رواه الترمذی
ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من فتح له
و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه کشاده شود برای وی
منكم باب الدعاء فتحت له أبواب الرحمة وما سئل الله
از شما در دعا کشاده شود برای وی درهای رحمت و سوال کرده نشد از خدا تعالی
شيئا يعني أحب إليه من أن يسأل العافية رواه الترمذي وعن
چیزی یعنی چیزی دوستتر نزد وی تعالی از سوال کردن عافیت رواه الترمذی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من سره ان يستجيب

گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه شاد گرداند او را که اجابت کند

الله عند الشدائد فليكثر الدعاء في الرخاء رواه الترمذي

خدا تعالی دعای او را نزد بلاهای سخت پس باید که بسیار کند دعا را در نرمی رواه الترمذی

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ادعوا الله

و هم از وی است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعا کنید خدا را

وانتم موقنون بالاجابة واعلموا ان الله لا يستجيب

و حال آنکه شما یقین کنندگانید باجابت و بدانید که خدا تعالی قبول نمی کند

دعاء من قلب غافل لاه رواه الترمذي وعن

دعا را از دل بیخبر بازی کننده مشغول بغیر حق رواه الترمذی و روایت است از

مالك بن يسار رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

مالک بن یسار رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

اذا سألتم الله فاسئلوا الله ببطون اكفكم ولا تسئلوه

چون سوال کنید از خدا پس سوال کنید او را بباطن کفهای دست خود و سوال مکنید او را

بظهورها وفي رواية ابن عباس قال سلوا الله ببطون

به پشتهای کف دست و در روایت ابن عباس رض گفت آنحضرت سوال کنید از خدا بباطن

اكفكم ولا تسئلوه بظهورها فاذا فرغتم فامسحوا بها

کفهای دست شما و سوال مکنید او را بپشتهای دست خود پس چون فارغ شوید از دعا بمالید بآن

وجوهكم رواه ابو داؤد وعن سلمان رض قال قال

روهای خود را رواه ابو داود و روایت است از سلمان رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم ان ربكم حي كريم يستحيي

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه پروردگار شما حی کریم است شرم دارد

مِنْ عَبْدِهٖ اِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ اِلَيْهِ اَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

از بندہ خود تهیدست ۔ یعنی دارد ہر دو دست خود بسوی پروردگار که باز گرداند دستها بنده را خالی رواه الترمذی

وَاَبُوْدَاوُدَ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ عُمَرَ

و ابوداود و بیهقی در دعوات کبیر و روایت است از عمر رض

قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ

گفت بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون برمیداشت هر دو دست خود را

فِي الدُّعَاءِ لَمْ يَحُطَّهُمَا حَتّٰى يَمْسَحَ بِهِمَا وَجْهَهٗ رَوَاهُ

در دعا فرو نمی آورد هر دو دست خود را تا آنکه مسح میکرد بآنها روی مبارک خود را روا

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

الترمذی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ لَا تُرَدُّ دَعْوَتُهُمُ الصَّائِمُ

صلی الله علیه وسلم سه کس اند که رد کرده نمیشود دعای ایشان یکی از ان روزه دار است

حِيْنَ يُفْطِرُ وَالْاِمَامُ الْعَادِلُ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ يَرْفَعُهَا

در هنگامیکه افطار میکند دوم پادشاه عادل سوم دعای ستم رسیده بر میدارد دعای مظلوم را

اللّٰهُ فَوْقَ الْغَمَامِ وَتُفْتَحُ لَهَا اَبْوَابُ السَّمَاءِ وَيَقُوْلُ الرَّبُّ

خدای تعالی بالای ابر و گشاده می شود برای وی درهای آسمان و میگوید پروردگار

وَعِزَّتِيْ لَاَنْصُرَنَّكِ وَلَوْ بَعْدَ حِيْنٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

سوگند به بزرگی من که هر آئینه یاری میدهم ترا اگرچه باشد پس از روزگاری رواه الترمذی

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثُ

و ازوی مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٌ لَا شَكَّ فِيْهِنَّ دَعْوَةُ الْوَالِدِ وَدَعْوَةُ

[illegible] نیست شک در اجابت آن سه آول دعا کردن پدر فرزند را دوم دعا

[illegible]

المسافر ودعوة المظلوم رواه الترمذي وابوداود

مسافر برای خود یا برای غیر وسوم دعای ستم رسیده رواه الترمذی و ابوداود

وابن ماجة وعن انس رض قال قال رسول الله صلى الله

وابن ماجة وروایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ليسأل احدكم ربه حاجته كلها حتى يسأل

علیه وسلم باید که بخواهد یکی از شما از پروردگار خود حاجت خود را همه تا آنکه بخواهد

شسع نعله اذا انقطع زاد في رواية عن ثابت البناني

دوال نعل خود چون شکسته گردد زیاده کرده است راوی در روایتی از ثابت بنانی

مرسلا حتى يسأله الملح وحتى يسأله شسعه اذا انقطع

بطریق ارسال این عبارت که تا آنکه سوال کند از وی نمک را و تا آنکه سوال کند از وی دوال نعل چون شکسته شود

رواه الترمذي وعن ابي بن كعب رض قال كان رسول الله

رواه الترمذی وروایت است از ابی بن کعب رض گفت بود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا ذكر احدا فدعا له بدأ بنفسه

صلی الله علیه وسلم چون یاد میکرد کسی را پس دعا میکرد او را آغاز میکرد بدعا برای خود

رواه الترمذي وعن ابي سعيد الخدري رض قال ما

رواه الترمذی وروایت است از ابی سعید الخدری رض گفت نیست

من مسلم يدعو بدعوة ليس فيها اثم ولا قطيعة رحم

هیچ مسلمانی که دعا کند بدعائیکه نیست در آن دعا بزه و نه بریدن خویشی

الا اعطاه الله بها احدى ثلث اما ان يعجل له دعوته

مگر آنکه بدهد او را خدا بسبب آن دعا یکی از سه خصلت یا آنکه شتابی میکند برای وی اجابت

واما ان يدخرها له في الآخرة واما ان يصرف عنه

ویا آنکه نگاه میدارد دعا را برای او در آخرت ویا آنکه برمیگرداند از وی

مِنَ السُّوْءِ مِثْلَهَا قَالُوْا إِذًا نُكْثِرُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی اَكْثَرُ

از بدی مانند دعائے کہ کردہ است گفتند صحابہ اکنون کہ دانستیم کہ دعا البتہ مستجاب است بسیار میکنیم دعا را

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ

روایت کرده احمد و روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ خَمْسُ دَعَوَاتٍ يُسْتَجَابُ لَهُنَّ

صلے اللہ علیہ وسلم فرمود پنج دعا است قبول کرده مے شود مر آنہا را

دَعْوَةُ الْمَظْلُوْمِ حَتّٰى يَنْتَصِرَ وَدَعْوَةُ الْحَاجِّ حَتّٰى

یکے دعا رستم رسیده تا آنکہ انتقام میکشد حق تعالے از ستم کننده دوم دعا قصد کننده حج بیت اللہ تا

يَصْدُرَ وَدَعْوَةُ الْمُجَاهِدِ حَتّٰى يَقْعُدَ وَدَعْوَةُ الْمَرِيْضِ

رجوع کند و سوم دعا جہاد کننده تا آنکہ کم میکند اسباب و آلات یعنے فارغ میگردد از جہاد و چہارم دعا بیمار

حَتّٰى يَبْرَأَ وَدَعْوَةُ الْاَخِ لِاَخِيْهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ ثُمَّ قَالَ

تا آنکہ بہ میگردد و پنجم دعا برادر مسلمان برا مسلمان دیگر غائبانہ باز فرمود

وَاَسْرَعُ هٰذِهِ الدَّعَوَاتِ اِجَابَةً دَعْوَةُ الْاَخِ لِاَخِيْهِ بِظَهْرِ

و زود تر این دعا با القبول دعاے برادر مسلمان براے مسلمان دیگر است غائبانہ

الْغَيْبِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعَوَاتِ الْكَبِيْرِ وَعَنْ اَنَسٍ رض قَالَ

روایت کرده بیہقی در دعوات کبیر و روایت است از انس رض گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ دَعَا بِمِائَةِ دَعْوَةٍ

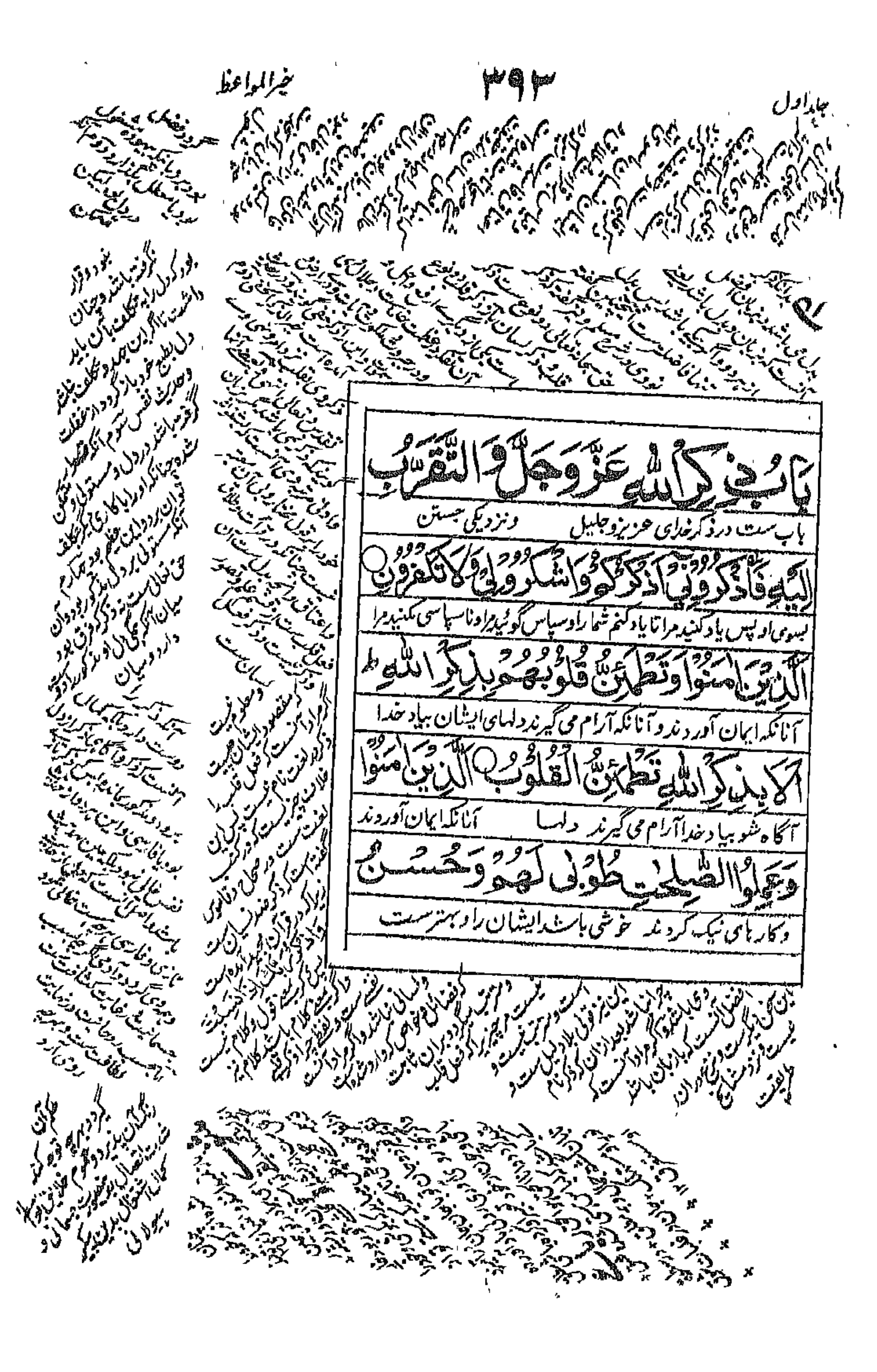
بود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم اگر دعا میکرد صد بار

اِفْتَتَحَهَا وَخَتَمَهَا وَتَوَسَّطَهَا بِرَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

شروع میکرد دعا را و ختم میکرد آن دعا را و در میان آن دعا میگفت باین دعا کہ ربنا اتنا فی الدنیا حسنة

وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ابن النجار جمع الجوامع

و فی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار روایت ابن النجار در جمع الجوامع



باب ذکر الله عزوجل والتقرب

باب ست در ذکر خدای عزیز و جلیل و نزدیکی جستن

الیه فاذکرونی اذکرکم واشکروا لی ولا تکفرون

بسوی او پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را و سپاس گوئید مرا و ناسپاسی مکنید مرا

الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله

آنانکه ایمان آوردند و آنانکه آرام می گیرند دلهای ایشان بیاد خدا

الا بذکر الله تطمئن القلوب الذین آمنوا

آگاه شو بیاد خدا آرام می گیرند دلها آنانکه ایمان آوردند

وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن

و کارهای نیک کردند خوشی باشد ایشان را و بهتر ست

مآب ○ وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهٗ شَيْطٰنًا

جایگاه و هر که غافل شود از یاد خدا بر گماریم برای او شیطان

فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ○ اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوْبُهُمْ

پس آن شیطان او را همنشین بود آیا وقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کنند آنکه خوی کرده باشند دلها

لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض

وقت یاد کردن خدا و وقت یاد آوردن آنچه آمده است از وحی آن و روایت است از ابی هریره رض

وَاَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و از ابی سعید گفتند هر دو که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

لَا يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ اِلَّا حَفَّتْهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ

نه نشینند هیچ گروهی در حالیکه ذکر میکنند خدا را مگر آنکه احاطه میکنند ایشان را ملائکه

وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِيْنَةُ وَ

و می پوشد ایشان را انوار رحمت فرود می آید بر ایشان آسایش و

ذَكَرَهُمُ اللّٰهُ فِيْمَنْ عِنْدَهٗ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یاد میکند ایشان را خدا تعالی در آن جماعتی که نزد او هستند روایت کرده مسلم و روایت است از

اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی موسی رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه و سلم

مَثَلُ الَّذِيْ يَذْكُرُ رَبَّهٗ وَالَّذِيْ لَا يَذْكُرُ رَبَّهٗ مَثَلُ

حال آن کسی که یاد میکند پروردگار خود را و آنکسی که یاد نکند پروردگار خود را حال او مثل

الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ قَالَ

زنده و مرده است متفق علیه و روایت است از ابی ذر گفت

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اللّٰهُ تَعَالٰى

فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که فرماید خدای تعالی

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثَالِهَا وَاَزِيْدُ وَمَنْ جَاءَ

کسیکه بیارد نیکی را یعنی عمل نیک کند پس مر او راست ده چند آن ثواب و بیشتر هم میدهم و کسیکه بیارد

بِالسَّيِّئَةِ فَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ مِّثْلُهَا اَوْ اَغْفِرُ وَمَنْ تَقَرَّبَ

بدی را یعنی عمل بد کند پس پاداش بدی مانند او ست یعنی یک بدی یا می آمرزم و کسیکه نزدیکی جوید

مِنِّيْ شِبْرًا تَقَرَّبْتُ اِلَيْهِ ذِرَاعًا وَّمَنْ تَقَرَّبَ اِلَيَّ ذِرَاعًا

از من مقدار یک شبر نزدیکی جویم من بسوی او مقدار یک ذراع و کسیکه نزدیکی جوید بسوی من یک ذراع

تَقَرَّبْتُ اِلَيْهِ بَاعًا وَّمَنْ اَتَانِيْ يَمْشِيْ اَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً

نزدیکی جویم بسوی وے مقدار یک باع و کسیکه بیاید بر من روان می آیم او را دوان

وَمَنْ لَّقِيَنِيْ بِقُرَابِ الْاَرْضِ خَطِيْئَةً لَا يُشْرِكُ بِيْ شَيْئًا

و کسیکه پیش آید مرا بمقدار زمین و پری آن از روی گناهان که شریک کرده باشد بمن چیزی را

لَقِيْتُهُ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

پیش می آیم او را بمانند آن از روی آمرزیدن رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اللّٰهَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرستیکه الله

تَعَالٰى قَالَ مَنْ عَادٰى لِيْ وَلِيًّا فَقَدْ اٰذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ

تعالی گفت کسیکه دشمن دارد دوستی را از دوستان من پس اذن دهم او را بجنگ

وَمَا تَقَرَّبَ اِلَيَّ عَبْدِيْ بِشَيْءٍ اَحَبَّ اِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ

و نزدیکی نجست بسوی من بنده من بهیچ چیزے که محبوب تر است بسوی من از چیزی که فرض گردانیدم

عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِيْ يَتَقَرَّبُ اِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتّٰى اُحِبَّهُ

بر وے و همیشه است بنده من که نزدیکی جوید بسوی من بنوافل تا آنکه دوست دارم او را

فَاِذَا اَحْبَبْتُهُ فَكُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِيْ يَسْمَعُ بِهٖ وَبَصَرَهُ

پس چون دوست میدارم او را پس میباشم من شنوائی او که می شنود از آن و بینائی او

الَّذِيْ يُبْصِرُ بِهٖ وَيَدَهُ الَّتِيْ يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِيْ

کہ می بیند بآن و بیباشم دست آن کہ میگیرد بآن و بیباشم پای وے کہ

يَمْشِيْ بِهَا وَاِنْ سَاَلَنِيْ لَاُعْطِيَنَّهٗ وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِيْ

راہ میرود بآن و اگر سوال کند از من ہر آئینہ میدہم اورا مطلوب او را و اگر پناہ جوید آن بندہ از من

لَاُعِيْذَنَّهٗ وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ اَنَا فَاعِلُهٗ تَرَدُّدِيْ[ل]

ہر آئینہ پناہ میدہم او را و توقف نمی کنم در چیزے کہ من کنندۂ آنم ہمچو تردد من

عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَاَنَا اَكْرَهُ مَسَاءَتَهٗ وَلَا بُدَّ

از قبض کردن جان مؤمن کہ ناخوش مے دارد مؤمن مرگ را و من ناخوش دارم اندوہگین کردن او را و چارہ

لَهٗ مِنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ رض قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

او را از مرگ روا ہ البخاری وہم از وی مرویست رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ مَلٰٓئِكَةً يَطُوْفُوْنَ فِي الطُّرُقِ

صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ مر خدای را فرشتگانند کہ میگردند در راہ ہا و گرد خانہا

يَلْتَمِسُوْنَ اَهْلَ الذِّكْرِ فَاِذَا وَجَدُوْا قَوْمًا يَّذْكُرُوْنَ اللّٰهَ

میجویند خداوندان ذکر را پس چون حی یابند گروہے را کہ ذکر میکنند خدا را

تَنَادَوْا هَلُمُّوْا اِلٰى حَاجَتِكُمْ قَالَ فَيَحُفُّوْنَهُمْ بِاَجْنِحَتِهِمْ اِلَى

آواز میدہند یکدیگر را و میگویند بیائید بسوی حاجت خود گفت آنحضرت پس گرد آگرد میکنند اہل ذکر را ببالہای خود

السَّمَآءِ الدُّنْيَا قَالَ فَيَسْاَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهُوَ اَعْلَمُ بِهِمْ مَا يَقُوْلُ

تا آسمان دنیا گفت آنحضرت پس مے پرسد فرشتگان را رب ایشان حال آنکہ وی تعالیٰ داناتر است کہ چہ میگویند

عِبَادِيْ قَالُوْا يَقُوْلُوْنَ يُسَبِّحُوْنَكَ وَيُكَبِّرُوْنَكَ وَيَحْمَدُوْنَكَ

بندگان من میگویند فرشتگان کہ بپاکی یاد میکنند ترا و بزرگی میکنند ترا و ثنا می گویند ترا

وَيُمَجِّدُوْنَكَ قَالَ فَيَقُوْلُ هَلْ رَاَوْنِيْ قَالَ فَيَقُوْلُوْنَ لَا

و عظمت می کنند ترا گفت آنحضرت پس میگوید پروردگار آیا دیدہ اند مرا گفت آنحضرت پس میگویند فرشتگان

ل یعنی من بحیثیت محبتی کہ بہ بندۂ خود دارم ترددی کنم در مرگ او بسبب اینکہ وی ناخوش می آید و از مرگ چارہ نیست و البتہ باید مرد و آن نیز موصل است بکرامات و درجات عالی کہ عنقریب بیاید ۱۲

وَاللّٰهِ مَا رَأَوْكَ قَالَ فَيَقُولُ كَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي قَالَ فَيَقُولُونَ

سوگند بخدا ندیده اند ترا گفت آنحضرت پس میگوید حق تعالی چگونه می بود حال ایشان اگر می دیدند مرا گفت آنحضرت پس میگویند

لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً وَأَشَدَّ لَكَ تَمْجِيدًا

اگر می دیدند ترا می بودند سخت تر در عبادت کردن مر ترا و سخت تر در تعظیم کردن مر ترا

وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا قَالَ فَيَقُولُ فَمَا يَسْأَلُونَ قَالُوا يَسْأَلُونَكَ

و بیشتر در تسبیح کردن مر ترا گفت آنحضرت پس میگوید حق تعالی پس چه چیز میخواهند میگویند فرشتگان میخواهند از تو

الْجَنَّةَ قَالَ يَقُولُ وَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لَا وَاللّٰهِ

بهشت را گفت آنحضرت میگوید حق تعالی آیا دیده اند بهشت را گفت آنحضرت میگویند فرشتگان نه سوگند بخدا

يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

ای پروردگار ندیده اند گفت آنحضرت میگوید حق تعالی پس چگونه بود اگر می دیدند بهشت را گفت آنحضرت میگویند

لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا وَأَشَدَّ لَهَا

اگر می دیدند بهشت را می بودند سخت تر از روی حرص کردن در آن و می بودند سخت تر از روی طلب

طَلَبًا وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً قَالَ فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ قَالَ

و می بودند بزرگتر از روی رغبت کردن در آن میگوید حق تعالی پس از چه چیز پناه میجویند گفت آنحضرت

يَقُولُونَ مِنَ النَّارِ قَالَ يَقُولُ فَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ

میگویند فرشتگان پناه میجویند از آتش دوزخ گفت میگوید حق تعالی آیا دیده اند دوزخ را گفت میگویند

لَا وَاللّٰهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا قَالَ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ

سوگند بخدا ندیده اند او را ای پروردگار میگوید حق تعالی چه حال باشد اگر می دیدند گفت

يَقُولُونَ لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا وَأَشَدَّ لَهَا

میگویند فرشتگان اگر می دیدند آتش را می بودند سخت تر از روی گریختن از آن و ترا می بودند سخت تر

مَخَافَةً قَالَ فَيَقُولُ فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ قَالَ

از روی ترسیدن مر آنرا گفت پس میگوید حق تعالی پس گواه میگیرم شما را بدرستیکه آمرزیدم ایشان را گفت

يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ فِيهِمْ فُلَانٌ لَيْسَ مِنْهُمْ إِنَّمَا جَاءَ

میگوید فرشته از فرشتگان که در ایشان فلانست که نیست از ایشان که نیامده است مگر

لِحَاجَةٍ قَالَ هُمُ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْقٰى جَلِيسُهُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

از جهت کاری دیگر گفت خدا تعالی این قوم همنشینان اند بدبخت نمی شود همنشین ایشان رواه البخاری

وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ بُسْرٍ رض قَالَ جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ

و روایت است از عبد الله بن بسر رض گفت آمد بادیه نشینی نزد پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ فَقَالَ طُوبٰى

صلی الله علیه وسلم پس گفت کدام از مردمان بهتر است پس گفت آنحضرت خوشی باد

لِمَنْ طَالَ عُمْرُهُ وَحَسُنَ عَمَلُهُ قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَيُّ الْأَعْمَالِ

هر کسی را که دراز شد عمر وی و نیک شد کردار وی گفت آن اعرابی یا رسول الله کدام عملها است

أَفْضَلُ قَالَ أَنْ تُفَارِقَ الدُّنْيَا وَلِسَانُكَ رَطْبٌ مِنْ ذِكْرِ

که زیاده تر است ثواب آن گفت آنحضرت اینست که جدا شوی دنیا را و بمیری در حالیکه زبان تو تر بود از ذکر

اللّٰهِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

خدا رواه احمد والترمذی و روایت است از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ قَوْمٍ يَقُومُونَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ گروهی که برخیزند

مِنْ مَجْلِسٍ لَا يَذْكُرُونَ اللّٰهَ فِيهِ إِلَّا قَامُوا عَنْ مِثْلِ

از مجلس و ذکر نکنند خدا را در آن مجلس مگر آنکه برخیزند از مانند

جِيفَةِ حِمَارٍ وَكَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُو دَاوُدَ

مردار خر و باشد بر ایشان موجب حسرت رواه احمد و ابو داود

وَعَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ام حبیبه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم كل كلام ابن آدم عليه لا له إلا أمر

علیه وسلم هر سخن آدمی زیانست بر وے نه سودی مراو را مگر امر کردن بچیزی

بمعروف أو نهي عن منكر أو ذكر الله رواه الترمذي

بامر مشروع یا باز داشتن از نامشروع یا ذکر خدا تعالی رواه الترمذی

وابن ماجة وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى

و ابن ماجه و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم لا تكثروا الكلام بغير ذكر الله فإن

الله علیه وسلم بسیار مگوئید سخن را بے ذکر خدا پس تحقیق

كثرة الكلام بغير ذكر الله قسوة للقلب وإن أبعد

بسیاری سخن بے ذکر خدا سختی است مر دل را و بدرستیکه دورترین

الناس من الله القلب القاسي رواه الترمذي

مردم از خدا صاحب دل سخت است رواه الترمذی

وعن ابن عباس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

الشيطان جاثم على قلب ابن آدم فإذا ذكر الله

شیطان دو زانو نشسته است بر دل فرزند آدم پس چون ذکر می کند خدا را

خنس وإذا غفل وسوس رواه البخاري تعليقا

جدا میگردد شیطان و چون غافل می شود وسواس میدهد روایت کرد آنرا بخاری بطریق تعلیق

وعن مالك قال بلغني أن رسول الله صلى الله

و روایت است از مالک گفت رسید مرا که پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم كان يقول ذاكر الله في الغافلين

علیه وسلم بود که میگفت ذکر کننده خدا در میان غافلان

كَالْمُقَاتِلِ خَلْفَ الْفَارِّيْنَ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ كَغُصْنٍ

مانند قتال کننده است از پس گریزندگان و ذکر کننده خدا درمیان غافلان ایجو شاخ

أَخْضَرَ فِي شَجَرٍ يَابِسٍ وَفِي رِوَايَةٍ مِثْلُ الشَّجَرَةِ الْخَضْرَاءِ

سبز است در درخت خشک و در روایتی گفته مانند درخت سبز است

فِي وَسَطِ الشَّجَرِ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ مِثْلُ مِصْبَاحٍ

درمیان درختان خشک و ذکر کننده خدا درمیان غافلان مانند چراغ است

فِي بَيْتٍ مُظْلِمٍ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ يُرِيْهِ اللهُ مَقْعَدَهُ

در خانه تاریک و ذکر کننده خدا درمیان غافلان مینماید او را خدا جای نشست او را

مِنَ الْجَنَّةِ وَهُوَ حَيٌّ وَذَاكِرُ اللهِ فِي الْغَافِلِيْنَ يُغْفَرُ لَهُ

در بهشت و او زنده است و ذکر کننده خدا درمیان غافلان آمرزیده می شود او را

بِعَدَدِ كُلِّ فَصِيْحٍ وَأَعْجَمَ وَالْفَصِيْحُ بَنُوْ آدَمَ وَالْأَعْجَمُ

گناهان بشمار هر گویا و ناگویا مراد بفصیح آدمیان اند و مراد باعجم

الْبَهَائِمُ رَوَاهُ رَزِيْنٌ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

چهار پایها اند روایت کرده او را رزین و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللهَ تَعَالَى يَقُوْلُ أَنَا

آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرستیکه خدای تعالی می گوید من

مَعَ عَبْدِيْ إِذَا ذَكَرَنِيْ وَتَحَرَّكَتْ بِيْ شَفَتَاهُ رَوَاهُ

با بندهٔ خودم برحسب گمان او وقتیکه ذکر میکند مرا و می جنبانند بذکر من هر دو لب خود را روایت

الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ

البخاری و روایت است از عبد الله بن عمر رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ لِكُلِّ شَيْءٍ صِقَالَةٌ وَصِقَالَةُ

علیه و سلم که آنحضرت بود که میگفت مر هر چیز را که زنگ میگیرد مصقله است و مصقله

القلوب ذكر الله وما من شيء انجى من عذاب الله

دلها ذکر خدا است و نیست هیچ چیزی نجات دهنده تر از عذاب خدا

من ذكر الله قالوا ولا الجهاد في سبيل الله قال ولا

از ذکر خدا تعالی گفتند صحابه و نه جهاد کردن در راه خدا گفت آنحضرت و نه اینکه

ان يضرب بسيفه حتى ينقطع رواه البيهقي

کارزار کند بشمشیر خود تا آنکه منقطع شود یعنی شکسته شود رواه البیهقی

في الدعوات الكبير

در دعوات الکبیر

باب اسماء الله تعالى الحسنى

هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة

اوست آنخدا که نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا

هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو

اوست بخشاینده مهربان اوست آنخدا که نیست هیچ معبود مگر او

الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز

پادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیبها امن دهنده نگاهبان غالب

الجبار المتكبر سبحن الله عما يشركون ○ هو الله

اصلاح کننده کارها بندها بزرگوار پاکی خدا راست از شریک مقرر کردن ایشان اوست خدا

الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح

آفریدگار نو پدید آرنده نگاه دارنده او راست نامهای نیک بپاکی یاد میکنند

له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ○

او را هرچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب با حکمت

تخلقوا باخلاق الله ۱۲ ع جزء ۹ رکوع ۱۲ — بعد جزء ۱۶ رکوع اول سوره طه —

وَلِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِيْنَ

و خدا یراست نامهای نیک پس بخوانید او را بآن نامها و بگذارید آنان

يُلْحِدُوْنَ فِيْ اَسْمَآئِهٖ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

که کجروی میکنند در نامهای خدا داده خواهد شد سزا ایشان را جزا آنچه میکردند

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ۸

آنخدا یکه نیست هیچ معبود مگر او مر او راست نامهای نیک

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ تِسْعَةً وَّتِسْعِيْنَ اِسْمًا

الله علیه وسلم بدرستیکه خدایتعالی را نود و نه نام است

من احصاها دخل الجنة هو الله الذی لا اله الا هو

کسیکه یاد گیرد آن اسماء را در آید بهشت، اوست خدا ئے که نیست هیچ معبود مگر اوست

الرحمن الرحیم الملک القدوس السلام

این دو اسم مشتق از رحمت اند و رحمن ابلغ　پادشاه حقیقے　نهایت پاک　سالم از همه عیبها

المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر

امن دهنده　نگاهبان　غالب　اصلاح کننده کارهائے بندگان را　بزرگوار

الخالق البارئ المصور الغفار القهار

آفریدگار　نو پیدا آرنده　صورت دهنده در رحم　آمرزنده گناهان　غالب شکننده پشت

الوهاب الرزاق الفتاح العلیم القابض

عطا کننده　رزق دهنده　کشاینده درهائے رحمت　عالم هست بآشکارا و نهان　قبض و تنگی کننده

الباسط الخافض الرافع المعز المذل

بسط و فراخی کننده　فرو آرنده کافران را　بردارنده مومنان را　عزیز گردانند　و ذلیل گردانند

السمیع البصیر الحکم العدل اللطیف

شنوا است نه بگوش　و بینا است نه بچشم　حاکم　داد دهنده　لطیف و نرمی کننده

الخبیر الحلیم العظیم الغفور الشکور

خبردار　بردبار　بزرگ　بخشنده گناهان را　ثواب جزیل دهنده

العلی الکبیر الحفیظ المقیت الحسیب

بلند تر از همه　مرتبه بزرگ　نگاه دارنده　خالق اقوات و رساننده آن　کافی

الجلیل الکریم الرقیب المجیب الواسع

بزرگ قدر　بزرگ و عزیز　نگاهبان　اجابت کننده دعا　کشادگی دهنده

الحکیم الودود المجید الباعث الشهید الحق

صاحب حکمت　دوست دارنده　بسیار بزرگ　برانگیزنده مرده ها را از گورها　حاضر یا گواه بر ظاهر و باطن　ثابت

الوكيل	القوي	المتين	الولي	الحميد
وکیل کہ زمام تصرف بدست اوست	توانا	استوار	محب	ستوده
المحصي	المبدئ	المعيد	المحيي	المميت
دانندہ بتفصیل اشیاء	ابتدا کننده	اعاده کننده	زنده کننده	میراننده
الحي	القيوم	الواجد	الماجد	الواحد
زنده ازلی	قائم بذات خود	واجب الوجود	بمعنی مجید	یکیست بذات خود
الاحد	الصمد	القادر	المقتدر	المقدم
یکے بصفات خود	بے نیاز	ونیز صاحب قدرت	صاحب اقتدار	پیش کننده
المؤخر	الاول	الآخر	الظاهر	الباطن
پس کننده	اول ازلی	آخر ابدی	ظاهر بوجود او بآیات	باطن
الوالي	المتعالي	البر	التواب	المنتقم
یاری کننده	بلند قدر	نکوئی کننده	رجوع برحمت کننده	پاداش کننده
العفو	الرؤوف	مالك الملك	ذو الجلال والاكرام	
درگذرنده از سیئات	احسان کننده	نافذ است حکم او در مملکت	صاحب جلال و صاحب کرامت	
المقسط	الجامع	الغني	المغني	المعطي
عادل	جمع کننده خلق را	بے نیاز	بے نیاز کننده	عطا کننده
المانع	الضار	النافع	النور	الهادي
منع کننده	خالق ضرر	خالق نفع	منور	هدایت کننده
البديع	الباقي	الوارث	الرشيد	الصبور
بے مثل و بے مانند	دایم الوجود	باقی بعد فناے موجودات	ارشاد دهنده	شکیبائی کننده

رواه الترمذي والبيهقي في الدعوات الكبير

روایه الترمذی وبیهقی در دعوات الکبیر

وعن اسماء بنت يزيد ان النبي صلى الله عليه

روایت است از اسماء بنت یزید بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال اسم الله الاعظم في هاتين الآيتين والهكم

وسلم گفت اسم اعظم درین دو آیت است یکے اینست که الهکم

اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم وفاتحة آل عمران

اله واحد تا آخر ودر اول سورهٔ آل عمران که اینست

الم الله لا اله الا هو الحي القيوم رواه الترمذي

الم الله لا اله الا هو الحی القیوم رواه الترمذی

وابوداود وابن ماجة والدارمي وعن سعد رض

وابوداود وابن ماجه والدارمی وروایت است از سعد رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم دعوة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دعائے

ذي النون اذ دعا ربه وهو في بطن الحوت

یونس علیه السلام وقتیکه دعا کرد پروردگار خود را وحال آنکه وے در شکم ماهی بود

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين

لا اله الا انت تا آخر است

لم يدع بها رجل مسلم في شيء الا استجاب له

دعا نکرد بوے هیچ مردے مسلمان در هیچ چیز مگر آنکه قبول کرد خدا تعالی دعاء وے

رواه احمد والترمذي وعن جابر رض قال قال

رواه احمد والترمذی وروایت است از جابر رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال سبحان الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر کسے که گوید سبحان الله

الم الله لا اله الا هو الحی القیوم بیان روایت اسم اعظم الرحمن الرحیم والحی القیوم

الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهٖ غُرِسَتْ لَهٗ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ رَوَاهُ

العظیم وبحمدہ نشانده شود براے وے درخت خرما در بہشت روایت

التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ الزُّبَيْرِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

الترمذی ورروایت است از زبیر رض گفت فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ صَبَاحٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيْهِ إِلَّا

اللہ علیہ وسلم نیست ہیچ صباحے کہ صبح میکنند در وے بندگان مگر آنکہ

مُنَادٍ يُنَادِيْ سَبِّحُوا الْمَلِكَ الْقُدُّوْسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

آواز کننده یعنے فرشتہ آواز میکند تسبیح و تنزیہ کنید خدا را کہ پادشاہ مالک الملک پاک از جمیع نقائص است

وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدِ نِ الْخُدْرِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ورروایت است از ابی سعید الخدری رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مُوْسٰى يَا رَبِّ عَلِّمْنِيْ شَيْئًا

صلے اللہ علیہ وسلم گفت موسی علیہ السلام اے پروردگار من بیاموز مرا چیزے

أَذْكُرُكَ بِهٖ أَوْ أَدْعُوْكَ بِهٖ فَقَالَ يَا مُوْسٰى قُلْ لَا إِلٰهَ

کہ ذکر کنم ترا بدان چیز یا بخوانم ترا بآن چیز شک راوی است پس فرمود حق تعالی اے موسی بگو لا اله

إِلَّا اللّٰهُ فَقَالَ يَا رَبِّ كُلُّ عِبَادِكَ يَقُوْلُ هٰذَا إِنَّمَا أُرِيْدُ

الا اللہ پس گفت موسی اے پروردگار من ہر بندہ تو میگوید این را ہمیں خواہم من

شَيْئًا تَخُصُّنِيْ بِهٖ قَالَ يَا مُوْسٰى لَوْ أَنَّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعَ

چیزے را کہ مخصوص و ممتاز گردانی تو مرا بدان چیز گفت حق تعالی اے موسی اگر ثابت شود کہ ہفت

وَعَامِرَهُنَّ غَيْرِيْ وَالْأَرْضِيْنَ السَّبْعَ وُضِعْنَ فِيْ كِفَّةٍ

و آباد دارندگان آنہا جز من یعنے عام اہل آسمان و ہفت زمین نہادہ شوند در یک

وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ فِيْ كِفَّةٍ لَمَالَتْ بِهِنَّ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ

پلہ نہادہ شود لا الہ الا اللہ در پلہ دیگر از ترازو ہر آئینہ میل می کند کلمہ لا الہ الا اللہ و راجح می آید روایت کرد این حدیث را

باب ثواب التسبيح والتحميد والتكبير والتهليل

يسبح لله ما في السموات وما في الارض الملك

بپاکی یاد میکند خدا را هر آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است خدا است پادشاه

القدوس العزيز الحكيم ٥ فسبح باسم ربك العظيم

نهایت پاک غالب باحکمت پس بپاکی یاد کن نام پروردگار بزرگ خود را

تسبح له السموات السبع والارض ومن فيهن وان

بپاکی یاد میکنند او را آسمانهای هفتگانه و زمین و هرکه درمیان اینهاست ونیست

من شيء الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم

هیچ چیز مگر بپاکی یاد میکند باستایش او ولیکن شما نمی فهمید یاد کردن ایشان را

انه كان حليما غفورا عن ابي هريرة رض قال

هر آئینه وے هست بردبار آمرزگار روایت است از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لان اقول سبحان الله

فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم هر آئینه گفتن این چهار کلمه را

والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر احب الي مما

دوست داشته شده تر است بسوے من از آنچه

طلعت عليه الشمس رواه مسلم وعنه قال قال

که برآمده است بروے آفتاب یعنی از دنیا وما فیها روایه مسلم وهم ازوی مرویست گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من قال سبحان الله

آنحضرت صلى الله عليه وسلم کسیکه بگوید این دو کلمه را

وبحمده في يوم مائة مرة حطت خطاياه وان كانت

در روزے صد بار انداخته شود و کم کرده شود گناهان او واگرچه باشد گناهان او

مثل زبد البحر متفق علیه وعنه قال قال رسول الله

مانند کف دریا در کثرت متفق علیه وهم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم کلمتان خفیفتان علی اللسان

صلی الله علیه وسلم دو کلمه اند سبک بر زبان

ثقیلتان فی المیزان حبیبتان الی الرحمن سبحان الله

گران در میزان اعمال محبوب اند بسوے رحمن وآن سبحان الله

وبحمده سبحان الله العظیم متفق علیه وعن ابی هریرة

وبحمده سبحان الله العظیم است متفق علیه وروایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من قال لا اله الا الله

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسے که بگوید این کلمه را

وحده لا شریك له له الملك وله الحمد وهو علی کل

شیء قدیر فی یوم مائة مرة کانت له عدل عشر

در روز صد بار باشد مر او را برابر ثواب ده برده

رقاب وکتبت له مائة حسنة ومحیت عنه مائة سیئة

که آزاد کرده باشد ونوشته شود برائے وے صد نیکی ومحو کرده شود از وے صد بدی

وکانت له حرزا من الشیطان یومه ذلك حتی یمسی

وباشد این کلمات مر او را پناه از شیطان وشر وے در آن روز که گفته است تا آنکه شبانگاه کند

ولم یأت احد بافضل مما جاء به الا رجل عمل اکثر

ونیارد هیچ کسے عمل فاضلتر از آنچه آورده است او مگر مردے که عمل کرد بیشتر

منه متفق علیه وعن عمرو بن شعیب رض عن ابیه

از آنچه که او کرده است متفق علیه وروایت است از عمرو بن شعیب رض از پدر خود

عَنْ جَدِّهٖ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَبَّحَ

واو از جد عمرو گفت عمرو فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه پاکی یاد کند

اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ حَجَّ مِائَةَ

خدا را وبگوید سبحان الله صد بار در صبح وصد بار در شبانگاه باشد همچو کسیکه حج گذارده است صد

حَجَّةٍ وَمَنْ حَمِدَ اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ

حج وکسیکه حمد گوید خدا را وبگوید الحمد لله صد بار در بامداد وصد بار در شبانگاه

كَانَ كَمَنْ حَمَلَ عَلٰى مِائَةِ فَرَسٍ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَنْ هَلَّلَ

باشد همچو کسیکه سوار کرده است مردم را بر صد اسب در راه خدا وکسیکه تهلیل کند وبگوید لا اله الا الله

اللّٰهَ مِائَةً بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ

صد بار در بامداد وصد بار در شبانگاه باشد همچو کسیکه آزاد کرده باشد

مِائَةَ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمٰعِيْلَ وَمَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ مِائَةً

صد برده را از اولاد اسمعیل وکسیکه به بزرگی یاد کند خدا را وبگوید الله اکبر صد بار

بِالْغَدَاةِ وَمِائَةً بِالْعَشِيِّ لَمْ يَأْتِ فِيْ ذٰلِكَ الْيَوْمِ

در بامداد وصد بار در شبانگاه نیارد در این روز هیچ یکی عمل

أَحَدٌ بِأَكْثَرَ مِمَّا أَتٰى بِهٖ إِلَّا مَنْ قَالَ مِثْلَ ذٰلِكَ أَوْ

بیشتر از آنچه آورده است آنکس آنرا مگر کسیکه گفته است مثل آن یا

زَادَ عَلٰى مَا قَالَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ يُسَيْرَةَ

زیاده کرده است بر آنچه او گفته است روایه الترمذی وروایت است از یسیره وبنته یاسر

وَكَانَتْ مِنَ الْمُهَاجِرَاتِ قَالَتْ قَالَ لَنَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

و بود از کسانیکه هجرت کرده بودند گفت فرمود مارا آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكُنَّ بِالتَّسْبِيْحِ وَالتَّهْلِيْلِ وَالتَّقْدِيْسِ

الله علیه وسلم بر شما باد ای جماعه زنان که یاد کنید خدا را بتسبیح وبگفتن لا اله الا الله و بتقدیس یعنی قدوس سبحان رب الملائکة والروح

وَاعْقِدْنَ بِالْأَنَامِلِ فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ

وعقد کنید و گره بندید بسر انگشتان زیرا که بدرستی که انامل و اصابع پرسیده می شوند روز قیامت

وَلَا تَغْفُلْنَ فَتَنْسَيْنَ الرَّحْمَةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَأَبُو دَاوُدَ

و غافل مباشید از ذکر زبان از ذکر خدا پس فراموش کرده شوید و محروم گردانیده شوید از رحمت رواه الترمذی و ابوداود

وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از انس رض بدرستی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ يَابِسَةِ الْوَرَقِ فَضَرَبَهَا بِعَصَاهُ

گذشت بر درخت خشک برگها پس زد آن درخت را بچوبی که در دست آنحضرت بود

فَتَنَاثَرَ الْوَرَقُ فَقَالَ إِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ

پس افتاد برگها پس گفت آنحضرت که این کلمات

وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ لَتُسَاقِطُ ذُنُوبَ الْعَبْدِ كَمَا

می افگنند گناهان بنده را چنانکه

يَتَسَاقَطُ وَرَقُ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

میریزد برگهای این درخت رواه الترمذی

وَعَنْ مَكْحُولٍ رض عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ

و روایت است از مکحول رض از ابی هریره رض گفت ابوهریره فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

صلی الله علیه وسلم مرا که بسیار گو لاحول ولا قوة

إِلَّا بِاللّٰهِ فَإِنَّهَا مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ قَالَ مَكْحُولٌ فَمَنْ قَالَ لَا حَوْلَ

الا بالله پس زیرا که آن کلمات از گنج بهشت است گفت مکحول پس کسیکه گوید لاحول

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا مَنْجَا مِنَ اللّٰهِ إِلَّا إِلَيْهِ كَشَفَ اللّٰهُ عَنْهُ

ولا قوة الا بالله و نیست رستگاری از خدا مگر بسوی او تعالی می کشاید [illegible]

سَبْعِيْنَ بَابًا مِنَ الضُّرِّ اَدْنَاهَا الْفَقْرُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

هفتاد دربا از ضرر که ادنا آنها فقر است رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ

وَسَلَّمَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ دَوَاءٌ مِنْ تِسْعَةٍ وَّتِسْعِيْنَ

وسلم که این کلمات دوا است از نود و نه

دَاءً اَيْسَرُهَا الْهَمُّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي الدَّعْوَاتِ الْكَبِيْرِ

درد آسان ترین آن درد ها اندوه است رواه البیہقی در دعوات الکبیر

كِتَابُ الْحَجِّ

وَاَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ ۭ اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَّعْلُوْمٰتٌ

و تمام کنید حج و عمرہ را برائے خدا حج در وقت است بماه ہای دانسته شده

فَمَنْ فَرَضَ فِيْهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوْقَ وَلَا جِدَالَ

پس ہر که لازم کرد بر خود در یں ماہ حج را یعنی احرام بست پس مخالطت زنان جائز نیست

فِي الْحَجِّ ۭ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ يَّعْلَمْهُ اللّٰهُ ۭ وَتَزَوَّدُوْا فَاِنَّ

در حج و ہر چه میکنید از نیکی می داند او را خدا تعالی و توشه ہمراه گیرید بدرستیکه

خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى ۡ وَاتَّقُوْنِ يٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ ۝ وَلِلّٰهِ

بہترین فواید توشه پرہیزگاری است و بترسید از من ای خداوندان خرد و حق خدا است

عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا ۭ

بر مردمان حج خانه کعبه ہر که توانائی دارد برفتن بسوی آن از جهت اسباب راه

وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ۝

و ہر که کافر شود پس ہر آئینه خدا بے نیاز است از عالمیان

وعن ابي هريرة رض قال سئل رسول الله صلى الله
وروايت است از ابي هريره رض گفت پرسيده شد آنحضرت صلى الله
عليه وسلم اي العمل افضل قال ايمان بالله ورسوله
عليه وسلم كه كدام كار افزون تر است در ثواب فرمود آنحضرت فاضل ترين اعمال ايمان بخدا و رسول
قيل ثم ماذا قال الجهاد في سبيل الله قيل ثم ماذا
گفته شد پس باز كدام عمل بهتر است فرمود آنحضرت كارزار كردن در راه خداست گفته شد پستر كدام عمل
قال حج مبرور وعنه قال قال رسول الله صلى الله
فرمود آنحضرت حج مقبول وروايت است از وى گفت فرمود آنحضرت صلى الله
عليه وسلم من حج لله فلم يرفث ولم يفسق رجع
عليه وسلم كسيكه حج كند براى خدا نه براى ريا وسمعه پس فحش نكند و فسق نورزد باز گردد
كيوم ولدته امه متفق عليه وعنه قال قال
پاک از گناهان همچو پاک بودن او در روزيكه زائيده است او را مادر او وروايت است از وى گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم العمرة الى العمرة
آنحضرت صلى الله عليه وسلم عمره تا عمره ديگر
كفارة لما بينهما والحج المبرور ليس له جزاء الا
كفارتست مر گناهان را كه واقع شوند ميان آن دو عمره و حج مقبول نيست مر او را جزا مگر
الجنة متفق عليه وعن ابن عباس رض قال قال
بهشت متفق عليه وروايت است از ابن عباس رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم ان عمرة في رمضان
آنحضرت صلى الله عليه وسلم كه بدرستيكه عمره كردن در رمضان
تعدل حجة متفق عليه وعن علي رض قال قال
برابر حج است متفق عليه وروايت است از علي رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من ملك زادا وراحلة

آنحضرت صلى الله عليه وسلم کسیکه مالک باشد توشه راه و اهل عیال سواری

تبلغه الى بيت الله ولم يحج فلا عليه ان يموت يهوديا

که برساند او را تا خانه خدا و حج نکرد پس نیست تفاوت برو که بمیرد کافر بمیرد یهود یا

او نصرانيا وذلك ان الله تبارك وتعالى يقول ولله

بردین نصاری و این وعید بجهت آنست که خدای تبارک و تعالی میگوید و حق است مرخدا را

على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا رواه

بر مردم قصد خانه کعبه بر هر که میتواند راه رفتن بسوی وی رواه

الترمذي وعن ابن عباس رض قال قال رسول الله

الترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لا صرورة في الاسلام رواه

صلی الله علیه وسلم نمی باید مسلمانرا که ترک حج و ترک تزوج کند رواه

ابو داود وعنه قال قال رسول الله صلى الله

ابو داود و هم از وی روایت گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله

عليه وسلم من اراد الحج فليعجل رواه ابو داود والدارمي

علیه وسلم کسیکه خواهد حج را و قادر باشد برادا پس باید که شتابی کند و فرصت غنیمت داند رواه

وعن ابن مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم تابعوا بين الحج والعمرة فانهما ينفيان

علیه وسلم متابعت کنید میان حج و عمره یعنی بکنید هر یکے را بعد از دیگرے پس بدرستیکه حج و عمره دور میکنند

الفقر والذنوب كما ينفي الكير خبث الحديد والذهب

فقر را و گناهان را چنانکه دور میکند بهبهای آهنگر ریم و چرک آهن و زر

وَالْفِضَّةِ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ رَوَاهُ

سیم را و نیست مر حج مبرور را ثواب مگر بهشت روواه

التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض كَانَ أَهْلُ

الترمذی والنسائی و روایت است از ابن عباس رض گفت ابن عباس بودند اهل

الْيَمَنِ يَحُجُّونَ فَلَا يَتَزَوَّدُونَ وَيَقُولُونَ نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ

یمن می برآمدند بحج پس توشه نمی بر داشتند و می گفتند ما متوکلانیم

فَإِذَا قَدِمُوا مَكَّةَ سَأَلُوا النَّاسَ فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سُبْحَانَهُ

پس وقتیکه می آمدند بمکه معظمه سوال میکردند از مردم پس وحی فرستاد خدا تعالی این آیت را

وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

یعنی توشه بر دارید و پرهیز کنید از سوال زیرا که تقوے بهترین توشه است رواه البخاری

وَعَنْ عَائِشَةَ رض قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ عَلَى النِّسَاءِ

و روایت است از عائشه رض گفتم اے پیغمبر خدا آیا بر زنان

جِهَادٌ قَالَ نَعَمْ عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ لَا قِتَالَ فِيهِ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ

جهاد است گفت آنحضرت آرے بر زنان جهادی است که نیست قتال در وے و آن حج و عمره است

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ رض قَالَ قَالَ

رواه ابن ماجه و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنَ الْحَجِّ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکه باز ندارد اورا از حج

حَاجَةٌ ظَاهِرَةٌ أَوْ سُلْطَانٌ جَائِرٌ أَوْ مَرَضٌ حَابِسٌ فَمَاتَ

حاجتی ظاهر که عدم زاد و راحله است یا قهرمان ستمگر پادشاه یا بیماری بازدارنده یعنی نتواند بآن سفر

وَلَمْ يَحُجَّ فَلْيَمُتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا وَإِنْ شَاءَ نَصْرَانِيًّا

و حج نکرد پس گو بمیرد آنکس اگر خواهد یهودی و اگر خواهد نصرانی

رواه الدارمي وعن ابي هريرة رض عن النبي صلى

روایت الدارمی و روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی

الله عليه وسلم انه قال الحاج والعمار وفد الله

الله علیه وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود که حج کنندگان و عمره برآرندگان قدوم آرندگانند و رسیدگانند

ان دعوه اجابهم وان استغفروه غفر لهم رواه

اگر دعا میکنند خدا را اجابت میکند ایشان را و اگر طلب آمرزش کنند او را آمرزد ایشان را رواه

ابن ماجة وعنه قال سمعت رسول الله صلى الله

ابن ماجه و هم از وی مرویست که گفت ابو هریره شنیدم آنحضرت را صلی الله

عليه وسلم يقول وفد الله ثلثة الغازي والحاج

علیه وسلم که میگفت وفد خدا سه است یکی غازی دوم حج کننده

والمعتمر رواه النسائي والبيهقي في شعب الايمان

سوم عمره بجا آرنده رواه النسائی والبیهقی در شعب الایمان

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم اذا لقيت الحاج فسلم عليه وصافحه ومره

وسلم چون به بینی حاج را پس سلام کن بر وی و دست وی را بگیر و امر نما او را

ان يستغفر لك قبل ان يدخل بيته فانه مغفور له

که طلب آمرزش کند برای تو پیش از آنکه در آید خانه خود را زیرا که وی آمرزیده شده است مر او را

رواه احمد وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

رواه احمد و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من خرج حاجا او معتمرا او غازيا

صلی الله علیه وسلم کسیکه برآمد حج یا عمره یا غزا

ثم مات في طريقه كتب الله له اجر الغازي والحاج

پس مرد در راه آن می نویسد خدا تعالی برای او را اجر غزا کننده و حج گذارنده

والمعتمر رواه البيهقي في شعب الايمان وعن سهل

و عمره بر آرنده رواه البیهقی در شعب ایمان و روایت است از سهل

بن سعد قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من

بن سعد ساعدی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ

مسلم يلبي الا لبى من عن يمينه وشماله من حجر او

مسلمانی که تلبیه میکند مگر آنکه تلبیه میکند کسیکه از جانب دست راست او و دست چپ او از سنگ یا

شجر او مدر حتى تنقطع الارض من ههنا رواه

درخت یا کلوخ تا آنکه منتهی میگردد زمین از اینجا و از اینجا عبارتست از منتها زمین رواه

الترمذي وابن ماجة وعن عائشة رض قالت ان

الترمذی و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت عائشه بدرستیکه

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ما من يوم اكثر

آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیست هیچ روزے بیشتر

من ان يعتق الله فيه عبدا من النار من يوم عرفة

از آزاد کردن خدا تعالی در آن از بنده را از آتش دوزخ از روز عرفه

وانه ليدنو ثم يباهي بهم الملائكة فيقول ما اراد

و بدرستیکه وی تعالی نزدیک می شود برحمت و مغفرت پس مفاخرت میکند به بندگان که حاضر اند بموقف ملائکه را

هؤلاء رواه مسلم وعن عمرو بن شعيب عن

این بندگان من رواه مسلم و روایت است از عمرو بن شعیب از

ابيه عن جده ان النبي صلى الله عليه وسلم قال

پدر خود و از جد عمرو بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

خير الدعاء دعاء يوم عرفة وخير ما قلت انا والنبيون

بهترین دعاها دعای روز عرفه است و بهترین دعائے و ذکریکه گفتم من و پیغمبرانے

من قبلي لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك

که پیش از من بوده اند اینست از لا اله الا الله تا قدیر

وله الحمد وهو على كل شيء قدير رواه الترمذي

روایت کرد ترمذی

وعن طلحة بن عبيد الله بن كريز ان رسول الله

و روایت است از طلحه بن عبید الله ابن کریز بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ما رأى الشيطان يوما هو

صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت دیده نشد شیطان در هیچ روزے که وے

فيه اصغر ولا ادحر ولا احقر ولا اغيظ منه في

در آن روز حقیرتر باشد و نه دورتر و نه خوارتر و نه خشم و غصه خورنده تر از خودش که در

يوم عرفة وما ذاك الا لما يرى من تنزل الرحمة

روز عرفه باشد و نیست آن راندگی و خواری مگر از جهت چیزیکه ببیند از فرود آمدن رحمت بر آدمیان

وتجاوز الله عن الذنوب العظام الا ما رأى يوم بدر

و درگذشتن خدا تعالی از گناهان بزرگ مگر آنچه دیده شد از خواری شیطان روز بدر

فانه قد رأى جبريل يزع الملائكة رواه مالك مرسلا

پس بتحقیق شیطان بتحقیق دید جبریل را روز بدر که ترتیب میداد ملائکه را و صفها راست میکرد برای جنگ روایت کرد مالک

وفي شرح السنة بلفظ المصابيح وعن جابر رض

و در شرح السنة بلفظے که در مصابیح است و روایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا كان

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون می باشد

يوم عرفة إن الله ينزل إلى السماء الدنيا فيباهي بهم

روز عرفه بدرستیکه خدا تعالی فرود می آید بآسمانیکه پایان تر است پس مفاخرت میکند بایشان

الملائكة فيقول انظروا إلى عبادي أتوني شعثا غبرا

فرشتگان را پس میگوید که ببینید بسوی بندگان من که آمده اند بدرگاه رحمت من ژولیده مو

ضاجين من كل فج عميق أشهدكم أني قد غفرت

فریاد کنندگان بتلبیه از هر راه کشاده و دور گواه میگیرم شما را بر اینکه بدرستیکه آمرزیدم

لهم فيقول الملائكة يا رب فلان كان يرهق وفلان

ایشان را پس میگویند فرشتگان ای پروردگار فلان کس از میان این حاضران می بود که [illegible]

وفلانة قال يقول الله عز وجل قد غفرت لهم

وفلان مرد و فلانه زن چنین و چنان [illegible] گفت آنحضرت میگوید خدا عز و جل تحقیق آمرزیدم ایشان را

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم فما من يوم أكثر

گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس نیست روزی که بیشتر

عتيقا من النار من يوم عرفة رواه في شرح السنة

آزاد شده و رسته از آتش دوزخ از روز عرفه روایت کرد این حدیث را در شرح سنه

وعن عباس بن مرداس رض أن رسول الله صلى الله

و روایت است از عباس ابن مرداس رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله

عليه وسلم دعا لأمته عشية عرفة بالمغفرة فأجيب

علیه وسلم دعا کرد مر امت خود را در شبانگاه روز عرفه بآمرزیده شدن گناه پس جواب داده شد

إني قد غفرت لهم ما خلا المظالم فإني آخذ للمظلوم

که بدرستی من بتحقیق آمرزیدم مر ایشان را همه گناهان را جز مظالم که مراد بآن حقوق عباد است پس بدرستیکه من

منه قال أي رب إن شئت أعطيت المظلوم من الجنة

از ظالم گفت آنحضرت ای رب من اگر خواهی بدهی مظلوم را از نعیم بهشت

وغفرت للظالم فلم يجب عشيته فلما أصبح بالمزدلفة

وبيامرزم ظالم را پس اجابت كرده نشد آنحضرت را دعا در آن شبانگاه پس هنگاميكه صبح كرد آنحضرت بمزدلفه

أعاد الدعاء فأجيب إلى ما سأل قال فضحك رسول الله

باز كرد دعا را پس اجابت كرده شد آنحضرت بآنچيزيكه سوال كرد گفت راوي پس خنده كرد آنحضرت

صلى الله عليه وسلم أو قال تبسم فقال له أبو بكر وعمر

صلى الله عليه وسلم يا گفت راوي بجاي ضحك تبسم پس گفتند مر آنحضرت را ابو بكر و عمر

بأبي أنت وأمي إن هذه لساعة ما كنت تضحك فيها

پدر ومادر ما فداي تو باد بدرستيكه اين ساعتي است كه نبودي كه خنده ميكردي درو

فما الذي أضحكك أضحك الله سنك قال إن عدو

پس چه چيز خندانيد ترا هميشه خنداند خدا تعالى دندان ترا گفت آنحضرت بدرستيكه دشمن

الله إبليس لما علم أن الله عز وجل قد استجاب دعائي

خدا كه ابليس است هنگاميكه دانست كه خدا تعالى بتحقيق اجابت كرد دعا مرا

وغفر لأمتي أخذ التراب فجعل يحثوه على رأسه

وبيامرزيد امت مرا گرفت خاك پس گشت كه مى انداخت بهر دو دست خاك را بر سر خود

ويدعو بالويل والثبور فأضحكني ما رأيت من جزعه

و دعا ميكرد بويل و ثبور پس در خنده در آورد مرا چيزيكه ديدم من از بيصبري وناله وفرياد وى

رواه ابن ماجة وروى البيهقي في كتاب البعث والنشور نحوه

روايت كرد اين را ابن ماجه و روايت كرد بيهقي در كتاب البعث والنشور مانند اين حديث

باب فضائل مكة زادها الله تعالى شرفا

إن أول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى[1]

هر آئينه اول خانه كه مقرر كرده شد براى مردمان آنست كه در مكه است بركت داده شده و راه

[1] سـ ۱ جزء ۴ ركوع ۱

لِلْعٰلَمِيْنَ ۝ فِيْهِ اٰيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ اِبْرَاهِيْمَ ۝ وَمَنْ
مر مردمان را در آن خانه نشانهای روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم است و هر که
دَخَلَهٗ كَانَ اٰمِنًا وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
درآید آنجا ایمن بود و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَّةَ مَا اَطْيَبَكِ مِنْ بَلَدٍ وَاَحَبَّكِ
صلی الله علیه وسلم مر مکه معظمه را که چه عجب شهری تو و دوست داشته شده تو
اِلَيَّ وَلَوْلَا اَنَّ قَوْمِيْ اَخْرَجُوْنِيْ مِنْكِ مَا سَكَنْتُ
بسوی من اگر نمی بود اینکه قوم من بیرون کردند مرا از سکونت تو نمیکردم سکونت
غَيْرَكِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَدِيِّ
بجز تو رواه الترمذی و روایت است از عبد الله ابن عدی
بْنِ حَمْرَاءَ قَالَ رَاَيْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابن حمراء گفت دیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم
وَاقِفًا عَلَى الْحَزْوَرَةِ فَقَالَ وَاللّٰهِ اِنَّكِ لَخَيْرُ اَرْضِ اللّٰهِ
ایستاده بر حزوره پس فرمود آنحضرت خطاب بمکه معظمه کرده بدرستی تو بهترین زمین خدائی
وَاَحَبُّ اَرْضِ اللّٰهِ اِلَى اللّٰهِ وَلَوْلَا اَنِّيْ اُخْرِجْتُ مِنْكِ
و محبوب ترین زمین خدائی نزد خدا و اگر نمی بود آنکه بیرون آورده شدم من از تو
مَا خَرَجْتُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَيَّاشِ
بیرون نمی آمدم رواه الترمذی و ابن ماجه و روایت است از عیاش
ابْنِ اَبِيْ رَبِيْعَةَ الْمَخْزُوْمِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
ابن ابی ربیعه المخزومی گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَزَالُ هٰذِهِ الْاُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا عَظَّمُوْا هٰذِهِ
علیه وسلم همیشه باشد این امت بخیر و سلامت در دین و دنیا مادامیکه تعظیم کنند این

الحُرمَةَ حَقَّ تَعظِيمِهَا فَإِذَا ضَيَّعُوا ذٰلِكَ هَلَكُوا رَوَاهُ ابنُ مَاجَهْ

حرمت را یعنی حرمت مکه را حق تعظیم وے پس چون ضایع کنند آن حرمت را هلاک شوند رواه ابن ماجه

وَعَنِ ابنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

نَزَلَ الحَجَرُ الأَسوَدُ مِنَ الجَنَّةِ وَهُوَ أَشَدُّ بَيَاضًا مِنَ اللَّبَنِ

فرود آمده است حجر اسود از بهشت و وے دران حال زیاده تر بود در سفیدی از شیر

فَسَوَّدَتهُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ رَوَاهُ أَحمَدُ وَالتِّرمِذِيُّ وَعَنهُ

پس سیاه گردانید او را گناهان اولاد آدم رواه احمد والترمذی وهم ازوے مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ فِي الحَجَرِ وَاللّٰهِ لَيَبعَثَنَّهُ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در شان حجر اسود بخدا سوگند هر آئینه برانگیزد حجر اسود را

اللّٰهُ يَومَ القِيٰمَةِ لَهُ عَينَانِ يُبصِرُ بِهِمَا وَلِسَانٌ يَنطِقُ بِهِ

خدا یتعالی روز قیامت و حال آنکه مر او را دو چشم باشد که بیند بآن دو چشم و زبانے باشد که سخن کند بآن

يَشهَدُ عَلٰى مَنِ استَلَمَهُ بِحَقٍّ رَوَاهُ التِّرمِذِيُّ وَابنُ مَاجَهْ

گواهی دهد بر کسے که بوسه داد او را بحق یعنی با ایمان رواه الترمذی و ابن ماجه

وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابنِ عُمَرَ رض قَالَ سَمِعتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى

والدارمی و روایت است از ابن عمر رض گفت شنیدم آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ الرُّكنَ وَالمَقَامَ يَاقُوتَتَانِ مِن

الله علیه وسلم را که میفرمود بدرستیکه رکن و مقام ابراهیم هر دو یاقوت اند از

يَاقُوتِ الجَنَّةِ طَمَسَ اللّٰهُ نُورَهُمَا وَلَو لَم يَطمِس نُورَهُمَا

جنس یاقوت بهشت ناپدید کرده است خدا یتعالی نور آن هر دو را و اگر ناپدید نمیکرد نور هر دو را

لَأَضَاءَا مَا بَينَ المَشرِقِ وَالمَغرِبِ رَوَاهُ التِّرمِذِيُّ

هر آئینه روشن میشد هرچه میان مشرق و مغرب است رواه الترمذی

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی هریره رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ وُكِّلَ بِهِ سَبْعُونَ مَلَكًا يَعْنِي الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ فَمَنْ قَالَ

فرمود موکل گردانیده شده اند بوی هفتاد فرشته یعنی برکن یمانی پس کسیکه بگوید

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ رَبَّنَا آتِنَا

از الٰهی تا وقنا عذاب النار

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ قَالُوا آمِينَ

میگویند آن فرشتگان آمین

رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهْ — بَابُ فَضَائِلِ الْمَدِينَةِ زَادَهَا اللّٰهُ تَعَالَى شَرَفًا

روایت کرده این را ابن ماجه — این باب در فضائل مدینه است زیاده گرداند خدا تعالی بزرگی او را

عَنْ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از سعد بن ابی وقاص رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنِّي أُحَرِّمُ مَا بَيْنَ لَابَتَيِ الْمَدِينَةِ أَنْ يُقْطَعَ عِضَاهُهَا أَوْ يُقْتَلَ

بدرستیکه من حرام میگردانم میان دو سنگلاخ مدینه که بریده شود درختان آن و کشته شود

صَيْدُهَا وَقَالَ الْمَدِينَةُ خَيْرٌ لَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ لَا يَدَعُهَا

شکار آن و فرمود آنحضرت که مدینه بهتر است ایشان را اگر بدانند ترک نکند مدینه را

أَحَدٌ رَغْبَةً عَنْهَا إِلَّا أَبْدَلَ اللّٰهُ فِيهَا مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ

کسی از روی انکار مگر بدل میکند بجای وی خدا تعالی کسی را که بهتر است از وی

وَلَا يَثْبُتُ أَحَدٌ عَلَى لَأْوَائِهَا وَجَهْدِهَا إِلَّا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا

و پایدار نمیباشد هیچ کسی و صبر نمیکند بر سختی و گرسنگی و محنت مدینه مگر آنکه باشم مر او را شفاعت کننده

أَوْ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

و گواهی دهنده روز قیامت روایت کرده مسلم و روایت است از ابی هریره رض

… لا واهم بها الشدة وضيق المعيشة ۱۲ مجمع

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَصْبِرُ عَلَى

که گفت آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم صبر نمیکند بر

لَأْوَاءِ الْمَدِينَةِ وَشِدَّتِهَا أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِي إِلَّا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا

سختی ومحنت مدینہ ہیچ یکے از امت من مگر اینکہ بیایم ادرا شفیع

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض فِي

روز قیامت رواہ مسلم و روایت است از عبد اللہ بن عمر رض در

رُؤْيَا النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَدِينَةِ رَأَيْتُ امْرَأَةً

خواب دیدن آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم در شان مدینہ دیدم زنے را

سَوْدَاءَ ثَائِرَةَ الرَّأْسِ خَرَجَتْ مِنَ الْمَدِينَةِ حَتّٰى نَزَلَتْ

سیاه ژولیده موے بیرون آمد آن زن از مدینہ تا آنکہ فرود آمد

مَهْيَعَةَ فَتَأَوَّلْتُهَا أَنَّ وَبَاءَ الْمَدِينَةِ نُقِلَ إِلَى مَهْيَعَةَ

موضعی را کہ نام او مہیعہ است گفت آنحضرت پس تعبیر کردم آن زن را کہ تپ وبیمار مدینہ بردہ شد بسوئے جحفہ

وَهِيَ الْجُحْفَةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ

و آن موضع جحفہ است رواہ بخاری و روایت است از جابر بن

سَمُرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

سمره رض گفت شنیدم آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت

إِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى سَمَّى الْمَدِينَةَ طَابَةَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

بدرستیکہ خدا تعالی نام کرده است مدینہ را طابہ بر زبان حبیب خود رواہ مسلم و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی ہریره رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

أُمِرْتُ بِقَرْيَةٍ تَأْكُلُ الْقُرٰى يَقُولُونَ يَثْرِبُ وَهِيَ الْمَدِينَةُ

امر کرده شدم بہجرت بقریہ کہ میخورد قریہ ہاے دیگر را یعنی غالب آید قریہ مدینہ

يَنْفِي النَّاسَ كَمَا يَنْفِي الْكِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

بيرون ميكند مدينه مردم را چنانچه دور ميكند كوره آهنگران پليدى آهن را متفق عليه

وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و از وى روايت است گفت فرمود پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم

عَلَى أَنْقَابِ الْمَدِينَةِ مَلَائِكَةٌ لَا يَدْخُلُهَا الطَّاعُونُ وَلَا

بر راههاى مدينه فرشتگان نگاهبان اند كه در نمى آيد بمدينه طاعون و نه

الدَّجَّالُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

دجال متفق عليه و روايت است از انس رض گفت فرمود پيغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ مِنْ بَلَدٍ إِلَّا سَيَطَؤُهُ الدَّجَّالُ

صلى الله عليه وسلم نيست هيچ شهرى مگر آنكه در آيد آنرا دجال

إِلَّا مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ لَيْسَ نَقْبٌ مِنْ أَنْقَابِهَا إِلَّا عَلَيْهِ

مگر مكه معظمه و مدينه منوره نيست هيچ راهى از راههاى مدينه مگر آنكه بروى

الْمَلَائِكَةُ صَافِّينَ يَحْرُسُونَهَا فَيَنْزِلُ السَّبْخَةَ فَتَرْجُفُ

فرشتگان اند صفها زده نگهبانى ميكنند آنرا پس نزول خواهد كرد دجال شوره زمين را پس بجنباند

الْمَدِينَةُ بِأَهْلِهَا ثَلَاثَ رَجَفَاتٍ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ كُلُّ كَافِرٍ

مدينه ساكنان خود را سه بار جنبانيدن پس بيرون خواهد آمد بسوى او هر كافر

وَمُنَافِقٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ سَعْدٍ رض قَالَ قَالَ

و منافق متفق عليه و روايت است از سعد رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَكِيدُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ

پيغامبر خدا صلى الله عليه وسلم بدسگالى نكند و ايذا ندهد اهل مدينه را

أَحَدٌ إِلَّا انْمَاعَ كَمَا يَنْمَاعُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

هيچ كسى مگر گداخته شود چنانكه مى گدازد نمك در آب متفق عليه

وَعَنْ أَنَسٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا

در روایت است از انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود چون

قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ فَنَظَرَ إِلَى جُدُرَاتِ الْمَدِينَةِ أَوْضَعَ رَاحِلَتَهُ

قدوم می آورد از سفر پس نظر میکرد بسوی دیوارهای مدینه میراند شتر سوار خود را

وَإِنْ كَانَ عَلَى دَابَّةٍ حَرَّكَهَا مِنْ حُبِّهَا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْهُ

واگر سوار می بود بر دابه دیگر می دوانید آنرا از دوستی مدینه رواه بخاری و هم از انس است

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طَلَعَ لَهُ أُحُدٌ فَقَالَ هٰذَا جَبَلٌ

که ظاهر شد مر آنحضرت را جبل احد پس فرمود آنحضرت که این کوه است

يُحِبُّنَا وَنُحِبُّهُ اللّٰهُمَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَرَّمَ مَكَّةَ وَإِنِّي أُحَرِّمُ

که دوست میدارد ما را و دوست میداریم ورا الٰهی در حقیقه ابراهیم حرام گردانید مکه را و بدرستیکه

مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ

که میان دو سنگستان مدینه است متفق علیه در روایت است از ابن عمر رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اسْتَطَاعَ أَنْ يَمُوتَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه میخواهد که بمیرد

بِالْمَدِينَةِ فَلْيَمُتْ بِهَا فَإِنِّي أَشْفَعُ لِمَنْ يَمُوتُ بِهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ

در مدینه پس باید که بمیرد در مدینه پس بدرستیکه من شفاعت کنم آنرا که بمیرد در مدینه رواه احمد

وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

والترمذی و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آخِرُ قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى الْإِسْلَامِ

صلی الله علیه وسلم آخر شهری که خراب شود از شهرهای اسلام

خَرَابًا الْمَدِينَةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي بَكْرَةَ رض

نزد قیام قیامت مدینه است رواه الترمذی در روایت است از ابی بکره رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَدْخُلُ الْمَدِيْنَةَ رُعْبُ

از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم درنمی آید مدینہ را ترس

الْمَسِيْحِ الدَّجَّالِ لَهَا يَوْمَئِذٍ سَبْعَةُ اَبْوَابٍ عَلٰى كُلِّ بَابٍ

مسیح دجال آنرا در آن وقت آمدن دجال ہفت درخواہد بود بر ہر در

مَلَكَانِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى

دو فرشتہ نگہبان نشستہ رواہ البخاری درروایت است از انس رض از آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ بِالْمَدِيْنَةِ ضِعْفَيْ مَا

اللہ علیہ وسلم کہ فرمود آنحضرت خدا وندا بگردان در مدینہ دو چند از آنچہ

جَعَلْتَ بِمَكَّةَ مِنَ الْبَرَكَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ رَجُلٍ مِنْ

گردانیدہ در مکہ از برکت متفق علیہ و روایت است از مردے از

اٰلِ الْخَطَّابِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ زَارَنِيْ

اولاد خطاب از رسول خدا صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت کسیکہ زیارت کند

مُتَعَمِّدًا كَانَ فِيْ جِوَارِيْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَمَنْ سَكَنَ الْمَدِيْنَةَ

قصد کنندہ نہ بطفیل کار دیگر باشد در ہمسایگی من در روز قیامت و کسیکہ سکونت ورزد در مدینہ

وَصَبَرَ عَلٰى بَلَائِهَا كُنْتُ لَهُ شَهِيْدًا اَوْ شَفِيْعًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

و صبر کند بر بلاے وے باشم او را گواہی دہندہ و شفاعت کنندہ روز قیامت

وَمَنْ مَاتَ فِيْ اَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بَعَثَهُ اللّٰهُ مِنَ الْاٰمِنِيْنَ يَوْمَ

و کسیکہ بمیرد در یکے از مکہ و یا مدینہ برانگیزاند او را خدا تعالےٰ با گروہ بیخوفان در روز

الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَعَنْ يَحْيٰى

قیامت رواہ بیہقی در شعب الایمان و روایت است از یحییٰ

بْنِ سَعِيْدٍ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ

بن سعید رض بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم نشستہ بود

جالساً وقبر يحفر بالمدينة فاطلع رجل في القبر فقال بئس

وگورے کنده میشد در مدینه پس نظر کرد مردے در قبر پس گفت آنمرد بد

مضجع المؤمن فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم بئسما

خوابگاه مومن است گور پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بد حرفے بود

قلت قال الرجل اني لم ارد هذا انما اردت القتل في

که تو گفتی گفت آنمرد بدرستیکه من مراد نداشتم نکوهش موت مرگ را و من مراد این است کشته شدن در

سبيل الله فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا مثل القتل

راه خدا اراده کردم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست مردن در مدینه

في سبيل الله ما على الارض بقعة احب الي ان يكون

مانند کشته شدن در راه خدا بلکه افضل آنست بر زمین هیچ جاے محبوب تر نزد من که باشد

قبري بها منها ثلث مرات رواه مالك مرسلا وعن

قبر من در وے از مدینه سه بار فرمود رواه مالک ودر روایت است از

ابن عمر رض مرفوعا من حج فزار قبري بعد موتي كان

ابن عمر رض از روی مرفوع کسیکه حج کند پس زیارت کند قبر مرا بعد از من باشد

كمن زارني في حياتي رواه البيهقي في شعب الايمان

چون کسے که زیارت کرد و ملاقات نمود مرا در زندگی من رواه البیهقی در شعب الایمان

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم صلوة في مسجدي هذا خير من الف صلوة فيما

وسلم یک نماز در مسجد من که اینست بهتر است از هزار نماز در

سواه الا المسجد الحرام وعن ابي سعيد ن الخدري

غیر آن مگر در مسجد حرام واز ابے سعید الخدرے رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا تشد الرحال الا
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کجاوها مبندید مگر
الى ثلثة مساجد مسجد الحرام والمسجد الاقصى ومسجدي
بسوی سه مسجد یکی مسجد حرام دوم مسجد اقصی سوم مسجد من این است
هذا متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله
متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم ما بين بيتي ومنبري روضة من رياض
صلی الله علیه وسلم که درمیان بیت من و منبر من روضه از روضه های
الجنة ومنبري على حوضي متفق عليه وعن انس
بهشت است ومنبر من بر حوض کوثر باشد متفق علیه و از انس بن مالک رض روایت است
بن مالك قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم صلوة
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم یک نماز
الرجل في بيته بصلوة وصلوته في مسجد القبائل بخمس
مرد درخانه او یک نماز است و نماز او درمسجد قبیله برابر
وعشرين صلوة وصلوته في المسجد الذي يجمع فيه
بست و پنج نماز است و نماز او درمسجدیکه جمع شوند در آن بمقدار
بخمس مائة صلوة وصلوته في المسجد الاقصى بخمسين
پنج صد نماز است ونماز وی در مسجد اقصی ثواب پنجاه
الف صلوة وصلوته في مسجدي بخمسين الف صلوة
هزار نماز دارد ونماز وی در مسجد من ثواب پنجاه هزار نماز دارد
وصلوته في المسجد الحرام بمائة الف صلوة رواه ابن ماجه
ونماز وی در مسجد حرام مقابل صد هزار نماز است رواه ابن ماجه

وعن عاصم الاحول قال سألت انس بن مالك أحرم

وروایت است از عاصم احول که سوال کردم از انس بن مالک آیا حرام کرد

النبي صلى الله عليه وسلم المدينة قال نعم حرام حرمها

آنحضرت صلی الله علیه وسلم مدینه را گفت بلے حرام کرده است آنرا

الله ورسوله لا يختلى خلاها فمن فعل ذلك فعليه

خدا و رسول او قطع کرده نشود درخت آن پس اگر کسے کرد این پس بروے

لعنة الله والملائكة والناس اجمعين ش

لعنت خدا و فرشتگان و جمیع مردمان باشد

باب مناقب القريش والعرب

عن ابن عمر رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال

روایت است از ابن عمر رض که گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لا يزال هذا الامر في قريش ما بقي منهم اثنان متفق

همیشه باشد امر خلافت در قریش تا وقتیکه باقی باشد از ایشان دو کس متفق

عليه وعن معاوية رض قال سمعت رسول الله

علیه وروایت است از معاویه رض گفت که شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول ان هذا الامر في قريش لا يعاديهم

صلی الله علیه وسلم را که میگفت بدرستیکه این امر خلافت در قریش است دشمنی نکند ایشان را

احد الا كبه الله على وجهه ما اقاموا الدين رواه البخاري

هیچ کسے مگر آنکه برو بے اوکند خدا تعالے او را مادامیکه برپا دارند قریش دین را رواه البخاري

وعن سعد عن النبي صلى الله عليه وسلم قال من يرد

وروایت است از سعد از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت کسیکه خواهد

هوان قريش اهانه الله رواه الترمذي وعن

خواری قریش را خوار گرداند او را خدای تعالی رواه الترمذی و روایت است از

عمران بن حصين قال مات النبي صلى الله عليه وسلم

عمران بن حصین رض که گفت وفات فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

وهو يكره ثلثة احياء ثقيف وبني حنيفة وبني امية

حال آنکه آنحضرت ناخوش میداشت سه قبیله را ثقیف و بنی حنیفه و بنی امیه

رواه الترمذي وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله

رواه الترمذی و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في ثقيف كذاب ومبير قال عبد الله

صلی الله علیه وسلم در قبیله ثقیف میباشد دروغ گوی است و دیگر هلاک کننده مردم گفت

بن عصمة يقال الكذاب هو المختار ابن ابي عبيد والمبير

بن عصمه گفته شد که دروغ گو آن مختار است ابن ابی عبید است و خون ریز

هو الحجاج بن يوسف وقال هشام بن حسان احصوا

آن حجاج بن یوسف است و گفت هشام بن حسان شمرده ضبط کردند

ما قتل الحجاج صبرا فبلغ مائة الف وعشرين الفا

آنچه کشته است حجاج بحبس و بند پس رسیده است تعداد شان صد و بیست هزار را

رواه الترمذي وروى مسلم في الصحيح حين قتل

رواه الترمذی و روایت کرد مسلم در صحیح خود هنگامی که کشت

الحجاج عبد الله بن الزبير قالت اسماء ان رسول الله

حجاج عبد الله بن زبیر را گفت اسما بنت ابی بکر که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم حدثنا ان في ثقيف كذابا ومبيرا

صلی الله علیه وسلم حدیث کرد ما را در ثقیف دروغ گو خواهد بود و خون ریز

فَاَمَّا الْكَذَّابُ فَرَاَيْنَاهُ وَاَمَّا الْمُبِيْرُ فَلَا اِخَالُكَ اِلَّا اِيَّاهُ

پس لیکن دروغگو پس دیدیم ما او را و خونریز را گمان نمی برم ترا مگر آن خطاب بحجاج کرد

وَعَنْ سَلْمَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از سلمان رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا تُبْغِضْنِيْ فَتُفَارِقَ دِيْنَكَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

وسلم دشمن مدار مرا پس جدا شوی از دین خود گفتم ای رسول خدا

كَيْفَ اُبْغِضُكَ وَبِكَ هَدَانَا اللّٰهُ قَالَ تُبْغِضُ الْعَرَبَ

چگونه دشمن دارم ترا حال آنکه بتو راه راست نمود ما را خدا تعالی گفت آنحضرت دشمن داری عرب را

فَتُبْغِضُنِيْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ

پس دشمن داری مرا رواه الترمذی و روایت است از عثمان بن عفان

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ غَشَّ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه خیانت کند

الْعَرَبَ لَمْ يَدْخُلْ فِيْ شَفَاعَتِيْ وَلَمْ تَنَلْهُ مَوَدَّتِيْ رَوَاهُ

عرب را در نیاید در شفاعت من و در نرسد او را دوستی من رواه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اُمِّ الْحَرِيْرِ مَوْلَاةِ طَلْحَةَ بْنِ مَالِكٍ

الترمذی و روایت است از ام الحریر کنیز آزاد کرده طلحه بن مالک

قَالَتْ سَمِعْتُ مَوْلَايَ يَقُوْلُ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفت شنیدم مولای خود را که میگفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مِنِ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ هَلَاكُ الْعَرَبِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وسلم از جمله علامات نزدیک شدن قیامت هلاک شدن عرب است رواه الترمذی

وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلْمُلْكُ فِي قُرَيْشٍ وَالْقَضَاءُ فِي الْاَنْصَارِ

علیه وسلم خلافت در قریش است و قضا در انصار است

وَالْاَذَانُ فِي الْحَبَشَةِ وَالْاَمَانَةُ فِي الْاَزْدِ يَعْنِي الْيَمَنَ

و بانگ نماز گفتن در قوم حبشه است و امانت ساختن در قبیله ازد است یعنی یمن

وَفِي رِوَايَةٍ مَوْقُوفًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

و در روایتے این حدیث موقوف است رواه الترمذی و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَحِبُّوا الْعَرَبَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دوست دارید عرب را

لِثَلَاثٍ لِاَنِّي عَرَبِيٌّ وَالْقُرْاٰنُ عَرَبِيٌّ وَكَلَامُ اَهْلِ الْجَنَّةِ

از جهت سه خصلت یکے آنکه من عربیم دوم آنکه قرآن بزبان عربیاست سوم آنکه سخن اهل جنت

عَرَبِيٌّ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْاِيْمَانِ

عربیست رواه البیهقی در شعب الایمان

فِي فَضْلِ الْيَمَنِ

عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ اَتَاكُمْ اَهْلُ الْيَمَنِ هُمْ اَرَقُّ اَفْئِدَةً وَاَلْيَنُ قُلُوْبًا

فرمود که آمدند شما را اهل یمن که رقیق تر است فؤاد شان و نرم تر اند دلهاے ایشان

اَلْاِيْمَانُ يَمَانٍ وَالْحِكْمَةُ يَمَانِيَةٌ وَالْفَخْرُ وَالْخُيَلَاءُ فِي اَصْحَابِ

ایمان یمنی است و حکمت یمانیه است و نازیدن و ستایش نفس کردن در خداوندان

الْاِبِلِ وَالسَّكِيْنَةُ وَالْوَقَارُ فِي اَهْلِ الْغَنَمِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

شتر است و آرامش و آهستگی در اهل خداوندان گوسفند است متفق علیه است

عن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم غلظ

روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سختی

القلوب والجفاء في المشرق والايمان في اهل الحجاز

دلها و درشتی خوی در مشرق است و ایمان در اهل حجاز

رواه مسلم عن ابن عمر رض قال قال النبي صلى الله عليه

رواه مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم اللهم بارك لنا في شامنا اللهم بارك لنا في يمننا

وسلم خداوندا برکت ده ما را در شام ما خداوندا برکت ده ما را در یمن ما

قالوا يا رسول الله وفي نجدنا قال اللهم بارك لنا في شامنا

گفتند ای رسول خدا و در نجد ما فرمود خداوندا برکت ده ما را در شام ما

وبارك لنا في يمننا قالوا يا رسول الله وفي نجدنا فاظنه

و برکت ده ما را در یمن ما گفتند یا رسول الله و در نجد ما ابن عمر میگوید گمان میبرم

قال في الثالثة هناك الزلازل والفتن وبها يطلع

که فرمود در بار سوم آنجا یعنی در نجد زلزلها است و فتنها است و از نجد طلوع میکند

قرن الشيطان

قرن شیطان یعنی حزب و اعوان او

في فضل العرب

هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم يتلوا عليهم

اوست آنکه بر انگیخت در ناخواندگان پیغامبری از قوم ایشان میخواند بر ایشان

آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتب والحكمة وان كانوا

آیات او را و پاک میکند ایشان را و می آموزد ایشان را کتاب و دانش و اگرچه بودند ایشان

مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ وَّآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا

پیش ازین در گمراهی ظاهر ونیز مبعوث گردانید پیغامبر را در قومی دیگر از ایشان که هنوز نه پیوسته اند

بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ

با مسلمانان واوست غالب باحکمت اینست فضل خدا میدهد بهر که

يَّشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ

خواهد وخدایتعالی خداوند فضل بزرگ است وروایت است از ابی هریره رض

أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَلَا هٰذِهِ الْآيَةَ وَإِنْ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم خواند این آیت را واگر

تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ ۝

روی گردان شوید بدل آرد گروهی دیگر را غیر از شما باز نباشند آنجماعه مانند شما

قَالُوا يَا رَسُولَ اللّٰهِ مَنْ هٰؤُلَاءِ الَّذِينَ ذَكَرَ اللّٰهُ إِنْ تَوَلَّيْنَا

گفتند صحابه ای پیغامبر خدا کیستند آن جماعتی که یاد کرده است خدایتعالی که اگر روی گردانی

اسْتُبْدِلُوا بِنَا ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَنَا فَضَرَبَ عَلَى فَخِذِ

بجای ما گرفته می شوند پستر نباشند آنجماعت مانند ما در روگردانی پس زد دست مبارک آنحضرت

سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ثُمَّ قَالَ هٰذَا وَقَوْمُهُ وَلَوْ كَانَ الدِّينُ

سلمان فارسی پستر فرمود جماعت سلمان است وقوم وی واگر باشد دین

عِنْدَ الثُّرَيَّا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

نزد ستاره ثریا هر آینه میگرفتند دین را مردان فارس رواه الترمذی

وَعَنْهُ قَالَ ذُكِرَتِ الْأَعَاجِمُ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى

وهم از ابی هریره است گفت ذکر کرده شد اهل عجم نزد آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الله علیه وسلم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لانا بهم او ببعضهم اوثق مني بكم او ببعضكم رواه الترمذي

هر آئینه من با ایشان یا ببعض ایشان یعنی عجمان اعتماد کننده ترم در حفظ دین از آنکه شما یا ببعض شما

في فضل الشام

واورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق

و میراث دادیم گروهے را که ضعیف شمرده می شدند مشارق

الارض ومغاربها التي باركنا فيها قلنا يا نار كوني

و مغارب زمینے که برکت نهادیم در آن گفتیم اے آتش باش خنک

بردا وسلاما على ابراهيم وارادوا به كيدا فجعلناهم

برودت و سلامت بر ابراهیم و خواستند با او فریب کردن پس ساختیم ایشان را

الاخسرين ونجيناه ولوطا الى الارض التي باركنا فيها

زیانکار و برهانیدیم ابراهیم را و لوط را بسوے زمینے که برکت نهادیم در آن

للعالمين وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا

تمامی عالم را و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن دها که برکت نهادیم

فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيروا فيها

در آن یعنی شام دهها متصل با یکدیگر و مقرر کردیم در آن آمد و رفت را سیر کنید درین دهها

ليالي واياما آمنين وعن زيد بن ثابت رض قال

شبها و روزها ایمن شده و روایت است از زید بن ثابت رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم طوبى للشام قلنا

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خوشی باد مر اهل شام را گفتیم ما

لاي ذلك يا رسول الله قال لان ملائكة الرحمن

از چه چیز است این ما اے رسول خدا فرمود زیرا که فرشتهاے خداے مهربان

یا سِطَةٍ اُخْرِجَتْهَا عَلَيْهَا رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

خراج کننده بازوسے خود را بر ایشان رواه احمد والترمذی و روایت است از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عبد اللہ بن عمر رضا گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

سَتَخْرُجُ نَارٌ مِنْ نَحْوِ حَضْرَمَوْتَ أَوْ مِنْ حَضْرَمَوْتَ تَحْشُرُ

نزدیک است کہ برآید آتشے از جانب حضرموت یا از حضرموت جمع کند این آتش

النَّاسَ قُلْنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ فَمَا تَأْمُرُنَا قَالَ عَلَيْكُمْ بِالشَّامِ

مردم را گفتیم اسے رسول اللہ چہ میفرماسے ما را گفت آنحضرت برشما باد که بروید بشام

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ شُرَيْحِ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ ذُكِرَ

رواه الترمذی و روایت است از شریح بن عبید گفت ذکر کرده شدند

أَهْلُ الشَّامِ عِنْدَ عَلِيٍّ رضـ وَقِيْلَ الْعَنْهُمْ يَا أَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ

اہل شام نزد امیر المومنین علی رضا و گفته شد لعنت کن ایشان را یا امیر المومنین

قَالَ لَا إِنِّيْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

گفت لعنت میکنم ایشان را بدرستیکه شنیده ام آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم را کہ

الْأَبْدَالُ يَكُوْنُوْنَ بِالشَّامِ وَهُمْ أَرْبَعُوْنَ رَجُلًا كُلَّمَا

ابدال میباشند بشام وابدال بچہل مرد اند ہر گاہ کہ

مَاتَ رَجُلٌ أَبْدَلَ اللّٰهُ مَكَانَهُ رَجُلًا يُسْقَى بِهِمُ الْغَيْثُ

بمیرد مردے می آرد خدا تعالے در بدل او مردے دیگر آب داده می شود بوجود ایشان

وَيُنْتَصَرُ بِهِمْ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَيُصْرَفُ عَنْ أَهْلِ الشَّامِ

و نصرت داده شوند بسبب ایشان بر دشمنان و برگردانیده می شود از اہل شام

بِهِمُ الْعَذَابُ وَعَنْ رَجُلٍ مِنَ الصَّحَابَةِ رضـ أَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ

ببرکت ایشان عذاب و روایت است از مردے از اصحاب رضا بدرستیکه آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَتُفْتَحُ الشَّامُ فَاِذَا خُيِّرْتُمُ الْمَنَازِلَ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود نزدیک است کہ فتح کردہ شود بلاد شام پس چون مخیر گردانیدہ شوید

فِيْهَا فَعَلَيْكُمْ بِمَدِيْنَةٍ يُقَالُ لَهَا دِمَشْقُ فَاِنَّهَا مَعْقِلُ الْمُسْلِمِيْنَ

بودن را دران بلاد پس بر شما باد کہ اختیار کنید شہری کہ گفتہ می شود آنرا دمشق پس آن شہر پناہ مسلمانان است

مِنَ الْمَلَاحِمِ وَفُسْطَاطُهَا مِنْهَا اَرْضٌ يُقَالُ لَهَا الْغُوْطَةُ

از حربہا و محل اجتماع شام از زمین دمشق زمینی است کہ گفتہ می شود او را غوطہ

رَوَاهُمَا اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى

روایتہا احمد در روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْخِلَافَةُ بِالْمَدِيْنَةِ وَالْمُلْكُ بِالشَّامِ وَعَنْ

اللہ علیہ وسلم خلافت در مدینہ است وملک در شام در روایت است از

عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاَيْتُ عَمُوْدًا

عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دیدم ستونے را

مِنْ نُوْرٍ خَرَجَ مِنْ تَحْتِ رَاْسِيْ سَاطِعًا حَتّٰى اسْتَقَرَّ بِالشَّامِ

از نور کہ بیرون آمد از زیر سر من بالا بر آیندہ تا آنکہ قرار گرفت در شام

رَوَاهُمَا الْبَيْهَقِيُّ فِيْ دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ وَعَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ رض

روایت بیہقی در دلائل النبوة در روایت است از ابی درداء رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِنَّ فُسْطَاطَ

بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ مجمع

الْمُسْلِمِيْنَ يَوْمَ الْمَلْحَمَةِ بِالْغُوْطَةِ اِلٰى جَانِبِ مَدِيْنَةٍ

مسلمانان روز جنگ غوطہ است بجانب شہرے

يُقَالُ لَهَا دِمَشْقُ مِنْ خَيْرِ مَدَائِنِ الشَّامِ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوُدَ

کہ گفتہ می شود آنرا دمشق کہ از بہترین شہرہای شام است رواہ ابوداود

وعن عبد الرحمن بن سلیمان قال سیأتی ملك من

درروایت است از عبد الرحمن بن سلیمان گفت نزدیک است بیاید پادشاهی از

ملوك العجم فیظهر المدائن کلها الا دمشق رواه ابوداود

پادشاهان عجم پس غالب میگردد بر همه شهرها مگر دمشق را رواه ابوداود

باب الکسب وطلب الحلال

یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالا طیبا ولا تتبعوا

ای مردمان بخورید از آنچه که در زمین است حلال پاکیزه و پیروی مکنید

خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین ۞ انما یامرکم

گامهای شیطان را هر آئینه او شمارا دشمن آشکار است جز این نیست که حکم میکند شمارا

بالسوء والفحشاء وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون ۞

به بد کاری و بیحیائی و آن که افترا کنید بر خدا آنچه نمی دانید

یا ایها الذین امنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم واشکروا

ای مسلمانان بخورید از پاکیزه هائی آنچه روزی دادیم شمارا و سپاس گوئید

لله ان کنتم ایاه تعبدون ۞ عن المقدام بن

خدارا اگر اورا می پرستید روایت است از مقدام بن

معدیکرب رض قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما اکل

معدیکرب رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نخورد

احد طعاما قط خیرا من ان یاکل من عمل یدیه وان نبی الله

هیچ یکی طعامی را بهتر از آنکه بخورد از کار هر دو دست خود و بتحقیق نبی خدا

داود علیه السلام کان یاکل من عمل یدیه رواه البخاری

داود علیه السلام بود که میخورد از عمل دستهای خود رواه البخاری

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه

وسلم ان الله تعالى طيب لا يقبل الا طيبا وان الله تعالى

وسلم بدرستیکه خدا تعالی پاکست قبول نمیکند مگر پاک را یعنی حلال را و بدرستیکه خدا تعالی

امر المؤمنين بما امر به المرسلين فقال يا ايها الرسل

امر کرد مسلمانان را بچیزیکه امر کرد بدان پیغامبران را پس گفت ای پیغامبران

كلوا من الطيبات واعملوا صالحا وقال الله تعالى يا ايها

بخورید از رزقهای حلال و عمل کنید نیک و فرمود حق تعالی ای

الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم ثم ذكر الرجل

مومنان بخورید از طعامهای پاک آنچه داده ایم شما را پس یاد کرد آنحضرت مردی را

يطيل السفر اشعث اغبر يمد يديه الى السماء يا رب

که دراز میکند سفر را که محل ذلت و پاشیده موی و گردآلود و دراز میکند هر دو دست خود را بسوی آسمان

يا رب ومطعمه حرام ومشربه حرام وملبسه حرام

ای رب حال آنکه خوردنی او حرام است و نوشیدنی او حرام است و پوشش او حرام است

وغذي بالحرام فاني يستجاب لذلك رواه مسلم

و پرورش کرده شد بحرام پس چگونه قبول کرده شود دعا مراورا رواه مسلم

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وهم از وی مرویست گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

يأتي على الناس زمان لا يبالي المرء ما اخذ منه امن

خواهد آمد بر مردم زمانیکه باک نمیدارد مرد که چه چیز گرفته و خورده از حلال یا از

الحلال ام من الحرام رواه البخاري وعن النعمان

حلال یا از حرام رواه البخاری و روایت است از نعمان

بن بشير رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الحلال

بن بشير رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم آنچه حلال است

بين والحرام بين وبينهما مشتبهات لا يعلمهن كثير

ظاهر است وآنچه حرام است نيز هويدا است ودرميان حلال وحرام چيزها است مشتبه نميشناسند آنرا بسيار

من الناس فمن اتقى الشبهات استبرأ لدينه وعرضه

از مردم پس كسيكه پرهيز كند شبهات را طلب برأت كرد مر دين خود وآبروى خود را

ومن وقع في الشبهات وقع في الحرام كالراعي يرعى حول

وكسيكه بيفتد در شبهات بيفتد در حرام مانند چراننده كه ميچراند گرد

الحمى يوشك ان يرتع فيه الا وان لكل ملك حمى الا وان

حمى نزديك است كه بچرد در حمى آگاه باشيد بدرستيكه مر هر پادشاهى را حمى است وآگاه باشيد

حمى الله محارمه الا وان في الجسد مضغة اذا صلحت

حمى خدا محارم اوست وآگاه باشيد كه در تن آدمى گوشت پاره ايست وقتيكه نيك شود ميشود

صلح الجسد كله واذا فسدت فسد الجسد كله الا وهي

نيك شود همه تن وچون تباه شود آن مضغه تباه شود همه تن خبردار باشيد كه آن پاره

القلب متفق عليه وعن ابي جحيفة رض ان النبي

دل است متفق عليه ودر روايتيست از ابى جحيفه رض كه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم نهى عن ثمن الدم وثمن الكلب

صلى الله عليه وسلم منع كرد از قيمت خون ونهى كرد از بهاى سگ

وكسب البغي ولعن اكل الربو وموكله والواشمة

وكسب بغى ولعنت كرد آنحضرت خورنده ربا را ولعنت كرد خوراننده ربا را ولعنت كرد واشمه

والمستوشمة والمصور رواه البخاري وعن عائشة

واستوشمه را ولعنت كرد مصور را رواه البخارى ودر روايتيست از عائشه رض

[illegible]

قالت قال النبي صلى الله عليه وسلم إن أطيب ما أكلتم من

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خوشتر و حلال ترین آنچه میخورید از

كسبكم وإن أولادكم من كسبكم رواه الترمذي والنسائي

کسب شما است و بدرستیکه اولاد شما از کسب شما اند رواه الترمذی والنسائی

وابن ماجة وعن عبد الله بن مسعود رضـ عن رسول الله

وابن ماجه و روایت است از عبد الله بن مسعود رضـ از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لا يكسب عبد مال حرام فيتصدق

صلی الله علیه وسلم فرمود کسب نکند هیچ بنده مال حرام را پس تصدق کند

منه فيقبل منه ولا ينفق منه فيبارك له فيه ولا يتركه

از آن که قبول کرده شود و آن تصدق و نه خرج کند از آن که برکت کرده شود مر او را و نگذارد

خلف ظهره إلا كان زاده إلى النار إن الله لا يمحو السيئ

مال حرام را پس پشت خود مگر آنکه باشد آن مال توشه وی بسوی دوزخ بدرستیکه خدا تعالی دور نمیکند بد را

بالسيئ ولكن يمحو السيئ بالحسن إن الخبيث لا يمحو

به بد ولکن محو میکند بد را به نیک بدرستیکه پلید دور نمیکند

الخبيث رواه أحمد وكذا في شرح السنة وعن

پلید را رواه احمد همچنان است در شرح السنة و روایت است از

جابر رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يدخل الجنة

جابر رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نمی آید بهشت را

لحم نبت من السحت وكل لحم نبت من السحت كانت النار

گوشتی که رو ئیده شده است از حرام و هر گوشتی که روئیده از حرام باشد آتش

أولى به رواه أحمد والدارمي والبيهقي في شعب الإيمان

نزدیکتر و سزاوارتر باو رواه احمد والدارمی و بیهقی در شعب الایمان

وعن الحسن بن علي رض قال حفظت من رسول الله صلى الله
روایت است از حسن بن علی رض که گفت یاد گرفتم از پیغمبر خدا صلی الله
عليه وسلم دع ما يريبك الى ما لا يريبك فان الصدق
علیه وسلم بگذار چیزی را که در شک می اندازد ترا بسوی چیزی که در شک نمی اندازد زیرا که صدق
طمانينة وان الكذب ريبة رواه احمد والترمذي والنسائي
طمانینت دل است و بدرستیکه کذب سبب شک است رواه احمد والترمذی والنسائی
وعن عطية السعدي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از عطیه سعدی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم لا يبلغ العبد ان يكون من المتقين حتى يدع ما لا بأس
وسلم نمیرسد بنده باینکه باشد از متقیان تا آنکه نگذارد چیزی را که نیست باک
به حذرا لما به بأس رواه الترمذي وابن ماجة وعن
در وی از جهت ترسیدن از چیزی که در وی باک است رواه الترمذی وابن ماجه و روایت است از
عبد الله بن مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
طلب كسب الحلال فريضة بعد الفريضة رواه البيهقي في
طلب کسب حلال فرض است بعد از فرض رواه بیهقی در
شعب الايمان وعن ابن عباس رض انه سئل عن اجرة
شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض که وی پرسیده شد از مزد
كتابة المصحف فقال لا بأس انما هم مصورون وانهم
نوشتن مصحف پس گفت باکی نیست نیستند ایشان مگر صورت‌گیر و بدرستیکه ایشان
انما ياكلون من عمل ايديهم رواه رزين وعن
نمیخورند مگر از عمل دستهای خویش رواه رزین و روایت است از

رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ رض قَالَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَیُّ الْكَسْبِ اَطْيَبُ

رافع بن خدیج رض گفت گفته شد اے پیغمبر خدا کدام کسب خوشتر است

قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهٖ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ

فرمود عمل مرد است از دست خود و هر خرید و فروخت صحیح مقبول در شرع رواه احمد و روایت است از

نَافِعٍ قَالَ كُنْتُ اُجَهِّزُ اِلَى الشَّامِ وَاِلٰى مِصْرَ فَجَهَّزْتُ اِلَى

نافع گفت بودم که میفرستادم وکلاے خود را بمال و اسباب بسوے شام و مصر پس تجهیز ساختم بسوے

الْعِرَاقِ فَاَتَيْتُ اِلٰى اُمِّ الْمُؤْمِنِيْنَ عَائِشَةَ رض فَقُلْتُ لَهَا

عراق پس آمدم نزد ام المومنین عائشه رض پس گفتم مر عائشه را

يَا اُمَّ الْمُؤْمِنِيْنَ كُنْتُ اُجَهِّزُ اِلَى الشَّامِ فَجَهَّزْتُ اِلَى الْعِرَاقِ

اے مادر مومنان بودم که تجهیز میکردم هر بار بسوے شام پس تجهیز کردم این بار بسوے عراق

فَقَالَتْ لَا تَفْعَلْ وَمَا لَكَ وَلِمَتْجَرِكَ فَاِنِّیْ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ

پس گفت عائشه مکن تجهیز بسوے عراق چه میکنی تو با تجارت خود پس بدرستیکه من شنیدم پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اِذَا سَبَّبَ اللّٰهُ لِاَحَدِكُمْ رِزْقًا

صلی الله علیه وسلم را که میگفت وقتیکه سبب گرداند خدا تعالی مر یکے را از شما رزقے

مِنْ وَجْهٍ فَلَا يَدَعْهُ حَتّٰى يَتَغَيَّرَ لَهٗ اَوْ يَتَنَكَّرَ لَهٗ رَوَاهُ اَحْمَدُ

بوجهے از وجوه باید که ترک ندهد آنرا تا آنکه تغیر و متنکر شود مر او را رواه احمد

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ كَانَ لِاَبِیْ بَكْرٍ

و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض گفت بود مر ابی بکر را

غُلَامٌ يُخْرِجُ لَهُ الْخَرَاجَ فَكَانَ اَبُوْ بَكْرٍ يَاْكُلُ مِنْ خَرَاجِهٖ

غلامے که بیرون می آورد برای وی وظیفه پس بود ابو بکر که میخورد از خراج آن غلام

فَجَاءَ يَوْمًا بِشَیْءٍ فَاَكَلَ مِنْهُ اَبُوْ بَكْرٍ رض فَقَالَ لَهُ الْغُلَامُ

پس آورد آن غلام چیزے را روزے از جنس طعام پس خورد ابو بکر از آن چیزے پس گفت مر ابو بکر را غلام

[illegible]

تَدْرِی مَا هٰذَا فَقَالَ اَبُوْبَکْرٍ وَمَا هُوَ قَالَ کُنْتُ تَکَهَّنْتُ لِاِنْسَانٍ

میدانی که چیست این طعام پس گفت ابوبکر چه چیز است گفت غلام بودم که کهانت کرده بودم مر یک

فِی الْجَاهِلِیَّةِ وَمَا اُحْسِنُ الْکِهَانَةَ اِلَّا اَنِّیْ خَدَعْتُهٗ فَلَقِیَنِیْ

در ایام جاهلیت و نیک نمیدانستم کهانت را لیکن من فریب داده بودم اورا پس ملاقی کرد مرا پس داد

فَاَعْطَانِیْ بِذٰلِكَ فَهٰذَا الَّذِیْ اَکَلْتَ مِنْهُ قَالَتْ فَاَدْخَلَ

پس داد مرا بسبب آن کهانت پس این چیز یکه خوردی تو از آن است گفت عائشه پس در آورد

اَبُوْبَکْرٍ یَدَهٗ فَقَاءَ کُلَّ شَیْءٍ فِیْ بَطْنِهٖ رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ

ابوبکر دست خود را در حلق خود پس قے کرد و بیرون انداخت هر چیز که بود در شکم وی روایت کرد البخاری

وَعَنْ اَبِیْ بَکْرٍ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی بکر رض که آنحضرت صلے الله علیه وسلم

قَالَ لَا یَدْخُلُ الْجَنَّةَ جَسَدٌ غُذِیَ بِالْحَرَامِ وَعَنْ زَیْدِ

فرمود در نمی آید بهشت را تنے که پرورده شده است بحرام و روایت است از زید

بْنِ اَسْلَمَ رض اَنَّهٗ قَالَ شَرِبَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لَبَنًا وَاَعْجَبَهٗ

بن اسلم رض بدرستیکه گفت نوشید عمر بن الخطاب رض شیر را و پسند آمد او را آن شیر

قَالَ لِلَّذِیْ سَقَاهُ مِنْ اَیْنَ لَكَ هٰذَا اللَّبَنُ فَاَخْبَرَهٗ اَنَّهٗ وَرَدَ

گفت عمر آنرا که نوشانید آن شیر از کجا حاصل شده است ترا پس خبر داد آنکس که در آمد

عَلٰی مَاءٍ قَدْ سَمَّاهُ فَاِذَا نَعَمٌ مِنْ نَعَمِ الصَّدَقَةِ وَهُمْ یَسْقُوْنَ

بر جویے بتحقیق نام برد آنرا پس ناگاه شتران از شتران زکات آنجا حاضر بودند و جماعت می کشیدند

فَحَلَبُوْا لِیْ مِنْ اَلْبَانِهَا فَجَعَلْتُهٗ فِیْ سِقَائِیْ وَهُوَ هٰذَا فَاَدْخَلَ

پس دوشیدند برای من از شیرهای آنها پس گردانیدم آن شیر را در مشک خود و آن این شیر است پس در آورد

عُمَرُ یَدَهٗ فَاسْتَقَاءَ رَوَاهُمَا الْبَیْهَقِیُّ فِیْ شُعَبِ الْاِیْمَانِ

عمر دست خود را و قے کرد روا هما البیهقی در کتاب شعب الایمان

وعن ابن عمر رضی الله عنه قال من اشتری ثوبا بعشرة دراهم

روایت است از ابن عمر رضی الله عنه گفت هرکه بخرد جامه را به ده درهم

وفیه درهم حرام لم یقبل الله له صلوة ما دام علیه ثم

ودران یک درهم حرام باشد قبول نکند خدا مر او را هیچ نماز را تا آنکه آن جامه بروی باشد

ادخل اصبعیه فی اذنیه وقال صمتا ان لم یکن النبی صلی

درآورد ابن عمر انگشت خود را در هر دو گوش خود و گفت کر باد این دو گوش من اگر نیست آنحضرت صلی

الله علیه وسلم سمعته یقوله رواه احمد والبیهقی فی

الله علیه وسلم که شنیدم او را که میگفت آنرا روایت کرد احمد و بیهقی در

شعب الایمان وقال اسناده ضعیف وعن ابان

شعب الایمان و گفت اسناد آن ضعیف است و روایت است از ابان

عن انس رضی الله عنه قال قلت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

از انس رضی الله عنه گفت گفتم ای پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

اجعلنی مستجاب الدعوة قال یا انس اطب کسبک تستجب دعوتک

بگردان مرا از آنکه دعاهاشان قبول کرده شود فرمود آنحضرت ای انس پاک گردان کسب را تا قبول کرده شود دعای تو

فان الرجل یرفع اللقمة الی فیه من حرام فما یستجاب

بدرستیکه شخص برمیدارد لقمه را بسوی دهن خود از حرام پس قبول کرده نشود

له اربعین یوما رواه الدیلمی

او را چهل روز روایت کرد دیلمی

باب المساهلة فی المعاملة

وعن حذیفة رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان

و روایت است از حذیفه رضی الله عنه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اِنَّ رَجُلًا كَانَ فِيْمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَاَتَاهُ الْمَلَكُ لِيَقْبِضَ

آنکه مردے بود در میان آن کسانیکه بودند پیش از شما آمد او را فرشتهٔ مرگ تا بگیرد

رُوْحَهٗ فَقِيْلَ لَهٗ هَلْ عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ مَا اَعْلَمُ قِيْلَ لَهٗ

جان او را پس گفته شد مر آنمرد را آیا کردهٔ تو هیچ عمل از نیکی گفت آنمرد نمیدانم گفته شد

اُنْظُرْ قَالَ مَا اَعْلَمُ شَيْئًا غَيْرَ اَنِّيْ كُنْتُ اُبَايِعُ النَّاسَ فِي

ببین گفت آنمرد نمیدانم جز آنکه بودم که خرید و فروخت میکردم مردم را در

الدُّنْيَا وَاُجَازِيْهِمْ فَاُنْظِرُ الْمُوْسِرَ وَاَتَجَاوَزُ عَنِ الْمُعْسِرِ

دنیا و تقاضا مے میکردم پس مهلت میدادم توانگر را و درگذر میکردم از مفلس

فَاَدْخَلَهُ اللّٰهُ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِيْ رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ

پس داخل کرد او را خدا تعالی در بهشت متفق علیه و در روایت مسلم

نَحْوُهٗ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض وَاَبِيْ مَسْعُوْدٍ الْاَنْصَارِيِّ

مانندش روایت است از عقبه بن عامر رض و ابی مسعود انصاری رض

فَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى اَنَا اَحَقُّ بِذَا مِنْكَ تَجَاوَزُوْا عَنْ عَبْدِيْ

پس گفت خدا تعالی که من که هم سزاوارترم بدان از تو درگذر کنید از بنده من

وَعَنْ اَبِيْ قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی قتاده رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِيَّاكُمْ وَكَثْرَةَ الْحَلْفِ فِي الْبَيْعِ فَاِنَّهٗ يُنَفِّقُ ثُمَّ

علیه وسلم دور دارید خود را از بسیار سوگند در بیع زیرا که سوگند رواج میدهد در کالا پس

يَمْحَقُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ

باطل میکرداند برکت را رواه مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ الْحَلْفُ مُنَفِّقَةٌ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را میفرمود که سوگند محل رواج است

للسلعة ممحقة للبركة متفق عليه وعن ابي ذر

مر کالا را رواج دهنده است برکت را محو کننده است متفق علیه و روایت است از ابی ذر

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ثلثة لا يكلمهم الله

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت سه کس اند که کلام نمیکند ایشان را خدا

يوم القيمة ولا ينظر اليهم ولا يزكيهم ولهم عذاب

روز قیامت و نظر رحمت نمیکند سوی ایشان و پاک نمیگرداند از گناهان و مر ایشان راست

اليم قال ابو ذر خابوا وخسروا من هم يا رسول الله

عذاب دردناک گفت ابوذر نومید شدند و زیانکار شدند کیستند آنها ای رسول خدا

قال المسبل والمنان والمنفق سلعته بالحلف الكاذب

گفت آنحضرت یکی از ایشان دراز کننده ازار است بطریق تکبر دوم منت نهنده بود از عطا و سوم خرج کننده متاع خود را بسوگند دروغ

رواه مسلم وعن ابي سعيد رض قال قال رسول الله

رواه مسلم و روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم التاجر الصدوق الامين مع النبيين

صلی الله علیه وسلم بازرگان راست گو امانت دار محشور می شود روز قیامت با پیغمبران

والصديقين والشهداء رواه الترمذي والدارمي و

و صدیقان و شهیدان رواه الترمذی والدارمی

الدارقطني ورواه ابن ماجة عن ابن عمر رض وعن

و دارقطنی و روایت کرد این حدیث را ابن ماجه از ابن عمر رض و روایت است از

عبيد بن رفاعة عن ابيه عن النبي صلى الله عليه وسلم

عبید بن رفاعه از پدر خود از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال التجار يحشرون يوم القيمة فجارا الا من اتقى وبر

فرمود آنحضرت سوداگران حشر کرده می شوند روز قیامت فجار مگر کسیکه پرهیزگاری کند از حرام

وصدقة رواه الترمذی وابن ماجة والدارمی وروی

و راست گوید رواه الترمذی وابن ماجه والدارمی و روایت است از

البیهقی فی شعب الایمان عن البراء

بیهقی در شعب الایمان از براء

باب الربٰو

والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی

و آنانکه ذخیره میکنند زر و نقره را و خرچ نمی نمایند آنرا در

سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم ۝ یوم یحمٰی علیها

راه خدا پس بشارت ده آنها را بعذاب دردناک روزیکه گرم کرده می شود آن مال

فی نار جهنم فتکوٰی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

در آتش دوزخ پس داغ کرده میشود بآن پیشانی ایشان و پهلوهای ایشان و پشتهای ایشان

هٰذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون ۝

و گفته شود این است آنچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره میکردید

الذین یأکلون الربٰوا لا یقومون الا کما یقوم الذی

کسانیکه میخورند سود را برنخیزند از گور مگر چنانکه برمیخیزد کسیکه

یتخبطه الشیطان من المس ذٰلک بانهم قالوا انما

دیوانه ساخته او را شیطان بسبب آسیب ساندن این بسبب آن است که ایشان گفتند که

البیع مثل الربٰوا واحل الله البیع وحرم الربٰوا فمن

سودا گری مانند سود است و حلال کرده است خدا سوداگری را و حرام ساخته است سود را پس کسیکه

جاءه موعظة من ربه فانتهٰی فله ما سلف وامره

آمد و را پند از جانب پروردگار وی پس باز ماند او را ست آنچه گذشت و کار او

إِلَى اللّٰهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولٰئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ۝

بخدا وکسیکه بازگشت بسودخواری پس آن گروه باشندگان دوزخ اند همیشه دران باشند

يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي الصَّدَقٰتِ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ

نابود می سازد خدا برکت سود را و افزون میسازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هر

كَفَّارٍ أَثِيمٍ ۝ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ

ناسپاس گناه گار را اے مومنان حذر کنید از خدا و ترک کنید آنچه مانده است

مِنَ الرِّبٰوا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ

از سود اگر هستید از اهل ایمان پس اگر نکردید پس خبردار باشید بجنگی

مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ

از خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شما راست اصل مالهای شما نه شما ستم کنید

وَلَا تُظْلَمُونَ ۝ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبٰوا

و نه شما ستم کرده شوید اے مومنان مخورید سود را

أَضْعَافًا مُضٰعَفَةً وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَاتَّقُوا

دوچندان تو بر تو و بترسید خدا را تا باشد که رستگار شوید و بترسید

النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِينَ ۝ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ

از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران و فرمان برید خدا و پیغامبر را

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ عَنْ جَابِرٍ رض قَالَ لَعَنَ رَسُولُ اللّٰهِ

شاید که شما مهربانی کرده شوید روایت است از جابر رض گفت لعنت کرده است آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اٰكِلَ الرِّبٰوا وَمُوكِلَهُ وَكَاتِبَهُ

صلے اللہ علیہ وسلم خورنده ربا را و خوراننده ربا را و نویسنده آنرا

وَشَاهِدَيْهِ وَقَالَ هُمْ سَوَاءٌ رواه مسلم وعن ابی هریرة

و گواهان آنرا و فرمود که اینها برابر اند در لعنت رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيَأْتِيَنَّ عَلَى

از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ فرمود آنحضرت ہر آئینہ می آید بر

النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقٰى أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرِّبٰوا فَإِنْ لَمْ يَأْكُلْهُ

مردمان زمانے کہ باقی نماند ہیچ یکے مگر آنکہ بخورد ربوا پس اگر نخورد ربا

أَصَابَهُ مِنْ بُخَارِهٖ وَيُرْوٰى مِنْ غُبَارِهٖ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَأَبُوْدَاوُدَ

میرسد اورا از بخار و اثر آن و روایت کردہ شد من غبارہ یعنے میرسد اگر دکے رواہ احمد و ابو داود

وَالنَّسَائِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حَنْظَلَةَ

والنسائے وابن ماجہ و روایت است از عبد اللہ بن حنظلہ

غَسِيْلِ الْمَلَائِكَةِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کہ اورا غسیل ملائکہ گویند گفت عبداللہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

دِرْهَمُ رِبٰوا يَأْكُلُهُ الرَّجُلُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَشَدُّ مِنْ سِتَّةٍ وَّ

یک درہم کہ بخورد آنرا مرد حال آنکہ وے میداند کہ از سود است سخت تر است از سی

ثَلٰثِيْنَ زِنْيَةً رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالدَّارَقُطْنِيُّ وَرَوَى الْبَيْهَقِيُّ فِي

وشش زنا رواہ احمد و دارقطنے و روایت کرد بیہقے در

شُعَبِ الْإِيْمَانِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَزَادَ وَقَالَ مَنْ نَبَتَ لَحْمُهُ

شعب الایمان و زیادہ کرد بیہقی از ابن عباس و گفت کسیکہ بروید گوشت او

مِنَ السُّحْتِ فَالنَّارُ أَوْلٰى بِهٖ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

از حرام پس آتش دوزخ سزاوار است بوے و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرِّبٰوا سَبْعُوْنَ

گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم سود خوردن ہفتاد پارہ است

جُزْءً أَيْسَرُهَا أَنْ يَّنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهٗ وَعَنِ ابْنِ مَسْعُوْدٍ رض

ادنای آن ہفتاد پارہ این است کہ وطی کند مرد مادر خود را و روایت است از ابن مسعود رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ الرِّبٰو
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرستیکه مال ربا
وَاِنْ كَثُرَ فَاِنَّ عَاقِبَتَهٗ تَصِيْرُ اِلٰى قُلٍّ رَوَاهُمَا ابْنُ مَاجَةَ
اگرچه بسیار باشد پس تحقیق پایان کار وی بازمیگردد بسوی کمی و نقصان روایت کرد هردو حدیث را ابن ماجه
وَالْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ وَرَوٰى اَحْمَدُ الْاَخِيْرَ وَعَنْ
و بیهقی در شعب الایمان و روایت کرد احمد حدیث اخیر را و از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَتَيْتُ
ابوهریره مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدم
لَيْلَةَ اُسْرِيَ بِيْ عَلٰى قَوْمٍ بُطُوْنُهُمْ كَالْبُيُوْتِ فِيْهَا الْحَيَّاتُ
در شب معراج بر گروهی که شکمهای ایشان مانند خانهای که دران مارها اند
تُرٰى مِنْ خَارِجِ بُطُوْنِهِمْ فَقُلْتُ مَنْ هٰؤُلَاءِ يَا
دیده میشوند آن مارها از بیرون شکمهای ایشان پس گفتم من کیستند این گروه ای
جِبْرَئِيْلُ قَالَ هٰؤُلَاءِ اٰكَلَةُ الرِّبٰوا رَوَاهُ اَحْمَدُ
جبرئیل گفت این گروه خورندهٔ ربا اند رواه احمد
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَلِيٍّ رض اَنَّهٗ سَمِعَ رَسُوْلَ اللّٰهِ
و ابن ماجه و روایت است از علی مرتضی رض که وی شنید آنحضرت را
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَعَنَ اٰكِلَ الرِّبٰوا
صلی الله علیه وسلم که لعنت میکرد خورندهٔ ربا را
وَمُوْكِلَهٗ وَكَاتِبَهٗ وَمَانِعَ الصَّدَقَةِ وَكَانَ
و خورانندهٔ آنرا و کاتب آنرا و منع کنندهٔ زکوة را و بود آنحضرت
يَنْهٰى عَنِ النَّوْحِ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ وَعَنْ اَنَسٍ رض
که نهی میکرد از نوحه کردن رواه نسائی و از انس رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا اقرض احدكم

گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم چون بدهد يكے از شما ديگرےرا

قرضا فاهدى اليه او حمله على الدابة فلا يركبه

وام پس بدہد فرستد آن کہ قرض گرفته است کسی قرض دهنده را یا سوار کرد اورا بر مرکوب پس باید که سوار

ولا يقبلها الا ان يكون جرى بينه وبينه قبل ذلك رواه

وقبول نكند آن هديه را مگر آنکه جاری است رعادت شده است میان این و آن پیش از معامله قرض روا

ابن ماجة والبيهقي في شعب الايمان وعنه عن النبي

ابن ماجه و بیهقی در شعب ایمان و روایت است هم از انس رض از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال اذا اقرض الرجل الرجل فلا ياخذ

صلى الله عليه وسلم فرمود آنحضرت وقتیکه قرض دهد مردے مرد دیگر را پس باید که هدیه نگیرد

هدية رواه البخاري في تاريخه هكذا في المنتقى

از وام دهنده روایت کرد بخاری در تاریخ خود این چنین است در منتقى

وعن ابي بردة بن ابي موسى رض قال قدمت المدينة

و روایت است از ابی برده فرزند ابی موسی رض گفت قدوم آوردم مدینه را

فلقيت عبد الله بن سلام فقال انك بارض فيها الربوا

پس ملاقات کردم عبد الله بن سلام را پس گفت عبد الله بن سلام رض بدرستیکه تو بر زمینے هستی که در و ربوا

فاش فاذا كان لك على رجل حق فاهدى اليك حمل تبن

آشکارا است پس چون باشد مر ترا بر مردی حقے یعنی وامے پس بفرستد آن مرد بسوی تو پشتواره کاه

او حمل شعير او حمل قت فلا تاخذه فانه ربوا رواه

یا پشتواره جو یا بفرستد بار علفے پس مگیر آنرا پس تحقیق آن حکم ربا دارد روایت کرد آنرا

البخاري وعن الاسود بن ذهب رض دخلت على رسول الله

بخاری و روایت است از اسود بن ذهب در آمدم بر آنحضرت

صلى الله عليه وسلم فقال ألا أنبئك بشيء من الربوا عسى الله

صلی الله علیه وسلم پس فرمود آیا خبر دهم ترا بچیزے که از ربا باشد عنقریب خدا تعالی

أن ينفعك به قلت بلى قال إن الربوا أبواب ألباب منه عدل

نفع دهد ترا بآن گفتم آرے یا رسول خدا فرمود بدرستیکه سود انواع واقسام است کمتری ازان برابر است

تسعين حوبا أدناها فجرة كاضطجاع الرجل مع أمه وإن

نود معصیت را ادنا گناه آن بیجائی است مانند خفتن مرد با مادر خود و بدرستیکه

أربا الربا استطالة المرء في عرض أخيه بغير حق ابن منده وأبو نعيم

سخت تر ربا آبرو ریزی مردیست برادر خود بناحق روایت کرد این حدیث را ابن منده وابونعیم

باب الاحتكار

عن عمر عن النبي صلى الله عليه وسلم قال الجالب

روایت است از عمر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کشنده

مرزوق والمحتكر ملعون رواه ابن ماجة والدارمي

رزق داده شده است ونگاه دارنده لعنت کرده شده رواه ابن ماجه والدارمی

وعن معمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروایت است از معمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من احتكر فهو خاطئ رواه مسلم وعن عمر بن الخطاب

کسیکه احتکار کند پس آن عاصی وآثم است رواه مسلم وروایت است از عمر بن الخطاب رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من احتكر

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه احتکار کند

على المسلمين طعامهم ضربه الله بالجذام والإفلاس

بر مسلمانان طعام ایشان را بزند اورا خدا تعالی بجذام که مرضی مشهورست و بافلاس

رواه ابن ماجة والبيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه

رواه ابن ماجه و بیهقی در شعب ایمان و رزین در کتاب خود

وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

من احتكر طعاما اربعين يوما يريد به الغلاء فقد برئ

کسیکه احتکار کند طعامی را چهل روز در حالیکه میخواهد بان گرانی غله را پس بدرستیکه بیزار شد آن

من الله وبرئ الله منه رواه رزين وعن معاذ رض

از خدا و بیزار شد خدا تعالی ازوی روایت کرد رزین و روایت است از معاذ رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول بئس العبد

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت بنده ایست

المحتكر ان ارخص الله الاسعار حزن وان اغلاها فرح

احتکار کننده اگر ارزان گرداند خدا نرخ ها را اندوه گین گردد و اگر گران گرداند نرخها را شاد گردد

رواه البيهقي في شعب الايمان ورزين في كتابه وعن

رواه بیهقی در شعب الایمان و رزین در کتاب خود و روایت است از

ابي امامة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من

ابی امامه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه

احتكر طعاما اربعين يوما ثم تصدق به لم يكن له

احتکار کند غله چهل روز پس تصدق کرد آن طعام نمی باشد آن تصدق کردن مر او را

كفارة رواه رزين

پوشنده گناه وی روایت کرد رزین

باب الافلاس والانظار والتشديد في الدين

کسی را که مفلس شود و تنگ دستی و مهلت دادن به او و سخت گیری در قرض

وَاِنْ كَانَ ذُوْعُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ وَاَنْ تَصَدَّقُوْا خَيْرٌ
و اگر باشد مفلسے پس لازم است مہلت دادن تا توانگر شود و آنکہ خیرات کنید بہتر است
لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ○ وَاتَّقُوْا يَوْمًا تُرْجَعُوْنَ فِيْهِ اِلَى اللّٰهِ
شمارا اگر ہستید دانندہ و حذر کنید از آن روز کہ باز گردانیدہ شوید در آن بسوے خدا
ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ○ عَنْ
پس تمام دادہ شود ہر شخصے آنچہ عمل کردہ است و ایشان ستم کردہ نشوند روایت است از
اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَانَ
ابی ہریرہ رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود کہ بود
رَجُلٌ يُدَايِنُ النَّاسَ فَكَانَ يَقُوْلُ لِفَتَاهُ اِذَا اَتَيْتَ مُعْسِرًا
مردی کہ معاملہ میکرد مردمرا بوام پس بود آنمرد کہ میگفت مر غلام خود را وقتیکہ بیائی تو فقیری را
تَجَاوَزْ عَنْهُ لَعَلَّ اللّٰهَ اَنْ يَّتَجَاوَزَ عَنَّا قَالَ فَلَقِيَ اللّٰهَ فَتَجَاوَزَ
درگذر از وے شاید کہ خدا درگذرد ازما فرمود آنحضرت پیش آمد آنمرد خدارا پس گذشت او تعالیٰ
عَنْهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِيْ قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ
از وی متفق علیہ و روایت است از ابی قتادہ رض گفت فرمود
رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَرَّهٗ اَنْ يُّنْجِيَهُ اللّٰهُ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ شاد میگرداند اورا کہ رستگار گرداند اورا خدا
مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ فَلْيُنَفِّسْ عَنْ مُّعْسِرٍ اَوْ يَضَعْ عَنْهُ
از اندوہہای روز قیامت پس باید کہ تاخیر کند طلب وام را از فقیر یا نہد وام را از وے
رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى
رواہ مسلم وہم از ابی قتادہ است گفت شنیدم آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ اَنْظَرَ مُعْسِرًا اَوْ وَضَعَ عَنْهُ
اللہ علیہ وسلم را کہ میگفت کسیکہ مہلت دہد معسر را یا نہد وام را از وے

أَنْجَاهُ اللّٰهُ مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

رستگاری دهد او را خدا تعالی از اندوههای روز قیامت رواه مسلم در روایت است از

أَبِي الْيَسَرِ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی الیسر رض گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يَقُوْلُ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ وَضَعَ عَنْهُ أَظَلَّهُ اللّٰهُ فِيْ ظِلِّهِ

که میگفت کسیکه مهلت دهد مفلس را یا بنهد وام را از گردن وی جای دهد او را خدا در سایه عنایت خود

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رض قَالَ قَالَ

رواه مسلم در روایت است از عمران بن حصین رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ كَانَ لَهٗ عَلٰى رَجُلٍ حَقٌّ

پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه باشد مر او را بر مردی حقی و وا

فَمَنْ أَخَّرَهٗ كَانَ لَهٗ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ رَوَاهُ أَحْمَدُ

پس تاخیر کرد آنرا از کسیکه بر وی حق است باشد مر صاحب حق را هر روز ثواب صدقه رواه احمد

وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ كَانَ لِيْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

در روایت است از جابر رض گفت که بود مرا بر آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ دَيْنٌ فَقَضَانِيْ وَزَادَنِيْ رَوَاهُ أَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ

وسلم وامی پس ادا کرد مرا و زیاده کرد چیزی بطریق انعام رواه ابو داود و در روایت از

عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ أَبِيْ رَبِيْعَةَ قَالَ اسْتَقْرَضَ مِنِّي النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

عبد الله بن ابی ربیعه گفت قرض گرفت از من آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْبَعِيْنَ أَلْفًا فَجَاءَهٗ مَالٌ فَدَفَعَهٗ إِلَيَّ وَقَالَ

علیه وسلم چهل هزار پس آمد آنحضرت را مالی پس دفع کرد آن چهل هزار را بسوی من و فرمود

بَارَكَ اللّٰهُ تَعَالٰى فِيْ أَهْلِكَ وَمَالِكَ إِنَّمَا جَزَاءُ السَّلَفِ الْحَمْدُ

برکت کند خدا تعالی در اهل تو و در مال تو جز این نیست پاداش قرض دهنده شکر و

وَلَا دَاءَ رَوَاهُ النَّسَائِیُّ وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض اَنَّ رَجُلًا

ودادار آن رواه النسائی وروایت است از ابی هریره رض که مردے

تَقَاضٰی رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فَاَغْلَظَ لَهٗ فَهَمَّ اَصْحَابُهٗ

طلب کرد از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس سخت گفت پس قصد کردند یاران

فَقَالَ دَعُوْهُ فَاِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا وَاشْتَرُوْا لَهٗ بَعِیْرًا

ایذای مرد را پس فرمود که بگذارید او را زیرا که مر صاحب حق را جا گفتن ہست و بخرید برا او شترے

فَاَعْطُوْهُ اِیَّاهُ قَالُوْا لَا نَجِدُ اِلَّا اَفْضَلَ مِنْ سِنِّهٖ قَالَ اشْتَرُوْهُ

پس بدہید او را آن شتر گفتند اصحاب نمی یابیم مگر زیادہ تر از سال شتر وی فرمود بخرید آنرا

فَاَعْطُوْهُ فَاِنَّ خَیْرَكُمْ اَحْسَنُكُمْ قَضَاءً مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْهُ

پس بدہید وی را زیرا که بہترین شما نیکوتر شما است در ادا متفق علیہ و ہم از وے مروی

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَطْلُ الْغَنِیِّ ظُلْمٌ

که پیغامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود دیر داشتن توانگر وام را ظلم است

فَاِذَا اُتْبِعَ اَحَدُكُمْ عَلٰی مَلِیٍّ فَلْیَتْبَعْ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ

پس چون یکے از شما حوالہ کردہ شود برتوانگر یعنی حوالہ کردہ شود پس باید که قبول کند متفق علیہ و از

اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض عَنِ النَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ اَخَذَ

ابی ہریرہ مرویست از آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم گفت کسیکه بگیرد

اَمْوَالَ النَّاسِ یُرِیْدُ اَدَاءَهَا اَدَّی اللّٰهُ عَنْهُ وَمَنْ اَخَذَ

مالہاے مردم را یعنی بوام در حالتیکه میخواہد ادائے آن ادا میکند خدا یتعالی از جانب آن کسیکه

یُرِیْدُ اِتْلَافَهَا اَتْلَفَهُ اللّٰهُ عَلَیْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ وَعَنْ

در حالیکه میخواہد ہلاک کردن مال مردم را ہلاک میگرداند خدا بروی یعنی اعانت نمیکند رواه البخاری و از

اَبِیْ قَتَادَةَ رض قَالَ قَالَ رَجُلٌ یَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَرَاَیْتَ اِنْ قُتِلْتُ

ابی قتادہ رض گفت گفت مردے ای رسول خدا خبر دہ اگر کشتہ شوم

في سبيل الله صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر يكفر الله

در راه خدا صبر کننده امید ثواب دارنده و پشت نه دهنده آیا می پوشد خدا یتعالی

عني خطاياي فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم نعم فلما

از من گناهان من فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری می پوشد گناهان ترا پس چون

ادبر ناداه فقال نعم الا الدين كذلك قال جبرئيل رواه

پشت داد آنمرد پس خواند او را پس گفت آنحضرت آری می بخشد همه گناه را مگر وام همچنین گفت جبرئیل روایت

مسلم وعن عبد الله بن عمرو رض ان رسول الله صلى الله

مسلم در روایت است از عبد الله بن عمرو رض بدرستی که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال يغفر للشهيد كل ذنب الا الدين رواه مسلم

علیه وسلم فرمود آمرزیده می شود مر شهید را هر گناه مگر وام روایت مسلم

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم نفس المؤمن معلقة بدينه حتى يقضى عنه رواه

وسلم ذات مسلمان آویخته شده است بوام وی که بر خود دارد تا آنکه گذارده شود دین

الشافعي واحمد والترمذي وابن ماجة والدارمي وعن

الشافعی واحمد والترمذی وابن ماجه والدارمی و روایت است از

البراء بن عازب رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

براء بن عازب رض گفت فرمود پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

صاحب الدين مأسور بدينه يشكو الى ربه الوحدة يوم

خداوند دین محبوس و اسیر است بدین خود گله میکند بسوی پروردگار خود تنهائی و وحشت را روز

القيامة رواه في شرح السنة وعن ابي سعيد الخدري

قیامت روایت کرد در شرح السنة و روایت است از ابی سعید خدری رض

قَالَ أُتِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِجَنَازَةٍ لِيُصَلِّيَ عَلَيْهَا

گفت آورده شد آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم جنازہ را تا بگزارد بر وے نماز

فَقَالَ هَلْ عَلَى صَاحِبِكُمْ دَيْنٌ قَالُوا نَعَمْ قَالَ هَلْ تَرَكَ لَهُ مِنْ

پس گفت آنحضرت آیا ہست بر دوستے گفتند آرے ہست فرمود آیا گذاشتہ است مرد دین را چیزے کہ

وَفَاءٍ قَالُوا لَا قَالَ صَلُّوا عَلَى صَاحِبِكُمْ قَالَ عَلِيُّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ

وفا کند باد آن گفتند گذاشتہ است فرمود نماز گذارید شما بر رفیق خود گفت علی رض ابن ابی طالب

عَلَيَّ دَيْنُهُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ فَتَقَدَّمَ فَصَلَّى عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ مَعْنَاهُ

بر من دین اوست اے رسول خدا پس پیش آمد آنحضرت پس نماز گذارد بر وے و در روایتے دیگر معنی این

وَقَالَ فَكَّ اللّٰهُ رِهَانَكَ مِنَ النَّارِ كَمَا فَكَكْتَ رِهَانَ أَخِيكَ

و این زیادت کہ گفت آنحضرت در حق علی رض کہ خلاص گرداند خدا نفس ترا چنانکہ خلاص کردی نفس برادر

الْمُسْلِمِ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يَقْضِي عَنْ أَخِيهِ دَيْنَهُ إِلَّا فَكَّ

مسلمان خود را نیست ہیچ بندہ مسلمان کہ بگذارد از جانب برادر خود وام او را مگر آنکہ خلاص گرداند

اللّٰهُ رِهَانَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ

خدا اسے گرو او را روز قیامت رواہ فی شرح السنۃ و روایت است از

ثَوْبَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَهُوَ

ثوبان رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بمیرد و حال آنکہ

بَرِيءٌ مِنَ الْكِبْرِ وَالْغُلُولِ وَالدَّيْنِ دَخَلَ الْجَنَّةَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

وے بیزار است از کبر و از خیانت کردن در غنیمت و از وام می در آید در بہشت رواہ الترمذی

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي مُوسَى رض عَنِ النَّبِيِّ

وابن ماجۃ والدارمی و روایت است از ابی موسی رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ أَعْظَمَ الذُّنُوبِ عِنْدَ اللّٰهِ أَنْ يَلْقَاهُ

صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ بدرستیکہ بزرگترین گناہان نزد خدا آنست کہ پیش آید خدا را

بها عبد بعد الكبائر التي نهى الله عنها ان يموت رجل
بآن گناهان بعد از گناهان کبیره که نهی کرده است خدای از آن اینست که بمیرد بنده و حال آنکه
وعليه دين لا يدع له قضاء رواه احمد وابو داود وعن
بر وی دین است و نمی گذارد چیزی برای ادای وی رواه احمد و ابو داود و روایت است از
سعد بن الاطول قال مات اخي وترك ثلث مائة دينار
سعد بن اطول رض گفت مرد برادر من و بگذاشت سه صد دینار
وترك ولدا صغارا فاردت ان انفق عليهم فقال لي
و گذاشت اولاد خرد و خواستم که خرج کنم آن دینارها را بر اولاد پس فرمود مرا
رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اخاك محبوس بدينه
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بدرستیکه برادر تو محبوس است از وصول نعیم بسبب دین
فاقض عنه قال فذهبت فقضيت عنه ثم جئت فقلت
پس ادا کن از وی دین را گفت پس رفتم پس ادا کردم دین را از وی پس آمدم پس گفتم
يا رسول الله قد قضيت عنه ولم تبق الا امراة تدعي
یا رسول الله بتحقیق ادا کردم دین را از وی و باقی نماند مگر زنی که دعوی میکند
دينارين وليست لها بينة قال اعطها فانها صادقة
دو دینار را و نیست مر او را گواه گفت آنحضرت بده آنرا زیرا که وی راست میگوید شاید که بوی دانست
رواه احمد وعن محمد بن عبد الله ابن جحش قال
رواه احمد و روایت است از محمد بن عبد الله ابن جحش گفت
كنا جلوسا بفناء المسجد حيث يوضع الجنائز ورسول الله
بودیم نشسته در صحن مسجد آنجا که نهاده میشد جنازه ها و حال آنکه آنحضرت
صلى الله عليه وسلم جالس بين ظهرينا فرفع رسول الله
صلی الله علیه وسلم نشسته بود میان ما پس سر برداشت پیغامبر خدا

صلى الله عليه وسلم بصره قبل السماء فنظر ثم طأطأ

صلی الله علیه وسلم بینائی خود را جانب آسمان پس نگاه کرد بستر پست کرد

بصره ووضع يده على جبهته قال سبحان الله سبحان الله

بصر خود را و نهاد دست خود را بر پیشانی خود گفت سبحان الله سبحان الله

ماذا انزل من التشديد قال فسكتنا يومنا وليلتنا فلم نر

چه چیز فرود آمد از سخت گرفتن گفت راوی پس خاموش بودیم ما در این روز و شب پس ندیدیم

الا خيرا حتى اصبحنا قال محمد فسألت رسول الله صلى الله

مگر نیکی را تا آنکه صبح کردیم گفت راوی محمد پس سوال کردم آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ما التشديد الذي نزل قال في الدين والذي

علیه وسلم را که چیست آن تشدید که فرود آمد گفت آنحضرت که آن تشدید در حق دین است و قسم بآنکه

نفس محمد بيده لو ان رجلا قتل في سبيل الله ثم عاش

بآنخدای که بقای محمد در دست اوست اگر ثابت شد مردی که کشته شد در راه خدا بستر زنده شد

ثم قتل في سبيل الله ثم عاش ثم قتل في سبيل الله

بستر کشته شد در راه خدا بستر زنده شد بستر کشته شد در راه خدا

ثم عاش وعليه دين ما دخل الجنة حتى يقضى دينه رواه

بستر زنده شد و حال آنکه بر وی وام است در نمی آید بهشت را تا آنکه ادا کرده شود دین او روایت

احمد وفي شرح السنة نحوه

احمد و در شرح سنة مانند آن حدیث

باب الغصب

ولا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل وتدلوا بها الى الحكام

و مخورید اموال خویشتن را در میان خویش بناحق و مرسانید اموال خود را بسبب آن حاکمان

لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝
تا بخورید پاره از اموال مردمان بستم و دانسته

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ
و نزدیک نشوید بمال یتیم و در ان تصرف مکنید مگر بخصلے که آن نیکوتر باشد تا برسد بقوت خود یعنی بالغ شود

عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
و روایت است از سعید بن زید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ أَخَذَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ ظُلْمًا فَإِنَّهُ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ
وسلم کسیکه بگیرد یکبادست از زمین بستم پس بتحقیق طوق گردانیده شود آن زمین

الْقِيَامَةِ مِنْ سَبْعِ أَرَضِينَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ
روز قیامت از هفت زمین متفق علیه و روایت است از

عَبْدِ اللهِ بْنِ يَزِيدَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ
عبد الله بن یزید انصاری رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که

نَهَى عَنِ النُّهْبَةِ وَالْمُثْلَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي حُرَّةَ
نهی کرد آنحضرت از نهبه یعنی غارت مال مسلم و از مثله یعنی عقوبت کردن ببریدن گوش و بینی و روایت است از ابی حره

الرَّقَاشِيِّ عَنْ عَمِّهِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
رقاشی از عم خود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَظْلِمُوا أَلَا لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِءٍ إِلَّا بِطِيبِ
وسلم آگاه باشید که ظلم نکنید و آگاه باشید حلال نیست مال مرد مگر بخوشی

نَفْسٍ مِنْهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَالدَّارَقُطْنِيُّ
نفس از وے روایت بیهقی در شعب ایمان و دار قطنی

فِي الْمُجْتَبَى وَعَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ رض قَالَ قَالَ
در کتاب مجتبی و روایت است از سالم او پدر خود رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من اخذ من الارض شبرا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بگیرد از زمین یک دست

بغير حقه خسف به يوم القيمة الى سبع ارضين رواه

بغیر شرعی فرو برده شود او را روز قیامت تا هفت زمین روایه

البخاري وعن يعلى بن مرة رض قال سمعت رسول الله

بخاری و روایت است از یعلی بن مره رض گفت شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول من اخذ ارضا بغير حقها كلف

صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه بگیرد زمینی را بناحق تکلیف کرده شود

ان يحمل ترابها المحشر رواه احمد وعنه قال

که بردارد بر سر خاک آن در حشر روایه احمد وهم از وے مرویست که گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ايما رجل ظلم

شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت هر مردیکه بظلم بگیرد

شبرا من الارض كلفه الله عز وجل ان يحفره حتى يبلغ

یک شبر را از زمین تکلیف کند او را خدا عز وجل که بکند آن شبر زمین تا آنکه برسد

اخر سبع ارضين ثم يطوقه الى يوم القيمة حتى يقضي

آخر هفت زمین را پس طوق گردانیده شود آن زمین او را تا آخر روز قیامت تا آنکه تمام کرده شود

بين الناس رواه احمد وعن ابي بكرة رض قال

حکم میان مردم روایه احمد و روایت است از ابی بکره رض گفت

خطبنا النبي صلى الله عليه وسلم يوم النحر قال ان الزمان

که خطبه خواند ما را آنحضرت صلی الله علیه وسلم روز نحر و گفت که زمان یعنی سال

قد استدار كهيئته يوم خلق الله السموت والارض

بتحقیق بازگشت بهمچو هیئتی و سے که در روز پیدا کردن خدا آسمانها و زمین را بود

۱۴ [illegible]

لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝

تا بخورید پاره از اموال مردمان بستم و دانسته

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

و نزدیک نشوید بمال یتیم و در آن تصرف مکنید مگر بطریقه که آن نیکوتر باشد تا برسد بقوت خود یعنی بالغ شود

عَنْ سَعِيدِ بْنِ زَيْدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

در روایت است از سعید بن زید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ أَخَذَ شِبْرًا مِّنَ الْأَرْضِ ظُلْمًا فَإِنَّهُ يُطَوَّقُهُ يَوْمَ

وسلم کسیکه بگیرد یک بدست از زمین بستم پس بتحقیق طوق گردانیده شود آن زمین

الْقِيَامَةِ مِنْ سَبْعِ أَرَضِيْنَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

روز قیامت از هفت زمین متفق علیه و در روایت است از

عَبْدِ اللهِ بْنِ يَزِيْدَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ

عبد الله بن یزید انصاری رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که

نَهَى عَنِ النُّهْبَةِ وَالْمُثْلَةِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ أَبِي حُرَّةَ

نهی کرد آنحضرت از نهبه یعنی غارت مال مسلم و از مثله یعنی عقوبت کردن ببریدن بینی و گوش روایت بخاری و در روایت است از ابی حره

الرَّقَاشِيِّ عَنْ عَمِّهِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

رقاشی از عم خود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَظْلِمُوا أَلَا لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ إِلَّا بِطِيبِ

وسلم آگاه باشید که ظلم نکنید و آگاه باشید حلال نیست مال مردی مگر بخوشی

نَفْسٍ مِنْهُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَالدَّارَقُطْنِيُّ

نفس از وی روایت بیهقی در شعب ایمان و دار قطنی

فِي الْمُجْتَبَىٰ وَعَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ رض قَالَ قَالَ

در کتاب مجتبی و در روایت است از سالم از پدر خود رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَخَذَ مِنَ الْاَرْضِ شِبْرًا
آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگیرد از زمین یک بدست
بِغَيْرِ حَقِّهٖ خُسِفَ بِهٖ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِلٰى سَبْعِ اَرَضِيْنَ رَوَاهُ
بغیر شرعی فرو برده شود او را روز قیامت تا هفت زمین رواه
الْبُخَارِيُّ وَعَنْ يَعْلَى بْنِ مُرَّةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ
بخاری و روایت است از یعلی بن مره رض گفت شنیدم آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَنْ اَخَذَ اَرْضًا بِغَيْرِ حَقِّهَا كُلِّفَ
صلی اللہ علیہ وسلم را که میگفت کسیکه بگیرد زمینے را بناحق تکلیف کرده شود
اَنْ يَّحْمِلَ تُرَابَهَا الْمَحْشَرَ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْهُ قَالَ
که بردارد بر سر خاک آن در حشر رواه احمد و هم ازوے مرویست که گفت
سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ اَيُّمَا رَجُلٍ ظَلَمَ
شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را که میگفت هر مردے که بظلم بگیرد
شِبْرًا مِّنَ الْاَرْضِ كَلَّفَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ اَنْ يَّحْفِرَهٗ حَتّٰى يَبْلُغَ
یک شبر را از زمین تکلیف کند او را خدا عزوجل که بکند آن شبر زمین تا آنکه برسد
اٰخِرَ سَبْعِ اَرَضِيْنَ ثُمَّ يُطَوَّقُهٗ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ حَتّٰى يُقْضٰى
آخر هفت زمین را پس طوق پوشانیده شود آن زمین او را تا آخر روز قیامت تا آنکه تمام کرده شود
بَيْنَ النَّاسِ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِيْ بَكْرَةَ رض قَالَ
حکم میان مردم رواه احمد و روایت است از ابی بکره رض گفت
خَطَبَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ النَّحْرِ قَالَ اِنَّ الزَّمَانَ
که خطبه خواند ما را آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم روز نحر و گفت که زمان یعنی سال
قَدِ اسْتَدَارَ كَهَيْئَتِهٖ يَوْمَ خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
بتحقیق باز گشت بهمچو هیئت وصفے که در روز پیدا کردن خدا آسمان ها و زمین را بود

السنة اثنا عشر شهرا منها اربعة حرم ثلث متواليات

سال دوازده ماه است از ان چهار ماه حرام است سه ماه پیهم آینده اند

ذو القعدة وذو الحجة والمحرم ورجب مضر الذي بين

وآن ذوالقعده و ذوالحجه و محرم و رجب که منسوب است بسوی قبیله مضر است آنکه میان

جمادى وشعبان وقال اي شهر هذا قلنا الله ورسوله

جمادی الاخری و شعبان است و گفت آنحضرت کدام ماه است این گفتیم خدا و رسول خدا

اعلم فسكت حتى ظننا انه سيسميه بغير اسمه فقال

داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم که آنحضرت نزدیک است که نام برد او را بجز نام او

أليس ذا الحجة قلنا بلى قال اي بلد هذا قلنا الله

آیا نیست این ماه ذوالحجه گفتیم آری فرمود آنحضرت که کدام شهر است این گفتیم خدا

ورسوله اعلم فسكت حتى ظننا انه سيسميه بغير

و رسول خدا داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم تحقیق نزدیک است که نام برد او را بجز نام او

اسمه قال أليس البلدة قلنا بلى قال فاي يوم هذا

فرمود آیا نیست این بلده گفتیم آری فرمود پس کدام روز است این

قلنا الله ورسوله اعلم فسكت حتى ظننا انه سيسميه

گفتیم خدا و رسول خدا داناتر است پس خاموش ماند آنحضرت تا آنکه گمان بردیم که آنحضرت قریب است

بغير اسمه قال أليس يوم النحر قلنا بلى قال فان

که نام دیگر برد فرمود آنحضرت آیا نیست این روز نحر گفتیم آری فرمود آنحضرت پس بدرستیکه

دماءكم واموالكم واعراضكم عليكم حرام كحرمة

خونهای شما و مالهای شما و آبروهای شما بر شما حرام است مانند حرمت

يومكم هذا في بلدكم هذا في شهركم هذا وستلقون

روز شما که این است در شهر شما که این شهر است و نزدیک است که بپیش آیید

رَبَّكُمْ فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ أَلَا فَلَا تَرْجِعُوا بَعْدِي ضُلَّالًا

چه پروردگار شما پس پرسد پروردگار شما از کردار شما آگاه باشید پس نگردید بعد از رفتن من از دنیا گمراهان

يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ

که بزند بعضے از شما گردنهای بعضی را آگاه باشید آیا رسانیدم رسالت را گفتند آرے گفت آ[illegible]

اَللّٰهُمَّ اشْهَدْ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ فَرُبَّ مُبَلَّغٍ أَوْعَى

بار خدایا گواه باش پس باید که برساند حاضر کسی را که غایب است پس بسا کسیکه رسانیده شده است یاد دارنده تر است

مِنْ سَامِعٍ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنَّهُ سَمِعَ

از کسیکه شنیده است متفق علیه و روایت است از ابی ذر رض بدرستیکه او شنید

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنِ ادَّعَى مَا لَيْسَ لَهُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه دعوی کرد چیزی را که نیست مراورا

فَلَيْسَ مِنَّا وَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

پس آنکس نیست از ما و باید که بگیرد جای خود را از آتش رواه مسلم و روایت است از

خَالِدِ بْنِ الْوَلِيدِ رض قَالَ غَزَوْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

خالد بن ولید رض گفت غزا کردم همراه آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَوْمَ خَيْبَرَ فَأَتَتِ الْيَهُودُ فَشَكَوْا أَنَّ النَّاسَ قَدْ

وسلم بروز جنگ خیبر پس آمدند یهود پس شکایت کردند که مردمان بتحقیق

أَسْرَعُوا إِلَى حَظَائِرِهِمْ فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

سرعت کردند بسوی درختان خرمای ما پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ أَلَا لَا تَحِلُّ أَمْوَالُ الْمُعَاهَدِينَ إِلَّا بِحَقِّهَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

وسلم آگاه باشید که حلال نیست مالهاے اهل ذمه مگر بحق آن رواه ابوداؤد

بَابُ الْاِرْتِشَاءِ

عن عبد الله بن عمر رض قال لعن رسول الله صلى الله

روایت است از عبد الله بن عمر رض گفت که لعنت کرد آنحضرت صلی الله

عليه وسلم الراشي والمرتشي رواه أبو داود وابن ماجة

علیه وسلم رشوت دهنده را و گیرنده را رواه ابو داود وابن ماجه

ورواه الترمذي عنه وعن أبي هريرة ورواه أحمد والبيهقي

و روا ه ترمذی از عبد الله و از ابی هریره و روا ه احمد و البیهقی

في شعب الإيمان عن ثوبان وزاد والرائش يعني الذي

در شعب ایمان از ثوبان مولای آنحضرت و زیاده کرد بیهقی لفظ الرائش یعنی آنکس

يمشي بينهما وعن أبي أمامة رض أن رسول الله صلى الله

که پیام کند میان این هر دو و از ابی امامه مرویست که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال من شفع لأحد شفاعة فأهدى له هدية عليها

علیه وسلم فرمود کسیکه شفاعت کرد مر کسی را پس هدیه فرستاده شد مر آنکس را برای این شفاعت

فقبلها فقد أتى بابا عظيما من أبواب الربوا رواه أبو داود

پس قبول کرد آنرا پس تحقیق آمد او باب عظیم را از ابواب ربوا رواه ابو داود

باب في الهبة والهدية

وعن أنس رض أن النبي صلى الله عليه وسلم كان

و روایت است از انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که

لا يرد الطيب رواه البخاري وعن أبي هريرة رض عن

رد نمیکرد قسم خوش بوی را رواه بخاری و روایت است از ابی هریره رض از

النبي صلى الله عليه وسلم قال تهادوا فإن الهدية تذهب

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که هدیه فرستید زیرا که هدیه دور میکند

وَحَرَ الصَّدْرِ وَلَا تَحْقِرَنَّ جَارَةٌ لِجَارَتِهَا وَلَوْ شِقَّ

و حر سینه را و باید که حقیر نشمارد هیچ زن برای زنی که همسایه اوست اگرچه

فِرْسِنِ شَاةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض أَنَّ النَّبِيَّ

بقدر سم گوسپند رواه ترمذی و روایت است از جابر رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أُعْطِيَ عَطَاءً فَوَجَدَ فَلْيَجْزِ بِهِ وَمَنْ

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه داده شده و بخششی پس یافت آنکس پس باید که عوض دهد

لَمْ يَجِدْ فَلْيُثْنِ فَإِنَّ مَنْ أَثْنَى فَقَدْ شَكَرَ وَمَنْ كَتَمَ فَقَدْ كَفَرَ

نیابد پس باید که ثنا کند دهنده را زیرا که کسیکه ثنا گوید پس بتحقیق شکر کرد و کسیکه بپوشید احسان را پس بتحقیق ناسپاسی کرد

وَمَنْ تَحَلَّى بِمَا لَمْ يُعْطَ كَانَ كَلَابِسِ ثَوْبَيْ زُورٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

و کسیکه بیاراید خود را بچیزیکه داده نشد میباشد آنکس همچو پوشنده دو جامه دروغ رواه ترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

و ابو داؤد و روایت است از اسامه بن زید گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صُنِعَ إِلَيْهِ مَعْرُوفٌ فَقَالَ لِفَاعِلِهِ

صلی الله علیه وسلم کسیکه کرده شد بسوی وی احسان پس گفت مر احسان کننده را

جَزَاكَ اللّٰهُ خَيْرًا فَقَدْ أَبْلَغَ فِي الثَّنَاءِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

جزاک الله خیرا پس بتحقیق مبالغه کرد در ثنای او رواه ترمذی و روایت است از

أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللّٰهَ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

شکر نگوید مردم را در احسان شکر نگوید خدای را رواه احمد والترمذی

وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

تَهَادَوْا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تُذْهِبُ الضَّغَائِنَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

هدیہ بفرستید یکدیگر را که هدیه دور میکند کینها و دشمنی ها را روایت کرد ترمذی

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ثَلٰثٌ لَا تُرَدُّ الْوَسَائِدُ وَالدُّهْنُ وَاللَّبَنُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

سه چیز است که رد کرده نشود یکے بالینها دوم روغن سوم شیر روایت کرد ترمذی

وَقَالَ هٰذَا حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ قِيْلَ اَرَادَ بِالدُّهْنِ الطِّيْبَ وَعَنْ

و گفت این حدیث غریب است گفته شد که مراد آنحضرت از لفظ دهن خوشبوی است و از

اَبِيْ عُثْمَانَ النَّهْدِيِّ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ابی عثمان نهدی رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اِذَا اُعْطِيَ اَحَدُكُمُ الرَّيْحَانَ فَلَا يَرُدَّهُ فَاِنَّهُ خَرَجَ

وسلم چون داده شود یکے از شما ریحان پس باید که رد نکند آنرا الیس بدرستیکه ریحان بیرون آمده است

مِنَ الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مُرْسَلًا وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

از بهشت روایت کرد ترمذی مرسلا و از ابن عباس رض مرویست

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعَائِدُ فِيْ هِبَتِهِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بازگردنده در هبه خود یعنی باز ستاننده

كَالْكَلْبِ يَعُوْدُ فِيْ قَيْئِهِ لَيْسَ لَنَا مَثَلُ السَّوْءِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

مانند سگ است که باز میگردد در قی خود و میخورد آنرا سزاوار نیست ما را حال و قصه بدی روایت کرد بخاری

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ وَابْنِ عَبَّاسٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابن عمر رض و ابن عباس رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ اَنْ يُّعْطِيَ عَطِيَّةً ثُمَّ يَرْجِعَ فِيْهَا

وسلم گفت حلال نیست مر مرد را که بدهد چیزے را از هبه و صدقه و هدیه پس رجوع کند در وی

إلا الوالد فيما يعطي ولده ومثل الذي يعطي العطية ثم يرجع

مگر والد در آنچه میدهد فرزند خود را و حال آن کسیکه میدهد بخششی را بس رجوع میکند

فيها كمثل الكلب الذي أكل حتى إذا شبع قاء ثم عاد في

در آن بهمچو حال سگ است که خورد چیزی را تا آنکه چون سیر شد قی کرد پس باز گشت در

قيئه رواه أبو داود والترمذي والنسائي وابن ماجه

قی خود یعنی خوردن گرفت رواه ابوداود و ترمذی والنسائی و ابن ماجه

باب الوصية

عن ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما حق امرئ مسلم له شيء يوصي فيه يبيت ليلتين إلا

نیست حق مردی مسلمانی که مر او را چیزی است که صلاحیت آن دارد که وصیت کرده شود در وی بگذارد

ووصيته مكتوبة عنده متفق عليه وعن جابر رض

وصیت وی نوشته شده است نزد وی متفق علیه و روایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من مات على وصية

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه مرد بر وصیت یعنی وصیت کرد

مات على سبيل وسنة ومات على تقى وشهادة ومات

مرد بر راه و در روش دین و مرد بر تقوی و شهادت و مرد در حالیکه

مغفورا له رواه ابن ماجه وعن أنس رض قال قال

آمرزیده شده است مر او را رواه ابن ماجه و روایت است از انس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من قطع ميراث وارثه قطع الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه قطع کند میراث وارث خود را قطع کند خدای

ميراثه من الجنة يوم القيامة رواه ابن ماجة ورواه البيهقي
ميراث اورا از بهشت روز قيامت رواه ابن ماجه ورواه بيهقي
في شعب الايمان عن ابي هريرة رضـ وعن انس بن مالك رضـ
در شعب ايمان از ابي هريره رضـ ودر روايت است از انس بن مالك رضـ
قال كانوا يكتبون في صدور وصاياهم بسم الله الرحمن الرحيم
گفت بودند صحابه رضا كه مى نوشتند در شروع وصاياى خود بسم الله الرحمن الرحيم
هذا ما اوصى به فلان انه يشهد ان لا اله الا الله وحده
اين چيز است كه وصيت كرد بآن فلان بدرستيكه او گواهى ميدهد باينكه نيست خدا مگر خدا او وحده
لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله صلى الله عليه وسلم
كه نه شريك است مراورا و باينكه محمد بنده او ورسول او است صلى الله عليه وسلم
وان الساعة اٰتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في
وباينكه قيامت آينده است بلا شك وباينكه خدا بر انگيزد كسى را كه
القبور واوصى من ترك من اهله ان يتقوا الله ويصلحوا
در قبور است ووصيت كرد كسى را كه گذاشته است از اهل وباينكه پرهيزند از خدا و صلح
ذات بينهم ويطيعوا الله ورسوله ان كانوا مؤمنين واوصاهم
در ميان خود وفرمان بردارى كنند خدا ورسول او را اگر هستند مسلمانان ووصيت كرد آنها
بما اوصى ابراهيم بنيه ويعقوب ان الله اصطفى
بانكه وصيت كرد ابراهيم فرزندان خود را ويعقوب بدرستيكه خدا اختيار برگزيده است
لكم الدين فلا تموتن الا وانتم مسلمون
براے شما اين دين را پس از اين جهان مرويد مگر مسلمان
عبـ ض وسنده صحيح
وسند آن صحيح است

بَابُ الْاِجَارَةِ

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی ثَلٰثَةٌ اَنَا خَصْمُهُمْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ

وسلم فرمود خدای تعالی سه کس اند که من پیکار کننده ایشانم روز قیامت

رَجُلٌ اَعْطٰی بِیْ ثُمَّ غَدَرَ وَرَجُلٌ بَاعَ حُرًّا فَاَکَلَ ثَمَنَهٗ

یکی مردیست که داده است عهد و پیمان بنام من پس بیوفائی کرد و دوم دیگر مردیکه فروخت آزاد را پس خورد بهای آنرا

وَرَجُلٌ اسْتَاْجَرَ اَجِیْرًا فَاسْتَوْفٰی مِنْهُ وَلَمْ یُعْطِهٖ اَجْرَهٗ

وسوم مردیست که بکرایه گرفت مزدوری را پس استیفا کرد از وی یعنی عمل را و نداد او را مزدوری او را

رَوَاهُ الْبُخَارِیُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

رواه بخاری و روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اَعْطُوا الْاَجِیْرَ اَجْرَهٗ قَبْلَ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدهید مزدور را مزد او پیش از آنکه

اَنْ یَّجِفَّ عَرَقُهٗ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ

خشک شود خوی او رواه ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض

اَنَّهٗ عَلَّمَ رَجُلًا سُوْرَةً مِّنَ الْقُرْاٰنِ فَاَهْدٰی اِلَیْهِ ثَوْبًا

بدرستیکه او تعلیم کرد مردی را یک سوره از قرآن پس هدیه فرستاد آن مرد بسوی ابو هریره یک جامه

اَوْ خَمِیْصَةً فَذُکِرَ ذٰلِکَ لِلنَّبِیِّ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ

یا خمیصه بود پس ذکر کرده شد مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم پس فرمود

اِنَّکَ اِنْ اَخَذْتَهٗ اُلْبِسْتَ ثَوْبًا مِّنَ النَّارِ عَبْدُ بْنُ حُمَیْدٍ وَرُوَاتُهٗ ثِقَاتٌ

بدرستیکه تو اگر میگیری او را بپوشی تو پارچه از آتش عبد بن حمید گفت که راویان این حدیث همه ثقه اند

كتاب النكاح

وَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامٰى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ
و اگر دانید که عدل نتوانند کرد و در حق دختران یتیمه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شما را
مِنَ النِّسَاءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا
از سائر زنان دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر دانید که در نیصورت نیز عدل نتوانید کرد
فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ
پس نکاح کنید یک زن را یا سریه گیرید آنرا که مالک شده دستهای شما و نکاح مکنید کسیرا که نکاح با او کرده
مِنَ النِّسَاءِ إِلَى مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ عَنْ عَبْدِ اللهِ
از زنان تا لفظ محصنین غیر مسافحین روایت است از عبد الله
بْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
ابن مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ
ای گروه جوانان کسیکه طاقت دارد از شما نکاح را پس باید که نکاح کند
فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ
پس بتحقیق که نکاح پوشنده ترست مر نظر را و نگاهدارنده ترست شرمگاه را و کسیکه طاقت نکاح ندارد پس بروست
بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لَهُ وِجَاءٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عَمْرٍو
گرفتن روزه و ازشان پس بتحقیق روزه داشتن اورا خصی کردن است و از عبد الله بن عمرو مرویست
قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الدُّنْيَا كُلُّهَا مَتَاعٌ
گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که دنیا همه نفع گرفتن و آسایش است
وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ
و بهترین منافع دنیا زن نیکوکار است رواه مسلم و از

أبي هريرة رض أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال ثلاثة

ابی هریره رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود سه چیز اند

حق على الله عونهم المكاتب الذي يريد الأداء والناكح الذي

که ثابت است مرخدا را یاری دادن ایشان یکی مکاتب که میخواهد ادا دوم نکاح کننده که

يريد العفاف والمجاهد في سبيل الله رواه الترمذي والنسائي

میخواهد پارسائی را سوم کسیکه کارزار میکند در راه خدا روایت است از ترمذی والنسائی

وابن ماجة وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وابن ماجه وهم از ابی هریره رض مرویست گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إذا خطب إليكم من ترضون دينه وخلقه فزوجوه إلا تفعلوه

وقتیکه خواستگاری کند بسوی شما کسیکه راضی هستید شما دین او را و خلق او را پس تزویج کنید او را اگر نکنید شما

تكن فتنة في الأرض وفساد عريض رواه الترمذي

پیدا میشود آزمایش وبلا در زمین وتباهی وخرابی بسیار روایت است ترمذی

وعن معقل بن يسار قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وروایت است از معقل بن یسار گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

تزوجوا الودود الولود فإني مكاثر بكم الأمم رواه أبو داود

نکاح کنید زن دوست دارنده شوهر را بسیار زاینده را زیرا که من غالب آینده ام بسبب شما بر امتها

والنسائي وعن عبد الرحمن بن سالم بن عتبة بن عويم

والنسائی وروایت است از عبدالرحمن بن سالم بن عتبه بن عویم

بن ساعدة الأنصاري عن أبيه عن جده قال قال رسول الله

بن ساعده الانصاری از پدرش وآن از جدش گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم عليكم بالأبكار فإنهن أعذب أفواها

صلی الله علیه وسلم بر شما است که نکاح کنید با دختران زیرا که بکاران شیرین تر اند دهنهای ایشان

وأنقى أرحاما وأرضى باليسير رواه ابن ماجة مرسلا

وحمل گیرنده تر هست رحمهای ایشان راضی شونده اند بآندک و آسانی از اموال و خلق و جماع روایت کرد ابن ماجه

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

در روایت است از ابن عباس رض گفت که فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

لم تر للمتحابين مثل النكاح وعن أنس قال قال

نه بینی برای دو کسیکه دوست میدارند هر یکدیگر را مانند وصلهٔ نکاح و از انس مرویست گفت که فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من أراد أن يلقى الله

آنحضرت صلى الله عليه وسلم کسیکه اراده میکند که پیش آید درگاه حق را پاکیزه

طاهرا مطهرا فليتزوج الحرائر وعن أبي أمامة

پاک کرده شده پس باید که نکاح کند زنان اصیل آزاد را و در روایت است از ابی امامه رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه يقول ما استفاد

از آنحضرت صلى الله عليه وسلم بدرستیکه آنحضرت فرمود حاصل نکرد

المؤمن بعد تقوى الله خيرا له من زوجة صالحة إن

مسلمان بعد از تقوای خدا هیچ چیزے بهتر مر اورا از زن نیک خوی و خوبروی اگر

أمرها أطاعته وإن نظر إليها سرته وإن أقسم

بفرماید مرد آن زن را فرمان برداری او کند و اگر نگاه کند بسوی آن شاد گرداند او را و اگر سوگند خورد

عليها أبرته وإن غاب عنها نصحته في نفسها وماله روى

بر آن زن راست گردانید او را و اگر غائب گردد مرد از آن زن خیرخواهی کند او را در نفس خود و مال وی

ابن ماجة الأحاديث الثلاثة وعن عائشة رض

ابن ماجه این سه حدیث را در روایت است از عائشه رض

قالت قال النبي صلى الله عليه وسلم إن أعظم النكاح

گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم بدرستیکه بزرگترین نکاح

برکة ایسرہ مؤنة وعن النبی قال قال رسول الله

ازروی برکت آسان ترین از روی بار است و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم اذا تزوج العبد فقد استکمل نصف

صلی الله علیه وسلم وقتیکه نکاح کند بنده پس تحقیق کامل میگرداند نصف دین را

الدین فلیتق الله فی النصف الباقی رواهما البیهقی فی

پس باید که به پرهیزد خدا را در نصف باقی روا اهما بیهقی در

شعب الایمان وعن ابی سعید وابن عباس رض

شعب الایمان و روایت است از ابی سعید و ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من ولد له ولد

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه پیدا شود او را فرزند

فلیحسن اسمه وادبه فاذا بلغ فلیزوجه فان بلغ

پس باید که نام نیک دارد و ادب دهد او را پس چون برسد ببلوغ را پس باید که تزویج کند او را پس اگر بالغ شد

ولم یزوجه فاصاب اثما فانما اثمه علی ابیه وعن

و نکرد نکاح او پس رسید آن فرزند گناه را پس جز این نیست که گناه او بر پدر او باشد و از

عمر بن الخطاب رض وانس بن مالک رض عن رسول الله صلی

عمر بن الخطاب رض روایت و از انس بن مالک نیز از آنحضرت صلی

الله علیه وسلم قال فی التوریة مکتوب من بلغت

الله علیه وسلم فرمود آنحضرت در توریت نوشته است کسیکه برسد

ابنته اثنتی عشرة سنة ولم یزوجها فاصابت

دختر او دوازده سال را و نکاح نکند آنکس آن دختر را پس برسد آن دختر

اثما فاثم ذلک علیه رواهما البیهقی فی شعب الایمان

بگناه را پس گناه آن بر آن کس است روایت کرده است آنرا بیهقی در شعب ایمانها

بَابُ النَّظَرِ إِلَى الْمَخْطُوبَةِ وَبَيَانِ الْعَوْرَاتِ

بابے در احادیث دیدن بسوے زنیکہ خواستگاریش کنند و بیان اعضاسے نا دیدنے

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الّٰتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ

وکلان سال از زنان آنانکہ توقع نکاح ندارند پس نیست برایشان

جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ

بزہ در آنکہ فرو نہند جامہاے خود را نہ ظاہر کنان آرایش را

وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ قُلْ

واگر پرہیزگاری کنند بہتر است ایشان را و خدا شنوا دانا است بگو

لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

مسلمانان مردان را کہ بپوشند چشمہاے خود را و نگاہ دارند شرمگاہہاے خود را

ذٰلِكَ أَزْكٰى لَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝ وَقُلْ

این پاکیزہ تر است ایشان را ہر آئینہ خدا خبردار است بآنچہ میکنند و بگو

لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

زنان مسلمان را کہ بپوشند چشمہاے خود را و نگاہ دارند شرمگاہہاے خود را

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ

و آشکارا نکنند آرایش خود را مگر آنچہ ظاہر شود از جا مواضع و باید کہ فرو گذارند

بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا

دامنہاے خود را بر گریبانہاے خود و ننمایند آرایش خود را مگر

لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ

بشوہران خویش یا پدران خویش یا پدران شوہران خویش یا پسران خویش

أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ

یا پسران شوہران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش

أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ

یا پسران همشیرگان خویش یا زنان خویش یا آنچه مالک او شده است دست ایشان

أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ

یا تابعینکه صاحب شهوت نباشند از مردان یعنی پیران یا طفلانیکه

الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ

هنوز مطلع نشده اند بر شرمگاه زنان و نزنند زمین

بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ

بپاهای خویش تا دانسته شود آنچه نهان میکنند از زیور خویش و رجوع کنید بسوی خدا

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى

وسلم نظر نکند مرد بسوی عورت مرد و نه زن بسوی

عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ وَلَا يُفْضِي الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ

عورة زن و نه رسد مرد بسوی مرد در یک جامه

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رض قَالَ قَالَ

رواه مسلم و روایت است از عقبه بن عامر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِيَّاكُمْ وَالدُّخُولَ عَلَى

آنحضرت صلی الله علیه وسلم دور دارید خود را از درآمدن بر

النِّسَاءِ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ الْحَمْوَ قَالَ

زنان بیگانه پس گفت مردی یا رسول الله خبر ده مرا از حال حمو فرمود آنحضرت

الْحَمْوُ الْمَوْتُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

که حمو مرگ است یعنی فتنه در حمو بیشتر است متفق علیه و روایت است از جریر بن عبد الله رض

قَالَ سَأَلْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ نَظَرِ
گفت پرسیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را از نظر
الْفُجَاءَةِ فَأَمَرَنِيْ أَنْ أَصْرِفَ بَصَرِيْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ
ناگهانی پس امر کرد مرا که بگردانم نظر خود را رواه مسلم
وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ
وَسَلَّمَ إِنَّ الْمَرْأَةَ تُقْبِلُ فِيْ صُوْرَةِ شَيْطَانٍ وَتُدْبِرُ فِيْ
وسلم بدرستیکه زن پیش می آید در صورت شیطان و پس میرود در
صُوْرَةِ شَيْطَانٍ إِذَا أَحَدُكُمْ أَعْجَبَتْهُ الْمَرْأَةُ فَوَقَعَتْ
صورت شیطان وقتیکه یکے از شما خوش آید او را زنے پس افتاد آن زن
فِيْ قَلْبِهٖ فَلْيَعْمِدْ إِلَى امْرَأَتِهٖ فَلْيُوَاقِعْهَا فَإِنَّ ذٰلِكَ يَرُدُّ
در دل آنمرد پس باید که قصد کند آنمرد بسوے زن خود پس باید که جماع کند زن خود را پس آن جماع دور کند
مَا فِيْ نَفْسِهٖ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
چیزیرا که در نفس وے است از میلان رواه مسلم و روایت است از جابر رض گفت فرمود آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَطَبَ أَحَدُكُمُ الْمَرْأَةَ فَإِنِ
صلی اللہ علیہ وسلم چون خواهد یکے از شما که خواستگاری کند زنی را پس اگر
اسْتَطَاعَ أَنْ يَّنْظُرَ إِلٰى مَا يَدْعُوْهُ إِلٰى نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ
میتواند نظر کند بسوے چیزے که باعث می شود او را بسوے نکاح او پس باید که بکند
رَوَاهُ أَبُوْ دَاوُدَ وَعَنِ الْمُغِيْرَةِ بْنِ شُعْبَةَ رض قَالَ
رواه ابو داود و روایت است از مغیره بن شعبه رض که گفت
خَطَبْتُ امْرَأَةً فَقَالَ لِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
خواستگاری کردم زنی را پس فرمود مرا پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

هَلْ نَظَرْتَ اِلَيْهَا قُلْتُ لَا قَالَ فَانْظُرْ اِلَيْهَا فَاِنَّهٗ اَحْرٰى

آیا دیدۂ تو بسوے آن زن گفتم نظر نکردہ ام بسوے آن فرمود نظر کن بسوے او زیرا که نظر کردن سزاوار تر است

اَنْ يُّؤْدَمَ بَيْنَكُمَا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ

بوقوع الفت واتفاق میان شما رواہ احمد والترمذی والنسائی

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ بُرَيْدَةَ رض قَالَ قَالَ

وابن ماجه والدارمی وروایت است از بریده رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيٍّ يَا عَلِيُّ لَا تُتْبِعِ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم علی مرتضی را اے علی تابع مگردان

النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَاِنَّ لَكَ الْاُوْلٰى وَلَيْسَتْ لَكَ الْاٰخِرَةُ

یک نظر را بنظر دیگر زیرا که برائے تست جائز است ترا نظر نخستین و جائز نیست مر ترا نظر پسین

رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ

رواہ احمد والترمذی وابوداود والدارمی وروایت است از

عَلِيٍّ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهٗ يَا عَلِيُّ

علی رض که آنحضرت صلے الله علیه وسلم مرا امر کرد که اے علی

لَا تُبْرِزْ فَخِذَكَ وَلَا تَنْظُرْ اِلٰى فَخِذِ حَيٍّ وَّلَا مَيِّتٍ

ظاهر مکن ران خود را و نگاه مکن ران زنده را و نه مرده را

رَوَاهُ اَبُوْدَاوٗدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ

رواہ ابوداود وابن ماجه وروایت است از ابن عمر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِيَّاكُمْ وَالتَّعَرِّيَ فَاِنَّ

آنحضرت صلے الله علیه وسلم دور دارید خود را از برهنگی زیرا که

مَعَكُمْ مَنْ لَّا يُفَارِقُكُمْ اِلَّا عِنْدَ الْغَائِطِ وَحِيْنَ يُفْضِي الرَّجُلُ

با شما کسی است که جدا نمیشود از شما مگر نزد قضای حاجت و دیگر هنگامے که میرسد مرد

إلى أهله فاستحيوهم وأكرموهم رواه الترمذي وعن

کسیکه اهل خود جامع میکند پس شرم دارید ایشان را وگرامی دارید ایشانرا روایت کرده ترمذی وروایت است از

أم سلمة رض أنها كانت عند رسول الله صلى الله عليه وسلم

ام سلمه رض که وے بود نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم

وميمونة رض إذ أقبل ابن أم مكتوم فدخل عليه فقال رسول الله

ومیمونه رض نیز بود ناگاه روی آورد ابن ام مکتوم که اعمی بود پس در آمد ابن ام مکتوم بر آنحضرت پس گفت آنحضرت

صلى الله عليه وسلم احتجبا منه فقلت يا رسول الله أليس

صلی الله علیه وسلم در پرده شوید از وے پس گفتم یا رسول الله آیا نیست

هو أعمى لا يبصرنا فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

وی کور که نمی بیند ما را پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أفعمياوان أنتما ألستما تبصرانه رواه أحمد والترمذي

آیا پس کورید شما آیا نیستید شما که می بینید اورا روایت کرده احمد والترمذی

وأبو داود وعن عمر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم

وابو داود وروایت است از عمر رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

قال لا يخلون رجل بامرأة إلا كان ثالثهما الشيطان رواه

خلوت نکند هیچ مردے با زنے مگر آنکه باشد سوم آنها شیطان روایت

الترمذي وعن عائشة رض قالت ما نظرت أو ما رأيت

الترمذی وروایت است از عائشه رض گفت ندیدم یا گفت نگاه نکردم

فرج رسول الله صلى الله عليه وسلم قط رواه ابن ماجة

اندام شرم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را هرگز روایت ابن ماجه

وعن أبي أمامة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم

وروایت است از ابی امامه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قَالَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَنْظُرُ اِلٰى مَحَاسِنِ امْرَأَةٍ اَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ يَغُضُّ

فرمود آنحضرت نیست هیچ مسلمانی که نظر کند بسوی خوبیهای زنی اول بار پس فرو خوابانـد

بَصَرَهُ اِلَّا اَحْدَثَ اللّٰهُ لَهُ عِبَادَةً يَجِدُ حَلَاوَتَهَا رَوَاهُ اَحْمَد

چشم خود را مگر آنکه نو پیدا آرد خدا تعالیٰ برای آنکس عبادتی را که بیابد شیرینی آنرا رواه احمد

وَعَنِ الْحَسَنِ مُرْسَلًا قَالَ بَلَغَنِيْ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از حسن بصری رضی اللہ عنہ مرسل گفت رسیده است مرا که پیغمبر خدا آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَنَ اللّٰهُ النَّاظِرَ وَالْمَنْظُوْرَ اِلَيْهِ

اللہ علیہ وسلم فرموده است لعنت کند خدا نظر کننده را بسوی عورت غیر و کسیرا که نظر کرده شده بسو

رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِيْ شُعَبِ الْاِيْمَانِ

روان بیہقی در شعب الایمان

بَابُ الْمُبَاشَرَةِ

وَيَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْمَحِيْضِ قُلْ هُوَ اَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ

و سوال میکنند ترا از حیض بگو که وے نجاست است پس یکسو شوید از زنان

فِي الْمَحِيْضِ وَلَا تَقْرَبُوْهُنَّ حَتّٰى يَطْهُرْنَ فَاِذَا تَطَهَّرْنَ

در حال حیض و نزدیکی مکنید با ایشان تا آنکه پاک شوند پس چون پاک شوند

فَأْتُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ اَمَرَكُمُ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ

پس بیائید با ایشان از آن راه که مباح کرده است شما را هر آئینه خدا دوست میدارد تائبان را

وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِيْنَ عَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض قَالَ قَالَ

و دوست میدارد پاک شوندگان را و روایت است از ابی سعید رض که فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ اَعْظَمَ الْاَمَانَةِ

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکه بزرگترین امانت

عند الله يوم القيمة وفي رواية ان من اشر الناس

نزد خدا تعالی روز قیامت و در روایت دیگر این چنان آمده که بدترین مردم

عند الله منزلة يوم القيمة الرجل يفضي الى امرأته

نزد خدا تعالی در مرتبه روز قیامت مردیست که برسد ببوسه زن خود

وتفضي اليه ثم ينشر سرها رواه مسلم وعن

و برسد زن بشوی وے پس پراگنده کند راز نهانی آن زن را رواه مسلم و روایت است از

خزيمة بن ثابت رض ان النبي صلى الله عليه وسلم

خزیمه بن ثابت رضی الله عنه فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال ان الله لا يستحيي من الحق لا تأتوا النساء في

بدرستیکه خدا تعالی شرم نمیدارد از حق میائید زنان را یعنی وطی مکنید در

ادبارهن رواه احمد والترمذي وابن ماجة والدارمي

دبر ایشان رواه احمد والترمذی وابن ماجه والدارمی

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ملعون من اتى امرأته في دبرها رواه

علیه وسلم لعنت کرده شده است کسیکه بیاید زن خود را در دبر او رواه

احمد وابو داؤد وعنه قال قال رسول الله صلى

احمد وابو داؤد و هم از وے مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم ان الذي يأتي امرأته في دبرها لا ينظر

الله علیه وسلم بدرستیکه کسیکه بیاید زن خود را در دبر او نظر نکند

الله اليه رواه في شرح السنة وعن ابن عباس رض

خدا تعالی بسوے او رواه در شرح السنه و روایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا ينظر الله الى

كه فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم نظر نكند خدا تعالى بسوى

رجل اتى رجلا او امرأة في الدبر رواه الترمذي

مردى كه بيايد مردى را يا زنى را در دبر روايت كرد ترمذى

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

روايت است از ابى هريره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله

عليه وسلم من اتى حائضا او امرأة في دبرها او

عليه وسلم كسيكه بيايد زن حائضه را يا بيايد در دبر زن يا

كاهنا فصدقه بما يقول فقد كفر بما انزل على محمد

بيايد كاهن را پس تصديق كرد كاهن را بچيزيكه گفته است پس تحقيق كافر شد بآنچه فرود آورده شد

صلى الله عليه وسلم رواه ابن ماجة

صلى الله عليه وسلم روايت كرد ابن ماجه

باب الوليمة وبيان اجابة الدعوة

باب در بيان طعام وليمه و بيان قبول نمودن دعوت

عن انس رض ان النبي صلى الله عليه وسلم راى على

روايت است از انس رض كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم ديد بر

عبد الرحمن بن عوف اثر صفرة فقال ما هذا قال انى

عبد الرحمن بن عوف اثر زردى پس فرمود چه چيز است اين زردى گفت عبد الرحمن

تزوجت امرأة على وزن نواة من ذهب قال بارك

من نكاح كردم زنى را بر وزن دانه خرما از طلا گفت آنحضرت بركت دهد

الله لك اولم ولو بشاة متفق عليه وعنه قال

خدا تعالى مر ترا وليمه كن اگرچه باشد بيك گوسپند هم باشد متفق عليه و هم از وى روايت گفت

أَوْلَمَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ بَنَى بِزَيْنَبَ

ولیمه کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگامیکه زفاف کرد بزینب

بِنْتِ جَحْشٍ فَأَشْبَعَ النَّاسَ خُبْزًا وَلَحْمًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

بنت جحش پس سیر گردانید مردمان را بنان و گوشت روایه البخاری

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ شَرُّ الطَّعَامِ طَعَامُ الْوَلِيمَةِ يُدْعَى لَهَا الْأَغْنِيَاءُ

وسلم بدترین طعام طعام ولیمه است که خوانده میشوند برای آن توانگران

وَيُتْرَكُ الْفُقَرَاءُ وَمَنْ تَرَكَ الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى اللهَ

و گذاشته میشوند درویشان و کسیکه ترک کند اجابت دعوت را پس بتحقیق نافرمانی کرد

وَرَسُولَهُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ قَالَ

رسول خدا را متفق علیه و روایت است از جابر رض گفت فرمود

رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى

آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون خوانده شود یکے از شما بسوی

طَعَامٍ فَلْيُجِبْ فَإِنْ شَاءَ طَعِمَ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

طعام پس باید که بیاید آنرا پس اگر خواهد بخورد و اگر خواهد نخورد روایه مسلم

وَعَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى

و روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ دُعِيَ فَلَمْ يُجِبْ فَقَدْ عَصَى اللهَ وَرَسُولَهُ

الله علیه وسلم کسیکه خوانده شد بطعامی پس اجابت نکرد پس بتحقیق نافرمانی کرد خدا و رسول او را

وَمَنْ دَخَلَ عَلَى غَيْرِ دَعْوَةٍ دَخَلَ سَارِقًا وَخَرَجَ مُغِيرًا

و کسیکه در آید ناخوانده در آید گویا که دزدی کننده است و بیرون آمد گویا که غارت کننده است

رواه ابو داود وعن رجل من اصحاب رسول الله صلى
روایت ابو داود و روایت است از مردے کہ از اصحاب آنحضرت صلے
الله عليه وسلم ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال
الله علیہ وسلم بدرستیکہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود
اذا اجتمع الداعيان فاجب اقربهما بابا وان سبق احدهما
وقتیکہ جمع شوند دو داعی یعنے دو کس دعوت کنندہ پس اجابت کن آنرا کہ نزدیکتر است در او ...
فاجب الذي سبق رواه احمد وابو داود وعن عمران
پس اجابت کن آن کسے را کہ پیشی کردہ است رواہ احمد وابو داود و روایت است از عمران
بن حصين قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن
بن حصین کہ نہی کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم از
اجابة طعام الفاسقين رواه البيهقي في شعب الايمان
اجابت دعوت فاسقان رواہ بیہقی در شعب الایمان
وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ
وسلم اذا دخل احدكم على اخيه المسلم فليأكل من
وسلم چون در آید یکے از شما بر برادر مسلمان پس باید کہ بخورد از
طعامه ولا يسأل ويشرب من شرابه ولا يسأل رواه
خوردنی او و نپرسد کہ از کجا است و بنوشد از نوشیدنی او و نپرسد کہ از کجا است و چگونہ است رواہ
البيهقي في شعب الايمان وقال هذا ان صح فلان الظاهر
بیہقی در شعب الایمان و گفت بیہقی این حدیث اگر صحیح است پس از جہت آنست
ان المسلم لا يطعمه ولا يسقيه الا ما هو حلال عنده
کہ مسلمان نمیخوراند او را و نمی نوشاند او را مگر آنچہ حلال است نزد وے

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه
وروایت است از ابی هریره رض گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه
وسلم المتباريان لا يجابان ولا يؤكل طعامهما قال
وسلم متباریان اجابت کرده نشود دعوت ایشان وخورده نشود طعام ایشان گفت
الامام احمد يعني المتعارضين بالضيافة فخرا ورياء
امام احمد در تفسیر متباریان هر دو شخصے که معارضه میکنند و بر ضد یکدیگر میروند از جهت نازیدن و نمودن

باب القسم

عن عائشة رض ان النبي صلى الله عليه وسلم كان
روایت است از عائشه رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که
يقسم بين نسائه فيعدل ويقول اللهم هذا قسمي
قسم میکرد میان زنان خود پس عدل میکرد و میگفت خداوندا این قسم من است
فيما املك فلا تلمني فيما تملك ولا املك رواه الترمذي
در آنچه مالکم پس ملامت مکن مرا در چیزیکه مالک هستی و مالک نیستم رواه ترمذی
وابوداود والنسائي وابن ماجة والدارمي وعن
و ابوداود و النسائی و ابن ماجه و الدارمی و روایت است از
ابي هريرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال اذا كانت
ابی هریره رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که میگفت آنحضرت وقتیکه باشد
عند الرجل امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة
نزد مرد دو زن پس عدل نکند در میان آن دو زن می آید آن مرد روز قیامت
وشقه ساقط رواه الترمذي وابوداود والنسائي
حال آنکه نصف بدن او افتاده باشد رواه ترمذی و ابوداود و النسائی

وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

وابن ماجه والدارمی

بَابُ عِشْرَةِ النِّسَاءِ وَمَا لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنَ الْحُقُوقِ

باب در احادیث که وارد شده اند در صحبت و مخالطت با زنان و آنچه مر هر یکی راست از حقوق

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابی هریره رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ لَنْ تَسْتَقِيمَ لَكَ عَلَى طَرِيقَةٍ

بدرستیکه زن پیدا کرده شده است از ضلع هرگز راست نمیرود زن برای تو بر راه و روشی

فَإِنِ اسْتَمْتَعْتَ بِهَا اسْتَمْتَعْتَ بِهَا وَبِهَا عِوَجٌ وَإِنْ

پس اگر خواهی که بهره مند شوی ازان نفع گیری تو حال آنکه در وی کجی است و اگر

ذَهَبْتَ تُقِيمُهَا كَسَرْتَهَا وَكَسْرُهَا طَلَاقُهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

میروی و میخواهی که راست کنی او را می شکنی او را و مراد بشکستن زن طلاق است رواه مسلم

وَعَنْ عَائِشَةَ رضـ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از عائشه رضـ گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي

وسلم بهترین شما نزد خلق و خدا بهترین شما است مر اهل خود را و من بهترین شما ام مر اهل خود را

وَإِذَا مَاتَ صَاحِبُكُمْ فَدَعُوهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالدَّارِمِيُّ

و چون بمیرد یار شما پس ترک دهید ذکر عیوب او را رواه ترمذی والدارمی

وَعَنْ إِيَاسِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ رضـ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

و روایت است از ایاس بن عبد الله رضـ گفت که فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَضْرِبُوا إِمَاءَ اللّٰهِ فَجَاءَ عُمَرُ إِلَى رَسُولِ اللّٰهِ

الله علیه وسلم مزنید کنیزان خدا را پس آمد عمر رضـ بسوی پیغمبر

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ ذَئِرْنَ النِّسَاءُ عَلَى أَزْوَاجِهِنَّ
صلے اللہ علیہ وسلم پس گفت عمر دلیر شدند زنان بر مردان خود
فَرَخَّصَ فِي ضَرْبِهِنَّ فَأَطَافَ بِآلِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
پس رخصت کرد آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم در زدن زنان پس گرد بس گشتند
وَسَلَّمَ نِسَاءٌ كَثِيرٌ يَشْكُونَ أَزْوَاجَهُنَّ فَقَالَ رَسُولُ اللهِ
باہل بیت آنحضرت بسیار زنان درحالیکہ گلہ میکردند مردان خود را سبب زدن پس فرمود آنحضرت
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ طَافَ بِآلِ مُحَمَّدٍ نِسَاءٌ كَثِيرٌ
صلے اللہ علیہ وسلم ہر آئینہ تحقیق فرود آمدند باہل بیت محمد زنان بسیار
يَشْكُونَ أَزْوَاجَهُنَّ لَيْسَ أُولَئِكَ بِخِيَارِكُمْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
شکایت کنان مردان خود را نیست آنمردان کہ میزنند زنان خود را نیکان شما روا ابوداود
وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنْ عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ
وابن ماجہ والدارمی و روایت است از عائشہ رض گفت فرمود
رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ
آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ از کاملترین مسلمانان
إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
از روی ایمان نیکوترین مسلمانان است از روی خلق و نرمی کنندہ ترین آنہاست باہل وعیال خود روا الترمذی
وَعَنْ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ
و روایت است از عمر رض اوشان روایت میکنند از نبی صلے اللہ علیہ وسلم فرمود آنحضرت
لَا يُسْأَلُ الرَّجُلُ فِيمَا ضَرَبَ امْرَأَتَهُ عَلَيْهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
کہ سوال کردہ نمی شود مرد در آنچہ زدن خود را بران رواہ ابو داود
وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ
وابن ماجہ و روایت است از ابی ہریرہ رض گفت فرمود آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم اکمل المؤمنین ایمانا احسنہم خلقا

صلی اللہ علیہ وسلم کاملترین مسلمانان از روی ایمان نیکوترین ایشان از روی خلق

وخیارکم خیارکم لنسائہم رواہ الترمذی وعنہ

وبہترین شما نزد خدا بہترین شما اند مر زنان خود را روایت کرد ترمذی و ہم از وی مرویست

قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اذا دعی الرجل امرأتہ

گفت که فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم چون بخواند مرد زن خود را

الی فراشہ فابت فبات غضبان لعنتہا الملائکۃ حتی تصبح

بسوی بستر خود پس انکار کرد آن زن پس شب گذرانید مرد خشمناک بر او لعنت میکنند آن زن را فرشتگان تا آنکه صبح

متفق علیہ وفی روایۃ لہما قال والذی نفسی بیدہ

متفق علیہ و در روایتی بخاری و مسلم آمده که گفت آنحضرت سوگند بخدا که نفس من در دست قدرت اوست

ما من رجل یدعو امرأتہ الی فراشہ فتأبی علیہ الا کان

نیست ہیچ مردی که بخواند زن خود را بسوی فراش خود پس اباء آورد آن زن مگر آنکه باشد

الذی فی السماء ساخطا علیہا حتی یرضی عنہا وعن

کسی که در آسمان است یعنی فرشتگان خشم کننده بر زن تا آنکه خوشنود گردد مرد از وی روایت است از

عائشۃ رضہ ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کان فی نفر

عائشه رضه که آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بود در جماعتی

من المہاجرین والانصار فجاء بعیر فسجد لہ فقال اصحابہ

از مہاجرین و انصار پس آمد شترے پس سجده کرد آنحضرت را پس گفتند یاران آنحضرت

یا رسول اللہ تسجد لک البہائم والشجر فنحن احق ان

ای رسول خدا سجده میکنند ترا چارپایه یا درختان پس ما سزاوارتر ایم بآنکه

نسجد لک فقال اعبدوا ربکم واکرموا اخاکم

سجده کنیم ترا پس فرمود عبادت کنید پروردگار خود را و گرامی دارید برادر خود را

ولو كنت آمر احدا ان يسجد لاحد لامرت المرءة ان تسجد
واگر می بودم که امر میکردم کسے را که سجده کند کسے را هر آئینه امر میکردم زن را که سجده کند
لزوجها ولو امرها ان تنقل من جبل اصفر الى جبل اسود
مر شوهر خود را و اگر ... کند مرد زن را که ببرد سنگ را از کوه زرد بسوی کوه سیاه
ومن جبل اسود الى جبل ابيض كان ينبغي لها ان تفعله
و ببرد سنگ را از کوه سیاه بسوی کوه سفید لایق است اورا که بکند این کار
رواه احمد وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى الله
روایت کرد احمد و روایت است از جابر رض گفت که فرمود آنحضرت صلى الله
عليه وسلم ثلثة لا يقبل لهم صلاة ولا يصعد لهم
علیه وسلم سه کس اند که قبول کرده نمی شود ایشان را هیچ نماز و بالا نمیرود هیچ
حسنة العبد الابق حتى يرجع الى مواليه فيضع يده
نیکی آن سه کس یکے ازان سه بنده گریخته تا آنکه باز آید بسوی صاحبان خود پس بنهد آن بنده دست
في ايديهم والمرأة الساخط عليها زوجها والسكران
در دستهای ایشان و دوم زنے که خشم کننده است بران زن شوهر او سوم مست
حتى يصحو رواه البيهقي في شعب الايمان وعن
تا آنکه هشیار گردد روایت کرد بیهقی در شعب الایمان و روایت است از
اسماء رض ان امرأة قالت يا رسول الله ان لي ضرة فهل
اسماء رض که زنے گفت ای رسول خدا بدرستیکه مرا انبازیست پس آیا است
على جناح ان تشبعت من زوجي غير الذي يعطيني
بر من گناه اگر ظاهر کنم از شوهر خود جز آنچه میدهد مرا شوهر
فقال المتشبع بما لم يعط كلابس ثوبي زور متفق عليه
پس گفت آنحضرت ظاهر کننده خود را بچیزیکه داده نشده است مانند پوشنده دو جامه دروغ است متفق علیه

۲۱ و اگر ... سجده ... زن را که سجده کند شوهر خود را ... ببرد سنگ را از کوه ... بسوی کوه ... بنده گریخته ...
۲۲ ... سه کس ...
۲۳ ... انبازیست ... مانند پوشنده دو جامه دروغ

وعن انس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

المرأة اذا صلت خمسها وصامت شهرها واحصنت

زنے چون بخواند نماز پنجگانہ روزہ دارد ماہ رمضان را و نگاہ دارد

فرجها واطاعت بعلها فلتدخل من اي ابواب الجنة

شرمگاہ خود را و فرمان برداری کند شوہر خود را پس باید که داخل شود از ہر دریکه خواہد بهشت را

شاءت رواه ابو نعيم في الحلية وعن ابي هريرة رض

روایت کرد اینحدیث را ابونعیم در حلیه و روایت است از ابی ہریرہ رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو كنت امرا احدا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر می بودم امر کنندہ کسے را

ان يسجد لاحد لامرت المرأة ان تسجد لزوجها

باینکه سجدہ کند مر کسے را ہر آئینه امر میکردم زن را که سجدہ کند مر شوہر خود را

رواه الترمذي وعن ام سلمة رض قالت قال رسول الله

رواہ ترمذی و روایت است از ام سلمه رض گفت که فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ايما امرأة ماتت وزوجها عنها

صلی الله علیه وسلم ہر زنے که بمیرد حال آنکه شوہر آن زن از وے

راض دخلت الجنة رواه الترمذي وعن طلق بن

راضی است در می آید آن زن بهشت را رواہ ترمذی و روایت است از طلق بن

علي رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا الرجل

علی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه مرد

دعا زوجته لحاجته فلتاته وان كانت على التنور

بخواند زن خود را از براے حاجت خود پس باید که بیاید آن زن شوہر خود را اگرچه باشد آن زن بر تنور

رواه الترمذی وعن معاذ عن النبی صلی الله علیه

رواه ترمذی و روایت است از معاذ از آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال لا تؤذی امرأة زوجها فی الدنیا الا قالت

وسلم فرمود آنحضرت ایذا نکند هیچ زنے شوہر خود را در دنیا مگر آنکه میگوید

زوجته من الحور العین لا تؤذیه قاتلک الله فانما هو

زوجه آن مرد که از حور عین است ایذا مکن شوہر خود را بکشد ترا خدا تعالی زیرا که او در منیست

عندک دخیل یوشک ان یفارقک الینا رواه الترمذی

نزد تو مگر غریب و مسافر نزدیک است که جدائی میکند از تو بسوی ما رواه ترمذی

وابن ماجة وعن ابی هریرة رض قال قال رسول الله

وابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت که فرمود آنحضرت

صلی الله علیه وسلم لیس منا من خبب امرأة علی زوجها او

صلی الله علیه وسلم نیست بر طریقه ما کسیکه بدراه کند زنے را بر شوہر وے یا

عبدا علی سیده رواه ابوداود وعن ابی هریرة رض

بدراه کند غلامے را بر خواجه وے رواه ابو داؤد و روایت است از ابی هریره رض

قال قیل لرسول الله صلی الله علیه وسلم ای النساء خیر

گفت که پرسیده شد آنحضرت صلی الله علیه وسلم که کدام از زنان بهتر است

قال التی تسره اذا نظر وتطیعه اذا امر ولا تخالفه فی

گفت آن زنے که شاد و خوش گرداند مرد را چون نگاه کند بسوی وے و فرمانبرداری کند مرد را چون امر کند

نفسها ولا مالها بما یکره رواه النسائی والبیهقی

ذات خود و هم در مال خود بچیزیکه مکروه و ناخوش دارد مرد را رواه نسائی و بیهقی

فی شعب الایمان وعن ابن عباس رض ان رسول الله

در شعب الایمان و روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ

صلے الله علیه وسلم فرمود چهار خصلت اند که هر کرا داده شود سے پس بتحقیق داده شد

خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ قَلْبٌ شَاكِرٌ وَلِسَانٌ ذَاكِرٌ وَبَدَنٌ

او نیکی هر دو جهان دلی شاکر یعنے شکر کننده منعم را و زبان ذکر کننده مر خدا ۔ و تنے

عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرٌ وَزَوْجَةٌ لَا تَبْغِيهِ حَوْبًا فِي نَفْسِهَا

بر بلا صبر کننده و زنیکه طلب نمی کند بمرد خیانت در نفس خود

وَلَا مَالِهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

و نه در مال او روایت کرد بیهقے در شعب الایمان

بَابُ الطَّلَاقِ

عَنْ ثَوْبَانَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ثوبان رض گفت که فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم

أَيُّمَا امْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا طَلَاقًا فِي غَيْرِ مَا بَأْسٍ

هر زنیکه سوال کند شوهر خود را طلاق در غیر حالت شدت

فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

پس حرام است بر آن زن بوے بهشت روراه احمد و الترمذی۔

وَأَبُو دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

و ابو داود و ابن ماجه و الدارمی و روایت است از ابن عمر رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللهِ

از آنحضرت صلے الله علیه وسلم که فرمود آنحضرت دشمن ترین حلال بسوے خدا

الطَّلَاقُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَلِيٍّ رض عَنِ النَّبِيِّ

طلاق است رواه ابو داود و روایت است از علی رض از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لا طلاق قبل نكاح ولا عتاق

صلى الله عليه وسلم که گفت آنحضرت نیست طلاق دادن پیش از نکاح ونیست آزاد کردن

الا بعد ملك ولا وصال في صيام ولا يتم بعد احتلام

مگر بعد از ملك ونیست وصال در روزه داشتن ونیست یتیمی بعد از بلوغ

ولا رضاع بعد فطام ولا صمت يوم الى الليل رواه

ونیست شیرخوارگی پس از مدت شیرخوارگی ونیست جایز خاموشی روز تا شب رواه

في شرح السنة وعن معاذ بن جبل رض قال قال

در شرح السنة وروایت است از معاذ بن جبل رض گفت که فرمود

لي رسول الله صلى الله عليه وسلم يا معاذ ما خلق

مرا آنحضرت صلى الله عليه وسلم که ای معاذ نیافریده است

الله شيئا على وجه الارض احب اليه من العتاق

خدا تعالی چیزی را بر روی زمین که دوست تر باشد بسوی خدا تعالی از آزاد کردن

وما خلق الله شيئا على وجه الارض ابغض اليه

ونه پیدا کرد خدا تعالی چیزی را بر روی زمین که مبغوض تر باشد بسوی خدا

من الطلاق رواه الدارقطني وعن عبد الله

از طلاق رواه دارقطنی وروایت است از عبد الله

بن مسعود رض قال لعن الله المحلل والمحلل له

بن مسعود رض که گفت لعنت کرده است خدا تحلیل کننده را ولعنت کرده است محلل له را

رواه الدارمي ورواه ابن ماجة عن علي

رواه دارمی ورواه ابن ماجه از علی

وابن عباس وعقبة بن عامر

وابن عباس واز عقبه بن عامر

باب حق المملوك على سيده

باب در حق مملوک بر مالک او

وحقه على المملوك

وحق مالک بر مملوکش

عن جابر بن سمرة رض قال قال رسول الله صلى

روایت است از جابر بن سمره رض گفت که فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم إذا أعطى الله أحدكم خيرا فليبدأ بنفسه

الله علیه وسلم چون بدهد خدای تعالی یکی از شما را مالی کثیر پس باید که آغاز کند در انفاق

وأهل بيته رواه مسلم وعن أبي بكر الصديق

واهل بیت خود . رواه مسلم وروایت است از ابی بکر صدیق رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يدخل الجنة سيئ

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آنحضرت که در نمی آید بهشت را بد صحبت

الملكة رواه الترمذي وابن ماجة وعن رافع

با مملوک رواه ترمذی وابن ماجه وروایت است از رافع

ابن مكيث أن النبي صلى الله عليه وسلم قال حسن

ابن مکیث که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت نیکی کردن

الملكة يمن وسوء الخلق شؤم رواه أبو داود وعن

بمملوکان موجب برکت است و بدخلقی سبب بی برکتی است رواه ابو داود واز

أبي مسعود الأنصاري رض قال كنت أضرب غلاما لي

ابی مسعود انصاری رض روایت گفت بودم که میزدم غلامی را که مرا بود

فسمعت من خلفي صوتا اعلم ابا مسعود لله أقدر

پس شنیدم از پس خود آوازی را که بدان ابا مسعود هر آئینه خدا توانا تر است

عليك منك عليه فالتفتُّ فاذا هو رسول الله صلى

بر تو از تو انکه بر این غلام هستی پس باز نگریستم پس ناگاه آن آواز کننده پیغمبر

الله عليه وسلم فقلت يا رسول الله صلى الله عليه وسلم

خدا صلی الله علیه وسلم بود پس گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم

هو حرّ لوجه الله فقال اما لو لم تفعل للفحتك النار

این غلام آزاد کردم از برای ذات خدا پس گفت آنحضرت آگاه باش اگر نمیکردی این را آزاد هر آئینه میسوخت ترا آتش

او لمستك النار رواه مسلم وعن ابن عمر رض قال

یا مساس میکرد ترا آتش روایت کرد مسلم و روایت است از ابن عمر رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من ضرب

شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه بزند

غلاما له حدا لم يأته او لطمه فان كفارته ان

غلامی را که مر او راست حدی که نکرده است یعنی بیگناه بزند یا طپانچه زند پس کفاره وی آنست

يعتقه رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال سمعت

که آزاد کند او را روایت کرد مسلم و روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم

ابا القاسم صلى الله عليه وسلم يقول من قذف مملوكه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه دشنام کند مملوک خود را بزنا

وهو برئ مما قال جلد يوم القيمة الا ان يكون

ومملوک پاک است از آنچه گفته است تازیانه زده می شود روز قیامت مگر آنکه باشد آن مملوک

كما قال متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال

چنانکه گفته است متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا صنع لاحدكم

آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه بسازد برای یکی از شما

خادمه طعامه ثم جاءه به وقد ولي حره ودخانه

خدمتگار وے طعام او را پس بیارد نزد او طعام را حال آنکه تحقیق والی شده است گرمی آتش و دود آنرا کنیزک

فليقعده معه فليأكل فإن كان الطعام مشفوها قليلا

پس باید که بنشاند او را با خود پس باید که بخورد با او پس اگر باشد طعام قلیل که خورده شود بلبب

فليضع في يده منه أكلة أو أكلتين رواه مسلم

پس باید که بنهد در دست خادم از آن یک لقمه یا دو لقمه رواه مسلم

وعن أبي ذر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم إخوانكم جعلهم الله تحت أيديكم فمن جعل

وسلم مملوکان شما که برادر شما اند گردانیده است ایشان را خدا زیر دستهای شما پس کسیکه بگرداند

الله أخاه تحت يديه فليطعمه مما يأكل وليلبسه مما

خدا برادر آنکس را خدمتگار وے پس باید که بخوراند او را از آنکه خود میخورد و بپوشاند او را از آنچه خود

يلبس ولا يكلفه من العمل ما يغلبه فإن كلفه

میپوشد و تکلیف نه دهد او را بچیزے که غالب آید او را پس اگر تکلیف کند او را

ما يغلبه فليعنه عليه متفق عليه وعن

چیزیکه غالب آید او را پس باید که یاری دهد او را بر آن عمل متفق علیه و روایت است از

أبي سعيد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی سعید رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إذا ضرب أحدكم خادمه فذكر الله فارفعوا أيديكم

وقتیکه بزند یکے از شما خدمتگار خود را پس یاد کند وے خدا را یعنی طلب پناه کرده باشد بخدا از زدن پس

رواه الترمذي وعن جابر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم

رواه الترمذی و روایت است از جابر رض از آنحضرت صلی الله

قَالَ ثَلٰثٌ مَنْ كُنَّ فِيْهِ يَسَّرَ اللّٰهُ حَتْفَهٗ وَاَدْخَلَ جَنَّتَهٗ رِفْقٌ
گفت سه خصلت است که هر که باشند آن خصلت با او آسان میگرداند خدا مرگ او را و در می آرد او را در بهشت نرمی کردن

بِالضَّعِيْفِ وَشَفَقَةٌ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَاِحْسَانٌ اِلَى الْمَمْلُوْكِ رَوَاهُ
با ناتوان دوم مهربانی و نیکی کردن بر مادر و پدر سوم نیکی و خوش خلقی ورزیدن بر مملوک روایه

التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ
الترمذی و روایت است از ابی امامه رض که آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهَبَ لِعَلِيٍّ غُلَامًا فَقَالَ لَا تَضْرِبْهُ
صلی الله علیه وسلم بخشید مر علی را رض غلامی را پس فرمود که مزن این غلام را بحق شرعی

فَاِنِّيْ نُهِيْتُ عَنْ ضَرْبِ اَهْلِ الصَّلٰوةِ وَقَدْ رَاَيْتُهٗ يُصَلِّيْ
پس بدرستی که من نهی کرده شده ام از زدن نماز گذارندگان و بتحقیق دیدم او را که نماز میگذارد

هٰذَا لَفْظُ الْمَصَابِيْحِ وَفِي الْمُجْتَبٰى لِلدَّارِ قُطْنِيْ اَنَّ عُمَرَ
این لفظ است در مصابیح و در کتاب مجتبی که تصنیف دار قطنی است آنست که امیر المؤمنین

بْنَ الْخَطَّابِ رض قَالَ نَهَانَا رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن خطاب رض گفته است نهی کرد ما را پیغامبر خدا صلی الله علیه وسلم

عَنْ ضَرْبِ الْمُصَلِّيْنَ وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ قَالَ
از زدن نماز گذارندگان و روایت است از ابی ذر رض گفت فرمود

رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَا ئَمَكُمْ مِنْ
آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ملائمت و موافقت کند شما را از

مَمْلُوْكِيْكُمْ فَاَطْعِمُوْهُ مِمَّا تَاْكُلُوْنَ وَاكْسُوْهُ مِمَّا تَلْبَسُوْنَ
مملوکان شما پس بخورانید او را از آنچه میخورید و بپوشانید او را از آنچه می پوشید

وَمَنْ لَا يُلَائِمُكُمْ مِنْهُمْ فَبِيْعُوْهُ وَلَا تُعَذِّبُوْا خَلْقَ اللّٰهِ
و کسیکه موافقت نکند شما را از مملوکان پس بفروشید او را و عذاب مکنید خلق خدا را

رواه أحمد وأبو داود وعن أبي موسى رض قال لعن

روایت کرد احمد و ابو داود و روایت است از ابی موسی رض که لعنت کرد

رسول الله صلى الله عليه وسلم من فرّق بين الوالد

آنحضرت صلی الله علیه وسلم برکسیکه جدائی کند درمیان والد

وولده وبين الأخ وبين أخيه رواه ابن ماجة

و ولد او و جدائی کند میان برادر و میان برادر وی روایت کرد ابن ماجه

والدارقطني وعن أبي أيوب رض قال سمعت

و دار قطنی و روایت است از ابی ایوب انصاری رض گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من فرّق بين

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه تفریق کند درمیان

والدة وولدها فرّق الله بينه وبين أحبّته يوم

والده و فرزند وے به بیع وهبه وجزآن جدائی کند خدا تعالی میان وی و میان دوستان وی روز

القيامة رواه الترمذي والدارمي وعن عبد الله

قیامت روایت کرد ترمذی و دارمی و روایت است از عبد الله

بن عمر رض قال جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم

بن عمر رض گفت آمد مردی بسوی آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فقال يا رسول الله كم نعفو عن الخادم فسكت

پس گفت آنمرد یا رسول الله چند بار درگذاریم از تقصیرات خدمتگار پس خاموش ماند پیغمبر

ثم أعاد عليه الكلام فصمت فلما كانت الثالثة قال

باز گردانید آنمرد بر آنحضرت این سخن را پس خاموش بود آنحضرت پس چون بار سوم شد فرمود آنحضرت

اعفوا عنه كل يوم سبعين مرة رواه أبو داود

عفو کنید از خادم هر روز هفتاد بار مقصود مبالغه است نه تعیین [illegible]

وعن عبد الله بن عمرو رض رواه الترمذي

و روایت است از عبد الله بن عمرو رض ترمذی

أبي هريرة رض أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

ألا أنبئكم بشراركم الذي يأكل وحده ويجلد

آیا خبر نکنم شما را که بدترین شما کدام فریق اند آن کسے که میخورد تنها و تازیانه میزند

عبده ويمنع رفده رواه رزين وعن أبي بكر

غلام خود را و باز میدارد عطای خود را رواه رزین و روایت است از ابی بکر

الصديق رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

صدیق رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لا يدخل الجنة سيئ الملكة قالوا يا رسول الله أليس

در نمی آید در بهشت بدخلق با مملوکین گفتند صحابه یا رسول الله آیا نیست که

أخبرتنا أن هذه الأمة أكثر الأمم مملوكين ويتامى

خبر داده تو ما را که این امت بیشترین امتهای سابق است از روی مملوکان و یتیمان

قال نعم فأكرموهم ككرامة أولادكم وأطعموهم

فرمود آنحضرت آری پس گرامی دارید ایشان را همچو گرامی داشتن فرزندان را و خورانید ایشان را

مما تأكلون قالوا فما ينفعنا الدنيا قال فرس ترتبطه

از آنچه میخورید گفتند صحابه پس چه چیز نفع میکند ما را در دنیا فرمود آنحضرت نفع میکند شما را اسپ که

تقاتل عليه في سبيل الله ومملوك يكفيك فإذا

قتال میکنید شما بر آن اسپ در راه خدا و غلامے که بسندگی کند در کار تو پس وقتیکه

صلى فهو أخوك رواه ابن ماجة وعن سهل

نماز بگذارد غلام پس حکم برادر تو دارد رواه ابن ماجه و روایت است از سهل

بن الحنظلية قال مرّ رسول الله صلى الله عليه وسلم ببعير

بن حنظلیة گذشت که گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بشترے که

قد لحق ظهره ببطنه فقال اتقوا الله في هذه البهائم

بتحقیق چسپیده بود پشت او بشکم وے از غایت گرسنگی پس فرمود بپرهیزید خدا را در رعایت حق این

المعجمة فاركبوها صالحة واتركوها صالحة رواه ابو داود

چارپایهای بے زبان پس سوار شوید آنها را درحالیکه قابل اند برای سواری و ترک کنید آنها را درحالیکه مانده نشده اند

وعن جرير رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

وروایت است از جریر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم اذا ابق العبد لم تقبل له صلوة وفي رواية عنه

وسلم وقتیکه بگریزد بنده قبول نمی شود برای وی هیچ نمازے و در روایتی دیگر از جریر رض آمده

قال ايما عبد ابق من مواليه فقد كفر حتى يرجع اليهم

که هر بنده که بگریزد از صاحبان خود پس تحقیق کافر شد تا آنکه بازگردد بسوے ایشان

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

رواه مسلم وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم نعمّا للمملوك ان يتوفاه الله

صلی الله علیه وسلم نیکو چیز یست مملوک را که بمیراند او را خدا

بحسن عبادة ربه وطاعة سيده نعمّا له متفق عليه

به نیک کردن عبادت پروردگار خود وخدمت صاحب خود. نیکو چیز یست این حال برای او متفق علیه

وعن عبد الله بن عمر رض ان رسول الله صلى الله

وروایت است از عبد الله بن عمر رض که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال ان العبد اذا نصح لسيده واحسن

علیه وسلم فرمود که بنده چون خیرخواهی وحق شناسی ورزد برای صاحب خود و نیکو کند

عِبَادَةَ اللّٰهِ فَلَهٗ اَجْرُهٗ مَرَّتَيْنِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پرستش خدارا پس مر آن بنده راست مزد او دو بار متفق علیه

كِتَابُ الْعِتْقِ

کتاب در احادیث آزاد ساختن برده

عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ مَنْ اَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلِمَةً اَعْتَقَ اللّٰهُ بِكُلِّ عُضْوٍ

وسلم کسیکه آزاد کند برده مسلمان آزاد کند خدا تعالی در مقابله هر اندامے ازان برده اندامے را

مِنْهُ عُضْوًا مِنْهُ مِنَ النَّارِ حَتّٰى فَرْجَهٗ بِفَرْجِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

از آنکس از آتش دوزخ تا آنکه عورت را بعورت وے متفق علیه

وَعَنْ اَبِيْ ذَرٍّ رض قَالَ سَاَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

و روایت است از ابی ذر رض گفت که پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

اَيُّ الْعَمَلِ اَفْضَلُ قَالَ اِيْمَانٌ بِاللّٰهِ وَجِهَادٌ فِيْ سَبِيْلِهٖ قَالَ قُلْتُ

که کدام عمل فاضل ترین عملها است در ثواب فرمود آنحضرت دو چیز فاضل ترین عملها است یکے ایمان و دوم کارزار کردن

فَاَيُّ الرِّقَابِ اَفْضَلُ قَالَ اَغْلَاهَا ثَمَنًا وَاَنْفَسُهَا عِنْدَ اَهْلِهَا

پس کدام از بندگان بهتر است گفت گران ترین بندها است از روی بها و نفیس ترین بندها نزد کسان وے

قُلْتُ فَاِنْ لَمْ اَفْعَلْ قَالَ تُعِيْنُ صَانِعًا اَوْ تَصْنَعُ لِاَخْرَقَ قُلْتُ

ابوذر میگوید گفتم پس اگر نکنم این کار را فرمود آنحضرت یاری دهی کاریگر را یا کار و پیشه کنی مر کسیرا که کار نمیتواند کرد گفتم

فَاِنْ لَمْ اَفْعَلْ قَالَ تَدَعُ النَّاسَ مِنَ الشَّرِّ فَاِنَّهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ

پس اگر این را نیز نتوانم کرد گفت آنحضرت ترک دهی شر و مرا از شر پس بدرستیکه این خصلت که ترک بدی است

بِهَا عَلٰى نَفْسِكَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رض

بآن بر نفس خود متفق علیه و روایت است از براء بن عازب رض

قال جاء اعرابي الى النبي صلى الله عليه وسلم فقال علمني

گفت که آمد بادیه نشینی نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس گفت آن بادیه نشین بیاموز مرا

عملا يدخلني الجنة قال لئن كنت اقصرت الخطبة لقد

کاری که درآرد مرا بهشت فرمود البته که اگر کوتاه کردی تو خطبه را هر آئینه

اعرضت المسئلة اعتق النسمة وفك الرقبة قال اوليسا

پهن ساختی سوال را آزاد کن نفس را و خلاص کن برده را گفت بدوی آیا نیستند عتق نسمه و فک رقبه

واحدا قال لا عتق النسمة ان تفرد بعتقها وفك الرقبة

یکی فرمود آنحضرت نیست عتق نسمه آنست که تنها و مستقل باشی تو به آزاد کردن آن و فک رقبه

ان تعين في ثمنها والمنحة الوكوف والفيء على ذي الرحم

آنست که اعانت کنی در بهای وی و بده منحه شیردار را و بکن رجوع به رحمت و احسان بر ذی رحم اگرچه

الظالم فان لم تطق ذلك فاطعم الجائع واسق الظمآن

ظالم باشد پس اگر طاقت نداری آنرا پس بخوران چیزی گرسنه را و بنوشان تشنه را

وأمر بالمعروف وانه عن المنكر فان لم تطق ذلك فكف

و امر کن به نیکی و نهی کن از بدی پس اگر نمی توانی کرد اینرا پس نگاه دار

لسانك الا من خير رواه البيهقي في شعب الايمان

زبان خود را مگر از خیر روایت بیهقی در شعب ایمان

وعن عمرو بن عبسة رض ان النبي صلى الله عليه

و روایت است از عمرو بن عبسه رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال من بنى مسجدا ليذكر الله فيه بني له بيت

وسلم فرمود کسیکه بنا کند مسجدی را تا یاد کرده شود خدا در وی بر آورده می شود برای وی خانه

في الجنة ومن اعتق نفسا مسلمة كانت فديته من جهنم

در بهشت و کسیکه آزاد کند نفس مسلمان را باشد آن نفس سربهای او از آتش دوزخ

وَمَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي سَبِيلِ اللهِ كَانَتْ لَهُ نُورًا يَوْمَ الْقِيمَةِ

و کسیکه پیر شد پیر شدنی در راه خدا پیدا شد ان شیبت مر اورا نور روز قیامت

رَوَاهُ فِي شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ رض

روایت است از سمره بن جندب رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم افضل ترین صدقه

الشَّفَاعَةُ بِهَا تُفَكُّ الرَّقَبَةُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

شفاعت کردن است که آن خلاص کرده میشود گردن از قتل یا عذاب یا از بندگی رواه بیهقی در شعب الایمان

بَابُ الْأَيْمَانِ

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ

مواخذه نمیکند خدا تعالی بر بیهوده گوئی در سوگندهای شما لیکن مواخذه میکند از شما

بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ

بسبب محکم کردن سوگندها بقصد پس کفارت یمین منعقده طعام دادن ده مسکین راست

مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ

از جنس میانه از انچه میخورانید اهل خود را یا پوشش دادن ایشان یا آزاد کردن

رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ

برده را پس کسیکه نیابد لازم است بروزه داشتن سه روز اینست کفارت

أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ

سوگندهای شما چون سوگند خورید یعنی حانث شوید و نگاه دارید سوگندهای خود را انچنین

يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَلَا تَجْعَلُوا

بیان میکند خدا برای شما ایتهای خود را تا بود که شما شکر کنید و کنید

وعیده و دلستیه در دروغ گوید و بحالت ... ستکم ... جزء رکوع ۳ جزء ۲ رکوع ۱۲

اللهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا

مکنید خدا را نشانه برای سوگندهای خویش برای اجتناب از نیکوکاری کنید و پرهیزگاری و اصلاح کردن

بَيْنَ النَّاسِ وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللهُ

درمیان مردم وخدا شنوا دانا است مواخذه نمیکند خدا از شما

بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ

بر بیهوده گوئی در سوگندها با شما ولیکن مواخذه میکند بانچه قصد کرده است دلهای شما

قُلُوبُكُمْ وَاللهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ أَنَّ

وخدا آمرزنده بردبار است روایت است از ابن عمر رضا

رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ اللهَ يَنْهَاكُمْ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که بدرستیکه خدا شما را باز میدارد از

أَنْ تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ مَنْ كَانَ حَالِفًا فَلْيَحْلِفْ بِاللهِ

از سوگند خوردن به پدران شما کسیکه هست سوگند خورنده پس باید که سوگند بخدا بخورد

أَوْ لِيَصْمُتْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ ثَابِتِ بْنِ الضَّحَّاكِ

یا باید که خاموش باشد متفق علیه و روایت است از ثابت بن ضحاک

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ حَلَفَ عَلَى مِلَّةٍ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه سوگند خورد بر دینی

غَيْرِ الْإِسْلَامِ كَاذِبًا فَهُوَ كَمَا قَالَ وَلَيْسَ عَلَى ابْنِ

که غیر اسلام است چنانکه گوید اگر این کار کنم یهودی باشم درحالیکه بدروغ سوگند خورد پس او چنانست که گفت و نیست بر ابن

آدَمَ نَذْرٌ فِيمَا لَا يَمْلِكُ وَمَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي

آدم نذر در چیزیکه مالک آن نیست چنانکه گوید اگر شفا یابد بیمار من فلان غلام آزاد است و آن غلام ملک او نیست و کسیکه خود را بکشد بچیزی

الدُّنْيَا عُذِّبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ لَعَنَ مُؤْمِنًا فَهُوَ كَقَتْلِهِ

در دنیا عذاب کرده شود بآن چیز روز قیامت و کسیکه لعنت کند مسلمانی را پس آن لعنت کردن مانند کشتن او است

وَمَنْ قَذَفَ مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ فَهُوَ كَقَتْلِهِ وَمَنِ ادَّعَى دَعْوَى

وکسیکه دشنام کند مسلمانی را بکفر پس آن مانند قتل اوست و کسیکه دعوے کند دعوے

كَاذِبَةً لِيَتَكَثَّرَ بِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللّٰهُ إِلَّا قِلَّةً مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

دروغ تا حاصل گند آن مال کثیر زیاده نکرداند او را خدای تعالی مگر کمی مال را متفق علیه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ فَرَأَى خَيْرًا مِنْهَا

علیه وسلم فرمود کسیکه سوگند خورد بر یمین پس به بیند بهتر از آن یمین

فَلْيُكَفِّرْ عَنْ يَمِينِهِ وَلْيَفْعَلْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ

پس باید که کفاره دهد از سوگند خود و بکند آن چیز را رواه مسلم وهم از ابی هریره مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَمِينُكَ عَلَى

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سوگند تو محمول است بر

مَا يُصَدِّقُكَ عَلَيْهِ صَاحِبُكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ

چیزیکه تصدیق میکند ترا صاحب تو که سوگند میدهد ترا رواه مسلم وهم از وسے مرویست

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْيَمِينُ عَلَى نِيَّةِ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سوگند بر نیت سوگند دهنده است

الْمُسْتَحْلِفِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مراد اوصاحب دعوی سائل است رواه مسلم وهم از وسے مرویست گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَحْلِفُوا بِآبَائِكُمْ وَلَا بِأُمَّهَاتِكُمْ

صلی الله علیه وسلم سوگند مخورید به پدران خود ونه به مادران خود

وَلَا بِالْأَنْدَادِ وَلَا تَحْلِفُوا بِاللّٰهِ إِلَّا وَأَنْتُمْ صَادِقُونَ

ونه سوگند بخورید بشرکای یعنی بتان ونه سوگند بخورید بخدا مگر آنکه شما راستگویان هستید

رواہ ابو داود والنسائی وعن ابن عمر رض ان

روایت است از ابن عمر رض کہ

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قال من حلف علی یمین

آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ سوگند خورد بر چیزے

فقال ان شاء اللہ تعالی فلا حنث علیہ رواہ الترمذی

پس بگوید ان شاء اللہ تعالی پس نیست حنث بروے روایت ترمذی

وابو داود والنسائی وابن ماجۃ والدارمی

و ابو داود و النسائی و ابن ماجہ و دارمی

وعن ابی امامۃ رض قال قال رسول اللہ صلی

و روایت است از ابی امامہ رض گفت فرمود آنحضرت صلی

اللہ علیہ وسلم من اقتطع حق امرئ مسلم بیمینہ

اللہ علیہ وسلم کسیکہ قطع کرد و جدا ساخت حق مرد مسلم را بسبب سوگند خود

فقد اوجب اللہ لہ النار وحرم علیہ الجنۃ فقال

پس بتحقیق لازم می گرداند خدا مر آن بندہ را آتش دوزخ و حرام گرداند بروے بہشت پس گفت

لہ رجل وان کان شیئا یسیرا یا رسول اللہ قال

مر آنحضرت را مردے اگرچہ باشد آن چیز اندک اے رسول خدا فرمود آنحضرت

وان کان قضیبا من اراک رواہ مسلم باب الا قضیۃ

اگرچہ باشد مال شاخے از درخت مسواک روایت مسلم

وعن عبد اللہ بن انیس رض قال قال رسول اللہ

و روایت است از عبد اللہ بن انیس رض گفت فرمود آنحضرت

صلی اللہ علیہ وسلم ان من اکبر الکبائر الشرک باللہ

صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ از کلانترین گناہان کبیرہ ترین کبائر است شرک آوردن بخدا

وعقوق الوالدين واليمين الغموس وما حلف حالف

و آزار دادن پدر و مادر و سوگند خوردن بر کار گذشته دیده و دانسته و سوگند نخورد هیچ سوگند خورنده

بالله يمين صبر فادخل فيها مثل جناح بعوضة إلا

بخدا سوگند صبر پس در آورد در آن یمین مانند بازوی پشه مگر آنکه

جعلت نكتة في قلبه إلى يوم القيمة رواه الترمذي

گردانیده شود آن یمین نقطه سیاه در دل وی تا روز قیامت و باقی ماند بال او که در آن عالم ظاهر میشود روایت کرد

باب ايضاً وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم ثلثة لا يكلمهم الله يوم القيمة

صلی الله علیه وسلم سه کس اند که کلام نمیکند ایشان را خدا تعالی روز قیامت

ولا ينظر إليهم رجل حلف على سلعة لقد أعطي

و نظر نمیکند بسوی ایشان نظر عنایت یکی از ایشان مردیست که سوگند خورد بر کالای که تحقیق داده شده

بها أكثر مما أعطي وهو كاذب ورجل حلف على يمين

بآن کالا بیشتر از آن چه داده شد و حال آنکه وی دروغ گوست دوم مرد که سوگند خورد بر سوگند

كاذبة بعد العصر ليقتطع بها مال رجل مسلم ورجل

دروغ بعد از وقت عصر تا جدا گرداند بوسیله آن مال مرد مسلمان و سوم مرد

منع فضل ماء فيقول الله اليوم أمنعك فضلي كما

منع کرد زیادتی آب را پس میگوید خدای تعالی روز قیامت امروز منع میکنم ترا از زیادتی کرم خود را

منعت فضل ما لم تعمل يداك متفق عليه باب احياء الموات

چنانکه منع کردی تو زیادتی آنچه کسب نکرده بود آن را دستهای تو متفق علیه

باب في النذور

باب در بیان نذرها

و ...لیه در قصد اذیت اتلاف مال مسلمان میکند ۱۲ شرح فارسی مشکوة

عَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ وَابْنِ عُمَرَ رض قَالَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى
روایت است از ابی ہریرہ وابن عمر رض گفت آنحضرت صلے
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْذُرُوْا فَاِنَّ النَّذْرَ لَا يُغْنِيْ عَنِ الْقَدَرِ
اللہ علیہ وسلم نذر مکنید یعنی با اعتقاد آنکہ نذر رد میکند قدر را زیرا کہ نذر سود نمیدہد از قضا
شَيْئًا وَاِنَّمَا يُسْتَخْرَجُ بِهٖ مِنَ الْبَخِيْلِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ
چیزے را وجز این نیست کہ بیرون آوردہ می شود بسبب نذر از بخیل چیزے از مال متفق علیہ
وَعَنْ عَائِشَةَ رض اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
روایت است از عائشہ رض کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ
وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ نَذَرَ اَنْ يُطِيْعَ اللّٰهَ فَلْيُطِعْهُ وَمَنْ نَذَرَ
وسلم فرمود کسیکہ نذر کند کہ اطاعت و فرمان برداری کند خدا را پس باید کہ اطاعت کند خدا را
اَنْ يَعْصِيَهٗ فَلَا يَعْصِهٖ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عُقْبَةَ
کہ نافرمانی کند خدا را پس نافرمانی نکند خدا را بل کفارہ دہد رواہ البخاری و روایت است از عقبہ
بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَفَّارَةُ
بن عامر رض از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کہ گفت آنحضرت کفارہ
النَّذْرِ كَفَّارَةُ الْيَمِيْنِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ اَنَسٍ رض
نذر کفارہ یمین است رواہ مسلم و روایت است از انس رض
اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَاٰى شَيْخًا يُهَادٰى
کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم دید پیرے را کہ راہ میرود
بَيْنَ ابْنَيْهِ فَقَالَ مَا بَالُ هٰذَا قَالُوْا نَذَرَ اَنْ يَّمْشِيَ اِلَى
میان دو پسر خود تکیہ بر آن ہا کردہ پس پرسید آنحضرت چیست حال این مرد پس گفتند نذر کردہ است
الْبَيْتِ فَقَالَ اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى عَنْ تَعْذِيْبِ هٰذَا نَفْسَهٗ لَغَنِيٌّ
بسوے کعبہ پس فرمود آنحضرت بدرستیکہ خدا تعالی از عذاب کردن این شخص نفس خود را بے نیاز است

وَأَمَرَهُ أَنْ يَرْكَبَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ عَنْ
وامر کرد اورا که سوار شود از جهت عجز او از مشی و در روایتی مر مسلم را از
أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ ارْكَبْ أَيُّهَا الشَّيْخُ فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ
ابی هریرة رض این چنین آمده است که فرمود سوار شو ای پیر زیرا که خدا تعالی بے نیاز است
عَنْكَ وَعَنْ نَذْرِكَ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ
از تو واز نذر تو وروایت است از ابن عباس رض که آنحضرت
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ نَذَرَ نَذْرًا لَمْ يُسَمِّهِ فَكَفَّارَتُهُ
صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکه نذر کند نذرے که نام او نبرد پس کفارہ او
كَفَّارَةُ يَمِينٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا فِي مَعْصِيَةٍ فَكَفَّارَتُهُ
کفاره یمین است وکسیکه نذر کرد نذرے را در معصیة پس کفاره این
كَفَّارَةُ يَمِينٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا لَا يُطِيقُهُ فَكَفَّارَتُهُ
کفاره یمین است وکسیکه نذر کند نذرے را که طاقت ندارد که بجا آرد او را پس کفاره او
كَفَّارَةُ يَمِينٍ وَمَنْ نَذَرَ نَذْرًا أَطَاقَهُ فَلْيَفِ بِهِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
کفاره یمین است وکسیکه نذر کند نذرے را که طاقت دارد آنرا پس باید که وفا کند بآن نذر رواه ابوداؤد

كِتَابُ الْقِصَاصِ

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ۝ وَجَزَاءُ
وآنانکه چون برسد بر ایشان تعدی ایشان انتقام می کشند وسزا
سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللّٰهِ
بدی بدی است مانند آن پس هر که بگذارد و قضیه را باصلاح آرد پس مزد او بر خدا ست
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولٰئِكَ
هر آئینه خدا دوست نمیدارد ظالمان را وهر آئینه کسیکه انتقام کشد بعد مظلوم شدن خود پس آنجما

مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ

نیست بر ایشان هیچ راه ملامت جز این نیست که راه ملامت بر آنجماعت است که ظلم میکنند

النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بر مردمان و فساد میخواهند در زمین ناحق آنجماعت ایشان راست عذاب دردو دهنده

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

و هر که صبر کند و بیامرزد هر آئینه این صفت از کارهای مقصود است ای مسلمانان

آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ

لازم کرده شد بر شما قصاص در کشتگان آزاد در مقابله آزاد است و بنده

بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ

در مقابله بنده است و زن در مقابله زن است و شما را بسبب قصاص زندگانی است

يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ○ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا

ای خداوندان عقل تا باشد که پرهیزگاری کنید و هر که بکشد مسلمان را

مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ

بقصد پس جزای او دوزخ است جاوید آنجا وخشم گرفته است بر او خدا

وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ○ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

و لعنت کرد او را و آماده ساخت برای او عذاب بزرگ در روایت است از عبد الله بن

مَسْعُودٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أَوَّلُ مَا يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الدِّمَاءِ

اول آنچه حکم کرده شود درمیان مردم روز قیامت در خونها باشد

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ ○ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ

متفق علیه و روایت است از عبد الله بن عمر رض گفت بدرستیکه آنحضرت

سیرع ۱۰ زبدہ

عمل ۱ ۸ رکوع

صلى الله عليه وسلم قال لزوال الدنيا أهون على الله

صلى الله عليه وسلم فرمود هر آئينه زوال دنيا و فاني شدن آن آسان تر نزد خدا

من قتل رجل مسلم رواه الترمذي والنسائي

از كشتن يا كشته شدن مسلمان رواه ترمذی و نسائی

وعن أبي سعيد وأبي هريرة رض عن رسول الله صلى

و روايت است از ابي سعيد و از ابي هريره رض از آنحضرت صلى

الله عليه وسلم قال لو أن أهل السماء والأرض اشتركوا

الله عليه وسلم كه فرمود آنحضرت اگر ثابت شود كه همه آسمانيان و زمينيان شريك اند

في دم مؤمن لأكبهم النار رواه الترمذي وعن

در ريختن خون مسلمانے هر آئينه بر روی مي افگند ايشان را در آتش دوزخ رواه الترمذی و روايت است از

ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم قال يجيء

ابن عباس رض از آنحضرت صلى الله عليه وسلم كه فرمود آنحضرت مي آرد

المقتول بالقاتل يوم القيمة ناصيته ورأسه بيده

كشته شده كشنده را روز قيامت درحاليكه موی پيشانی كشنده و سر او در دست مقتول است

وأوداجه تشخب دما يقول يا رب قتلني حتى يدنيه

و رگهاے گردن او مي ريزد خون از آنها و ميگويد مقتول ای پروردگار من كشته است مرا تا نزديك كند

من العرش رواه الترمذي والنسائي وابن ماجة

از عرش رواه ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وعن أبي الدرداء عن رسول الله صلى الله عليه

و روايت است از ابي درداء از آنحضرت صلى الله عليه

وسلم قال كل ذنب عسى الله أن يغفره إلا من مات

وسلم فرمود هر گناه اميد است كه ببخشد آن را خدا تعالى مگر آنكس كه بميرد

مُشْرِكًا أَوْ مَنْ يَقْتُلُ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

مشرک یا کسیکه بکشد مسلمانرا بقصد و بدیده و دانسته روایت ابوداؤد و النسائی

عَنْ مُعَاوِيَةَ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُودٍ رض قَالَ

از معاویه و روایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که حلال نیست ریختن خون مرد

مُسْلِمٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللّٰهِ إِلَّا

مسلم که گواهی میدهد بالوهیت خدا و رسالت من این تاکید اسلام است مگر

بِإِحْدَى ثَلَاثٍ النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالثَّيِّبُ الزَّانِي وَالْمَارِقُ

بسبب یکی از سه خصلت یکی ازان خصلتها قتل است عدا یعنی در قصاص دوم زنا است که رجم کرده

لِدِينِهِ التَّارِكُ لِلْجَمَاعَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

سوم برآمدن از دین یا ارتداد ترک و بنده مر جماعت مسلمانان را متفق علیه و روایت است از

ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لَنْ يَزَالَ الْمُؤْمِنُ فِي فُسْحَةٍ مِنْ دِينِهِ مَا لَمْ يُصِبْ دَمًا

همیشه است مسلمان در کشادگی و فراخی از امور دین مادام که نرسیده است و نریخته خون

حَرَامًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو رض

حرام روایت البخاری و روایت است از عبد الله بن عمرو رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بکشد کافر عهد کننده را

لَمْ يَرِحْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَإِنَّ رِيحَهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ

یا امام برتر که حرب نمی‌کند با او جزیه دهد نیابد بوی بهشت را و بدرستی که بوی بهشت یافته می شود از مسافت

اربعين خريفا رواه البخاري وعن سعيد بن المسيب

چهل سال روایت کرد بخاری و روایت است از سعید بن مسیب

ان عمر ابن الخطاب رض قتل نفرا خمسة او سبعة برجل

که امیر المومنین عمر بن الخطاب رض کشت پنج مرد را یا هفت مرد را در عوض یک مرد

واحد قتلوه قتل غيلة وقال عمر رض لو تمالأ عليه

که کشته بودند آنکسان بطریق غیله و گفت عمر رض اگر اتفاق کردندی بر کشتن او

اهل صنعاء لقتلتهم جميعا رواه مالك وروى البخاري

ساکنان صنعا هر آینه میکشتم ایشان را همه روایت کرد مالک و روایت کرد بخاری

عن ابن عمر رض نحوه وعن جندب قال حدثني فلان

از ابن عمر رض مانند آن و روایت است از جندب گفت حدیث کرد مرا فلانی

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال يجيء المقتول

که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که می آرد کشته شده

بقاتله يوم القيمة فيقول سل هذا فيم قتلني فيقول

کشنده خود را روز قیامت پس میگوید مقتول بخدا که بپرس این را چه سبب کشته است مرا

قتلت على ملك فلان قال جندب فاتقها رواه النسائي

کشته ام او را بر ملک و سلطنت فلان گفت جندب پس پرهیز کن قتل را روایت کرد نسائی

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم من اعان على قتل مؤمن شطر كلمة لقي الله مكتوب

وسلم کسیکه یاری دهد کند بر قتل مسلم نیم کلمه مراد به نیم کلمه آن است از لفظ اقتل ملاقی میکند خدا را

بين عينيه آيس من رحمة الله رواه ابن ماجه

میان دو چشم وی این که ناامید است از رحمت خدا این شخص روایت کرد ابن ماجه

آن ملا با شد که بصحت ... است ۱۲

وعن ابن عمر رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال
و روايت است از ابن عمر رض از آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود
إذا أمسك الرجل الرجل وقتله الآخر يقتل الذي قتل
وقتيكه نگاه دارد مردي مردي را و بكشد او را مرد ديگر كشته شود آن كسكه كشت
ويحبس الذي أمسك رواه الدارقطني وعن طاؤس
و حبس كرده شود آنكسيكه نگاهداشت رواه دار قطني و روايت است از طاؤس
عن ابن عباس رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال
از ابن عباس رض از آنحضرت صلى الله عليه وسلم گفت
ومن قتل عمدا فهو قود ومن حال دونه فعليه لعنة
وكسيكه كشته شود عمدا پس آن قتل موجب قصاص است وكسيكه حائل گردد ميان آن قصاص بر وي
الله وغضبه لا يقبل منه صرف ولا عدل رواه ابوداود
خدا و خشم اوست و پذيرفته نمي شود از وي توبه و نه فديه رواه ابوداود
والنسائي وهذا طرف من الحديث وعن عمرو
ونسائي واين لفظ طرفي است از حديث بزرگ و روايت است از عمرو
ابن شعيب رض عن أبيه عن جده أن رسول الله صلى الله
بن شعيب رض از پدرش و از جدش كه آنحضرت صلى الله
عليه وسلم قال من تطبب ولم يعلم منه طب فهو
عليه وسلم فرمود كسيكه طبيب گيرد خود را بتكلف و حال آنكه دانسته نشده است از وي طب پس آن
ضامن رواه ابوداود والنسائي باب الديات عن مشكوة
ضامن است رواه ابوداود ونسائي اين حديث را در مشكوة در باب ديات است
وعن ابي الدرداء رض قال سمعت رسول الله صلى الله
و روايت است از ابي درداء رض گفت شنيدم آنحضرت را صلى الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ رَجُلٍ يُصَابُ بِشَيْءٍ فِيْ جَسَدِهٖ

علیه وسلم میگفت نیست هیچ مردی که مصیبت زده شود در تن وی بقطعی یا بجرح

فَتَصَدَّقَ بِهٖ اِلَّا رَفَعَهُ اللّٰهُ بِهٖ دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ خَطِيْئَةً

پس تصدق کند بآن یعنی عفو کند او مگر آنکه بلند گرداند او را خدا بسبب آن عفو یا در ثواب و کم کند از وی گناهی

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ رض

روایت کرده ترمذی و ابن ماجه و روایت است از خزیمه بن ثابت رض

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَصَابَ ذَنْبًا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه برسد و از تکاب کند گناهی

اُقِيْمَ عَلَيْهِ حَدُّ ذٰلِكَ الذَّنْبِ فَهُوَ كَفَّارَتُهٗ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ

که اقامت کرده شد بر آنکس حد آن پس آن حد کفارت و محو کننده آن گناه است روایت کرده در شرح

السُّنَّةِ بَابُ مَا لَا يُدْعٰى عَلَى الْمَحْدُوْدِ وَعَنْ عَلِيٍّ رض

السنة در باب ما لا یدعی علی المحدود و روایت است از علی رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ اَصَابَ حَدًّا

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه رسید حدی را

فَعُجِّلَ عُقُوْبَتُهٗ فِي الدُّنْيَا فَاللّٰهُ اَعْدَلُ مِنْ اَنْ يُّثَنِّيَ عَلٰى

پس شتاب کرده شد عذاب آن در دنیا پس عذاب کرده شود در آخرت زیرا که خدا عادل است از آنکه دو تا

عَبْدِهِ الْعُقُوْبَةَ فِي الْاٰخِرَةِ وَمَنْ اَصَابَ حَدًّا فَسَتَرَهُ اللّٰهُ

بنده خود عقوبت در آخرة و کسیکه برسد گناهی را پس پوشید خدا آن گناه را

عَلَيْهِ وَعَفَا عَنْهُ فَاللّٰهُ اَكْرَمُ مِنْ اَنْ يَّعُوْدَ فِيْ شَيْءٍ قَدْ

بر وی و عفو کند از آن پس خدا بزرگتر است از آنکه باز گردد بعذاب کردن در چیزی که بتحقیق

عَفَا عَنْهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ بَابُ اَيْضًا وَعَنْ

عفو کرد از آن روایت کرده ترمذی و ابن ماجه در باب مذکور نیز و روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

من تردّى من جبل فقتل نفسه فهو في نار جهنم يتردّى

کسیکه بیفتد از کوه از بالای کوه خود را پس بکشد نفس خود را پس آنکس در آتش دوزخ است می افتد

فيها خالدا مخلدا فيها أبدا ومن تحسّى سمّا فقتل نفسه

در وی همیشه همیشه و همیشه شده در آتش و کسیکه بیاشامد زهر را پس بکشد خود را

فسمّه في يده يتحسّاه في نار جهنم خالدا مخلدا فيها أبدا

پس زهر او در دست او خواهد بود درحالیکه می آشامد در آتش دوزخ همیشه همیشه و همیشه شده در آتش

ومن قتل نفسه بحديدة فحديدته في يده يتوجّأ

و کسیکه بکشد خود را با آهنی مثل کارد و یا شمشیر پس آهن او در دست او خواهد بود

بها في بطنه في نار جهنم خالدا مخلدا فيها أبدا متفق

با آن حدید در شکم خود در آتش جهنم همیشه همیشه و همیشه شده در آتش دایما متفق

عليه وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

علیه و هم از ابی هریره مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

الذي يخنق نفسه يخنقها في النار والذي يطعنها

آنکسیکه خفه میکند نفس خود را خفه میکند نفس خود را در آتش دوزخ و آنکه به نیزه میزند نفس خود را

يطعنها في النار رواه البخاري وعن جندب

میزند نفس خود را نیزه در آتش روایه بخاری و در روایتیست از جندب

بن عبد الله رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن عبد الله رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

كان فيمن كان قبلكم رجل به جرح فجزع فأخذ سكينا

بود در آن کسانیکه پیش از شما بودند مردی که او را جراحتی بود پس بیصبری کرد پس گرفت کارد

فجأ بها يده فما رقأ الدم حتى مات قال الله تعالى

پس بخست آنرا بدست خود یعنی بیشتاد خون تا آنکه مرد فرمود خدای تعالی

بادرني عبدي بنفسه حرمت عليه الجنة متفق

شتابی کرد مرا بنده من بهلاک کردن جان خود پس حرام کردم بروی بهشت متفق

عليه وعن جابر رض ان الطفيل بن عمرو الدوسي

علیه وروایت است از جابر رض که طفیل بن عمرو دوسی

لما هاجر النبي صلى الله عليه وسلم الى المدينة هاجر

وقتیکه هجرت کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسوی مدینه منوره هجرت کرد

اليه وهاجر معه رجل من قومه فمرض فجزع فاخذ

بسوی آنحضرت و هجرت کرد با طفیل مردی از قوم وی پس بیمار شد آنمرد و بی صبری کرد پس گرفت آنمرد

مشاقص له فقطع بها براجمه فشخبت يداه حتى مات

پیکانها که همراه او بود پس برید آنمرد بند های انگشتان خود را پس روان شد خون از هر دو دست او تا آنکه مرد آنمرد

فرآه الطفيل بن عمرو في منامه وهيئته حسنة

پس دید آنمرد را طفیل بن عمرو در خواب خود و حال آنکه صورت وی نیکو است

ورآه مغطيا يديه فقال له ما صنع بك ربك فقال

و دید او را در حالیکه پوشنده است هر دو دست خود را پس گفت طفیل مر آنمرد را چه معامله کرد با تو پروردگار

غفر لي بهجرتي الى نبيه صلى الله عليه وسلم

بیامرزید مرا بسبب هجرت کردن بسوی پیغمبر خود صلی الله علیه وسلم

فقال ما لي اراك مغطيا يديك قال قيل لي لن نصلح

پس گفت طفیل چیست مرا که می بینم ترا پوشنده هر دو دست خود را گفت آنمرد گفته شد مرا هرگز اصلاح نکنیم

منك ما افسدت فقصها الطفيل على رسول الله

از تو چیزی را که فاسد و تباه کردی تو پس خواند این قصه را طفیل بر آنحضرت

مشاقص جمع مشقص پیکان دراز و عریض

صلى الله عليه وسلم فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

صلى الله علیه وسلم پس فرمود آنحضرت صلى الله علیه وسلم

اللهم وليديه فاغفر رواه مسلم

بار خدایا چنانچه امرزیدی سائر اعضای او را بیامرز هر دو دست او را رواه مسلم

باب ما لا يضمن من الجنايات

باب در بیان جنایاتی که ضمان آن نیست

عن عبد الله بن عمرو قال سمعت رسول الله

روایت است از عبد الله بن عمرو گفت شنیدم آنحضرت

صلى الله عليه وسلم يقول من قتل دون ماله فهو شهيد

صلى الله علیه وسلم میگفت کسیکه کشته شد نزد مال خود یعنی بجهت منع کردن از آن او را پس او شهید است

متفق عليه وعن أبي هريرة رض قال جاء رجل

متفق علیه وروایت است از ابی هریره رض گفت که آمد مردی

فقال يا رسول الله صلى الله عليه وسلم أرأيت إن جاء

پس گفت یا رسول الله صلى الله علیه وسلم خبر ده مرا که اگر بیاید

رجل يريد أخذ مالي قال فلا تعطه مالك قال أرأيت

مردی که میخواهد گرفتن مال مرا گفت آنحضرت پس مده او را مال خود گفت آن مرد خبر ده مرا

إن قاتلني قال قاتله قال أرأيت إن قتلني قال فأنت

اگر قتال کند مرا و خواهد که مرا بکشد چه کنم فرمود قتال کن او را و جنگ کن با او گفت خبر ده مرا که اگر بکشد مرا فرمود

شهيد قال أرأيت إن قتلته قال هو في النار رواه مسلم

شهید باشی گفت آن مرد خبر ده مرا که اگر بکشم من او را فرمود آنحضرت که او در آتش دوزخ است رواه مسلم

وعنه أنه سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم

وهم از ابی هریره روایت کرده است شنید آنحضرت صلى الله علیه وسلم را

[illegible]

يقول لو اطلع في بيتك احد ولم تاذن له فخذفته

گویند اگر مطلع می شد و می نگریست در خانه تو کسی و حال آنکه اذن نمیدادی تو مر او را پس می انداختی او را

بحصاة ففقات عينه ما كان عليك من جناح متفق

بسنگ ریزه پس کور میکردی چشم او را نمی بود بر تو هیچ گناهی متفق

عليه وعن عبد الله بن مغفل انه رأى رجلا

علیه و روایت است از عبد الله بن مغفل رض که او دید مردی را

يخذف فقال لا تخذف فان رسول الله صلى الله عليه

که او خذف میکند پس گفت خذف مکن زیرا که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم نهى عن الخذف وقال انه لا يصاد به صيد ولا

وسلم نهی کرده است از خذف و گفته آنحضرت که خذف شکار کرده نمی شود بآن صید و نه

ينكأ به عدو ولكنها قد تكسر السن وتفقأ العين

مجروح کرده نمی شود بوی دشمن ولیکن این فعل یا سنگ ریزه می شکند دندان را و کور میکند چشم را

متفق عليه وعن ابي موسى قال قال رسول الله

متفق علیه و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا مر احدكم في مسجدنا وفي سوقنا

صلی الله علیه وسلم وقتیکه بگذرد یکی از شما در مسجد ما و در بازار ما

ومعه نبل فليمسك على نصالها ان يصيب احدا

و با وی باشد تیر پس باید که نگاه دارد پیکانها را تا نرسد به کسی

من المسلمين منها بشيء متفق عليه وعن ابي هريرة

از مسلمانان از آن پیکانها چیزی متفق علیه و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يشير احدكم

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اشارت نکند یکی از شما

[illegible]

عَلَىٰ أَخِيهِ بِالسِّلَاحِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي لَعَلَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ

بر برادر خود از سلاح یعنی از آلات حدید زیرا که وی نمی‌داند شاید که شیطان بگیرد سلاح را

فِي يَدِهِ فَيَقَعُ فِي حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ قَالَ

از حالیکه در دست اوست پس بیفتد در گودالی از آتش دوزخ متفق علیه و هم از ابی هریره رض مروی است گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَشَارَ إِلَىٰ أَخِيهِ

فرمود آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم کسیکه اشارت کند بسوی برادر خود

بِحَدِيدَةٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَلْعَنُهُ حَتَّىٰ يَضَعَهَا وَإِنْ كَانَ

یا آهنی مثل تیر و شمشیر پس بدرستیکه فرشتگان لعنت میکنند آنکس را تا آنکه بنهد آن آهن را از دست خود اگرچه

أَخَاهُ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ وَ

مشار الیه یا شمشیر برادر او مر پدر او را و مادر او را یعنی برادر حقیقی رواه بخاری و روایت است از ابن عمر و

أَبِي هُرَيْرَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ حَمَلَ

ابی هریره رض از آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم که فرمود کسیکه بردارد

عَلَيْنَا السِّلَاحَ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَزَادَ مُسْلِمٌ وَمَنْ

بر ما آلات حرب را پس نیست از ما و بر طریقهٔ ما رواه بخاری و زیاده کرد مسلم و در روایت و کسیکه

غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا وَعَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ رض قَالَ

خیانت کرد و ترک نصیحت کرد ما را پس نیست از ما و روایت است از سلمه بن اکوع رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَلَّ عَلَيْنَا السَّيْفَ

فرمود آنحضرت صلی اللہ علیه وسلم کسیکه برکشد بر ما شمشیر را

فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ

پس نیست از ما رواه مسلم و روایت است از هشام بن عروه از

أَبِيهِ أَنَّ هِشَامَ بْنَ حَكِيمٍ رض مَرَّ بِالشَّامِ عَلَىٰ أُنَاسٍ مِنَ الْأَنْبَاطِ

پدر خود روایت میکند که هشام بن حکیم رض گذشت در ملک شام بر مردمان از انباط

وقد أقيموا في الشمس وصب على رؤوسهم الزيت فقال

وحال آنکه ایشان ایستاده کرده شده اند در آفتاب ریخته شده است بر سر ایشان روغن زیتون پس گفت

ما هذا قيل يعذبون في الخراج فقال هشام أشهد

چیست این حال گفته شد عذاب کرده می شوند بجهت خراج که مال واجبی میدهند پس گفت هشام گواهی میدهم

لسمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول إن الله

هر آئینه شنیده ام آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه خدا تعالی

يعذب الذين يعذبون الناس في الدنيا رواه مسلم

عذاب میکند آن کسانی را که عذاب میکنند مردمان را در دنیا رواه مسلم

وعن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم يوشك إن طالت بك مدة أن ترى قوما

علیه وسلم نزدیک است اگر دراز شود ترا مدت عمر که ببینی گروهی را که

في أيديهم مثل أذناب البقر يغدون في غضب الله ويروحون

در دستهای ایشان است مانند دمهای گاوان مراد تازیانه هاست که از چرم میباشند بامداد میکنند

في سخط الله وفي رواية ويروحون في لعنة الله رواه

در پی رضای خدا تعالی و در روایتی است این لفظ که و شام میکنند در لعنت خدا تعالی رواه

مسلم وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

مسلم و هم از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

صنفان من أهل النار لم أرهما قوم معهم سياط

که دو نوع و دو گروه اند از اهل دوزخ ندیده ام ایشان را و نخواهم دید یکی گروهی اند که با ایشان تازیانه

كأذناب البقر يضربون بها الناس ونساء كاسيات

مانند دمهای گاوان میزنند بآن تازیانه مردم را و دوم جماعت از زنان که خداوند پوشش اند

عَارِيَاتٌ مُمِيلَاتٌ مَائِلَاتٌ رُؤُسُهُنَّ كَاَسْنِمَةِ الْبُخْتِ

پوشیده اند بدن های خود را اما برهنه اند گرداننده اند دلهای مردان را بسوی خود میل کننده اند بسوی مردان سرهای ایشان

الْمَائِلَةِ لَا يَدْخُلْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يَجِدْنَ رِيْحَهَا وَاِنَّ رِيْحَهَا

کوهان اشتران گویا از جهت کثرت قزمی ... در نمی آیند بهشت را و نمی یابند بوی بهشت و حال آنکه بوی بهشت

لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيْرَةِ كَذَا وَكَذَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

یافته میشود از مسافت چنین و چنین یعنی مسافت بعید و دراز بعد رواه مسلم و روایت است از

اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا قَاتَلَ

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه

اَحَدُكُمْ فَلْيَجْتَنِبِ الْوَجْهَ فَاِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى خَلَقَ اٰدَمَ عَلٰى

قتال کند یکے از شما یعنی مضاربت کند در سمت نماید اگر چه با کفار باشد پس باید که اجتناب کند از روی پس بدرستی

صُوْرَتِهٖ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْهُ رض قَالَ نَهٰى رَسُوْلُ اللّٰهِ

صورت خود متفق علیه و روایت است از جابر رض که نهی کرد آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ يَتَعَاطَى السَّيْفُ مَسْلُوْلًا رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم از تناول شمشیر و گرفتن آن برکشیده و برهنه رواه

التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اِبْنِ عُمَرَ رض عَنِ النَّبِيِّ

ترمذی و ابو داؤد و روایت است از ابن عمر رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِجَهَنَّمَ سَبْعَةُ اَبْوَابٍ بَابٌ

صلی الله علیه وسلم فرمود مردوزخ را هفت در است یکدر

مِنْهَا لِمَنْ سَلَّ السَّيْفَ عَلٰى اُمَّتِيْ اَوْقَالَ عَلٰى اُمَّةِ

ازان درها مرکسے راست که بکشد شمشیر را برامت من یا گفت سجائے علی امتی لفظ علی امة

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

محمد صلی الله علیه وسلم رواه ترمذی

باب الميسر والنرد والشطرنج وغيره

يسئلونك عن الخمر والميسر قل فيهما اثم كبير و
سوال ميكنند ترا از شراب وقمار بگو درينها هردو گناه سخت است
منافع للناس واثمهما اكبر من نفعهما وعن
ونفع است مردمان را بعضے در دنيا وگناه اينها هردو بزرگتر است از نفع اينها و روايت است از
بريدة رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال من لعب
بريدة رض بدرستيكه آنحضرت صلے الله عليه وسلم فرمود كسيكه بازى كرد
بالنردشير فكانما صبغ يده في لحم خنزير ودمه
بانردشير پس گويا كه رنگين نمود دست خود را در گوشت خوك وخون وے
رواه مسلم وعن ابي هريرة رض عن النبي صلى
رواه مسلم و روايت است از ابى هريره رض از آنحضرت صلے
الله عليه وسلم قال من حلف فقال في حلفه باللات
الله عليه وسلم كه فرمود كسيكه سوگند خورد پس بگويد در سوگند خود سوگند ميخورم بلات
والعزى فليقل لا اله الا الله ومن قال لصاحبه
وعزے كه نام دو بتان است پس بايد كه توبه كند وتدارك نمايد بكلمه توحيد وكسيكه بگويد مر يار خود را
تعال اقامرك فليتصدق متفق عليه وعن ابي موسى
بيا قمار بازم با تو پس بايد كه تصدق كند تا كفاره آن قمار خواهد باشد متفق عليه و روايت است از ابى موسى
ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من لعب بالنرد فقد
بدرستيكه آنحضرت صلے الله عليه وسلم فرمود كسيكه بازى كرد با نرد يعنى چوسر وشطرنج فقد
عصى الله ورسوله رواه احمد وابو داود وعن
نافرمانى كرد آنكس خدا و رسول را رواه احمد وابو داود و روايت است از

أبي هريرة رض أن رسول الله صلى الله عليه وسلم رأى
ابی ہریرہ رض که آنحضرت صلى الله عليه وسلم دید
رجلا يتبع حمامة فقال شيطان يتبع شيطانة رواه أحمد
مردی را که پس رفت کبوتر ماده را پس فرمود که شیطان است که تابع میگردد شیطان خود را رواه احمد
وأبو داود وابن ماجة والبيهقي في شعب الإيمان
و ابوداود و ابن ماجه و بیهقی در شعب ایمان
وعن علي رض أنه كان يقول الشطرنج هو ميسر
و از علی رض مروی است که او میگفت که شطرنج قمار
الأعاجم وعن ابن شهاب أن أبا موسى الأشعري رض
عجمیان است و از ابن شهاب مروی است بدرستیکه ابا موسی اشعری رض
قال لا يلعب بالشطرنج إلا خاطئ وعنه رض أنه
گفت بازی نمی کند به شطرنج هیچ یکی مگر گنهگار و هم از وی مرویست که وی
سئل عن لعب الشطرنج فقال هي من الباطل ولا يحب الله
سوال کرده شد از بازی شطرنج پس گفت که شطرنج از کار باطل است و دوست نمیدارد خدا تعالی
الباطل روى البيهقي الأحاديث الثلثة في شعب الإيمان
باطل را روایت کرد بیهقی این سه حدیث ها را در شعب ایمان

كتاب الحدود

الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما مائة جلدة
زن زنا کننده و مرد زنا کننده بزنید هر یکی را از ایشان صد دره
ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله إن كنتم تؤمنون
و باید در نگیرد شما را شفقت بر ایشان در جاری کردن شرع اگر ایمان آورده اید

بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ

بخدا و روز آخر و باید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعت از مسلمانان

عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

از عباده بن صامت رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ اَقِيْمُوْا حُدُوْدَ اللّٰهِ فِي الْقَرِيْبِ وَالْبَعِيْدِ وَلَا تَاْخُذْكُمْ

وسلم برپا کنید حدهای خدارا بر نزدیک و دور و باید که نگیرد شمارا

فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

در دین خدا هیچ ملامت ملامت کننده رواه ابن ماجه و از ابن عمر مرویست

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِقَامَةُ حَدٍّ مِنْ

بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود برپا کردن حدے از

حُدُوْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ مِّنْ مَطَرِ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً فِيْ بِلَادِ اللّٰهِ رَوَاهُ

حدود خدا بهتر است از باران چهل شب در تمام شهرهای خدا رواه

ابْنُ مَاجَةَ وَرَوَاهُ النَّسَائِيُّ عَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ رض وَعَنِ

ابن ماجه و رواه نسائی از ابی هریره رض و روایتست از

الْمُغِيْرَةِ رض قَالَ قَالَ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ لَوْ رَاَيْتُ رَجُلًا مَعَ

مغیره رض که گفت گفت سعد بن عباده اگر میدیدم من مردے را با

امْرَاَتِيْ لَضَرَبْتُهُ بِالسَّيْفِ غَيْرَ مُصْفِحٍ فَبَلَغَ ذٰلِكَ

زن خود هرآئینه میزدم او را بشمشیر غیر زننده بطرف شمشیر و عرض و پس رسید آن سخن

رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَتَعْجَبُوْنَ مِنْ غَيْرَةِ

بپیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم را پس فرمود آنحضرت آیا تعجب میدارید شما از غیرت

سَعْدٍ وَاللّٰهِ لَاَنَا اَغْيَرُ مِنْهُ وَاللّٰهُ اَغْيَرُ مِنِّيْ وَمِنْ اَجْلِ

سعد سوگند بخدا من غیرت ناک ترام از وی و خدا غیرت ناک تر است از من و بسبب

غيرة الله حرّم الله الفواحش ما ظهر منها وما بطن

غیرت خدا حرام گردانیده است خدایتعالی گناهان را هرچه ظاهرست ازان و هرچه پوشیده

ولا احد احبّ اليه العذر من الله ومن اجل ذلك بعث

ونیست کسی که محبوب تر باشد بسوی او عذر از خدایتعالی و باین سبب برانگیخت خدا

المنذرين والمبشرين ولا احد احبّ اليه المدحة من الله

پیغمبران ترسانندگان و خوشخبری رسانندگان را ونیست کسی محبوبتر بسوی او ستایش کردن از خدا

عزّ وجلّ ومن اجل ذلك وعد الله الجنة متفق عليه

عز وجل و بسبب آن وعده فرمود خدا به بهشت متفق علیه

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

و از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی الله

عليه وسلم انّ الله تعالى يغار وانّ المؤمن يغار وغيرة

علیه و سلم بدرستیکه خدایتعالی غیرت میکند و تحقیق مسلمان غیرت میکند و غیرت

الله ان لا يأتي المؤمن ما حرّم الله متفق عليه باب اللعان مش

خدا آنست که نیاید مومن چیزی را که حرام گردانیده است خدایتعالی

باب اثم الزنا

ولا تقربوا الزنى انه كان فاحشة وساء سبيلا ○

و نزدیک مشوید بزنا هرآئینه وی بیحیائی است و بد راهی است

عن عمرو بن العاص رض قال سمعت رسول الله صلى

از عمرو بن العاص رض مرویست گفت شنیدم من آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول ما من قوم يظهر فيهم الزنا الا اخذوا

الله علیه و سلم را که میگفت نیست هیچ قومی که پیدا میگردد در ایشان زنا مگر آنکه گرفته کرده شد

بِالسَّنَةِ وَمَا مِنْ قَوْمٍ يَظْهَرُ فِيهِمُ الرُّشَا إِلَّا أُخِذُوا بِالرُّعْبِ

بقحط و نیست هیچ قومی که پیدا و ظاهر میگردد در ایشان رشوت ها مگر آنکه گرفت کرده میشوند بترس و بیم

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ عُمَرَ رضـ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا

رواه احمد و از عمر بن خطاب رضـ مروی است بدرستیکه خدا برانگیخته است محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَكَانَ

صلی الله علیه وسلم بدین ثابت و نازل فرموده است بروی کتاب پس بود

مِمَّا أَنْزَلَ اللّٰهُ تَعَالَى آيَةُ الرَّجْمِ رَجَمَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى

از آنچه نازل نمود خدای تعالی آیه رجم رجم فرمود آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَجَمْنَا بَعْدَهُ وَالرَّجْمُ فِي كِتَابِ

الله علیه وسلم و رجم کردیم ما پس آنحضرت و رجم در کتاب

اللّٰهِ حَقٌّ عَلَى مَنْ زَنَى إِذَا أَحْصَنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ إِذَا

خدا حق است بر کسیکه زنا کند و قتیکه محصن باشد از مردان و زنان و قتیکه

قَامَتِ الْبَيِّنَةُ أَوْ كَانَ الْحَبَلُ أَوِ الْاِعْتِرَافُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

قایم شوند گواهان یا باشد حبل یعنی بارشکم از غیر زوج یا باشد اقرار متفق علیه

وَعَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ رضـ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ

و از سمره بن جندب رضـ گفت که بود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا صَلَّى أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ مَنْ رَأَى

علیه وسلم چون فارغ میشد از نماز صبح توجه میکرد برما بروی مبارک خود پس میفرمود کیست که دیده است

مِنْكُمُ اللَّيْلَةَ رُؤْيَا قَالَ فَإِنْ رَأَى أَحَدٌ قَصَّهَا فَيَقُولُ

از شما امشب خوابی را سمره گفت پس اگر میدید کسی خوابی را میخواند آنرا پس میگفت

مَا شَاءَ اللّٰهُ فَسَأَلَنَا يَوْمًا فَقَالَ هَلْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدٌ

آنچه خواسته است خدا پس پرسید ما را روزی پس گفت آیا دیده است از شما هیچ یکی

رؤيا قلنا لا قال لكني رأيت الليلة رجلين أتياني فأخذا

خوابی ما گفتیم ندیده ایم فرمود لیکن من دیده ام امشب دو مرد را که آمدند مرا پس گرفتند

بيدي فأخرجاني إلى أرض مقدسة فإذا رجل جالس ورجل

بهر دو دست مرا پس بیرون آوردند مرا بسوی زمین پاک پس ناگاه در آنجا مردی نشسته است و مردی

قائم بيده كلوب من حديد يدخله في شدقه فيشقه حتى

ایستاده در دست او کلوب است از آهن که میدرآمد آنرا در کلهٔ او پس پاره میکند تا آنکه

يبلغ قفاه ثم يفعل بشدقه الآخر مثل ذلك ويلتئم

میرسد پس سر او را پس میکند بشدق دیگر مانند آنچه کرده بود و بهم می آید

شدقه هذا فيعود فيصنع مثله قلت ما هذا قالا انطلق

این کلهٔ او پس باز میگردد و پس میکند مانند آن پس گفتم آن دو مرد را چیست این گفتند آن برو

فانطلقنا حتى أتينا على رجل مضطجع على قفاه ورجل

پس رفتیم تا آنکه آمدیم بر مردی که افتاده است بر قفای خود و مردی

قائم على رأسه بفهر أو صخرة فيشدخ به رأسه فإذا

ایستاده بر سر او سنگ در دست که میشکند بآن سنگ سر او را پس چون

ضربه تدهده الحجر فانطلق إليه ليأخذه فلا يرجع

میزند او را می غلطد سنگ دور افتد پس میرود آن مرد بجانب سنگ تا بگیرد آنرا پس باز نمیگردد

إلى هذا حتى يلتئم رأسه وعاد رأسه كما كان فعاد

بسوی این مرد تا آنکه به میگردد سر او و میگردد سر او چنانکه بود پس باز می آید

إليه فضربه فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى

بسوی وی پس میزند او را پس پرسیدم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم تا آنکه

أتينا إلى ثقب مثل التنور أعلاه ضيق وأسفله واسع

آمدیم ما بسوی سوراخ که مانند تنور است بالای آن ثقب تنگ است و پایان او فراخ

تتوقد تحته نارا فإذا ارتفعت ارتفعوا حتى كادوا

می افروزد زیر آن تنور آتش پس چون بلند میشود آتش بلند میشوند مردم تا آنکه قریب است

أن يخرجوا منها وإذا خمدت رجعوا فيها وفيها رجال ونساء

که بیرون آیند و چون فرو می‌نشیند آتش رجوع میکنند در وی و در آن مردان و زنان

عراة فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى أتينا على

برهنه پس گفتم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم ما تا آنکه آمدیم ما بر

نهر من دم فيه رجل قائم على وسط النهر وعلى شط

جوی از خون در آن جوی مردی ایستاده در میان جوی و بر کنار

النهر رجل بين يديه حجارة فأقبل الرجل الذي في النهر

جوی مردی است پیش او سنگهاست پس پیش آمد مردی که بود در میان نهر

فإذا أراد أن يخرج رمى الرجل بحجر في فيه فرده حيث

پس چون میخواهد که بیرون آید می‌زند آن مرد که بر کنار است سنگی در دهن او پس باز میگرداند او را جائی که

كان فجعل كلما جاء ليخرج رمى في فيه فيرجع كما كان

بود پس هر گاه که می‌آید تا بیرون آید می‌اندازد در دهن او سنگ پس باز میگردد چنانکه بود

فقلت ما هذا قالا انطلق فانطلقنا حتى انتهينا إلى

پس گفتم چیست این گفتند آن دو مرد برو پس رفتیم تا آنکه رسیدیم ما به سبزه

روضة خضراء فيها شجرة عظيمة وفي أصلها شيخ

بوستانی سبز که در آن درختی بزرگ است و در بیخ آن درخت پیری است

وصبيان فإذا رجل قريب من الشجرة بين يديه نار يوقدها

و اطفال پس ناگاه مردی نزدیک آن درخت پیش او آتشی است که می افروزد آن را

فصعدا بي الشجرة فأدخلاني دارا وسط الشجرة لم أر قط

پس بالا بردند مرا بر آن درخت پس درآوردند مرا در سرایی میان آن درخت است که ندیدم هرگز

أَحْسَنَ مِنْهَا فِيهَا رِجَالٌ شُيُوخٌ وَشَبَابٌ وَنِسَاءٌ وَ

بهتر ازان پس دران مردان اند پیران و جوانان و زنان اند

صِبْيَانٌ ثُمَّ أَخْرَجَانِي مِنْهَا فَصَعِدَا بِي الشَّجَرَةَ فَأَدْخَلَانِي

و طفلان پس بیرون آوردند مرا از انسرا پس برده مرا بالای آن درخت پس آوردند مرا

دَارًا هِيَ أَحْسَنُ وَأَفْضَلُ مِنْهَا فِيهَا شُيُوخٌ وَشَبَابٌ

سرائی را که بهتر و افضل بود ازان پس دراین سرا پیران و جوانان اند

فَقُلْتُ لَهُمَا إِنَّكُمَا قَدْ طَوَّفْتُمَانِي اللَّيْلَةَ فَأَخْبِرَانِي عَمَّا

پس گفتم من مران هر دو را که بسیار گردانیدید شما مرا امشب پس خبر دهید مرا از انچه

رَأَيْتُ قَالَا نَعَمْ أَمَّا الرَّجُلُ الَّذِي رَأَيْتَهُ يُشَقُّ شِدْقُهُ

دیده‌ام گفتند هان اما مردے که دیدی که پاره کرده میشود کلاو

فَكَذَّابٌ يُحَدِّثُ بِالْكَذْبَةِ فَتُحْمَلُ عَنْهُ حَتَّى تَبْلُغَ الْآفَاقَ

پس مرد دروغگوست که خبر میدهد بدروغ پس یاد گرفته میشود آن حدیث دروغ ازو تا آنکه میرسد در اطراف عالم

فَيُصْنَعُ بِهِ مَا تَرَى إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ

پس کرده میشود چنین که اکنون می بینی تا روز قیامت و آنکس که دیدی تو او را

يُشْدَخُ رَأْسُهُ فَرَجُلٌ عَلَّمَهُ اللّٰهُ الْقُرْآنَ فَنَامَ عَنْهُ

که شکسته میشود سر او پس مردی ست که تعلیم کرد او را الله تعالی قرآن را پس خواب کرد از قرآن

بِاللَّيْلِ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ بِالنَّهَارِ يُفْعَلُ بِهِ مَا رَأَيْتَ إِلَى

در شب و عمل نکرد بانچه در قرآنست در روز کرده میشود با آن انچه که دیدے

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَالَّذِي رَأَيْتَهُ فِي النَّقْبِ فَهُمُ الزُّنَاةُ وَالَّذِي

روز قیامت و آنکس که دیدے تو او را در سوراخ پس آن جماعه زنا کارانند و آنکس

رَأَيْتَهُ فِي النَّهَرِ آكِلُ الرِّبٰوا وَالشَّيْخُ الَّذِي رَأَيْتَهُ فِي أَصْلِ

که دیدی تو او را در نهر سود خوار است و پیر یکه دیدے تو او را در بیخ

الشجرة إبراهيم والصبيان حوله فأولاد الناس والذي

درخت ابراهیم خلیل است و طفلان که گرد او یند پس اولاد مردم اند و کسیکه

يوقد النار مالك خازن النار والدار الأولى التي دخلت

می افروزد آتش را مالک است داروغه دوزخ و سرای پیشین که درآمدے تو

دار عامة المؤمنين وأما هذه الدار فدار الشهداء وأنا

جاے عوام مسلمانان ست و لیکن این سرا دوم کہ حسن است الی پس جاے شہیدان است و من

جبرئيل وهذا ميكائيل فارفع رأسك فرفعت رأسي

جبرئیل ام و این میکائیل پس بردار سر خود را پس برداشتم من سر خود را

فإذا فوقي مثل السحابة وفي رواية مثل الربابة البيضاء

پس ناگاه بالاے سر من مانند ابر ست و در روایتی آمده است که بالاے سر من مانند ابر سفید است

قالا ذلك منزلك قلت دعاني أدخل منزلي قالا إنه

گفتند آن هردو که این مقام تست گفتم بگذارید مرا تا درآیم منزل خود را گفتند بدرستیکه

بقي لك عمر لم تستكمله فلو استكملته أتيت منزلك

از عمر تو هنوز باقی است که تمام نکردی تو او را پس اگر تمام میکردی آنرا می آمدے منزل خود را

رواه البخاري باب الرؤيا مشكوة

روایت کرد آنرا البخاری در باب رؤیا مشکوة

باب إثم اللواطة

عن عكرمة عن ابن عباس رض قال قال رسول الله صلى

روایت است از عکرمه از ابن عباس گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من وجدتموه يعمل عمل قوم لوط

الله علیه و سلم کسیکه بیابید شما او را که میکند فعل گروه لوط

فاقتلوا الفاعل والمفعول به رواه الترمذي وابن ماجة

پس بکشید کننده این کار را و آنرا که کرده شده است بوی رواه ترمذی و ابن ماجه

وعن جابر رضـ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و از جابر رضـ مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إن أخوف ما أخاف على أمتي عمل قوم لوط رواه الترمذي

بدرستیکه ترسیده شده ترین چیزیکه می‌ترسم من بر امت خود کار قوم لوط است رواه ترمذی

وابن ماجة وعن ابن عباس وأبي هريرة رضـ أن رسول الله

و ابن ماجه و روایت است از ابن عباس و ابی هریره رضـ بدرستیکه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال ملعون من عمل عمل قوم لوط

صلی الله علیه وسلم فرمود لعنت کرده شده است کسیکه بکند کار قوم لوط

رواه رزين وفي رواية له عن ابن عباس أن عليا أحرقهما

روایت کرد رزین و در روایتی که مر رزین راست از ابن عباس رضـ بدرستیکه علی رضـ سوخت هر دو را

وأبا بكر هدم عليهما حائطا وعنه أن رسول الله صلى

و ابوبکر انداخت بر هر دو دیوار را و هم از وی مرویست که آنحضرت صلی

الله عليه وسلم قال لا ينظر الله عز وجل إلى رجل أتى رجلا

الله علیه وسلم فرمود که نظر رحمت نمی‌کند خدای بزرگ بسوی مردی که بیاید مردی را

أو امرأة في دبرها رواه الترمذي وعن ابن عباس رضـ

یا زنی را در دبر او رواه ترمذی و از ابن عباس رضـ مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من أتى بهيمة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاید چارپایرا یعنی وطی کند

فاقتلوه واقتلوها معه قيل لابن عباس ما شأن البهيمة

او را پس بکشید او را و بکشید آن بهیمه را همراه او گفته شد مر ابن عباس را چیست حال بهیمه

فاطمة لقطعتها رواه النسائي

فاطمه هر آئینه قطع میکردم دست او را رواه نسائی

باب المسكرات ووعيد شاربها

باب در احادیث که در مسکرات و وعید شارب آن وارد شده

يا ايها الذين آمنوا انما الخمر والميسر والانصاب و

ای مسلمانان جز این نیست که خمر و قمار و نشانهاے معبودان باطل

الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم

و تیرهای فال پلید است از کردار شیطان پس احتراز کنید از وی تا که شما

تفلحون ۞ انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة

رستگار شوید جز این نیست که میخواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی

والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله

و نا خوشی بسبب خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا

وعن الصلوة فهل انتم منتهون ۞ عن ابن عمر

و از نماز پس آیا الحال شما باز ایستادید روایت است از ابن عمر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كل مسكر

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر مسکر

خمر وكل مسكر حرام ومن شرب الخمر في الدنيا فمات

خمرست و هر مسکر حرامست و کسیکه بنوشد خمر را در دنیا پس بمیرد

وهو يدمنها ولم يتب لم يشربها في الآخرة رواه مسلم

درحالیکه پیوسته مینوشد آنرا و توبه نکرد از آن نخواهد نوشید خمر در آخرت رواه مسلم

وعن جابر ان رجلا قدم من اليمن فسال النبي

و از جابر رض مرویست که مردی قدوم آورد از یمن پس پرسید آنحضرت

سه جزء رکوع ۲

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ شَرَابٍ يَشْرَبُوْنَهُ بِاَرْضِهِمْ مِنَ

صلی الله علیه و سلم از شرابے که مینوشیدند اهل یمن آنرا در زمین خود از

الذُّرَةِ يُقَالُ لَهُ الْمِزْرُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ذرہ گفته میشود آن شراب را مزر پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

اَوَمُسْكِرٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ قَالَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ اِنَّ عَلَى اللّٰهِ

آیا مسکر است آن گفت آمرد آرے مسکر است گفت آنحضرت هر مسکر حرام است بدرستیکه بر خدا

عَهْدًا لِمَنْ يَشْرَبُ الْمُسْكِرَ اَنْ يَسْقِيَهُ مِنْ طِيْنَةِ الْخَبَالِ قَالُوْا

عهد است هر کسیرا که بنوشد مسکر را که بنوشاند او را از طینت خبال گفتند صحابه

يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَمَا طِيْنَةُ الْخَبَالِ قَالَ عَرَقُ اَهْلِ النَّارِ

یا رسول خدا و چیست طینت خبال فرمود خوی اهل آتش است یا گفت

اَوْ عُصَارَةُ اَهْلِ النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رض

زرد آب که میرود از اهل نار رواه مسلم و روایت است از جابر رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا اَسْكَرَ

که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود چیزیکه مست نمیکند بسیارِ آن

كَثِيْرُهُ فَقَلِيْلُهُ حَرَامٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ

بسیار او پس اندک وے نیز حرام است رواه ترمذی و ابو داود

وَابْنُ مَاجَةَ وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ

و ابن ماجه و روایت است از عائشه رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا اَسْكَرَ مِنْهُ الْفَرَقُ فَمِلْأُ

صلی الله علیه و سلم گفت چیزیکه مست گرداند از وے فرقی پس پُری

الْكَفِّ مِنْهُ حَرَامٌ رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْ دَاوٗدَ

کف دست از وے حرام است روایت کرد این حدیث را احمد و ترمذی و ابو داود

در روایت است از انس ... رواه النسائی
... رواه النسائي
فى الخمر عشرة عاصرها ومعتصرها ...
در مقدمه خمر ده کس را کسیکه بیفشرد آنرا و کسیکه افشرده شده است برای وی و کسیکه بنوشد آنرا و کسیکه
والمحمولة اليه وساقيها وبائعها وآكل ثمنها والمشترى
و هر که برداشته شده است بسوی آن و کسیکه بنوشاند آنرا و کسیکه بفروشد و کسیکه بخورد قیمت آنرا و کسیکه خرید
لها والمشترى له رواه الترمذي وابن ماجة وعن
آنرا و کسیکه خرید کرده شده است برای وی رواه ترمذی وابن ماجه در روایت است از
ابن عمر رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
لعن الله الخمر وشاربها وساقيها وبائعها ومبتاعها
که لعنت کرد خدایتعالی خمر را و کسیکه بنوشد. آنرا و کسیکه بنوشاند آنرا و کسیکه بفروشد آنرا و کسیکه خرید
وعاصرها ومعتصرها وحاملها والمحمولة اليه
و کسیکه بیفشرد آنرا و کسیکه افشرده شده است برای وی و کسیکه بر داشت آنرا و کسیکه بر داشته شده است
رواه ابو داود وابن ماجة وعن ابى هريرة رض قال
رواه ابوداود وابن ماجه در روایت است از ابی هریره رض گفت
ان رسول الله صلى الله عليه وسلم اتى برجل قد
آورده شد نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردے که
شرب الخمر فقال اضربوه فمنا الضارب بيده و
که نوشیده بود خمر پس فرمود آنحضرت بزنید او را پس بود از ما زننده بدست خود و
الضارب بثوبه والضارب بنعله ثم قال بكتوه فاقبلوا
زننده بجامه خود و زننده بنعل خود پس گفت سرزنش کنید او را پس پیش آمدند

صلى الله عليه وسلم عن شراب يشربونه بارضنا [illegible]

صلى الله علیه وسلم از شرابے که مینوشیدند آنرا [illegible] وشرم نداشتی

الدرة فقال ابدا بعض القوم اخزاك الله قال

از پیغمبر خدا پس گفتند بعضے از قوم خوار گرداند و رسوا کند ترا خدا تعالی گفت

لا تقولوا هكذا لا تعينوا عليه الشيطان ولكن قولوا

مگوئید همچنین یاری مدهید بر وی شیطان را ولیکن بگوئید

اللهم اغفر له اللهم ارحمه رواه ابو داود وعن

خداوندا بیامرز او را خداوندا رحمت کن او را رواه ابوداود و روایت است از

وائل الحضرمي ان طارق بن سويد سأل النبي صلى الله

وائل حضرمی که طارق بن سوید سوال کرد آنحضرت صلی الله

عليه وسلم عن الخمر فنهاه فقال انما اصنعها للدواء

علیه وسلم را از شرب خمر پس نهی کرد آنحضرت او را پس گفت میکنم آنرا برای دوا

فقال انه ليس بدواء ولكنه داء رواه مسلم

پس فرمود آنحضرت بدرستیکه آن نیست دارو ولیکن آن درد است رواه مسلم

وعن عبد الله بن عمر قال قال رسول الله صلى

و روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم من شرب الخمر لم يقبل الله له صلوة

الله علیه وسلم کسیکه بخورد خمر را قبول نکند خدا تعالی مر او را نماز

اربعين صباحا فان تاب تاب الله عليه فان عاد

چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند خدا بر وی پس اگر عود کند

لم يقبل الله له صلوة اربعين صباحا فان تاب تاب الله

قبول نمیکند خدا تعالی برای او نماز چهل صباح پس اگر توبه کند رجوع میکند…

عليه فإن عاد لم يقبل الله له صلوٰة اربعين صباحا فان

بروی پس اگر عود کند بشرب خمر قبول نمیکند خدا نماز او را چهل صباح پس اگر

تاب تاب الله عليه فان عاد الرابعة لم يقبل الله صلوٰة

توبه کرد رجوع میکند خدا بروی پس اگر عود کرد بخوردن خمر در کرت چهارم قبول نمیکند خدا نماز وی

اربعين صباحا فان تاب لم يتب الله عليه وسقاه من

چهل صباح پس اگر توبه کرد این بار رجوع نمیکند خدا بروی و می نوشاند او را از

نهر الخبال رواه الترمذي ورواه النسائي وابن ماجة

جوی زرداب دوزخیان روایت کرد ترمذی و روایت کرد این حدیث را نسائی و ابن ماجه

والدارمي عن عبد الله بن عمرو وعن عبد الله

والدارمی از عبد الله بن عمرو رض و روایت است از عبد الله

بن عمرو رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا يدخل

بن عمرو رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود در نمی آید

الجنة عاق ولا قمار ولا منان ولا مدمن خمر رواه

بهشت را آزارده دهنده مادر و پدر را و در نمی آید بهشت را قمار باز و نه در نمی آید بهشت منت نهنده

الدارمي وفي رواية له ولا ولد زنية بدل قمار

دارمی و در روایتی مر او راست و در نمی آید بهشت را ولد الزنا بجای قمار باز نده

وعن ابي امامة رض قال قال النبي صلى الله عليه

و روایت است از ابی امامه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم ان الله بعثني رحمة للعلمين وهدى للعلمين

وسلم بدرستیکه خدا تعالی فرستاده است مرا سبب رحمت مر جهانیان را و سبب هدایت مر جهانیان را

وامرني ربي عز وجل بمحق المعازف والمزامير والاوثان

و امر کرد مرا پروردگار من عزوجل باستیصال کردن ساز ها و نای ها و مزامیر و بتان

وَأَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ وَحَلَفَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِي لَا يَشْرَبُ

و باطل کردن شعار رسوم جاهلیت و گفته است پروردگار من سوگند میخورم بعزت خود که نه نوشد

عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِي جَرْعَةً مِنْ خَمْرٍ إِلَّا سَقَيْتُهُ مِنَ الصَّدِيدِ

هیچ بنده از بندگان من جرعه از شراب مگر آنکه بنوشانم او را از زرداب

مِثْلَهَا وَلَا يَتْرُكُهَا مِنْ مَخَافَتِي إِلَّا سَقَيْتُهُ مِنْ حِيَاضِ الْقُدُسِ

مانند آن و نگذارد هیچ بنده خمر را از ترس من مگر آنکه بنوشانم او را از حوضهای قدس

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ

روایت کرد احمد و از ابن عمر مرویست که آن حضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثَةٌ قَدْ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِمُ الْجَنَّةَ مُدْمِنُ

علیه وسلم فرمود سه مرد اند که بتحقیق حرام گردانیده است خدا بر ایشان بهشت را

الْخَمْرِ وَالْعَاقُّ وَالدَّيُّوثُ الَّذِي يُقِرُّ فِي أَهْلِهِ الْخُبْثَ رَوَاهُ

خورنده خمر دائم و آزار کننده مادر پدر را و سوم مرد بیغیرت آنکه مقرر میسازد در اهل خود پلیدی

أَحْمَدُ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ

روایت کرد احمد و نسائی و روایت است از ابو موسی اشعری رض که آنحضرت

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ

صلی الله علیه وسلم فرمود سه کس اند در نمی آیند در بهشت

مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَقَاطِعُ الرَّحِمِ وَمُصَدِّقٌ بِالسِّحْرِ رَوَاهُ أَحْمَدُ

مداومت کننده بر خمر و بریده کننده رحم و تصدیق کننده بسحر روایت کرد احمد

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُدْمِنُ

و از ابن عباس مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم مدمن

الْخَمْرِ إِنْ مَاتَ لَقِيَ اللهَ كَعَابِدِ وَثَنٍ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ أَبِي مُوسَى

خمر اگر بمیرد ملاقات کند خدا را مانند پرستش کننده بت روایت کرد احمد و روایت است از ابو موسی

أنه كان يقول ما أبالي شربت الخمر أو عبدت هذه

که میگفت باکی ندارم که بنوشم من شراب یا پرستش کنم این

السارية دون الله رواه النسائي وعن الحكم بن عتيبة

ستون را جز خدای تعالی روایت کرد نسائی و روایت است از حکم بن عتیبه

عن أنس بن حذيفة صاحب البحرين قال كتبت رسول الله

از انس بن حذیفه صاحب بحرین گفت که نوشتم من بسوی آنحضرت

صلى الله عليه وسلم إن الناس قد اتخذوا بعد الخمر أشربة تسكرهم

صلی الله علیه وسلم بدرستی مردمان بتحقیق میسازند بعد از خمر شرابهای که

كما يسكر الخمر من التمر والزبيب يصنعون ذلك في الدباء والمزفت

مستی می آرند ایشان را چنانکه مستی می آرد خمر از خرما و مویز میسازند آن را در دبا و مزفت

والنقير والحنتم فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن كل

و نقیر و حنتم پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستی که هر

شراب أسكر فهو حرام والمزفت حرام والنقير حرام والحنتم

شراب که مست میگرداند پس آن حرام است و مزفت نیز حرام است و نقیر و حنتم

حرام فاشربوا في القرب وشدوا الأوكية فاتخذ الناس في القرب

نیز حرام است پس بنوشید در مشکها و ببندید بند سر آن پس ساختند مردمان در مشکها

ما يسكرهم فبلغ ذلك النبي صلى الله عليه وسلم فقام في الناس فقال إنه

چیزی که مستی می آرد ایشان را پس رسید خبر آنحضرت را پس ایستاد آنحضرت در مردمان خطبه خواند

لا يفعل ذلك إلا أهل النار ألا إن كل مسكر حرام وكل مفتر حرام وكل

پس فرمود بدرستی شان اینکه نمیکنند این فعل مگر دوزخی آگاه باشید هر مسکر حرام است و هر مفتر حرام

حرام وما أسكر كثيره فقليله حرام وما

حرام است و چیزیکه مستی آرد بسیار وی پس اندک وی حرام است و چیزیکه

خمر القلب فهو حرام رواه ابو نعيم وقال الحكم عنه مرسل باب

می پوشد قلب را پس وی حرام ست روایت کرد ابو نعیم و گفت حکم از ابو نعیم این حدیث مرسل ست باب

الشفاعة في الحدود عن عائشة رضي الله عنها ان قريشا

در بیان احادیث وارد شده در شفاعت کردن در حدود یعنی درخواست کردن از امام که درگذرد از اقامت حد روایت است از عائشه

اهمهم شان المرأة المخزومية التي سرقت فقالوا من يكلم فيها

یعنی صحابه از قریش بود و ماند در مهم ساخت ایشان را کار و حال آن زن مخزومیه که دزدیده بود پس گفتند کیست که سخن گوید

فيها رسول الله صلى الله عليه وسلم فقالوا ومن يجترئ

از جهت وی پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم پس گفتند کیست که دلیری تواند کرد

عليه الا اسامة بن زيد حب رسول الله صلى الله عليه وسلم

بر آنحضرت مگر اسامه بن زید که محبوب پیغمبر خداست صلی الله علیه وسلم

فكلمه اسامة رض فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم

پس سخن کرد آنحضرت را اسامه رض پس گفت آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أتشفع في حد من حدود الله ثم قام فاختطب ثم قال انما

آیا شفاعت می کنی تو در حدی از حدود خدا پس ایستاد آن حضرت پس خطبه خواند پس گفت

اهلك الذين قبلكم انهم كانوا اذا سرق فيهم الشريف

آنحضرت هلاک کرد این شد آن کسانی که پیش از شما بودند که ایشان چون دزدی می کرد در میان ایشان شریف

تركوه واذا سرق فيهم الضعيف اقاموا عليه الحد

ترک او می کردند و چون دزدی می کرد در میان ایشان ناتوانی اقامت می کردند بر وی حد

وايم الله لو ان فاطمة بنت محمد صلى الله عليه

و سوگند خدا اگر ثابت شود که فاطمه بنت محمد مصطفی صلی الله علیه

وسلم سرقت لقطعت يدها متفق عليه وعن

وسلم دزدی کرد هر آئینه می بریدم دست او را متفق علیه و روایت است از

عبد الله بن عمر قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن عمر رضی الله عنه گفت عبد الله شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه

وسلم يقول من حالت شفاعته دون حد من

وسلم که میگفت کسیکه حایل گردد و درمیان آید شفاعت او نزد حدی از

حدود الله فقد ضاد الله ومن خاصم في باطل

حدود خدا پس بتحقیق ضدیت کرد خدا را وکسیکه پیکار کند در خلاف حق

وهو يعلمه لم يزل في سخط الله تعالى حتى ينزع

و حال آنکه میداند آنرا که باطل است همیشه میباشد در غضب خدا تعالی تا آنکه باز ایستد از آن

ومن قال في مؤمن ما ليس فيه اسكنه الله

وکسیکه گوید در حق مسلمانی چیزیکه نیست در او از عیب و نقصان جای کناد او را خدا

ردغة الخبال حتى يخرج مما قال رواه احمد وابو داود

در گل و خون و ریم دوزخیان تا آنکه بیرون آید از آنچه گفته است روایت کرد احمد و ابو داود

وفي رواية للبيهقي في شعب الايمان من اعان

و در روایتی بیهقی در شعب ایمان این لفظ است کسیکه یاری دهد

على خصومة لا يدري احق ام باطل

در خصومتی که در نمی یابد که حق است یا باطل

فهو في سخط الله حتى ينزع

پس او در غضب خداست تا آنکه باز آید

كتاب الامارة والقضاء

يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول

ای گروه مومنان فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغامبر را

وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنَازَعْتُمْ فِیْ شَیْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلَی اللّٰهِ

و فرمان برداری والیان را از جنس شما پس اگر اختلاف کنید در چیزی پس رجوع کنید آن را بسوی خدا

وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ

و پیغامبر اگر اعتقاد میدارید بخدا و روز آخر

ذٰلِكَ خَیْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا

این بهتر است و نیکوتر باعتبار عاقبت

باب ثواب العادلین

بیان احادیثی که وارد شده است در بیان ثواب عادلان

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ لِلّٰهِ شُهَدَآءَ بِالْقِسْطِ

ای زمره مومنان باشید قیام کنندگان برای خدا گواهان براستی

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰۤى اَلَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا

و نه انگیزد شما را دشمنی گروهی از مشرکان بر آنکه عدل نکنید و بر پایه ایشان عدل کنید

هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ

که عدل نزدیکتر است به پرهیزگاری و بترسید از خدا در ظلم بدرستیکه خدا دانا هست بآنچه میکنید

وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ

و اگر حکم کنی پس حکم کن میان آنها براستی و عدل بدرستیکه خدا دوست میدارد

الْمُقْسِطِيْنَ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

عدل کنندگان را در حکم روایت است از عبدالله بن عمر رض گفت فرمود آن حضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَّكُلُّكُمْ مَسْئُوْلٌ

صلی الله علیه وسلم آگاه باشید همه شما رعایت کننده اید و همه شما پرسیده شوید

عَنْ رَعِيَّتِهٖ فَالْاِمَامُ الَّذِيْ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَّهُوَ مَسْئُوْلٌ عَنْ رَعِيَّتِهٖ

از رعیت خود پس امامی که قائم است بر مردم باصلاح حال ایشان رعایت کننده است و مسئول است [illegible] از حال رعیت

والرجل راع على أهل بيته وهو مسئول عن رعيته

و مرد راعی است بر اهل خانهٔ خود و وے سوال کرده می شود از حال رعیت خود

والمرأة راعية على بيت زوجها وولده وهي مسئولة

و زن راعی است بر خانهٔ شوہر خود و فرزندان او و وے سوال کرده شود

عنهم وعبد الرجل راع على مال سيده وهو مسئول

از ایشان و غلام مرد راعی است بر مال خواجه خود و وے پرسیده شود

عنه ألا فكلكم راع وكلكم مسئول عن رعيته متفق عليه

ازان آگاه باشید و همه شما سوال کرده شوید از رعیت خود متفق علیه

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال قال

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص رض گفت عبد الله فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم إن المقسطين عند الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه اهل انصاف که داد گرند نزد خدا

على منابر من نور عن يمين الرحمن وكلتا يديه يمين

بر منبرهاے از نور اند بجانب دست راست خدا و هر دو دست خدا راست اند

الذين يعدلون في حكمهم وأهليهم وما ولوا رواه

آنها که عدل و راستی میکنند در احکام خود و اهلهای خود و عدل میکنند در چیزیکه والی اند

مسلم وعن عائشة عن رسول الله صلى الله

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال أتدرون من السابقون إلى ظل الله

علیه وسلم فرمود آیا میدانید کیستند پیشی گیرندگان بسوی سایهٔ خدا

عز وجل يوم القيامة قالوا الله ورسوله أعلم قال

عز و جل روز قیامت گفتند خدا و رسول وے دانا تر است فرمود آنحضرت

الَّذِيْنَ إِذَا أُعْطُوا الْحَقَّ قَبِلُوْهُ وَإِذَا سُئِلُوْهُ بَذَلُوْهُ

سابقان کسانی اند که چون حق داده شود ایشان را حق پذیرند و چون سوال کرده شوند حق بذل کنند

وَحَكَمُوْا لِلنَّاسِ كَحُكْمِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ رَوَاهُ أَحْمَدُ

وحکم کنند برای مردم مانند حکم کردن ایشان برای ذوات خود روایت کرد احمد

وَعَنْ أَبِيْ سَعِيْدٍ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ابی سعید رض که گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللّٰهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَقْرَبَهُمْ

علیه وسلم بدرستیکه دوست داشته شده ترین مردم بسوی خدا روز قیامت و نزدیک ترین ایشان

مِنْهُ مَجْلِسًا إِمَامٌ عَادِلٌ وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللّٰهِ

از درگاه خدا از روی مجلس پادشاه دادگر است و بدرستیکه دشمن داشته شده ترین مردم بسوی خدا

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَأَشَدَّهُمْ عَذَابًا وَفِيْ رِوَايَةٍ وَأَبْعَدَهُمْ

روز قیامت و سخت ترین مردم از روی عذاب و در روایتی این نیز آمده که دورترین ایشان

مِنْهُ مَجْلِسًا إِمَامٌ جَائِرٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ

از خدا از روی مجلس پادشاه جور کننده است روایت کرد ترمذی و روایت است از

عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

عمر بن الخطاب رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللّٰهِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ

علیه وسلم بدرستیکه فاضل ترین بندگان خدا از روی قدر و مرتبه روز

الْقِيٰمَةِ إِمَامٌ عَادِلٌ رَفِيْقٌ وَإِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللّٰهِ مَنْزِلَةً

قیامت پادشاه دادگر مهربان است و بدرستیکه [illegible]

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِمَامٌ جَائِرٌ [illegible]

روز قیامت پادشاه [illegible]

وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
در روایت است از ابن عمر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قَالَ إِنَّ السُّلْطَانَ ظِلُّ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ يَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ
فرمود بدرستیکه پادشاه سایهٔ خداست در زمین پناه میگیرد بسوی وی هر
مَظْلُومٍ مِنْ عِبَادِهِ فَإِذَا عَدَلَ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَعَلَى
ستم دیده از بندگان خدا پس چون عدل کند سلطان باشد مر او را پاداش و بر رعیت واجب
الرَّعِيَّةِ الشُّكْرُ وَإِذَا جَارَ كَانَ عَلَيْهِ الْإِصْرُ وَعَلَى
رعیت شکرگذاری و چون جور کند بر وی است بار گناه و لازم است بر
الرَّعِيَّةِ الصَّبْرُ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ
رعیت صبر کردن بر آن روایت کرد بیهقی در شعب الایمان
وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
در روایت است از حضرت معاویه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا مُعَاوِيَةُ إِنْ وُلِّيتَ أَمْرًا فَاتَّقِ اللّٰهَ وَاعْدِلْ
علیه وسلم ای معاویه اگر والی گردانیده شوی تو کاری را پس تقوی کن خدا را
قَالَ فَمَا زِلْتُ أَظُنُّ أَنِّي مُبْتَلًى بِعَمَلٍ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى
گفت پس همیشه بودم که گمان می بردم که مبتلا گردانیده می شوم بعملی از جهت گفتن آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى ابْتُلِيتُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالْبَيْهَقِيُّ
الله علیه وسلم تا آنکه مبتلا گردانیده شدم روایت کرد احمد و بیهقی
فِي دَلَائِلِ النُّبُوَّةِ وَعَنْ يَحْيَى بْنِ هِشَامٍ عَنْ يُونُسَ
در دلائل النبوة و در روایت است از یحیی بن هشام رح از یونس
ابْنِ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ
ابن ابی اسحاق از پدرش گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَمَا تَكُونُونَ كَذٰلِكَ يُؤَمَّرُ عَلَيْكُمْ رَوَاهُ

صلی الله علیه وسلم چنانکه می باشید در صلاح وفساد حاکم گردانیده میشود بر شما رواه

الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ وَقَالَ هٰذَا مُنْقَطِعٌ وَرِوَايَتُهُ

بیهقی در شعب الایمان وگفت که این حدیث منقطع است وروایت او

ضَعِيفٌ وَعَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

ضعیف است وروایت است از ابی درداء رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا اللّٰهُ لَا إِلٰهَ

صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خدای تعالی میگوید منم خدا نیست هیچ خدای

إِلَّا أَنَا مَالِكُ الْمُلُوكِ وَمَلِكُ الْمُلُوكِ قُلُوبُ الْمُلُوكِ فِي

مگر من مالک پادشاهانم وپادشاه پادشاهانم دلهای پادشاهان در

يَدِي وَإِنَّ الْعِبَادَ إِذَا أَطَاعُونِي حَوَّلْتُ قُلُوبَ مُلُوكِهِمْ

دست قدرت من است وتحقیق که بندگان چون فرمان بردار کنند مرا میگردانم دلهای پادشاهان ایشان

عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّأْفَةِ وَإِنَّ الْعِبَادَ إِذَا عَصَوْنِي

بر آنها برحمت ورافت وتحقیق که بندگان چون نافرمانی کنند مرا

حَوَّلْتُ قُلُوبَهُمْ بِالسَّخَطِ وَالنِّقْمَةِ فَسَامُوهُمْ سُوءَ

میگردانم دلهای ایشان را بغضب وکراهت پس تکلیف میکنند ملوک عباد را

الْعَذَابِ فَلَا تَشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِالدُّعَاءِ عَلَى الْمُلُوكِ

بعذاب بد پس مشغول مگردانید نفسهای خود را بدعا کردن بر پادشاهان

وَلٰكِنِ اشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ بِالذِّكْرِ وَالتَّضَرُّعِ كَيْ أَكْفِيَكُمْ

ولیکن مشغول دارید نفسهای خود را بذکر من وبزاری تا کفایت کنم

مُلُوكَكُمْ رَوَاهُ أَبُو نُعَيْمٍ فِي الْحِلْيَةِ وَعَنْ عَائِشَةَ

شر ملوک شما را رواه ابو نعیم در حلیه وروایت است از عائشه رض

قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أراد الله
گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم وقتيكه خواهد خدا تعالى
بالأمير خيرا جعل له وزير صدق إن نسي ذكره وإن
بادشاه نيكى را بگرداند براى او وزير راست گفتار اگر فراموش كند بادشاه حق ياد دهد او را
ذكر أعانه وإذا أراد به غير ذلك جعل له وزير سوء
ياد كند يارى دهد او را وچون خواهد خدا بادشاه غير آن بگرداند مر او را وزير بد
إن نسي لم يذكره وإن ذكر لم يعنه رواه أحمد
اگر فراموش كند امير حق را ياد ندهد او را اگر ياد كند يارى ندهد او را رواه احمد
والنسائي وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى
والنسائى وروايت است از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلى
الله عليه وسلم من رأى من أميره شيئا يكرهه فليصبر
الله عليه وسلم كسيكه ببيند از امير خود چيزيكه ناخوش دارد آنرا پس بايد كه صبر كند
فإنه ليس أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت إلا مات
پس بتحقيق كه نيست هيچ يكى كه جدائى كند جماعت را يك وجب پس بميرد مگر آنكه بميرد
ميتة جاهلية متفق عليه وعن أم الحصين رض
مردن اهل جاهليت متفق عليه وروايت است از ام حصين رض
قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن أمر عليكم
گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم اگر حاكم ساخته شود بر شما
عبد مجدع يقودكم بكتاب الله فاسمعوا له وأطيعوا
غلامى گوش وبينى بريده كه ميكشد شما را بكتاب خدا پس سماع كنيد مر او را واطاعت كنيد
رواه مسلم وعن ابن عمر رض قال قال رسول الله
روايت كرد مسلم وروايت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَلسَّمْعُ وَالطَّاعَةُ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ

صلی اللہ علیہ وسلم شنیدن وقبول کردن حکم امام واجب است بر مرد مسلمان

فِيْمَا اَحَبَّ وَكَرِهَ مَا لَمْ يُؤْمَرْ بِمَعْصِيَةٍ فَاِذَا اُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ

در ہر چہ کہ دوست میدارد آنرا و مکروہ پندارد آنرا ما دام کہ امر کردہ نشود بگناہی پس چون امر کردہ شود بدین گناہ

فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پس نیست شنیدن ونہ فرمان برداری متفق علیہ

بَابُ وَعِيْدِ الْوُلَاةِ الظَّالِمِيْنَ

باب احادیثیکہ در وعید والیان ظالم وارد شدہ

وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ

وہر کہ حکم نہ کند بانچہ خدا نازل فرمودہ است پس ایشان اند ستمگاران

وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ

وہر کہ حکم نکند بانچہ نازل فرمود خدا پس ایشانند گروہ کافران

وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ

وہر کہ حکم نہ کند بانچہ نازل فرمود خدا پس ایشانند بدکاران

عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى

روایت است از معقل بن یسار رض گفت شنیدم آنحضرت صلی

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ مَا مِنْ وَالٍ يَلِيْ رَعِيَّةً مِّنَ الْمُسْلِمِيْنَ

اللہ علیہ وسلم را کہ میفرمود نیست ہیچ والی کہ تصرف کند رعیتی را از مسلمانان

فَيَمُوْتُ وَهُوَ غَاشٌّ لَّهُمْ اِلَّا حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

پس بمیرد آن والی وحال آنکہ خیانت کنندہ است مر ایشان را مگر آنکہ حرام میگرداند خدا بر وی بہشت متفق علیہ

وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وہم از وی مرویست گفت شنیدم آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم را

يَقُولُ مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللّٰهُ رَعِيَّةً فَلَمْ يَحُطْهَا بِنَصِيحَةٍ

میگفت نیست هیچ بنده که طلب رعی کند از وی خدا رعیتی را پس نگاه نداشت آن بنده رعیت را

إِلَّا لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَائِذِ

مگر آنکه نمی یابد بوی بهشت را متفق علیه ورواییت است از عائذ

بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن عمرو رض گفت است شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

يَقُولُ إِنَّ شَرَّ الرِّعَاءِ الْحُطَمَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

که میفرمود بدرستیکه بدترین امرا حطمه است رواه مسلم ورواییت است از

عَائِشَةَ رض قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عائشه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اَللّٰهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْقُقْ

خداوندا کسیکه والی ومتصرف گردانیده شود از کار امت من چیزی را پس شاق ودشوار آید بر ایشان پس شاق ودشوار کن

عَلَيْهِ وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَفَقَ بِهِمْ فَارْفُقْ

بر وی وکسیکه والی گردانیده شد از امر امت من چیزی پس نرمی کند با ایشان پس نرم شو تو بر وی

بِهِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ

رواه مسلم ورواییت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَمِيرِ عَشَرَةٍ إِلَّا

آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ امیر ده مرد مگر آنکه

يُؤْتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولًا حَتَّى يَفُكَّ عَنْهُ الْعَدْلُ

آورده می شود روز قیمته غل در گردن تا آنکه خلاص میسازد اورا عدل

أَوْ يُوبِقَهُ الْجَوْرُ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض

یا هلاک میگرداند اورا ظلم رواه دارمی ورواییت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ويل للأمراء

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وای امیران را

وويل للعرفاء وويل للأمناء ليتمنين أقوام يوم

و وای عریفان را و وای امینان را هر آینه آرزو کنند قومها روز

القيمة أن نواصيهم معلقة بالثريا يتجلجلون بين

قیامت که کاکلهای ایشان آویخته باشد به پروین در حالیکه جنبان باشند

السماء والأرض وأنهم لم يلوا عملا رواه في شرح

در میان آسمان و زمین و تحقیق که والی نشدند هیچ عملی را روایت کرد آنرا در شرح

السنة وعن غالب القطان عن رجل عن جده قال

السنة و روایت است از غالب قطان تابعی از مردی که او روایت دارد از جد خود

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إن العرافة

گفت جد او که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه عریف شدن

حق ولا بد للناس من عرفاء ولكن العرفاء في النار

حق است و چاره نیست مردم را از وجود عریفان لیکن اکثر عریفان در آتش دوزخ اند

رواه أبو داود وعن أبي هريرة عن النبي صلى

رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رض از آنحضرت صلی الله

الله عليه وسلم قال إنكم ستحرصون على الإمارة

علیه وسلم که فرمود بدرستیکه شما نزدیک است حریص باشید بر امارة

وستكون ندامة يوم القيمة فنعم المرضعة

و حکومت و نزدیک است که باشد آن امارة موجب پشیمانی روز قیامت پس نیکو شیر دهنده

وبئست الفاطمة رواه البخاري وعن المقدام بن

امارة و بد از شیر باز دارنده است امارة روایت کرد این حدیث را بخاری و از مقدام بن

معدي كرب أن رسول الله صلى الله عليه وسلم ضرب

معدیکرب مرویست که آن حضرت صلی الله علیه وسلم زد

على منكبيه ثم قال أفلحت يا قديم إن مت ولم

بر هر دو دوش مبارک وی پس فرمود تحقیق رستگاری یافتی ای قدیم اگر

تكن أميرا ولا كاتبا ولا عريفا رواه أبو داود و

بمیری و نباشی امیر و نه نویسندهٔ امیر و نباشی عریف رواه ابو داود و

عن عقبة بن عامر قال قال رسول الله صلى الله

از عقبه بن عامر مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم لا يدخل الجنة صاحب مكس يعني الذي

علیه وسلم در نمی آید بهشت را خداوند مکس یعنی آنکه ده یک گیرد

يعشر الناس رواه أحمد وأبو داود والدارمي وعن أبي

ده یک از مردم رواه احمد و ابو داود و دارمی و روایت است از

ذر قال قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم ستة

ابی ذر رضی گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرا شش روز که

أيام اعقل يا أبا ذر ما يقال لك بعد فلما كان اليوم

روز که فهم کن ای ابا ذر چیزی را که گفته می شود ترا بعد ازین پس هرگاه که شد روز

السابع قال أوصيك بتقوى الله في سر أمرك وعلانيته

هفتم گفت آنحضرت وصیت می کنم ترا به پرهیزگاری خدا در پنهان کار تو و آشکار

وإذا أسأت فأحسن ولا تسألن أحدا شيئا وإن سقط

و چون بدی کنی [illegible] نیکی بکن ... سوال مکن کسی را هیچ چیز

سوطك ولا تقبض أمانة ولا تقض بين اثنين رواه أحمد

تازیانهٔ تو و قبض مکن امانت را و قاضی مشو میان دو کس رواه احمد

وعن أبي أمامة عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه

واز ابی امامه رضی مرویست از آنحضرت صلی الله علیه و سلم که آن حضرت

قال ما من رجل يلي أمر عشرة فما فوق ذلك إلا أتاه الله عز وجل

فرمود نیست مردے که والی و حاکم شود ده کس ایس یا زیاده ازان مگر

مغلولا يوم القيامة يده إلى عنقه فكه بره أو أوبقه

غل کرده شده روز قیامت دست او بسوے گردن او که خلاص سازد او را ... یا هلاک گرداند او را

إثمه أولها ملامة وأوسطها ندامة وآخرها خزي

یا هلاک گرداند او را بدی او ابتدای ولایت ملامت ست و میان آن پشیمانی ست و آخر

يوم القيامة رواه أحمد وعن عبد الله بن عمرو رضي

روز قیامت رواه احمد و از عبد الله بن عمرو رضی مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من نظر إلى

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه نگاه کند بسوی

أخيه نظرة يخيفه أخافه الله يوم القيامة رواه البيهقي

برادر خود نگاهیکه بترساند آن برادر را بترساند او را خدا تعالی روز قیامت رواه البیهقی

في شعب الإيمان وعن أبي سعيد عن النبي

در شعب الایمان و از ابی سعید رضی مرویست از آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لكل غادر لواء عند

صلی الله علیه وسلم که فرمود هر غادر را لوای است نزد دبر او

استه يوم القيامة وفي رواية لكل غادر لواء يوم القيامة

ا بروے روز قیامت و در روایتی ...

يرفع له بقدر غدره ألا ولا غادر أعظم غدرا ...

که بلند گردانیده میشود آن علم برابر آن ...

رواه مسلم وعن عمرو بن مرة انه قال لمعاوية

روایت کرد مسلم و روایت است از عمرو بن مره رضی الله عنه که وی گفت مر معاویه را

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من

که شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود کسیکه

ولاه الله شيئا من امر المسلمين فاحتجب دون حاجتهم و

والی و متصرف گردانید او را خدای تعالی چیزی را از کار مسلمانان پس در پرده شود از حاجت

خلتهم وفقرهم احتجب الله دون حاجته وخلته وفقره

یعنی منع کند ارباب حاجت را از حاجات او در پرده شود خدای تعالی از فقر و حاجات وی یعنی

فجعل معاوية رجلا على حوائج الناس رواه ابو داود

منع می کند از عطا و بخشش وی پس گردانید معاویه مردی را بر حاجتهای مردم روایت کرد ابو داود

والترمذي وفي رواية له ولاحمد اغلق الله تعالى

والترمذی و در روایتی از ترمذی است و مر احمد را نیز می بندد خدای تعالی

ابواب السماء دون خلته وحاجته ومسكنته

درهای آسمان را از فقر و حاجت وی و محتاجی وی

وعن عمر بن الخطاب انه كان اذا بعث عماله

و روایت است از عمر بن خطاب رضی الله عنه که بود چون می فرستاد عاملان خود

شرط عليهم ان لا تركبوا برذونا ولا تاكلوا نقيا ولا

شرط می کرد بر ایشان که سوار نشوید بر اسپ ترکی و مخورید میده را و نپوشید

تلبسوا رقيقا ولا تغلقوا ابوابكم دون حوائج الناس فان

جامه تنک و نغز را و نه بندید درهای خود را از حاجتهای مردم پس اگر

فعلتم شيئا من ذلك فقد حلت بكم العقوبة ثم يشيعهم

بکنید چیزی را ازین پس حلال شد بشما عقوبت پس مشایعت می کرد ایشان را

رواه البيهقي في شعب الايمان وعن عبد الله بن
روایت کرده بیهقی در شعب الایمان و روایت است از عبد الله بن
مسعود رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من
مسعود رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست
حاكم يحكم بين الناس الا جاء يوم القيامة وملك آخذ
حاکمی که حکم کند میان مردم مگر آنکه می آید روز قیامت در حالیکه فرشته گیرنده است
بقفاه ثم يرفع رأسه الى السماء فان قال ألقه ألقاه في
گردن او را پس بر میدارد آن فرشته سر خود را بسوی آسمان پس اگر میگوید بینداز بیندازد او را در
مهواة اربعين خريفا رواه احمد وابن ماجة والبيهقي
دوزخ می اندازد فرشته او را در محل افتادن چهل سال رواه احمد وابن ماجه وبیهقی
في شعب الايمان وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله
در شعب ایمان و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت
صلى الله عليه وسلم تعوذوا بالله من رأس السبعين وامارة
صلی الله علیه وسلم پناه جوئید بخدا از سر سال هفتاد و از امارة
الصبيان رواه احمد وعن جابر بن سمرة رض
خردان رواه احمد و روایت است از جابر بن سمره رض
قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ثلاثة
گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود سه خصلت است
اخاف على امتي الاستسقاء بالانواء وحيف السلطان
که میترسم بر امت خود طلب کردن باران بمنازل قمر دوم جور و ستم سلاطین
وتكذيب بالقدر رواه احمد وعن ابي ذر رض
وسوم انکار کردن تقدیر الهی را رواه احمد و روایت است از ابی ذر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم كيف انتم وائمة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چگونه باشد حال شما با ائمه

من بعدي يستأثرون بهذا الفيء قلت اما والذي

بعد من که مستقل دستند باشند بایتال گفتم آگاه باش سوگند بخدا

بعثك بالحق اضع سيفي على عاتقي ثم اضرب به حتى

که برانگیخته است ترا بحق بنهم شمشیر خود را برگردن خود پس بزنم بآن شمشیر تا آنکه

القاك قال اولا ادلك على خير من ذلك تصبر حتى

ملاقات میکنم ترا فرمود آنحضرت آیا راه ننمایم ترا بر بهترین از شمشیر زدن صبر بکن تا آنکه

تلقاني رواه ابو داود وعن ابي امامة رض

ملاقات میکنی مرا رواه ابو داود وروایت است از ابی امامه رض

عن النبي صلى الله عليه وسلم قال ان الامير اذا ابتغى

از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت آنحضرت بدرستیکه امیر وقتیکه طلب کند

الريبة في الناس افسدهم رواه ابو داود وعن ابي سعيد

شک وتهمت را در مردم تباه میکرد ایشان را رواه ابو داود واز ابی سعید روایت

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل الجهاد

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاضل ترین جهاد

من قال كلمة حق عند سلطان جائر رواه الترمذي

قول کسی است که میگوید کلمه حق را نزد سلطان جور کننده رواه الترمذی

وابو داود وابن ماجة ورواه احمد والنسائي عن

وابو داود وابن ماجه وروایت کرد احمد ونسائی از

طارق بن شهاب وعن ابن عباس عن النبي صلى الله

طارق بن شهاب وروایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال من سكن البادية جفا ومن اتبع

عليه وسلم گفت آنحضرت کسیکه سکونت کند در بادیه سخت دل گردد وکسیکه در پی

الصيد غفل ومن اتى السلطان افتتن رواه احمد

صید رود غافل میگردد وکسیکه بیاید سلطان را می افتد در بلا وفتنه رواه احمد

والترمذي والنسائي وفي رواية ابي داود من لزم

وترمذی ونسائی ودر روایت ابی داود این است کسیکه ملازمت کند

السلطان افتتن وما ازداد عبد من السلطان دنوا

سلطان را در فتنه افتد وزیاده نکند هیچ بنده از سلطان قرب ومنزلت

الا ازداد من الله بعدا وعن كعب بن عجرة رض

مگر آنکه زیاده میکند دوری را از خدا ودر روایت است از کعب بن عجره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اعيذك بالله

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در پناه خدا میدهم ترا

من امارة السفهاء قال وما ذاك يا رسول الله قال

از فرمان روائی بی خردان گفت کعب چیست امارت سفها است پیغمبر خدا گفت آنحضرت

امراء سيكونون من بعدي من دخل عليهم فصدقهم

امراء نزدیک است باشند بعد از من کسانیکه درآیند بر ایشان پس تصدیق کنند بالایشان

بكذبهم واعانهم على ظلمهم فليسوا مني ولست

دروغ ایشان ویاری دهند ایشان را بظلم ایشان پس نیستند آن از من ونیستم

منهم ولم يردوا على الحوض ومن لم يدخل عليهم

از ایشان وهرگز در نیایند بر من حوض کوثر را وآنانکه در نیایند بر ایشان

ولم يصدقهم بكذبهم ولم يعنهم على ظلمهم

وتصدیق نکنند ایشان را بدروغ ایشان واعانت نکنند ایشان را بر ظلم ایشان

فاولٰئک منی وانا منھم واولٰئک یردون علی الحوض

پس آنکسان از من اند ومن از ایشان هستم وآن کسان در می آیند بر من حوض را

رواہ الترمذی والنسائی وعن ابی بکرۃ رضی قال

رواه ترمذی ونسائی وروایت است از ابی بکره رض گفت

لما بلغ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ان اھل فارس قد

چون رسید آنحضرت صلی الله علیه وسلم را اینکه فارسیان

ملکوا علیھم بنت کسرٰی قال لن یفلح قوم

ملکه گردانیده اند بر خود دختر کسری را فرمود آنحضرت هرگز رستگاری نمی یابند

ولوا امرھم امرأۃ رواہ البخاری

که والی گردانیدند کار خود را زنی را رواه بخاری

بیان ما علی القضاۃ

بیان آنچه بر قاضیان است

عن ابی ھریرۃ رضی قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم من جعل قاضیا بین الناس فقد ذبح بغیر

وسلم کسیکه گردانیده شد قاضی میان مردم پس تحقیق ذبح کرده شد بے

سکین رواہ احمد والترمذی وابوداود وابن ماجۃ

کارد رواه احمد وترمذی وابوداود وابن ماجه

وعن انس رضی قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من ابتغی القضاء وسأل وکل الی نفسہ ومن اکرہ علیہ

کسیکه طلب کند قضا را و سوال کند گذاشته میشود بسوی نفس و کسیکه اکراه کرده شود بر قضا

أنزل الله عليه ملكا يسدده رواه الترمذي وأبو داود وابن ماجة

میفرستد خدا بروی فرشته را که راست می گرداند کردار و گفتار او را روایت کرد ترمذی و ابوداود و ابن ماجه

وعن بريدة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم القضاة

و روایت است از بریده رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که قاضیان

ثلاثة واحد في الجنة واثنان في النار فأما الذي في الجنة فرجل

سه قسم اند یکی در بهشت و دو قسم در آتش پس اما آنکسیکه در بهشت است پس مرد یست

عرف الحق فقضى به ورجل عرف الحق فجار في الحكم

که شناخت حق را پس حکم کرد بحق و مردیکه شناخت حق را پس جور کرد در حکم

فهو في النار ورجل قضى للناس على جهل فهو في

پس آن کس در آتش است و مردیکه حکم کرد برای مردم بنا بر جهل پس وی نیز در

النار رواه أبو داود وابن ماجة وعن أبي هريرة رض

آتش است رواه ابوداود و ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من طلب

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بجوید

قضاء المسلمين حتى يناله ثم غلب عدله جوره فله

قضاء مسلمانان را تا آنکه بیابد او را پس غالب آید عدل او جور او را پس مر او راست

الجنة ومن غلب جوره عدله فله النار رواه أبو داود

بهشت و کسیکه غالب آید جور او عدل او را پس مر او راست آتش دوزخ رواه ابوداود

وعن عائشة رض عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از عائشه رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال ليأتين على القاضي العدل يوم القيامة ساعة يتمنى أنه

گفت فرمود آنحضرت هر آئینه می آید بر قاضی عادل روز قیامت ساعتی که آرزو می برد قاضی که کاشکی

كره يقضي بين اثنين في تمرة فقط رواه احمد وعن سعيد

حکم کرده میان دو کس در یک خرما هرگز روایت کرد احمد + و روایت است از سعید

بن المسيب ان مسلما ويهوديا اختصما الى عمر فرأى الحق

بن مسیب که مسلمانی و یک یهودی خصومت کردند و بردند پیش عمر پس دید عمر حق را

لليهودي فقضى له عمر به فقال له اليهودي والله لقد

مر یهودی را پس حکم کرد جانب یهودی پس گفت مر عمر را یهودی بخدا سوگند هر آینه

قضيت بالحق فضربه عمر بالدرة وقال ما يدريك

بتحقیق حکم کردی تو بحق پس زد آن یهودی را عمر بدره و گفت عمر چه چیز دریابند ترا این

فقال اليهودي والله انا نجد في التوراة انه ليس قاض

پس گفت یهودی بخدا سوگند که ما می یابیم در توریت اینکه نیست حکم کننده

يقضي بالحق الا كان عن يمينه ملك وعن شماله ملك

که حکم کند بحق مگر آنکه می باشد در جانب راست وی فرشته و در جانب چپ وی فرشته

يسددانه ويوفقانه للحق ما دام على الحق فاذا ترك

درست کنند ویرا و توفیق دهند ویرا برای حق مادامیکه آن حاکم بر حق است

الحق عرجا وتركاه رواه مالك رحمة الله عليه

حاکم حق را بالا می روند آن دو فرشته و میگذارند ویرا روایت کرد مالک رحمة الله علیه

باب الامر بالمعروف والنهي عن المنكر

ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف

و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند مردم را بسوی نیکوکاری و امر کنند بکار پسندیده

وينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون يا بني

و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران ای پسر من

أَقِمِ الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

برپا دار نماز را و بفرما بکار پسندیده و منع کن از ناپسندیده

وَاصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ

و صبر کن بر هر چه برسد بتو هر آئینه این مقدمه از کارهاے

الْأُمُورِ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رض عَنْ

مقصود ست + و روایت ست از ابی سعید خدری رض از آنحضرت

رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ رَأٰى

صلی الله علیه وسلم فرمود هر که ببیند از

مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهٖ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهٖ

شما نامشروع را پس باید که تغییر دهد او را از دست خود و اگر نتواند پس بزبان

فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهٖ وَذٰلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ رَوَاهُ

پس اگر نتواند پس باید که تغییر دهد بدل و این سست ترین ایمان ست رواه

مُسْلِمٌ وَعَنْ نُعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

مسلم و روایت ست از نعمان بن بشیر رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَثَلُ الْمُدْهِنِ فِي حُدُودِ اللّٰهِ

صلی الله علیه وسلم حال و مثال سستی کننده در حدود و شریعت

وَالْوَاقِعِ فِيهَا مَثَلُ قَوْمٍ اسْتَهَمُوا سَفِينَةً فَصَارَ

و آنکه افتاده ست در حدود خدا مانند مثال و حال قومی ست که نشستند در کشتی و قرعه انداختند پس

بَعْضُهُمْ فِي أَسْفَلِهَا وَصَارَ بَعْضُهُمْ فِي أَعْلَاهَا فَكَانَ الَّذِي

گشتند بعضے در درجه پست و گشتند بعضے در درجه های بلند از وی پس بود آنکه

فِي أَسْفَلِهَا يَمُرُّ بِالْمَاءِ عَلَى الَّذِينَ فِي أَعْلَاهَا

در پایان کشتی ست میگذشت باب بر آنکسان که در بالای کشتی نشسته اند

فتأذوا به فأخذ فأسا فجعل ينقر أسفل السفينة فأتوه

پس ایذا رسیده شدند بدان پس گرفت آنکس که در پایان ست تبر را پس کار درین گرفت که شکستن پایان

فقالوا مالك قال تأذيتم بي ولابد لي من الماء فإن

پس گفتند چه شده ست ترا گفت ایذا کشیدید شما بسبب من و چاره نیست مرا از آب گرفتن پس اگر

أخذوا على يديه أنجوه ونجوا أنفسهم وإن تركوه

بگیرند و باز دارند او را ازین کار آنچه در رستگاری دهند او را و رستگاری دهند ذاتهای خود را و اگر

أهلكوه وأهلكوا أنفسهم رواه البخاري وعن حذيفة

بگذارند او را هلاک میکنند او را و هلاک گردانند ذاتهای خود را روایت کرده بخاری و روایت است از حذیفه

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال والذي نفسي بيده

بدرستیکه آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که سوگند بخدای که بقدرت اوست ذات من

لتأمرن بالمعروف ولتنهون عن المنكر أو ليوشكن الله

هر آئینه امر کنید شما بمعروف و نهی میکنید از منکر یا نزدیک است که خدای تعالی بفرستد

أن يبعث عليكم عذابا من عنده ثم لتدعنه ولا

بر شما عذابی از نزد خود پس هر آئینه دعا کنید خدا را

يستجاب لكم رواه الترمذي وعن جرير بن

و قبول کرده نشود دعای شما را روایت کرده ترمذی و روایت است از جریر بن

عبد الله رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

عبد الله رض گفت شنیدم من آنحضرت را صلی الله علیه وسلم

يقول ما من رجل يكون في قوم يعمل فيهم بالمعاصي

که میگفت نیست هیچ مردی که بباشد در قومی که میکند در ایشان گناهان

يقدرون على أن يغيروا عليه ولا يغيرون إلا أصابهم الله

قدرت دارند آن قوم بر تغییر دادن بر آن مرد و تغییر نمیکنند مگر برساند خدا آن قوم را

اللّٰه منه بعقاب قبل ان يموتوا رواه ابوداود وابن ماجة

خدایتعالی از جهت آن عذابی پیش از آنکه بمیرند رواه ابوداود و ابن ماجه

وعن عدي بن عدي الكندي قال حدثنا مولى لنا

و روایت است از عدی بن عدی الکندی گفت عدی حدیث کرد مارا مولی که بود ازما

انه سمع جدي يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه

که وی شنید جد مرا که میگفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه

وسلم يقول ان الله لا يعذب العامة بعمل الخاصة حتى

وسلم را که میفرمود که خدا تعالی عذاب نمی کند اکثر قوم را بعمل چند مردم خاص ایشان تا آنکه

يروا المنكر بين ظهرانيهم وهم قادرون على ان ينكروه

ببینند عامه منکر شرعی را میان خود حال آنکه ایشان می توانند که انکار کنند

فلا ينكروا فاذا فعلوا ذلك عذب الله تعالى العامة

پس انکار نکنند و چون بکنند آنرا یعنی انکار نکنند این را عذاب میکند خدایتعالی عامه را

والخاصة رواه في شرح السنة وعن العرس بن

و خاصه را رواه در شرح السنة و روایت است از عرس ابن

عميرة رض عن النبي صلى الله عليه وسلم قال اذا عملت

عمیره رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود چون کرده شود

الخطيئة في الارض من شهدها فكرهها كان كمن

گناه در زمین هرکه حاضر بود آنرا پس ناخوش دارد آنرا باشد همچو کسی که

غاب عنها ومن غاب عنها فرضيها كان كمن شهدها

غایب است از آن و هرکه غایب بود از آن پس راضی شود از آن باشد همچو کسیکه حاضر است

رواه ابوداود وعن ابي البختري عن رجل من اصحاب

رواه ابوداود و روایت است از ابی البختری رض از مردی از یاران

النبي صلى الله عليه وسلم قال قال رسول الله صلى الله

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم لن يهلك الناس حتى يعذروا من انفسهم

علیه وسلم هرگز هلاک نشوند مردم تا آنکه بسیار شود گناهان وعیبهای ایشان از نزد خود ایشان

رواه ابو داود وعن عبد الله بن مسعود رض قال قال

روایت کرد ابو داود وروایت است از عبد الله بن مسعود رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم لما وقعت بنو اسرائيل

آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگامی که افتادند بنی اسرائیل

في المعاصي نهتهم علماؤهم فلم ينتهوا فجالسوهم

در معصیتها باز داشتند ایشان را دانشمندان ایشان پس باز نماندند پس نشستند با

وآكلوهم وشاربوهم فضرب الله قلوب بعضهم ببعض

وخوردند ونوشیدند با ایشان پس خلط کرد خدا تعالی دلهای بعض ایشان ببعض

ولعنهم الله على لسان داود وعيسى بن مريم ذلك

پس لعنت کرد بنی اسرائیل را خدا بر زبان داود وعیسی بن مریم علیهما السلام این لعنت

بما عصوا وكانوا يعتدون قال فجلس رسول الله صلى

بسبب تجاوز کردن ایشان بود از حد وگفت ابن مسعود پس نشست آنحضرت صلی

الله عليه وسلم وكان متكئا فقال لا والذي نفسي بيده

الله علیه وسلم وبود تکیه کرده پس فرمود نه بخدا سوگند تا آنکه بگیرید ایشان را

حتى تأطروهم اطرا رواه الترمذي وعن جابر رض

بسبب تجیه سی وبگیرید دستهای ایشان وقهر کنید روایت کرد ترمذی وروایت است از جابر رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اوحى الله عز وجل

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی فرستاد خدای تعالی

إلى جبريل عليه السلام أن اقلب مدينة كذا وكذا بأهلها

بسوی جبریل علیه السلام که بگردان و بگردان شهر فلان را با اهل شهر

فقال يا رب إن فيهم عبدك فلانا لم يعصك طرفة عين

پس گفت جبریل ای پروردگار در میان اهل این شهر فلان بنده تست که معصیت نکرده است

قال فقال اقلبها عليه وعليهم فإن وجهه لم يتمعر

گفت جبریل پس فرمود پروردگار بگردان بر فلان آن بنده را و بر همه ایشان زیرا که روی آن بنده متغیر

في ساعة قط رواه البيهقي في شعب الإيمان

از جهت من یک ساعت هرگز روایت کرده بیهقی در شعب ایمان

باب الظلم

إن الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم

هر آئینه خدا بدل نمیکند حالتی را که بقومی باشد تا وقتیکه ایشان بدل کنند آنچه در ضمیر ایشانست

إن الله لا يظلم الناس شيئا ولكن الناس أنفسهم يظلمون

هر آئینه خدا هیچ ظلم نکند بر مردمان ولیکن مردمان بر خویشتن ستم میکنند

إن الله لا يظلم مثقال ذرة وإن تك حسنة يضاعفها

هر آئینه خدا ظلم نمیکند وزن ذره و اگر آن عمل نیکی باشد دو چند آن میکند آنرا

ويؤت من لدنه أجرا عظيما ولو يؤاخذ الله الناس

و بدهد از نزدیک خود مزد بزرگ و اگر گرفتار کند خدا مردمان را

بظلمهم ما ترك عليها من دابة ولكن يؤخرهم إلى أجل

بسبب ستم ایشان نگذارد بر زمین هیچ جنبنده و لیکن مهلت میدهد ایشان را تا وقت

مسمى فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

مقرر پس چون بیاید وقت مقرر ایشان باز نمانند یک ساعت و نه پیش روند

عن ابن عمر رض ان النبي صلى الله عليه وسلم قال الظلم

و روایت است از ابن عمر رض هر آئینه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که ظلم کردن

ظلمات يوم القيامة متفق عليه وعن ابي هريرة رض

سبب تاریکی است روز قیامت متفق علیه و روایت است از ابی هریره رض

انه سمع رجلا يقول ان الظالم لا يضر الا نفسه فقال

که وے شنید مردی را که میگوید ظالم زیان نمیکند مگر نفس خود را پس گفت

ابو هريرة رض بلى والله حتى الحبارى لتموت في وكرها

ابو هریره رض آرے بخدا سوگند زیان میکند تا آنکه حبارے هم میمیرد

هزلا لظلم الظالم رواه البيهقي في

در آشیانه خود از لاغری بسبب ظلم ظالم روایت کرد بیهقی این هر چهار حدیث را در

شعب الايمان وعن اوس بن شرحبيل انه سمع

شعب الایمان و روایت است از اوس بن شرحبیل رض که وے شنید

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من مشى مع ظالم

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت کسیکه برود

ليقويه وهو يعلم انه ظالم فقد خرج من الاسلام

تا تقویت کند او را و حال آنکه میداند که وے ظالم است پس بتحقیق بیرون آمد از اسلام

وعن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از علی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

اياك ودعوة المظلوم فانما يسأل الله تعالى حقه وان الله

دور دار خود را از دعای مظلوم زیرا که وے نمیطلبد از خدا مگر حق خود را و بتحقیق خدا

لا يمنع ذا حق حقه وعن ابي امامة رض ان رسول الله

منع نمیکند صاحب حق را از حق وی و روایت است از ابی امامه رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من شر الناس منزلة يوم القيامة

صلى الله عليه وسلم فرمود از بدترین مردم از روے مرتبه نزد خدا روز قیامت

عبد اذهب آخرته بدنيا غيره رواه ابن ماجة وعن

بنده ایست که ضایع کرد آخرت خود را بسبب دنیای غیر خود روایت کرد ابن ماجه و روایت است از

عائشة قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الدواوين

عائشه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دواوین

ثلثة ديوان لا يغفر الله الاشراك بالله يقول الله عز وجل

سه است یکی صحیفه ایست که نمی آمرزد خدا او آن شریک گردانیدن کسے را بخدا میگوید خدا عز وجل

ان الله لا يغفر ان يشرك به وديوان لا يتركه الله

که خدا تعالی نمی آمرزد شرک را و دیوان دوم صحیفه ایست که مهمل نمیگذارد آنرا خدا

ظلم العباد فيما بينهم حتى يقتص بعضهم من بعض

و آن ظلم بندگان است در میان یکدیگر تا آنکه قصاص بستاند بعضے از ایشان از بعضے

وديوان لا يعبأ الله به ظلم العباد فيما بينهم وبين الله

و صحیفه سوم است که باک ندارد خدا بآن و آن ظلم بندگان است میان خود و میان خدا

فذلك الى الله ان شاء عذبه وان شاء تجاوز عنه وعن

پس آن موکول است بارادت الهی اگر بخواهد عذاب کند بنده را و اگر خواهد تجاوز کند از آن و از

ابي موسى رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان الله

ابوموسے رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلے الله علیه وسلم بدرستیکه خدا

ليملي الظالم حتى اذا اخذه لم يفلته ثم قرأ وكذلك

هر آئینه مهلت میدهد ظالم را تا آنکه وقتیکه بگیرد او را نمی گذارد او را پس خواند و همچنین است

اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي ظالمة الآية متفق عليه

گرفتن پروردگار تو چون بگیرد قریه ها را که ظالم اند تا آخر آیه متفق علیه

[illegible]

وعن ابي هريرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رضی الله عنه گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من كانت له مظلمة لاخيه من عرضه او شيء فليتحلله

هر که باشد مر او را مظلمه مر برادر مسلمان را از آبروے وے که ریخته یا از چیزے دیگر پس باید که حلال گرداند

منه اليوم قبل ان لا يكون دينار ولا درهم ان كان له

از وے امروز پیش از آنکه نباشد مر او را دینارے و نه درهمے اگر باشد او را

عمل صالح اخذ منه بقدر مظلمته وان لم تكن له حسنات

عملی نیک گرفته شود از وے باندازه ظلم او و اگر نباشد مر او را نیکیها

اخذ من سيئات صاحبه فحمل عليه رواه البخاري وعنه

گرفته شود از بدیهای صاحب حق پس بر داشته شود بر وے رواه البخاری و هم از وے روایت است

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اتدرون ما المفلس قالوا

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود مر صحابه را آیا و میدانید که مفلس چیست

المفلس فينا من لا درهم له ولا متاع فقال ان المفلس

که مفلس در میان ما کسے است که نیست درهم مر او را و نه متاع پس فرمود آنحضرت

من امتي من يأتي يوم القيامة بصلاة وصيام وزكاة

از امت من کسے است که بیاید روز قیامت بنماز و روزه و زکوة

ويأتي قد شتم هذا وقذف هذا واكل مال هذا وسفك

و بیاید آنکس باینحالت که دشنام کرده است این را و تهمت زنا کرده این را و خورده مال این را و ریخته

دم هذا وضرب هذا فيعطى هذا من حسناته وهذا من

خون این را و زده این را پس داده میشود این شخص که دشنام کرده بود از نیکیهای وے و دیگر

حسناته فان فنيت حسناته قبل ان يقضى ما عليه اخذ

از نیکیهای وے پس اگر فانی شود نیکیهای او پیش از آنکه حکم کرده شود بجزای آنچه کرده است گرفته شود

مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

از گناهان مظلومان پس انداخته شود بر ظالم پس انداخته شود در آتش رواه مسلم

وَعَنْهُ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَتُؤَدُّنَّ

و هم از ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم هر آئینه ادا کرده شود

الْحُقُوقُ إِلَى أَهْلِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُقَادَ لِلشَّاةِ الْجَلْحَاءِ

حقها بسوی اهل حقوق روز قیامت تا آنکه قصاص کرده می شود برای گوسفند بے شاخ

مِنَ الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ مُعَاوِيَةَ رض أَنَّهُ

از گوسفند شاخ دار رواه مسلم و روایت است از معاویه رض که وے

كَتَبَ إِلَى عَائِشَةَ رض أَنِ اكْتُبِي إِلَيَّ كِتَابًا تُوصِينِي فِيهِ

بسوی عائشه صدیقه نوشت که بنویس برای من مکتوبے که وصیت کنی مرا در آن

وَلَا تُكْثِرِي فَكَتَبَتْ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي سَمِعْتُ

و بسیار مکن پس نوشت عائشه رض سلام علیک لیکن بعد از سلام پس تحقیق شنیدم

رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنِ الْتَمَسَ رِضَاءَ اللّٰهِ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود کسیکه طلب کند خوشنودی خدا

بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللّٰهُ مُؤْنَةَ النَّاسِ وَمَنِ الْتَمَسَ

با ناخوشنودی مردم کفایت کند او را خدایتعالی بار گرانی مردم را و هرکه طلب کند

رِضَاءَ النَّاسِ بِسَخَطِ اللّٰهِ وَكَلَهُ اللّٰهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ

خوشنودی مردم را با ناخوشنودی خدا بگذارد او را خدا بسوی مردم و سلام

عَلَيْكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ حُبْشِيٍّ رض

بر تو رواه ترمذی و روایت است از عبدالله بن حبشی رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَطَعَ سِدْرَةً

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ببرد درخت کنار را

صوب الله رأسه في النار رواه ابو داود وقال هذا الحديث

واژگون گرداند خدا سر او را در آتش دوزخ رواه ابو داود و گفته است ابو داود این حدیث

مختصر يعني من قطع سدرة في فلاة يستظل بها

مختصر است یعنی تمام حدیث این است که هر که ببرد سدره را در دشت که پناه میجوید بسایه او

ابن السبيل والبهائم عبثا وظلما بغير حق يكون له

مسافر و حیوانات از روی ستم و بغیر حقی که باشد مر آنکسی را

فيها صوب الله رأسه في النار رواه ابو داود باب الشفقة

در آن سدره حقی نگون گرداند سر او را خدا در آتش دوزخ رواه ابو داود در باب شفقه

مش وعن ابن عمر ان النبي صلى الله عليه وسلم

مشکات و روایت است از ابن عمر رض که تحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم

لما مر بالحجر قال لا تدخلوا مساكن الذين ظلموا انفسهم

هرگاه میگذشت مقام حجر فرمود داخل مشوید مسکنهای کسانی را که ظلم کردند بر جانهای خود

الا ان تكونوا باكين ان يصيبكم ما اصابهم ثم قنع

مگر آنکه باشید شما گریه کنان بخوف اینکه برسد شما را آنچه رسیده است ایشان را پس پوشانید

رأسه واسرع السير حتى اجتاز الوادي متفق عليه

سر خود را و تیز رفتن رفت تا آنکه گذشت آن صحرا را متفق علیه

باب الغضب والكبر

این باب در مذمت غضب و تکبر است

والذين يجتنبون كبائر الاثم والفواحش واذا ما

و برای آنانکه پرهیز میکنند از گناهان کبیره و از بے حیائیها و چون

غضبوا هم يغفرون ولا تصعر خدك للناس

بخشم می آیند ایشان می آمرزند و متاب رخساره خود را از خلق خود مردمان را

۵۷۱

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

و راه مرو در زمین خرامان هر آئینه خدا دوست نمیدارد هر نازنده خود

فَخُورٍ ۝ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ

ستاینده را و میانه روی کن در رفتار خود و پست کن آواز خود را

إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ۝ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ

هر آئینه بدترین آوازها هر آئینه آواز خران باشد و شتاب کنید بسوی آمرزش

مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ

از پروردگار خود و بسوی بهشتی که پهنای آن مانند آسمانها و زمین است آماده کرده شده

لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ

برای پرهیزگاران آنانکه خرج میکنند در آسایش و سختی و فرو خورندگان

الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ اللّٰهَ

خشم و عفو کنندگان از مردمان و خدا دوست میدارد نیکوکاران را هر آئینه خدا

لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ۝ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ

دوست نمیدارد کسی را که باشد متکبر خودستاینده و از ابن عمر روایت است گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَجَرَّعَ عَبْدٌ أَفْضَلَ عِنْدَ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرو نبرد و نچشانید بنده در دل خود چیزی بهتر نزد

اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جُرْعَةِ غَيْظٍ يَكْظِمُهَا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللّٰهِ تَعَالَىٰ

خدای بزرگ از جرعه خشم که فرو برد آنرا از جهت طلب خوشنودی خدای تعالی

رَوَاهُ أَحْمَدُ وَعَنْ بَهْزِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ

روایت کرد احمد و روایت است از بهز بن حکیم از پدر خود و او از پدر خود

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الْغَضَبَ لَيُفْسِدُ الْإِيمَانَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه خشم گرفتن هر آئینه تباه میسازد

كما يفسد الصبر العسل وعن ابي هريرة رض قال قال
چنانکه تباه میگرداند صبر شهد را ووروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم قال موسى بن عمران عليه
آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت موسی بن عمران علیه
السلام يا رب من اعز عبادك عندك قال من اذا قدر غفر
السلام اے پروردگار من کیست عزیز ترین بندگان نزدیک تو فرمود عزیز ترین بندگان
وعن انس ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من
و روایت است از انس رض که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه
خزن لسانه ستر الله عورته ومن كف غضبه كف الله
نگاه دارد زبان خود را از عیب مردم بپوشد خدا تعالیٰ عیب او را و کسیکه نگه دارد خشم خود را باز
عنه عذابه يوم القيمة ومن اعتذر الى الله قبل الله
دارد از آن کس عذاب خود را روز قیامت و کسیکه عذر خواهی کند بسوے خدا بپذیرد خدا
عذره روى الاحاديث الثلاثة البيهقي في شعب الايمان
عذر او را روایت کرد این هر سه حدیث را بیهقی در شعب ایمان
وعن ابي ذر رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم
و روایت است از ابی ذر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
قال اذا غضب احدكم وهو قائم فليجلس فان ذهب عنه
فرمود چون خشم آید یکے از شما حال آنکه وی ایستاده است پس باید که بنشیند پس اگر برود
الغضب والا فليضطجع رواه احمد والترمذي وعن
خشم بهتر ورنه باید که بر پهلو بخسپد رواه احمد و الترمذی و روایت است از
عطية بن عروة السعدي رض قال قال رسول الله صلى الله
عطیه بن عروه سعدی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم إن الغضب من الشيطان وإن الشيطان خلق

عليه وسلم بدرستيكه خشم كردن از شيطان است و بدرستيكه شيطان پيدا كرده شده

من النار وإنما يطفأ النار بالماء فإذا غضب أحدكم

از آتش و جز اين نيست كه فرو كرده مى شود آتش مگر بآب پس چون بخشم آيد يكے از شما

فليتوضأ رواه أبو داود وعن أبي هريرة رضـ أن

بايد كه وضو بسازد رواه ابو داود و روايت است از ابى هريره رضـ كه

رجلا قال للنبي صلى الله عليه وسلم أوصني قال لا تغضب

مردى گفت مر پيغمبر خدا را صلے الله عليه وسلم كه وصيت كن مرا فرمود خشم مگير

فردد ذلك مرارا قال لا تغضب رواه البخاري وعنه

پس باز گردانيد آن مرد آن قول را فرمود خشم مگير رواه بخارى وهم از وے مرويست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس الشديد بالصرعة

گفت فرمود آنحضرت صلے الله عليه وسلم نيست زبردست آنكس كه مردم را بر زمين

إنما الشديد الذي يملك نفسه عند الغضب متفق عليه

بلكه زبردست آنست كه مالك باشد نفس خود را وقت غضب متفق عليه

وعن حارثة بن وهب قال قال رسول الله صلى الله

و روايت است از حارثه بن وهب رضـ گفت فرمود آنحضرت صلے الله

عليه وسلم ألا أخبركم بأهل الجنة كل ضعيف متضعف

عليه وسلم آيا خبر ندهم شما را باهل بهشت هر ضعيف كه حقير پندارند مردم او را

لو أقسم على الله لأبره ألا أخبركم بأهل النار كل عتل

اگر سوگند خورد بر خدا راست گرداند سوگند او را آيا خبر ندهم شما را باهل دوزخ هر درشت خو

جواظ مستكبر متفق عليه وعن ابن مسعود رضـ قال

باطل بخيل و متكبر متفق عليه و روايت است از ابن مسعود رضـ گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يدخل النار احد

فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم درنمی آید دوزخ را هیچ یکے

في قلبه مثقال حبة من خردل من ايمان ولا يدخل الجنة

که در دل او بود مقدار دانه خردل از ایمان باشد و در نمی آید بهشت را

احد في قلبه مثقال حبة من خردل من كبر رواه مسلم

هیچ یکے که در دل او مقدار دانه خردل است از کبر رواه مسلم

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه

وسلم ثلثة لا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم

وسلم سه کس اند که سخن نمیکند خدای تعالی با ایشان روز قیامت و ثنا نمیکند بر ایشان

وفي رواية ولا ينظر اليهم ولهم عذاب اليم شيخ زان

و در روایت [illegible] نظر نمیکند بسوی ایشان و مر ایشان را عذاب دردناک [illegible]

وملك كذاب وعائل مستكبر رواه مسلم وعن

و مرد پادشاه دروغ گوینده و درویش تکبر کننده رواه مسلم و روایت است از

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم میفرماید

الله تعالى الكبرياء ردائي والعظمة ازاري فمن نازعني

خدای تعالی کبریا چادر من و عظمت ازار من است پس کسیکه منازعت کند

واحدا منهما ادخلته النار وفي رواية قذفته في النار

و مشارکت [illegible] در یکی از ان هر دو صفت داخل میکنم او را در آتش دوزخ و در روایتی [illegible]

رواه مسلم وعن عمرو بن شعيب عن ابيه عن جده

رواه مسلم و روایت است از عمرو بن شعیب او از پدر خود و او از جد خود

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال يحشر المتكبرون

از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که فرمود آنحضرت که برانگیخته میشوند

أمثال الذر يوم القيامة في صور الرجال يغشاهم

مانند مورچهای خرد در روز قیامت در صورت مردان که می‌پوشد ایشان را

الذل من كل مكان يساقون إلى سجن في جهنم يسمى

خواری از هر جا و هر سو رانده میشوند بسوی زندانی در دوزخ که نامیده شود

بولس تعلوهم نار الأنيار يسقون من عصارة أهل النار

آن زندان بولس غلبه میکند ایشان را آتش دوزخ که آتش آتشهاست نوشانیده میشوند ایشان را از چرک

طينة الخبال رواه الترمذي وعن أسماء بنت عميس

از زرداب ریم و خون رواه ترمذی و از اسماء بنت عمیس مرویست

قالت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول بئس

گفت شنیدم من آنحضرت صلی الله علیه و سلم را که میگفت بد

العبد عبد تخيل واختال ونسي الكبير المتعال بئس

بنده است بنده که بر خود در عجب کبر و عُجب درانیک خیال کرد و فراموش کرد خدای بزرگ بلند قدر را بد

العبد عبد تجبر واعتدى ونسي الجبار الأعلى بئس

بنده است بنده که جبر نمود و ظلم و فساد از حد درگذشت فراموش کرد خدای جبار را که بلند قدر است بد

العبد عبد سها ولها ونسي المقابر والبلى بئس العبد

بنده است بنده که فراموش کرد و مشغول شد بلهو و فراموش کرد مقبرها و پوسیدن تن را و بد بنده است

عبد عتا وطغى ونسي المبتدا والمنتهى بئس العبد عبد يختل الدنيا بالدين

که از حد درگذشت و سرکشی کرد و فراموشی کرد آغاز حال و انتهای حال خود را بد بنده است بنده که فریب میدهد دنیا را بدین

بئس العبد عبد يختل الدين بالشبهات بئس العبد

بد بنده است بنده که فریب میدهد دین را بشبهات بد بنده است

عَبْدُ طَمَعٍ يَقُودُهُ بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدُ هَوًى يُضِلُّهُ بِئْسَ الْعَبْدُ

بنده که طمع و حرص می کشد اورا بسوی دنیا بد بنده ایست بنده که هوای نفس گمراه می گرداند اورا

عَبْدُ رَغَبٍ يُذِلُّهُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالْبَيْهَقِيُّ فِي شُعَبِ الْإِيمَانِ

بنده ایست بنده که رغبت در دنیا خوار میکند اورا روایت کرد ترمذی و بیهقی در شعب ایمان گفت بیهقی

قَالَ لَيْسَ إِسْنَادُهُ بِالْقَوِيِّ وَعَنْ عُمَرَ رض قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ

نیست اسناد این حدیث قوی و از امیر المؤمنین عمر رض مرویست گفت وقتیکه وی بر منبر بود

يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَوَاضَعُوا فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

ای مردمان تواضع کنید زیرا که من شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ اللّٰهُ فَهُوَ فِي نَفْسِهِ صَغِيرٌ

وسلم که همی گفت کسیکه تواضع کند با مردم از برای خدا بلند گرداند خدا مرتبه او را پس آنکس در نفس خود حقیر

وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللّٰهُ فَهُوَ فِي أَعْيُنِ

و در چشمان مردم بزرگست و کسیکه تکبر کند فرو نهد خدا مرتبه او را پس او در چشم

النَّاسِ صَغِيرٌ وَفِي نَفْسِهِ كَبِيرٌ حَتَّى لَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِمْ مِنْ كَلْبٍ

مردم حقیر ست و در نفس خود بزرگست تا آنکه هر آئینه وی سبکتر ست بر مردم از سگ

أَوْ خِنْزِيرٍ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

یا خوک و از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ وَثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ فَأَمَّا

علیه وسلم فرمود سه خصلت رستگاری دهنده ایست از عذاب سه خصلت هلاک کننده

الْمُنْجِيَاتُ فَتَقْوَى اللّٰهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْقَوْلُ بِالْحَقِّ فِي

اما خصلتهای نجات دهنده پس آن پرهیزگاری از خدا ست در نهان و آشکارا دوم گفتن براستی در

الرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَأَمَّا الْمُهْلِكَاتُ

خوشنودی و ناخوشنودی سوم میانه روی در توانگری و درویشی اما خصلتهای هلاک کننده

فهوى متبع وشح مطاع واعجاب المرء بنفسه وهي اشد هن

یکی هوای نفس که پیروی کرده شده است آن را دوم بخل و حرص المطاعت کرده شده سوم معجب بودن در بخشش

هن رواه البيهقي الاحاديث الخمسة في شعب الايمان

بدترین خصلتهاء مذکوره است روایت کرد این پنج حدیث را بیهقی در شعب ایمان

كتاب الجهاد الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا

کتاب در جهاد   آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد نمودند

في سبيل الله بأموالهم وأنفسهم أعظم درجة عند الله

در راه خدا باموال خویش و جان خویش بزرگتراند در مرتبه نزدیک خدا

وأولئك هم الفائزون يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان

و اینجماعت ایشانند مطلب یابان + مژده میدهد ایشانرا پروردگار ایشان برحمت از نزدیک خود

وجنات لهم فيها نعيم مقيم خالدين فيها أبدا إن الله

و ببهشتها که ایشان را در آنجا نعمت دایم بود   باشندگان آنجا همیشه   هر آینه

عنده أجر عظيم ۝ إن عدة الشهور عند الله اثنا

نزد خدا مزد بزرگ است   هر آینه شمار ماهها   نزدیک خدا

عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والأرض

دوازده ماه است   در کتاب خدا   روزیکه آفرید آسمانها و زمین را

منها أربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا

از آنجمله چهار ماه است حرام اینست دین درست پس ستم مکنید

فيهن أنفسكم وقاتلوا المشركين كافة كما

در آن ماهها بر خویشتن و جنگ کنید با مشرکان همه ایشان   چنانکه ایشان

يقاتلونكم كافة واعلموا أن الله مع المتقين ۝

جنگ می کنند با شما همه شما و بدانید خدا با متقیان است +

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انفِرُوا

ای مسلمانان چیست شمارا که چون شما گفته شود بیرون آئید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم

در راه خدا گران شده میل سے کنید بسوی زمین آیا رضامند شدید

بِالْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا

بزندگانی دنیا عوض آخرت پس نیست متاع زندگانی دنیا

فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا

در برابر آخرت مگر اندکی اگر بیرون نیائید عذاب کند شمارا عذابے

أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْـًٔا وَاللَّهُ

دردناک و بدل شما گیرد قومے را بجز شما و هیچ زیان نرسانید خدارا و خدا

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَأَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ

برهمه چیز توانا ست اے پیغامبر جهاد کن

الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

با کافران و با منافقان و درشتی کن برایشان و جای ایشان دوزخ است

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ

و بسے بد جا گشتنست هر آئینه خدا دوست میدارد آنهارا که جنگ میکنند در راه خدا

صَفًّا كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ ۝ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ

صف زده گویا که ایشان عمارت هستند محکم با یکدیگر چسپیده لازم کرده شد بر شما جنگ

وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ

و آن ناخوش است بر شما و شاید که شما ناخوش دارید چیزیرا حال آنکه وی بهتر باشد

لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

شمارا و شاید دوست دارید چیزیرا حال آنکه وے بد باشد شمارا و خدا میداند و شما نمیدانید

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ

مومنان کارزار میکنند در راه خدا و کافران می جنگند

فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ

در راه معبود باطل پس جنگ کنید با دوستان شیطان هر آئینه حیله

الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۝ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِككُّمُ الْمَوْتُ

شیطان سست است هر جا که باشید دریابد شما را مرگ

وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ ۝ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ

اگرچه باشید در محلهاے محکم و افزون داده است خدا مجاهدان را

عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً

نسبت نشینندگان مزد بزرگ درجها از جانب خویش و آمرزش و بخشایش

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ

وهست خدا آمرزنده مهربان و هر که ترک وطن بکند در راه خدا بیابد

فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ

در زمین اقامت گاه بسیار و فراخی معیشت و هر که بیرون رود از خانه خود

مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ

هجرت کنان بسوے خدا و پیغامبر او پس دریابد او را موت پس تحقیق ثابت شد

أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ ع

مزد او بر خدا وهست خدا آمرزنده مهربان روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

مَثَلُ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ

حال جهاد کننده در راه خدا همچو حال روزه دار [illegible] شب بیدار

القانت بآيات الله لا يفتر من صيام ولا صلوة حتى

طاعت کننده و قیام نماینده بآیات خداست که سست نمیشود آن صایم قایم از صیام و قیام تا آنکه

يرجع المجاهد في سبيل الله متفق عليه وعنه قال

باز گردد جهاد کننده در راه خدا متفق علیه و هم از ابی هریره مرویست گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم انتدب الله لمن خرج

که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم ضامن شد خدا تعالی مر کسی را که بیرون آمده است

في سبيله لا يخرجه الا ايمان بي وتصديق برسلي

بجهاد در حالیکه بیرون نمی آرد او را مگر ایمان بمن و راست گو داشتن پیغمبران مرا

أن أرجعه بما نال من أجر أو غنيمة أو أدخله الجنة متفق عليه

که باز گردانم او را بجا نه اش بچیزی که یافته است از ثواب آخرت یا غنیمت یا در می آرم او را در بهشت

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم والذي

و هم از وی مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخدا سوگند

نفسي بيده لولا أن رجالا من المؤمنين لا تطيب أنفسهم

اگر نمی بود ترس آنکه مردانی از مسلمانان خوش نمی شود نفسهای ایشان

أن يتخلفوا عني ولا أجد ما أحملهم عليه ما تخلفت

که واپس مانند و جدا شوند از من و نمی بود آنکه نمی یابم چیزی که سوار کنم ایشان را بران البته

عن سرية تغزو في سبيل الله والذي نفسي بيده لوددت

از هر لشکری که جهاد میکرد در راه خدا و بخدا سوگند هر آیینه دوست میدارم

أن أقتل في سبيل الله ثم أحيى ثم أقتل ثم أحيى ثم

که کشته شوم در راه خدا پس زنده کرده شوم پس باز کشته شوم پس باز زنده گردانیده شوم

أقتل ثم أحيى ثم أقتل متفق عليه وعن سهل

کشته شوم باز زنده کرده شوم پس کشته شوم متفق علیه و هم روایت است از سهل

بن سعد رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم رباط

بن سعد رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم نگاهداشتن سرحد اسلام

يوم في سبيل الله خير من الدنيا وما عليها متفق عليه

یک روزے در راه خدا بهتر است از دنیا و هرچه بر دنیا است متفق علیه

وعن انس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

لغدوة في سبيل الله او روحة خير من الدنيا وما فيها

هر آئینه یک بامداد سیر کردن در راه خدا یا یک شبانگاه بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا است

متفق عليه وعن سلمان الفارسي رض قال سمعت

متفق علیه و روایت است از سلمان فارسی رض گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم رباط يوم وليلة خير من

آنحضرت صلى الله عليه وسلم را که میفرمود که رباط یک روز و شب بهتر است از

صيام شهر وقيامه وان مات جرى عمله الذي كان

روزه یکماه و شب بیداری آن و اگر بمیرد روان میگردد بروی ثواب عمل وی که بود

يعمله واجري عليه رزقه وامن الفتان رواه مسلم

عمل میکرد و رسانیده میشود بروی رزق وی و ایمن میگردد از فتنه اندازنده که فرشته عذاب قبر است

وعن ابي عبس رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی عبس رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

ما اغبرت قدما عبد في سبيل الله فتمسه النار رواه البخاري

گرد آلوده نگردد دو پای هیچ بنده در راه خدا پس مساس کند او را آتش دوزخ رواه بخاری

وعن ابي هريرة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت صلى الله عليه وسلم

قَالَ لَا يَجْتَمِعُ الْكَافِرُ وَقَاتِلُهُ فِي النَّارِ أَبَدًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ

فرمود جمع نمی شود کافر و کشنده کافر در آتش دوزخ همیشه روایه مسلم

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ لَا يُكْلَمُ أَحَدٌ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكْلَمُ

وسلم مجروح گردانیده نمی شود هیچ کسی در راه خدا و خدا داناتر است بکسی که مجروح گردانیده می

فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَجُرْحُهُ يَثْعَبُ دَمًا اللَّوْنُ

در راه وے مگر آنکه می آید روز قیامت وحال آنکه جراحت او میریزد خون رنگ رنگ

لَوْنُ الدَّمِ وَالرِّيحُ رِيحُ الْمِسْكِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ

خون و بوے بوے مشک متفق علیه و روایت است از

أَبِي مُوسٰى قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابی موسی رض گفت آمد مردے بسوے آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَقَالَ الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلْمَغْنَمِ وَالرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلذِّكْرِ وَالرَّجُلُ

پس گفت آمرد مردے قتال میکند برای غنیمت و مردی قتال میکند برای نام و مردے

يُقَاتِلُ لِيُرٰى مَكَانُهُ فَمَنْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ قَالَ مَنْ قَاتَلَ

قتال میکند برای این غرض که دیده شود مکان او در شجاعت پس کیست در راه خدا گفت آنحضرت کسیکه

لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

برای آنکه باشد کلمه خدا بلندتر پس او هست جهاد کننده در راه خدا متفق علیه

وَعَنْ أَنَسٍ رض عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ جَاهِدُوا

و روایت است از انس رض از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که فرمود جهاد کنید

الْمُشْرِكِينَ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ

با مشرکان بمالهای خود و بذاتهای خود و بزبانهای خود روایه ابوداود

والنسائي والدارمي وعن ابي هريرة رض قال قال

و نسائی و دارمی و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم افشوا السلام واطعموا الطعام

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فاش کنید سلام را و بخورانید طعام را

واضربوا الهام تورثوا الجنان رواه الترمذي وعن

و بزنید سرها را تا وارث گردانیده شوید بهشتها را روایت کرد ترمذی و روایت است از

فضالة بن عبيد عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

فضاله بن عبید از آنحضرت صلی الله علیه وسلم که گفت

كل ميت يختم على عمله الا الذي مات مرابطا في سبيل

هر مرده ختم کرده می شود بر وی عمل او که کرده است مگر آن کسی که مرد نگهدارنده در راه

٥٨٥ الله فانه ينمى له عمله الى يوم القيمة ويأمن من فتنة

خدا پس بدرستیکه شان این است که زیاده کرده میشود برای او عمل او تا روز قیامت و ایمن میگردد از آزمایش

القبر رواه الترمذي وابو داود ورواه الدارمي

قبر روایت کرد ترمذی و ابو داود و روایت کرد این حدیث را دارمی

عن عقبة بن عامر وعن معاذ بن جبل رض انه سمع

از عقبه بن عامر و روایت است از معاذ بن جبل رض که وی شنید

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من قاتل في

آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میگفت هر که قتال کند در

سبيل الله فواق ناقة فقد وجبت له الجنة ومن جرح جرحا في

راه خدا مقدار میان دو دوشیدن ماده شتر پس بتحقیق واجب میگردد برای او بهشت و کسیکه خسته کرده شد

سبيل الله او نكب نكبة فانها تجيء يوم القيمة كاغزر ما كانت لونها

راه خدا یا رنج رسانیده شود رنج رسانیدنی پس می آید روز قیامت مانند بسیار ترین آنچه بود در دنیا رنگ

الزعفران وريحها المسك ومن جرح جراحاً في سبيل الله فان عليه

زعفران است و بوی آن مشک است و کسیکه بیرون آید بیدن وی ریش در راه خدا پس بدرستی که برو

طابع الشهداء رواه الترمذي وابوداود والنسائي وعن ابي هريرة

مهر شهیدان است روایت کرده ترمذی و ابوداود و نسائی و روایت است از ابی هریرة

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا يلج النار من بكى من

گفت که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم در نمی آید آتش دوزخ را کسیکه گریه کرد از

خشية الله حتى يعود اللبن في الضرع ولا يجتمع على عبد

ترس خدا تا آنکه باز گردد شیر در پستان و جمع نمی شود بر یک بنده

غبار في سبيل الله ودخان جهنم رواه الترمذي

گرد در راه خدا و دود جهنم یعنی جمع نمی شود گرد و دود دوزخ نمی آید روایت کرده ترمذی

وزاد النسائي في اخرى في منخري مسلم ابداً وفي

و زیاده کرده است نسائی در روایت دیگر یعنی جمع نمیکرد غبار و دود در سوراخ بینی مسلمان هرگز و

اخرى له في جوف عبد ابداً ولا يجتمع الشح والايمان

در روایت دیگر نسائی را جمع نمیکرد غبار و دود در درون بنده هرگز و جمع نمی شود بخل و ایمان

في قلب عبد ابداً وعن ابن عباس رض قال قال

در دل بنده هرگز و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم عينان لا تمسهما النار

آنحضرت صلی الله علیه وسلم دو چشم اند که مساس نمیکند آن دو چشم را آتش دوزخ

عين بكت من خشية الله وعين باتت تحرس في سبيل الله

یکی چشمی که گریسته است از خوف خدا و دیگر چشمی که شب کرده که نگاهبانی میکند مسلمانان را از کفار

رواه الترمذي وعن ابي هريرة رض قال مر رجل من

روایت کرده ترمذی و روایت است از ابی هریره رض گفت گذشت مردی از

أصحاب رسول الله بشعب فيه عيينة من ماء عذبة

یاران آنحضرت بشعبے کہ در وے چشمۂ بود از آب شیرین

فأعجبته فقال لو اعتزلت الناس فأقمت في هذا الشعب

پس خوش آمد آن چشمہ آن مرد را پس گفت اگر کنارہ گیرم از مردم پس اقامت نمایم درین شعب

فذكر ذلك لرسول الله صلى الله عليه وسلم فقال لا تفعل

پس ذکر کردہ شد آن نزد پیغمبر خدا صلے اللہ علیہ وسلم پس فرمود آنحضرت مکن اینرا

فإن مقام أحدكم في سبيل الله أفضل من صلوته في بيته

زیراکہ بدرستی ایستادن یکے از شما در راہ خدا فاضلتر است از نماز وے در خانہ خود

سبعين عاما ألا تحبون أن يغفر الله لكم ويدخلكم

ہفتاد سال آیا دوست نمیدارید شما کہ بیامرزد خدا تعالیٰ شما را و درآرد شما را

الجنة اغزوا في سبيل الله من قاتل في سبيل الله فواق

در بہشت قتال کنید با کافران در راہ خدا کسیکہ غزا کند در راہ خدا مقدار زمان دوشیدن

ناقة وجبت له الجنة رواه الترمذي وعن عثمان

ناقہ واجب میگردد مر او را بہشت روایت کرد ترمذی و روایت است از عثمان رض

عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال رباط يوم في

از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود بودن یکروز در

سبيل الله خير من ألف يوم فيما سواه من المنازل

سرحد کفر و بستن اسپان بہتر است از عبادت ہزار روز در غیر آنجا از منزلہا

رواه الترمذي وعن عبد الله بن حبشي أن النبي

روایت کرد ترمذی روایت است از عبد اللہ بن حبشی کہ آنحضرت

صلى الله عليه وسلم سئل أي الأعمال أفضل قال

صلے اللہ علیہ وسلم پرسیدہ شد کہ کدام از عملہا است کہ فاضلتر است گفت

طُولُ الْقِيَامِ قِيْلَ فَاَيُّ الصَّدَقَةِ اَفْضَلُ قَالَ جُهْدُ الْمُقِلِّ

دراز ایستادن در نماز گفته شد پس کدام صدقه فاضلتر است فرمود طاقت فقیر

قِيْلَ فَاَيُّ الْهِجْرَةِ اَفْضَلُ قَالَ مَنْ هَجَرَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ

گفته شد پس کدام هجرت فاضلتر است فرمود کسیکه جدائی کرده چیزیرا که حرام کرده است خدا برو

قِيْلَ فَاَيُّ الْجِهَادِ اَفْضَلُ قَالَ مَنْ جَاهَدَ الْمُشْرِكِيْنَ بِمَالِهٖ

گفته شد پس کدام جهاد فاضلتر است فرمود کسیکه جهاد کرده کافرانرا بمال خود

وَنَفْسِهٖ قِيْلَ فَاَيُّ الْقَتْلِ اَشْرَفُ قَالَ مَنْ اُهْرِيْقَ دَمُهٗ

و جهاد کرده است بنفس خود گفته شد پس کدام کشته شدن در جهاد شریفتر است فرمود کشته شدن

وَعُقِرَ جَوَادُهٗ رَوَاهُ اَبُوْ دَاؤُدَ وَفِيْ رِوَايَةِ النَّسَائِيِّ اَنَّ

و پی کرده شد اسپ او روایت کرد ابو داؤد و در روایت نسائی آمده است که

النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُئِلَ اَيُّ الْاَعْمَالِ اَفْضَلُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرسیده شد که کدام یکی از اعمال فاضلتر است

قَالَ اِيْمَانٌ لَا شَكَّ فِيْهِ وَجِهَادٌ لَا غُلُوْلَ فِيْهِ وَحَجَّةٌ

فرمود فاضلترین اعمال ایمان است که نیست شک در وی و جهادیکه نیست خیانت در وی و حج

مَبْرُوْرَةٌ قِيْلَ فَاَيُّ الصَّلٰوةِ اَفْضَلُ قَالَ طُوْلُ الْقُنُوْتِ

که مقبول شده است گفته شد پس کدام نماز فاضلتر است فرمود نمازیکه قیام در وی درازتر باشد

ثُمَّ اتَّفَقَا فِي الْبَاقِيْ وَعَنْ اَبِيْ اُمَامَةَ رض عَنِ النَّبِيِّ

پس اتفاق کردند هر دو در باقی حدیث و روایت است از ابی امامه رض از آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ اَحَبَّ اِلَى اللّٰهِ مِنْ

صلی الله علیه وسلم که فرمود نیست چیزی دوست‌تر نزدیک خدا از

قَطْرَتَيْنِ وَاَثَرَيْنِ قَطْرَةُ دُمُوْعٍ مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَقَطْرَةُ

دو قطره و دو نشان یکی قطره اشکها است از ترس خدا و قطره دیگر

دمٌ يهراق في سبيل الله وأمّا الأثران فأثرٌ في سبيل

خونے کہ ریختہ می شود در راہ خدا و اما دو اثر پس یکے نشان زخم است در راہ

الله وأثرٌ في فريضةٍ من فرائض الله تعالى رواه الترمذي

خدا و دوم اثرے در فریضہ از فرائض خدا تعالیٰ روایت کرد ترمذی

وعن عبد الله بن عمرو رض قال قال رسول الله صلى

در روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فرمود آنحضرت صلی

الله عليه وسلم لا تركب البحر إلا حاجًّا أو معتمرًا أو

الله علیه وسلم سوار مشو دریا را مگر درحالیکه حج کننده یا عمره برآرنده یا

غازيًا في سبيل الله فإنّ تحت البحر نارًا وتحت النار

غزا کننده در راه خدا زیرا که زیر دریا آتشے است و زیر آتش

بحرًا رواه أبو داود وعن عبد الله بن عمرو رض أنّ

دریای است روایت کرد ابو داود و روایت است از عبد الله بن عمرو رض که

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال قفلةٌ كغزوةٍ رواه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بازگشتن همچو از سفر غزا مانند غزا است

أبو داود وعن أبي أمامة رض قال خرجنا مع رسول الله

ابو داود و روایت است از ابی امامه رض گفت بیرون آمدیم همراه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم في سريّةٍ فمرّ رجلٌ بغارٍ فيه شيءٌ

صلی الله علیه وسلم در پاره از لشکر پس گذشت مردے بغارے که در وے چیزے

من ماءٍ وبقلٍ فحدّث نفسه بأن يقيم فيه ويتخلّى

از آب و تره و سبزی بود پس حدیث کرد بالنفس خود که اقامت کند در وے تا دور شود

من الدنيا فاستأذن رسول الله صلى الله عليه وسلم في ذلك

از دنیا پس طلب اذن کرد از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در این

فَقَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنِّيْ لَمْ اُبْعَثْ بِالْيَهُوْدِيَّةِ

پس فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم بدرستیکہ فرستادہ نشدہ ام بملت یہودیت

وَلَا بِالنَّصْرَانِيَّةِ وَلٰكِنِّيْ بُعِثْتُ بِالْحَنِيْفِيَّةِ السَّمْحَةِ وَالَّذِيْ

ونہ بملت نصرانیت ولیکن فرستادہ شدہ ام بدین اسلام کہ ملت نرم و آسان است سوگند بخدا

نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهٖ لَغَدْوَةٌ اَوْ رَوْحَةٌ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ خَيْرٌ

کہ ذات محمد در دست او ست ہر آئینہ سیر کردن در بامداد یا سیر کردن در شبانگاہ در راہ خدا بہتر

مِّنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيْهَا وَلَمَقَامُ اَحَدِكُمْ فِي الصَّفِّ خَيْرٌ مِّنْ صَلٰوتِهٖ

از دنیا وہر چہ درو است وہر آئینہ ایستادن یکی از شما در صف قتال بہتر است از نماز گذاردن

سِتِّيْنَ سَنَةً رَوَاهُ اَحْمَدُ وَعَنْ اَبِيْ سَعِيْدٍ رض

شصت سال روایت کرد احمد وروایت است از ابی سعید رض

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ رَضِيَ بِاللّٰهِ رَبًّا

کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کسیکہ راضی وخوشنود گردد بخدا کہ

وَّبِالْاِسْلَامِ دِيْنًا وَّبِمُحَمَّدٍ رَّسُوْلًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ

وراضی گردد باسلام کہ دین وی است وراضی گردد بمحمد کہ رسول است واجب گردد برا وے بہشت

فَعَجِبَ لَهَا اَبُوْ سَعِيْدٍ فَقَالَ اَعِدْهَا عَلَيَّ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ

پس خوشی کرد مر این کلمات را ابو سعید پس گفت اعادہ کن این کلمات را بر من اے رسول خدا

فَاَعَادَهَا عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ وَاُخْرٰى يُرْفَعُ اللّٰهُ بِهَا الْعَبْدَ

پس اعادہ کرد آنحضرت آن کلمات را بر وے پس گفت آنحضرت وخصلت دیگر است کہ بلند میکرداند

مِائَةَ دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ

صد پایہ در بہشت مسافت درمیان ہر دو پایہ چنان است کہ میان آسمان

وَالْاَرْضِ قَالَ وَمَا هِيَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الْجِهَادُ فِيْ سَبِيْلِ

و زمین است گفت ابو سعید وچہ چیز است آن خصلت یا رسول اللہ فرمود آنحضرت کہ در راہ خدا

الله الجهاد في سبيل الله رواه مسلم وعن ابي موسى رض

جهاد کردن است در راه خدا رواه مسلم وروایت است از ابوموسی رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان ابواب الجنة

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بدرستیکه درهای بهشت

تحت ظلال السيوف فقام رجل رث الهيئة فقال يا ابا موسى

زیر سایه شمشیرها است پس ایستاد مردی کهنه وسوده شکل وجامه پس گفت آن مرد یا ابا موسی

انت سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول هذا قال

تو شنیده آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت این سخن را گفت ابو موسی

نعم فرجع الى اصحابه فقال اقرأ عليكم السلام ثم كسر

آری شنیدم پس رجوع کرد آن مرد بسوی یاران خود پس گفت آن مرد میخوانم برشما سلام را پس بشکست

جفن سيفه فالقاه ثم مشى بسيفه الى العدو فضرب به

نیام تیغ خود را پس بینداخت نیام را پس رفت با شمشیر خود بسوی دشمنان پس بزد بشمشیر

حتى قتل رواه مسلم وعن ابي هريرة رض قال قال

تا آنکه کشته شد رواه مسلم وروایت است از ابی هریره رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من احتبس فرسا في سبيل الله

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بند کرد اسپی را در راه خدا

ايمانا بالله وتصديقا بوعده فان شبعه وريه وروثه

از جهت ایمان آوردن بخدا واز جهت راست داشتن وعده حق پس بدرستیکه سیری وی وسیرابی او وسرگین او

وبوله في ميزانه يوم القيمة رواه البخاري وعن

وبول او در میزان او باشد روز قیامت رواه بخاری وروایت است از

جابر رض قال قال رجل للنبي صلى الله عليه وسلم يوم احد

جابر رض گفت گفت مردی مر آنحضرت را صلی الله علیه وسلم در روز جنگ احد

أرأيت إن قتلت فأين أنا قال في الجنة فألقى تمرات في

که خبر ده مرا اگر کشته شوم پس کجا است جای من فرمود آنحضرت در بهشت است جای تو پس انداخت خرمایی چند

يده ثم قاتل حتى قتل متفق عليه وعن ابن عباس قال

که دست او بود پس قتال کرد تا آنکه کشته شد متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض گفت

بعث النبي صلى الله عليه وسلم عبد الله بن رواحة في سرية

فرستاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم عبد الله بن رواحه را در فوج لشکر

فوافق ذلك يوم الجمعة فغدا أصحابه وقال أتخلف وأصلي

پس موافق افتاد آن فرستادن روز جمعه را پس وقت بامداد رفتند یاران او و گفت عبد الله پس مانم

مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم ألحقهم فلما صلى مع

با پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم باز لاحق شوم ایشان را و میرسم پس چون نماز گذارد

رسول الله صلى الله عليه وسلم رآه فقال ما منعك أن تغدو

همراه آنحضرت صلی الله علیه وسلم دید آنحضرت او را پس فرمود چه باز داشت ترا از بامگاه برآمدن

مع أصحابك فقال أردت أن أصلي معك ثم ألحقهم فقال

با یاران تو پس گفت عبد الله خواستم که نماز جمعه گذارم با تو بعد از آن برسم با ایشان پس فرمود

لو أنفقت ما في الأرض جميعا ما أدركت فضل غدوتهم

اگر خرج میکردی تو چیزی که در زمین است از اسباب و متاع همه در نمی یافتی تو فضل رفتن ایشان بامگاه را

رواه الترمذي باب آداب السفر مش

روایت کرد این حدیث را ترمذی از باب آداب سفر مشکات

باب ثواب الإعانة على الجهاد

باب در بیان ثواب اعانت کردن بر جهاد از مال و اسباب

عن زيد بن خالد رض أن رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از زید بن خالد رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال من جهز غازيا في سبيل الله فقد غزا ومن خلف غازيا

فرمود کسیکه ساخته کند اسباب غازی را در راه خدا پس تحقیق غزا کرد و کسیکه خلیفه کرد

في اهله فقد غزا متفق عليه وعن ابي مسعود

در اهل و عیال وی پس تحقیق غزا کرد متفق علیه و روایت است از ابی مسعود

الانصاري قال جاء رجل بناقة مخطومة فقال هذه في

انصاری گفت آورد مردی شتر ماده را که با مهار بود پس گفت این ناقه

سبيل الله فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم لك

راه خداست پس فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم مر ترا

بها يوم القيمة سبع مائة ناقة كلها مخطومة رواه مسلم

باین یک ناقه روز قیامت ثواب هفتصد ناقه است که همه آن مهار کرده شده است رواه مسلم

وعن خريم بن فاتك قال قال رسول الله صلى الله

و روایت است از خریم بن فاتک که فرمود آنحضرت صلى الله

عليه وسلم من انفق نفقة في سبيل الله كتب له بسبع

علیه وسلم کسیکه خرج کند خرچی را در راه خدا نوشته شود برای وی ثواب هفتصد

مائة ضعف رواه الترمذي والنسائي وعن ابي امامة

مانند رواه ترمذی و نسائی و روایت است از ابی امامه

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم افضل الصدقات

گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم فاضل ترین صدقه‌ها

ظل فسطاط في سبيل الله ومنحة خادم في سبيل الله او طروقة

سایه خیمه است که بخشیده شود در راه خدا و بهترین صدقات هبه خادم است در راه خدا یا ناقه

فحل في سبيل الله رواه الترمذي وعنه قال قال

که بگوبد بر نر و ار اشتر نر در راه خدا رواه ترمذی و هم از ابی امامه است

رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْغَازِي أَجْرُهُ وَلِلْجَاعِلِ أَجْرُهُ

آنحضرت صلی الله علیه وسلم مر غازی را مزد اوست و مر جاعل را مزد او

وَأَجْرُ الْغَازِي رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ عَلِيٍّ

و مزد غازی نیز و اجر است رواه ابوداود و روایت است از علی

وَأَبِي الدَّرْدَاءِ وَأَبِي هُرَيْرَةَ وَأَبِي أُمَامَةَ وَعَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عُمَرَ وَعَبْدِ اللّٰهِ

و ابی درداء و ابی هریره و ابی امامه و عبد الله بن عمر و عبد الله بن عمرو

وَجَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ وَعِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُمْ

و جابر بن عبد الله و عمران بن حصین رضی الله تعالی عنهم

أَجْمَعِينَ كُلُّهُمْ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اجمعین همه ایشان روایت میکنند از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَرْسَلَ نَفَقَةً فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَأَقَامَ فِي بَيْتِهِ فَلَهُ

و هر یکی میگوید که آنحضرت فرمود هر که بفرستد نفقه را در راه خدا و اقامت کند در خانه خود پس او را

بِكُلِّ دِرْهَمٍ سَبْعُمِائَةِ دِرْهَمٍ وَمَنْ غَزَا بِنَفْسِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

مر او را بهر درهم هفتصد درهم است و کسیکه غزا کند بذات خود در راه خدا

وَأَنْفَقَ فِي وَجْهِهِ ذٰلِكَ فَلَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ سَبْعُمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ

و انفاق کند در وجه خدا پس مر او راست بهر درهم هفتصد هزار درهم

ثُمَّ تَلَا هٰذِهِ الْآيَةَ وَاللّٰهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ رَوَاهُ ابْنُ

پس تر خواند آنحضرت این آیت را و خدا زیاده کند ثواب مر کسی را که میخواهد رواه ابن

مَاجَةَ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

ماجه و روایت است از جابر بن سمره رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَنْ يَبْرَحَ هٰذَا الدِّينُ قَائِمًا يُقَاتِلُ عَلَيْهِ

صلی الله علیه وسلم همیشه هست این دین اسلام بر پا کارزار میکنند مر برپا [illegible]

عِصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ رَوَاهُ مُسْلِمٌ

جماعت از مسلمانان تا آنکه بر پا می شود و می آید قیامت روا مسلم

بَابُ اِثْمِ تَارِكِ الْجِهَادِ

این باب در بیان گناه ترک کننده جهاد است

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهِ نَفْسَهُ

علیه وسلم کسیکه مرد و غزا نکرد و حدیث نکرد بغزا نفس خود را

مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِي أُمَامَةَ

می میرد بر شعبه از نفاق رواه مسلم و روایت است از ابی امامه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُجَهِّزْ

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه غزا نکند و ساختگی نکند هیچ غازی را

غَازِيًا أَوْ يَخْلُفْ غَازِيًا فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ أَصَابَهُ اللّٰهُ بِقَارِعَةٍ

از مال و اسباب یا خلیفه نشود هیچ غازی را در اهل وی به نیکی میرساند او را خدا تعالی حادثه سخت

قَبْلَ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض قَالَ

پیش از روز قیامت رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رض گفت

قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَقِيَ اللّٰهَ بِغَيْرِ أَثَرٍ

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه ملاقات کند خدا را بی نشانی

مِنْ جِهَادٍ لَقِيَ اللّٰهَ وَفِيهِ ثُلْمَةٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ

از جهاد ملاقات می کند خدا را و حال آنکه در دین وی رخنه است رواه ترمذی و ابن ماجه

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از ابی هریره رض که مردی گفت یا رسول الله صلی الله علیه وسلم

رجل يريد الجهاد في سبيل الله وهو يبتغي عرضا من

مرد یست که میخواهد جهاد با کافران در راه خدا و حال آنکه آنمرد طلب میکند متاعی از

عرض الدنيا فقال النبي صلى الله عليه وسلم لا اجر له

متاع دنیا پس فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم نیست ثواب آخرت مر او را

رواه ابو داود وعن معاذ رض قال قال رسول الله صلى

روایت ابو داود در روایت است از معاذ رض گفت فرمود آن حضرت صلی الله

عليه وسلم الغزو غزوان فاما من ابتغى وجه الله واطاع

علیه وسلم غزا کردن دو قسم است اما کسیکه طلب کند بغزا کردن ذات خدا و رضای وی

الامام وانفق الكريمة وياسر الشريك واجتنب الفساد

و فرمان برداری کند پادشاه را و خرج کند در راه خدا نفیس اموال برگزیده خود را و رفق نماید بشریک که با وی

فان نومه ونبهه اجر كله واما من غزا فخرا ورياء

پس هر آینه خواب وی و بیداری او موجب اجر و ثواب است اما کسیکه غزا کند بجهت فخر و ریا

وسمعة وعصى الامام وافسد في الارض فانه لم يرجع

و سمعه و بیفرمانی کند امام را و فساد کند در زمین پس بر گشته نمی آید با نیکی

بالكفاف رواه مالك وابو داود والنسائي وعن

اینقدر برابر ثواب روایت مالک و ابو داود و نسائی در روایت است از

عبد الله بن عمرو رض انه قال يا رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن عمرو رض پس گفت یا رسول الله صلی الله علیه

وسلم اخبرني عن الجهاد فقال يا عبد الله بن عمرو ان قاتلت

وسلم خبر ده مرا از جهاد که چه چیز باید پس فرمود آنحضرت ای عبد الله بن عمرو اگر قتال کنی تو

صابرا محتسبا بعثك الله صابرا محتسبا وان قاتلت مرائيا

در حالیکه صبر کننده و ثواب شمرده آرنده انرا خدا برانگیزد ترا خدا بصفت صبر و احتساب اگر قتال کنی در حالیکه ریا کننده

مُكاثِرًا بَعَثَكَ اللّٰهُ مُرائِيًا مُكاثِرًا يا عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ عَمْرٍو

بمکاثرت برانگیزد ترا خدا ستیزکار و فخر کننده ای عبد الله بن عمرو

عَلٰى أَيِّ حالٍ قاتَلْتَ أَوْ قُتِلْتَ بَعَثَكَ اللّٰهُ عَلٰى تِلْكَ الْحالِ

در هر حالتی که کارزار کنی و کشته شوی برانگیزد ترا خدا تعالی بر آن حالت

رَواهُ أَبُو داوُدَ وَعَنْ عُبادَةَ بْنِ الصّامِتِ قالَ قالَ رَسُولُ اللّٰهِ

رواه ابو داود روایت است از عباده بن صامت رضی گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ غَزا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَمْ يَنْوِ

صلی الله علیه وسلم کسیکه غزا کند در راه خدا و نیت نکند

إِلَّا عِقالًا فَلَهُ ما نَوٰى رَواهُ النَّسائِيُّ

مگر بسته آوردن پای اشتر پس هست او را آنچه نیت کرد روایت کرد نسائی

باب در ثواب شهادت و شهیدان

بابُ ثَوابِ الشَّهادَةِ وَالشُّهَداءِ

وَلا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْياءٌ

و مگوئید کسیرا که کشته شود در راه خدا که ایشان مردگانند بلکه ایشان زنده اند

وَلٰكِنْ لا تَشْعُرُونَ ۝ وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَمْواتًا

و لیکن شما آگاه نمی شوید و گمان مکن کسانیکه کشته شدند در راه خدا مرده

بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِما آتاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ

بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده می شوند شادمان بآنچه عطا کرد

وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ

خدا ایشانرا از فضل خود و خوشوقت می شوند بسبب آنانکه نرسیدند بایشان پس مانده از ایشان

أَلّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَعَنِ الْمِقْدامِ

بسبب آنکه هیچ ترسی نیست برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و از مقدام بن معدی کرب

بن معدي كرب قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

بن معدیکرب مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

للشهيد عند الله ست خصال يغفر له في أول دفعة

مر شهید را نزد خدا شش خصلت است یکی آنکه آمرزیده شود مر او را در اول دفعه

ويرى مقعده من الجنة ويجار من عذاب القبر ويأمن من

و دیده شود جای نشستن او از بهشت و نگاه داشته شود از عذاب قبر و ایمن باشد از

الفزع الأكبر ويوضع على رأسه تاج الوقار الياقوتة منها

ترس بزرگتر و نهاده شود بر سر او افسر عزت و تعظیم که یاقوت جواهر آن

خير من الدنيا وما فيها ويزوج اثنتين وسبعين زوجة

بهتر است از دنیا و هر چه در دنیا ست و جفت کرده شود او را هفتاد و دو زن

من الحور العين ويشفع في سبعين من أقربائه رواه الترمذي

از حور العین و قبول کرده شود شفاعت او در هفتاد کس از خویشان او روایت کرد

وابن ماجه وعن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله

ترمذی و ابن ماجه و از ابو هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم ما يجد الشهيد من مس القتل إلا كما يجد أحدكم

علیه وسلم شهید نمی یابد درد قتل را مگر چنانکه می یابد یکی از شما

من مس القرصة رواه الترمذي والنسائي والدارمي

درد گزیدن مورچه روایت کرد ترمذی و نسائی و دارمی

وعن ابن عباس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

روایت است از ابن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

لما أصيب إخوانكم بيوم أحد جعل الله أرواحهم في جوف

هرگاه که رسیده شد برادران شما را روز احد گردانید خدای تعالی روحهای ایشان را در

طير خضر ترد انهار الجنة تاكل من ثمارها وتاوي

پرنده‌ها سبز فرود می آیند آن پرنده‌ها جویهای بهشت را میخورند آن طیور از میوه‌های بهشت و پناه می‌گیرند

الى قناديل من ذهب معلقة في ظل العرش فلما وجدوا طيب

بسوی قندیلها از طلا که آویخته شده اند در آن قندیلها بسایه عرش پس هنگامی که یافتند آن شهیدان

ماكلهم ومشربهم ومقيلهم قالوا من يبلغ اخواننا عنا

خوشی طعام و شراب خود و آرامگاه خود گفتند کیست که برساند و خبر کند برادران ما را اینکه ما

اننا احياء في الجنة لكيلا يزهدوا في الجنة ولا ينكلوا

زندگانیم در بهشت تا آنکه ناخواهانی و بی رغبتی نکنند در بهشت و سستی در جنگ نکنند

عند الحرب فقال الله تعالى انا ابلغهم عنكم فانزل الله تعالى

در جنگ پس گفت خدا تعالی من میرسانم خبر برادران شما را از جانب شما پس فرستاد و فرود آورد خدا تعالی

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء

این آیت را و گمان مبر آن کسانی را که کشته شده اند در راه خدا که مردگان اند بلکه زندگان اند

الى اخر الاية رواه ابو داود وعن ابي هريرة رض ان

تا آخر آیت روایت کرد ابو داود و از ابو هریره رضی الله عنه روایت است

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال عرض علي اول

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود عرض کرده شد بر من نخستین

ثلاثة يدخلون الجنة شهيد وعفيف متعفف وعبد احسن

کسانیکه در آیند بهشت را یکی شهید دوم پارسا سوم بنده که نیکو کرد بندگی خدا را

عبادة الله ونصح لمواليه رواه الترمذي وعن

و نیکخواهی کرد مر صاحبان خود را روایت کرد ترمذی و گفت

انس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما من احد يدخل

انس رضی الله عنه فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم نیست هیچ کسی که در آید

الجنة يحب ان يرجع الى الدنيا وله ما في الارض من شيء

بهشت را دوست دارد که باز گردد بسوی دنیا و باشد مر او را آنچه در زمین هست از چیزی

الا الشهيد يتمنى ان يرجع الى الدنيا فيقتل عشر مرات لما

مگر شهید که آرزو دارد که باز گردد بسوی دنیا پس کشته شود ده بار از جهت   الجنة

يرى من الكرامة متفق عليه وعن عبد الله بن

آنچه میبیند از بزرگی و ثواب متفق علیه   و از عبد الله بن

عمرو بن العاص ان النبي صلى الله عليه وسلم قال

عمرو بن عاص رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

القتل في سبيل الله يكفر كل شيء الا الدين

کشته شدن در راه خدا کفایت میکند هر چیزی را از گناه مگر وام را

رواه مسلم وعن ابي هريرة رض ان رسول الله صلى

رواه مسلم   و از ابی هریره رض مرویست که آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال يضحك الله الى رجلين يقتل احدهما

علیه وسلم   فرمود خنده میکند خدا بسوی دو مرد که میکشد یکی از ایشان دیگری را

الآخر يدخلان الجنة يقاتل هذا في سبيل الله

می‌درآیند هر دو مرد بهشت را   قتال میکند این یکی در راه خدا

فيقتل ثم يتوب الله على القاتل فيستشهد متفق عليه

پس کشته شود پس رجوع کند ... پس رجوع مینماید خدا برحمت بر قاتل که کافر بود

وعن مسروق قال سألنا عبد الله بن مسعود عن هذه الآية

و روایتست از مسروق گفت پرسیدیم ما عبد الله بن مسعود را از تفسیر این آیت

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون

و گمان مبر آنان را که کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زندگانند نزد پروردگار خود روزی داده میشوند

قَالَ إِنَّا قَدْ سَأَلْنَا عَنْ ذٰلِكَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت ابن مسعود بدرستیکه ما بتحقیق پرسیدیم از تفسیر این آیت از آنحضرت صلی الله علیه وسلم

فَقَالَ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْوَافِ طَيْرٍ خُضْرٍ لَهَا قَنَادِيلُ مُعَلَّقَةٌ

پس فرمود آنحضرت ارواح شهیدان در درون پرندگان سبز است آن پرندگان را قندیلهاست آویخته

بِالْعَرْشِ تَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَتْ ثُمَّ تَأْوِي إِلَى تِلْكَ الْقَنَادِيلِ

بعرش که حکم آشیانه دارد می چرند آن طیور از بهشت هر جا که میخواهند پس پناه میگیرند بسوی آن قنادیل

فَاطَّلَعَ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمُ اطِّلَاعَةً فَقَالَ هَلْ تَشْتَهُونَ شَيْئًا قَالُوا أَيَّ

پس مطلع شد بسوی ایشان پروردگار ایشان مطلع شدنی بغایت خاص پس فرمود آیا خواهش دارید چیزی را

شَيْءٍ نَشْتَهِي وَنَحْنُ نَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْنَا فَفَعَلَ

چه خواهیم در حالیکه ما می چریم از بهشت هر جا که می خواهیم پس کرد

ذٰلِكَ بِهِمْ ثَلٰثَ مَرَّاتٍ فَلَمَّا رَأَوْا أَنَّهُمْ لَنْ يُتْرَكُوا مِنْ أَنْ يَسْأَلُوا

پروردگار این سوال را با ایشان سه بار پس گاهی که دیدند ایشان که البته گذاشته نمی شوند از خواستن

قَالُوا يَا رَبِّ نُرِيدُ أَنْ تَرُدَّ أَرْوَاحَنَا فِي أَجْسَادِنَا حَتّٰى نُقْتَلَ

گفتند ای پروردگار میخواهیم که باز گردانی جانهای ما را در تنهای ما تا آنکه کشته شویم

فِي سَبِيلِكَ مَرَّةً أُخْرٰى فَلَمَّا رَأٰى أَنْ لَيْسَ لَهُمْ حَاجَةٌ تُرِكُوا

در راه تو و شهید شویم بار دیگر پس چون دانست پروردگار تعالی که نیست ایشان را حاجتی گذاشته شدند

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَنَسٍ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

بر حالت اول روایت کرد مسلم و روایت است از انس رض گفت که فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطَى الشَّهِيدُ ثَلَاثًا أَوَّلُ قَطْرَةٍ

صلی الله علیه وسلم داده می شود شهید را سه چیز اول قطره

مِنْ دَمِهِ يُغْفَرُ لَهُ بِهَا ذُنُوبُهُ وَأَوَّلُ مَنْ يَمْسَحُ التُّرَابَ

از خون او آمرزیده میشود مر او را بسبب آن گناهان او و اول کسیکه پاک می کند خاک را

عن وجهه زوجته من الحور العين فاذا وقع جنبه وقع

از روی وی زوجۂ او پاک شده از زنان بهشت و چون واقع می شود پهلوی شهید بر زمین واقع

في الجنة رواه الديلمي وعن انس رضه لما كان يوم احد

در بهشت روایت کرد دیلمی این حدیث را و روایت است از انس رض هرگاه که بود جنگ احد

مر النبي صلى الله عليه وسلم بحمزة وقد جدع ومثل به

گذشت آنحضرت صلی الله علیه وسلم بحمزه بن عبد المطلب حال آنکه پاره پاره کرده و مثله کرده

فقال لولا ان تجد لتركته حتى يحشره الله من بطون

پس فرمود اگر نمیافتم صفیه را آزرده پس میگذاشتم او را تا آنکه حشر کرده شود او را خدا از شکمهای

السباع والطير ولم يصل على احد من الشهداء وقال

درندها و پرندها و نماز نگذارد آنحضرت بر هیچ یکی از شهیدان و فرمود

انا شهيد عليكم اليوم

که من گواهی دهنده ام بر شما امروز و فردا روز قیامت

باب اصناف الشهداء

این باب در اقسام شهید است

عن سهل بن حنيف قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از سهل بن حنیف رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من سأل الله الشهادة بصدق بلغه الله منازل

علیه وسلم کسی که سوال کند از خدا تعالی شهادت بصدق رساند او را خدا تعالی مرتبه

الشهداء وان مات على فراشه رواه مسلم وعن ابي هريرة

شهیدان اگرچه بمیرد آنکس بر فراش خود رواه مسلم و روایت است از ابی هریره

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ما تعدون الشهيد

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چه میشمارید که شهید کیست در میان شما

فيكم قالوا يا رسول الله من قتل في سبيل الله فهو شهيد

گفتند یا رسول الله کسیکه کشته شده در راه خدا پس وے شهید است

قال إن شهداء أمتي إذا لقليل من قتل في سبيل الله فهو

گفت آنحضرت پس بدرستیکه شهیدان امت من برین تقدیر مر آئینه کم اند کسیکه کشته شود در راه

شهيد ومن مات في سبيل الله فهو شهيد ومن مات في الطاعون

شهید است و کسیکه میرد در راه خدا پس وے شهید است و کسیکه میرد در علت طاعون

فهو شهيد ومن مات في البطن فهو شهيد رواه مسلم وعن

پس وے شهید است و کسیکه میرد در علت شکم پس وے شهید است روایت کرد مسلم و روایت است

أنس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الطاعون

از انس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که طاعون

شهادة لكل مسلم متفق عليه وعن عائشة قالت

سبب شهادت است هر مسلمان را متفق علیه روایت است از عائشه رض گفت

سألت رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الطاعون فأخبرني

که پرسیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را از حقیقت طاعون پس خبر داد مرا

أنه عذاب يبعثه الله على من يشاء وأن الله جعله رحمة

آنحضرت که طاعون عذابیست که می‌فرستد آن را پروردگار بر هر که میخواهد و خدا گردانید وے را رحمت

للمؤمنين وليس من أحد يقع الطاعون فيمكث في بلده صابرا

مر مومنان را و نیست هیچ یکی که واقع میشود طاعون پس درنگ کند در شهر خود صبر کننده

محتسبا يعلم أنه لا يصيبه إلا ما كتب الله له إلا كان له مثل أجر

چشم دارنده مر اجر و ثواب در حالیکه یقین دارد که نمیرسد او را از مصیبت مگر آنچه نوشته است خدا

شهيد رواه البخاري وعن سليمان بن صرد قال قال

شهید روایت کرد البخاری و روایت است از سلیمان بن صرد رض گفت که فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم من قتله بطنه لم يعذب

آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه کشت او را شکم او عذاب کرده نشود

في قبره رواه احمد والترمذي وعن ابن عباس قال قال

در قبر او رواه احمد و ترمذی و روایت است از ابن عباس رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم موت غربة شهادة رواه

آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردن در غربت شهادت است رواه

ابن ماجة وعن عبد الله بن عمرو قال توفي رجل

ابن ماجه و روایت است از عبد الله بن عمرو رض گفت فوت کرد مردی

بالمدينة ممن ولد بها فصلى عليه النبي صلى الله عليه

بمدینه از آن کسانیکه زاییده شده بودند بمدینه پس نماز گذارد بر او آنحضرت صلی الله علیه

فقال يا ليته مات بغير مولده قالوا ولم ذاك يا رسول الله صلى

پس فرمود آنحضرت ای کاشکی میمرد این مرد در غیر جای زایش خود گفتند اصحاب چرا است این یا رسول الله

الله عليه وسلم قال ان الرجل اذا مات بغير مولده قيس له

صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه مرد چون بمیرد در غیر مولد خود اندازه گرفته شود او را

من مولده الى منقطع اثره في الجنة رواه النسائي وابن ماجة

از مولد او تا جای بریده شدن نشان پای او در بهشت رواه نسائی و ابن ماجه

وعن ابي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من مات مريضا مات شهيدا ووقي فتنة القبر وغدي وريح

کسیکه مرد بیمار مرد شهید و نگاه داشته شود از فتنه قبر و عذاب وی و رسید او را

عليه برزقه من الجنة رواه ابن ماجة والبيهقي في

برزق از بهشت رواه ابن ماجه و بیهقی در

شعب الإيمان وعن جابر أن رسول الله صلى الله عليه

شعب ايمان ، و روايت ست از جابر رض كه آنحضرت صلى الله عليه

وسلم قال الفار من الطاعون كالفار من الزحف والصابر

و سلم فرمود كه گريزنده از طاعون همچو گريزنده از جنگ كافران است و صبر كننده

فيه له أجر شهيد رواه أحمد وعن سعيد بن زيد

در طاعون سزاوار اجر شهيد است رواه احمد و روايت ست از سعيد بن زيد رض

أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من قتل دون

كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود كسيكه كشته شد نزد

دينه فهو شهيد ومن قتل دون دمه فهو شهيد ومن قتل

دين خود پس وى شهيد است و كسيكه كشته شد نزد خون خود پس وى شهيد است و كسيكه كشته

دون ماله فهو شهيد ومن قتل دون أهله فهو شهيد رواه

براى حفظ مال خود پس وى شهيد است و كسيكه كشته شد براى عيال خود پس وى شهيد است

الترمذي وأبو داود والنسائي وعن أم حرام عن

رواه ترمذى و ابو داود و نسائى و روايت ست از ام حرام رض از

النبي صلى الله عليه وسلم قال المائد في البحر الذي

حضرت صلى الله عليه وسلم كه فرمود آنحضرت جنبنده دريا كه ميگردد

يصيبه القيء له أجر شهيد والغريق له أجر شهيدين

سرش بجنبيدن كشتى و ميرسد او را قى و غثيان مر او را اجر شهيد است و غرق شونده در دريا مر او را

رواه أبو داود وعن أبي مالك الأشعري قال

رواه ابو داود و روايت ست از ابى مالك اشعرى رض گفت

سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من فصل

كه شنيدم آنحضرت را صلى الله عليه وسلم كه ميگفت كسيكه بيرون شد

فی سبیل الله فمات او قتل او وقصه فرسه او بعیره
از وطن در راه خدا پس مرد یا کشته شود یا بیندازد او را اسپ وی یا شتر وی
او لدغته هامة او مات علی فراشه بای حتف شاء الله
یا بگزد او را گزنده یا مرد بر فرش خود بهر مرگی که خواهد خدا
فانه شهید وان له الجنة رواه ابو داود وعن
پس بدرستیکه وی شهید است و بدرستیکه مر او راست بهشت روایت کرد ابو داود و روایت است از
عتبة بن عبد السلمی رض قال قال رسول الله صلی الله علیه
عتبه بن عبد سلمی رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه
القتلی ثلثة مؤمن جاهد بنفسه وماله فی سبیل الله
کشتگان سه قسم اند یکی مسلمانی ست که جهاد کرد بنفس خود و مال خود در راه خدا
فاذا لقی العدو قاتل حتی یقتل قال النبی صلی
پس چون ملاقات کرد دشمن را قتال کرد تا آنکه کشته شد فرمود آنحضرت صلی
الله علیه وسلم فیه فذلك الشهید الممتحن فی
الله علیه وسلم در شان این شخص پس آن شهید است امتحان کرده شده
خیمة الله تحت عرشه لا یفضله النبیون الا بدرجة النبوة
در خیمه خدا است زیر عرش وی فاضل و زیاده نمی شود آن شهید را پیغمبران مگر بدرجه نبوت
ومؤمن خلط عملا صالحا وآخر سیئا جاهد بنفسه وماله
و دوم از کشتگان مسلمانیکه آمیخت کردار نیک و کردار بد جهاد کرد بنفس خود و مال خود
فی سبیل الله اذا لقی العدو قاتل حتی یقتل قال النبی
در راه خدا و چون ملاقات کند دشمن را قتال کند تا آنکه کشته شود گفته است آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فیه ممصمصة محت ذنوبه وخطایاه
صلی الله علیه وسلم در شان این مجاهد این ستانی ست که محو میکند گناهان او را

إِنَّ السَّيْفَ مَحَّاءٌ لِلْخَطَايَا وَأُدْخِلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَ

بدرستیکه شمشیر و کشته شدن بدان محو و پاک گرداننده است مر گناهان او را و در آورده شود از هر دری که خواهد

وَمُنَافِقٌ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فَإِذَا لَقِيَ الْعَدُوَّ قَاتَلَ حَتّٰى

و سوم از کشتگان منافقی است که جهاد کرد بنفس و مال خود و پس چون ملاقات کرد دشمن را قتال میکند تا آنکه

يُقْتَلَ فَذٰلِكَ فِي النَّارِ إِنَّ السَّيْفَ لَا يَمْحُو النِّفَاقَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ

کشته می شود و پس آن منافق در آتش دوزخ است بدرستی شمشیر محو نمی کند نفاق را روایه دارمی

وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رض

و روایت است از فضاله بن عبید انصاری که شنیدم عمر بن خطاب رض را

يَقُوْلُ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ

که میگفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه و سلم که میگفت

اَلشُّهَدَاءُ أَرْبَعَةٌ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيْمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

شهیدان چهار کس اند یکی مرد مسلمان نیک و بشیر ایمان که ملاقات کرده است دشمنان را

فَصَدَقَ اللّٰهَ حَتّٰى قُتِلَ فَذٰلِكَ الَّذِيْ يَرْفَعُ النَّاسُ إِلَيْهِ أَعْيُنَهُمْ

پس راست گو گردانید خدا را تا آنکه کشته شد آن مرد پس آن مرد آنکسی است که بر میدارند مردم بسوی او

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ هٰكَذَا وَرَفَعَ رَأْسَهُ حَتّٰى سَقَطَتْ قَلَنْسُوَتُهُ

روز قیامت خود همچنین بر داشته سر خود را برای بیان تا آنکه افتاد کلاه وی بجهت مبالغه

فَمَا أَدْرِيْ أَقَلَنْسُوَةَ عُمَرَ أَرَادَ أَمْ قَلَنْسُوَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

راوی گو یا نمیدانم که کلاه عمر رض مراد داشته است یا کلاه آنحضرت را صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَرَجُلٌ مُؤْمِنٌ جَيِّدُ الْإِيْمَانِ لَقِيَ الْعَدُوَّ

علیه و سلم گفت آن حضرت و شهید دیگر مردی مؤمن قوی ایمان است که ملاقات کرده

كَأَنَّمَا ضُرِبَ جِلْدُهُ بِشَوْكِ طَلْحٍ مِنَ الْجُبْنِ أَتَاهُ

گویا زده شده است پوست او بخارهای درختان خاردار از جهت ترس رسید او را

سهم غرب فقتله فهو في الدرجة الثانية ورجل مؤمن

تیری کہ اندازہ وے معلوم نیست پس کشت او را پس این شہید در پایۂ دوم است وشہید سوم مرد مومن

خلط عملا صالحا وآخر سيئا لقي العدو فصدق الله حتى

کہ آمیختہ است کردار نیک را و کردار دیگر را کہ بد است ملاقات کرد دشمن را پس تصدیق خدا را تا آنکہ

قتل فذلك في الدرجة الثالثة ورجل مؤمن أسرف على

کشتہ شد پس آن مرد در درجۂ سوم است وچہارم آن کہ مسلمان است ولیکن اسراف کردہ است بر

نفسه لقي العدو فصدق الله حتى قتل فذلك في

نفس خود ومعصیت بسیار کردہ است وملاقات کرد دشمن را پس تصدیق کرد خدا را تا آنکہ کشتہ شد پس آن مرد در

الدرجة الرابعة رواه الترمذي وعن أبي هريرة رض

پایۂ چہارم است از ہمہ پایان تر رواہ ترمذی وروایت است از ابی ہریرہ رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الشهداء خمسة

گفت فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ شہیدان پنج قسم اند

المطعون والمبطون والغريق وصاحب الهدم والشهيد

یکے آنکہ بعلت طاعون مردہ دوم آنکہ بعلت اسہال و انتفاخ بطن جان دادہ است سوم آنکہ در آب غرق شدہ باشد

في سبيل الله متفق عليه وعن جابر بن عتيك قال

و پنجم کشتہ شود در راہ خدا متفق علیہ وروایت است از جابر رض بن عتیک رض کہ گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الشهادة سبع

فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ شہادت ہفت نوع است

سوى القتل في سبيل الله المطعون شهيد والغرق شهيد

سوای کشتہ شدن در راہ خدا طاعون زدہ شہید است وغرق شدہ شہید است

وصاحب ذات الجنب شهيد والمبطون شهيد وصاحب الحريق

وصاحب ذات الجنب شہید است والمبطون کہ بمرض شکم مردہ شہید است وصاحب آتش زدگی

شَهِيدٌ وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ وَالْمَرْأَةُ تَمُوتُ

شهید است وکسیکه مرده است زیر هدم بنا شهید است وزنیکه بمیرد بسبب زائیدن

بِجُمْعٍ شَهِيدٌ رَوَاهُ مَالِكٌ وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ

یعنی آن نیز شهید است روایه مالک وابو داود والنسائی

كِتَابُ الصَّيْدِ وَالذَّبَائِحِ

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ

حرام کرده شد بر شما مردار وخون وگوشت خوک وآنچه آواز کرده شود

لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ

از غیر خدا آن وآنچه بفشردن گلو مرده باشد وآنچه بچوب وسنگ زدن مرده باشد وآنچه از بلندی زیر افتاده وآنچه شاخ زده مرده باشد

وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ

وآنچه خورده درنده باشد مگر آنچه ذبح کنید وحرام کرده شد آنچه ذبح شده بر بتها

وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ

وآنچه قسمت کنید به تیرها این فسق است

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص رضه که آنحضرت

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا فَمَا فَوْقَهَا

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه کشت گنجشک را پس چیزیرا که فوق او است

بِغَيْرِ حَقِّهَا سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْ قَتْلِهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا

در صغر یا در کبر بغیر حق آن بپرسد او را خدا از قتل آن گفته شد یا رسول الله وچیست

حَقُّهَا قَالَ أَنْ يَذْبَحَهَا فَيَأْكُلَهَا وَلَا يَقْطَعَ رَأْسَهَا

حق آن فرمود ... آنست که ذبح کند او را پس بخورد او را ونبرد سر او را

فيرمي بها رواه احمد والنسائي والدارمي وعن

پس بیندازد آنرا روایت کرد احمد و نسائی و دارمی و روایت است از

ابن عمر رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

ابن عمر رض گفت آنحضرت را شنیدم صلی الله علیه

وسلم ينهى ان تصبر بهيمة او غيرها للقتل متفق عليه

وسلم که نهی میکرد از انکه صبر داده شود یعنی حبس کرده شود چارپایه و غیر آن از برای قتل

وعنه ان النبي صلى الله عليه وسلم لعن من اتخذ

وهم از وے مرویست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم لعنت کرده است کسیرا که گرفت چیزی

شيئا فيه الروح غرضا متفق عليه وعن جابر

چیزیرا که درو روح است هدف و نشانه متفق علیه و روایت است از جابر رض

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الضرب في

گفت که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم از زدن در

الوجه وعن الوسم في الوجه رواه مسلم وعنه

روے بطمانچه یا تازیانه و جز آن که بیا باشد یا چیزی و نهی کرد از داغ کردن در روے روایت کرد مسلم و هم

ان النبي صلى الله عليه وسلم مر عليه حمار وقد وسم

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم گذشت بروے خرے حال آنکه تحقیق داغ کرده شده

في وجهه قال لعن الله الذي وسمه رواه مسلم

در روے او خر گفت آنحضرت لعنت کناد خدای تعالی آنکسیرا که داغ کرده است اورا روایت کرد مسلم

وعن انس قال غدوت الى رسول الله صلى الله

و روایت است از انس رض گفت بامداد بردم بسوے آنحضرت صلی الله

عليه وسلم بعبد الله بن ابي طلحة ليحنكه فوافيته

علیه وسلم عبد الله بن ابی طلحه را تا تحنیک کند آنحضرت او را پس یافتم من آنحضرت را

فِي يَدِهِ الْمِيسَمُ يَسِمُ إِبِلَ الصَّدَقَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

درحالیکه در دست اوست آہنے داغ میکرد شتران زکوٰۃ را تا متمیز شوند از دیگر متفق علیہ

بَابُ ذِكْرِ الْكَلْبِ

باب در ذکر کلب یعنے کدام سگ نگاہداشتن جائز است و کدام جائز نیست

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم

مَنِ اقْتَنٰى كَلْبًا اِلَّا كَلْبَ مَاشِيَةٍ اَوْ ضَارٍ نُقِصَ مِنْ عَمَلِهٖ

کسیکہ گرد آرد یعنے نگاہدارد سگے را مگر سگے کہ برای نگاہبانی مواشی نگاہدارد یا سگ شکاری نقص از

كُلَّ يَوْمٍ قِيرَاطَانِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ رض

ہر روز دو قیراط متفق علیہ و روایت است از ابی ہریرہ رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اتَّخَذَ كَلْبًا

کہ فرمود آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم کسیکہ بگیرد سگے را

اِلَّا كَلْبَ مَاشِيَةٍ اَوْ صَيْدٍ اَوْ زَرْعٍ انْتَقَصَ مِنْ اَجْرِهٖ

مگر سگے کہ نگاہبانی مواشی میکند یا شکار میکند یا نگاہبانی زراعت میکند نقصان کرده شود

كُلَّ يَوْمٍ قِيرَاطٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُغَفَّلٍ

ہر روز یک قیراط متفق علیہ و روایت است از عبد اللہ بن مغفل رض

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَوْلَا اَنَّ الْكِلَابَ اُمَّةٌ

کہ آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم فرمود اگر نمی بود کہ این سگان امتی

مِنَ الْاُمَمِ لَاَمَرْتُ بِقَتْلِهَا كُلِّهَا فَاقْتُلُوا مِنْهَا كُلَّ اَسْوَدَ

از امتہا اند ہر آئینہ امر میکردم بکشتن آن ہمہ پس چون سبیل نیست کشتن ہمہ ایں بکشید

بَهِيمٍ رَوَاهُ اَبُو دَاوٗدَ وَالدَّارِمِيُّ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

کہ زیان کنندہ تر است رواہ ابوداؤد و دارمی و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ التَّحْرِيشِ بَيْنَ

که نهی کرده است آنحضرت صلی الله علیه وسلم از برغلانیدن وجنگ انداختن میان

الْبَهَائِمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُوْدَاوُدَ وَعَنْ اَبِيْ هُرَيْرَةَ

چارپایها رواه ترمذی وابوداود در روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصْحَبُ الْمَلٰٓئِكَةُ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم همراه نمی شوند فرشتگان

رُفْقَةً فِيْهَا كَلْبٌ وَلَا جَرَسٌ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ

گروهے را که دران سگ است ونه گروهے را که جرس است رواه مسلم در روایت است از ابن عباس

عَنْ مَيْمُوْنَةَ رضـ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَصْبَحَ

از میمونه رضـ آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم صبح کرد

يَوْمًا وَاجِمًا وَقَالَ اِنَّ جِبْرِيْلَ كَانَ وَعَدَنِيْ اَنْ يَلْقَانِيْ

روزے خاموش واندوهگین وگفت آنحضرت در بیان سبب دلگیری آنکه جبرئیل وعده کرده بود مرا که ملاقات

اللَّيْلَةَ فَلَمْ يَلْقَنِيْ اَمَا وَاللّٰهِ مَا اَخْلَفَنِيْ ثُمَّ وَقَعَ فِيْ نَفْسِهٖ

امشب که گذشت پس ملاقات نکرد مرا آگاه باشید سوگند بخدا خلاف وعده نکرد جبرئیل آنگاه بخاطر شریف

جِرْوُ كَلْبٍ تَحْتَ فُسْطَاطٍ لَّهٗ فَاَمَرَ بِهٖ فَاُخْرِجَ ثُمَّ اَخَذَ

سگ بچه که افتاده بود زیر خیمه که بود مرآنحضرت را پس امر کرد به برآوردن آن پس بیرون آورده شد

بِيَدِهٖ مَاءً فَنَضَحَ مَكَانَهٗ فَلَمَّا اَمْسٰى لَقِيَهٗ جِبْرِيْلُ فَقَالَ

بدست شریف آن را پس پاشید آنحضرت در جائیکه سگ بچه نشسته بود پس هرگاه شام کرد پیش او آمد

لَقَدْ كُنْتَ وَعَدْتَنِيْ اَنْ تَلْقَانِي الْبَارِحَةَ قَالَ اَجَلْ وَلٰكِنَّا

آنحضرت تحقیق وعده کرده بودی تو با که ملاقات خواهی کرد مرا دوشب گفت جبرئیل ولیکن ما فرشتگان

لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيْهِ كَلْبٌ وَّلَا صُوْرَةٌ فَاَصْبَحَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

درنمی آئیم خانه را که درو سگ است یا صورت پس صبح کرد پیغمبر خدا

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَئِذٍ فَأَمَرَ بِقَتْلِ الْكِلَابِ حَتّٰى أَنَّهُ يَأْمُرُ

صلی اللہ علیہ وسلم آن یوم کہ شنید از جبرئیل این سخن پس امر کرد بکشتن سگان تا آنکہ جنبان شد کہ امر

بِقَتْلِ كَلْبِ الْحَائِطِ الصَّغِيْرِ وَيَتْرُكُ كَلْبَ الْحَائِطِ الْكَبِيْرِ

بکشتن سگ بوستان خورد و بیگذاشت سگ بوستان بزرگ کہ در آن زیادت احتیاج ہست

رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ أَبِيْ هُرَيْرَةَ رضـ قَالَ كَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

روایت مسلم و روایت ہست از ابی ہریرہ رضـ کہ بود آن حضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْتِيْ دَارَ قَوْمٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَدُوْنَهُمْ

صلی اللہ علیہ وسلم ـــے آمد سرائے قومی را از انصار را و نزد شان

دَارٌ فَشَقَّ ذٰلِكَ عَلَيْهِمْ فَقَالُوْا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ تَأْتِيْ دَارَ فُلَانٍ

سرا دیگر بود پس دشوار آمد آمدن آنحضرت نزد آن قوم بر ایشان پس گفتند یا رسول اللہ می آئی سرای فلان را

وَلَا تَأْتِيْ دَارَنَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِأَنَّ فِيْ

و نمی آئی سرائے ما را فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم ہر آئینہ در

دَارِكُمْ كَلْبًا قَالُوْا إِنَّ فِيْ دَارِهِمْ سِنَّوْرًا فَقَالَ النَّبِيُّ

سرائے شما سگ ہست گفتند بدرستیکہ در سرای شان گربہ ہست پس فرمود آن حضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السِّنَّوْرُ سَبُعٌ رَوَاهُ الدَّارَقُطْنِيُّ

صلی اللہ علیہ وسلم گربہ از قسم درندہ ہست مضایقہ ندارد رواہ دارقطنی

بَابُ قَتْلِ الْمُؤْذِيَاتِ

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضـ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

روایت ہست از ابن عمر رضـ کہ وے شنید آنحضرت را صلی اللہ علیہ وسلم

يَقُوْلُ اقْتُلُوا الْحَيَّاتِ وَاقْتُلُوْا ذَا الطُّفْيَتَيْنِ وَالْأَبْتَرَ فَإِنَّهُمَا

کہ میگفت بکشید ماران را بکشید مار رخدار او نادو وطفیہ را و بکشید مار بریدہ کہ نام او ابتر ہست پس بدرستیکہ

يطمسان البصر ويستسقطان الحبل قال عبد الله فبينا

این دو قسم مار نابینا میگردانند بینائی را و طفل را بیفگنانند یعنی ساقط میکنند بار شکم را گفت عبدالله

أنا أطارد حية أقتلها ناداني أبو لبابة لا تقتلها

آنکه حمله می آوردم ماری را که بکشتم او را آواز داد مرا ابو لبابه انصاری که مکش این مار را

فقلت إن رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بقتل الحيات

پس گفتم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرده است بکشتن ماران تو چون منع می کنی

فقال إنه نهى بعد ذلك عن ذوات البيوت وهن العوامر

پس گفت بدرستی آنحضرت نهی کرد بعد از امر کردن از کشتن خانه و این ماران که دائما ساکن

متفق عليه وعن أم شريك أن رسول الله صلى

متفق علیه در روایت است از ام شریک رض که آنحضرت صلی الله

الله عليه وسلم أمر بقتل الوزغ وقال كان ينفخ على

علیه وسلم امر کرده است بکشتن سام ابرص و فرمود آنحضرت بود وزغ که دم میکرد

إبراهيم متفق عليه وعن سعد بن أبي وقاص أن

بر ابراهیم متفق علیه در روایت است از سعد بن ابی وقاص رض

رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بقتل الوزغ وسماه

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم امر کرد بقتل وزغ و نام کرده است او را

فويسقا رواه مسلم وعن أبي هريرة أن رسول الله

فاسقک رواه مسلم در روایت است از ابی هریره رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من قتل وزغا في أول ضربة

صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه بکشد سام ابرص را در اول زدن

كتبت له مائة حسنة وفي الثانية دون ذلك وفي الثالثة

نوشته شود صد نیکی و در دومی کمتر از آن نیکی و در سوم نوشته میشود برای وی فرود حسنه ...

دُونَ ذٰلِكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ

نوشته نمی‌شود واو را کمتر زدن دوم رواه مسلم و هم از وی روایت گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرَصَتْ نَمْلَةٌ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَأَمَرَ بِقَرْيَةِ

صلی الله علیه وسلم گزید مورچه پیغمبری از پیغمبران را پس امر کرد بقریه

النَّمْلِ فَأُحْرِقَتْ فَأَوْحَى اللّٰهُ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ قَرَصَتْكَ نَمْلَةٌ أَحْرَقْتَ

مورچه که سوخته شد پس وحی فرستاد خدای تعالی بسوی آن پیغمبر از جهت گزیدن یک مورچه

أُمَّةً مِنَ الْأُمَمِ تُسَبِّحُ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ

مورچه سوختی تو گروهی را از گروهها یعنی گروهی که تسبیح میکنند خدا را متفق علیه و روایت است

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَسُبُّوا الدِّيكَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم دشنام مدهید خروس را

فَإِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلٰوةِ رَوَاهُ أَبُو دَاوٗدَ وَعَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ

زیرا که وی بیدار می‌کند برای نماز رواه ابو داود و روایت است از عبد الرحمن

ابْنِ أَبِي لَيْلٰى قَالَ قَالَ أَبُو لَيْلٰى قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

ابن ابی لیلی گفت که فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ظَهَرَتِ الْحَيَّةُ فِي الْمَسْكَنِ فَقُولُوا لَهَا إِنَّا

علیه وسلم چون که پیدا آید مار در جای سکونت پس بگوئید مر آن مار را بدرستیکه ما

نَسْأَلُكِ بِعَهْدِ نُوحٍ وَبِعَهْدِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوٗدَ أَنْ لَا تُؤْذِيَنَا

سوال میکنیم ترا بعهد نوح و بعهد سلیمان بن داود اینکه آزار نرسانی ما را

فَإِنْ عَادَتْ فَاقْتُلُوهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

پس اگر باز گردد و بیاید پس بکشید او را رواه ترمذی و روایت است از ابی هریره

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما سالمناهم منذ حاربناهم ومن ترك شيئا منهم خيفة

صلح نکرده ایم ما ایشان را از ان باز که جنگ کرده ایم با ایشان و کسیکه ترک کند و نکشد چیزی را از ایشان

فليس منا رواه ابو داود وعن ابن مسعود رض قال قال

پس نیست آن کس از ما رواه ابوداود و روایت است از ابن مسعود رض گفت فرمود

رسول الله صلى الله عليه وسلم اقتلوا الحيات كلهن

آن حضرت صلی الله علیه وسلم بکشید ماران همه ماران را

فمن خاف ثارهن فليس مني رواه ابو داود والنسائي

پس کسیکه بترسد کینه کشی آنها را پس نیست آنکس از من رواه ابوداود والنسائی

وعن ابن مسعود رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن مسعود رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال اقتلوا الحيات كلها الا الجان الابيض الذي كانه

فرمود بکشید ماران را همه ماران را مگر مار جن سفید را آنکه مانند

قضيب فضة رواه ابو داود وعن ابي هريرة رض قال

شاخ نقره است رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا وقع الذباب

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم وقتیکه بیفتد مگس در آوند

في اناء احدكم فامقلوه فان في احد جناحيه داء وفي

یکی از شما پس غوطه دهید او را در آن ظرف پس بدرستیکه در یکی از دو بازوی او زهر است و در بازوی دیگر

الاخر شفاء فانه يتقي بجناحه الذي فيه الداء فليغمسه كله رواه

شفا است پس بدرستیکه نگاه میدارد نفس خود را بسبب بازوی خود که در وی زهر است پس باید که غوطه دهد

ابو داود وعن ابي سعيد الخدري رض عن النبي

ابوداود و روایت است از ابی سعید خدری رض از آن حضرت

٥٥ و گفته اند شاید که نهی در کشتن این نوع بجهت آنست که وی زبان نمی کند و زهر ندارد ١٢

صلى الله عليه وسلم قال اذا وقع الذباب في الطعام

صلى الله عليه وسلم كه گفت وقتيكه بيفتد مگسے در طعام

فامقلوه فان في احد جناحيه سما وفي الاخر شفاء وانه

پس غوطه زنيد او را پس بدرستيكه در يكى از دو بازوے او زهر است و در بازوے ديگر شفاست بدرستى كه

يقدم السم ويؤخر الشفاء رواه في شرح السنة وعن ابن

پيشتر مى اندازد بازوى زهر را و پس مے اندازد بازوى شفا را رواه در شرح السنة و روايت است از

عباس قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن قتل

ابن عباس كه آنحضرت نهى كرده است صلى الله عليه وسلم از كشتن

اربع من الدواب النملة والنحلة والهدهد والصرد رواه

چهار از دواب يكے مورچه كه پيش ازاكه بگزد دوم مگس شهد سوم هدهد چهارم صرد رواه

ابو داؤد والدارمي وعن ابي ثعلبة الخشني يرفعه الجن

ابو داؤد و الدارمي و روايت است از ابي ثعلبه خشني كه رفع ميكند حديث را الجن

ثلثة اصناف صنف لهم اجنحة يطيرون في الهواء

سه گونه اند و سه قسم قسمے هستند كه مر ايشان را بازوها است كه مى پرند در هوا

وصنف حيات وكلاب وصنف يحلون ويظعنون

و قسمے ديگر ماران و سگان اند و صنفے ديگر كه فرود مى آيند در جاها و بقعها و اقامت كنند در آن

رواه في شرح السنة

رواه در شرح السنة

باب الاطعمة

باب در بيان آداب طعام

عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روايت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

لَا يَأْكُلَنَّ أَحَدُكُمْ بِشِمَالِهِ وَلَا يَشْرَبَنَّ بِهَا فَإِنَّ الشَّيْطَانَ

البته باید که نخورد یکی از شما بدست چپ البته باید که ننوشد بدست چپ هم زیرا که شیطان میخورد

يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ جَابِرٍ رض قَالَ

بدست چپ و می نوشد بدست چپ روایه مسلم و روایت است از جابر رض گفت

سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ

شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میگفت بدرستیکه شیطان حاضر می شود

أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ حَتَّى يَحْضُرَ عِنْدَ طَعَامِهِ فَإِذَا

یکی از شما را نزد هر چیز از شان آن یکی تا آنکه حاضر می شود نزد طعام وی پس چون

سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمُ اللُّقْمَةُ فَلْيُمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَذًى ثُمَّ

بیفتد از دست یکی از شما لقمه پس باید که دور کند از آن لقمه چیزی که بآن چسپیده است بآن از آنچه کراهت می آرد

لِيَأْكُلْهَا وَلَا يَدَعْهَا لِلشَّيْطَانِ فَإِذَا فَرَغَ فَلْيَلْعَقْ أَصَابِعَهُ

بخورد آنرا و نگذارد آنرا برای شیطان پس چون فارغ شود از خوردن پس باید که بلیسد انگشتان

فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ تَكُونُ الْبَرَكَةُ رَوَاهُ

پس بدرستیکه وی نمیداند که در کدام جزو از اجزای طعام وی میباشد برکت روایه

مُسْلِمٌ وَعَنْ نُبَيْشَةَ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

مسلم و روایت است از نبیشه رض که آن حضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَكَلَ فِي قَصْعَةٍ فَلَحِسَهَا اسْتَغْفَرَتْ لَهُ

وسلم فرمود کسیکه بخورد در کاسه پس بلیسد بعد از خوردن کاسه برای آمرزش میخواهد

الْقَصْعَةُ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ وَالدَّارِمِيُّ

برای وی کاسه روایه احمد و الترمذی و ابن ماجه و الدارمی

وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض قَالَ كَانَ أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى رَسُولِ اللّٰهِ

و روایت است از ابن عباس رض گفت بود دوسترین طعام نزد پیغمبر خدا

صلى الله عليه وسلم الثريد من الخبز والثريد من الحيس

صلى الله علیه وسلم اشکنه از نان و اشکنه از حیس

رواه ابو داود وعن ام هانئ رض قالت دخل على النبي

رواه ابو داود در روایت ست از ام هانی رض گفت که داخل شد بر من آنحضرت

صلى الله عليه وسلم فقال اعندك شيء فقلت لا الا خبز

صلی الله علیه وسلم پس گفت آیا هست نزد تو چیزی گفتم نیست چیزی مگر نان خشک

يابس وخل فقال هاتي ما اقفر بيت فيه خل رواه الترمذي

و سرکه پس فرمود بیار آنچه حاضر ست خالی نیست از نان خورش خانه که در وی سرکه هست روایت کرد ترمذی

وعن ابي جحيفة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه

در روایت ست از ابی جحیفه رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم لا آكل متكئا رواه البخاري وعن قتادة رض عن

وسلم نمیخورم طعام را تکیه کرده رواه بخاری در روایت ست از قتاده رض که

انس رض قال ما اكل النبي صلى الله عليه وسلم على خوان ولا

گفت انس رض نخورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم طعام را نهاده برخوان و نخورد

في سكرجة ولا خبز له مرقق قيل لقتادة على ما يأكلون

در سکرجه یعنی اناء صغیر و پخته نشد برای آنحضرت نان تنک و نخورده است گفته شد مر قتاده را

قال على السفر رواه البخاري وعن ابي هريرة رض قال ما

گفت بر سفره ها رواه بخاری در روایت ست از ابی هریره رض که گفت

عاب النبي صلى الله عليه وسلم طعاما قط ان اشتهاه اكله

عیب نکرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هیچ طعامی را هرگز و اگر خوش میبود آن طعام که بخورد

وان كرهه تركه متفق عليه وعن عائشة رض قالت

و اگر ناخوش میداشت آنرا نمی خورد متفق علیه در روایت ست از عائشه گفت

كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُحِبُّ الْحَلْوَاءَ وَالْعَسَلَ

بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دوست میداشت حلوا و شهد را

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَعَنْ جَابِرٍ رض اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رواه البخاری و روایت است از جابر رض بدرستیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم

سَأَلَ اَهْلَهُ الْاُدُمَ فَقَالُوْا مَا عِنْدَنَا اِلَّا الْخَلُّ فَدَعَا بِهِ فَجَعَلَ

طلبید از خانهٔ خود نانخورش را پس گفتند نیست نزد ما مگر سرکه پس طلبید سرکه را پس شروع کرد

يَأْكُلُ بِهِ وَيَقُوْلُ نِعْمَ الْاِدَامُ الْخَلُّ نِعْمَ الْاِدَامُ الْخَلُّ رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ

نان با آن سرکه و میگفت نیکو نانخورش است سرکه نیکو نانخورش است سرکه رواه مسلم و از

اَبِيْ اَيُّوْبَ قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُرِّبَ طَعَامٌ

ابی ایوب رض مرویست گفت بودیم ما نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم پس نزدیک گردانیده شد طعامی

فَلَمْ اَرَ طَعَامًا كَانَ اَعْظَمَ بَرَكَةً مِنْهُ اَوَّلَ مَا اَكَلْنَا وَلَا اَقَلَّ بَرَكَةً

پس ندیدم هیچ طعامی را که بود عظیم تر از وی برکت از آن طعام در ابتداء وقت خوردن ما و ندیدم

فِيْ اٰخِرِهِ قُلْنَا يَا رَسُوْلَ اللهِ كَيْفَ هٰذَا قَالَ اِنَّا ذَكَرْنَا اسْمَ

در وقت آخر آن گفتیم ای رسول خدا چگونه بود این قال این طعام که بود اول برکت داشت و در آخر

اللهِ حِيْنَ اَكَلْنَا ثُمَّ قَعَدَ مَنْ اَكَلَ وَلَمْ يُسَمِّ اللهَ فَاَكَلَ

آخر کم برکت شد فرمود آنحضرت که ما خوردیم در ابتدا بنام خدا پس نشست کسیکه خورد نام خدا نبرد

مَعَهُ الشَّيْطَانُ رَوَاهُ فِيْ شَرْحِ السُّنَّةِ وَعَنْ عَائِشَةَ

با وی شیطان سبب بی برکتی این بود رواه فی شرح السنة و روایت است از عائشه رض

قَالَتْ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِذَا اَكَلَ اَحَدُكُمْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخورد یکی از شما

فَنَسِيَ اَنْ يَذْكُرَ اللهَ عَلٰى طَعَامِهِ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللهِ اَوَّلَهُ وَاٰخِرَهُ

پس فراموش کند ذکر کردن نام خدا را بر طعام خود در اول پس باید بگوید آخر یا اثنا که یاد آید بسم الله

رواه الترمذي وابو داود وعن امية بن مخشي رض قال

رواه ترمذي وابوداود وروايت است از اميه بن مخشي رض كه

كان رجل ياكل فلم يسم حتى لم يبق من طعامه الا لقمة

بود مردي كه طعام ميخورد پس بسم الله نكرد تا آنكه باقي نماند از طعام وي مگر يك لقمه

فلما رفعها الى فيه قال بسم الله اوله وآخره فضحك

پس هرگاه كه برداشت آن لقمه باقي مانده را بسوي دهن خود گفت بسم الله اوله وآخره پس

النبي صلى الله عليه وسلم ثم قال ما زال الشيطان ياكل

صلى الله عليه وسلم پس فرمود بود شيطان كه ميخورد

معه فلما ذكر اسم الله استقاء ما في بطنه رواه ابو داود

با وي تا اين هنگام پس اكنون برد اميه نام خدا را قي كرد شيطان چيزيكه در شكم وي بود رواه ابو داود

وعن ابي سعيد الخدري رض قال كان رسول الله

وروايت است از ابي سعيد خدري رض گفت بود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم اذا فرغ من طعامه قال الحمد لله الذي

صلى الله عليه وسلم چون فارغ مي شد از طعام خوردن ميگفت شكر خدا را

اطعمنا وسقانا وجعلنا مسلمين رواه الترمذي وابو داود وابن

كه بخورانيد ما را طعام و بنوشانيد آب ما را وگردانيد ما را مسلمان رواه ترمذي وابوداود وابن

ماجه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله

ماجه وروايت است از ابي هريره رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله

عليه وسلم الطاعم الشاكر كالصائم الصابر رواه الترمذي

عليه وسلم آنكه ميخورد و شكر بر نعمت حق ميكند مانند كسيكه روزه ميدارد و صبر ميكند رواه ترمذي

وعن ابن عباس رض عن النبي صلى الله عليه وسلم انه اتى

وروايت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلى الله عليه وسلم كه آورده شد

بقصعة من ثريد فقال كلوا من جوانبها ولا تأكلوا من

نزد آنحضرت کاسه از ثرید پس فرمود آنحضرت بخورید از جوانب و اطراف کاسه و مخورید از

وسطها فإن البركة تنزل في وسطها رواه الترمذي

میان آن زیرا که برکت در طعام نازل می‌شود بطعام میکند در میانه کاسه است رواه ترمذی

وعن عكراش بن ذؤيب قال أتينا بجفنة كثيرة

و روایت است از عکراش بن ذؤیب که آورده شد پیش ما کاسه کلان را که بسیار بود

الثريد والوذر فخبطت بيدي في نواحيها وأكل رسول الله

ثرید و گوشت پاره‌های استخوان پس زدم دست خود را در هر جانب جفنه و خورد آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من بين يديه فقبض بيده اليسرى على

صلی الله علیه وسلم از پیش خود پس گرفت آنحضرت بدست چپ خود دست راست مرا و زد

يدي اليمنى ثم قال يا عكراش كل من موضع واحد فإنه

دست من پس گفت ای عکراش بخور از یکجا زیرا که این یک

طعام واحد ثم أتينا بطبق فيه ألوان التمر فجعلت آكل

طعام است پس آورده شد نزد ما طبق که در وی خرما رنگ رنگ بود پس خوردن گرفتم آنرا

من بين يدي وجالت يد رسول الله صلى الله عليه وسلم

از پیش خود و گشت آنچه شنیدم از آنحضرت و جولان کرد دست پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

في الطبق فقال يا عكراش كل من حيث شئت فإنه غير لون

در طبق و از هر جانب میخورد پس فرمود آنحضرت یا عکراش بخور از هر جانب که خواهی زیرا که این یک

واحد ثم أتينا بماء فغسل رسول الله صلى الله عليه وسلم

یکرنگ نیست پس آورده شد نزد ما پس شست پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

يديه ومسح ببلل كفيه وجهه وذراعيه ورأسه وقال

هر دو دست خود را و مسح کرد به تری آب کف دست هر دو روی خود و مسح کرد هر دو دست

عمر انس هذا الوضوء مما مست النار رواه الترمذي

ای عمر انس این وضو از طعام است که لمس داده است آن را آتش و پخته شده است رواه ترمذی

وعن انس بن مالك قال قال رسول الله صلى الله

روایت است از انس بن مالک رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

عليه وسلم سيد ادامكم الملح رواه ابن ماجة وعن

علیه وسلم بهترین نان خورش شما نمک است رواه ابن ماجه روایت است

اسماء بنت ابي بكر انها كانت اذا اتيت بثريد امرت به

از اسماء بنت ابی بکر که بود عادت وی چون آورده میشد اشکنه ترید حکم میفرمود پوشیده نگاه داشته

فغطي حتى تذهب فورة دخانه وتقول اني سمعت رسول

میشد پوشیده میشد تا آنکه برود جوش و غلبه دود و گرمی وی و میگفت بدرستی شنیدم آنحضرت را

صلى الله عليه وسلم يقول هو اعظم للبركة رواه الدارمي

صلی الله علیه وسلم که میگفت این نگاه داشتن طعام موجب بسیار برکت است رواه دارمی

وعن نبيشة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من

و از نبیشه رض مروی است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه

اكل في قصعة ثم لحسها تقول له القصعة اعتقك الله

بخورد در کاسه لیسید باید میگوید مر او را کاسه که آزاد کند ترا خدا

من النار كما اعتقتني من الشيطان رواه رزين وعن انس

از آتش دوزخ چنانکه آزاد کردی تو مرا از شیطان رواه رزین و روایت است از انس رض

قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يكثر من الدباء فقلت

گفت بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اکثار و زیادتی میکرد از کدو پس گفتم

يا رسول الله انك لتحب الدباء فقال الدباء [illegible]

ای رسول خدا بدرستیکه شما بسیار دوست میدارید [illegible]

الدماغ ويزيد في العقل الذي ...

دماغ را و زیاده میکند عقل را روایت کرد دیلمی

باب الأشربة وبيان أواني الذهب والفضة

باب در ذکر انواع شرابها و حکم آن و بیان ظروف زر و سیم

عن أنس قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت ست از انس رض گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يتنفس في الشراب ثلاثا متفق عليه وزاد مسلم في رواية

که نفس میزد در آب خوردن سه نفس متفق علیه ست و زیادت کرد مسلم در روایتی دیگر این لفظ

ويقول إنه أروى وأبرأ وأمرأ وعن أم سلمة أن

و میگفت آنحضرت که آب باین صفت سیر کننده و صحت کننده و گوارنده ست و از ام سلمه روایت که

رسول الله صلى الله عليه وسلم قال الذي يشرب في آنية

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود آن کسیکه می نوشد در آوند

الفضة إنما يجرجر في بطنه نار جهنم متفق عليه وفي

نقره گویا می نوشد آنکس جرعه جرعه با واز در شکم خود آتش دوزخ را متفق علیه و در

رواية لمسلم إن الذي يأكل ويشرب في آنية الفضة والذهب

روایت دیگر مسلم را این عبارت ست هر که میخورد و مینوشد در آوند نقره و زر

وعن حذيفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه

و روایت ست از حذیفه رض گفت شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه

وسلم يقول لا تلبسوا الحرير ولا الديباج ولا تشربوا في آنية

وسلم که میگفت مپوشید جامهای ابریشمی و نه دیبا و منوشید در آوندها

الذهب والفضة ولا تأكلوا في صحافها فإنها لهم في الدنيا

طلا و نقره و مخورید در کاسها طلا و نقره زیرا که این اشیا کافران را ست در دنیا

وهي لكم في الآخرة متفق عليه وعن أبي سعيد الخدري

و آن مر شما راست در آخرت متفق علیه و روایت است از ابی سعید خدری

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الشرب من ثلمة

گفت که منع فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم از خوردن آب از سوراخ

القدح وأن ينفخ في الشراب رواه أبو داود وعن ابن عباس

قدح و کوزه و مانند آن و منع کرد از دم در دمیدن در آب رواه ابو داود و روایت است از ابن عباس

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أكل

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون بخورد

أحدكم طعاما فليقل اللهم بارك لنا فيه وأطعمنا

یکی از شما طعامی را پس باید که بگوید خدایا برکت ده ما را در وی و بخوران ما را

خيرا منه وإذا سقي لبنا فليقل اللهم بارك لنا فيه

طعامی بهتر از این طعام که خوردیم و چون بنوشد شیر را پس باید که بگوید خدایا برکت ده ما را

وزدنا منه فإنه ليس شيء يجزي من الطعام والشراب

و زیاده ده ما را از آن با این وجه که نیست چیزی که کفایت کند از طعام و شراب

إلا اللبن رواه الترمذي وأبو داود وعن ابن عمر

مگر شیر رواه ترمذی و ابو داود و از ابن عمر

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال من شرب في إناء

روایت است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بخورد آب در ظرف

ذهب أو فضة أو إناء فيه شيء من ذلك فإنما يجرجر

از طلا یا نقره یا بخورد در ظرفی که در آن ظرف چیزی از نقره یا طلا پس جز این نیست که

في بطنه نار جهنم رواه الدارقطني وعن

در شکم خود آتش دوزخ را رواه دارقطنی و روایت است از

أبي مالك الأشعري رض أنه سمع رسول الله صلى الله
ابی مالک اشعری رض که وے شنید آنحضرت صلے الله
وسلم يقول ليشربن ناس من أمتي الخمر يسمونها بغير اسمها
علیه وسلم را که میگفت هر آئینه باشد که بخورند بعضے مردمان از امت من خمر را نام می نهند خمر را
رواه أبو داود وابن ماجه وعن جابر رض قال سمعت
روایت کرد ابوداود وابن ماجه روایت است از جابر رض گفت شنیدم
النبي صلى الله عليه وسلم يقول إذا سمعتم نباح الكلب
پیغمبر خدا را صلے الله علیه وسلم که میگفت چون بشنوید آواز سگ
ونهيق الحمير من الليل فتعوذوا بالله من الشيطان الرجيم
و آواز خران را در شب پس پناه جوئید بخدا از شیطان رجیم
فإنهن يرين ما لا ترون وأقلوا الخروج إذا هدأت الرجل
زیرا که این سگان و خران می بینند چیزے را که نمی بینید شما و کمتر کنید بیرون آمدن را از خانه وقتیکه ساکن
فإن الله عز وجل يبث من خلقه في ليلته ما يشاء وأجيفوا
زیرا که خدا عز و جل پراگنده و بیرون می آرد از خلق خود در شب چیزے را که میخواهد و برهم زنید و بند کنید
الأبواب واذكروا اسم الله عليه فإن الشيطان لا يفتح بابا
در خانها را و بگوئید نام خدا را بران زیرا که شیطان نمی تواند کشود دری را
إذا أجيف وذكر اسم الله عليه وغطوا الجرار وأكفئوا
چون بسته شود و برده شود نام خدا و بپوشید دهان کوزه ها را که در وے
الآنية وأوكوا القرب رواه في شرح السنة وعن
آب نیست و نگونسار کنید ظرفها را که خالی باشد از چیزے و در وے نخسپید و دهان ببندید مشکها را روایت
ابن عباس رض قال جاءت فأرة تجر الفتيلة فألقتها بين
ابن عباس رض گفت آمد موشے در حالیکه میکشید این فاره فتیله را پس انداخت فتیله را

يدي رسول الله صلى الله عليه وسلم على الخمرة التي

پيش آنحضرت صلى الله عليه وسلم بر سجاده خمره از حصير كه آنحضرت بر آن نشسته بود

كان قاعدا عليها فأحرقت منها مثل موضع الدرهم فقال

پس سوخت آن فاره از آن خمره موضعى مقدار درهم پس فرمود

إذا نمتم فأطفئوا سرجكم فإن الشيطان يدل مثل هذه

چون بخوابيد بكشيد چراغهاى خود را زيرا كه شيطان راه مى نمايد مثل اين موش را

على هذا فيحرقكم رواه أبو داود

بر اين فعل پس ميسوزد شيطان باعث مى شود بر سوختن شما رواه ابوداود

باب الضيافة

باب در بيان فضل ضيافت وآداب آن

عن أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روايت است از ابى هريره رض كه گفت فرمود آنحضرت صلى الله عليه وسلم

من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليكرم ضيفه ومن

كسيكه ايمان دارد بخدا و روز آخرت پس بايد كه اكرام كند مهمان خود را وكسيكه

كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذ جاره ومن كان

ايمان آرد بخدا و روز جزا پس بايد كه ايذا نرساند همسايه را وكسيكه باشد

يؤمن بالله واليوم الآخر فليقل خيرا أو ليصمت وفي

ايمان دارنده بخدا و روز جزا سخن نيك بگويد يا خاموش ماند ودر

رواية بدل الجار من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فليصل

روايتى بدل جار اين لفظ آمده كسيكه ايمان آرد بخدا و روز آخرت پس بايد كه

رحمه متفق عليه وعن أبي شريح الكعبي رض أن رسول الله

رحم كند كه موجب وصل شود متفق عليه روايت است از ابى شريح كعبى رض بدرستيكه آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال من كان يؤمن بالله واليوم الآخر
صلى الله عليه وسلم فرمود كسيكه ايمان دارد با خدا و روز آخرت
فليكرم ضيفه جائزته يوم وليلة والضيافة ثلثة
پس بايد كه اكرام كند مهمان خود را عطيه وى تحفه وى يكروز و يكشب است و ضيافت مهمان دارى سه روز است
أيام فما بعد ذلك فهو صدقة ولا يحل له أن يثوي
و بعد ازان هرچه بدهد پس آن صدقه است و روا نيست مر مهمان را كه اقامت كند نزد ميزبان
عنده حتى يحرجه متفق عليه وعن أبي سعيد رض
تا آنكه در حرج و مشقت اندازد اورا متفق عليه و روايت است از ابى سعيد رض
عن النبي صلى الله عليه وسلم قال مثل المؤمن ومثل
از آنحضرت صلى الله عليه وسلم فرمود قصه حال مؤمن نسبت ايمان مانند قصه و حال
الإيمان كمثل الفرس في آخيته يجول ثم يرجع إلى آخيته وإن
اسپ است در آخيه جولان ميكند هر سو ميگردد و پس رجوع ميكند در آن بار بار بازمى‌آيد
المؤمن يسهو ثم يرجع إلى الإيمان فأطعموا طعامكم الأتقياء
مؤمن را همچنين سهو معصيت ميكند باز رجوع ميكند بسوى ايمان پس بخورانيد طعام خود را به پرهيزگاران
وأولوا معروفكم المؤمنين رواه البيهقي في شعب
و بدهيد عطيه خود را همه مؤمنان را روايت كرد بيهقى در شعب
الإيمان وأبو نعيم في الحلية وعن ابن عمر رض قال قال
الايمان و ابو نعيم در حليه و روايت است از ابن عمر رض گفت فرمود
رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا وضعت المائدة فلا
آنحضرت صلى الله عليه وسلم وقتيكه نهاده شود مائده پس بايد كه برنخيزد
يقوم رجل حتى ترفع المائدة ولا يرفع يده وإن شبع حتى يفرغ
هيچ مردى تا آنكه برداشته شود مائده و برندارد دست از طعام اگرچه سير گردد تا آنكه فارغ شوند

القوم وليعذر فإن ذلك يخجل جليسه فيقبض يده وعسى

مردم از خوردن و اگر چه دارد باید که عذر خواهد یا آنکه برکشد زیرا که دست بردارشتن میگرداند شرمنده همنشین را

أن يكون له في الطعام حاجة رواه ابن ماجة والبيهقي

وشاید که باشد همنشین او را نیز حاجت بطعام روایت ابن ماجه و بیهقی

في شعب الإيمان وعن عمر بن الخطاب رض قال قال رسول الله

در شعب الایمان و روایت است از عمر بن خطاب رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم كلوا جميعا ولا تفرقوا فإن البركة

صلی الله علیه وسلم بخورید با جماعت و جدا جدا مخورید زیرا که برکت

مع الجماعة رواه ابن ماجة وعن أبي هريرة رض قال

با جماعت است روایت ابن ماجه و روایت است از ابی هریره رض گفت

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من السنة أن

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم از جمله سنت است که

يخرج الرجل مع ضيفه إلى باب الدار رواه ابن ماجة وعن

بیرون آید مرد با مهمان خود جهت تکریم او تا در سرا روایت ابن ماجه و روایت است از

ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الخير

ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم خیر و برکت

أسرع إلى البيت الذي يؤكل فيه من الشفرة إلى سنام البعير

زودتر رسنده است بسوی خانه که خورده میشود طعام یعنی با مهمانان از رسیدن کارد بکوهان شتر

رواه ابن ماجة وعن وحشي بن حرب عن أبيه عن جده

روایت ابن ماجه و روایت است از وحشی بن حرب او روایت دارد از پدر خود

أن أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم قالوا يا رسول الله

و پدر از جد وحشی که بدرستیکه یاران آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتند ای رسول خدا

صلى الله عليه وسلم انا نأكل ولا نشبع قال فلعلكم تفترقون

صلی الله علیه وسلم ما هر چند میخوریم سیر نمی شویم فرمود شاید جدا جدا میخورید

قالوا نعم قال فاجتمعوا على طعامكم واذكروا اسم الله

گفتند صحابه آری فرمود آنحضرت پس اجتماع کنید بر طعام خود و ذکر کنید

عليه يبارك لكم فيه رواه ابو داود

تا برکت داده شود مر شما را در طعام روایة ابو داود

باب في ذكر لباس النبي صلى الله عليه وسلم والنهي عن الاسبال

باب در بیان لباس آنحضرت و نهی از جر و اسبال

ولا احمر ولا ثوب الشهرة

و در رنگ سرخ و لباس شهرت

عن ابي بردة قال اخرجت الينا عائشة كساء

روایت است از ابی برده گفت بیرون آورد بسوی ما عائشه کسا

ملبدا وازارا غليظا فقالت قبض روح رسول الله صلى الله

درهم پیچیده و ازار درشت پس گفت قبض کرده شد روح پیغمبر صلی الله

عليه وسلم في هذين متفق عليه وعن عائشة قالت

علیه وسلم در این دو جامه متفق علیه و روایت است از عائشه گفت

كان فراش رسول الله صلى الله عليه وسلم الذي ينام

[illegible]

عليه ادما حشوه ليف وعنها قالت كان

[illegible]

وسادة رسول الله صلى الله عليه وسلم التي يتكئ عليها

بالش آنحضرت صلی الله علیه وسلم که تکیه میکرد بر آن

من ذي حجة لطيف. رواه مسلم. وعن أم سلمة قالت

از جرم و بافت کرده شده که گفتیان آن و پوست خز بود. رواه مسلم. و روایت است از ام سلمه که گفت

كان أحب الثياب إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم القميص

که دوست‌ترین جامها بسوی آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیراهن بود

رواه الترمذي وأبو داود. وعن أسماء بنت يزيد

رواه ترمذی و ابو داود و روایت است از اسماء بنت یزید رض

قالت كان كم قميص رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى

گفت بود آستین پیراهن آنحضرت صلی الله علیه وسلم تا

الرسغ. رواه الترمذي وأبو داود. وعن ابن عمر قال

بند دست. رواه ترمذی و ابو داود و روایت است از ابن عمر که گفت

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا قميصا بدأ بميامنه

بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون پوشیدی پیراهن ابتدا فرمودی بجانب راست

كمامه. رواه الترمذي. وعن أبي كبشة قال كان كمام أصحاب

دو شاخه بود. رواه ترمذی. و روایت است از ابی کبشه که گفت بود کلاه یاران

رسول الله صلى الله عليه وسلم بطحا. رواه الترمذي وعن

آنحضرت صلی الله علیه وسلم پهن بر سر چسپیده. رواه ترمذی و روایت است

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال البسوا الثياب البيض فإنها أطهر

که تحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بپوشید جامهای سفید را زیرا که جامه

وأطيب وكفنوا فيها موتاكم. رواه أحمد والترمذي والنسائي وابن ماجه

پاکیزه‌تر و خوشتر است و کفن کنید در آن مردگان خود را. رواه احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه

وعن عبادة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم عليكم

و روایت است از عباده که گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم لازم گیرید

بالعمائم فإنها سيماء الملائكة وأرخوها خلف ظهوركم

دستارها را زیرا که دستارها علامت فرشتگان است و بگذارید اطراف عمایم را پس پشت خود را

رواه البيهقي في شعب الإيمان وعن عمرو بن شعيب

روایت کرد بیهقی در شعب ایمان و روایت است از عمرو بن شعیب

عن أبيه عن جده قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

از پدر شعیب از جد او گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

إن الله يحب أن يرى أثر نعمته على عبده رواه الترمذي

بدرستیکه خدا دوست میدارد که دیده شود اثر نعمت خود بر بندهٔ خود روایت کرد ترمذی

وعن معاذ بن أنس أن رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از معاذ بن انس رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

قال من أكل طعاما ثم قال الحمد لله الذي أطعمني هذا

فرمود کسی که بخورد طعامی را پس بگوید شکر مر خدا را که بخورانید مرا این خوردنی و رسانید مرا

الطعام ورزقنيه من غير حول مني ولا قوة غفر له ما تقدم

این طعام را بی حول من و بی قوت که از جانب من باشد آمرزیده شود هرچه گذشته است

من ذنبه رواه الترمذي وزاد أبو داود ومن لبس

از گناهان او روایت کرد ترمذی و زیاده کرد ابوداود و کسیکه بپوشد

ثوبا فقال الحمد لله الذي كساني هذا ورزقنيه من غير

جامه را پس بگوید شکر مر خدا را که پوشانید مرا این را و داد مرا این جامه را بی

حول مني ولا قوة غفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر

حول و قوتی که از جانب من باشد آمرزیده شود مر او را هرچه گذشته است از گناهان او

وعن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

من تشبه بقوم فهو منهم رواه احمد وابو داود وعن

هر کس که مشابهت کرد خود را بقومی پس آنکس از آن قوم است رواه احمد و ابوداود و از

ابن عباس قال كل ما شئت والبس ما شئت ما اخطأتك

ابن عباس روایت است گفت بخور هرچه خواهی و بپوش هرچه خواهی مادامیکه نرسد ترا

اثنتان سرف ومخيلة رواه البخاري في ترجمة باب

دو خصلت اسراف و تکبر رواه بخاری در ترجمه باب

وعن سالم عن ابيه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال

و روایت است از سالم از پدر او از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت

الاسبال في الازار والقميص والعمامة من جر منها شيئا

کشیدن و اسبال که حرام است در ازار و در پیراهن و در عمامه هر که کشید از آن چیزی

خيلاء لم ينظر الله اليه يوم القيامة رواه ابو داود والنسائي

بتکبر از زمین نظر نکند خدای تعالی بجانب وی روز قیامت رواه ابوداود و نسائی

وابن ماجه وعن ابي سعيد الخدري قال سمعت

و ابن ماجه و روایت است از ابی سعید خدری گفت شنیدم

رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ازرة المؤمن الى انصاف

آنحضرت را صلی الله علیه وسلم میگفت ازار مومن تا نصف

ساقيه لا جناح عليه فيما بينه وبين الكعبين ما اسفل من

ساق ویست نیست گناه بر وی در آنچه میان نصف ساق و میان کعبین است آنچه زیر

ذلك ففي النار قال ذلك ثلث مرات ولا ينظر الله يوم القيامة

آنست پس در آتش است گفت این را سه بار و نظر نکند خدای تعالی روز قیامت

الى من جر ازاره بطرا رواه ابو داود وابن ماجه وعن

بسوی کسیکه دراز کند ازار خود را بطریق تکبر رواه ابوداود و ابن ماجه و روایت است از

أبي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی هریره رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

ما أسفل من الكعبين من الإزار في النار رواه البخاري

چیزیکه باشد پایان تر از شتالنگ از ازار در آتش دوزخ است رواه بخاری

وعن ابن عمر رض قال رسول الله صلى الله عليه

و روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه

وسلم بينما رجل يجر إزاره من الخيلاء خسف به فهو

وسلم در اثنای آنکه مردی میکشید ازار خود را بتکبر و طغیان فرو برده شد او پس او

يتجلجل في الأرض إلى يوم القيامة رواه البخاري وعن ابن

فرو می رود در زمین تا روز قیامت رواه بخاری و روایت است از ابن

عمر أن النبي صلى الله عليه وسلم قال من جر ثوبه خيلاء

عمر رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود هر که بکشد جامه خود را بطریق تکبر

لم ينظر الله إليه يوم القيامة متفق عليه وعن

نظر رحمت نکند خدا تعالی بسوی او روز قیامت متفق علیه و روایت است از

أبي هريرة رض أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال

ابی هریره رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود

لا ينظر الله يوم القيامة إلى من جر إزاره بطرا متفق عليه

نظر رحمت نکند روز قیامت بسوی کسیکه کشید ازار خود را بطریق تکبر و بهر افتخار متفق علیه

وعن عبد الله بن عمرو بن العاص قال رأى رسول الله

و روایت است از عبد الله بن عمرو بن العاص رض که دید آنحضرت

صلى الله عليه وسلم علي ثوبين معصفرين فقال إن هذه

صلی الله علیه وسلم بر من دو جامه رنگین به عصفر پس فرمود که این جامها

مِنْ ثِيَابِ الْكُفَّارِ فَلَا تَلْبَسْهَا وَفِي رِوَايَةٍ قُلْتُ اَغْسِلُهُمَا قَالَ بَلْ

از جنس جامه های کافران است پس مپوش آنها را و در روایتی آمده است که گفت عبد الله بشویم

اَحْرِقْهُمَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ

بسوزان آن دو جامه را روایت کرد مسلم و روایت است از عبد الله بن عمرو که

مَرَّ رَجُلٌ وَعَلَيْهِ ثَوْبَانِ اَحْمَرَانِ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ

گذشت مردی و بر وی دو جامه سرخ بود پس سلام کرد آن مرد بر پیغمبر خدا

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَاَبُو دَاوُدَ

صلی الله علیه و سلم پس جواب سلام وی نداد روایت کرد ترمذی و ابو داود

وَعَنْ عُمَرَ وَاَنَسٍ وَابْنِ الزُّبَيْرِ وَاَبِي اُمَامَةَ عَنِ

و روایت است از عمر و انس و ابن زبیر و ابی امامه رض

النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ لَبِسَ الْحَرِيرَ فِي

از آنحضرت صلی الله علیه و سلم از هر چهار که فرمود آنحضرت هر که بپوشد جامه ابریشم

الدُّنْيَا لَمْ يَلْبَسْهُ فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

در دنیا نپوشد آن را در آخرت متفق علیه و روایت است از ابن عمر رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّمَا

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم جز این نیست که می پوشد

يَلْبَسُ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا خَلَاقَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مُتَّفَقٌ

حریر را در دنیا کسی که نیست نصیب او را در آخرت متفق

عَلَيْهِ وَعَنْ حُذَيْفَةَ رض قَالَ نَهَانَا رَسُولُ اللّٰهِ

علیه و روایت است از حذیفه رض گفت که نهی کرد ما را آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنْ نَشْرَبَ فِي آنِيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ

صلی الله علیه و سلم از نوشیدن در ظرفهای طلا و نقره

وان تاكل فيها وعن لبس الحرير والديباج وان نجلس

و از خوردن در وی ... و از پوشیدن جامه ابریشمی و دیبا ... و از نشستن بر

عليه متفق عليه وعن عمر ان النبي صلى الله

بر جمع بر دو دیبا متفق علیه ... در روایت ... از ابن عمر ... که پیغمبر صلی الله

عليه وسلم نهى عن لبس الحرير الا هكذا ورفع لنا رسول الله

علیه و سلم نهی کرد از پوشیدن جامه ابریشمی مگر اینچنین یعنی بمقدار ... و برداشت برای ما پیغمبر

صلى الله عليه وسلم اصبعيه الوسطى والسبابة وضمهما

صلی الله علیه و سلم دو انگشت خود را که میانه است و انگشت سبابه ... و چسپانید دو انگشت را

متفق عليه وفي رواية لمسلم انه خطب بالجابية

متفق علیه و در روایت مسلم را آمده که عمر رض خطبه خواند در جابیه

فقال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن لبس

پس گفت در خطبه نهی کرد پیغمبر صلی الله علیه و سلم از پوشیدن

الحرير الا موضع اصبعين او ثلاث او اربع وعن ابي موسى

ابریشم مگر جای دو انگشت یا سه یا چهار انگشت ... و در روایت است از ابی موسی

الاشعري ان النبي صلى الله عليه وسلم قال احل

اشعری رض که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود حلال ساخته

الذهب والحرير للاناث من امتي وحرم على ذكورها

و مباح گردانیده شد استعمال طلا و پوشیدن ابریشم مر زنان را از امت من و حرام گردانیده شد استعمال ... بر مردان

رواه الترمذي والنسائي وعن ابي ريحانة

روایه ترمذی و نسائی و در روایت است از ابی ریحانه رض

قال نهى رسول الله صلى الله عليه وسلم عن عشر عن الوشر

که نهی کرد آنحضرت صلی الله علیه و سلم از ده خصلت از تیز کردن دندان و باریک گردانیدن

والوشر والنتف عن مكامعة الرجل الرجل بغير شعار

اطراف آن و از خلانیدن سوزن در پوست بدن و از کندن موی سفید از لحیه در دو از نقصان

ومكامعة المرأة المرأة بغير شعار وان يجعل الرجل

و هم خوابی مرد با مرد بیجامه اگر خوف فتنه باشد و نهی کرد از همخوابی زن با زن بیجامه و نهی کرد از گردانیدن

في اسفل ثيابه حريرا مثل الاعاجم او يجعل على

مرد در زیر جامهای خود جامه ابریشمی را مانند عجمان و نیز از گردانیدن مرد بر

منكبيه حريرا مثل الاعاجم وعن النهبى وعن

دوشهای خود حریر عجمان و نهی کرد از

ركوب النمور ولبوس الخاتم الا لذي سلطان رواه

غارت کردن مال مردم را و نهی کرد از سواری بر پوست یوز و از پوشیدن خاتم مگر از

ابو داود وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

ابو داود و از ابی هریره رض مرویست که گفت آنحضرت

صلى الله عليه وسلم لا تصحب الملئكة رفقة

صلی الله علیه وسلم همراه نمیروند فرشتگان گروهی را

فيها جلد نمر رواه ابو داود وعن ابن عمر رض

که در آن گروه جلد درنده باشد که آنرا یوز گویند رواه ابو داود و از ابن عمر رض مرویست

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من لبس

که فرمود آن حضرت صلی الله علیه وسلم کسیکه بپوشد

ثوب شهرة في الدنيا البسه الله ثوب مذلة في الاخرة

ثوب شهرت را یعنی جامه تفاخر را بقصد شهرت و تکبر در دنیا بپوشاند او را خدا [illegible] جامه [illegible]

رواه احمد وابو داود وابن ماجة باب الخاتم والنعال والاجرام

رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه + باب در بیان خاتم و انگشتری و [illegible]

وعن عبد الله بن عباس رض أن رسول الله صلى الله عليه

گفت عبد الله بن عباس رض که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم رأى خاتما من ذهب في يد رجل فنزعه فطرحه

و سلم دید انگشتری را از طلا در دست مردی پس بر کشید او را پس انداخت

فقال يعمد أحدكم إلى جمرة من نار فيجعلها في يده فقيل للرجل

پس گفت قصد میکند یکی از شما بسوی اخگری از آتش دوزخ پس میگرداند او را در دست خود پس گفته

بعد ما ذهب رسول الله صلى الله عليه وسلم خذ خاتمك

بعد از رفتن آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بردار انگشتری خود را

انتفع به قال لا والله لا آخذه أبدا وقد طرحه رسول الله

نفع گیر بآن گفت آن مرد سوگند بخدا نمیگیرم آن را هرگز و حال آنکه بتحقیق انداخت

صلى الله عليه وسلم رواه مسلم وعن علي رض أن النبي

صلی الله علیه وسلم روایت کرد مسلم و از علی رض مرویست که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم أخذ حريرا فجعله في يمينه وأخذ ذهبا

صلی الله علیه وسلم گرفت جامه ابریشمی را پس نهاد او را در دست راست خود و گرفت طلا را

فجعله في شماله ثم قال إن هذين حرام على ذكور أمتي

و نهاد او را در دست چپ خود پس فرمود که این دو چیز حرام هستند هر یک از آن بر مردان امت من

رواه أحمد وأبو داود والنسائي وعن بريدة رض أن النبي

روایت کرد احمد و ابو داود والنسائی و روایت است از بریده رض که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم قال لرجل عليه خاتم من

صلی الله علیه وسلم گفت مردی را که بود بر وی انگشتری از

شبه ما لي أجد منك ريح الأصنام

برنج چیست مرا که می یابم از تو بوی بتان

فَطَرَحَهُ ثُمَّ جَاءَهُ وَعَلَيْهِ خَاتَمٌ مِنْ حَدِيدٍ فَقَالَ مَا لِي أَرَى

پس انداخت آنرا از خود انگشتری را پس آمد آنرا و حال آنکه بود بروی انگشتری از آهن پس فرمود

عَلَيْكَ حِلْيَةَ أَهْلِ النَّارِ فَطَرَحَهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ مِنْ أَيِّ

بر تو زیور پوشش دوزخیان پس انداخت آنرا پس عرض کرد ای رسول خدا از چه

شَيْءٍ أَتَّخِذُهُ قَالَ مِنْ وَرِقٍ وَلَا تُتِمَّهُ مِثْقَالًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

چیز بسازم انگشتری را فرمود بساز از نقره و تمام کن انگشتری را مثقال بلکه کمتر از آن کن روایت ترمذی

وَأَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنِ ابْنِ الزُّبَيْرِ أَنَّ مَوْلَاةً لَهُمْ ذَهَبَتْ

و ابوداود و نسائی و مرویست از عبد الله بن الزبیر که مولاة ایشان برد

بِابْنَةِ الزُّبَيْرِ إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَفِي رِجْلِهَا أَجْرَاسٌ فَقَطَعَهَا

دختر زبیر را بسوی عمر ابن الخطاب رضـ در پای دختر جرسها بود پس ببرید

عُمَرُ وَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

بریشان جرسها که آواز میکرد مثل جرس این پای را عمر رضـ و گفت شنیدم پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می گفت

مَعَ كُلِّ جَرَسٍ شَيْطَانٌ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْ

با هر جرس شیطانی است روایت ابوداود و روایت می کند

بُنَانَةَ مَوْلَاةِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ حَيَّانَ الْأَنْصَارِيِّ

بنانه مولاة عبد الرحمن بن حیان انصاری

كَانَتْ عِنْدَ عَائِشَةَ رضـ إِذْ دَخَلَتْ عَلَيْهَا بِجَارِيَةٍ

آنرو که وی بود نزد عائشه صدیقه رضـ ناگاه در آورده شد بر عائشه دختر که بود بر آن جاریه

وَعَلَيْهَا جَلَاجِلُ يُصَوِّتْنَ فَقَالَتْ لَا تُدْخِلْنَهَا عَلَيَّ إِلَّا أَنْ تَقْطَعْنَ

جلاجل که آواز می کردند آن جلاجل پس گفت عائشه باید که در نیارد آنرا مگر آنکه ببرید

جَلَاجِلَهَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَدْخُلُ

جلاجل او را زیرا که من شنیده ام پیغمبر خدا را صلی الله علیه وسلم که می گفت در نمی آید

الملائكة بيتا فيه جرس رواه ابو داود وعن ابي هريرة

فرشتگان خانه را که در وی جرس است رواه ابو داود و روایت است از ابی هریره

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من احب ان يحلق

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود کسیکه دوست دارد که حلقه بنهد

حبيبه حلقة من نار فليحلقه حلقة من ذهب ومن احب ان

در بینی یا در گوش دوست خود را از آتش دوزخ پس گو که حلقه بپوشاند او را از طلا

يطوق حبيبه طوقا من نار فليطوقه طوقا من ذهب ومن

که در گردن اندازد دوست خود را طوق از آتش پس گو که طوق سازد گردن او را از طلا و کسیکه

احب ان يسور حبيبه سوارا من نار فليسوره سوارا من ذهب

دوست میدارد که بپوشاند دوست خود را دستبرنجن از آتش پس گو که بنهاد در دست وی سوار

ولكن عليكم بالفضة فالعبوا بها رواه ابو داود وعن

ولیکن بر شما باد که زیور بکنید لباس از نقره و سازید پس لهو و لعب کنید بالفضة و بسازید زیور رواه ابو داود

عقبة بن عامر ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يمنع اهل

و روایت است از عقبه بن عامر که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که منع میکرد آنها را که

الحلية والحرير ويقول ان كنتم تحبون حلية الجنة وحريرها

اهل زیور و حریر بودند از پوشیدن آن و میگفت اگر هستید شما که دوست میدارید زیور بهشت را

فلا تلبسوها في الدنيا رواه النسائي وعن مالك

پس نپوشید آنرا در دنیا رواه النسائی و منقول است از امام مالک رحمه الله

قال انا اكره ان يلبس الغلمان شيئا من الذهب لانه بلغني

که میگفت من مکروه می پندارم که پوشانیده شود پسرکان را چیزی از جنس طلا زیرا که رسید بمن

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم نهى عن التختم بالذهب فانا اكره للرجال

که پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرده است از پوشیدن انگشتر طلا پس من مکروه میپندارم

الكبير منهم والصغير رواه في الموطا وعن ثوبان

کلان را از ایشان و خردان را از ایشان روایت کرد مالک و روایت است از ثوبان

قال كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا سافر كان

گفت ثوبان بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم چون قصد سفر میکرد بود

آخر عهده بإنسان من أهله فاطمة وأول من يدخل

آخر عهد آنحضرت یعنی متأخر در صحبت وی آدمی که از اهل خانه آنحضرت بود فاطمه یعنی بعد از همه

عليها فاطمة فقدم من غزاة وقد علقت مسحا أو سترا

بر وی در وقت قدوم از سفر فاطمه پیش قدم آورد آنحضرت از جنگی در حال آنکه آویخته بود فاطمه پلاسی را

على بابها وحلت الحسن والحسين قلبين من فضة فقدم

بر در خانه خود و پوشانیده بود فاطمه حسن و حسین را دو دستوانه از نقره پیش قدم آورد آنحضرت

فلم يدخل فظنت أن ما منعه أن يدخل ما رأى فهتكت

پس نه آمد بر فاطمه بموافق عادت پس گمان برد فاطمه که آنچه باز داشت آنحضرت را از در آمدن بر وی چیزیست

الستر وفكت القلبين عن الصبيين وقطعته منهما فانطلقا

پرده پس درید فاطمه پرده را و جدا کرد هر دو دستوانه را از هر دو کودک و برید هر یکی دو دستوانه را پس رفتند هر دو

إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم يبكيان فأخذه منهما فقال يا

بسوی پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم در حالیکه میگریستند پس گرفت آنحضرت را از ایشان پس گفت ای

ثوبان اذهب بهذا إلى فلان إن هؤلاء أهلي أكره أن

ثوبان ببر این چیز را بسوی آن فلان شخص که اینها که اهل و اولاد من اند مکروه میدارم که

يأكلوا طيباتهم في حياتهم الدنيا يا ثوبان اشتر لفاطمة

بخورند لذائذ خود را و آنچه خوش آید در زندگانی ایشان در جهان ای ثوبان بخر از برای فاطمه

قلادة من عصب وسوارين من عاج رواه أحمد وأبو داود

گردن بندی را از عصب یعنی بخر و دو دستوانه را از عاج رواه احمد و ابوداؤد

باب اللحى والشوارب والنهي عن نتف الشيب وذكر الخضاب والقزع والاكتحال والمخنثين والمترجلات والوصل والوشم

باب در مسائل لحیه و شوارب و منع برکندن موی سفید و ذکر خضاب و قزع و سرمه و مخنثین و مترجلات و وصل و وشم

عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

روایت است از ابن عمر رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

خالفوا المشركين اوفروا اللحى واحفوا الشوارب وفي رواية

مخالفت کنید مشرکان را پس وافر و دراز کنید ریشها را و کوتاه کنید بروت

انهكوا الشوارب واعفوا اللحى متفق عليه وعن

آمده است که انهاک یعنی مبالغه کوتاه کنید بروتها را و فرو گذارید ریشها را

ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم الفطرة

ابی هریره رض مرویست گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم سنت

خمس الختان والاستحداد وقص الشارب وتقليم

پنج است یکی ختان دوم استعمال آهن یعنی حلق عانه سوم کوتاه کردن سبلت چهارم گرفتن

الاظفار ونتف الابط متفق عليه وعن انس رض

ناخنها پنجم برکندن موی بغل متفق علیه و روایت است از انس رض

قال وقت لنا في قص الشارب وتقليم الاظفار ونتف الابط

آمد که وقت معین کرد آنحضرت ما را در کوتاه کردن سبلت گرفتن ناخنها و برکندن موی بغل

وحلق العانة ان لا نترك اكثر من اربعين ليلة رواه مسلم

و حلق عانه که ترک نکنیم و نگذاریم بیشتر از چهل روز رواه مسلم و در روایت است از

قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُصُّ اَوْ يَاْخُذُ مِنْ

گفت که بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم می برید یا می گرفت از

شَارِبِهٖ وَكَانَ اِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ الرَّحْمٰنِ يَفْعَلُهٗ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بروت خود و بود ابراهیم که آنرا میکرد رواه ترمذی

وَعَنْ زَيْدِ بْنِ اَرْقَمَ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

و روایت است از زید بن ارقم که آنحضرت صلی الله علیه

سَلَّمَ قَالَ مَنْ لَمْ يَاْخُذْ شَارِبَهٗ فَلَيْسَ مِنَّا رَوَاهُ اَحْمَدُ وَالتِّرْمِذِيُّ

وسلم فرمود کسیکه نگیرد از بروت خود و نیست نگیرد آنرا پس نیست از کسان ما رواه احمد و

وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ

ترمذی و نسائی و روایت است از عمرو بن شعیب از پدرش از جد عمرو

اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَاْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهٖ

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بود که میگرفت از لحیه مبارک خود را

مِنْ عَرْضِهَا وَطُوْلِهَا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَعَنْ رُوَيْفِعِ

از پهناے وے و درازی وے یعنی از جانب لحیه رواه ترمذی و روایت است از رویفع

بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ لِيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بن ثابت رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم

يَا رُوَيْفِعُ لَعَلَّ الْحَيٰوةَ سَتَطُوْلُ بِكَ بَعْدِيْ فَاَخْبِرِ النَّاسَ

ای رویفع شاید که زندگانی دراز گردد ترا پس از من پس خبر ده مردم را

اَنَّ مَنْ عَقَدَ لِحْيَتَهٗ اَوْ تَقَلَّدَ وَتَرًا اَوِ اسْتَنْجٰى بِرَجِيْعِ

بدرستی کسیکه گره زند ریش خود را یا آویزد قلاده زه را یا استنجا کند به سرگین

دَابَّةٍ اَوْ عَظْمٍ فَاِنَّ مُحَمَّدًا مِنْهُ بَرِيْءٌ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ

چارپایه یا با استخوان بدرستیکه محمد صلی الله علیه وسلم از هر که این کار کند بیزار است

بَابُ اٰدَابِ الْخَلَاءِ مِنْ مِشْكٰوةِ وَعَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيْدٍ

باب آداب الخلاء از مشکوة و روایت ست از یحیی ابن سعید رض

اَنَّهٗ سَمِعَ سَعِيْدَ بْنَ الْمُسَيَّبِ يَقُوْلُ كَانَ اِبْرَاهِيْمُ خَلِيْلُ

که وی شنید سعید بن المسیب رض را که میگفت بود ابراهیم خلیل

الرَّحْمٰنِ اَوَّلَ النَّاسِ ضَيَّفَ الضَّيْفَ وَاَوَّلَ النَّاسِ اخْتَتَنَ

الرحمن اول کسیکه ضیافت مهمان کرد و اول کسیکه کرد ختنه

وَاَوَّلَ النَّاسِ قَصَّ شَارِبَهٗ وَاَوَّلَ النَّاسِ رَاَى الشَّيْبَ

و اول کسیکه پست کرد بروت خود را و اول کسیکه دید پیری را و موی سفید را

فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هٰذَا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى وَقَارٌ

پس گفت ای پروردگار من چیست این گفت پروردگار تبارک و تعالی این عزت است

يَا اِبْرَاهِيْمُ قَالَ يَا رَبِّ زِدْنِيْ وَقَارًا رَوَاهُ مَالِكٌ

گفت ابراهیم ای پروردگار من زیادت گردان مرا موجب وقار رواه مالک

وَعَنْ كَعْبِ بْنِ مُرَّةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

و روایت است از کعب بن مره رض از آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي الْاِسْلَامِ كَانَتْ لَهٗ

علیه و سلم که فرمود آنحضرت کسیکه پیر شد در مسلمانی بیاید پیری مر او را روشنائی

نُوْرًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ وَعَنْ عَمْرِو بْنِ

روز قیامت رواه ترمذی و نسائی و روایت ست از عمرو بن

شُعَيْبٍ عَنْ اَبِيْهِ عَنْ جَدِّهٖ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ

شعیب از پدرش و او از پدر خود که جد عمرو ست گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْتِفُوا الشَّيْبَ فَاِنَّهٗ نُوْرُ الْمُسْلِمِ مَنْ شَابَ شَيْبَةً

علیه و سلم نه چینید موهای سفید را ازیرا که پیری نورانیت مسلمان است کسیکه پیر شود پیر شدنی در

في الإسلام كتب الله له بها حسنة ومحي عنه بها خطيئة

در مسلمانی می نویسد خدای تعالی برای وی بسبب آن نیکی را و محو می گرداند از او بسبب آن گناهی را

ورفعه بها درجة رواه أبو داود وعن أبي هريرة

و بلند می گرداند او را بجهت آن پایه روایت کرده ابو داود و از ابی هریره رض مرویست

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال إن اليهود والنصارى

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود بدرستیکه یهود و نصاری

لا يصبغون فخالفوهم متفق عليه وعن ابن عباس

خضاب نمی کنند پس مخالفت کنید ایشانرا متفق علیه روایت است از ابن عباس

قال مر على النبي صلى الله عليه وسلم رجل قد خضب

گفت که گذشت بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که بتحقیق خضاب کرده بود

بالحناء فقال ما أحسن هذا قال فمر آخر قد خضب

بحنا پس فرمود آنحضرت چه خوبست این گفت ابن عباس رض پس گذشت دیگری که خضاب

بالحناء والكتم فقال هذا أحسن من هذا ثم مر آخر

بحنا و کتم پس فرمود این بهتر از اول است پس گذشت دیگری

قد خضب بالصفرة فقال هذا أحسن من هذا كله

که خضاب کرده بود بزردی پس فرمود این بهتر است از همه آنها

رواه أبو داود وعن ابن عباس عن النبي صلى الله

روایت کرده ابو داود روایت است از ابن عباس رض از آنحضرت صلی الله

عليه وسلم قال يكون قوم في آخر الزمان يخضبون

علیه وسلم فرمود که خواهند بود قومی در آخر زمان که خضاب میکنند

بهذا السواد كحواصل الحمام لا يجدون رائحة الجنة

باین رنگ سیاهی که مثل چینه دانهای کبوترست نمی یابند بوی بهشت

رواه ابو داود والنسائي وعن نافع عن ابن عمر رض

روایه ابو داود و نسائی روایت است از نافع بن عمر رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم ينهى عن

گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم که نهی کرد از

القزع قيل لنافع ما القزع قال يحلق بعض رأس الصبي

قزع گفته شد مر نافع را قزع چیست گفت ستره شود پاره از سر کودک

ويترك البعض متفق عليه وألحق بعضهم التفسير بالحديث

و گذاشته شود پاره دیگر متفق علیه و لاحق کرده اند بعضی راویان این تفسیر قزع را

وعن ابن عمر ان النبي صلى الله عليه وسلم

و از ابن عمر رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه و سلم

رأى صبيا قد حلق بعض رأسه وترك بعضه فنهاهم

و دید کودکی را که به تحقیق حلق کرده شده بعضی از سر وی و ترک کرده شده بعضی دیگر از سر پس منع کرد

عن ذلك وقال احلقوا كله او اتركوا كله رواه

اولیای صبی را از آن و فرمود حلق کنید تمام سر را یا بگذارید تمام آن را رواه

مسلم وعن الحجاج بن حسان رض قال دخلنا على

مسلم و روایت است از حجاج بن حسان رض گفت در آمدیم ما

انس بن مالك رض فحدثتني أختي المغيرة قالت

بر انس بن مالک رض پس حدیث کرد مرا خواهر من مغیره گفت

وأنت يومئذ غلام ولك قرنان او قصتان فمسح

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فإن هذا زي اليهود رواه أبو داود وعن ابن عباس

پس بدرستیکه این هیئت یهود است . رواه ابوداود و روایت است از ابن عباس رض

أن النبي صلى الله عليه وسلم قال اكتحلوا بالإثمد

که آن حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود سرمه کنید به اثمد

فإنه يجلو البصر وينبت الشعر وزعم أن النبي

زیرا که آن سرمه جلا میدهد بینائی را و میرویاند موی پلک را و زعم کرد ابن عباس که آنحضرت

صلى الله عليه وسلم كانت له مكحلة يكتحل بها كل

صلی الله علیه وسلم بود مر او را سرمه دانی که سرمه میکرد بآن هر

ليلة ثلاثة في هذه وثلاثة في هذه رواه الترمذي

شب سه بار درین یعنی چشم راست و سه بار درین یعنی چشم چپ رواه ترمذی

وعن ابن عباس قال لعن النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از ابن عباس رض گفت لعنت کرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

المخنثين من الرجال والمترجلات من النساء وقال

مخنثان را از مردان و زنان را که در هیئت مشابه بمردان کنند و فرمود آنحضرت

أخرجوهم من بيوتكم رواه البخاري وعنه قال

بیرون کنید مخنثان را از خانهای خود رواه بخاری و هم از ابن عباس رض روایت است گفت

قال النبي صلى الله عليه وسلم لعن الله المتشبهين

فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم لعنت کند خدا تعالی تشبه کنندگان را

من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال

از مردان بزنان و مشابه شوندگان از زنان بمردان

رواه البخاري وعن أبي هريرة قال لعن رسول الله

رواه البخاری و روایت است از ابی هریره رض گفت لعنت کرد آن حضرت

صلى الله عليه وسلم الرجل يلبس لبسة المرأة والمرأة

صلی الله علیه و سلم مردی را که می پوشد پوشش زن را و زن را

تلبس لبسة الرجل رواه ابو داود وعن ابن

که می پوشد پوشش مرد را رواه ابوداود و روایت است از ابن

ابي مليكة قال قيل لعائشة ان امرأة تلبس

ابی ملیکه گفت گفته شد مر عائشه را که زنی می پوشد

النعل قالت لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الرجلة

نعل را گفت لعنت کرده آنحضرت صلی الله علیه و سلم آن زنان که

من النساء رواه ابو داود وعن ابي هريرة قال

مشابه باشند بمردان رواه ابوداود و روایت است از ابی هریره گفت

ان رسول الله صلى الله عليه وسلم اتي بمخنث قد خضب

آورده شد نزد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم مخنثی که خضاب کرده بود

يديه ورجليه بالحناء فقال رسول الله صلى الله عليه

دستها و پاهای خود را بحنا پس گفت آنحضرت صلی الله علیه

وسلم ما بال هذا قالوا يتشبه بالنساء فامر به فنفي

و سلم که چه حال است این مخنث را گفتند که وی مشابهت میکند بزنان پس امر فرمود آنحضرت

الى النقيع فقيل يا رسول الله الا نقتله فقال اني نهيت

پس رانده شد بسوی نقیع پس گفته شد ای رسول خدا آیا نکشیم او را پس گفت آنحضرت که من منع کرده شده ام

عن قتل المصلين رواه ابو داود وعن عائشة رض

از کشتن نمازگذاران رواه ابوداود و روایت است از عائشه رض

ان هندا بنت عتبة قالت يا نبي الله بايعني فقال

که هند بنت عتبه گفت ای رسول خدا بیعت کن مرا پس فرمود آنحضرت

لَا اَبَا لَكِ حَتّٰى تُغَيِّرِيْ كَفَّيْكِ فَكَاَنَّهُمَا كَفَّا سَبُعٍ

بیعت نمی کنم ترا تا آنکه تغییر دهی هر دو کف دست خود را پس گویا دو کف تو دو کف درنده است

رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ قَدِمْتُ

روایت کرد ابو داود و روایت است از عمار بن یاسر رض گفت آمدم بر اهل و عیال خود

عَلٰى اَهْلِيْ مِنْ سَفَرٍ وَقَدْ تَشَقَّقَتْ يَدَايَ فَخَلَّقُوْنِيْ بِزَعْفَرَانٍ فَغَدَوْتُ

از سفرے حال آنکه بتحقیق کفیده بود هر دو دست من پس خلوق آلیدند مرا بزعفران پس آمدم بامداد

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ

بر پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس سلام کردم بر آنحضرت پس

يَرُدَّ عَلَيَّ وَقَالَ اذْهَبْ فَاغْسِلْ هٰذَا عَنْكَ رَوَاهُ

نداد جواب سلام بر من و گفت برو پس بشوی این را از خود روایت

اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنْ اَبِيْ مُوْسٰى رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ

ابو داود و روایت است از ابی موسی رض گفت فرمود آنحضرت

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يَقْبَلُ اللّٰهُ صَلٰوةَ رَجُلٍ فِيْ جَسَدِهٖ

صلی الله علیه وسلم قبول نمی کند خدا تعالی نماز مردی را که در تن او

شَيْءٌ مِّنْ خَلُوْقٍ رَوَاهُ اَبُوْ دَاوٗدَ وَعَنِ ابْنِ عُمَرَ رض

چیزے از خلوق روایت کرد ابو داود و روایت است از ابن عمر رض

اَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَعَنَ اللّٰهُ الْوَاصِلَةَ

که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود لعنت کند خدا زنی را که پیوند کند

وَالْمُسْتَوْصِلَةَ وَالْوَاشِمَةَ وَالْمُسْتَوْشِمَةَ

موئ‌ها را و دیگر زنی را که بگوید دیگری را که پیوند کند و لعنت کند خدا واشمه و مستوشمه را

مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ

متفق علیه

بَابُ التَّصَاوِیْرِ

عَنْ اَبِیْ طَلْحَةَ رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ
مرویست از ابی طلحه گفت فرمود آنحضرت صلی الله
عَلَیْهِ وَسَلَّمَ لَا تَدْخُلُ الْمَلٰٓئِکَةُ بَیْتًا فِیْهِ کَلْبٌ وَّلَا تَصَاوِیْرُ
علیه وسلم در نمی آیند فرشتگان خانه را که در وی سگ است و نه آنخانه که در وی تصویرها
مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ عَائِشَةَ رض عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی
متفق علیه واز عائشه رض مرویست از آنحضرت صلی
اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا یَّوْمَ الْقِیٰمَةِ
الله علیه وسلم فرمود سخت ترین مردم از روی عذاب روز قیامت
الَّذِیْنَ یُضَاهُوْنَ بِخَلْقِ اللّٰهِ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ وَعَنْ
آن کسانند که مشابهت میکنند به پیدایش خدا تعالی متفق علیه واز
اَبِیْ هُرَیْرَةَ رض قَالَ سَمِعْتُ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
ابی هریره رض مرویست گفت که شنیدم آنحضرت را صلی الله علیه
وَسَلَّمَ یَقُوْلُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذَهَبَ یَخْلُقُ
وسلم که میفرمود که میفرماید خدا تعالی و کیست ظالم تر از کسیکه رفت که پیدا می کند
کَخَلْقِیْ فَلْیَخْلُقُوْا ذَرَّةً اَوْ لِیَخْلُقُوْا حَبَّةً اَوْ شَعِیْرَةً مُتَّفَقٌ
به چو پیدا کردن من پس باید که پیدا کنند ذره را یا بیافرینند حبه را یا بیافرینند دانه را یا جو را متفق
عَلَیْهِ وَعَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مَسْعُوْدٍ رض قَالَ سَمِعْتُ
علیه واز عبد الله بن مسعود رض روایت است که گفت شنیدم
رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ یَقُوْلُ اَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا
آنحضرت را صلی الله علیه وسلم که میفرمود سخت ترین مردم از روی عذاب

عند الله المصورون متفق عليه وعن ابن عباس رض

نزد خدا مصورگران اند متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول كل

گفت که شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را که میفرمود هر صورتگر

مصور في النار يجعل له بكل صورة صورها نفسا فتعذبه في

در دوزخ است گردانیده میشود مر او را بهر صورتیکه ساخته است آنرا شخصی پس عذاب میکند

جهنم قال ابن عباس فإن كنت لابد فاعلا فاصنع

در دوزخ گفت ابن عباس رض پس اگر هستی تو البته سازنده صورت پس بساز صورت

الشجر وما لا روح فيه متفق عليه وعن ابي هريرة

درخت را و چیزیکه نیست جان در وی متفق علیه و از ابی هریره رض مروی است

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم يخرج عنق من

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بیرون می آید گردنی از

النار يوم القيمة لها عينان تبصران واذنان تسمعان

آتش روز قیامت که باشد مر آن را دو چشم که می بینند و دو گوش که می شنوند

ولسان ينطق يقول اني وكلت بثلثة بكل جبار عنيد

و زبانیکه سخن میکند میگوید بدرستیکه من موکل ساخته شده ام بسه کس که آنها را عذاب کنم بهر سرکش

وكل من دعا مع الله الها آخر وبالمصورين رواه الترمذي

و کسیکه بخواند با خدای عز و جل خدای دیگر و بصورت گران رواه ترمذی

وعن سعيد بن ابي الحسن قال كنت عند ابن عباس

و روایت است از سعید بن ابی الحسن گفت بودم من نزد ابن عباس رض

اذ جاءه رجل فقال يا ابن عباس اني رجل انما معيشتي

چون ناگهان آمد ابن عباس را مردی پس گفت ای ابن عباس بدرستیکه من مردی ام که نیست گذران من

مِن صَنعَةِ يَدَيَّ وَإِنِّي أَصنَعُ هٰذِهِ التَّصَاوِيرَ فَقَالَ ابنُ عَبَّاسٍ رض

مگر از پیشه دست من و بتحقیق که من پیشه میکنم این صورتها را پس گفت ابن عباس رض

لَا أُحَدِّثُكَ إِلَّا مَا سَمِعتُ مِن رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ

حدیث نمیکنم ترا مگر آنچه شنیده ام از پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ سَمِعتُهُ يَقُولُ مَن صَوَّرَ صُورَةً فَإِنَّ اللّٰهَ مُعَذِّبُهُ

وسلم شنیدم آنحضرت را که میفرمود که هر که صورتگری کند صورتی را پس بتحقیق خدا تعالی عذاب

حَتّٰى يَنفُخَ فِيهِ الرُّوحَ وَلَيسَ بِنَافِخٍ فِيهَا أَبَدًا فَرَبَا الرَّجُلُ

تا آنکه در دمد در آن جان را حال آنکه نیست آنکس دم دمنده در آن جان را گاهی پس تنگ شد آن مرد

رَبوَةً شَدِيدَةً وَاصفَرَّ وَجهُهُ فَقَالَ وَيحَكَ إِن أَبَيتَ إِلَّا

تنگ شدن سخت و زرد گشت روی آن مرد از شنیدن این وعید پس گفت ابن عباس ای تو اگر ابا میکنی تو از

أَن تَصنَعَ فَعَلَيكَ بِهٰذَا الشَّجَرِ وَكُلِّ شَيءٍ لَيسَ فِيهِ

مگر آنکه پیشه کنی صورتگری پس لازم باد این پیشه که صورت درختان است و هر چیزی که نیست در وی

رُوحٌ رَوَاهُ البُخَارِيُّ وَعَن عَائِشَةَ رض قَالَت لَمَّا

جان رواه البخاری و از عائشه رض مرویست که گفت وقتیکه

اشتَكَى النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ بَعضُ نِسَائِهِ

بیمار شد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم یاد کردند بعضی از زنان آنحضرت

كَنِيسَةً يُقَالُ لَهَا مَارِيَةُ وَكَانَت أُمُّ سَلَمَةَ وَأُمُّ حَبِيبَةَ

کنیسه را که گفته میشد آنرا ماریه و بودند ام سلمه و ام حبیبه

أَتَتَا أَرضَ الحَبَشَةِ فَذَكَرَتَا مِن حُسنِهَا وَتَصَاوِيرَ فِيهَا

که رسیده بودند زمین حبشه را پس یاد کردند از خوبی آن کنشت و صورتهای که در آن بود

فَرَفَعَ رَأسَهُ فَقَالَ أُولٰئِكِ إِذَا مَاتَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ

پس برداشت آنحضرت سر خود را پس فرمود آن جماعه اند که چون بمیرد در ایشان مردی صالح

بنوا على قبره مسجدا ثم صوروا فيه تلك الصور اولئك

بنا کنند بر سر گور او مسجدی را پس تصویر کنند در آن مسجد آن صورتها را آنها

شرار الخلق الله متفق عليه وعن ابن عباس رض

بدترین خلق خدا اند متفق علیه و روایت است از ابن عباس رض

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرستیکه

اشد الناس عذابا يوم القيامة من قتل نبيا او قتله

سخت ترین مردم از روی عذاب روز قیامت کسی است که کشت پیغمبری را یا کسیکه کشت او را

نبي او قتل احد والديه والمصورون وعالم لم

پیغمبر یا کسیکه کشت یکی از پدر و مادر خود را و صورتگران و عالمیکه

ينتفع بعلمه رواه البيهقي في شعب الايمان

سود مند نشد بعلم خود رواه البیهقی در شعب الایمان

باب الفال والطيرة

عن ابي هريرة رض قال سمعت رسول الله صلى الله

روایت است از ابی هریره رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله

عليه وسلم يقول لا طيرة وخيرها الفال قالوا وما

علیه و سلم را که میفرمود شگون بد گرفتن را تاثیری نیست و بهترین اقسام طیره فال نیک گرفتن است

الفال قال الكلمة الصالحة يسمعها احدكم متفق عليه

گفتند چیست فال فرمود سخن نیک که بشنود آن را یکی از شما و فال گیرد از آن متفق علیه

وعنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

و هم از وی روایت است گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم

لا عدوى ولا طيرة ولا هامة ولا صفر وفر من

نیست سرایت کردن علت از یکی بدیگری و نیست طیره و نه هامه و نه صفر و بگریز از

المجذوم كما تفر من الاسد رواه البخاري وعن

مجذوم چنانکه بگریزی از شیر رواه البخاری و از

عبد الله بن مسعود رض عن رسول الله صلى الله عليه

عبد الله بن مسعود رض مرویست که آنحضرت صلی الله علیه

وسلم قال الطيرة شرك قاله ثلثا وما منا الا ولكن

وسلم فرمود فال بد گرفتن از اعمال شرک است این سخن را سه بار فرمود و فرمود نیست هیچ کس از ما

الله يذهبه بالتوكل رواه ابو داود والترمذي

ولیکن خداتعالی می برد آنرا بسبب توکل رواه ابو داود و ترمذی

وعن بريدة رض ان النبي صلى الله عليه وسلم

و روایت است از بریده رض که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

كان لا يتطير من شيء فاذا بعث عاملا سال عن اسمه

بود که فال بد نمی گرفت از هیچ چیز پس چون می فرستاد کسی را بعملی می پرسید نام او را

فاذا كان اعجبه اسمه فرح به ورئي بشر ذلك

پس چون خوش می آمد آنحضرت صلعم را نام وی خوشحال می شدند بان و ظاهر میشد اثر خوشحالی آن

في وجهه وان كره اسمه رئي كراهة ذلك

از روی مبارک وی صلعم و اگر مکروه میداشت نام وی را دیده میشد اثر کراهت آن

في وجهه فاذا دخل قرية سال عن اسمها فان

در روی مبارک وی صلعم پس چون در می آمد دیهی را می پرسید نام آن را پس اگر

اعجبه اسمها فرح بها ورئي بشر ذلك في وجهه

خوش می آمد آنحضرت را نام وی خوشحال میشدند بان و دیده میشد اثر خوشحالی آن در روی مبارک وی صلعم

وان كتمه اسمها رأى كراهية ذلك في وجهه رواه ابو داود

واگر ناخوش شنیدی نام او را ظاهر شدی اثر ناخوشی آن در روی شریف وی صلعم رواه ابو داود

باب الكهانة

عن عائشة رض قالت سمعت رسول الله صلى

از عائشه رض مرویست که گفت شنیدم آنحضرت صلی

الله عليه وسلم يقول ان الملائكة تنزل في العنان

الله علیه وسلم را که میفرمود بدرستیکه فرشتگان فرود می آیند در عنان

وهو السحاب فتذكر الامر قضى في السماء فتسترق

که وی سحاب است پس ذکر کنند کاری را که قضا کرده شده است در آسمان پس می دزدند

الشياطين السمع فتسمعه فتوحيه الى الكهان

شیاطین سمع را پس می شنوند پس میاندازند آنرا بسوی کاهنان

فيكذبون معها مائة كذبة من عند انفسهم رواه

پس دروغ بر می بندند کاهنان با آن کلمات صد دروغ را از نزد خود رواه

البخاري وعن حفصة رض قالت قال رسول الله

بخاری رح و در روایتست از حفصه رض گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من اتى عرافا فسأله عن شيء

صلی الله علیه وسلم کسیکه بیاید عراف را پس بپرسد آنرا از چیزی

لم تقبل له صلاة اربعين ليلة رواه مسلم

قبول کرده نشود آنکس را نماز چهل شب و روز رواه مسلم

وعن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله

و مرویست از ابن عباس رض گفت فرمود آنحضرت صلی الله

عليه وسلم من اقتبس علما من النجوم اقتبس شعبة من

عليه وسلم هر كه حاصل بكند پاره از علم نجوم حاصل ميكند شاخ از

السحر زاد ما زاد رواه احمد وابو داود وابن ماجة

سحر زيادت كرد اقتباس سحر را چندانكه زيادت كرد اقتباس نجوم را روايت كرد احمد وابو داود وابن

وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله صلى

واز ابي هريرة رض گفت فرمود آنحضرت صلى الله

عليه وسلم من اتى كاهنا فصدقه بما يقول او اتى

عليه وسلم هر كه بيايد كاهن را پس تصديق كند در آنچه گويد يا بيايد

امرأته حائضا او اتى امرأته في دبرها فقد برئ

يعني وطي كند زن خود را در حالت حيض يا وطي كند زن خود را در دبر او پس بتحقيق بيزار شد

مما انزل على محمد صلى الله عليه وسلم رواه

از آنچه فرستاده شده است بر محمد صلى الله عليه وسلم روايت

احمد وابو داود وعن قتادة رض قال خلق الله

احمد وابو داود واز قتاده رض مرويست گفت كه پيدا كرد خداي تعالى

تعالى هذه النجوم لثلث جعلها زينة للسماء ورجوما

اين ستاره ها را براي سه فائده اول گردانيده است الله تعالى آنرا زينت

للشياطين وعلامات يهتدى بها فمن تاول فيها

مر شياطين را و نشانها كه راه يافته شود بدان پس كسيكه بيان كرد در

بغير ذلك اخطأ واضاع نصيبه وتكلف ما لا

سواي اين خطا كرد و ضايع كرد نصيب خود را و بر خود گرفت كاري را كه

يعلم رواه البخاري تعليقا وفي رواية رزين

نميداند روايت كرد بخاري تعليقا ... و در روايت رزين ايهم

وَتَكَلَّفَ مَا لَا يَعْنِيهِ وَمَا لَا عِلْمَ لَهُ بِهِ وَمَا عَجَزَ عَنْ عِلْمِهِ

و تکلف کرد چیزی که سود مند نیست و چیزی که نیست او را علم بدان و تکلف کرد در دانستن چیزی

الْأَنْبِيَاءُ وَالْمَلٰئِكَةُ وَعَنِ الرَّبِيعِ مِثْلُهُ وَزَادَ وَاللّٰهِ مَا جَعَلَ

پیغمبران و فرشتگان و از ربیع مرویست مانند آن و زیاده کرد و سوگند بخدا نگردانیده ٢

اللّٰهُ فِي نَجْمٍ حَيٰوةَ أَحَدٍ وَلَا رِزْقَهُ وَلَا مَوْتَهُ وَإِنَّمَا يَفْتَرُونَ

الله تعالی در هیچ کوکبی زندگانی کسی و نه رزق کسی و نه موت کسی و جز این نیست که بر می بندند

عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَيَتَعَلَّلُونَ بِالنُّجُومِ وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رض

بر خدا تعالی دروغ را و بهانه می جویند به نجوم و روایت است از ابن عباس رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنِ اقْتَبَسَ

گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم کسیکه حاصل کند

بَابًا مِّنْ عِلْمِ النُّجُومِ لِغَيْرِ مَا ذَكَرَ اللّٰهُ فَقَدِ اقْتَبَسَ

علم نجوم را برای غیر آنچه که ذکر کرده است الله تعالی پس تحقیق حاصل کرد

شُعْبَةً مِّنَ السِّحْرِ الْمُنَجِّمُ كَاهِنٌ وَالْكَاهِنُ سَاحِرٌ

شعبه از سحر منجم حکم کاهن دارد و کاهن حکم ساحر

وَالسَّاحِرُ كَافِرٌ رَوَاهُ رَزِينٌ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ رض

و ساحر کافر است روایت کرده رزین و از ابی سعید رض

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ

گفت فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر

أَمْسَكَ اللّٰهُ الْقَطْرَ عَنْ عِبَادِهِ خَمْسَ سِنِينَ ثُمَّ أَرْسَلَهُ

بند کند خدا تعالی باران را از بندگان خود پنج سال مثلاً پس فرستد آنرا

لَأَصْبَحَتْ طَائِفَةٌ مِّنَ النَّاسِ كَافِرِينَ يَقُولُونَ سُقِينَا

هر آئینه صبح کنند طائفه از مردم بحالت کفر میگویند آب داده شدیم ما

بنوع المجرح رواه النسائي

بمنزلہ نمبر کہ نام و کے مجروح سنت رواہ النسائی

باب الرؤيا

عن ابي هريرة رض ان رسول الله صلى الله عليه وسلم

از ابی ہریرہ رض مرویست کہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم

قال من راني في المنام فقد راني فان الشيطان لا يتمثل

فرمود کسیکہ دید مرا در خواب پس بتحقیق دید مرا زیرا کہ شیطان تمثل نمی تواند

في صورتي متفق عليه وعن ابي هريرة رض قال قال رسول الله

در صورت من متفق علیہ و از ابی ہریرہ رض مرویست گفت فرمود آنحضرت

صلى الله عليه وسلم من راني في المنام فسيراني

صلی اللہ علیہ وسلم کسیکہ دید مرا در خواب پس قریب است کہ ببیند مرا

في اليقظة ولا يتمثل الشيطان بي متفق عليه وعن

در بیداری و نمی تواند کہ تمثیل کند شیطان بصورت من متفق علیہ و از

ابي قتادة رض قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابی قتادہ رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم

الرؤيا الصالحة من الله والحلم من الشيطان فاذا راى

خوابهای خوش از جانب خدا است و علامت لطف اوست و خوابهای ناخوش از شیطان است پس چون

احدكم ما يحب فلا يحدث به الا من يحب واذا راى

ببیند یکی از شما خوابی کہ خوش دارد آنرا پس باید کہ نگوید مگر کسی را کہ دوست دارد و چون ببیند

ما يكره فليتعوذ بالله من شرها ومن شر الشيطان

خوابی را کہ ناخوش دارد آنرا پس باید کہ پناه جوید بخدا از شر آن و از شر شیطان

وليتفل ثلثا ولا يحدث بها احدا فانها لن تضره

و باید که تف کند سه بار و نگوید آن خواب را بکسی زیرا که نگفتن البته ضرر نمی کند او را

متفق عليه وعن جابر رض قال قال رسول الله صلى

متفق علیه واز جابر رض مرویست گفت فرمود رسول خدا صلی

الله عليه وسلم اذا راى احدكم الرؤيا يكرهها

الله علیه وسلم چون ببیند یکے از شما خوابی را که ناخوش دارد آن را

فليبصق عن يساره ثلثا وليستعذ بالله من الشيطان ثلثا

پس باید که آب از دهن افگند بجانب دست چپ خود سه بار و باید که پناه جوید بخدا از شیطان سه بار

وليتحول عن جنبه الذي كان عليه رواه مسلم

و باید که بگردد از پهلوی خود که بود بران پهلو رواه مسلم

وعن ابي رزين العقيلي رض قال قال رسول الله

واز ابی رزین عقیلی رض مرویست گفت فرمود رسول خدا

صلى الله عليه وسلم رؤيا المؤمن جزء من ستة

صلی الله علیه وسلم خوابهای مومن پاره ایست از چهل

واربعين جزءا من النبوة وهي على رجل طائر

وشش پاره ها از نبوت واین رؤیا بر پای طایر یست

ما لم يحدث بها فاذا حدث بها وقعت واحسبه قال

تا آنکه نگفته است آنرا پس چون گفت خواب را باغیر واقع میگردد و آنگاه تعبیر کرده و می پندارم آنحضرت گفت

لا تحدث الا حبيبا او لبيبا رواه الترمذي وعن

که فرمود مگو خواب را مگر با دوست یا شخص دانا رواه ترمذی و مرویست از

ابن عباس رض قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم

ابن عباس رض گفت شنیدم آنحضرت صلی الله علیه وسلم را

يقولون تختر بيها افتره كلمة اقعد بين شعرتاية

که میفرستو کسیکه دروغ بند و خدا را کند اثر انکلیف کرده بشو کیند مبا

ولن يفعل ومن اتبع الشيطان وهم له كارهون

و هرگز نمی تواند کرد و کسیکه گوش می دهد سخن را انرا الشنود حال انکه

او يفرون منه صب في الا نار يوم القيمة ومن

ابیگریزند از وسے بشود روز قیامت

صور عصاة عذاب وخشيت ان ينفخ فيها

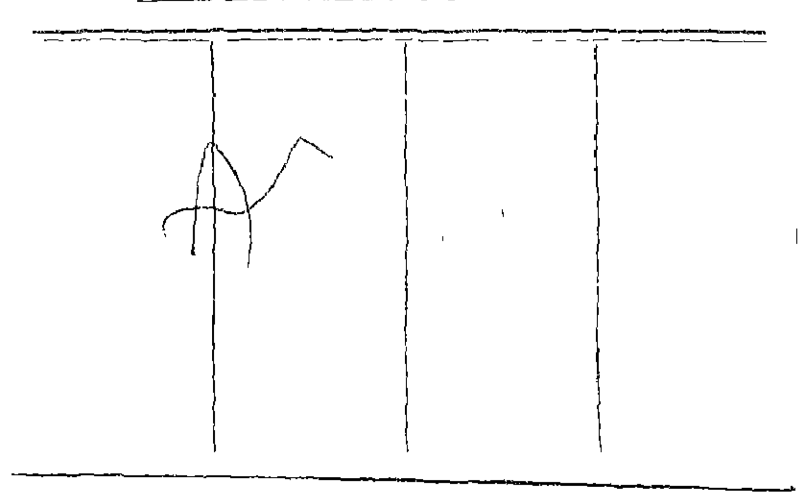
و کسیکه تصویر کشد صورت را عذاب کرده میشود و تکلیف کرده میشود اینکه روح دمد

وليس بنافخ روحا فيها ابدا

و نیست دردمنده روح ابدا سلم

A. AD
A M U

CALL No. { ۲۹۷۰۶ ۲ م ۱۹ ع
ACC. No. ۱۳۸۸۴
AUTHOR محمد رمضان
TITLE خیر المواعظ





MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.